



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی

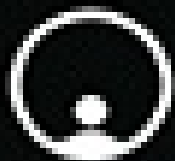


عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

از رسم المصحف تا رسم بریل

محمد توری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از رسم المصحف تا رسم بریل

نویسنده:

محمد نوری

ناشر چاپی:

توانمندان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	از رسم المصحف تا رسم بریل
۱۲	مشخصات کتاب
۱۳	اشاره
۱۷	فهرست
۲۵	مقدمه
۲۸	نگاهی به این کتاب
۳۲	بخش نخست: کتابت قرآن کریم
۳۲	اشاره
۳۴	فصل اول: دانش رسم المصحف
۳۴	اشاره
۳۴	تعریف و ماهیت
۳۶	پیدایش
۴۰	ویژگی های خط نگارشی قرآن و جایگاه رسم
۴۵	علت پیدایش رسم المصحف
۵۱	فصل دوم: تاریخ تحولات
۵۱	اشاره
۵۱	دوره رسالت
۵۱	اشاره
۵۳	دیدگاه مرحوم شریعتی
۶۱	پس از رحلت تا اتمام عصر عثمانی
۶۱	اشاره
۶۱	مصحف های صحابه
۶۷	مصحف امام علی (ع)

۶۷	مصحف زید بن ثابت
۶۹	موضع امام علی(ع) در مورد مصاحف
۷۳	دوره عثمانی (۲۵ تا ۳۰ق)
۹۷	دوره پس از مصاحف عثمانی تا پیدایش این مقله (۳۰ تا سده چهارم قمری)
۱۰۱	سده پنجم تا سیزدهم قمری
۱۰۹	دوره جدید
۱۴۷	فصل سوم: کلمات اختلافی
۱۴۷	اشاره
۱۴۷	تقسیم چهارگانه کلمات اختلافی
۱۴۹	عدم تطابق رسم و املاء
۱۵۷	قواعد عام رسم المصحف
۱۶۴	دیدگاه علمای شیعه
۱۷۱	اقوال اهل سنت
۱۷۵	ضابطه مندی و توجیه
۱۸۰	ریشه اختلافات نگارشی
۱۹۲	نقد دیدگاه رجیبی
۱۹۹	بخش دوم: مصحف بریل در ایران
۱۹۹	اشاره
۲۰۱	فصل اول: ورود بریل و تاریخ نشر قرآن بریل
۲۰۱	اشاره
۲۰۱	زمینه های آشنایی
۲۰۲	ورود خط بریل به ایران و استفاده محدود (دوره نخست: ۱۲۹۹-۱۳۳۱)
۲۰۶	تصویب رسمی و گسترش همگانی (دوره دوم: ۱۳۳۱-۱۳۶۰)
۲۱۲	افزایش نقش دولت و محدودیت مراکز مردمی (دوره سوم: ۱۳۶۱-۱۳۸۰)
۲۲۰	ورود به عرصه های عالی فرهنگ و جامعه (دوره چهارم: ۱۳۸۱ تاکنون)
۲۲۲	گسترش بریل آموزشی

۲۲۴	آموزش نابینایان و توسعه خط بریل
۲۲۹	چاپ و نشر متون بریل
۲۳۱	فصل دوم: آسیب شناسی قرآن بریل
۲۳۱	اشاره
۲۳۱	شناخت ابعاد و جوانب
۲۳۳	تاریخ نگاری
۲۳۵	تولید قرآن بریل
۲۳۷	درباره قرآن بریل
۲۳۷	کوتاه نویسی
۲۳۸	همسان سازی
۲۴۴	اقتصاد بریل
۲۴۸	فصل سوم: همسان سازی قرآن بریل در ایران
۲۴۸	اشاره
۲۴۸	دستاوردها در زمینه رسم الخط قرآن کریم
۲۴۸	اشاره
۲۵۰	قواعد کتابت
۲۵۰	دستاوردها و نتایج
۲۵۲	قواعد و ضوابط
۲۶۲	شیوه شناسی برجسته نگاری قرآن کریم
۲۶۲	اشاره
۲۶۴	علائم خط برجسته اسلامی در حرکات
۲۶۸	وقف و علائم آن
۲۷۲	نظام نوشتاری قرآن بریل فارسی
۲۷۴	نخستین فعالیت رسمی برای همسان سازی
۲۷۴	اشاره
۲۷۵	جلسه تدوین آیین نامه برای همسان سازی

۲۸۱	متن آیین نامه
۲۸۹	فعالیت دیگر کشورها
۲۹۱	فصل چهارم: قرآن ملی
۲۹۱	اشاره
۲۹۱	طاهر خوشنویس، خطاط مشهور ایرانی
۲۹۲	نیریزی خطاط قرآن کریم
۲۹۴	عثمان طه (متولد حلب ۱۹۳۴م)
۲۹۵	مقایسه و نتیجه گیری
۲۹۸	فصل پنجم: فعالیت های سازمان یافته ایرانیان
۲۹۸	اشاره
۲۹۸	دوره نخست خط بریل در ایران
۳۰۱	دوره ورود دولت
۳۰۵	مدرسه اصولی، ۱۳۳۸
۳۰۶	تأسیس آموزشگاه رضا پهلوی، ۱۳۴۳
۳۰۹	مؤسسه رودکی تهران
۳۱۸	مجتمع خزانلی، ۱۳۴۴
۳۲۶	آموزشگاه رودکی اهواز، ۱۳۴۵
۳۲۸	آموزشگاه شوریده شیرازی شیراز، ۱۳۴۴
۳۳۲	مؤسسه آموزشی ابابصیر اصفهان، ۱۳۴۸
۳۳۴	مدرسه امید مشهد، ۱۳۶۳
۳۳۵	مدرسه حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه شهر ری، ۱۳۶۵
۳۳۵	مجتمع نرگس و مجتمع محبی تهران، ۱۳۵۹
۳۳۶	مجتمع آموزشی پویا کرج، ۱۳۶۴
۳۳۸	بخش نایبانیان کتابخانه ملی ایران تهران، ۱۳۸۲
۳۴۰	بنیاد قرآنی روشندان اصفهان
۳۴۶	کتابخانه آیت الله خامنه ای قم

۳۵۰	دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۰
۳۵۳	دانشگاه فردوسی (تاک)
۳۵۵	جامعه نابینایان ثامن الائمه مشهد
۳۶۲	بخش سوم: مصحف بریل در جهان
۳۶۲	اشاره
۳۶۴	فصل اول: توسعه فرهنگی با خط و متون بریل
۳۶۴	اشاره
۳۶۴	افزایش بهره دهی بریل
۳۶۸	پیشرفت ها و دستاوردها
۳۷۶	فصل دوم: وضعیت قرآن بریل در کشورهای اسلامی
۳۷۶	اشاره
۳۷۶	آفریقای جنوبی
۳۷۶	اردن
۳۸۵	ازبکستان
۳۸۵	الجزایر
۳۸۵	اندونزی
۳۸۸	بوسنی
۳۸۸	تاجیکستان
۳۸۸	ترکیه
۳۹۰	روسیه
۳۹۲	عربستان سعودی
۳۹۸	قطر
۳۹۸	کویت
۴۰۰	لیبی
۴۰۰	مالزی
۴۰۲	مراکش

۴۰۴	مصر
۴۱۳	یمن
۴۱۳	دیگر نقاط جهان اسلام
۴۱۵	فصل سوم: تجربه آموزی
۴۱۵	اشاره
۴۱۵	پرکینز
۴۱۵	مآخذشناسی متون بریل
۴۱۶	نشریات
۴۱۸	بریل پژوهی
۴۱۸	نتیجه گیری
۴۲۱	فصل چهارم: اطلاع رسانی
۴۲۱	اشاره
۴۲۱	کنفرانس بین المللی قرآن های بریل
۴۲۷	توسعه بریل
۴۲۷	سایت قرآن بریل
۴۲۹	سایت کتاب
۴۲۹	برایل عربی
۴۲۹	شبکه الألوکه
۴۳۲	فصل پنجم: فناوری های قرآن بریل
۴۳۲	اشاره
۴۳۲	نرم افزار کرزویل
۴۳۲	لوح و قلم
۴۳۴	دستگاه تایپ پرکینز
۴۴۲	دستگاه بریل گویا
۴۴۴	دستگاه نوشتاری بریل
۴۴۶	چاپگر

۴۴۶ فناوری مدرن در خدمت قرآن بریل

۴۵۰ منابع و مآخذ

۴۶۴ فهرست تفصیلی

۴۸۰ درباره مرکز

از رسم المصحف تا رسم بریل

مشخصات کتاب

سرشناسه: نوری، محمد ۱۳۴۰ شہریور -

عنوان و نام پدید آور: از رسم المصحف تا رسم بریل/محمد نوری؛ ویراستار محمدعلی کوشا.

مشخصات نشر: قم: توانمندان: دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاہری: ۲۷۲ ص.: جدول.

شابک: ۲۵۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۳۱۱-۱-۰

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: واژه نامہ.

یادداشت: کتابنامہ.

موضوع: قرآن -- رسم الخط و کتابت

موضوع: Qur'an -- Orthography

موضوع: قرآن -- رسم الخط و کتابت (بریل)

موضوع: (Qur'an -- Orthography (Braille

شناسه افزوده: دفتر فرهنگ معلولین

ردہ بندی کنگرہ: ۱۳۹۷ الف ۴/ن ۷۳/ BP

ردہ بندی دیویی: ۱۵۳/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۶۱۶۵۹

قم، بلوار محمدامین، خیابان گلستان، کوچه ۱۱، پلاک ۴، دفتر فرهنگ معلولین

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵-۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com , www.DataDisability.com

info@handicapcenter.com

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

مقدمه. ۹

نگاهی به این کتاب.. ۱۱

بخش نخست: کتابت قرآن کریم

فصل اول: دانش رسم المصحف... ۱۵

تعریف و ماهیت.. ۱۵

پیدایش... ۱۶

ویژگی های خط نگارشی قرآن و جایگاه رسم. ۱۸

علت پیدایش رسم المصحف.. ۲۱

فصل دوم: تاریخ تحولات... ۲۵

دوره رسالت.. ۲۵

دیدگاه مرحوم شریعتی.. ۲۶

پس از رحلت تا اتمام عصر عثمانی.. ۳۰

مصحف های صحابه. ۳۰

مصحف امام علی (ع). ۳۳

مصحف زید بن ثابت.. ۳۳

موضع امام علی (ع) در مورد مصاحف.. ۳۴

دوره عثمانی (۲۵ تا ۳۰ق). ۳۶

دوره پس از مصاحف عثمانی تا پیدایش ابن مقله (۳۰ تا سده چهارم قمری) ۴۹

سده پنجم تا سیزدهم قمری.. ۵۲

فصل سوم: کلمات اختلافی... ۷۹

تقسیم چهارگانه کلمات اختلافی.. ۷۹

عدم تطابق رسم و املاء. ۸۰

قواعد عام رسم المصحف.. ۸۴

دیدگاه علمای شیعه. ۸۷

اقوال اهل سنت.. ۹۱

ضابطه مندی و توجیه. ۹۳

ریشه اختلافات نگارشی.. ۹۶

نقد دیدگاه رجبی.. ۱۰۲

بخش دوم: مصحف بریل در ایران

فصل اول: ورود بریل و تاریخ نشر قرآن بریل .. ۱۰۹

زمینه های آشنایی .. ۱۰۹

ورود خط بریل به ایران و استفاده محدود (دوره نخست: ۱۲۹۹-۱۳۳۱). ۱۱۰

تصویب رسمی و گسترش همگانی (دوره دوم: ۱۳۳۱-۱۳۶۰). ۱۱۲

افزایش نقش دولت و محدودیت مراکز مردمی (دوره سوم: ۱۳۶۱-۱۳۸۰). ۱۱۵

ورود به عرصه های عالی فرهنگ و جامعه (دوره چهارم: ۱۳۸۱ تاکنون). ۱۱۹

گسترش بریل آموزشی .. ۱۲۱

آموزش نابینایان و توسعه خط بریل .. ۱۲۲

چاپ و نشر متون بریل .. ۱۲۵

فصل دوم: آسیب شناسی قرآن بریل .. ۱۲۷

شناخت ابعاد و جوانب .. ۱۲۷

تاریخ نگاری .. ۱۲۸

تولید قرآن بریل .. ۱۲۹

درباره قرآن بریل .. ۱۳۰

کوتاه نویسی .. ۱۳۰

همسان سازی .. ۱۳۱

اقتصاد بریل .. ۱۳۴

فصل سوم: همسان سازی قرآن بریل در ایران .. ۱۳۷

دستاوردها در زمینه رسم الخط قرآن کریم. ۱۳۷

قواعد کتابت.. ۱۳۸

دستاوردها و نتایج. ۱۳۸

قواعد و ضوابط.. ۱۳۹

شیوه شناسی برجسته نگاری قرآن کریم. ۱۴۴

علائم خط برجسته اسلامی در حرکات.. ۱۴۵

وقف و علائم آن. ۱۴۷

نظام نوشتاری قرآن بریل فارسی.. ۱۴۹

نخستین فعالیت رسمی برای همسان سازی.. ۱۵۰

جلسه تدوین آیین نامه برای همسان سازی.. ۱۵۱

متن آیین نامه. ۱۵۵

فعالیت دیگر کشورها ۱۵۹

فصل چهارم: قرآن ملی... ۱۶۱

طاہر خوشنویس، خطاط مشهور ایرانی.. ۱۶۱

نیریزی خطاط قرآن کریم. ۱۶۲

عثمان طه. ۱۶۳

مقایسه و نتیجه گیری.. ۱۶۴

ص: ۶

فصل پنجم: فعالیت های سازمان یافته ایرانیان.. ۱۶۷

دوره نخست خط بریل در ایران. ۱۶۷

دوره ورود دولت.. ۱۶۹

مدرسه اصولی، ۱۳۳۸. ۱۷۲

تأسیس آموزشگاه رضا پهلوی، ۱۳۴۳. ۱۷۳

مؤسسه رودکی تهران. ۱۷۵

مجتمع خزائلی، ۱۳۴۴. ۱۸۰

آموزشگاه رودکی اهواز، ۱۳۴۵. ۱۸۴

آموزشگاه شوریده شیرازی شیراز، ۱۳۴۴. ۱۸۵

مؤسسه آموزشی ابابصیر اصفهان، ۱۳۴۸. ۱۸۸

مدرسه امید مشهد، ۱۳۶۳. ۱۸۹

مدرسه حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه شهر ری، ۱۳۶۵. ۱۹۰

مجتمع نرگس و مجتمع محبی تهران، ۱۳۵۹. ۱۹۰

مجتمع آموزشی پویا کرج، ۱۳۶۴. ۱۹۱

بخش نابینایان کتابخانه ملی ایران تهران، ۱۳۸۲. ۱۹۲

بنیاد قرآنی روشندان اصفهان. ۱۹۳

کتابخانه آیت الله خامنه ای قم. ۱۹۶

دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۰. ۱۹۸

دانشگاه فردوسی (تاک) ۲۰۰

جامعه نابینایان ثامن الائمه مشهد. ۲۰۱

بخش سوم: مصحف بریل در جهان

فصل اول: توسعه فرهنگی با خط و متون بریل .. ۲۰۷

افزایش بهره دهی بریل .. ۲۰۷

پیشرفت ها و دستاوردها ۲۰۹

فصل دوم: وضعیت قرآن بریل در کشورهای اسلامی ... ۲۱۵

آفریقای جنوبی .. ۲۱۵

اردن. ۲۱۵

ازبکستان. ۲۲۰

الجزایر. ۲۲۰

اندونزی .. ۲۲۰

بوسنی .. ۲۲۲

تاجیکستان. ۲۲۲

ترکیه. ۲۲۲

روسیه. ۲۲۳

عربستان سعودی .. ۲۲۴

قطر. ۲۲۷

ص: ۷

کویت.. ۲۲۷

لیبی.. ۲۲۸

مالزی.. ۲۲۸

مراکش... ۲۲۹

مصر.. ۲۳۰

یمن.. ۲۳۵

دیگر نقاط جهان اسلام. ۲۳۵

فصل سوم: تجربه آموزی... ۲۳۷

پرکینز. ۲۳۷

مأخذشناسی متون بریل.. ۲۳۷

نشریات.. ۲۳۸

بریل پژوهی.. ۲۳۹

نتیجه گیری.. ۲۳۹

فصل چهارم: اطلاع رسانی... ۲۴۱

کنفرانس بین المللی قرآن های بریل.. ۲۴۱

توسعه بریل.. ۲۴۴

سایت قرآن بریل.. ۲۴۴

سایت کتاب.. ۲۴۵

برایل عربی.. ۲۴۵

شبکه الألوکه. ۲۴۵

فصل پنجم: فناوری های قرآن بریل.. ۲۴۷

نرم افزار کرزویل.. ۲۴۷

لوح و قلم. ۲۴۷

دستگاه تایپ پرکینز. ۲۴۸

دستگاه بریل گویا ۲۵۲

دستگاه نوشتاری بریل.. ۲۵۳

چاپگر. ۲۵۴

فناوری مدرن در خدمت قرآن بریل.. ۲۵۴

منابع و مآخذ. ۲۵۷

فهرست تفصیلی ۲۶۵

ص: ۸

نگارش و کتابت قرآن کریم در علوم قرآن جایگاه ویژه و اهمیت خاصی دارد. تعدد کاتبان وحی و کثرت نویسندگان قرآن کریم در ادوار بعد موجب پیدایش اختلافاتی در رسم الخط قرآن ها شده است. پیدایش صنعت چاپ و نشر بر این مشکل افزود؛ زیرا هر ناشری به سلیقه خود یک جور خط و یک قلم خاص برای قرآن انتخاب می کرد و بر تشتت ها افزوده شد. تا اینکه نهادهای نظارتی مثل دارالقرآن الکریم تأسیس شدند و تا اندازه زیاد به این وضع خاتمه دادند.

اما اختلافات نگارشی قرآن منشأهای مختلف دارد. برای مثال در همه زبان ها، کلماتی هست که نوشتن آن با خواندنش متفاوت است. در زبان عربی هم به رغم دقت های کاتبان وحی و حتی املاء کلمه به کلمه حضرت رسول (ص) به کاتبان، باز به دلیل خطاهای کاتبان وحی یا ناقص بودن خط در آن زمان یا اشکالاتی که پس از دوره رسول خدا صلی الله علیه وارد قرآن عثمانی شد، موجب بروز اشکالاتی در بعضی کلمات قرآن شده است. (۱)

آقای فضلای از دانشمندان شیعه می گوید: «اشکالات موجود در کلماتی از قرآن اگر با درایت پیگیری نشود موجب تشتت در امت اسلامی می شود و اتحاد و اتفاق مسلمانان را به خطر می اندازد». (۲) به نظر ایشان قاریان باید رسم الخط مخالف و موافق با قرائت را بیاموزند و با دقت و درایت عمل نمایند. هر چند که توجه به قرائت و تلاوت قرآن کریم امری همگانی است.

اما افراد دارای معلولیت از ابتدای نزول قرآن کریم، علاقه خاصی به آن پیدا کردند؛ چون شفاء و رحمت الهی را در آن می یافتند. از این رو همواره به حفظ و قرائت و ترویج آن اهتمام می ورزیدند. اما آنان درصدد بودند قرآنی را مطالعه کنند که نگارش آن صحیح باشد.

در مورد خط بریل موضع حساس تر و حادث تر بوده و مؤسساتی که به برگردان قرآن به خط بریل مشغول بوده باید قرآنی را مبنای کارشان قرار می دادند که اشکالات نگارشی کمتر داشت.

حتی به رغم تأسیس دارالقرآن و اینکه ناشران قرآن باید از این نهاد مجوز بگیرد و صدور مجوز هم منوط به رعایت ضوابط است. ولی هنوز در زمینه قرآن بریل تشتت مشاهده می شود. حدود پنجاه ناشر قرآن بریل در ایران و بیش از یکصد ناشر بریل در جهان با سلاقی مختلف و مبانی گوناگون مشغول چاپ و نشر قرآن بریل هستند؛ هر مرکزی با چند میلیون تومان یعنی به اندازه قیمت یک دستگاه فتوکپی می تواند دستگاه بریل تهیه و شروع به انتشار قرآن به خط بریل نماید. اما مسائلی مثل اینکه آیا این ناشر صلاحیت دارد یا نه و اهلیت آن تا چه اندازه است؟ اصلاً مطرح نیست. از این رو قرآن های منتشره به خط بریل دارای اشکالاتی است. مهم ترین مشکل آنها تعارض و اختلاف در برخی واژه ها است. زیرا هر یک از مراکز بدون کارشناسی و مطالعه؛ قرآنی را گزینش و آن را به بریل

۱- . رسم المصحف و ویژگی ها و دیدگاه ها، ص ۱۹.

۲- . القرائات القرآنیة، عبدالهادی الفضلی، ص ۷۵.

تبدیل می کنند. با اینکه مثلاً قرآن به خط عثمان طه با اینکه بسیار مشهور است و شهرت آن باعث شده که چشم بسته تبدیل به بریل کنند. به گفته قرآن پژوه معاصر، مرحوم آیت الله معرفت اشکالات بسیار در نگارش عثمان طه هست. بنابراین لازم است اولاً بررسی و دقت بیشتری به عمل آید؛ ثانیاً در بریل نمودن قرآن هم ضوابط مراعات گردد.

برای سامان دادن رسم الخط قرآن به بریل لازم است نخست در مورد قرآن مبدأ یعنی قرآنی که به بریل تبدیل خواهد شد؛ بحث کنیم. سپس به خود بریل و ضوابط آن و شیوه صحیح بریل سازی پردازیم. از این رو این کتاب هم، در بخش نخست به قرآن مبدأ و در بخش دوم و سوم به بریل سازی قرآن در ایران و جهان می پردازد.

البته هدف اصلی، اجرای راهکاری برای سامان دهی به قرآن بریل و همسان سازی و ضابطه مند کردن چاپ و نشر قرآن بریل است. بالاخره قرآن بریل به ناچار با ترجمه قرآن دیگری فراهم آمده است. آن قرآن که ترجمه به بریل شده و آن را قرآن مبدأ می نامیم از سال ۱۳۵۸ با ورود قرآن به خط عثمان طه و فراگیر شدن آن در ایران، اغلب و اکثراً همین اثر یعنی قرآن عثمان طه را مبدأ قرار داده اند. اما قبل از ۱۳۵۸ قرآن های موجود در ایران اغلب و اکثراً به خط خطاطان مشهور ایرانی مثل طاهر خوشنویس و احمد نیریزی بود و دولت پهلوی هم به هر دلیل و با هر انگیزه مروج خط های ایرانی بود.

لازم به یادآوری است در دهه های اخیر، دولت سعودی، قرآن با خط عثمان طه را به عنوان قرآن ملی عربستان سعودی تصویب و تعیین کرد و سرمایه گذاری فراوان برای چاپ نشر این قرآن به کار برد به طوری که به سرعت در همه کشورها متداول گردید و رواج یافت.

ما به عنوان کشوری که در زمینه خط و خوشنویسی صاحب نظر و مکتب است، لازم است در قرآن هم، یک یا چند قرآن با نگارش خطاطان برجسته بومی و ایرانی ترویج گردد. و این قرآن به عنوان مبدأ تأیید شود و تبدیل و برگردان به خط بریل یا گویا و غیره گردد. امید است مسئولین این بخش زودتر و با وظیفه شناسی اقدامات عاجل انجام دهند.

کتاب حاضر در صدد است مسائل جاری در قرآن مبدأ برای بریل سازی را بازشناسی نماید و به آسیب شناسی آن پردازد و در ادامه چگونگی اجرای بریل مطلوب را توضیح می دهد و فعالیت های موجود در این زمینه را تجزیه و تحلیل می نماید.

امید است نخبگان و کارشناسان در این زمینه ما را یاری رسانده و در هر مورد اشتباه و خطایی مشاهده کردند، تذکر دهند. از تذکرات و نقدهای آنان سپاسگزاری خواهیم نمود و به اصلاح خواهیم پرداخت. فرض است از حجت الاسلام والمسلمین سید جواد شهرستانی نماینده آیت الله العظمی سید علی سیستانی مدظله که همواره با عنایات و مساعی خیرخواهانه، پشتیبان این اقدامات بوده و هستند، تشکر نماییم. همچنین از دانشمند و نویسنده قرآن پژوه حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدعلی کوشا به دلیل مشاوره و راهنمایی هایی که فرمودند؛ و پس از اتمام متن این کتاب، آن را تماماً مطالعه و نکات سودمندی تذکر داد نیز مقدمه ای بر این اثر نوشت و گزارش اجمالی ولی کامل از کل کتاب عرضه نمود، سپاس خاص داریم.

محمد نوری

بهار ۱۳۹۷

رسم الخط قرآن کریم از آغاز نزول وحی و کتابت آن به دست شماری از کاتبان آن عصر و سپس در دوران خلافت خلفای راشدین تا قرن سوم و پس از آن تا کنون مراحل گوناگونی را از جهت شکل نگارش و چگونگی اش طی کرده است. به همین جهت در مباحث علوم قرآنی، بحث از چند و چون رسم الخط قرآن، بحثی پر توجه و چالش برانگیز بوده و هنوز گفتنی‌ها درباره آن شایسته پیگیری و توجه است.

بی جهت نیست که در قرن هشتم هجری محمد بن عبدالله زرکشی (متوفای ۷۹۴) در کتاب ماندگارش «البرهان فی علوم القرآن» از میان ۴۷ موضوع از مباحث قرآنی اش، به موضوع رسم الخط قرآن عنایت خاص نموده است.

و همچنین جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱) در اثر ارجمندش «الاتقان فی علوم القرآن» ضمن برشمردن هشتاد بحث قرآنی، توجه خاصی به امر رسم الخط قرآن کریم نشان داده است.

جالب این است که در قرن چهاردهم هجری قمری، محمد عبدالعظیم زرقانی در کتاب معروف «مناهل العرفان فی علوم القرآن» خویش در این باره بیش از گذشتگان بحث نموده و با همه فراز و فرودهای رسم الخط قرآن در قرون گذشته، قائل به توقیفی بودن رسم الخط مصحف شده است!

از میان ده‌ها اثر علوم قرآنی از گذشته تا حال، دقیق‌ترین و جامع‌ترین آنها کتاب محققانه پراج و اعتبار «التمهید فی علوم القرآن» از مرحوم آیت الله شیخ محمد هادی معرفت است که درباره رسم الخط قرآن نکات مفید و ارزنده‌ای بیان داشته است.

علاوه بر این آثار، کتاب «رسم الخط» از غانم قدوری الحمد از اساتید دانشگاه بغداد نیز اثری کاوشگرانه و جامع در این موضوع به شمار می‌رود که در خصوص رسم الخط عثمانی بحث مبسوطی نموده است.

تصحیح اهمیت رسم الخط قرآن از وقتی که مسئله خط بریل برای نابینایان به عنوان یک ضرورت اساسی مطرح شد، دو چندان مورد توجه اهل فن آیین نگارش قرار گرفت که با تمام وجود دغدغه‌آشنایی نابینایان به فهم و مفاهیم قرآن دارند.

از زمانی که دفتر فرهنگ معلولین وابسته به دفتر مرجع بزرگ عالم تشیع حضرت آیت الله العظمی سیستانی دامت برکاته در قم تأسیس گردید و پا به پای ده‌ها کارپُر بار و برگ فرهنگی در ایران و عراق و دیگر کشورهای اسلامی از طرف این مرجع آینده‌نگر و آگاه با مدیریت عالم مدیر و مدبر حضرت آیت الله حاج آقا سید جواد شهرستانی دامت تأییداته، به فعالیت پرداخت روز به روز دامنه استقبال گروه قابل توجه معلولان به ویژه نابینایان از تلاش‌های بسیار دامنه دار و مؤثر دفتر معلولین در قم بیشتر گردید تا جایی که بسیاری از مراکز دولتی هم تحت تأثیر برنامه‌های متنوع این دفتر قرار گرفتند و ضمن همکاری‌هایی به تشویق دست اندرکارانش پرداختند و در شماری از برنامه‌های روشن‌گر و اثرگذار دفتر معلولین تشریک مساعی نمودند.

از جمله کارهای مفید این مرکز فرهنگی تلاش بی وقفه مدیر گرانقدر آن آقای محمد نوری در تألیف کتاب گران سنگ «از رسم المصحف تا رسم بریل» است که در نوع خود اثری جامع بر اساس منابع معتبر با استفاده از تحقیقات پژوهشگران آگاه به فن رسم الخط نگارش یافته است.

این کتاب در سه بخش:

الف - کتابت قرآن کریم ب - مصحف بریل در ایران ج - مصحف بریل در جهان

تألیف و تنظیم و تدوین گشته و هر بخشی نیز به فصولی که لازم و مربوط به آن بخش است اختصاص یافته و در مجموع، کتابی را عرضه کرده که در نوع خود خلأیی را پر نموده و راهکار و رهنمودی را بیان داشته که می تواند علاوه بر تجدید نظر در رسم الخط، راهی به سوی بهتر شدن رسم بریل بگشاید تا نابینایان عزیز بهتر بتوانند از قرآن و معارف والای آن استفاده نمایند.

سرفصل های بخش نخست این اثر با عناوین زیر گویای نقش آفرینی این کتاب در دایره کار خود است:

- دانش رسم الخط

- تاریخ تحولات رسم الخط

- موارد اختلافی

اما در بخش دوم، فصول این اثر حاکی از ضرورت توجه به این فن است:

- تاریخ نشر بریل

- شناخت بریل و آسیب شناسی آن

- همسان سازی قرآن بریل در ایران

- رسم الخط های پیشین تاکنون

- تلاشگران وادی خط بریل

و همچنین در بخش سوم این اثر، آگاهی های لازم به خواننده داده می شود که در سطح جهانی، خط بریل به قول معروف چه محلی از اعراب دارد؟ و چه کشورهایی در این باره به توفیقاتی نائل آمده اند؟

- توسعه فرهنگی با خط و متون بریل

- چگونگی خط بریل در سایر کشورها

- منابع اطلاع رسانی قرآن های بریل

- فناوری خط بریل و شکل های گوناگون آن

اینجانب که سال ها در وادی تحقیقات علوم قرآنی بوده و هستم، از عمق جان و بُنِ دندان تلاش های بسیار ارزنده فرهنگی دامنه دار دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی را با مدیریت حضرت آقای شهرستانی سلمه الله تعالی که به حق مصداق توسعه فرهنگی است، می ستایم و جهاد فرهنگی و فکری دفتر فرهنگ معلولین به مدیریت آقای محمد نوری ارج می نهم و مطالعه این اثر ارجمند را به همه دست اندرکاران کارهای قرآنی سفارش می کنم.

محمدعلی کوشا

۳۱ خرداد ۱۳۹۷

ص: ۱۲

بخش نخست: کتابت قرآن کریم

اشاره

فصل اول: دانش رسم المصحف

فصل دوم: تاریخ تحولات

فصل سوم: کلمات اختلافی

ص: ۱۳

از جمله شاخه های علوم قرآنی دانش رسم الخط قرآن کریم است. تغییر و تحوّل رسم الخط قرآن از خط کوفی به نسخ هر چند برای شماری از مردم کار خواندن قرآن را آسان تر ساخت اما تحولات خط نسخ هم در طول قرون چندان عاری از لغزش و خطا نبوده است. ولی کار رسم الخط برای نابینایان به گونه دیگری رقم خورد که بر چه معیار و میزانی انجام پذیرد؟

بریل به عنوان یک نوع رسم قرآنی در واقع رسم المصحف نابینایان است. شناخت پاره ای از مسائل و ابعاد رسم المصحف و تاریخ تحولات آن، مدیران و کارشناسان امور نابینایان و بریل را یاری می کند تا با چشم بازتر به برنامه ریزی بپردازند.

اما این فصل شامل بررسی ماهیت و تعریف رسم المصحف؛ علل و عوامل تاریخی پیدایش آن و جایگاه آن است.

تعریف و ماهیت

رسم به معنای اثر، اثر کتابت، تصویر کلمه و نگارش است. و رسم المصحف یعنی کتابت مجموعه اخبار و تجمیع آنها در جلد خاص است. (۱)

دهخدا به واژگان رسم، رسم الخط، رسم المهر، رسم دانی، رسم مرکب و ناقص و رسم نهادن پرداخته است. او معنای رسم را اینگونه بر می شمارد: اثر و نشانه نوشتن، مهر نهادن، نهادن، طریق و آیین.

رسم الخط: طرز و شیوه نگارش حروف، املاء و طریقه نوشتن

رسم المهر: مقرری و پولی که مهرداد پس از مهر زدن و امضاء کردن، دریافت می کند.

رسم تام و ناقص: نوعی تعریف منطقی است.

رسم نهادن: تصویب قانون و وضع مقررات است. (۲)

در قدیم، درسی در دوره متوسطه به نام «رسم» یا «رسم الخط» بود و دانش آموزان به تمرین خط و خوشنویسی، تحکیم ضوابط و آیین خوشنویسی و زیبانویسی می پرداختند.

اما پس از حادثه جمع آوری قرآن های موجود و یکسان و همسان سازی قرآن ها در زمان عثمان خلیفه سوم راشدین، رسم المصحف به همین حادثه اطلاق و رسم عثمانی مشهور شد. به تدریج کتابت و نگارش قرآن کریم به عنوان یکی از علوم قرآن مطرح شد؛ این علم را رسم المصحف یعنی

١- . نظرات فى رسم المصحف، ص ٤٧٧-٤٧٨.

٢- . لغت نامه، ج ٧، ص ١٠٦٠٩-١٠٦١٣.

آیین و روش نگارش قرآن نامیدند. (۱) بعضی این علم را «علم الرسم» یا علم رسم المصحف نامیده اند. (۲) بعضی آن را رسم الخط یا دستور خط یا آیین نگارش گفته اند. (۳)

خلاصه اینکه رسم از واژه هایی است که از نظر لغوی معنای متعدد دارد؛ دوم اینکه در علوم مختلف کاربرد دارد و به اقتضای هر علم، دارای مفهوم و تعریف متفاوت می باشد. اما در علوم قرآنی به صورت رسم المصحف به کار می رود و به معنای ضوابط و قواعد کتابت قرآن کریم است.

پس از اینکه در زمان عثمان قرآن به خط کوفی نوشته شد و همه قرآن ها با یک رسم الخط و یک آیین نامه و مقررات نوشته شد، این سبک نگارش به نام امام مشهور شد و مردم همه نوشته های خود را با الگوگیری از آن می نوشتند. یک پژوهشگر مصری در این باره نوشته است:

ان الخط العربی الذی استخدم فی کتابه القرآن الکریم هو ذلک الخط الذی ساد استعماله عند الناس فی کل امور الحیاه فی بدایه الاسلام و حتی ظهور المصرین، البصره، الکوفه؛ یقول الهورینی: کان اکثر الصحابه و التابعین و اتباعهم یوافقون الرسم المصحفی فی کل ما کتبا و لم یکن قرآناً و لاحدیثاً و یکرهون خلافه. (۴)

اما عده ای معتقدند دانش رسم الخط در زمان رسول خدا (ص) بوده و کاتبان وحی بر اساس آن عمل کرده اند.

پیدایش

تاریخ این دانش به کتابت قرآن در عهد نبوی برمی گردد و در آن زمان آیین و دستوری برای تدوین المصحف به کار گرفتند.

چون یکنواخت سازی متن مصاحف در زمان عثمان انجام گرفته است، در متون متأخر، اصطلاح «رسم الخط عثمانی» به جای «رسم الخط قرآن» به کار می رود؛ در حالی که عثمان و کمیته توحید مصاحف، در رسم الخط قرآن هیچ تغییری انجام ندادند و دقیقاً مطابق رسم الخطی که تحت نظارت و اشراف پیامبر اکرم انجام شد، عمل کردند.

دانش «رسم المصحف»، آیین نگارش و آداب کتابت قرآن را از طریق روایت بررسی می کند؛ (۵) یعنی کتابت، مستند به روایت است و معلمان و مقربان، صورت نوشتاری قرآن را نیز روایت می کردند؛ (۶) نافع بن عبدالرحمان (درگذشت ۱۶۹ق) از قاریان هفت گانه، امام اهل مدینه در رسم مصحف بود؛ در بصره، عاصم بن ابی الصباح جحدری (درگذشت ۱۲۸ق) و ابو عمرو بن علاء (درگذشت ۱۵۴ق) راوی رسم مصحف بودند. از پیشوایان رسم الخط قرآن در کوفه، حمزه بن حبیب زیات (درگذشت ۱۵۶ق) و علی بن حمزه کسایی (درگذشت ۱۸۷ق) بودند.

ص: ۱۶

- ۲- . نظرات فی رسم المصحف، ص ۴۷۹؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۹۰۲.
- ۳- . رسم المصحف ویزگی ها و دیدگاه ها، ص ۴۰.
- ۴- . نظرات فی رسم المصحف، ص ۴۷۸.
- ۵- . الاتقان سیوطی، نوع ۷۶؛ البرهان زرکشی، نوع ۲۵.
- ۶- . رسم الخط مصحف، قدوری ص ۵۵۹ و ۶۵۱؛ تاریخ نگارش های عربی، سزگین، ج ۱، ص ۳۵-۳۷.

از این رو علم رسم المصحف ابتدا مانند بسیاری دیگر از علوم قرآنی، بر پایه روایات شکل گرفت که در عصر تدوین علوم اسلامی، این روایات ثبت و ضبط شد (۱) و با گسترش علوم به ویژه ادبیات، صرف و نحو عربی و آموزش قرآن در جوامع غیرعربی، مباحث علم رسم المصحف نیز گسترش یافت و به تدریج این دانش در قرون بعد از روایی به تحلیلی تبدیل و آثاری درباره این علم نوشته شد.

اولین آثار در رسم المصحف: ابن ندیم (۲) اولین رساله هایی که در رسم المصحف تدوین شد، را نام برده است:

- الکتب المؤلفه فی مقطوع القرآن و موصوله؛ عبدالله بن عامر یحصبی (در گذشت ۱۱۸ق)، حمزه بن حبیب زیات کوفی و کسائی درباره قطع و وصل آثاری نوشته اند. این نوع رساله ها به بررسی و اتصال انفصال برخی از کلمات و حروف در رسم الخط قرآن پرداخته اند؛ مانند انفصال «بئس ما» و اتصال آن به صورت «بئسما».

- الکتب المؤلفه فی هجاء المصحف یحیی به حارث ذماری (م ۱۴۵ق)، ابن شیب، احمد بن ابراهیم وراق (در گذشت حدود ۲۷۰ق) و یعقوب بن ابی شیب، در این باره بعضی مطلب و آثار نوشته اند. «هجا» قواعد رسم الخط قرآن را هجاء می گفتند و بعدها اصطلاح «رسم» جای آن را گرفت.

- الکتب المؤلفه فی اختلاف المصاحف؛ کتاب اختلاف مصاحف الشام و الحجاز و العراق از ابن عامر؛ کتاب اختلاف مصاحف اهل المدینه و اهل الکوفه و اهل البصره از کسائی و اختلاف اهل الکوفه و البصره و الشام فی المصاحف از فراء (در گذشت ۲۰۷ق). منظور از اختلاف مصاحف ذکر شده عبارت است از:

۱. اختلاف هایی در رسم الخط که موجب اختلاف در قرائت نشده اند؛ حذف یا افزودن حروفی که ارزش آوایی ندارد: «لأوضعوا= لاوضعوا».

۲. تفاوت هایی که موجب اختلاف در قرائت شده اند؛ مانند حذف یا زیادت یک حرف؛ چنان که در مصحف مدینه: «و سارعوا الی مغفره» (آل عمران/۱۳۳)، بدون «و» و در مصحف مکه «نزل الملائکه تنزیلاً» (فرقان/۲۵) به صورت «و نزل» آمده است؛ یا تبدیل یک حرف به حرفی دیگر؛ مثلاً (و لایخاف عقبها) (شمس/۱۵) در مصحف مدینه «فلا یخاف» ثبت شده است؛ در مصحف مدینه کلمه «هو» از آیه «ان الله هو الغنی الحمید» (حدید/۲۴) حذف و در مصحف مکه، «من» به آیه (تجری تحتها النهار) (توبه/۱۰۰) اضافه شده است. مجموع اختلافات دسته دوم به ۴۰ مورد می رسد. (۳)

گرچه این رساله های کوچک به دست ما نرسیده است، ولی مطالب آنها همراه با شرح و تفصیل و مشاهدات عینی علمای رسم از روی مصاحف قدیمی در مهم ترین منابع رسم المصحف آمده است. برای نمونه زرکشی در البرهان (چاپ دارالمعرفه ۱۴۱۵ق)، نوع ۲۵؛ پورفرزب و دیگران در بررسی علمی - تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف، (ص ۲۸-۳۵)؛ قدوری، در رسم الخط مصحف

- ١- . رسم الخط مصحف، قدوری، ص ١٤٩-١٥٣.
- ٢- . الفهرست، ابن ندیم، ص ٣٨-٣٩.
- ٣- . المقنع، دانی، ص ٩٦-١١٧؛ رسم الخط مصحف، قدوری، ص ٦٣٧-٦٤٦.

(ص ۱۴۱-۱۷۰)؛ نائطی ارکائی در نثر المرجان فی رسم نظم القرآن (ده جلد) به این مبحث پرداخته اند.

بر پایه گزارش ابن ندیم نخستین تألیف در زمینه رسم الخط به اواخر قرن نخست قمری یا اوائل سده دوم قمری باز می گردد. معلوم می شود مسلمانان به مباحث این دانش اهمیت می دادند و بررسی مسائل آن را زودتر آغاز کردند و خیلی زود ساختار یک علم به خود گرفت.

ویژگی های خط نگارشی قرآن و جایگاه رسم

علوم قرآن ارتباطات و پیوندهای محتوایی با هم دارند. علم رسم المصحف به معنای آیین نگارش قرآن کریم با چند علم دیگر ارتباط وثیق دارد.

اما علم کتابت قرآن با دانش جمع آوری قرآن پیوندهایی دارد که ذیلاً توضیح داده می شود. از کتابت قرآن در زمان رسول الله (ص) با عنوان قرائت و جمع قرآن یاد می شود. البته خود جمع القرآن یکی از علوم قرآنی شده است.

کلمه «جمع» در این مقام در دو معنا به کار می رود: الف- حفظ کردن و به حافظه سپردن. ۲- گردآوری کردن و در مجموعه ای فراهم آوردن.

محمد بن سعد واقدی (درگذشت ۲۳۰ق) در کتاب الطبقات الکبری فصلی دارد با عنوان ذِکْر مَنْ جَمَعَ الْقُرْآنَ عَلٰی عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص). که مراد از جمع قرآن، همان «حفظ و اخذ» و «به حافظه سپردن» آن است. همو حدیثی را درباره عثمان می گوید: «فَجَمَعَ كِتَابَ اللَّهِ فِي رَكْعَةٍ» یعنی آیاتی از قرآن را در یک رکعت قرائت و اخذ کرد. بنابراین آن دسته از صحابی که قرآن را از حفظ داشتند «حفاظ قرآن» یا «جُمَاع قرآن» می گفتند.

گاهی هم «جمع» به معنی «نوشتن» بوده چه به صورت پراکنده و چه به صورت مرتب و منظم. و زمانی هم گردآوری با آیه ها و سوره ها به صورت «ما بین الدفتین» و یا «ما بین اللوحین» بوده است.

بنابراین در زمان رسول خدا (ص) جمع قرآن هم به معنی حفظ کردن است و هم به معنی نوشتن و گردآوری نمودن آیات در سوره ها و احیاناً ترتیب و تنظیم سوره ها.

مراد از دَفّ در تعبیر «ما بین الدفتین» این است که در آغاز نوشته ها را جهت نگهداری میان دو جلد پوستی می گذاشتند (دَفّ یعنی جلدی از پوست حیوانات) به کتاب هم «مجموع ما بین الدفتین» می گفتند. ما بین اللوحین یعنی میان دو لوح = تخته، از چوب یا استخوان یا چیز دیگری.

پیامبر اکرم (ص) در کار نوشتن سعی بلیغ داشت و همگان را به خواندن و نوشتن تشویق می فرمود. نوشته اند در اوائل بعثت در تمام قریش، تنها هفده تن خواندن و نوشتن می توانستند. (۱)

ابزار نگارش: اما برای نوشتن، «لوازم تحریر» لازم است تا به وسیله آن، نوشتن تحقق پیدا کند. در خود قرآن کریم نام شماری

از نوشت افزارها آمده است:

۱- «اقلام» جمع قلم به معنی خامه تراشیده که چهار بار در قرآن از آن سخن به میان آمده است (قلم / ۱؛ علق / ۴؛ لقمان / ۲۷؛ آل عمران / ۴۴).

«ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ؛ سوگند به قلم و آنچه نویسند».

ص: ۱۸

۱- . فتوح البلدان، بلاذری، ص ۴۵۷؛ بلوغ الارب، آلوسی، ج ۳، ص ۳۷۰؛ تاریخ قرآن، رامیار، ص ۲۶۱.

«الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ؛ خدایی که با قلم تعلیم داد».

این دو آیه اهمیت و عظمت نوشتن را به روشنی بیان می‌دارد.

۲- «حریر» که گاهی برای نوشتن به جای کاغذ به کار می‌رفته است. (حج / ۲۳)

۳- «دهان» جمع دهن به معنی ادیم یا پوست و چرم سرخ رنگ. (الرحمن / ۳۷)

۴- «رَقَّ»: پوست رقیق و نازکی که بر آن می‌نوشتند. (طور / ۳)

۵- «سِجَلٌ»: به معنی طومار، صفحه نامه، پیمان نامه. (انبیاء / ۱۰۴)

۶- «صِيْحْفٌ»: جمع صحیفه که هشت بار در قرآن آمده است. (طه / ۱۳۳؛ نجم / ۳۶؛ عبس / ۱۳؛ تکویر / ۱۰؛ اعلیٰ / ۱۸ و ۱۹؛ مدثر / ۵۲؛ بینه / ۲).

۷- «قِرطاس»: کاغذ (انعام / ۷) جمعش «قراطیس» (انعام / ۹۱)

۸- «کِتَابٌ» که به صورت «الکتاب» ۱۷۱ بار و به صورت «کتاباً» ۱۲ بار و کتاب، ۵۰ بار که به صورت کتاب و به صورت ها و مشتقات دیگر جمعاً ۳۱۹ بار در قرآن کریم ذکر شده است که اهمیت نوشته و نوشتن را به درستی بیان می‌دارد و جمعاً ۴۵ مشتق دارد. (۱)

۹- «مِدَادٌ»: به معنی مرکبی است که در نوشتن به کار می‌رود. (کهف / ۱۰۹)

این نه مورد نوشت افزارهایی است در قرآن معرفی شده است. ولی وسایل دیگری نیز وجود دارد که در طول تاریخ از دوره رسول خدا (ص) به بعد در صنعت نگارش قرآن کریم به کار رفته است.

۱- «رِقَاعٌ» جمع رقع که چیزی از پوست، یا برگ یا کاغذ بوده است.

۲- «لِخَافٌ» جمع لَخْفَه که صفحه‌هایی نازک و سفید رنگ از سنگ بوده است.

۳- «عُسْبٌ» جمع عَسِيب که چوب بی برگ و پهن درخت خرما بوده است.

۴- «اَكْتَاْفٌ» جمع كَتْف، استخوان شانه گوسفند یا شتر بوده است.

۵- «أَضْلَاعٌ» جمع ضلع به معنی دنده یعنی استخوان‌های صاف دنده حیوانات.

۶- «أَدِيمٌ» یا «قَطْعٌ اَدِيمٌ» به معنی تکه‌های چرم و پوست دباغی شده.

۷- «اَقْتَاب» جمع «قَتَب» چوب هایی که بر پشت شتر می نهادند.

۸- «لَوْح» صفحه پهنی از چوب یا استخوان یا غیر آن بوده که بر آن می نوشتند.

۹- «فَضِيم» یا صحیفه بیضا که همان پوست سفید رنگ بوده است.

اینها وسائلی برای نوشتن قرآن کریم بوده است. اما کاغذ نیز در دسترس بوده است. آن روز کاغذ از هند به یمن و از آنجا توسط کاروان های تجارتی به شام و روم و حجاز می آمده است.

حتی آیاتی از قرآن نشان از نسخه برداری از کتاب و نوشت افزار در زمان پیامبر (ص) دارد: «إِنَّا كُنَّا نَسِيخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ ما از آنچه می کردید، نسخه بر می داشتیم». (جاثیه / ۲۹)

نیز در این آیه، سخن از نوشتن و نسخه برداری و کتابت است: «حَتَّى تَنْزَلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُؤُهُ؛ تا بر ما کتابی نازل کنی که آن را بخوانیم» (اسراء / ۹۳).

تشویق و دلگرمی دادن رسول خدا (ص) سبب شد که مردم خواندن و نوشتن را بیاموزند و در میان نویسندگان نام بیش از چهل نفر به عنوان کاتبان وحی ثبت شده است. (۲)

ص: ۱۹

۱- . المعجم الفهرس، رضا کیان زاده، ص ۵۱۲.

۲- . تاریخ القرآن، ابو عبد الله زنجانی، ص ۳۷.

خط رایج در عصر نبوی: اما در مورد خط رایج در زمان پیامبر(ص) و در عصر ایشان، قرآن پژوه توانا محمدعلی کوشا نوشته است:

اما خطی که در عصر پیامبر اکرم (ص) رایج بوده، خط اهل یمن بوده و به خط «مسند» یا «حمیری» معروف بوده است. دکتر جواد علی می نویسد: از نوشته افرادی که برخورد با خطوط قدیمه داشته اند استفاده می شود که خط «مسند» قلم عربی اصیل و ابتدایی عرب است و اهالی جزیره العرب با آن خط، نوشته های خود را می نوشتند ولی هنگامی که مبشرین نصارا به این جزیره قدم گذاشتند، قلم و خط «ارمی» متأخر را که قلم کنیسه های شرقی بود وارد جزیره کردند، و چون این خط سهل و آسان بود در میان مردم، طرفدار بیشتری پیدا کرد.^(۱)

مردم شبه جزیره عربستان در دوران پیش از اسلام کم و بیش با خطوطی آشنا بوده اند از جمله آنها «خط جزم» بوده که بعداً نسخه هایی از قرآن بر اساس این خط نوشته شد و از این جهت آن را جزم نامیده اند که عده ای آن را از «خط مسند» گرفتند و چون این خط از خط مسند جدا و بریده شده است آن را جزم نامیدند که به معنی قطع است. و از مردم مکه کسانی چون سفیان بن امیه و ابوقیس بن عبد مناف خط را از حرب بن امیه آموختند. نخستین کسانی که خط عربی را نوشتند از نصارای حیره بودند.

نوشته های دوران جاهلی به طور کلی به دو نام «مسند» و «نبطی» نامیده می شده است. خط مردم یمن را مخصوصاً «مسند» می شناخته اند. حروف در خط مسند از همدیگر جدا و منفصل اند و مانند حروف الفبای کنونی ما به هم چسبیده نبودند لذا برای تشخیص میان کلمات، در پایان هر کلمه، خطی عمودی رسم می کردند و معمولاً از راست به چپ می نوشتند. فاصله میان جملات و عبارات و علامات دیگری از قبیل استفهام و تعجب وجود نداشت. اعراب و مد و سکون و تشدید هم در آن لحاظ نمی شده است، در نتیجه آموختن و خواندن چنین خطی تا حدودی سخت و دشوار بوده است.

خط مهم دیگر در زمان رسول خدا(ص) خط نبطی است. خط نبطی بیشتر خط نگارشی یهود و نصارا بوده است و غیر از مردم جنوب عربستان بقیه کم و بیش با این خط آشنایی داشته اند. هنگام فتح عراق به دست مسلمانان، مدارس فراوانی برای تعلیم خواندن و نوشتن، این خط را به جوانان می آموختند. مستشرقان این خط را به نام خط عربی شمالی می شناسند که بعداً قرآن کریم هم بیشتر با همین خط نگارش یافت.^(۲)

از خط نبطی، خط نسخ به وجود آمد که امروزه خطی معروف و شناخته شده است. و از خط سریانی، خط کوفی پیدا شد که خط حیری نامیده می شد. یعنی به «حیره» که شهری قدیمی و عربی در مجاورت کوفه است، منسوب بود؛ زیرا تغییر و تحوّل در خط سریانی در حیره رخ داد. این خط، زمانی طولانی میان عرب معروف و متداول بود.

ص: ۲۰

۱- . نقد رسم الخط عثمان طه از قرآن کریم، ص ۱۸ به نقل از المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۸، ص ۱۱۸.

۲- . تاریخ قرآن، رامیار، ص ۴۹۶.

عرب ها کم و بیش از هر دو خط حیری و نبطی در نامه ها و نوشته های خود استفاده می کردند. یک دلیل بر آنکه خط کوفی تحوّل یافته ی خط سریانی است، این است که «کتاب» را به صورت «کتب» و «رحمان» را به صورت «رحمن» یعنی بدون الف می نوشتند که هنوز در کلمات فراوانی این رسم الخط در عربی معمول است. چنان که «ظالمین» را «ظلمین» و «اسماعیل» را «اسمعیل» و «سماوات» را «سموات» و «شیطان» را «شیطن» و «ضلال» را «ضلل» و «غافلون» را «غفلون» و غیره می نوشته و می نویسند.

و در یک کلمه، خط کوفی، تأثیر خودش بر خط نبطی (نسخ) نهاد و تا کنون تفکیک کاملی میان این دو خط - آنگونه که باید - انجام نگرفته است.

برای طایفه انباط که در شمال حجاز ساکن بودند خطی به نام نبطی بوده که آسان تر از خط «مسند» بوده است. قرآن کریم ابتدا با خط نسخ که تکامل یافته خط نبطی بوده نوشته شده است سپس با خط کوفی که تکامل یافته خط «مسند» بوده و آن را «حمیری» نیز می نامیده اند نوشته می شد. تا اینکه در اواخر قرن چهارم، ابن مقله (خطاط مشهور) خط نسخ را تکامل بخشید و با آن قرآن را نوشت و پس از او دیگران قرآن را به خط نسخ می نوشتند. (۱)

نتیجه گیری: قرآن کریم در زمان رسالت تحت نظارت رسول خدا(ص) و با مراعات ضوابطی که در روایات آمده، از لفظ و گفتار به متن مکتوب تبدیل شد. در مکه و مدینه آن دوره خط خاصی وجود داشت که هر چند در ابتدا پیشرفته نبود ولی با گذشت زمان پیشرفت کرد. بعداً در زمان عثمان ضوابط جدیدی برای کتابت قرآن کریم معین شد و دانش رسم مصحف پدیدار گشت.

علت پیدایش رسم المصحف

غالباً مسلمانان در پی احساس نیاز یا جهت برطرف کردن مشکلی به سراغ مطلبی می رفتند و به تدریج این مسئله تبدیل به یک دانش شده است. در رسم المصحف هم مشکلات و تعارض هایی وجود داشته و مسلمانان جهت حلّ آن به تفکر و تجربه اندوزی پرداختند. اولین مسئله حادّ وجود قرائت های مختلف در زمان رسالت بود. گاه واژه ای از قرآن را به چند صورت می خواندند و پیامبر(ص) هم بر آنها صحه می گذاشت.

دانشمندان بعداً پی بردند در مصحف عثمانی واژه هایی هست که بر اساس در آنها حذف، زیادت، همزه (گذاشتن همزه)، ابدال، وصل و فصل هست که مطابق قواعد نیست و این اختلافات در حد بحران گاه مطرح می شده است.

رسم عثمانی: چنان که درباره پیدایش رسم الخط مصحف عثمانی نقل شده است که در جریان یکی از جنگ ها، حذیفه بن یمان خبر اختلاف سپاهیان در قرائت قرآن را به عثمان رسانید و از او خواست تا به این اختلاف پایان دهد؛ از این رو، گروهی به دستور خلیفه مصحفی نگاشتند که مصحف عثمانی یا امام نام گرفت و نسخه هایی از آن را به کوفه، مکه، شام، یمن، بصره و بحرین ارسال کردند و دیگر مصاحف را از بین بردند.

١- . مقاله كتابت و رسم الخط قرآن كريم، ص ٨-٩.

با اینکه به عقیده بیشتر مسلمانان، نگارش قرآن از زمان پیامبر اکرم و نزول وحی آغاز شد؛ زیرا صرف نظر از گزارش های تاریخی که از گسترش نگارش در آن زمان، در قالب نامه ها و پیمان نامه ها حکایت می کند، گزارش هایی نیز از مصحف هایی خبر می دهد که در شام، کوفه و بصره نوشته شده بودند. هرچند، بسیاری از این اسناد به علل مختلفی چون به کارگیری مجدد قطعه های نوشت افزار قدیمی از دست رفته اند. (۱)

کاتبان در قرن نخست، قرآن و حدیث را بر اساس زبان گفتاری مردم می نوشتند؛ اما با گسترش اسلام در قرن دوم و برای تسهیل قرائت قرآن برای غیر عرب ها نقطه گذاری و اِعجام صورت گرفت. گفته اند این کار با دستور امام علی (ع) (در برخی نقل ها: زیاد بن ابیه) و نظارت ابوالاسود دؤلی (در گذشت ۶۹ق) و با شیوه ای خاص انجام شد. (۲)

پیش از آن، صحابه اجازه نمی دادند چیزی در رسم الخط قرآن وارد شود. همچنین نقل شده است، افرادی چون حجاج بن یوسف (در گذشت ۹۵ق) که نمی توانستند حروف شبیه به هم را تشخیص دهند، شکوه کردند، از این رو نصر بن عاصم و یحیی بن یَعْمَر نَقَط (نقطه گذاری) و اِعجام را به شیوه خاصی زیر نظر ابوالاسود انجام دادند. (۳) گرچه همواره مخالفانی داشتند. (۴) همچون عبدالله بن طاهر، سومین و مقتدرترین امیر طاهریان (حک: ۲۱۳-۲۳۰)، که این نسخه را به سبب داشتن نقطه های فراوان نپسندید.

با پیشرفت خط در جزیره العرب، ترکیب حروف و نشانه های حرکات زیباتر شد و کاتبان این تغییرات را در مصاحف وارد کردند. (۵) آنها نخست برای مشخص کردن قرائت های مختلف، از رنگ های متفاوت استفاده می کردند، اما بعدها فقط نگارشی را که مطابق قرائت حفص بن سلیمان (در گذشت ۱۸۰ق) بود با رنگ سیاه و سایر قرائت را با مرکب سرخ می نوشتند. (۶)

از وجود اختلاف هایی در مصاحف عثمانی که به نقاط مختلف فرستاده شده بودند، به سبب اجتهادی بودن رسم الخط و نامگذاری رسم الخط به رسم عثمانی و نه رسم نبوی. (۷)

در رسم الخط نسخه های مصحف عثمانی که به مناطق مختلف فرستاده شد، اختلاف هایی هست، همچون نوشتن کلماتی چون «ربا» یا «صلاه» با الف یا واو و مانند آن؛ یا نوشتن جمله هایی مانند «لئن أنجانا» (انعام: ۶۳) در مصحف کوفه و «لئن أنجیتنا» در سایر مصاحف است. (۸)

تاکنون درباره اختلاف رسم الخط در مصاحف عثمانی تبیین متقنی عرضه نشده، اما در این باره مثلاً گفته شده با اینکه همه اختلاف ها مطابق قرائت در زبان قریش است، اگر همه مصاحف به یک

ص: ۲۲

۱- . دانشنامه جهان اسلام، ج ۹، ص ۷۹۳.

۲- . کشف الظنون، حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۷۱۲؛ البیان فی عدّ آی القرآن، عثمان بن سعید دانی، ص ۳-۴.

- ۳- . البيان، دانی، ص ۵-۷.
- ۴- . تاريخ الخط العربي و آدابه، كردی، ص ۸۳-۸۶.
- ۵- . كشف الظنون، ج ۱، ص ۷۱۳.
- ۶- . مناهل العرفان، زرقانی، ج ۱، ص ۳۹۸-۴۰۳؛ رسم المصحف، قدوری، ص ۴۵۶ به بعد.
- ۷- . تاريخ الخط العربي، كردی، ص ۱۰۴؛ «نقد و بررسی روایات تحریف»، بهبودی، مجله حوزه، ص ۱۷۰ و ۱۹۲.
- ۸- . تاريخ الخط العربي، ص ۹۸-۹۹؛ البيان، دانی، ص ۱۰۷.

شکل نوشته می شد، گمان می رفت که قرآن به همان شکل نازل شده است؛ یا اگر اختلاف ها را در حاشیه می نگاشتند، باز هم توهم تصحیح متن ایجاد می شد. (۱) مسلمانان به این دلایل سراغ تأسیس علمی به نام رسم المصحف رفتند.

ص: ۲۳

۱- . تاریخ الخط، کردی، ص ۱۰۰-۱۰۱.

اشاره

تا کنون حدود دویست هزار نسخه خطی قرآن شامل انواع خطوط اولیه کوفی، شکسته نستعلیق و غیره در جهان وجود دارد. البته این صرفاً حدسی است که آقای خرمشاهی بر پایه اطلاعات به دست آمده گفته است؛ البته دور از ذهن هم نیست. ایشان معتقد است از این تعداد، بیست هزار نسخه از لحاظ خط و آرایش های هنری بسیار مهم اند و بقیه هم از لحاظ خط درخور توجه می باشند، معمولاً قرآن ها را به لحاظ خط، گاه به دو دوره تقسیم می کنند: دوره عثمانی؛ پس از دوره عثمانی. و گاه به پنج دوره تقسیم کرده اند: از ابتدا تا پیدایش ابن مقله در سده سوم و چهارم قمری؛ دوره پس از ابن مقله تا سده هفتم قمری؛ دوره یاقوت مستعصمی در سده هفتم قمری؛ دوره صفویان؛ دوره جدید.

قرآن از سده اول تا پنجم قمری به خط کوفی نوشته می شد، از پنجم تا نهم به خط ثلث می نوشتند و از سده نهم به بعد به خط نسخ می نوشتند. پس از پیدایش صنعت چاپ اولین بار چاپخانه ای در آلمان در سال ۱۴۳۱م/۸۳۴ق قرآنی به خط نسخ در هامبورگ چاپ کرد. نسخه ای از آن در دارالکتب العربیه در قاهره موجود است. (۱)

همه این حوادث نشانگر تحولاتی است که در کتابت و نگارش قرآن کریم به وجود آمده است. این فصل به صورت تاریخی، مهم ترین رخدادهای تاریخی را بررسی و تجزیه و تحلیل می کند.

دوره رسالت

اشاره

در صدر اسلام و دوره رسالت متون را روی استخوان، تنه نخل، گل یا سنگ و گاه روی دیواره های کوه سلع در مدینه حکاکی می کردند. به دلیل عدم پایداری این مواد و فاسد و تخریب شدن آنها به مرور زمان، هم اکنون چیزی از آن دوره باقی نمانده است. سکه ها پایداری و ماندگاری دارد ولی هیچ سکه ای مربوط به این دوره در دست نیست و سکه ها مربوط به سال ۱۹ قمری به بعد است. (۲) یکی از پژوهشگران در این باره نوشته است:

هیچ مصحف کاملی از این دوران به جای نمانده است و تنها مصاحف ناقص یا صفحاتی از قرآن منسوب به این زمان در موزه ها نگهداری می شود؛ بلکه در هیچ کتابی هم نگارش تمام کلمات قرآن از مصاحف این برهه تاریخی نقل نشده است و تنها نقل هایی با شک و تردید از این دوره وجود دارد.

شواهد گوناگون بیانگر آن است که در صدر اسلام، نگارش مصاحف به طور عمومی بر اساس نگارش زبان عربی آن روزگار بوده است. به عنوان نمونه عرب در کلماتی که از چهار حرف بیشتر

- ١- . . كتاب تاريخ القرآن الكريم، محمد طاهر كردى، ص ١٨٦؛ دانشنامه جهان اسلام، مدخل رسم المصحف، ص ٧٩٣.
- ٢- . الابجديه الفينيقية و الخط العربى، ص ١٣٣ به بعد؛ الخط و الكتابه فى الحضاره العربى، ص ٤٣ و ص ٦٩-٧٠.

بود، معمولاً الف وسط کلمه را نمی نگاشت و کلمه ای همانند «العالمین» به صورت «العلمین» نوشته می شد.

در اینجا این سؤال مطرح می شود که اگر اصولاً نگارش کلمات قرآن مطابق املائی عربی در آن دوران است؛ پس چرا موارد استثنایی، خاص و بعضاً متناقض (همانند نگارش کلمات: «قال» (انبیاء: ۱۱۲)، «ابراهیم» (در سوره بقره)، «لشی» (کهف: ۲۳)، و «نجی» (انبیاء: ۸۸)، به صورت: «قل»، «ابره»، «لشای» و «نجی») در رسم المصحف متعدد است؟ (۱)

روایات تاریخی: بنا بر گزارش های تاریخی مسلم است که قرآن در عصر رسالت، مکتوب شده و از برخی روایات و گزارش های تاریخی به وضعیت کتابت قرآن های دوره رسالت می توان پی برد.

۱- ابو عبید قاسم بن سلام گفت: از ابی بن کعب روایت شده است: «چیزی در دل من از زمانی که اسلام آوردم رسوخ نکرده بود مگر اینکه گاه آیه ای [از قرآن] را می خواندم و دیگری [همان را] به نحو دیگری می خواند. پس گفتم بیا تا [آیه را] پیش پیامبر بخوانیم. بنابراین نزد ایشان رفتیم و من گفتم آیا فلان آیه را این چنین و این چنین خوانده ای؟ فرمودند: آری و آن دیگری نیز سؤال کرد و همین جواب [آری] را شنید. بعد پیامبر فرمودند: جبرائیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ نشست و جبرائیل به من گفت: قرآن را بر یک حرف بخوان و میکائیل گفت: بر آن بیفزای تا به هفت حرف رسید و هر کدام کافی و شافی بود. (۲)

۲- بخاری با اسناد خود از عمر بن خطاب نقل کرده که گفت: از هشام بن حکم شنیدم که او سوره فرقان را با حروف زیادی می خواند که من از پیامبر نشنیده بودم و او در حال نماز بود لذا من بعد از نماز ردای او را تکان دادم و پرسیدم چه کسی این سوره را این چنین برای تو خوانده است؟ گفت: رسول خدا. گفتم: دروغ می گویی چون پیامبر این سوره را طور دیگری بر من خوانده است. بنابراین به نزد پیامبر رفتیم و من سؤالم را با ایشان در میان گذاشتم و پیامبر به هشام فرمودند: بخوان و او خواند. فرمودند: این چنین نازل شده است. سپس فرمودند: ای عمر تو بخوان و من خواندم. پس فرمودند: این چنین نازل شده است همانا قرآن بر هفت حرف نازل شده پس هر چه میسر است از آن بخوانید. (۳)

این نمونه ها - با فرض اینکه صحیح باشند و نیز به اختلاف قرائت در زمان رسول اکرم (ص) اشاره دارند. اما تا حدی گویای اختلافات در کتابت هم هست. زیرا کتابت مصحف بر پایه دانش قرائت پدید آمده است.

دیدگاه مرحوم شریعتی

مرحوم محمد تقی شریعتی در تفسیر نوین تحقیقی در این باره دارد (۴) که راه گشا است. او می نویسد:

ص: ۲۶

۱- «نگرشی به رسم الخط قرآن کریم»، ص ۵۷.

۲- فضائل القرآن، ابن کثیر، ص ۲۸.

۳- تأویل مشکل القرآن، ابن قتیبه، ص ۳۰.

چون عثمان همه نسخه های قرآن را سوزانید، امروز ما اطلاع صحیح و روشنی نداریم از اینکه قرآن های زمان پیغمبر با چه خطی نوشته می شده است و اساساً خط معمول آن عصر که افراد معدودی با سواد آن را می خوانده و می نوشته اند، چه بوده است؟ خوشبختانه فقط دو نامه از رسول اکرم به جا مانده است که یکی نامه ای است که به منذر بن ساوی نگاشته و هم اکنون در کتابخانه وین، پایتخت اطریش، موجود و محفوظ است. (۱) دوم نامه ای است که برای مقوقس فرستاده و اینک در موزه آثار نبوی در اسلامبول (۲) می باشد و دکتر هیکل در کتاب حیات محمد (ص) آن را گردآوری کرده و در ترجمه آن کتاب به فارسی نیز هست. از این دو نامه تا حدی خط رایج زمان پیغمبر (ص) شناخته می شود.

چون نامه مقوقس به وسیله کتاب دکتر هیکل و ترجمه اش در دسترس است، شباهت به خط کوفی معلوم می شود.

مورخین عرب اتفاق دارند که خط به واسطه حرب بن امیه داخل در مکه شده است و او در سفرهایی که می کرده، از اشخاص و از جمله بشر بن عبدالملک، برادر اکیدر صاحب دومه الجندل، فرا گرفته بود. و از ابن عباس نقل شده است که تازیان خط را از حرب بن امیه گرفتند و او از عبدالله جدعان و او از اهل انبار (۳) و اهل انبار از مردم حیره (۴) و اهالی حیره از مردی از قبیله کنده که از یمن بر آنها وارد شد و آن یمنی از خفلیجان کاتب وحی هود پیغمبر گرفته است.

در میان این مردم عامی چند نفری هم آشنا به خط و سواد شده اند به طور قطع از کشورهایی که سابقه تمدن داشته اند، مانند یمن و مصر فرا گرفته اند، یعنی خط از مصر و یمن به حیره که نسبتاً دارای تمدنی بوده، منتقل و از آنجا به سایر نقاط انتقال یافته است. و پس از آنکه کوفه در زمان خلیفه دوم بعد از فتح ایران ساخته شد و به تدریج به صورت یک شهر کامل درآمد، در همین خط رایج در حیره تصرفات و اصلاحاتی به عمل آمده، خط کوفی نامیده شد. این است که مورخان و محققان گفته اند: خط کوفی شبیه ترین خطوط به خط حیری است و خط حیره به خط نبطی به آرامی و آرامی به فنیقی و فنیقی به دیموتیک (۵) که خط عمومی اهالی مصر بوده است و این شباهت دلیلی روشن بر پیوستگی این خطوط بر حسب ترتیب به یکدیگر است.

خط در مدینه: آقای زنجانی در کتاب تاریخ القرآن می گوید: پیغمبر (ص) وقتی به مدینه وارد شد در آنجا یهودی ای بود که به کودکان نوشتن می آموخت و در این شهر قریب بیست نفر (۶)

نوشتن می دانستند و ظاهر این است که آنها خط حجازی را که از خط حیری گرفته شده بود می دانستند. « و باز می گوید: «اول کسی که نوشتن را به طریقه عمومی در مدینه نشر داد و رایج ساخت، رسول

ص: ۲۷

۱- تاریخ القرآن، زنجانی، ص ۳۴.

۲- همان.

۳- شهری است در کنار فرات به مسافت سی میل در قسمت غربی بغداد.

۴- شهری بوده است در سه میلی کوفه در محل نجف کنونی.

- ۵- . مصری ها سه گونه خط داشته اند: اول هیروگلیف مخصوص رجال مذهبی، دوم هیراتیگ مخصوص ادارات و دیوانیان، سوم دیموتیک برای مردم که ساده بوده است.
- ۶- . آقای زنجانی در تاریخ قرآن، ص ۳۳، نام آن بیست نفر را می آورد.

اکرم بعد از هجرت به این شهر بود، چنانکه در جنگ بدر فدیة هر یک از اسیران با خط و سواد را تعلیم خواندن و نوشتن به ده نفر مسلمان قرار داد. مسلمان ها با اطاعت از فرمان دین و پیغمبرشان بدان سان در این راه کوشیدند و به سرعت پیش رفتند که در اندک مدتی نه تنها در مدینه، بلکه در سایر متصرفات اسلامی نیز خواندن و نوشتن رایج و معمول گردید و بی سوادى فقط در صحرا و بادیه باقی ماند.» و به ظن قوی خطوط متنوع و مختلف به یکدیگر نزدیک بوده اند در میان مسلمان ها رواج یافته و با آنها قرآن نیز نوشته می شده است، به این جهت و به جهات بسیار دیگر که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

علل اختلاف نسخه ها: نسخه های قرآن با یکدیگر اختلاف پیدا می کرد، زیرا:

اولاً، مسلمان ها تازه با خط آشنا شده بودند و نوشت افزار درستی هم نداشتند، بدیهی است که نمی توانستند کلمات را مانند نویسندگان پخته و حسابی، درست بنویسند. و قهری است که صورت کتبی کلمات با یکدیگر فرق می کرد و در برخی الفاظ منشأ اختلاف قرائت می شد.

ثانیاً، این عدم مهارت در کتابت به اضافه نبودن لوازم التحریر صحیح، باعث می شد که آنها فرقی میان مطالب اصلی و فرعی و متن و حاشیه نگذارند و به اعتماد آنکه قرآن را با غیر قرآن تمیز خواهند داد، اگر توضیحی (۱) از پیغمبر خواسته یا حدیثی از او شنیده بودند، وصل به آیات می نوشتند و بعدها ممکن بود خود نویسندگان یا دیگر کسانی که آن نوشته ها را می خواندند، بعضی از آن اضافات را از قرآن پندارند، مثلاً صحابی معروف عبدالله بن مسعود در قرآنش نوشته بود «لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلاً من ربکم فی مواسم الحج» و لفظ «فی مواسم الحج» را بر آیه افزوده بود و بسیاری از این قبیل، و مثل عمر که دستور رجم «الشیخ و الشیخه اذا زنی الخ» را آیه ای از قرآن پنداشته بود و اصرار داشت در استنساخ زمان ابی بکر آن را بنویسند.

ثالثاً، بدون شک اختلاف قرائت در زمان پیغمبر حتی میان صحابه بزرگ، مانند ابن مسعود و ابی بن کعب وجود داشت - هر چند در علت آن اختلاف است - و هر نسخه ای به طوری که قبلاً گفتیم بر قرائتی نوشته شده بود و از این طریق هم اختلاف در بین نسخه های قرآن وجود یافت.

رابعاً، سلیقه های مخصوص باعث کم و زیاد شدن بعضی نسخه های قرآن که به وسیله شخصیت های مهم تهیه شده بود، می گردید و این قرآن ها ممکن بود برای کسانی که علت آن افزایش و کاهش را نمی دانستند، مخصوصاً اگر آنها باقی می ماند برای زمان های بعد، اشکالاتی به وجود آورد، مثل آن که ابن مسعود سوره حمد و دو سوره معوذتان را در قرآنش ننوشته بود، به خیال اینکه چون مسلمان ها حمد را در نماز و معوذتان را موقع خواب علاوه بر مواقع دیگر می خوانند، همگی آنها را از بر دارند و نیازی به نوشتن ندارد، و عایشه مطالبی را که برای شخص خودش یادداشت کرده بود، در قرآنش بود. (۲)

خامساً، در زبان عرب بعضی از الفاظ و جملات که قرینه ای دارد حذف می شود، در قرآن در مقام ایجاز پاره ای از مطالب که سیاق عبارت فهمیده می شود نیز حذف می گردد و بسیاری از ادبای عرب و

١- . مباحث فى علوم القرآن، صبحى صالح، ص ٨٥.

٢- . همان.

عجم از این سبک به خصوص تقلید کرده اند. (۱) برخی کاتبان قرآن از شدت احتیاط آن محذوفات را در ردیف آیات مربوطه می نوشتند که معانی آنها روشن تر باشد.

سادساً، کتاب وحی تمام اوقات در حضور پیغمبر نبودند. بیماری ها، مسافرت ها و جنگ ها پیش می آمد و پس از بهبودی یا بازگشت از سفر، مقداری از آیات نازل و نوشته شده بود. برخی، سال های بعد و یا در مدینه و مخصوصاً چند سال بعد از هجرت مسلمان می شدند، بدیهی است قرآن های این گونه افراد، در نظم و ترتیب اختلاف فراوان پیدا می کرد و همچنین علل و موجبات بسیار دیگری برای اختلاف قرآن ها بود.

با توجه به این اختلافات قطعاً پیغمبر چاره ای برای از میان بردن آنها کرده است و در اواخر عمر دستور نوشتن قرآن هایی با خط بهتر و نوشت افزار کامل تر و بر یک قرائت و با نظم و ترتیب سوره ها داده است، اما بر حسب عقیده شیعه که قرآن از آغاز بر قرائت واحدی نازل شده که مطلب روشن است و اختلاف قرائت به وسیله اصحاب و اجتهاد آنها به وجود آمده که پیغمبر از آن جلو گرفته است، اما به عقیده اهل سنت که اختلاف قرائت ها را خود پیغمبر تصویب، بلکه تعلیم می داده است که می توان گفت: چون همه ساله جبرئیل تمام قرآن را بر پیغمبر عرضه می کرده، در عرضه اخیر مردم را بر یک قرائت وا داشته است. به خصوص که از تحقیقات برخی دانشمندان عامه می توان تأییدی برای عقیده شیعه یافت.

رای دکتر صبحی صالح: او می گوید: «معنی تصویب و اجازه پیغمبر قرائت های گوناگون را این نیست که آن حضرت اذن داده است آنها را به عنوان اینکه قرآن چنان نازل شده است، ثابت نگاهدارند و نویسندگان وحی آنها را بنویسند و ضبط کنند، بلکه این اجازه نوعی تخفیف و آسان گیری برای بعضی افراد در حالات مخصوصی بوده است. زیرا شرط قرآن بودن تواتر است و آنچه به تواتر نرسیده هر چند به وسیله اخبار آحادی باشد که از طریق صحیح رسیده، باید ترک شود.» (۲)

بنابراین بر فرض که در آغاز امر پیغمبر تا جایی که با بلاغت بیانی و مفاهیم و معانی حقیقی قرآن مخالف نباشد، در بعضی الفاظ به بعضی افراد اجازه قرائت به وجهی دیگر داده باشد، بعدها مسلمان ها را موظف فرموده است که فقط بر قرائتی که قرآن بر آن نازل شده است بخوانند.

و نیز نظم و ترتیب سوره ها به دستور خود پیغمبر داده شده، در سال های آخر تکمیل گردیده است. دکتر صبحی از قول مالک در این باره می گوید: «اگر در ظاهر راجع به نظم و ترتیب سوره ها اختلاف است که آیا به فرمان پیغمبر انجام یافته یا به اجتهاد صحابه؟ معنی این است که آیا پیغمبر لفظاً تصریح فرموده است که نظم سوره ها باید به این صورت باشد و تخلف از آن جایز نیست، یا چون موقع نوشتن سوره ها آن حضرت بر کاتبان وحی به این کیفیت فرو می خواند و القا می کرد، آنها از عمل پیغمبر چنین استنباط کردند که حتماً نظم و ترتیب سوره ها باید به این گونه باشد. و به عبارت دیگر، این ترتیب به توقیف قولی پیغمبر یا به استناد فعلی آن حضرت است.» (۳)

ص: ۲۹

۱- در تفسیر سوره علق، ص ۵۲، از نویسنده که جداگانه به چاپ رسیده، در این موضوع گفتگو و استشهاد شده است.

٢- . مباحث فى علوم القرآن، ص ١٠٨.

٣- . همان، ص ٧٢.

خلاصه اینکه به طور قطع و مسلم پیغمبر اکرم قرآن ها را با اختلاف فراوان نسخه ها و در همان پوست ها و سنگ ها و استخوان ها و با همان خطوط نازیبیا و ناخوانا و در همان قرائات گوناگون و به صورت پراکنده و نامنظم به جا نمی گذارد و هیچ عاقلی چنین عملی را با هیچ کتاب نسبتاً با ارزشی نمی کند، تا چه رسد به عقل کل و کتاب خدا که تا قیامت باید راهنمای بشر باشد. و اگر هیچ مدارک تاریخی و دلیل نقلی هم نباشد، باید به حکم عقل آن را پذیرفت.

پس از رحلت تا اتمام عصر عثمانی

اشاره

رسول خدا(ص) در سال دهم قمری رحلت کرد و خلافت به ابابکر منتقل شد و تا سال ۱۳ق خلیفه مسلمانان بود. پس از او عمر و پس از او عثمان خلافت را به دست گرفتند. از دوره دو خلیفه اول، خبر و گزارشی در مورد قرآن کریم نداریم. اما یک پرسش مطرح است که آیا قرآن های منسوب به صحابه در زمان رسول خدا(ص) تدوین شده و رسول خدا(ص) بر آنها نظارت داشته است؟

در پاسخ به این پرسش پژوهش هایی انجام یافته که به نتیجه آنها اشاره می کنیم.

مصحف های صحابه

مشهور است که صحابه، متن های مختلف از قرآن به صورت مکتوب داشتند. و عثمان در جریان توحید مصاحف همه را سوزاند و فقط یک مصحف را به رسمیت شناخت. اما در اینکه این مصاحف چه زمانی مکتوب شده و به وجود آمدند، اختلافی است. آقای حاج اسماعیلی معتقد است این متون پس از رحلت پدید آمده است. نظر ایشان به این شرح است. (۱)

بسیار بعید به نظر می رسد که مصاحف صحابه با همه اختلاف هایی که به آن نسبت داده شده است در زمان پیامبر نوشته شده باشد. زیرا اگر بپذیریم مصاحف با این ویژگی ها در زمان حیات ایشان وجود داشته است و پیامبر از آنها با خبر بوده اند در برخورد آن حضرت با آنها دو حالت متصور است:

الف - تقریر آن حضرت با سکوت یا تأیید عملی و قولی؛ ب - رد و مخالفت با آنها.

در مورد تقریر آن حضرت گزارشی در دست نیست و در مورد رد و نهدی ایشان نیز حدیث و روایتی نقل نگردیده است. مضافاً بر اینکه عثمان و اطرافیان او هم در هنگام توحید مصاحف برای گرفتن مصحف های صحابه به نهدی پیامبر استناد نکرده اند زیرا اگر چنین مخالفتی وجود داشت حتماً به آن استناد می جستند. به همین دلیل نمی توان به وجود چنین مصاحفی با قرائت های متفاوت در زمان پیامبر اطمینان داشت. حتی اگر بپذیریم برخی از اصحاب مصاحفی داشته اند که با مصاحف متداول و معمول تفاوت داشته باید گفت این مصاحف در زمانی پس از وفات پیامبر کتابت شده نه در زمان حیات ایشان. نکته اساسی و مهم دیگر اینکه آیا واقعاً چنین مصاحفی در زمان پیامبر وجود داشته است؟ در جواب این پرسش باید گفت که حتی به نظر می رسد وجود چنین مصاحفی در زمان خلفا نیز محل تردید باشد. برای اثبات این مدعا می توان به کتاب المصاحف

سجستانی که از قدیمی ترین و معتبرترین مآخذ در تاریخ مصاحف است مراجعه کرد. وی می گوید که ما گفتیم «مصحف فلانی»،

ص: ۳۰

۱- . بر گرفته از مقاله «بررسی تعامل و تقابل»، ص ۴۸-۵۲.

زیرا از نظر شیوه نگارش از قبیل خط یا افزونی یا کاستی یا ... با مصحف های ما مخالف بود. (۱) از این عبارت استفاده می شود که سجستانی بر آنچه مخالف مصحف معروف بوده نام «مصحف» گذارده و آن را به نام شخصی که آن قرائت یا کتابت به او منسوب بوده منتسب کرده است. جالب اینجاست که وی از بین حدود ۲۴۰ موردی که ذیل «اختلاف مصاحف صحابه» ذکر کرده به جز ۲۶ مورد که تصریحاً یا تلویحاً به مکتوب بودن آنها اشاره نموده در بقیه موارد یا تصریح نموده که فلان مورد قرائت فلان صحابی است یا به مکتوب یا مقروء بودن کلمه یا کلمات مورد نظر اشاره ای نکرده است.

در اینجا به عنوان مثال به موارد زیر اشاره می کنیم:

وی در مورد مصحف حضرت علی (ع) می گوید: «مصحف علی بن ابی طالب (رض). سپس با اسناد خود از ابی عبدالرحمن سلمی چنین نقل می کند: «عن ابی عبدالرحمن عن علی أنه قرأ «ءامن الرسول بما أنزل إليه و ءامن المؤمنون» (بقره/۲۸۵) به جای «ءامن الرسول بما أنزل إليه من ربه و المؤمنون» (۲)

و نیز مواردی وجود دارد که قطعاً اختلاف در قرائت است نه اختلاف در کتابت. برای نمونه سجستانی می گوید: فی قراءه عبداللّه: ... «أن تُيَدَّلُوا كَلِمَ اللّهِ» به جای «أن يَدَّلُوا كَلِمَ اللّهِ». بسیار واضح است که این مورد نمی تواند در زمره موارد اختلافی مصحف ابن مسعود باشد. چون واژه «کلام» طبق نقل علمای رسم به شکل «کَلِم» نوشته می شود (۳) و نیز در زمان ابن مسعود علامات ضبط معمول و متداول نبوده است که بتوان «بیدلوا» را با نقطه به «تبدلوا» تبدیل کرد. همو در سوره حاقه می گوید: فی قراءه عبداللّه «و جاء فرعون و من قبله ...» (حاقه/۹) که البته ظاهراً مراد اختلاف قرائت در واژه «قبله» است که «قَبَلَه» هم قرائت شده است. (۴) طبیعی است که این امر نباید در کتابت ظاهر شود زیرا علائم ضبط در آن زمان موجود نبوده است. از این نمونه ها می توان نتیجه گرفت که سجستانی حتی در مورد قرائت صحابه نیز لفظ مصحف را به کار می برده است. لذا وجود مصاحفی برای صحابه با ویژگی هایی که وی به آنها اشاره کرده است محل تأمل و تردید می باشد. البته، با فرض صحت این روایات می توان آنها را حاکی از قرائت متفاوت صحابه دانست نه کتابت و رسم های متفاوت. در تأیید این مطلب موارد ذیل شایان توجه است:

۱ - بعید نیست که بخشی از این اختلاف قرائت ها یا اختلاف کتابت ها تفسیر و توضیح صحابه باشد که راوی آن را جزء آیه تصور کرده است، مانند: افزودن عبارت «الی اجل مسمى» به آیه ۲۴ از سوره نساء: «فما استمتعتم به منهن الی اجل مسمى» و قال هذه قراءه ابی بن کعب. (۵)

۲ - بر اساس گزارش های تاریخی هنگامی که عثمان دستور استنساخ مصاحف را داد به هر شهر از شهرهای مهم آن روزگار مصحفی روانه و با هر مصحفی یک قاری گسیل کرد. زرقانی در این باره می گوید: عثمان در انتخاب این فرستادگان می خواست خاطر نشان کند که علاقه مند بود با هر

ص: ۳۱

٢- . همان.

٣- . نثر المرجان، ج ٦، ص ٦٣١.

٤- . المصاحف، ص ٧٩.

٥- . همان، ص ٦٣.

مصحفی، یک قاری همراه سازد که قرائت او با قرائت اهل آن شهر غالباً هماهنگ باشد. (۱) پس معلوم می شود قرائت ابو عبدالرحمن سلمی به قرائت اهل کوفه که از عبدالله بن مسعود گرفته بودند نزدیک بوده و بیشتر با آن موافقت داشته است. لذا عثمان او را به کوفه اعزام نمود. همو از مهدوی نقل می کند: «لیقرأه کل قوم علی روایتهم». پس می توان نتیجه گرفت که ابو عبدالرحمن سلمی قرآن را مطابق با روایت کوفیان بر آنها اقراء کرده است.

۳- از جمله مواردی که استنتاج فوق یعنی نبودن مصاحف و حتی قرائت های متفاوت در بین صحابه را تقویت می کند، تصریح ابو عبدالرحمن سلمی به نبودن چنین اختلافی در میان صحابه است و لذا همان طور که معلوم است، وجود روایاتی دال بر این اختلاف ها را یا باید تفسیر صحابه دانست و یا باید آنها را طرح و رد نمود.

با این همه، در اینجا برای تکمیل بحث، آنچه را سجستانی به عنوان مصحف به برخی از صحابه نسبت داده است به صورت جدول ترسیم می کنیم اگر چه پیش از این گفتیم که این نسبت قابل خدشه است.

سوره/آیه	مصاحف فعلی	مصحف	شکل منسوب آیه
بقره/ ۱۹۶	وَأْتَمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ	عبدالله بن عباس	وَأَقِيمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلْبَيْتِ
فاتحه/ ۷	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ	ابن زبیر	صِرَاطَ مَنْ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
مائده/ ۸۹	فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةٌ أَيْمَانِكُمْ	ابی بن کعب	فَصِيَامَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مَتَّبِعَاتٍ فِي كَفَّارَةِ الْيَمِينِ
بقره/ ۱۷۷	لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُلْوَا	ابن مسعود	لَا تَحْسِبَنَّ الْبِرَّ أَنْ تُلْوَا
نحل/ ۸۰	يَوْمَ ظَعْنِكُمْ	ابن مسعود	حِينَ ظَعْنِكُمْ
بقره/ ۲۲۶	لِلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نَسَائِهِمْ	ابی بن کعب	لِلَّذِينَ يَقْسِمُونَ مِنْ نَسَائِهِمْ

این جدول نشانگر پاره ای اختلافات مهم در مصاحف صحابه است ولی آقای حاج اسماعیلی در این باره نظری دارد که به تفصیل آوردم. (۲)

اما یک مسئله دیگر این است که آیا قرآنی توسط خلفای راشدین تدوین شده یا نه؟ برخی پژوهشگران چنین اظهار نظر کرده اند:

اصل این مطلب که قرآن به کوشش یکی از سه خلیفه و یا هر سه آنها جمع آوری شده باشد، از نظر عده ای از محققان مخدوش بلکه عاری از حقیقت است. به عنوان مثال، آیت الله خوئی در این باره می گوید: خلاصه آنچه از اسناد پیش رو حاصل است این است که جمع آوری قرآن توسط خلفا امری موهوم و پنداری است. مخالف کتاب و سنت و اجماع و عقل.

(۳)

ص: ۳۲

۱- . مناهل العرفان، ج ۱، ص ۴۰۶.

۲- . نظر آقای حاج اسماعیلی را از مقاله «بررسی تعامل و تقابل» ص ۴۸-۵۲ آوردم.

معروف است که حضرت علی(ع) به دستور پیامبر اکرم(ص) پس از رحلت آن بزرگوار به جمع آوری قرآن پرداخت. البته این غیر از آن جمعی است که به خلفا نسبت داده شده است. زیرا این جمع تفحص و شاهد گرفتن برای اثبات آیات نبوده بلکه اوراقی از قرآن در پشت بستر پیامبر بوده است که امام علی(ع) آنها را با ویژگی خاصی که دقیقاً بر ما معلوم نیست مرتب و منظم فرموده اند. از امام صادق(ع) روایت گردیده که پیامبر اکرم(ص) به علی(ع) فرمودند: ای علی قرآن بر پشت فراش من در میان صحف و حریر و لوح هایی است پس آن را بردارید و جمع کنید و رها نکنید، همان طوری که یهود تورات را رها و ضایع کردند. پس علی(ع) روانه شد و آن را در پارچه ای زرد رنگ جمع و آن را مهر کرد و گفت: لباس نمی پوشم [از خانه بیرون نمی روم] تا اینکه قرآن را جمع کنم. (۱) برای این مصحف ویژگی هایی ذکر کرده اند مانند اینکه ترتیب آن بر اساس ترتیب نزول بوده و در حاشیه توضیحاتی داشته است. (۲)

امام ویژگی های این مصحف را اینگونه شمرده اند:

۱- این مصحف، ترتیب سوره هایش بر اساس زمان نزول از آغاز تا انجام آنها بوده است که طبعاً آیات مکی در آن مقدم بر آیات مدنی بوده است و همچنین آیات ناسخ، مؤخر از آیات منسوخ در آن قرار گرفته بوده است.

۲- در این مصحف، رسم الخط و قرائت واحدی بوده است یعنی درست بر اساس قرائت شخص پیامبر از آیات تحریر شده بود نه قرائت های گوناگون که بعداً بروز و ظهور نمودند؛ زیرا تنها کسی که نزدیک ترین فرد به رسول خدا بود و در تمام صحنه های مهم زندگی با آن حضرت همراه و همگام بود تنها امیرالمؤمنین علی(ع) بوده است که عالم ترین فرد به قرآن کریم و سنت رسول بود.

۳- در حاشیه این مصحف، شأن نزول هر آیه و یا سوره، همراه با توضیحات لازم از آن آیه به قلم علی(ع) نگارش یافته بود که به وسیله آنها رفع اجمال و احیاناً ابهام می شده است تا خواننده به درستی مقصد و مقصود آیه را دریابد. اما دستگاه خلافت وقت، چنین کار بزرگ قرآنی را از آن حضرت نپذیرفت و هرگز رسمیت پیدا نکرد. (۳)

مصحف زید بن ثابت

ابوبکر از زید بن ثابت خواست تا قرآن را جمع آوری کند. زید می گوید: سنگینی این کار که بر من تحمیل شده بود از تحمیل کوه گران سخت تر بود، ولی به ناچار آن را پذیرفتم و قرآن را که بر صفحاتی از چوب خرما و سنگ صاف نوشته شده بود، جمع آوری کردم. (۴)

ص: ۳۳

۱- . علوم القرآن عند المفسرین، ج ۱، ص ۲۶۳.

۲- . التسهیل لعلوم التنزیل، ابن جزی، ص ۱۲.

- ٣- . نقد رسم الخط عثمان طه از قرآن، محمدعلی کوشا، ص ١٠-١١.
- ٤- . صحیح بخاری، کتاب فضائل القرآن، باب جمع القرآن، حدیث ٤٩٨٦.

زید آیه ها و سوره های قرآن را جمع آوری کرد، هر سوره که کامل می شد در صندوقچه مانندی از چرم به نام «رَبْعَه» قرار می داد تا آنکه سوره ها یکی پس از دیگری کامل شد، ولی هیچ گونه نظم و ترتیبی میان سوره ها به وجود نیاورد. (۱)

این مجموعه پس از ابوبکر به عمر انتقال یافت و پس او نیز به نزد دخترش حفصه رسید تا اینکه در زمان عثمان به عنوان یکی از منابع برای مقابله با نسخه های دیگر مورد استفاده قرار گرفت. ولی با مرگ حفصه، مروان که از جانب معاویه والی مدینه بود، آن را از ورثه حفصه گرفت و نابودش کرد. (۲)

یعقوبی می گوید: زید بن ثابت کار جمع آوری قرآن با کمک ۲۵ نفر انجام داد و خود بر کار آنان نظارت می کرد و هر آنچه از نسخ جمع آوری می کردند می بایست به تأیید دو شاهد برسد (شاهد حفظی و شاهد خطی). ولی شهادت خزیمه بن ثابت انصاری درباره دو آیه سوره توبه به تنهایی پذیرفته شد، زیرا پیامبر اکرم (ص) شهادت او را به جای شهادت دو نفر قرار داده بود.

موضع امام علی (ع) در مورد مصاحف

علاوه بر زید بن ثابت دیگر صحابه نیز به جمع قرآن پرداختند، از جمله: عبدالله بن مسعود، اُبی بن کعب، مقداد بن اسود، سالم مولیٰ ابی حذیفه، معاذ بن جبل و ابو موسی اشعری.

گویند نخستین کسی که سوره های قرآن را مرتب نمود، سالم مولیٰ ابی حذیفه بود که به پیشنهاد گروهی نام «مصحف» را بر آن نهادند به اعتبار اینکه هر سوره یا چند سوره در صحیفه ای قرار گرفته بود.

علامه طباطبایی گوید: «آنچه هرگز قابل تردید نیست و نمی شود انکار کرد این است که اکثر سور قرآنی پیش از رحلت در میان مسلمانان دایر و معروف بوده اند، در ده ها و صدها حدیث از طرق اهل سنت و شیعه در وصف تبلیغ پیغمبر اکرم (ص) با یارانش پیش از رحلت و همچنین در وصف نمازهایی که خوانده و سیرتی که در تلاوت قرآن داشته نام این سوره ها آمده است. و همچنین نام هایی که برای گروه گروه این سوره ها در صدر اسلام دایر بوده مانند «سور طوال»، «مئین»، «مثنی»، «مثنی» و «مفصلات» در احادیثی که از زمان حیات پیغمبر اکرم (ص) حکایت می کند بسیار به چشم می خورد». (۳)

جمع کنندگان مصحف ها متعدد بودند و با یکدیگر هم رابطه ای نداشتند و میزان علم و آگاهی آنها هم متفاوت بود، از این جهت از نظر ضبط کلمات، ترتیب سوره ها و قرائت با همدیگر اختلاف داشتند و همین امر سبب اختلاف های اجتماعی و گروهی و فرقه ای نیز شده بود و جدال و نزاع هایی را به وجود آورده بود.

وقتی حذیفه از جنگ ارمنستان برگشت؛ داستان اختلاف مصاحف و بگو مگوهای پیروان قاریان را با عثمان در میان نهاد و گفت: ای خلیفه مسلمان ها، این امت را دریاب تا گرفتار همان اختلافی یهود و نصارا شدند، نشوند. عثمان پرسید چه اختلافی؟ حذیفه گفت: در جنگ ارمنستان شرکت داشتم، در آنجا مردم شام، قرآن را به قرائت اُبی بن کعب می خواندند که مواردی از آن را مردم عراق نشنیده اند.

- ۱- البرهان، ج ۲، ص ۳۵؛ علوم قرآنی، محمد هادی معرفت، ص ۱۲۵.
- ۲- التمهید، ج ۱، ص ۳۰۰.
- ۳- قرآن در اسلام، ص ۱۱۳.

مردم عراق از قرائت ابن مسعود تبعیت می کردند که در مواردی مردم شام از آن بی اطلاع بودند، و هر گروه، گروه دیگر را تکفیر می کرد. (۱)

همین امر سبب شد که عثمان درصدد یکسان کردن مصاحف برآمد. عثمان در این کار با آن دسته از اصحاب پیامبر که در مدینه بودند به مشورت پرداخت و آنان یکسان سازی مصاحف را تأیید کردند. آنگاه چهار تن از خواص خود را برای کار برگزید که عبارت بودند از: زید بن ثابت، سعید بن عاص، عبدالله بن زبیر و عبدالرحمان بن حارث. این چهار تن، اعضای اولیه کمیته یکسان کردن مصاحف به شمار می روند که زید بر آنان ریاست داشت، سپس کسان دیگری چون ابی بن کعب، مالک بن ابی عامر، کثیر بن افلح، انس بن مالک، عبدالله بن عباس، مصعب بن سعد و عبدالله بن فطیمه به آنان پیوستند. گویند: امیرالمؤمنین (ع) رأی موافق خود را با این برنامه به گونه ی اصولی اظهار فرمود: ابن ابی داود از سوید بن غفله روایت کرده است که علی (ع) فرمود:

«سوگند به خدا که عثمان درباره مصاحف هیچ عملی را انجام نداد مگر با مشورت ما بود. او درباره قرائت ها با ما مشورت کرد و گفت: به من گفته اند که برخی می گویند: قرائت من بهتر از قرائت توست و این چیزی نزدیک به کفر است. به او (عثمان) گفتم: نظرت چیست؟ گفت: نظر من این است که فقط یک مصحف در اختیار مردم باشد و در این زمینه، تفرقه و اختلاف نداشته باشند. گفتم: نظر خوبی است.»

اخرج ابو داؤد من طریق محمد بن سيرين، عن كثير بن افلح، قال: لما اراد عثمان ان يكتب المصاحف، جمع له اثني عشر رجلاً من قریش و الأنصار... و عن سويد بن غفله، قال: قال عليّ: لا تقولوا في عثمان إلا خيراً، فوالله ما فعل في المصاحف إلا على ملائمة. قال ما تقولون في هذه القراءة؟ فقد بلغني أنّ بعضهم يقول: إنّ قرائتي خيرٌ من قرائتك، وهذا يكاد ان يكون كفراً. قلنا: ما ترى؟ قال: أرى أنّ يُجمع الناس على مصحف واحد. فلا تكون فرقة ولا اختلاف. قلنا نعم ما رأيت. (۲)

پس از آنکه علی (ع) به خلافت رسید، مردم را بر آن داشت تا به همان مصحف عثمان ملتزم باشند و تغییری در آن ندهند، گرچه در آن غلط های املائی وجود داشته باشد.

این دستور امیرالمؤمنین علی (ع) دستوری کاملاً بجا و منطقی و در راستای گرایش و توجه مردم به مصحفی واحد با قرائتی واحد است و جز این راه دیگری برای حفظ قرآن از تشتت قرائت وجود نداشت. اما اینکه برای اثبات این معنا به حدیث «انّ القرآن لا يهاج اليوم ولا يحول» از قول آن حضرت استشهاد می کنند، صحیح نیست. زیرا اولاً در مقام استشهاد باید همه آن حدیث نقل شود نه بخشی از آن، ثانیاً لازمه تمسک و استشهاد به آن، چیزی جز تحریف قرآن به دست نمی آید! ثالثاً این حدیث، تنها در منابع اهل سنت نقل شده است و مرحوم مجلسی هم بدین معنا تصریح نموده است که: «روت العامه عن علی (ع)، قرأ عنده رجل: «وَ طَلَحٍ مَّنْضُودٍ» فقال: ما شأن الطلح، إنّما هو و طلع»

ص: ۳۵

٢- . الاتقان في علوم القرآن، جلال الدين سيوطي، ص ١٥٨ (يك جلدی)، بیروت، دارالكتاب العربی، تحقیق فواز احمد
زمرلی.

كقوله: «وَنَخَلٍ طَلَعُهَا هَضِيمٌ» (سوره شعراء / ۱۴۸). فقيل له أَلَا نُغَيِّرُهَا؟ فقال (ع): إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُغَيَّرُ الْيَوْمَ». (۱)

اما اصل اين حديث بنا به نقل طبري در تفسيرش چنين است:

«قرأ رجل عند علي» «وَوَطَّحَ مَنْضُودٍ». فقال علي: ما شأن الطلح، إنما هو «وَوَطَّحَ مَنْضُودٍ». ثُمَّ قَرَأَ «وَنَخَلٍ طَلَعُهَا هَضِيمٌ» (شعراء / ۱۴۸) فقلنا: أَوْلَا نُحَوِّلُهَا؟ فقال: إِنَّ الْقُرْآنَ لَا يُهَاجُ الْيَوْمَ وَلَا يُحَوَّلُ». (۲)

پر واضح است که اگر چنين حديثي را قبول كنيم، ناخواسته تحريف قرآن را پذيرفته ايم! زيرا طبق اين حديث، كلمه «طلح» در آيه ۲۹ سوره واقعه تحريف شده و اصل آن «طلع» بوده است! در حالي كه استشهاد به آيه ۱۴۸ سوره شعراء كه در آن كلمه «طلع» آمده نه «طلح» هيچ گونه دليلي ندارد كه پس در سوره واقعه هم بايد «طلع» باشد نه طلح. زيرا هر يك از اين دو واژه معنای خاص خود را دارند.

علاوه بر اين اگر اين حديث صحيح مي بود نبايد اميرالمؤمنين در مقابل چنين تحريفي ساكت بماند و هيچ گونه اعتراضی نكند! و از سوي ديگر آوردن كلمه «اليوم» اشعار به اين نكته دارد كه امروز قرآن قابل تغيير و تحوّل نيست يعنى مثلاً در شرايط ديگر قابل تغيير و تحوّل است! آيا چنين چيزي آن هم از علي (ع) باور كردني است؟! به هر حال استشهاد به چنين حديث پر از ايرادي صحيح نيست. و از طرفي مي بينيم كه اميرالمؤمنين (ع) پس از رسيدن به خلافت مردم را وا داشت تا به همان مصحف عثمان ملتزم و پايبند باشند و تغييری در آن ندهند اگر چه غلط های املايي داشته باشد. روشن است كه حتى تصحيح غلط های املايي در شرايط آن روز منجر به اختلاف های بيشتري مي شده است چون زمينه فكري و فرهنگي چنين كاري اصلاً فراهم نبوده است.

ضمناً بايد توجه داشت كه امامان شيعه (ع) پس از آن نيز، مصحف عثمان را تأييد فرموده اند و هيچ گونه اعتراضی به آن ننموده و بلكه مردم را به حفظ و نگهداري آن ترغيب و تشويق کرده اند. شيخ حرّ عاملی در كتاب «وسائل الشيعه»، باب ابواب القرائه رواياتی را در اين باره آورده است.

از اين رو اجماع علمای شيعه بر اين است كه آنچه امروزه در دست است، همان قرآن كامل و جامع است. (۳)

گويند تاريخ يكسان نمودن مصاحف در سال ۲۵ق بوده است. اما ابن اثير در تاريخش، آن را از حوادث سال سي ام به حساب آورده است. (۴)

دوره عثمانی (۲۵ تا ۳۰ق)

در اين سال ها حوادث بسيار اتفاق افتاد. جمع قرآن های دستنويس يا مصاحف و يكسان سازی آنها توسط خليفه سوم از اهمّ حوادث اين دوره است.

در روايات مربوط به جمع قرآن در زمان عثمان، به دو نوع نگارش (روش عمومي مطابق با رسم الخط آن زمان و روش

خاصی که آن را صحابه بر اساس دیدگاه عثمان انجام داده باشند) اشاره ای

ص: ۳۶

- ۱- بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۰۹.
- ۲- تفسیر طبری، ذیل آیه ۲۹ سوره واقعه، حدیث شماره ۳۳۲۰۲.
- ۳- بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۴۱-۴۲؛ علوم قرآنی، ص ۱۳۹.
- ۴- علوم قرآنی، ص ۱۴۲.

نشده است. تنها نقلی مبنی بر نگارش کلمه «التابوت» وجود دارد که مطابق آن، زمانی که بین زید بن ثابت و سایر افرادی که در کتابت مصحف نقش داشتند. در نگارش این کلمه اختلاف به وجود آمد که، بنا به دستور عثمان، مطابق زبان قریش به صورت «التابوت» نگاشتند.

هر چند علمای قرون بعدی (و به طور عمده دانشمندان قرون سوم و چهارم هجری) وقتی به بررسی مصاحف زمان خود یا مصاحف قبل از زمان خودشان پرداختند و رسم موجود در آنها را مغایر با رسم الخط رایج زمان خود یافتند، تصور کردند در زمان عثمان هم دو روش کتابت موجود بوده است: یکی روش متداول در نگارش عربی و دیگری روش خاص قرآن کریم؛ لذا گفته اند: چون صحابه از این روش خاص پیروی کرده اند و املائی متداول عربی را در نگارش قرآن به کار نبرده اند و تبعیت از صحابه هم واجب است، پس املائی متداول عربی در کتابت قرآن نباید به کار رود. (۱)

ابو عمرو دانی (م ۴۴۴ق) به اسناد خود از مالک (م ۱۷۹ق) چنین نقل می کند:

«سئل مالک، فقيل له: ارایت من استكتب مصحفًا اليوم، اتری ان يكتب علی ما احدث الناس من الهجاء اليوم؟ فقال: لا اری ذلك، و لكن يكتب علی الکتبه الاولی.»

«از مالک سؤال شد: به نظر شما اگر امروزه کسی قرآن بنویسد، آیا می تواند بر اساس روشی بنویسد که مردم در این روزگار ایجاد کرده اند؟ مالک گفت: نه، بلکه باید به همان روش نخستین بنویسد.»

از این عبارت چنین استنباط می گردد که تا اواسط قرن دوم، دو روش کتابت وجود نداشته است که یکی مختص قرآن و دیگری برای سایر نوشته ها باشد؛ بلکه در دوران صحابه یک روش وجود داشته و آن همان است که در نگارش قرآن نیز به کار می رفته است؛ اما به مرور زمان خط تکامل پیدا کرد و قواعد جدیدی برای نگارش وضع گردید و به تدریج نگارش جدید از نگارش قدیم (که در مصاحف به کار می رفته) متمایز گردید. (۲)

به هر حال تشتت نسخه های قرآن و شکایت های رسیده، موجب شد تا خلیفه سوم در مشورت با عده ای از نخبگان به تشکیل کارگروهی به منظور یکسان سازی مصاحف پردازد.

مصاحف امام یا عثمانی که در فاصله سال ۲۴ تا ۲۸ هجری به دستور عثمان به کتابت درآمد، به خط کوفی بود، بدون هیچ نقطه نشان، و بدون حرکات / اعراب، و بدون علائم وقف / سجاوندی، و به اختلاف اقوال بین ۴ تا ۶ نسخه همسان از آن نوشته شد که نسخه ای در مکه، نسخه ای در مدینه نگاه داشته شد و نسخه ای به شام، نسخه ای به کوفه، نسخه ای به بصره، و نسخه ای به بحرین فرستاده شد، و یک قرآن شناس هم همراه هر نسخه به این نواحی گسیل شد، تا به درست خوانی آن خط دشوار مدد برساند. (۳)

ویژگی های عصر عثمانی: قرآنی که در زمان عثمان نهایی و تلاش شد به عنوان قرآنی مقبول و مورد تأیید در قلمرو اسلامی در اختیار همگان قرار گیرد، دارای ویژگی های زیر است. خلافت از این

۱- . دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۹۹۴.

۲- . همان.

۳- . القرآن الکریم، به کوشش مارتین لینگز و یاسین حامد صفدی، ص ۱۲.

قرآن حمایت می کرد و ترویج دیگر نسخه های قرآن را جمع آوری کرد. اکنون به توضیح این ویژگی ها و نیز نقل آراء و دیدگاه های قرآن پژوهان می پردازیم.

خط کتابتی: خط قرآن و یا «رسم المصحف» همان روش نگاشتن قرآن است که در زمان عثمان برای کتابت قرآن برگزیده شد. دانشمندان این روش را «رسم المصحف» نامیدند و عده ای نیز از آن به «رسم عثمان» یا «رسم عثمانی» یاد می کنند. اما بعداً همان اصل رسم عثمانی هم دست خوش تغییر و تبدیل شد و کم و زیاد گردید.

ابن خلدون در این باره گوید:

«آنها با خطوطی نا استوار از لحاظ زیبایی و اصول خط، قرآن را نوشته اند و در نتیجه بسیاری از رسم الخط های آنان با قواعد و اصول صنعت خط مخالف است و اهل فن آنها را بر خلاف قیاس تشخیص داده اند، سپس تابعان نیز همان رسم الخط اصحاب پیامبر(ص) را از روی تيمَن و تبرک پیروی کرده اند، همان صحابه ای که پس از پیامبر بهترین افراد به شمار می رفتند و گفتارهای وحی را از کتاب خدا و کلام پیامبر فرا گرفته بودند. چنان که هم اکنون نیز برخی از کسان، خط ولی یا عالمی را از لحاظ تبرک می پسندند و رسم الخط او خواه درست یا نادرست تقلید می کنند؛ ولی هیچ نسبتی میان اینان و آنچه صحابه نوشته اند وجود ندارد. . . در صورتی که این شیوه درست نیست و باید دانست که خط درباره آنان از کمالات نیست. زیرا این فن از جمله صنایع مدنی است که برای کسب معاش به کار می رود و کمال در صنایع از امور نسبی است و کمال مطلق نمی باشد. زیرا نقصان در آن به ماهیت دین یا خصال انسان باز نمی گردد، بلکه نقصان صنعت مربوط به مسائل معاش آدمی است و بر حسب عُمران و همکاری در راه آن پیشرفت می کند.» (۱)

به هر صورت، نوشتن قرآن به رسمی جز رسم عثمانی تحریم نشده و چنین کاری هم به عنوان گناه و خلاف دستور شرع تلقی نشده است، ولی عده ای از فرط دقت در حفظ کلام الهی و به جهت احترام به آثار یاران پیامبر(ص) و برای پرهیز از هر گونه تصرّفی، اگر چه به کوچک ترین نحو و حتّی اگر چه مفید هم باشد کتابت قرآن را جز بر همان رسم و روش ناروا می پندارند!

اعجام و نقطه گذاری: واژه «اعجام» مصدر باب افعال است و در زبان عرب یکی از معانی باب افعال، سلب است. یعنی از میان بردن ریشه فعل را می رساند. چنان که «أَعْجَمْتُ الْكَلِمَةَ» یعنی از آن سخن رفع گنگی و ابهام کردم. چون نقطه گذاری بر حروف و زیر و زبر گذاشتن بر آن، ابهام و گنگی سخن را از میان می برد، از این رو آن را «اعجام» نامیده اند.

خطی را که عرب ها از سریانی و نبطی اقتباس کردند بدون نقطه بود و خطوط سریانی تا امروز نیز بدون نقطه است. زمانی که حجاج بن یوسف ثقفی از جانب عبدالملک مروان (۷۵-۸۶) حاکم عراق بود، مردم با کاربرد نقطه آشنا شدند و حروف نقطه دار را از بی نقطه مشخص ساختند. این کار به وسیله «یحیی بن یعمر» و «نصر بن عاصم»، شاگردان ابوالاسود دُئلی متداول گردید. (۲)

۱- . تاريخ قرآن راميار، ص ۵۲۰؛ مقدمه ابن خلدون، ترجمه فارسي، ص ۸۴۳.

۲- . تاريخ القرآن زنجاني، ص ۶۸؛ علوم قرآني معرفت، ص ۱۷۱.

علت این کار هم «موالی» بودند (یعنی مردمان غیر عرب که با عرب زبان‌ها مرتبط بودند) که گاهی کلمات قرآن را به گونه نادرست تلفظ می‌کردند به گونه‌ای که تغییری در معنا به وجود می‌آمد که سبب نگرانی جامعه اسلامی می‌شد.

حجاج بن یوسف نگرانی خود را از این کار به نویسندگان عصر خود اظهار نمود و از آنان خواست برای رفع اشتباه در قرائت، علائم و نشانه‌هایی وضع کنند تا خواندن آن به آسانی و بدون اشتباه ممکن شود. و این کار نخستین بار توسط دو شاگرد ابوالاسود انجام پذیرفت و می‌دانیم که ابوالاسود نیز تعلیم یافته امیرالمؤمنین علی (ع) بود.

ابوالاسود شنید که کسی کلمه «رسوله» در آیه «أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ» را به کسر لام می‌خواند که صد درصد معنا عوض می‌شود او با شنیدن این اشتباه فاحش، گفت: «تصوّر نمی‌کردم که کار مردم به اینجا رسیده باشد». آنگاه کاتبی را طلبید و کیفیت اعراب گذاری بیان داشت و آیات را اعراب گذاری کرد. آن روز به جای فتحه و ضمه و کسره فقط نقطه را بالا و پایین کلمه قرار می‌دادند که بعداً شکل کار تغییر پیدا کرد و به شکل کنونی آن درآمد.

گویند علایمی که اکنون برای بیان حرکات حروف به کار می‌برند از ابتکارات خلیل بن احمد فراهیدی است. و نیز گفته‌اند که تقسیم قرآن به قسمت‌های «ده گانه (خمس)» و «پنج گانه (عشر)» و «حزب» و «جزء» و تعیین علامت و نشانه برای آنها، به موجب امر مأمون عباسی انجام گرفته است. برخی گفته‌اند: حجاج بن یوسف این کار را کرد و در زمان او کسانی مأمور تعیین کلمات و حروف آیات شدند و نشان دادند که قرآن دارای ۷۷۴۳۹ کلمه و ۳۲۳۰۱۵ حرف (و به قولی ۳۴۰۷۴۰) و ۶۲۳۶ آیه است. معروف است که تقسیم قرآن به ۱۲۰ حزب و ۳۰ جزء برای تسهیل قرائت آن در مکتب خانه‌ها بوده است.

(۱)

دیدگاه کاشفی سبزواری درباره رسم الخط مصحف عثمان: کاشفی سبزواری در مقدمه جواهر التفسیر درباره رسم الخط مصحف عثمان که معروف به «مصحف امام» شد، می‌نویسد:

«از علوم متعلقه به قرآن که علم تفسیر را بدان احتیاج است، اول علم رسم الخط است. و مراد از این خط «متبع» می‌تواند بود، چه خط به تقسیم اولی «مخترع» است یا «متبع». مخترع آنکه کتاب بر آن اصطلاح نموده باشد، و هر که خواهد در آن تصرف تواند کرد. و متبع آنکه در آن متابع دیگری می‌باید نمود و در او به هیچ نوع تصرف نمی‌توان نمود، و قیاس آن بر اقیسه نحویه و غیر آن نشاید کرد؛ چون: خط عروض. و از جمله خطوط متبّع خطی است که مصحف امام بدان مکتوب بوده، و آن را «رسم» گویند، و قواعد متفق علیها که در رسم امام است به اجماع صحابه نوشته شده است. و گفته‌اند: رسم این خط نیز منزل است و به تعلیم جبرئیل بود. و امام مالک بر وجوب رعایت آن تنصیص فرموده و گفته است: «القرآن یکتب بالکتبه الأولى»، و امام ابوعمرو دانی - رحمه الله - که صاحب تیسیر است و در علم قرائت و غیر آن مصنفات دارد، تقویت این سخن نیز می‌کند و می‌گوید: «هذا قول مالک لا مخالف له فی ذلك». و صاحب کشاف آورده که متابعت خط مصحف سنتی است که خلاف آن نشاید کرد. و ائمه سلف (ره) منع کردند از نقطه و اعراب. و اگر جهت سهولت تعلم رخصت دادندی،

رقم آن

۱- . علوم قرآنی، ص ۱۷۵ به نقل از البرهان، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۲.

به قلمی و مدادی دیگر که قرآن بدان نوشتندی تجویز می فرمودندی. و اکثر متأخران نظر بر آسانی در این باب مضایقه و مبالغه ندارند و شرف اولیه برطرف نهاده و از خطوط متبّعه به خطوط مخترعه میل فرموده اند». (۱)

بررسی این دیدگاه: مراد از رسم مصحف، نحوه کتابت کلمات قرآن است در مصحف عثمانی بر هیئت مخصوصی که با قواعد معمول کتابت موافقت ندارد و با قواعد املائی سازگار نیست و این شش نوع است که عبارتند از:

حذف، زیاده، همزه، بدل، وصل و فصل.

مثال حذف: هَلْ أَتَيْتَكَ عَلِيٌّ أَنْ تَعْلَمَنْ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا (كهف / ۶۶)

فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (فجر / ۱۵)

أَنَا أُبَيُّكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسَلُونِي (يوسف / ۴۵)

و حذف واو داوود و یک نون ننجی در سوره انبیاء وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ (انبیاء / ۸۸)

و حذف یکی از دو لام اَلَيْل ← اللیل

و حذف الف در بسم الله

و حذف واو در یمح الله الباطل و یدع الانسان

مثال زیاده: سَأُورِيكُمْ آيَاتِي

و لَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ ۚ

مثال همزه: همزه یا وصل است یا قطع. همزه وصل به صورت الف ترسیم می شود و بر حسب نظر اهل رسم در پنج مورد حذف می گردد. همزه قطع هم بر دو قسم است: یکی ساکن و دیگر متحرک و شرح آن را باید در کتب قرائت خواند.

مثال بدل: يَتَوَفَّيْكُمْ - الاقصا - الصلوه - الزبوا - الزكوه - وَ لِيَكُونَ مِنَ الصَّاعِرِينَ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ

مثال وصل: اَلنَّ نَجْعَلْ لَكُمْ - و اَلنَّ نَجْمَعُ عِظَامَهُ وَيَكَاَنَّ ...

مثال فصل: مال هذا الكتاب

و مثال کلماتی که دو قرائت دارند و به یکی از آن دو قرائت می شود مثل صراط که به صاد نوشته می شود ولی به روایت یکسان به سین؛ و بَصَّطَهُ و بِمُصَيِّطِر!

نکته: کسانی مثل کاشفی سبزواری در واقع می خواهند غلط های رسم الخط مصحف امام که در زمان عثمان نگارش یافته است به نوعی رسمیت بخشند و توجیه ساختاری کنند و آن را قانونمند گردانند! گویی که این غلط ها نیز وحی مُنَزَل است! در حالی که حتی رسم الخط مصاحف چندگانه ای که به دستور عثمان به اطراف و اکناف فرستادند با هم متفاوت و متهافت بوده است! مثلاً کلمه «لدا» در سوره غافر در آیه «لدى الحناجر» با یاء مکتوب است ولی در مصاحف دیگر در سوره یوسف همین کلمه در آیه «لدا الباب» با الف نوشته شده است.

و نیز در سوره روم «ربوا» با واو و در مصحف دیگر همین کلمه «ربا» با الف نوشته شده است.

ص: ۴۰

۱- مقدمه جواهر التفسیر؛ تاریخ جمع قرآن، جلالی نائینی، ص ۳۸۲.

امروز هیچ یک از مصحف های خطی عصر عثمانی در دست نیست، و آنچه درباره اختلاف رسم و کتابت مصاحف عثمانی گفته شده و در کتب قرائت و مصاحف ثبت شده مواردی است که پیشوایان متقدم علم قرائت به سند متصل از کسانی که مصاحف عثمانی را دیده و تتبع و پی جویی کرده اند، نقل شده است. و به طور مسجل روشن نیست که اختلاف رسوم مصاحف مذکور به امر عثمان صورت گرفته یا اینکه این اختلاف در نحوه قرائت واحد است. چون بعضی از خلاف های منقول ناشی از رسم الخط است، و بعضی دیگر مربوط به نحوه قرائت است و ظاهراً نویسندگان مصحف های عثمانی در نحوه نگارش سلیقه خود را به کار برده اند. برخی بر آنند که مصاحف عثمانی چون به حرف واحد و لغت (قرائت) قریش نوشته شد، قرائت قریش به صور و رسوم مختلف اثبات و حذف و ابدال جلوه گر بوده است؛ از این رو در بعضی مصاحف به روایتی و در بعضی دیگر به روایتی دیگر که اختلاف را کم کند و قابل قبول بود ترسیم و تصویر شده است. (۱)

تطابق رسم و قرائت در این دوره: سال های ۲۵ تا ۳۰ ق به دوره توحید مصاحف مشهور است؛ در فارسی آن را یکسان سازی می نامیم. این رخداد تاریخی از یک طرف مربوط به کتابت و رسم است و از دیگر سو مربوط به قرائت است.

جمع یا توحید مصاحف آیا در اختلاف قرائت مؤثر بوده یا نه؟ در پاسخ این پرسش آراء متفاوت است. عده ای از علمای قرون بعدی که مطابقت قرائت با رسم را شرط صحت قرائت دانسته و از طرفی در بین قرائات سبع مواردی دیده اند که از نظر رسم با یکدیگر مخالفت دارند - مانند زیاده یا نقصان کلمه - در توجیه این دو امر متناقض گفته اند که این قرائات با مصاحف عثمانی مخالفت نداشته زیرا این اختلافات به دستور عثمان در مصاحف گنجانده و کتابت شده اند و سپس به شهرها ارسال گردیده تا قرائات صحیح باقی بماند.

نظریه عبدالهادی فضلی: دکتر فضلی در این باره می گوید: عثمان دستور داد مصحف های امام - طبق قرائت های مختلف و معتبر - با رسم الخط های متفاوت نگارش شود. البته این قرائت های مختلف و معتبر به پاره ای از حروف قرآن کریم محدود بود. چنانکه در مورد «قال موسی» در سوره قصص در مصحف مکه بدون واو و در سایر مصاحف با واو «و قال موسی» نگارش شده بود. همچنین عثمان دستور داد که پاره ای از کلمات قرآن به صورتی نگارش یابد که آن کلمه بتواند پذیرای وجوه مختلف قرائت باشد، مانند: «یخدعون» که در سوره بقره بدون الف نگاشته شد تا بتوان آن را «یخادعون» و با الف قرائت کرد و همچنین در یاءات زائد. (۲)

سخنی که در ادامه از مهدوی یاد می شود به همین نکته اشاره دارد آنجا که می گوید: عثمان و کسانی که با رأی و نظریه او توافق کرده اند چنین اختلافی را در مورد نسخه هایی که دستور نوشتن آنها را داده و به شهرهای مختلف فرستاده بود از آن جهت تصویب کردند چون می دانستند که این اختلاف نیز از جمله چیزهایی به شمار می رفت که قرآن کریم بر اساس آن نازل گردید. لذا این اختلاف را تصویب و اجراء کرد تا هر گروهی

۱- تاریخ جمع قرآن کریم، ص ۳۸۶.

۲- یاء زائد، خوانده می شود ولی در نگارش حذف می شود.

بتواند بر حسب روایت خود قرآن را روایت کند و به همین جهت قرائت مردم هر شهری تابع رسم الخط مصحف آنان بوده است. (۱)

نقد حاج اسماعیلی: اگر این دیدگاه را باور داشته باشیم باید بپذیریم که اختلاف قرائت برای اولین بار بین سال های ۲۵ تا ۳۰ ق. در مصاحف داخل شده و قرائت بر کتابت تأثیر گذاشته ولی این نظر از چند جهت قابل خدشه است، زیرا:

اولاً درباره کتابت بعضی از کلمات به گونه ای که تحمل قرائت مختلف را داشته باشد مانند: «یخدعون» باید گفت: حذف الف یکی از خصائص و ویژگی های خط عربی در آن برهه بوده است و این ویژگی در کلمات بسیاری که هیچ گونه اختلاف قرائتی در آنها نیست نیز دیده می شود، مانند: «سموت» و «سبحن» و ... و درباره حذف و اثبات بعضی از حروف مانند: حذف و اثبات «واو» در «و سارعوا الی مغفره» (آل عمران/۱۳۳) و یا حذف و اثبات «الف» در «و وصی بها ابراهیم» (بقره/۱۳۳) و حذف و اثبات «هو» در «فان الله هو الغنی الحمید» (حدید/۲۴). در اینجا این پرسش ها مطرح می شود که ابوبکر که خود جامع اولین مصحف بوده اختلافاتی از این دست را چگونه در مصحف خود حفظ کرده و نشان داده است؟ و به راستی چرا هیچ اثری از این گونه اختلافات در جمع اول گزارش نشده است؟ باز تأکید می کنیم که این اختلاف در قرائت - که بعدها به شکل اختلاف در رسم مطرح شده - در روایات مربوط به جمع عثمان هم دیده نمی شود بلکه علمای قرون بعدی بوده که مدعی چنین اختلافاتی در رسم مصحف عثمانی شده اند.

ثانیاً، در بین قرائت به مواردی بر می خوریم که به هیچ وجه با رسم الخط قابل تطبیق نیستند مانند: «لأهب لك غلاما زكيا» (مریم/۱۹). با اینکه دانی در کتاب المقنع تصریح کرده که شیوه نگارش «لأهب» در همه مصاحف با «الف» است ولی با این حال می بینیم ورش و قالون، در یکی از طریش و نیز ابوعمر و بصری و یعقوب این کلمه را با «یاء» به صورت «لِیْهَب» خوانده اند. همچنین در «قال أو لو جئتکم» (زخرف/۲۴) دانی از وجود حرف «الف» قبل از «واو» در مصاحف اظهار بی اطلاعی کرده و گفته است: «هیچ خبری نزد ما از اینکه ثابت کند آن در مصحف های شام چنین بوده و همچنین در سایر مصحف ها وجود ندارد». اما قرائت ابن عامر و حفص از عاصم با «الف استفهام» است و به همین گونه است در «و كذلك نُجِی المؤمنین» (انبیاء/۸۸). دکتر محیسن در این باره می گوید: «ابن عامر و شعبه [راوی عاصم] این کلمه را «نُجِی» با حذف یکی از دو نون و تشدید جیم قرائت می کنند و این موافق با رسم الخط مصحف است» (۲) و این بدان معناست که قرائت «ننجی» مخالف رسم الخط است.

مواردی که بدان اشاره شد اگر چه به عنوان قرائت معتبر شناخته شده ولی همگی مخالف رسم است. لذا اگر بپذیریم عثمان رسم مصاحف را مطابق قرائت معتبر قرار داده باید بپذیریم که این موارد و نظائر آنها در آن روزگار در خط مصحف داخل نگردیده و این قرائت همگی مخالف رسم الخط بوده اند. به اعتقاد ما استناد به این نکته که داخل شدن قرائت در رسم الخط مصحف توسط

عثمان انجام پذیرفته ادعایی بیش نیست. مضافاً بر اینکه در بین گزارش های موجود درباره رسم المصحف هیچ گزارش قابل اطمینانی وجود ندارد که در آن ادعا شده باشد کسی یا کسانی مصحف عثمانی را دیده و گزارش کرده باشند. تنها چیزی که در این باره گفته شده ادعای برخی افراد در این مورد است بلکه عمده سخنانی که درباره مصحف عثمانی در کتب رسم ذکر شده است از منابعی غیر از مصاحف عثمانی می باشد. مارغنی در این باره می گوید: بدان که پیشوایان علم رسم هر چه را گفته اند از مصاحف عثمانی به طور مستقیم نقل نکرده اند و چه بسا بازگویی ایشان از یکی از این مصاحف بوده است و بسا که بر اساس حکایت هایی که از آن مصاحف شده سخنی را بازگو کرده اند و چه بسا به هر یک از مصحف های مدینه و مکه و شام و عراق اعتماد نموده و به گمان اینکه این مصحف ها از روی همان مصاحفی که عثمان به این شهرها فرستاده نگاشته شده مطالبی را نقل کرده اند. (۱) همانگونه که ملاحظه می شود مأخذ رسم المصحف بر اساس گفته مارغنی عبارت است از: ۱- مصحفی از مصاحف عثمانی؛ ۲- همه مصاحف (اعم از مکی، مدنی، کوفی، بصری، شامی)؛ ۳- مصاحف شهری خاص مانند مصحف مدنی، مکی، کوفی، بصری، شامی.

در موارد ۲ و ۳ گمان علمای رسم بر این است که مصحف هر شهری تابع و همانند مصحف عثمانی بوده که به آن شهر فرستاده شده در حالی که در همه این موارد ملاک سخن مبتنی بر ظن و گمان است و علمایی چون دانی و دیگران که از پیشوایان علم رسم محسوب می گردند بدون توجه به این که ظن و گمان بر چه اساس و معیاری استوار است سخن گفته اند. در مورد ۱ نیز کسانی چون مارغنی بر این باورند که بخشی از علم رسم از خود مصاحف عثمانی یا یکی از آنها برگرفته شده که این نیز صرفاً ادعایی بدون دلیل است. برای نمونه، دانی در مواردی از قول ابو عبید نقل کرده که وی یکی از مصاحف عثمانی را دیده است و به همین دلیل سخن ابو عبید را ملاک کار خود قرار داده در حالی که امام مالک (درگذشت ۱۷۹ ق.) معتقد است مصاحف عثمانی از بین رفته و خبری از آن در دست نیست. سجستانی در این باره می گوید: عبدالله برای ما حدیث کرد از ابوطاهر از ابن وهب که گفت: «از مالک درباره مصحف عثمان سؤال کردم. وی در پاسخ به من گفت: [از بین رفت]» (۲) شایان توجه است که امام مالک از نظر زمانی بر ابو عبید مقدم بوده و پیش از وی وفات کرده است. از طرف دیگر ابو عبید مدعی گردیده «ولات حین مناص» (سوره، ص ۳) در مصحف امام به شکل متصل «ولا تحین مناص» نگاشته شده است. وی مدعی است که خود این مطلب را دیده است. ولی دانی - که در موارد دیگر سخن ابو عبید را ملاک کار خود قرار داده - در این مورد سخن او را مردود دانسته است. (۳) پس چنانچه سخن ابو عبید و ادعای او مبنی بر رؤیت مصحف امام صحت داشته چرا دانی در اینجا این سخن را از او نپذیرفته است؟ و حال آنکه در مواردی دیگر با استناد و اعتماد به سخنان ابو عبید مدعی شده که در مصحف امام فلان کلمه به گونه خاصی نگاشته شده است.

ص: ۴۳

۱- . دلیل الحیران، مارغینی، ص ۱۲.

۲- . المصاحف، سجستانی، ص ۴۴.

۳- . المقنع فی معرفه، دانی، ص ۷۶.

نکته دیگر اینکه بر فرض بپذیریم همه نقل‌هایی که از مصحف امام گزارش گردیده با کمال امانت و صحت به ما رسیده باشد. باز این نقل‌ها مربوط به یکی از مصاحف عثمانی است نه همه آنها. زیرا کسی ادعا نکرده که مستقیماً همه آن مصاحف را دیده است. بنابراین توزیع قرائت در سایر مصاحف چگونه قابل اثبات است؟ آیا این همه اعتماد، ظن و گمانی نیست که دانی و امثال او به مصاحف موجود در زمان خویش داشته و آنها را مطابق مصاحف عثمانی قلمداد کرده اند همان گونه که مارغنی اشاره کرده: «نسبت به مصاحف شهرها گمان برده می‌شود که هر یک از آنها مطابق مصحف عثمانی [که به آن شهر فرستاده شده] نگاشته شده باشد». بنابراین باید گفت که مسئله توزیع و ادخال قرائت در مصاحف به فرمان عثمان ادعایی بیش نیست. از این رو، ما نمی‌پذیریم که قرائت گوناگون در زمان عثمان یعنی در حدود سال‌های ۲۵ تا ۳۰ و به فرمان او در رسم مصاحف ارسالی به بلاد اسلامی داخل شده و قرائت بر رسم تأثیر گذارده باشد. (۱)

مراحل یکسان‌سازی: قرآن پژوه معاصر آقای محمدعلی کوشا در این باره اظهارنظرهای سودمندی دارد و مراحل یکسان‌سازی را مفصلاً توضیح داده است. دیدگاه او را عیناً می‌آورم.

کاری که گروه یکسان‌سازی انجام دادند عبارت بوده است از:

الف- جمع آوری همه منابع و مآخذ صحیح برای تهیه مصحف واحد.

ب- مقابله دقیق مصاحف برای دستیابی به مصحفی واحد.

ج- انتخاب مصحفی واحد در میان همه مصاحف مختلف.

د- کتابت مصحفی واحد با قرائتی واحد و انتشار و استنساخ آن و منع مردم از قرائت‌ها و تلاوت‌های مصاحف دیگر. گویند پس از انجام کار، عثمان دستور داد دیگر مصاحف را بسوزانند. (۲)

یعقوبی در تاریخش می‌نویسد: «عثمان قرآن را جمع آوری کرد و مرتب نمود، و سوره‌های بلند را با سوره‌های بلند و سوره‌های کوتاه را با سوره‌های کوتاه پهلوی هم آورد و به اطراف و اکناف نوشت که قرآن‌ها را جمع آوری کنند تا همه جمع آوری شد. سپس آنها را با آب گرم و سرکه جوشانید و به قولی آنها را سوزانید و جز مصحف عبدالله بن مسعود با همه مصحف‌ها چنین کرد. ابن مسعود در کوفه بود و زیر بار نرفت که قرآن خود را به عبدالله بن عامر بدهد و عثمان بدو نوشت که عبدالله را نزد من فرست چه اینکه تباهی به این دین و فساد به این امت، راه ندارد. پس در حالی که عثمان خطبه می‌خواند عبدالله به مسجد درآمد و عثمان گفت: اکنون جانوری سیاه بر شما درآمد! پس ابن مسعود سخنی درشت گفت و عثمان دستور داد تا او را با پایش کشیدند و دو دنده او شکسته شد. پس عایشه به حرف آمد و بسیار سخن گفت.

ص: ۴۴

۱- «بررسی تعامل و تقابل»، جاح اسماعیلی، ص ۵۳-۵۶.
۲- . فَسَيَحُوهَا فِي الْمَصَاحِفِ، وَقَالَ عُمَانُ لِلرَّهْطِ الْقُرَشِيِّينَ الثَّلَاثَةِ: إِذَا اخْتَلَفْتُمْ أَنْتُمْ وَزَيْدُ بْنُ ثَابِتٍ فِي شَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ فَانْكَبُوهُ

بِلِسَانِ قُرَيْشٍ فَإِنَّمَا نَزَلَ بِلِسَانِهِمْ، فَفَعَلُوا حَتَّى إِذَا نَسُوا الصُّحُفَ فِي الْمَصَاحِفِ رَدَّ عُمَانُ الصُّحُفَ إِلَى حَفْصَةَ فَأَرْسَلَ إِلَى كُلِّ
أَقْبِ بِمُضِيحٍ مِمَّا نَسُوا، وَأَمَرَ بِمَا سِوَاهُ فِي الْقُرْآنِ فِي كُلِّ صَيْحِيهِ أَوْ مُضِيحٍ أَنْ يُحْرَقَ» (صحيح البخارى، كتاب فضائل
القرآن، باب جملة القرآن، حديث ٤٩٨٧؛ الاتقان، ص ١٥٧).

عثمان نسخه های قرآن را به شهرها فرستاد: نسخه ای به کوفه و نسخه ای به بصره و مصحفی به مدینه و مصحفی به مکه و مصحفی به مصر و مصحفی به شام و مصحفی به بحرین و مصحفی یمن و مصحفی به جزیره.

و دستور داد که مردم از یک نسخه قرائت کنند و سبب آن بود که خبر یافت کسانی می گویند: قرآن آل فلان. پس خواست که یک نسخه باشد و به قولی ابن مسعود این پیشنهاد را به او نوشت، ولی چون خبر یافت که عثمان قرآن ها را می سوزاند، گفت: این را نخواستم. و به قولی حذیفه بن یمان این پیشنهاد را به عثمان نوشت. و ابن مسعود رنجور شد. پس عثمان به عیادت وی آمد و به او گفت: چه سخنی است که از تو به گوشم رسیده است؟ گفت: همان چه را با من کردی گفته ام، تو فرمان دادی که شکم مرا لگدکوب کردند و نماز ظهر و عصر را بیهوش بودم و مقررّی مرا گرفتی. گفت: اکنون برای قصاص آمده ام، پس همان کاری که با تو انجام شده است با من انجام ده. گفت: من آن کس نیستم که در قصاص را بر خلفا بگشایم. گفت: این مقررّی توست. آن را بگیر. گفت: آنگاه که بدان نیازمند بودم آن را از من دریغ داشتی و اکنون که از آن بی نیازم آن را به من می بخشی؟ نیازی بدان ندارم. پس عثمان بازگشت و ابن مسعود بر عثمان خشمناک بود تا وفات کرد و عمّار بن یاسر بر او نماز خواند و عثمان در مدینه نبود. پس مرگ او را پوشیده داشتند و چون عثمان باز آمد قبر را دید و گفت: این قبر از کیست؟ گفته شد: قبر عبدالله بن مسعود. گفت: چگونه پیش از اطلاع من دفن شده است؟ گفتند: عمّار یاسر به کار او رسید و گفت که خود وصیت کرده است که به عثمان اطلاع داده نشود. چیزی نگذشت که مقدار هم وفات کرد و عمار بر او نماز خواند، چه خود به عمار وصیت کرده بود و عثمان را اطلاع ندادند. پس خشم عثمان بر عمار بالا گرفت و گفت: وای من بر پسر زن سیاه، راستی که او را نیک می شناختم!». (۱)

عبدالله بن هانی بربری (غلام عثمان) نقل می کند: «من نزد عثمان بودم و می دیدم که نسخه های مختلف مصحف ها را با یکدیگر مقابله می کردند. عثمان استخوان کتف گوسفندی را به من داد که در آن این کلمات نوشته شده بود:

«لَمْ يَتَسَنَّ» و «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» و «فَأَمِّهِلِ الْكَافِرِينَ».

من آن را نزد ابّی بن کعب بردم و او آنها را به اینگونه تصریح کرد:

«لَمْ يَتَسَنَّ»، «لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» و «مَهِّلِ الْكَافِرِينَ». (۲)

دیدگاه مرحوم آیت الله معرفت: در مرحله مقابله مصحف ها با یکدیگر سهل انگاری های آشکاری رخ داد به گونه ای که در مصحف های عثمانی، اشتباهات و تناقص های املائی فاحشی وجود داشت. تا آنجا که مصحف های فرستاده شده به اطراف با یکدیگر کاملاً تطبیق نمی کرد. مسئولیت این امر بر اعضای کمیته به خصوص عثمان است که بر این اشتباهات واقف شد، ولی چاره ای نیندیشید و مسامحه کرد. (۳)

ص: ۴۵

- ٢- . الاتقان فى علوم القرآن، النوع الحادى و الاربعون، تنبيهاٲ، ص ٤٤١، چاپ دارالكتاب العربى، - يك جلدى.
- ٣- . علوم قرآنى، ص ١٤٤-١٤٥.

مصحف های عثمانی از نظر ترتیب سوره ها نزدیک به مصحف هایی است که صحابه نوشته بودند و بر همان شیوه، سوره های بزرگ مقدم بر سوره های کوچک ترتیب یافت. حروف مصحف های عثمانی خالی از نقطه و علائمی بوده است که اعراب کلمات را نشان می دهد. این مصحف ها به احزاب و اعشار و اخماس، تقسیم بندی نشده بود و مملو از غلط های املائی و تناقض هایی در رسم الخط بوده است که علت آن، ابتدایی بودن خطی است که صحابه در آن زمان می شناخته اند. (۱)

آنگاه مرحوم معرفت چنین نتیجه گیری می کند: «اشتباهات املائی که در مصحف همچنان باقی بوده و تغییر داده نشده، خود حجتی است بر سلامت قرآن از هر گونه دستبرد و تحریف؛ زیرا تصحیح اشتباهات املائی که سزاوار بود انجام شود ولی برای حفظ کرامت، سلف درباره آن اقدامی نکرده، دلیل روشنی است که در سرتاسر قرآن هیچ گونه تغییری صورت نگرفته است و موجب شده کسی جرأت نکند به آن دستبرد بزند». (۲)

و عجیب اینکه برخی تصور کرده اند که رسم الخط مصحف به دستور خاص پیامبر (ص) به همین گونه و شکل فعلی تدوین شده است و نویسندگان اولیه دخالتی در نحوه نوشتن کلمات نداشته اند! ابن المبارک از شیخ و استاد خود، عبدالعزیز الدباغ نقل می کند که او گفته است: «رسم الخط قرآن سری از اسرار خداوند است و تعیین آن از پیامبر است!

و عجیب تر اینکه بعضی در توجیه غلط های رسم الخط آن برآمده اند مثلاً گفته اند: زیادت «یا» در «وَالسَّمَاءِ بَيْنَاهَا بِأَيْدٍ» (ذاریات / ۴۷) برای اشاره به تعظیم قدرت الهی است که به وسیله آن، آسمان را بنا نهاده است که با هیچ قدرت و نیروی دیگر شباهت ندارد و این به مقتضای قاعده «زیاده المبانی تدلّ علی زیاده المعانی» (۳)

ابوالعباس مراکشی معروف به ابن البناء (متوفای ۷۲۱) در کتاب خود با نام «الدلیل فی مرسوم التنزیل»، اسراری را برای غلط های رسم الخطی مصحف شریف تراشیده که به قول خودش از اسرار و حکمت های نهانی عوالم غیب و شهود و مراتب وجود و مقامات است!

مثلاً گوید: اضافه کردن الف در آیه «... لَأَعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ» (نمل / ۲۱) برای توجه دادن به این معناست که ذبح از عذابی که در صدر آیه ذکر شده شدیدتر است!

یا: در آیه «كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» (واقع / ۲۳) الف بعد از همزه اضافه شده است تا بر سفیدی و جلای آن نسبت به مروارید غیر مکنون و غیر پوشیده دلالت داشته باشد، لذا در آیه «كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ» (طور / ۲۴) اضافه نشده است!

یا: در «سَأُورِيكُمْ آيَاتِي» (انبیاء / ۳۷) و او اضافه شده است تا بر آن دلالت کند که عالم وجود در بالاترین مرتبه وضوح است!

یا: در «وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ» (اسراء / ۱۱) واو حذف شده (يَدْعُو) تا بر آن دلالت کند که انجام کار بد و شرّ برای انسان آسان است و آدمی در انجامش سرعت به کار می برد!

١- . علوم قرآنی، ص ١٥٣.

٢- . همان، ص ١٥٦.

٣- . مناهل العرفان، ص ٢٦٣، چاپ یک جلدی، بیروت، چاپ دوم، ١٤١٩ق.

یا: در «وَزَادَهُ بَسِيطَةً...» (بقره/ ۲۴۷) و «وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصِيطَةً» (اعراف/ ۶۹) در یکی با سین و در دیگری با صاد نوشته شده است؛ زیرا با سین سعه جزئی و با صاد معنای سعه کلی است!

یا: در «سَيَنْدُعُ الزَّبَانِيَةَ» (علق/ ۱۸) واو در آغاز آن حذف شده برای اینکه در آن سرعت فعل و اجابت شعله جهنم و شدت عمل، مقصود است!

یا: در «وَجِأَىءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» (فجر/ ۲۳) رسم الخَطِّ «جِأَىءَ» به جای «جِئَاءَ» برای آن است تا دلیل بر آن باشد که این مجیء و آمدن، آشکار است. (۱)

روشن است که این گونه توجیها ت بی پایه ی مضحک، مصداق دفاع جاهلانه و یا متعصبانه از کاتبان کم سواد و نا آشنای به فنون خط در آن زمان است بعید نیست که ریشه چنین دفاعیات و توجیها ت، به رخ کشیدن حدیث «أَصِيحَابِي كَالنُّجُومِ بِأَبْهَمِمْ اَقْتَدَيْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ» باشد که به آسانی با چنین حدیثی می توان هر گونه نادرستی و خطای آنان را درست و صواب دانست!

در جواب این گونه توجیه گران، ابن خلدون است که گفته است: «برخی از افراد ناآگاه گمان کرده اند که صحابه صنعت خط را به خوبی و به طور کامل می دانسته اند، و برخی از نوشته های آنان که مخالف قواعد است، از روی حکمت و علتی بوده است... ولی این قبیل مطالب هیچ اصلی ندارد و جز گفتاری بدون دلیل نیست». (۲)

دیدگاه دکتر صبحی صالح: «تردیدی نیست که این مطالب، غلو و مبالغه ای است درباره تقدیس رسم الخط مصحف عثمانی، و تکلفی است که ما فوق آن تصوّر نمی شود؛ زیرا از منظر دور است که رسم الخط را امری توقیفی و با دستور پیامبر(ص) بدانیم و یا تصوّر کنیم که مشتمل بر آسراری است».

به همین جهت است که ابن خطیب (۳) معتقد است که باید رسم الخط مصحف تصحیح شود و با خطی که همه مردم به خواندن آن قادر باشند، نوشته شود.

زیرا رسم الخط پیشین با دستور پیامبر(ص) نبوده، بلکه روش نویسندگان آن روز بوده، یا کتابت در مراحل بدوی بوده و از دقت لازم برخوردار نبوده است. اما امروزه با پیشرفت روش های کتابت و تکمیل آن که خواندن را برای همگان آسان کرده است، چاره ای جز تغییر رسم الخط گذشته به رسم الخط کنونی که همه بدان آشنا هستند، نیست. این امر موجب تحقق بخشیدن به منظور و هدفی است که قرآن کریم برای آن نازل شده و آن هدایت و راهنمایی همگان برای همیشه است.

قاضی محمّد بن الطیب ابوبکر باقلانی (متوفای ۴۰۳) در کتاب الانتصار نظری قابل توجه دارد و نوشته است: خداوند شکل و نحوه خاصی از کتابت و نوشتن را بر مردم واجب نکرده است. برای نوشتن قرآن و نویسندگان مصاحف، رسم الخط خاصی معین نشده که موظّف باشند بر طبق آن قرآن را ثبت کنند و از غیر آن بپرهیزند؛ زیرا وجوب این موضع منوط به وجود مدرک شرعی است و در نصوص کتاب به این موضوع اشاره ای نشده است که مثلاً کتابت، ثبت و ضبط قرآن به طریقه ای خاص و با خطی معین انجام گیرد و از آن تجاوز نشود. همچنین در سنت چنین مطلبی وجود ندارد و

-
- ١- . علوم قرآنی، ص ١٥٩-١٦٠.
 - ٢- . مقدمه ابن خلدون، باب ٥، ص ٤١٩ و باب ٦، ص ٤٣٨؛ علوم قرآنی، ص ١٦٢.
 - ٣- . نام کتاب ابن خطیب «الفرقان فی جمع و تدوین القرآن» نام دارد. چاپ قاهره، دارالکتب المصریّه، ١٣٦٧ق.

اجماع امت نیز این امر را واجب نشمرده است. بلکه سنت دال بر آن است که قرآن را می توان به هر شکلی که آسان تر باشد، نوشت. زیرا پیامبر(ص) فقط به «کتابت قرآن» امر کرد و هیچ طریقه خاص و رسم الخط معینی را برای نوشتن آن معین نکرد و هیچ کس را از کتابت آن نهی نفرمود. از همین رو خطوط مصحف ها مختلف است و هر گروهی با روشی که بین خود آنان مصطلح و متداول بوده است، قرآن را نوشته اند. این مطالب، خلاصه ای از گفتار قاضی باقلانی که عبدالعظیم زرقانی آن را در «مناهل العرفان» آورده است. زرقانی پس از نقل سخن باقلانی، در صدد جواب دادن به او برآمده است، اما سستی جواب های او در مقابل تحقیق محکم و استوار باقلانی به خوبی آشکار است. (۱)

اما دکتر صبحی صالح درباره سخن باقلانی چنین گفته است: «عقیده قاضی ابوبکر در این باره قابل قبول است. او دلائلی محکم و نظری دوراندیش دارد. عواطف و احساسات خود را درباره بزرگداشت پیشینیان بر دلیل و برهان، مقدم نشمرده و میان آن خلط نکرده است. آنان که رسم الخط قرآن را توقیفی و همیشگی می دانند، گرفتار احساسات خود هستند و عواطف و مذاق شخصی خود را در این امر دخالت داده اند. در حالی که عواطف و ذوق های شخصی نسبی است و نباید آنها را در امور دینی دخالت داد، زیرا حقایق شرعی از ذوق و عاطفه استنباط نمی شود». (۲)

دیدگاه محمدعلی کوشا در توقیفی یا اجتهادی بودن رسم الخط: از قدیم بخشی مطرح شد که آیا هر کارشناس و متخصصی می تواند در مورد رسم الخط اظهار نظر کند و ابداعی داشته باشد؟ یا قواعد کتابت منحصر به موارد مذکور در اسناد مأثور است؟ به هر حال دو دیدگاه در این باره هست. مطلبی در توضیح این مبحث از محمدعلی کوشا نقل می کنیم.

بعضی بر توقیفی بودن رسم الخط قرآن چنین استدلال کرده اند: پیامبر(ص) قرآن را به تلقین جبرئیل بر زید بن ثابت و سایر کاتبان وحی، املاء می فرموده است، و گواه این مطلب آنکه در قول خدای تعالی «وَإِخْرَاجُهَا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِمْ» در سوره بقره آیه ۱۵۰ به اثبات یاء و در سوره مائده آیه ۳ و ۴۴ به حذف یاء در دو جا کتابت شده است. و نظائر آن دلالت دارد بر هجاء قرآن و کتابت آن به نحو توقیف، نه من باب رسم موضع. و قرآن در عهد رسول خدا(ص) مکتوب شد. ولی در مجلد واحد قرار داده نشد. (۳)

اما کسانی که رسم الخط قرآن را اجتهادی می دانند، چنین استدلال می کنند:

اولاً پیامبر اکرم(ص) امی بود؛ نه می نوشت و نه می خواند. و قرآن نیز گویای همین امر است آنجا که می فرماید: «وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذْ لَأْتَتَابَ الْمُبْطِلُونَ»؛ تو پیش از این هیچ کتابی نمی خواندی و چیزی به دست خود نمی نوشتی که در آن صورت باطل گرایان سخت به تردید می افتادند» (عنکبوت/۴۸).

بنابراین پیامبر امی چگونه بر حسب قواعد کتابت و املاء، کاتبان را به چگونه نوشتن کلمات وامی دارد؟!

ص: ۴۸

۱- . مناهل العرفان، ص ۲۷۱-۲۸۰، چاپ یک جلدی؛ علوم قرآنی، ص ۱۶۵-۱۶۶.

۲- . مباحث فی علوم القرآن، ص ۲۷۹؛ علوم قرآنی، ص ۱۶۶.

٣- . تاريخ القرآن و رسمه و حكمه، محمد طاهر بن عبدالقادر الكردي الملكي، چاپ مصر، سال ١٣٧٢ قمرى، صفحات ٣٩-

آیا این مطلب اصولاً منطقی است که مثلاً پیامبر به کاتب وحی بگوید کلمه «ابراهیم» را در یک جا بدون یاء (ابرهیم) و در جای دیگر با یاء (ابراهیم) بنویسد و خود متوجه این تهافت هم نشود؟!

آیا به راستی این کاری صحیح است که پیامبر در یک جا دستور دهد کلمه «باید» با یک یاء و در جای دیگر با دو یاء (آیید) بنویسند؟!

آیا این مطلب پذیرفته است که مثلاً پیامبر دستور دهد کلمه «شیء» در یک جا چنین و در جای دیگر به صورت «شایء» بنویسند؟! و همین طور ده ها مورد تهافت دیگر.

ثانیاً در زمان عثمان، وقتی که زید بن ثابت و اعضای قریشی انجمن قرآن بر سر کلمه «التابوت» اختلاف پیدا کردند که آیا با تاء کشیده بنویسند یا با تاء مدور (ه)؟ عثمان گفت: با تاء کشیده بنویسید، به جهت اینکه قرآن به زبان قریش نازل گردیده است. و اگر رسم قرآن به املاء پیامبر به صورت توقیفی می بود، می بایست بگوید چون پیامبر دستور داده می باید به فلان صورت بنویسید، ولی عثمان هرگز در اینجا استشهاد به دستور خاص پیامبر نکرد، چون پیامبر در کار رسم الخط به دلیل امی بودن دخالتی نداشته است.

ثالثاً اگر رسم قرآن توقیفی بود، میان رسم مصاحف عثمانی اختلافی روی نمی داد.

رابعاً هرگاه رسم قرآن توقیفی بود، صحابه آن را اعلام می کردند و دیگر کتابت به صحف و الواح جهت نوآموزان (به گفته امام مالک) به غیر عثمانی روا شمرده نمی شد.

خامساً هر گاه توقیفی بود، نسبت دادن این رسم به عثمان دیگر معنا نداشت.

بنابراین رسم قرآنی، امری اجتهادی و به تعبیر دیگر اصطلاحی است نه توقیفی و این کار از اصطلاح و اجتهاد و وضع صحابه بوده است.

با توجه به این نکات، دیگر جایی برای این سخن - که رسم مصحف، سّری از اسرار الهی است که کسی به آن پی نمی برد و خطّش هم معجز است! - باقی نمی ماند.

و به راستی اگر رسم قرآن توقیفی است، پس چاپ های گوناگون قرآن با رسم های مختلف آن در سراسر جهان اسلام مثل رسم الخط پاکستانی، ایرانی، سوری، حجازی، به ویژه لیبیایی و مصری با همه تفاوت هایشان، کاتبان و ناشران آنها به جای ثواب و صواب مرتکب گناه و خطا شده اند!

در صورتی که نوآوری های رسم الخط، کار خواندن را بر خوانندگان قرآن کریم آسان تر ساخته و می سازد، و این کار عین ثواب و صواب است. (۱)

دوره پس از مصاحف عثمانی تا پیدایش ابن مقله (۳۰ تا سده چهارم قمری)

کار گروه توحید مصاحف (یکسان سازی قرآن‌ها) در سال ۲۸ق به اتمام رسید و طی دستوری از جانب خلافت همه مجبور بودند قرآن تأیید شده مشهور به قرآن عثمانی را ملاک عمل قرار دهند.

قرآن عثمانی چون به خط کوفی بود. خط کوفی تحولاتی را حدود ۲۵۰ سال تا نیمه دوم سده سوم پشت سر گذاشت. در این مدت خط کوفی مبنای امور آموزشی و نگارشی بود و در کل امپراطوری اسلامی، غرب اسلامی و شرق اسلامی سیطره داشت. البته تحولات در غرب اسلامی مثل شما آفریقا

ص: ۴۹

۱- . نقد رسم الخط عثمان طه از قرآن کریم، ص ۶۷-۷۰، محمدعلی کوشا.

و اندلس در زمینه خط کوفی با شرق اسلامی تفاوت هایی داشت و خط کوفی در دو بستر رو به تکامل بود. این تحولات حتی بعد از وفات ابن مقله در ۳۲۸ هنوز تداوم داشت و تا هفتم قمری خط کوفی کما پیش محوریت داشت.

این دوره را گاه توحید مصاحف تا تسبیح قرائات نامیده اند. (۱) بر اساس گزارش های تاریخی اوج دوران نقل قرائات گوناگون، به سده دوم، هم زمان با حیات قراء سبعة باز می گردد و همچنان این قضیه در سده های پسین تا زمان گزینش قراء سبعة و تسبیح قرائات که ابن مجاهد انجام داد گسترش می یابد. در این برهه از تاریخ، اجتهاد قراء در گزینش و انتخاب قرائات امری رایج و کاملاً مشهود است. دکتر عبدالهادی فضلی پدیده اختیار را چنین تعریف می کند: «... حرفی است که قاری آن را از بین مرویاتش بر اساس اجتهاد و اختیار خودش بر می گزیند» (۲) بنابراین همان گونه که دانسته می شود اختیار نتیجه اجتهاد است. ولی آیا اجتهاد قاریان اجتهاد در انتخاب بوده است یا در اجتهاد در وضع و اختراع؟ آنان که همه قرائات را صحیح دانسته بر این باورند که این اجتهاد از نوع اجتهاد در انتخاب قرائت بوده است نه اختراع و وضع قرائت جدید. به این معنی که قرآن بر هفت حرف نازل گردیده و همه این قرائت ها همان هفت حرفند، فقط قاری بر اساس ملاک هایی که نزد خود معتبر دانسته قرائتی را از سایر قرائات بهتر دیده و آن را برگزیده و بر دیگران اقراء کرده است، لذا آن قرائت به نام وی اشتهار یافته. ابن جزری در این باره می گوید: همه آنچه از حضرت محمد (ص) رسیده صحیح است و همگان باید آن را بپذیرند و هیچ کس را نرسد که آن را انکار نماید به طوری که ایمان به آن لازم است، زیرا همه این قرائات منزل من عندالله می باشند و هیچ فرقی بین آنها نیست. پیروی از همگی، علما و عملاً واجب و ترک یکی به خاطر دیگری جایز نیست. (۳) به اعتقاد کسانی مثل حاج اسماعیلی، نگرش دکتر فضلی از متأخران و ابن جزری از متقدمان از جهاتی قابل نقد و بررسی است. (۴) اما برای این بررسی به منابع مرتبط مراجعه شود.

پیدایش مبتکران و مخترعان خط

با ظهور بزرگانی چون ابن مقله و ابداع سبک های جدید در کتابت و خط و خطاطی، دانشمندان علوم قرآنی هم به فکر افتادند قرآن کریم را با خط جدید کتابت کنند. از این رو دوره جدیدی در تاریخ رسم الخط و کتابت قرآن آغاز شد.

ابن مقله و خط او: ابو علی محمد بن علی معروف به ابن مقله (۲۷۲-۳۲۸ق) ادیب، خوشنویس، مبتکر و مبدع خطوط مختلف و وزیر عباسیان بود. بیشتر کسانی که شرح حال وی را نوشته اند او را نخستین مخترع و مبتکر رسم الخط بدیع و شیوه جدید خط عربی دانسته اند. خطوطی که ابن مقله اختراع کرد عبارتند از محقق، ریحان، ثلث ریحان، ترقیع، رقاع و نسخ که مدار آنها را بر دایره و سطح نهاد. وی خط نسخ را در ۳۱۰ق در زمان المقتدر عباسی و وزارت ابن فرات اختراع و وضع کرد که به

ص: ۵۰

۱- «بررسی تعامل و تقابل»، ص ۷۵.

۲- قرائات القرآنیة، الفضلی، ص ۱۰۵.

۳- النشر فی القرائات العشر، ج ۱، ص ۵۱.

۴- بررسی تعامل و تقابل، ص ۵۸.

مناسبت سهولت در تحریر، ناسخ خطوط دیگر شد و از همین رو «نسخ» نام گرفت و از همان زمان در ممالک اسلامی شایع و رایج گردید. ابن مقله هر کدام از این خطوط را برای نوشتن مطلبی مخصوص تعیین کرد. (۱) متأسفانه از ابن مقله قرآن کاملی باقی نمانده است. یا اگر هم نوشته بوده بر اثر تطاول روزگار از بین رفته است. ولی پیگیر سبک و هنر او هنرمند بزرگی چون ابن بواب بود.

لازم به یادآوری است که خطاطان تا اواخر قرن سوم قمری مصحف‌ها را با خط کوفی می نوشتند. اما از اوائل قرن چهارم، خط زیبای تکامل یافته نسخ، جای خط کوفی را گرفت. اولین مصحف به خط نسخ، به دست خطاط معروف مقله نوشته شد.

بنابراین «ابن مقله» اولین کسی است که به خط نسخ و ثلث نوشته است. او که در علم هندسه تخصص داشت، با رسم حروف هندسی و بنا نهادن قواعد و اصول آن، خط عربی اسلامی را تغییر داد و بدان زیبایی بخشید. مصحف موجود در موزه هرات در افغانستان منسوب به اوست. گفته اند او دو بار قرآن را نوشته است.

ابن بواب و آراء او: یکی از حوادث مهم این دوره آراء، فعالیت‌ها و غله ابوالحسن علی بن هلال مشهور به ابن بواب (درگذشت ۴۱۳ یا ۴۲۳ق) است. او کتاب مشهوری به نام مصحف ابن بواب در سال ۳۹۱ق نوشت. از این رو این اثر که شامل آراء ابن بواب است در همین قلمرو دوره بوده است. اکنون اجمالاً به معرفی ابن بواب می پردازیم: ابن بواب ابوالحسن علی بن هلال معروف به ابن بواب (درگذشت ۴۱۳ق) خوشنویس و مذهب بزرگی بود. ابن بواب خوشنویسی را از محمد بن اسد و محمد بن سمسا می آموخت و آنان این هنر را از ابن مقله فرا گرفته بودند. هر چند گفته اند که ابن بواب ۶۴ نسخه از قرآن مجید کتابت کرده است، اما یگانه نسخه کامل قرآن موجود به خط او در کتابخانه چستریتی نگهداری می شود که در ۳۹۱ق / ۱۰۰۱م کتابت شده است. رایس نوع خط آن را نسخ نوشته. ولی درست آن است که بگوییم نسخه آمیخته به ریحان یا به عبارت دیگر نسخ ریحانی است. رایس این نسخه را که تذهیب آن نیز کار ابن بواب دانسته شده، از هر جهت مورد ارزیابی قرار داده است. (۲) شیوه خوشنویسی ابن بواب تا زمانی که شیوه یاقوت مستعصمی معمول گردید، رواج تمام داشت. گفتنی است که نسخه قرآن موجود و منحصر به فرد ابن بواب (با تاریخ کتابت ۳۹۱ق) که در مجموعه چستریتی محفوظ است، در سال ۱۹۷۲ در پاریس به شیوه چاپ عکسی به همت رایس در نسخه‌هایی معدود به چاپ رسیده است. سپس به سفارش آیت الله حسین سعید، در یک هزار نسخه در سال‌های اخیر در ایتالیا به همان شیوه تجدید چاپ شده است و قرار است، همه نسخه یا تعدادی از آنها به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ایران وارد شود. (۳)

دیگر فعالیت‌ها: نکته بسیار مهم دیگر در این دوره آراء مالک بن انس بنیانگذار مالکیه است. او مخالف هر نوع نوآوری بود. مالک، بر این عقیده بود که نباید با شیوه قدیمی و کهن نگارش قرآن (چه در زمینه رسم و چه در زمینه ضبط) مخالفت شود.

ص: ۵۱

۱- مقاله ابن مقله در دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۶۸۴-۶۸۵.

۲- مقاله ابن بواب، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ص ۱۴۲.

۳- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۹۹۵.

از این مطلب، می توان نتیجه گرفت که التزام مالک به رسم، خوف از تحریف بوده است نه قداست «رسم المصحف». غیر از مالک، احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق) نیز بر این فتوا است که قرآن باید با هجای قدیمی نوشته شود؛ چنانکه سیوطی (م ۹۱۱ق) می نویسد:

«قال الامام احمد: تحرم مخالفه المصحف الامام فی واو او یاء او الف غیر ذلک»

«امام احمد گفته است: حرام است مخالفت کردن با مصحف امام در واو یا یاء یا الف یا غیر از آن»

کتاب المصاحف سجستانی (در گذشت ۳۱۶ق) هم در این دوره مؤثر بوده است. سجستانی با بررسی مصحف های مختلف، اختلافات نگارشی را استخراج و معرفی کرده است. رسم هایی که صرفاً جنبه کتابتی دارد و رسم هایی که ریشه در قرائت دارد، همگی را آورده و تجزیه و تحلیل نموده است.

سده پنجم تا سیزدهم قمری

دانش رسم المصحف در این دوره رشد چشمگیر در جهان اسلام داشته است. این علم منحصر و ویژه یک سرزمین خاص مثل شرق یا غرب اسلامی نیست و در همه مناطق شرق و غرب پیشرفت ها و اقدامات مهمی بوده است. برای نمونه در غرب اسلامی به این آثار برخورد می کنیم:

- کتاب التنزیل تألیف ابو داود سلیمان بن نجاج (در گذشت ۴۹۶ق)

- قصیده عقيله اتراب القصائد فی اسنى المقاصد

سروده شاطبی (در گذشت ۵۹۰ق) این قصیده به نظم درآمده کتاب «المقنع» است.

- منظومه مورد الظمان که خراز (در گذشت ۷۱۸ق) آن را در قرن هفتم و اوایل قرن هشتم در علوم رسم و ضبط سروده است.

- منظومه الاعلان بتکمیل مورد الظمان که ابن عاشر اندلسی (در گذشت ۱۰۴۰ق) آن را در تکمیل مورد الظمان سروده است.

- دلیل الحیران علی مورد الظمان، شرح سروده مورد الظمان است که ابراهیم بن احمد مارغنی تونسوی آن را نوشته است.

- تنبیه الخلائع علی الاعلان بتکمیل مورد الظمان، شرح سروده الاعلان بتکمیل مورد الظمان است که ابراهیم مارغنی آن را نوشته است.

بر این اساس علم رسم از زمان دانی (یعنی از اوایل قرن پنجم) تا اوایل قرن چهاردهم در سرزمین های غربی ممالک اسلامی بسیار رواج داشته، ولی در مقابل در سرزمین های شرقی، به این وسعت رایج نبوده است، هر چند تألیفات مهمی در این باره در شام، مصر، حجاز و ایران صورت گرفته است که می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- الوسيله الى كشف العقيله، تأليف علم الدين سخاوى (درگذشت ۶۴۳ق). او از علمای دمشق و شاگرد شاطبی بوده است.
- تخلص الفوائد و تقریب المتباعد، تأليف اين قاصح بغدادی مصری (درگذشت ۸۰۱ق). این اثر، شرح العقيله شاطبی است.
- در کتاب النشر فی القرائات العشر، ابن الجزری (۸۳۳ق) به رسم پرداخته و نکاتی درباره آن بیان کرده است.

البته در غرب اسلامی توجه به قواعد رسم الخط بیشتر بوده است. اما در شرق اسلامی مصحف های بسیار کتابت و عرضه شده است و بیشتر به جنبه خط و هنر خطاطی توجه می شده تا به قواعد دانش رسم المصحف.

برای نمونه این مصحف ها در این دوره محوریت داشته است.

- مصحف به خط حافظ عثمان (در گذشت ۱۱۱۰ق)، خطاط معروف عثمانی

- مصحف به خط احمد نیریزی (در گذشت ۱۱۵۵ق)، خطاط معروف ایرانی

- مصحف به خط محمد امین رشدی (در گذشت ۱۲۳۶ق)، خطاط معروف عثمانی

مبتکران و فعالان این دوره

طی هشت سده، تحولات و پیشرفت های بسیار در این دوره به وقوع پیوست. دانشمندان و خطاطان بزرگ توانستند سبک های نسخ و نستعلیق را به کمال رسانند و قرآن های بسیار زیبا از نظر خط و کتابت عرضه کنند. اکنون به قله ها و مهم ترین شخصیت های این دوره می پردازیم.

یاقوت مستعصمی: از عالمان رسم مصحف که در این دوره مؤثر بوده است، از یاقوت می توان نام برد.

یاقوت مستعصمی (در گذشت ۶۹۸ق) از بزرگ ترین هنرمندان قرآن نویس است که به او نیز کتابت صدها نسخه قرآن نسبت داده اند. «یاقوت از غلامان المستعصم بالله آخرین خلیفه عباسی (۶۴۰-۶۵۶ق) و از دست پروردگان وی بود و به همین جهت خود را مستعصمی می خواند. با ظهور یاقوت مستعصمی خطوط متنوع اسلامی محدود و ثابت گردید و اقلام مختلف در زمان او به شش خط منحصر و متداول شد (ثلث، نسخ، ریحان، محقق، ترقیع، رقاع). قرآن هایی به همه این اقلام موجود است. بعضی آثار بازمانده از او عبارتند از: ۱) قرآن خشتی کوچک ثلث کتابت خفی عالی با رقم یاقوت المستعصمی، در بقعه مولوی در قونیه، ۲) قرآن وزیری بزرگ، با تذهیب قرن ۹ و ۱۰، با اهدائیه به تاریخ ۷۶۷ق، در اونیورسیتی اسلامبول، ۳) قرآن وزیری جلد روغنی قدیم با تاریخ ۶۷۴ق در کتابخانه سلطنتی سابق ایران، ۴) قرآن وزیری، جلد روغنی ممتاز جدید. با تاریخ ۶۳۰ق محفوظ در کتابخانه سلطنتی سابق ایران، ۵) قرآن سلطانی مذهب (تذهیب جدیدتر از اصل)، ریحان دو دانگ، سر سوره ها رقاع دو دانگ عالی با رقم یاقوت المستعصمی در موزه اسلامی ترک، ۶) قرآن سلطانی کوچک مذهب نسخ کتابت جلی عالی. با رقم «کتب یاقوت المستعصمی فی سنه خمس و ثمانین و ستمائه (۶۸۵ق)» در موزه اسلامی ترک، ۷) قرآن وزیری خشتی کوچک مذهب قدیم، نسخ کتابت خفی عالی با رقم «کتب یاقوت المستعصمی فی الاربعاء رابع شعبان المبارک سنه ثلث و تسعين و ستمائه (۶۹۳ق)» در موزه اسلامی ترک، ۸) قرآن خشتی جلد میشن عنابی منگنه، با رقم یاقوت مستعصمی، سال ۶۸۰ق محفوظ در کتابخانه ملک، ۹) قرآن خشتی کوچک جلد سوخت معرق طلاپوش، دو صفحه اول تمام مذهب، ثلث جلی عالی، سر سوره ها نسخ کتابت خفی خوش، با رقم یاقوت بن عبدالله، سال ۶۶۸ق، محفوظ در موزه ایران باستان، ۱۰) قرآن رحلی جلد سوخت معرق طلاپوش. ثلث کتابت عالی با رقم یاقوت المستعصمی در تاریخ سال ۶۸۵ق محفوظ در موزه ایران باستان، ۱۱) قرآن وزیری کوچک، نسخ کتابت خفی خوش. با رقم یاقوت الملوك المستعصمی فی

شهر ربيع الثاني شهر سنه ثلث و ثلثين و ستمائه [=٦٣٣ق] اين قرآن را به شاه سليم تقديم

ص: ٥٣

کرده اند و رقم یاقوت و تاریخ آن مشکوک و اصل خط و نسبتش به یاقوت صحیح است. محفوظ در مجموعه مهدوی. (۱)

سهروردی: پس از یاقوت مستعصمی، و همزمان با او یکی از بزرگ ترین قرآن نویسان احمد سهروردی (۶۵۴-۷۴۱ق) است. اینکه بعضی از تواریخ و تذکره ها او را شاگرد یاقوت شمرده اند درست نیست. ولی اینکه یاقوت به استادی و حتی برتری او در کتابت قلم نسخ معترف بوده، درست است. (۲)

او نویسنده ای پرکار بوده است، به طوری که به او کتابت ۷۸ جلد قرآن نسبت داده اند. (پیشین، همان صفحه). در ربع رشیدی ۲۰ جلد از قرآن های او نگاهداری می شده است. چند قرآن از قلم او (یکی به تاریخ ۷۰۱ق، که هر صفحه آن ۸ سطر دارد، ۶ سطر به قلم نسخ کتابت و ۲ سطر به قلم ثلث جلی عالی در بالا- و پایین است و در مجموعه چستریتی محفوظ است.) باقی مانده است. همچنین ۷ جزو از ۳۰ جزو یک قرآن رحلی به قلم محقق عالی از او باز مانده است که هر جزو و بخشی از آن در کتابخانه و موزه ای است. همچنین یک قرآن سلطانی کوچک به قلم نسخ کتابت خوش و ثلث دودانگ جلی و با رقم او و تاریخ شوال ۷۱۸ق در موزه آثار ترک و اسلام استانبول نگاهداری می شود.

ارغون کاملی: دیگر از خوشنویسان و قرآن نویسان بزرگ پس از یاقوت، یکی از شاگردان او به نام ارغون کاملی (۷۴۵ق) است. او «در کتابت قلم های شش گانه به ویژه ریحان چیره دست بود. ارغون را در شمار «استادان سته» و از شاگردان یاقوت مستعصمی دانسته اند». (۳)

آثار بازمانده از او (۱) قرآن رحلی کوچک، به قلم محقق و تاریخ ۷۰۶ق، محفوظ در موزه توپکاپی سرای، (۲) قرآنی سلطانی با تاریخ ۷۲۰ق به قلم ریحان عالی محفوظ در موزه ترک و اسلام استانبول، (۳) قرآنی رحلی به تاریخ ۷۳۰ق به قلم ریحان محفوظ در توپکاپی سرای، (۴) قرآن وزیری به تاریخ ۷۳۸ق، به قلم ریحان عالی، محفوظ در کتابخانه بایزید استانبول، (۵) قرآنی سلطانی با تاریخ ۷۴۱ق، به قلم ریحان عالی، محفوظ در موزه ترک و اسلام استانبول، (۶) قرآنی وزیری، با تاریخ ۷۴۵ق، به قلم ریحان خوش، محفوظ در موزه ملی ایران (ایران باستان)، (۷) قرآنی سلطانی، بدون تاریخ، به قلم ریحان، محفوظ در کتابخانه چستریتی. (۴)

ابراهیم سلطان: یکی دیگر از خوشنویسان و قرآن نویسان هنرمند ایران ابراهیم سلطان بن شاهرخ (۷۹۶-۸۳۸ق) «شاهزاده دانش دوست، با ذوق و هنرمند تیموری و دومین پسر شاهرخ فرزند امیر تیمور گورکان» (۵):

او از خوشنویسان نامدار قرن نهم بود و به ویژه خط ثلث را زیبا می نوشت. از آثار او در این زمینه چند قرآن نفیس در دست است. یکی از آنها به خط ثلث در ۸۲۷ق نوشته شده در آستان قدس رضوی موجود بوده، ولی اکنون فقط ۱۶ ورق آن محفوظ مانده است. قرآن دیگری نیز به قلم ریحان جلی منسوب به ابراهیم سلطان در آستان قدس موجود است، اما رقم کاتب آن مجعول به نظر می رسد. قرآن نفیس دیگری هم به خط او موجود است که سابقاً در بنای دروازه قرآن شیراز قرار

۱- همان، ص ۱۰۹-۱۱۱.

۲- دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۶۰.

۳- همان، ص ۶۴۹-۶۵۱.

۴- همان، ص ۶۵۰-۶۵۱.

۵- همان، ج ۷، ص ۵۱۲-۵۱۵.

داشته، و اکنون در موزه پاریس شیراز نگهداری می شود. گفته می شود که قرآن مورخ ۸۳۰ق موجود در موزه متروپولیتن نیز به خط اوست. همچنین کتیبه های ثلث نیز از او باقی مانده است.

بایسنغر میرزا: برادر سلطان ابراهیم، یعنی بایسنغر میرزا نیز هنرمندان و مشوقان هنر و از خوشنویسان نامدار بود. قرآنی به خط ثلث (که در واقع خط محقق است) به او منسوب است که تاریخ آن ۸۳۷ق یعنی سال فوت اوست و به همین جهت و جهات دیگر بعضی در صحت انتساب آن به او تردید کرده اند. این قرآن به قطع بسیار بزرگ کتابت شده و هر برگ یا چندبرگ آن در کتابخانه یا موزه یا مجموعه ای محفوظ است. کتیبه های ثلث آیات قرآنی مسجد گوهرشاد مشهد که بانی آن گوهرشاد مادر بایسنغر میرزا است، به قلم اوست.

احمد نیریزی: یکی از بزرگ ترین استادان مسلم خط نسخ و هنرمندان قرآن نویس ایران احمد نیریزی (درگذشت ۱۱۵۱ق) است. به او کتابت ۹۹ تا ۱۲۰ قرآن و ۷۷ جلد صحیفه سجادیه نسبت داده اند که درست نیست و تعداد این گونه آثار او بسیار کمتر از این است. «شمار قرآن های شناخته شده ای که در نسبت آنها به احمد جای تردید نیست، به ۱۰ نسخه نیز نمی رسد. (۱) بعضی از قرآن های خطی او در موزه کاخ گلستان، و کتابخانه چستریتی، موزه ملی ایران محفوظ است. یک نسخه از بهترین قرآن نویسی های او همان است که در زمان پهلوی دوم در سال ۱۳۴۴ش به صورت عکسی به چاپ رسیده است و الحق چاپی نفیس و هنرمندانه است. و امروزه همه دوستداران خط و خوشنویسی و کتابت هنری قرآن مجید، نسخه ای از آن را دارند یا به هر حال آن را ملاحظه کرده اند. در سال های بعد از انقلاب انتشارات نگار آن را با تغییر قطع، و همراه با ترجمه دکتر ابوالقاسم امامی تجدید چاپ کرده است.

میرعلی هروی: در قرن نهم هجری با ابتکار هنرمند بزرگ میرعلی هروی، خط نستعلیق از دل خط نسخ، یا از پیوند بین نسخ و تعلیق (نام نستعلیق نیز به شیوه نحث از ترکیب این دو نام درست شده است) پدید آمده که ایرانیان آن را عروس خط های اسلامی - ایرانی می دانند.

یکی از کهن ترین نمونه های کتابت قرآن به نستعلیق، قرآنی است به قلم شاه محمود نیشابوری (درگذشت ۹۴۵ق) که خوشنویس محبوب و مورد حمایت شاه طهماسب بوده و احتمالاً این نسخه را در تبریز نوشته است که اکنون در موزه توپکاپی سرای ترکیه محفوظ است. معرفی و نمونه ای از یک قرآن به کتابت نستعلیق نیز در فهرست قرآن های خطی، تدوین خانم بدری آتابای آمده است. (۲)

نتیجه: بالاخره خط نسخ عربی در قرن هفتم قمری، به دست یاقوت بن عبدالله موصلی (درگذشت ۶۸۹) به حدّ اعلای کمال خود رسید. او هفت مصحف را نگاشت. و پیشوای دیگر نویسندگان و کاتبان واقع شد. کلیه مصحف ها تا قرن دوازدهم به شیوه یاقوت کتابت شده است.

همچنین در اوّل قرن دوازدهم قمری، ترک های عثمانی، به ویژه پس از فتح مصر به دست سلطان سلیم، خط عربی اسلامی مورد توجه قرار دادند و با تشویق خطاطان، انواع جدیدی از خطوط عربی مانند رقعی، دیوانی، طفرایی و خط اسلامبولی پدید آمد که همچنان متداول است.

۱- دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۱۰۴.

۲- دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۹۹۷.

برخی از آنان که شهرت بیشتری یافتند عبارتند از: حافظ عثمان (۱۱۰ق) و سید عبدالله افندی (درگذشت ۱۱۴۴) و استاد راسم (درگذشت ۱۱۶۹) و ابوبکر ممتاز بک مصطفی افندی که خط رقعی را اختراع کرد که ساده ترین خط عربی است. او در زمان سلطان عبدالمجید خان در سال ۱۲۸۰ قمری این خط را عرضه کرد. (۱)

دوره جدید

از قرن چهاردهم قمری نهضت بیداری در جهان اسلام آغاز شد و مسلمانان راه رهایی از استعمار و استبداد را بازگشت به قرآن دانسته و فعالیت های گسترده قرآن خواهی در کشورهای اسلامی پدید آمد. به ویژه روشنفکران و جوانان علاقه ویژه به قرآن پیدا کردند. افزایش رویکرد به قرآن پیدا کردند. افزایش رویکرد به قرآن با ترویج و افزایش کتابت و چاپ و نشر قرآن مقارن بوده است. اما افزایش خواستاری قرآن در تحول و توسعه سبک کتابت و رسم الخط مؤثر بوده است.

کشورهای فعال

در عصر جدید نیز خوشنویسی قرآن کریم در سراسر جهان اسلام رواج دارد. یکی از بزرگ ترین خوشنویسان معاصر ترک استاد حامد الآمدی است که در ثلث و نسخ مهارت بسیار داشته است. از او کتابت چند قرآن به قلم نسخ در کمال ظرافت و نفاست در ترکیه و سوریه و لبنان چاپ شده است.

ایران: یکی از بزرگ ترین استادان قلم ثلث در ایران شادروان مرتضی عبدالرسولی است که شاگرد مرحوم حسن زرین خط، و در اقلام هفت گانه استاد بود و دیوان حافظ به کتابت نستعلیق او در سال ۱۳۶۷ همزمان با بزرگداشت جهانی حافظ، از سوی کمیسیون ملی یونسکو در ایران به طبع رسید. ایشان در اواخر عمر نود ساله خود به کتابت قرآن به قلم ثلث پرداخت و علی رغم پیری و فرتوتی و بیماری سال های آخر عمر، توانست کل قرآن مجید را به این قلم بنویسد. این نسخه اکنون در اختیار فرزند استاد، آقای مهندس سلیمان عبدالرسولی است.

دیگر از ثلث نویسان بزرگ، و در عین حال جوان معاصر، استاد محمدرضا قنبری است که قرآنی کامل به خط ثلث سبک ترکی، نوشته است که کمیسیون ملی یونسکو آن را زیر چاپ دارد. از دیگر خوشنویسان بزرگ معاصر، چنانکه اشاره شد استاد محمد احصابی خط محقق را احیا کرده اند و یک سوم قرآن را به این خط و به دانگ جلی نوشته اند. در آرزوی به پایان رساندن این اثر بزرگ، برای سلامت و طول عمر استاد دعا می کنیم. استاد موحد نیز قرآنی به خط نسخ کتابت کرده اند که گویا زیر چاپ است. از استاد غلام حسین امیرخانی، خوشنویس بزرگ معاصر و رئیس انجمن خوشنویسان، مجموعه ای از آیه نویسی، و خوشنویسی آیات مختلف قرآنی به نستعلیق و با دانگ جلی و خفی با عنوان برگی از چند از قرآن مجید حکیم در سال ۱۳۷۷ به نفاست تمام از سوی انتشارات کلهر به طبع رسیده است.

در عصر جدید بعضی از خوشنویسان به کتابت نستعلیق قرآن کریم روی آورده اند. در این رشته فضل تقدم با شادروان استاد حسین میرخانی است که بیش از پنجاه سال از کتابت(های) او به نستعلیق می گذرد. همچنین شادروان استاد سیف الله یزدانی نیز قرآنی به قلم نستعلیق نوشته اند که

١- . الخط العربي الاسلامى، ص ١٥٥-١٧١؛ علوم قرآنى، ص ١٧٨.

در سال های اخیر به طبع رسیده است. جدیدترین کوشش در زمینه نستعلیق نویسی قرآن کریم، کتابت خانم فریبا مقصودی کرمانشاهی است که در حال حاضر در دست چاپ است. جدیدترین کوشش هنری و خوشنویسی قرآن، کتابت شکسته نستعلیق استاد یدالله کابلی است که گزیده ای از قرآن است، و در حال حاضر در آستانه انتشار. به عنوان حسن ختام از آیه نگاری های (نقاشی - خط) استاد جلیل رسولی یاد می کنیم که بر تارک هنر معاصر می درخشد.

اما بعضی از استادان خوشنویس معاصر که غالباً قرآن را به قلم نسخ (و مکرر) کتابت کرده اند عبارتند از: حاج محمود اشرفی تبریزی، علی اکبر اسماعیلی قوچانی، حاج عبدالرحیم افشار زنجانی، استاد احمد زنجانی، ابوالقاسم خوانساری، محمد خالقی، طاهر خوشنویس، محمدصادق خوانساری، میر حبیب شهلافر، کاظم صادق نجفی، حبیب الله فضایی، حجه الاسلام مصباح زاده، محمدباقر نیرومند، حسن هریسی، میر جمال الدین جلالی، و رضا سنگی. (۱)

در سال ۱۳۲۶ق در شبه قاره هند، کتابی به نام نثر المرجان فی رسم نقط القرآن توسط محمد غوث احمد الارکاتی (درگذشت قرن ۱۴ق) به رشته تحریر درآمد که بیانگر اهتمام علمای مشرق اسلامی نسبت به «رسم المصحف» بود.

با این همه در کشورهای همانند ایران و ترکیه، همچنان خطاطان بدون رعایت کامل اصول رسم به کتابت مصحف اقدام می کردند.

سوریه: دو خطاط قرآن نویس بزرگ سوری به نام های عثمان طه، و عثمان حسین، عثمان طه کتابت خود را از قرآن کریم بر مبنای مصحف قاهره که درست ترین و دقیق ترین و علمی ترین قرآن جهان اسلام است، استوار ساخته است. آنچه کتابت نسخ استوار و شیوا و شیرین عثمان طه را عالم گیر کرد و کتابت او را به صورت مقبول ترین و مهم ترین کتابت از قرآن کریم در عصر جدید، و در جهان اسلام در آورد، این واقعیت بود که علمای قرآن شناس عربستان آن را به عنوان بهترین و صحیح ترین کتابت (با رسم الخط عثمانی) به رسمیت شناختند و همان کتابت را با اندکی تصحیح و چاپ نفیس جدید به صورت مصحف المدینه در تیراژ هر سال حدوداً دو میلیون نسخه منتشر کردند و می کنند. (۲)

به نظر قرآن پژوه ایرانی محمدعلی کوشا، عثمان طه در میان خوشنویسان بزرگ معاصر هر چند جلب توجه بیشتری نموده و قرآن تحریر یافته او در سرتاسر دنیای اسلام در تیراژ بسیار وسیعی هر سال بارها چاپ و منتشر می شود، ولی در مواردی هم مشکلی بر رسم الخط پر از اشکال پیشینیان نیز افزوده است.

رسم الخط عثمان طه در واقع همان رسم الخط «ابوعمر و دانی» و «ابو داود سلیمان بن نجاح» است، که این دو، رسم الخط خود را مربوط به دوران عثمان می دانند. البته عثمان طه، رسم الخط ابو داود را ترجیح داده است. به هر حال غلط های رسم الخط هرگز قابل توجیه نیست از جمله تهافتی که در نوشتن «سنت» در آیات ۶۲ سوره احزاب «سُنَّتَهُ اللهُ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِهِ اللهُ

۱- . دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی.

۲- . همان.

تَبْدِيلًا» با آیه ۴۳ سوره فاطر «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» و آیه ۲۳ سوره فتح «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» وجود دارد.

اشکالاتی که در رسم عثمان طه هست در فصل دوم مفصلاً بررسی خواهد شد. اما در این دوره آثار فراوانی درباره رسم المصحف تألیف و عرضه شده و تحقیقات مفصل و کثیر انجام یافته است. همه اینها در مأخذ شناسی در فصل بعدی معرفی خواهد شد.

مصر: در اوایل قرن چهاردهم هجری، یکی از علمای الازهر مصر به نام شیخ رضوان بن محمد، مشهور به المخلاصی (درگذشت ۱۳۱۱ق) مصحفی مطابق با رسم و بر اساس دو کتاب معروف این علم، یعنی المقنع تألیف ابوعمر و دانی و التنزیل تألیف سلیمان بن نجاح، کتابت کرد. این مصحف در سال ۱۳۰۸ق در قاهره به چاپ رسید و مورد استقبال اهل علم قرار گرفت. در سال ۱۳۵۵، از طرف علمای مصر، و جوب التزام به «رسم المصحف» در کتابت قرآن ابراز گردید.

بدین ترتیب «رسم المصحف» در سرزمین های شرقی ممالک اسلامی رونقی خاص گرفت و احیا شد.

از جمله کارهای مهمی که در این دوره صورت پذیرفت، می توان به تغییر رسم، و علایم ضبط، مصحف مشهور به سلطانی به خط مصطفی نظیف (درگذشت ۱۳۳۱ق) اشاره نمود. در این مصحف، مواردی که خلاف قواعد «رسم» کتابت شده بود، تغییر یافت و بدین ترتیب رسم این مصحف طبق یکی از طرق منقول رسم المصحف اصلاح گردید.

در این دوره، علمای بزرگی در بلاد شرقی عالم اسلامی به دفاع از رسم پرداختند از جمله:

شقیطی (درگذشت ۱۲۳۵ق)، از علمای مکه معظمه، در سال ۱۳۴۲ق درباره وجوب پیروی از رسم المصحف در کتابت قرآن می نویسد:

«اعلم ان رسم القرآن سنه متبعه باتفاق الائمة الاربعه بل باجماع سائر المجتهدين... و ان خفي ذلك على بعض ابناء الزمان في البلاد المشرقيه لعدم اعتنائهم غالباً بتدريس علوم رسم القرآن و ان اعتنوا بتدريس تجويده حتى حصل التساهل في طبع المصاحف و هي مخالفه في كثير من الرسم المرسوم المصحف العثماني...»

«بدان که رسم قرآن بنا بر قول ائمه چهارگانه؛ بلکه به اجماع همه مجتهدان، سنتی است که باید از آن پیروی کرد،... اگر چه در بلاد شرق این امر بر مردم این دوره مخفی مانده است و این بدان علت است که غالباً به تدریس علوم رسم قرآن توجهی نمی کنند، هر چند به تجوید توجه و عنایت دارند، تا آنجا که در چاپ مصاحف سهل انگاری شده است و بسیاری از مصاحف در موارد زیادی مخالف رسم مصحف عثمانی هستند...»

شیخ عبدالفتاح قاضی (معاصر)، از علمای «الازهر» می گوید:

«لما انشئت المطابع في مصر وغيرها من البلاد الشرقية كان جل عنايتها بالمصحف الكريم... غير ان هذه المطابع - على كثرتها و اختلافها و عنايتها الفائقة بطبع المصحف - ما كانت تراعى في طبعه قواعد الرسم العثماني...»

«زمانی که چاپخانه ها در مصر و سایر بلاد شرق پدید آمد، بیشترین همت آنها به چاپ قرآن کریم معطوف گردید... ولی این چاپخانه ها با وجود کثرت و تنوع و نیز توجه بسیار زیادشان به چاپ قرآن،

ص: ۵۸

رسم عثمانی را در طبع قرآن مراعات نمی کردند؛ بلکه به قواعد جدید املاء تکیه داشتند مگر در اندک کلماتی که بر اساس قواعد رسم عثمانی عمل می کردند.»

رسم الخط عثمان طه

یکی از خطاطان سوری، قرآنی پدید آورد که طی چند دهه جهانی شد و همه جا را گرفت و در اغلب خانه های مسلمانان جا گرفت. در گذشته سابقه نداشت یک قرآن به این اندازه فراگیر و گسترده شده باشد. همچنین فراگیری آن ماندگار شد و تاکنون، هنوز، استقبال عمومی از آن ادامه دارد. با اینکه بسیاری از کشورهای اسلامی، تلاش کردند، قرآن ملی عرضه کننده و بر اساس اقتضائات بومی و ملی خودشان قرآن هایی منتشر کرده اند.

گسترش عثمان طه در ایران: سید مهدی سیف (متولد ۱۳۳۸ در تهران) قاری و پژوهشگر علوم قرآنی از سال ۱۳۵۸ تدریس علوم قرآنی را در دوره متوسطه و دانشگاه امام صادق (ع) شروع کرد. نیز با سازمان تبلیغات اسلامی در زمینه قرآن همکاری داشت و با جلب نظرات مدیران ارشد سازمان، در ۱۳۶۴، موفق به تأسیس دفتر نظارت بر چاپ و نشر قرآن شد. او در این زمینه با سید محسن خدام حسینی همکاری داشت.

از سال ۱۳۷۶ در دفتر برنامه ریزی و تألیف کتاب های درسی قرآن در وزارت آموزش و پرورش، کارشناس قرائت و رسم الخط قرآن شد. او از سال ۶۴ به هنگام تأسیس دفتر نظارت درباره رسم الخط قرآن، تاریخ رسم الخط قرآن و سیر تحولات آن مطالعات گسترده داشت.

او در مصاحبه با گلستان قرآن دیدگاه هایش را توضیح داده است اینجا گزارشی از این دیدگاه های او را می آورم.

دیدگاه سید مهدی سیف: رسم الخط جهان عرب، ترکیه و ایران با هم فرق دارد و هر یک شیوه ای خاص خود دارند. از طرف دیگر، در کل شبه قاره ی هند که شامل هند، پاکستان، بنگلادش، افغانستان، سری لانکا، مالزی و اندونزی، یعنی تمام شبه قاره ی هند و اطراف آن می شود، شیوه ی دیگری از رسم الخط متداول است. در کشور ما از همه ی این شیوه ها استفاده می شود، به غیر از شیوه ی شمال آفریقا. در استان سیستان و بلوچستان، شرق استان خراسان و استان های هرمزگان و بوشهر، یعنی استان های شرقی و جنوبی ایران از شیوه ی شبه قاره ی هند استفاده می شود. رسم الخط ایرانی هم وجود دارد که اصالتاً متعلق به ایران است. قبلاً از رسم الخط ترکیه در ایران خیلی استفاده می شد که هنوز هم کم و بیش وجود دارد و خیلی نزدیک است به رسم الخط ایرانی. رسم الخط کشورهای عربی مثل مصر، سوریه و عربستان که در واقع یکی از شایع ترین رسم الخط های قرآن در جهان اسلام است، یعنی خط مشهور عثمان طه که به شیوه ی مصری نوشته شده است، در حال حاضر شایع ترین رسم الخط در کشور ایران است.

در جهان اسلام شایع ترین رسم الخط، رسم الخط هندی است؛ چون شبه قاره ی هند و اطراف آن بیشترین تعداد مسلمانان را در خود جای داده اند. دومین رسم الخط شایع و متداول، رسم الخط مصری است. در درجه های سوم و چهارم، رسم الخط های ترکی و ایرانی هستند و رسم الخط ایرانی منحصر به ایران می شود.

این رسم الخط ها در دست مردم بودند و دانش آموزان ما با عموم این رسم الخط ها سروکار داشتند؛ به ویژه دو رسم الخط ایرانی و مصری. این باعث می شد که تدریس روخوانی دارای وحدت رویه نباشد. بدین ترتیب، معلم با هر روشی تدریس می کرد، دانش آموزان رسم الخط های دیگر را نمی توانستند بخوانند و مشکلاتی داشتند. در واقع، تفاوت ها برایشان مشکل ساز بود.

از طرف دیگر در رسم الخط ها، سلايق متفاوتی اعمال شده اند که در طول تاریخ ادامه داشته است. البته يك سلسله از مسائل مورد نیاز بوده و اعمال شده اند، ولی يك سلسله هم صرفاً سلیقه بوده اند یا براساس تجزیه و تحلیل ها و سلايق متفاوت و علامتگذاری ها و شیوه های گوناگون به وجود آمده اند.

آقای سیف این رسم الخط ها را بررسی کرده و محاسن و ضعف های آنها را استخراج کرده است؛ چه از نظر کتابت حروف و کلمات و چه از نظر کتابت حرکات و علائم. حتی علائم وقف را هم بررسی کرده است. همین طور مسائل مربوط به خوشنویسی را که در خواندن قرآن نقش و دخالت دارند. به هر حال، هر انسان خیرخواه و عاقلی برای امر قرآن به دنبال آن است که زیباترین و در عین حال آسان ترین خط را در اختیار داشته باشد و از لحاظ علمی و منابع و مدارک معتبر باشد.

در مورد ملاک های رسم الخط خوب باید گفت:

در مجموع سه عنصر باید در نظر گرفته شوند: اول، منابع، مدارک و اسناد رسم الخط قرآن - که از صدر اسلام تاکنون بررسی شده اند - دوم، سهولت و آسانی رسم الخط، و سوم زیبایی و چشم نواز بودن آن. هر یک از این عناصر، مسائل مخصوص به خود را دارد که می توان به طور مفصل درباره ی آنها صحبت کرد.

بالاخره کوشش ها باعث شد به رسم الخطی برسیم که امتیاز همه ی رسم الخط ها را داشته باشد. متقابلاً، همه ی رسم الخط ها مشکلاتی دارند که از آنها هم پرهیز شود. نتیجتاً به رسم الخطی رسیده که شامل عمده ی محاسن و فاقد عمده ی مشکلاتی است که در رسم الخط ها وجود دارند. به این رسم الخط، «رسم الخط کم علامت» یا «رسم الخط ایرانی جدید» گفته می شود. این رسم الخط کم علامت و خلوت و نزدیک ترین رسم الخط به خط فارسی است.

البته مشکلات متعددی در این راه بوده و هست. از میان مریبان، معلمان و کارشناسان، برخی موافق و برخی مخالف بودند. بعضی از این تأییدها و مخالفت ها، به علت علم و دلیل و سند بوده است و بسیاری از آنها هم به دلیل عدم علم و احاطه داشتن به موضوع و همچنین تعصبات و سلیقه های شخصی. به هر حال هر کاری با این گونه مشکلات مواجه می شود. این رسم الخط مورد قبول بسیاری از عزیزان، به ویژه معلمان ورزیده در امر آموزش قرار گرفته است. این معلمان امر آموزش را خیلی واقعی و مستدل نگاه می کنند.

رهبر معظم هم از این رسم الخط استقبال کرده اند. البته ایشان هم اختلاف رسم الخط را در کشور يك مشکل بزرگ می دانند و عده ای را موظف کرده اند، در این زمینه بررسی کنند و ضابطه ای را برای رسم الخط آینده ی کشور جمهوری اسلامی و در نتیجه يك مصحف جمهوری اسلامی که دارای مشخصات معتبر علمی، روشی و از هر نظر مقبولیت در جهان

اسلام باشد، پدید آورند. به این ترتیب، رسم الخط جدیدی در مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی و زیر نظر دفتر ارتباط

ص: ۶۰

مردمی بیت رهبری شکل گرفت. البته این رسم الخط هنوز (سال ۱۳۸۸) به حالت نهایی نرسیده است. عمده مسائل آن، یعنی کتابت حروف، کتابت حرکات و علائم گوناگون آن شکل گرفته اند، ولی هنوز نهایی نشده است. هنوز به طور قطعی با استانداردهای مورد انتظار جمهوری اسلامی مختصری فاصله دارد و فرصت بیشتری می خواهد که با آزمایش های متفاوت به کمال برسد. در آینده رسم الخطی معتبر و استاندارد برای ایران باشد که هم از سندیت، مستدل و علمی بودن، و مقبولیت جهانی در جهان اسلام برخوردار باشد، هم از نظر زیبایی و خوشنویسی ظاهر شکیل و زیبایی داشته باشد و برای عموم مردم دلپذیر باشد، و هم از نظر آموزشی و خواندن، آسان، ساده و نزدیک به سوادآموزی فارسی باشد.

آقای سیف قبل از این که رسم الخط عثمان طه وارد ایران شود، با آن آشنا شده بود، او در سال ۱۳۵۸ به هنگام سفر به سوریه در بازار حمیدیه، نزدیک مسجد اموی، در کتاب فروشی های مذهبی، قرآن ها را بررسی و خط عثمان طه را اولین بار در آنجا می بیند. خودش می گوید: وقتی قرآن را باز کردم، خط آن را بسیار زیبا دیدم و چون خیلی تمیز چاپ شده بود، نظرم را جلب کرد و خیلی خوشم آمد. یادم هست که آن زمان، من اولین نسخه ی عثمان طه را ۶۰ لیر سوری خریدم و به ایران آوردم. (۱)

نقش ایران در گسترش عثمان طه: در آن زمان یعنی ۱۳۵۸ در کشور ما اصلاً خط عثمان طه وجود نداشت. این خط واقعاً زیبا و شکیل بود که هر کسی آن را می دید، خوشش می آمد و به آن علاقه مند می شد. در نتیجه، ابتدا در کشور سوریه و سپس در لبنان که از نظر چاپ و نشر بسیار پیشرفته و پیشگام است، مورد استقبال عموم ناشران قرار گرفت. اولین ناشر این خط، «دار الشامیه» دمشق بود و بعد از آن، همه ی ناشران لبنانی اجازه گرفتند و آن را چاپ کردند. در نتیجه، این خط در جهان اسلام به سرعت رواج پیدا کرد. در ایران هم حاج آقای تسخیری و حاج آقای نعمانی، دو بزرگوار از مسئولین روحانی سازمان تبلیغات که در بخش برنامه ریزی و مدیریت نقش داشتند، امتیاز این خط را از دار الشامیه خریدند تا چاپ شود. این چاپ ها را هم من دارم. بعداً به همه ی ناشران اجازه داده شد که این خط را چاپ کنند و همه ی ناشران شروع کردند به چاپ آن. ناشرانی مثل سبحان، فقیه، صالحی و دیگران، شروع به چاپ آن کردند. هر تعداد هم چاپ می شد، مردم استقبال می کردند و مورد استفاده قرار می گرفت.

نقش عربستان در توسعه رسم الخط عثمان طه: در سال های ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ که عربستان سعودی هم یک مجتمع چاپ و نشر قرآن تأسیس کرد، کارشناسان عربستان هم بهترین خط را انتخاب کردند که همان رسم الخط عثمان طه بود. عربستان در همان سال های ۶۳ و ۶۴ و ایران سه چهار سال قبل از عربستان، خط عثمان طه را چاپ و توزیع کردند.

به هر حال این خط به زودی رونق پیدا کرد و در ایران در حال حاضر شایع ترین رسم الخط است. البته خط های دیگر هم در کنار این رسم الخط وجود دارند؛ مثل خط مرحوم طاهر خوشنویس و خالقی زنجان. ولی بالاخره خط عثمان طه شایع ترین خط شد، چون مردم بیشترین استقبال را از آن کردند. حتی مترجمین قرآن مخصوصاً مترجمین درجه ی یک، خط عثمان طه را انتخاب می کردند.

۱- . «از رسم الخط پر علامت»، سید مہدی سیف، ص ۳۷-۳۹.

چون مترجم خودش خط را انتخاب می کند، لذا عمده ترجمه های معاصر، مخصوصاً این دو سه دهه ی اخیر که ترجمه های فراوانی از قرآن داشته ایم، همه به خط عثمان طه چاپ و توزیع شده اند. این هم یکی از دلایل رواج خط عثمان طه بود. گرچه این خط برای روخوانی مشکلات عدیده ای دارد که در جای خودش درباره ی آن بحث و بررسی می شود. ولی کلاً این خط چشم نواز است و هرکس آن را می بیند، از آن خوشش می آید و به آن علاقه مند می شود.

زمینه های فکر و طرح رسم الخط کم علامت: تدریس وسیع روخوانی قرآن به عموم مردم، باعث شد با مشکلات عدیده ای که در رسم الخط وجود داشت، مواجه شده و در روش تدریس و هم در شیوه ی کتابت قرآن، تجدید نظر و به سراغ رسم الخط کار آمد در آموزش بروند.

عامل دیگر، گرفتاری هایی بود که معلمان داشتند، و مشکلاتی که مرتب با آنها مواجه بودند. از همه مهم تر این که شیوه ی موجود باعث غلط خواندن مردم می شود. البته اشتباه خواندن مردم، فقط از اشکالات رسم الخط نیست و متعدد است. یکی از مهم ترین آنها، عدم انس با قرآن است. دوم، روش تدریس و ضعف شیوه های تدریس معلمان و مربیان است. سوم، خود رسم الخط و شیوه های رسم الخط است.

شیوه های رسم الخط موجود، چه خط عثمان طه و شیوه ی کشورهای عربی، و چه شیوه ی ایرانی و سایر شیوه ها، هر کدام به نوعی باعث اشتباه خواندن مردم می شود. من همه ی این رسم الخط ها را تجربه کرده ام. البته این موضوع به کار علمی و آزمایش نیاز دارد. باید رسم الخط ها را در کنار هم امتحان و بررسی کنیم و محاسن و معایب هر کدام را استخراج کنیم. این کار به طور علمی و کامل هنوز اتفاق نیفتاده است. اگر هم کاری تا کنون انجام شده، عمدتاً فعالیت ها، مطالعات و تجربیات شخصی بوده است. کار علمی و ملی در این زمینه انجام نشده است.

رسم الخط کم علامت در مدارس: در دفتر تألیف این نگرش بوده و هست که ارتباط افقی دروس را با هم ببینیم. ارتباط افقی دروس، یعنی این که دروس فارسی، ریاضی، قرآن، علوم و سایر دروس، همدیگر را معاضدت و تقویت کنند. یعنی از اطلاعات هر درسی در درس دیگری استفاده شود؛ به ویژه درس هایی که هم سنخ هستند، مثل فارسی، عربی، دینی و قرآن که باهم ارتباط بیشتری دارند، مخصوصاً درس های فارسی و قرآن نگاه جدیدی که در دهه ی اخیر در دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی شکل گرفته و بسیار مؤثر و جهشی هم بوده، این است که ما آموزش قرآن را بر اساس سواد فارسی شکل بدهیم و دنبال کنیم. چرا؟ چون اولین سوادی که دانش آموز پیدا می کند، سواد فارسی است.

نکته ی دیگر این است که الفبا و علائم فارسی همان الفبا و علائم عربی است. الفبای فارسی در پایه ی اول دبستان با دقت بیشتری آموزش داده می شود و بعد ساده تر و خلوت تر به کار می رود. در عربی هم همین طور است. یعنی سواد عربی هم در ابتدا دقیق تر، کامل تر و پر علامت تر اتفاق می افتد و بعد برای عرب زبان ها که زبان مادری آنان است، خلوت تر و کم علامت تر می شود.

این نکته باعث شد که کارشناسان توصیه کنند، رسم الخط قرآن هرچه نزدیک تر به رسم الخط فارسی شکل بگیرد. یعنی آموزش قرآن در آغاز از سواد فارسی بهره برد و از نقطه ای که نزدیک ترین نقطه به سواد فارسی است، روخوانی و قرائت

قرآن شروع شود. بعد به تدریج برسد به رسم الخط

ص: ۶۲

کامل و متداول قرآن که این سرانجام آموزش است. پس یک آغاز داریم برای روخوانی قرآن و یک انجام داریم. آغاز آموزش روخوانی، سواد فارسی است، الفبای فارسی است و نقطه انجام آن، رسیدن به رسم الخط متداول و متعارف قرآن در جامعه است. براساس این اصل مهم در آموزش که بیان می دارد: آموزش باید از ساده و آسان به سمت مشکل و از معلوم به سمت مجهول برود، آموزش روخوانی از حالت ساده و معلوم آغاز می شود و به حالت پیچیده و کامل آن می رسد که همین رسم الخط متداول است.

پس انتخاب رسم الخط کم علامت برای مدارس نظر کارشناسان زبان آموزی و متخصصین آموزش قرآن بوده است و این نگاه باعث شد که رسم الخط کم علامت انتخاب شود، چون از نظر شیوه ی کتابت و کم علامت بودن، نزدیک ترین رسم الخط به خط فارسی است. البته رسم الخط کتاب های درسی با رسم الخط مصحف کم علامت تفاوت هایی دارد. یکی این است که در کتاب های درسی، به ویژه در دوره ی ابتدایی، عمدتاً از رسم الاملائی عربی استفاده شده که نزدیک ترین شیوه ی کتابت به فارسی است. یعنی از رسم المصحف که از رسم الاملائی عربی قدری مشکل تر است، در کتاب های درسی استفاده نشده است؛ مگر به صورت صفحاتی از قرآن در پایه های چهارم و پنجم ابتدایی، به ویژه پایه ی پنجم.

تفاوت دوم این است که حروف چینی متن قرآن با حروف معمولی ساده، خیلی باز و به دور از ترکیبات هنری است. نکته ی سوم این است که عبارات قرآن به صورت جمله جمله تقطیع شده اند و هر جمله در یک سطر قرار گرفته است تا هم از نظر روخوانی کوتاه و آسان باشد، هم از نظر وقف و ابتدا روشن باشد که از کجا شروع کنیم و در کجا توقف کنیم، و هم از نظر فهم و درک آیات، کار راحت تر باشد. اما در مصحف کم علامت، یعنی قرآن کاملی که با رسم الخط کم علامت تهیه شده، این سه مطلب لحاظ نشده است. یکی این که از رسم المصحف استفاده شده و رسم المصحف از رسم الاملاء قدری مشکل تر است. دوم این که سطرها پر هستند و این طور نیست که هر جمله در یک سطر باشد. و سوم این که از ترکیبات هنری خوشنویسی استفاده شده و خط مشکل تر از خط ساده ی کتاب های درسی است.

می توانید مراحل آموزشی و پیشرفت قرائت قرآن را در مدارس از روی رسم الخط مرحله به مرحله توضیح بفرمایید.

آموزش روخوانی قرآن در کتاب های درسی، ابتدا از رسم الخط املائی عربی که نزدیک ترین حالت به فارسی است، با جمله های تقطیع شده- هر جمله در یک سطر- و با خط ساده و به اصطلاح روزنامه ای، آغاز می شود. سپس می رسیم به کتابت قرآن در مصحف شریف که با رسم الخط کم علامت است و همه ی جمله ها پشت سر هم آمده اند. به علاوه، رسم المصحف، یعنی کتابت مستند ویژه ی قرآن که از صدر اسلام تاکنون وجود داشته، در قرآن کامل رعایت شده و ترکیبات هنری و خوشنویسی هم تا حد زیادی در آن ملحوظ شده است.

البته اگر بخواهد وضع جامعه با همین رسم الخط های متعارف باشد، ما باید تدابیری داشته باشیم که در دوره ی راهنمایی، دانش آموزان آرام آرام با رسم الخط متعارف و متداول ایرانی، نه این رسم الخط جدید ایرانی، بلکه با رسم الخط قدیمی و سنتی ایرانی و همین طور رسم الخط مصری و

کشورهای عربی که شایع ترین رسم الخط های کشور ما هستند، آشنا شوند تا بتوانند از هر قرآنی در مسجد یا در منزل استفاده کنند.

شایسته است که قدری هم متناسب با مراکز استان ها هم عمل کنیم. یعنی اگر در استان سیستان و بلوچستان و هرمزگان، رسم الخط شبه قاره ی هند متداول تر است، آن رسم الخط را به دانش آموزان منطقه هم یاد بدهیم. باید به سنت ها، شیوه ها و عرف آن جامعه احترام بگذاریم. ولی در سایر مناطق کشور، دو رسم الخط عمده مدنظر است: یکی رسم الخط ایرانی است و دیگری رسم الخط کشورهای عربی، یعنی مصر و عربستان. باید دانش آموز ما در پایان دوره ی راهنمایی مهارت خواندن این رسم الخط ها را داشته باشند، مگر این که تغییر و تحولی در کشور صورت پذیرد و همین رسم الخط کم علامت، به رسم الخط اصلی و استاندارد ما، تبدیل شود و دانش آموزان مصحف کاملی از این رسم الخط در اختیار داشته باشند. آن وقت می توان از رسم الخط های دیگر جزوات کمکی تهیه کرد، مثلاً می توانیم برای رسم الخط عثمان طه یک راهنمای مختصر تهیه کنیم که اگر دانش آموز خواست، با مطالعه ی آن راهنما بتواند از قرآنی با این رسم الخط هم استفاده کند. این بستگی دارد به زمان آموزش قرآن، برنامه ریزی درس قرآن، و تصمیم گیری کارشناسان برنامه های درسی و کتب درسی قرآن در آموزش و پرورش.

در حال حاضر وزارت ارشاد، سازمان اوقاف، مرکز طبع و نشر قرآن و انتشارات اسوه و چاپ و نشر وزارت ارشاد، قرآن، رسم الخط کم علامت را بارها چاپ کرده و در اختیار مردم قرار داده اند. (۱)

ملاحظه و بررسی

رخداد فرهنگی که در سطح ملی تأثیر دارد، لازم است توسط کارشناسان خبره فرهنگی و اجتماعی بررسی گردد. اما گزینش قرآن با رسم الخط عثمان طه که امروزه تقریباً در خانه همه مسلمانان ایران موجود است و از افتخارات عربستان سعودی است که این قرآن را در همه خانه ها جایگزین نمود، آیا بر اساس کارشناسی دقیق و سنجشی منافع ملی بوده است؟ یا صرفاً چند نفر از این رسم الخط خوششان آمده و چند نفر هم سود خود را در نشر آن دیده و به سرعت، فراگیر شده است. در مصاحبه آقای سیف چند نکته هست که برای پاسخگویی به پرسش های مزبور، سودمند است.

۱- آقای سیف برای اولین بار در این مصاحبه نکات مهم و تاریخی عرضه کرده و زوایا و وضعیت رسم الخط قرآن را در ایران روشن نموده است.

۲- او می گوید: رسم الخط عثمان طه پس از ۱۳۵۸ توسط نهادهای خاص حکومتی مثل سازمان ارتباطات و سازمان تبلیغات گسترش یافت و پیش از آن کسی این رسم الخط را نمی شناخت.

۳- ایشان به اشکالات این رسم الخط اشاره نکرده فقط زیبایی آن موجب توجه و اهتمام به آن شده بود.

۴- معلوم است بدون مطالعه دقیق و بدون در نظر گرفتن عواقب به سراغ عثمان طه رفته اند.

۵- اما بروز مشکلات در سال های بعد نهادهای رسمی را وادار کرده که به سراغ رسم الخط دیگری بروند.

ص: ۶۴

۱- . «از رسم الخط پر علامت»، سید مهدی سیف، ص ۳۸-۴۳.

۶- البته آقای سیف اقرار می کند که در سال های ۵۸ به بعد عثمان طه سیطره و فراگیرترین رسم الخط در ایران بوده است.

۷- آقای سیف اقرار می کند که رسم الخط تأثیر بسزا در زیربنایی در امور آموزشی قرآن دارد. به ویژه در مورد نابینایان و معلولین و بالاخص در ترجمه قرآن با رسم الخط خاص به بریل که مشکلات در رسم الخط مبدأ در بریل مضاعف می گردد و موجب گمراهی نابینایان شده است.

مشکلات رسم الخط عثمان طه از نظر محمدعلی کوشا

پژوهشگر توانا آقای محمدعلی کوشا پس از بررسی های فراوان در قرآن به خط عثمان طه، بیش از یکصد مشکل نگارشی یافته و فهرست کرده است: البته این مشکلات را موارد مهم و اساسی می داند. این موارد در کتابچه ای به نام «نقد رسم الخط عثمان طه از قرآن» آمده و ما با اجازه ایشان از آن مقاله اخذ کرده ایم:

فهرست اشکالات

فهرست اشکالات

ردیف	رسم الخط نادرست	رسم الخط درست
۱	بَأَوْ بِعَضْبٍ (بقره/۶۱، ۹۰؛ آل عمران/۱۱۲)	بَأَوْأ. .
۲	بِئْسَمَا اشْتَرَوْا (بقره/۹۰) بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ (بقره/۹۳) بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي (اعراف/۱۵۰)	بِئْسَ مَا و همچنین در بقره/۱۰۲ و آل عمران/۱۸۷ درست نوشته شده است.
۳	تَتَلَّوُا الشَّيْطِينَ (بقره/۱۰۲) تَتَلَّوْا مِنْهُ (یونس/۶۱) لِتَتَلَّوْا (رعد/۳۰) تَتَلَّوْا عَلَيْهِمْ (قصص/۴۵) تَتَلَّوْا مِنْ قَبْلِهِ (عنکبوت/۴۸)	تَتَلَّوُ بدون الف آخر صحیح است چون فعل مفرد است نه جمع.
۴	بِقِرْه (بقره/۱۲۹، ۱۵۱؛ آل عمران/۱۶۴) قصص/۵۹؛ جمعه/۲؛ طلاق/۱۱؛ بینه/۲)	بِقِرْه بدون الف آخر صحیح است چون مفرد است نه جمع.
۵	أَيْنَ مَا تَكُونُوا (بقره/۱۴۸) أَيْنَ مَا تَقِفُوا (آل عمران/۱۱۲) أَيْنَ مَا كُنْتُمْ (مریم/۳۱) أَيْنَ مَا كُنْتُمْ (حدید/۴) أَيْنَ مَا كَانُوا (مجادله/۷)	أَيْنَمَا از ادات شرط جازم و ظرف است. مانند «مهما»، «اذما» و «كَيْفَمَا». بنابراین باید متصل نوشته شود. و «ما» در اینجا زائده برای افاده تأکید است.
۶	حَيْثُ مَا كُنْتُمْ (بقره/۱۴۴، ۱۵۰)	حَيْثَمَا از ادات شرط جازم و ظرف است. مثل «مهما»، «اذما» و «كَيْفَمَا» است. بنابراین

از ادات شرط جازم و ظرف است. مثل

«مهما»، «اذما» و «كَيْفَمَا» است. بنابراین باید متصل نوشته می شود. مانند:

حَيْثَمَا تَسْقُطُ تَثْبُتُ.

ص: ٦٥

	باید متصل نوشته می شود. مانند: حَيْثُمَا تَسْقُطُ تُثْبِتُ.	
۷	يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ (حج/۱۲ و ۱۳۰) يَدْعُوا حِزْبَهُ (فاطر/۶؛ بقره/۲۲۱) يَدْعُوا إِلَيْهِ (زمر/۸؛ یونس/۲۵) يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ (احقاف/۵) يَدْعُوا تُبَوِّرًا (انشقاق/۱۱)	بدون الف باید باشد زیرا صیغه مفرد است نه جمع.
۸	تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى (معرج/۱۷)	تَدْعُوا... .. چون مفرد است بدون الف باید باشد.
۹	أَدْعُوا رَبِّي (جن/۲۰)	أَدْعُوا... .. چون فعل متکلم وحده است باید بدون الف باشد.
۱۰	فَاءُوا (بقره/۲۲۶)	فَاءُوا با الف باید باشد چون جمع است.
۱۱	يَعْفُوا الَّذِي بَيْنَهُ (بقره/۲۳۷) يَعْفُوا... (نساء/۹۹؛ مائده/۱۵؛ شوری/۲۵ و ۳۰)	بدون الف باید نوشته شود چون مفرد است نه جمع.
۱۲	أَفَايِنَ مَاتَ أَوْ قُتِلَ (آل عمران/۱۴۴) أَفَايِنَ مَتَّ فَهُمْ الْحَالِدُونَ (انبیاء/۳۴)	أَفَايِنَ این شرطیه است بنابراین به صورت «این» نادرست است.
۱۳	وَلَا يَخْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْمَأُ نُمْلِي (آل عمران/۱۷۸)	زیرا أَنْ از حروف مُشَبَّهة بالفعل و ما موصوله است و به معنای اَنْمَأى حصر نیست درست بر خلاف «اِنْمَأ نُمْلِي لَهُمْ لِيُرْدَادُوا اِنْمَأ» جمله بعد از آن می باشد.
۱۴	جَاءُوا وَفَإِنْ... (آل عمران/۱۸۴؛ اعراف/۱۱۶؛ یوسف/۱۶ و ۱۸؛ نور/۱۱ و ۱۳؛ فرقان/۴؛ نمل/۸۴؛ حشر/۱۰)	جاءوا با الف باید نوشته شود چون جمع است.
۱۵	فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ... (نساء/۷۸)	فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ... زیرا «ما» استفهامیه است و حرف «ل» در اینجا از حروف جازه است و هرگز جدا نوشته نمی شود.

زیرا «ما» استفهامیه است و حرف

«ل» در اینجا از حروف جازه است و هرگز جدا نوشته نمی شود.

بخش نخست: کتابت قرآن کریم ۶۷

۱۶	يُؤْتِي اللَّهُ حرف (ی) اگر چه تلفظ نمی شود ولی در کتابت باید باشد.	يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ (نساء/۱۴۶)
۱۷	أَنْبَاءَ اللَّهِ حرف (و) و (الف) زائد است.	وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ (مائده/۱۸)
۱۸	جَزَاءَ حرف (و) و (الف) زائد است. در صورتی که در بیشتر موارد به صورت (جَزَاءَ) آمده است.	جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (مائده/۲۹) جَزَاءُ الَّذِينَ (مائده/۳۳)
۱۹	جَزَاءَكُمْ جَزَاءَهُ جَزَاءَهُمْ حرف (و) زائد است.	جَزَاءُكُمْ (اسراء/۶۳) جَزَاءَهُ (نساء/۹۳؛ یوسف/۷۵) جَزَاءَهُمْ (آل عمران/۸۷، ۱۳۶؛ اسراء/۹۸؛ كهف/۱۰۶)
۲۰	أَنْبَاءَ در دیگر موارد به همین صورت آمده است.	أَنْبِئُوا مَا كَانُوا (انعام/۵؛ شعراء/۶)
۲۱	نَبَأًا در دیگر موارد به همین صورت آمده است.	نَبِئُوا الَّذِينَ (ابراهيم/۹) نَبِئُوا عَظِيمًا (ص/۶۷)
۲۲	مِنْ نَبِيٍّ مُوسَى يَنْبِئًا عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ بنابراین (ی) زائد است.	مِنْ نَبِيٍّ الْمُرْسَلِينَ (انعام/۳۴)
۲۳	الْمَلَأَ در بیشتر موارد به همین شکل نوشته شده است.	فَقَالَ الْمَلَأُ (مؤمنون/۲۴؛ نمل/۲۹ و ۳۲ و ۳۸)
۲۴	مَلَأَهُ مَلَأَهُ	مَلَأِيهِ (اعراف/۱۰۳؛ یونس/۷۵؛ هود/۹۷؛ مؤمنون/۴۶؛ قصص/۳۲)
۲۵	جَاءُوا باید با الف بیاید چون جمع است.	وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَزِيمٍ (اعراف/۱۱۶؛ یوسف/۱۶ و ۱۸؛ نور/۱۱ و ۱۳؛ فرقان/۴؛ نحل/۸۴؛ حشر/۱۰؛ آل عمران/۱۸۴)
۲۶	أَنَّ مَا غَنِمْتُمْ «ان» مشبّهة بالفعل و «ما» هم موصوله است، لذا باید جدا نوشته شود.	وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا غَنِمْتُمْ (انفال/۴۱)

أَنَّ مَا غَنِمْتُمْ

«ان» مشبّهة بالفعل و «ما» هم

موصوله است، لذا باید جدا نوشته شود.

۶۸ از رسم المصحف تا رسم بریل

۲۷	إِنَّهُ يَبْدُوا الْخَلْقَ (يونس/ ۴، ۳۴؛ نحل/ ۶۴؛ روم/ ۱۱ و ۲۷)	يَبْدُو بدون الف. زیرا جمع نیست.
۲۸	كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَاجِ الْمُؤْمِنِينَ (يونس/ ۱۰۳)	نُجِي (انبیاء/ ۸۸)
۲۹	مَا نُنشَأُ (هود/ ۸۷)	مَا نُنشَأُ (اسراء/ ۱۸)
۳۰	مِلَّةَ آبَائِي (يوسف/ ۳۸)	آبَائِي آبَائِهِمْ (رعد/ ۲۳)
۳۱	تَاللَّهِ تَفْتَأُ (يوسف/ ۸۵)	تَفْتَأُ بدون الف باشد زیرا جمع نیست.
۳۲	أَشْكُوا بَنِي (يوسف/ ۸۶)	أَشْكُو باید بدون الف باشد.
۳۳	إِلَيْهِ أَدْعُوا (رعد/ ۳۶)	أَدْعُو بدون الف چون متکلم وحده است نه جمع
۳۴	يَمْحُوا اللَّهَ (رعد/ ۳۹)	يُمْحُو بدون الف چون صیغه مفرد است نه جمع.
۳۵	فَقَالَ الصُّعْفُؤُا (ابراهيم/ ۲۱) (غافر/ ۴۷)	الصُّعْفَاءُ (بقره/ ۲۶۶) (توبه/ ۹۱)
۳۶	أَيْنَ شُرَكَاءِ الَّذِينَ (نحل/ ۲۷؛ كهف/ ۵۲؛ قصص/ ۶۲ و ۷۴؛ فصلت/ ۴۷)	شُرَكَائِي
۳۷	شُرَكَؤُا (انعام/ ۹۴)	شُرَكَاءُ
۳۸	يَبْفَعُونَ ظِلَالَهُ (نحل/ ۴۸)	يَبْفَعُونَ بدون الف
۳۹	وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بَطُونِهِ (نحل/ ۶۶)	فِي بَطُونِهَا (هاء) به انعام برمی گردد چون انعام جمع است و مؤنث مجازی تلقی می شود.
۴۰	إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ	إِنَّ مَا عِنْدَ اللَّهِ. . . «إِنَّ» مشبّهه بالفعل است و «ما» اسم آن است نه ادات حصر.

عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ

إِنَّ مَا عِنْدَ اللَّهِ. . .

«إِنَّ» مشبّهه بالفعل است و «ما»

اسم آن است نه ادات حصر.

ص: ۶۸

بخش نخست: کتابت قرآن کریم ۶۹

۴۱	وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ (كهف/۲۳)	لِشَيْءٍ
۴۲	وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَا لَ هَذَا الْكِتَابِ (كهف/۴۹)	مالهَذَا الكتابِ حرف جرّ لام باید متصل نوشته شود نه جدا.
۴۳	لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا (كهف/۷۷)	لَا تَتَّخَذْتَ... همزه وصل نوشته می شود
۴۴	قُلْ سَأَلْتُوَا عَلَيَّكُمْ مِنْهُ (كهف/۸۳)	سَأَلْتُوَا متکلم وحده است نه جمع پس الف ندارد
۴۵	فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ (كهف/۱۱۰)	يَرْجُوا بدون الف است چون صیغه مفرد است نه جمع
۴۶	وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ (مریم/۳۱)	أَيْنَمَا... اینجا یا زائد است نه اسم موصول بنابراین باید متصل نوشته شود.
۴۷	وَأَدْعُوا رَبِّي (مریم/۴۸)	... أَدْعُوا... متکلم وحده است نه جمع پس الف نباید باشد.
۴۸	أَتُوكِفَا عَلَيَّهَا (طه/۱۸)	أَتُوكِفُوا بدون الف باید باشد چون متکلم وحده است نه جمع.
۴۹	تَلَقُّفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا... (طه/۶۹)	إِنَّ مَا صَنَعُوا ما موصوله است نه از ادات حصر
۵۰	قَالَ يَبْنَؤُمْ (طه/۹۴)	يَا ابْنَ أُمِّ
۵۱	وَأَنْتَ لَا تَنْظَمُوا فِيهَا (طه/۱۱۹)	لَا تَنْظَمُوا صیغه مفرد است نه جمع پس الف نباید داشته باشد.
۵۲	وَمِنْ أَنَايَ اللَّيْلِ (طه/۱۳۰)	اناءِ
۵۳	أَفَأَيْنَ مِتَّ (انبیاء/۳۴)	أَفَأَيْنَ... ...

۷۰ از رسم المصحف تا رسم بریل

لَهَادِي... یاء جز اصلی کلمه است و باید نوشته آید.	إِنَّ اللَّهَ لَهَادٍ الَّذِينَ (حج/۵۴)	۵۴
أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ (مؤمنون/۵۵)	أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ... ..	۵۵
... يَدْرُؤُ... فعل مفرد است نه جمع لذا بدون الف می آید.	وَيَدْرُؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ (نور/۸)	۵۶
... عَتَوْا... چون فعل جمع است با الف می باشد.	وَعَتَوْا عُنُوتًا كَبِيرًا	۵۷
يَعْبُؤُ بدون الف است چون فعل مفرد است.	قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ (فرقان/۷۷)	۵۸
أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ	أَصْحَابُ لَيْكَةِ (شعراء/۱۷۶)	۵۹
أَوْ لَا ادَّبَحْتَهُ الف زاید است نباید باشد.	أَوْ لَا ادَّبَحْتَهُ (نمل/۲۱)	۶۰
يَبْدُؤُ الْخَلْقِ بدون الف زائد	يَبْدُؤُا الْخَلْقِ (نمل/۶۴)	۶۱
... أَتْلُوا الْقُرْآنَ... بدون الف چون صیغه متکلم وحده است نه جمع	أَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ (نمل/۹۲)	۶۲
تَرْجُو چون صیغه فعل مفرد است باید بدون الف بیاید.	مَا كُنْتَ تَرْجُو (قصص/۸۶)	۶۳
لَيَرْبُؤُ - لَا يَرْبُؤُ بدون الف چون جمع نیست.	لَيَرْبُؤَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُؤَا (روم/۳۹)	۶۴
... يَهَادِي... یاء جزء کلمه است نباید حذف شود.	وَمَا أَنْتَ بِهَادٍ الْعُمِّيِّ... (روم/۵۳)	۶۵
أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ ما موصوله است و باید جدا نوشته شود.	وَأَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ (لقمان/۲۷)	۶۶
يَرْجُو بدون الف چون صیغه مفرد است نه جمع.	لَمَنْ كَانَ يَرْجُوا (احزاب/۲۱)	۶۷

بخش نخست: کتابت قرآن کریم ۷۱

۶۸	إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (فاطر/۲۸)	الْعُلَمَاءُ
۶۹	فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَاتٍ مِّنْهُ (فاطر/۴۰)	بَيِّنَةٌ
۷۰	رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ (هود/۷۳)	رَحْمَةُ اللَّهِ
۷۱	فَرُوحٌ وَرُوحَانٌ وَجِنٌّ نَّعِيمٍ (واقعه/۸۹)	جِنَّةٌ نَّعِيمٍ
۷۲	مُنْكَرُونَ (یس/۵۶)	مُنْكَرُونَ
۷۳	الْبَلَاغُ الْمُبِينُ (صافات/۱۰۶) (دخان/۳۳)	البلاء
۷۴	بَنِيَاءُ الْخَصْمِ (ص/۲۱، ۶۷؛ تغابن/۶۴)	بَنِيَاءُ الْخَصْمِ
۷۵	وَجَاءَ بِالنَّبِيِّينَ (زمر/۶۹؛ فجر/۲۳)	وَجِيءَ
۷۶	أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجْوَةِ (غافر/۴۱)	النَّجَاتِ
۷۷	لَا جْرَمَ إِنَّمَّا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ (غافر/۴۳)	... أَنْ مَا تَدْعُونَنِي... «ما» موصوله است نه اِنْمای حصر.
۷۸	فَيَقُولُ الضُّعْفَاءُ (غافر/۴۷؛ ابراهیم/۲۱).	... الضُّعْفَاءُ در بقره/۲۶۶ و توبه/۹۱ به همین صورت صحیح نوشته شده است.
۷۹	وَمَا دَعُوا الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (غافر/۵۰)	... دُعَاءُ ...
۸۰	وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ (شوری/۴۰)	... جَزَاءُ سَيِّئَةٍ
۸۱	أَوْمَنَ يَنْشُؤُا فِي الْجَلِيَّةِ... (زخرف/۱۸)	... يَنْشُؤُ...

۷۲ از رسم المصحف تا رسم بریل

۸۲	عَلَيْهَا يَتَكُونَنَّ (زخرف/۳۴)	يَتَكُونَنَّ
۸۳	لِيَتَلَوْا بَعْضُكُمْ (محمد/۴)	لِيَتَلَوْا بدون الف چون صیغه مفرد است نه جمع
۸۴	إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ (ذاریات/۵)	إِنَّمَا تُوعَدُونَ... «ما» موصوله است و باید جدا نوشته شود.
۸۵	وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدِي وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (ذاریات/۴۷)	بَنَيْنَاهَا بِأَيْدِي
۸۶	مُنْكَرِينَ عَلَى فُرُشٍ (رحمان/۵۴ و ۷۶؛ واقعه/۱۶)	مُنْكَرِينَ
۸۷	أَئِذَا مِتْنَا (واقعه/۴۷)	أَئِذَا... ..
۸۸	فَمَا لَوْ أَنَّهَا الْبُطُونَ (واقعه/۵۳)	فَمَا لَوْ... ..
۸۹	وَالَّذِينَ نَبَّؤُهُ الدَّارَ (حشر/۹)	نَبَّؤُهُ... .. چون فعل جمع است، الف لازم دارد.
۹۰	إِنَّا بَرَاءُكُمْ (ممتحنه/۴)	... بَرَاءُ... ..
۹۱	بِأَيْدِيكُمْ الْمُفْتُونَ (قلم/۹)	بِأَيْدِيكُمْ... ..
۹۲	وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤَيِّبُ (معارج/۱۳)	... تُؤَيِّبُ
۹۳	فَمَا الَّذِينَ كَفَرُوا... (معارج/۳۶)	فَمَا الَّذِينَ... ..
۹۴	وَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ (جن/۱۶)	... أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا... ..
۹۵	يُنَبِّئُوا الْإِنْسَانَ (قیامت/۱۳)	يُنَبِّئُوا الْإِنْسَانَ بدون الف باید باشد چون صیغه مفرد است نه جمع.

بخش نخست: کتابت قرآن کریم ۷۳

۹۶	إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعَ (مرسلات/ ۷)	إِنَّ مَا تُوعَدُونَ... شبهه و «ما» هم موصوله است، لذا باید جدا نوشته شود.
۹۷	وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ (تکویر، ۸)	... الْمَوْءُودَةُ...
۹۸	... إِبْرَاهِيمَ... (بقره/ ۱۲۴) و...	... إِبْرَاهِيمَ...
۹۹	بَنِي إِسْرَائِيلَ (بقره/ ۱۲۲) و...	إِسْرَائِيلَ
۱۰۰	لَا يَلْفُ فَرَيْشَ إِي لَفِهِمْ (قریش/ ۲-۱)	لَا يَلْفُ... إِي لَفِهِمْ...
۱۰۱	... أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ... (نور/ ۳۱) ... يَا أَيُّهُ السَّاجِدُ... (زخرف/ ۴۹) ... أَيُّهُ الثَّقَلَانِ (رحمن/ ۳۱)	أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ يَا أَيُّهُ السَّاجِدُ أَيُّهُ الثَّقَلَانِ تمام «أَيُّها» در قرآن به همین شکل نوشته شده است جز سه مورد فوق که جای شگفتی فراوان دارد! ^۱

در قرآن به همین شکل نوشته شده است جز سه مورد فوق که جای شگفتی فراوان دارد! (۱)

مطالعات و ابتکارات مدرن

در دهه های اخیر و با ورود کامپیوتر و وسایل مدرن به عرصه نگارش قرآن کریم، پروژه ها و طرح های جدیدتری به میان آمده و بعضاً به نتیجه هم رسیده است.

مهندس رضا کیان زاده طرحی به نام قرآن خود آوا (یا خود اعراب) را مطرح و دو دهه روی آن کار کرده و از نظریات بزرگان قرآن پژوه بهره گرفته است.

اعراب ها به صورت علامت هایی چسبیده به خود حروف است و مثل قرآن های متعارف که اعراب مستقل از حروف است، نمی باشد. آقای خرمشاهی و مهندس کیان زاده معتقدند اگر این قرآن منتشر شود تحولات گسترده و عمیق در فراگیری قرآن رخ می دهد. (۲)

هنوز این قرآن منتشر نشده با اینکه در سال ۱۳۷۸ صحبت از اتمام مراحل مختلف پژوهشی آن بود. به هر حال اگر این نوع خط منتشر شود، لازم است بررسی شود که برای قرآن بریل مناسب است یا نه؟ اجمالاً با بررسی های اولیه معلوم شده درباره بریل هم جوابگو است.

- ١- . نقد رسم الخط عثمان طه از قرآن، ص ٥٠-٥٩، محمدعلی کوشا.
- ٢- . دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی، ج ١، ص ٩٩١-٩٩٤.

شیوه ابداعی: جهت حلّ مشکلات نگارشی قرآن کریم، چند سال است مرکز طبع و نشر قرآن در ایران مشغول فعالیت پژوهشی و جمع آوری اطلاعات است. در سال ۱۳۸۰ نتایج تحقیقاتش را با عنوان «شیوه ای نو در اعراب گذاری قرآن کریم» منتشر کرد. اکنون قسمتی از این گزارش نقل می شود. (۱)

تاریخچه ضبط: «ضبط کلمات» در اصطلاح عبارت است از علمی که درباره علایم و حرکات حروف سخن می گوید؛ اعم از حرکات کوتاه و حرکات کشیده و علایمی چون سکون و تشدید و مد. از آن جا که در آغاز، این حرکات و علایم با نقطه هایی درشت و در برخی موارد رنگی مشخص می شدند، در قدیم به آن «نقط» می گفتند. تاریخ «نقط» مصاحف به نیمه نخست سده اول هجری باز می گردد. ولی پس از آن و در سده دوم هجری بود که «نقط» مصاحف در میان مسلمانان رواج یافت.

در قرن دوم هجری، خلیل بن احمد فراهیدی (درگذشت ۱۷۰ه. ق) با الهام از شکل حروف، اشکال جدیدی را برای جایگزین کردن نقاط یاد شده ابداع کرد و از آن جهت به ضبط، «شکل» نیز می گویند. روش خلیل بن احمد از اواخر قرن سوم هجری، به ویژه در منطقه عراق که مرکز فعالیت های علمی و لغوی آن زمان بود، رواج یافت.

پس از پدید آمدن این دو روش، دو نظر در میزان به کارگیری این علایم به وجود آمد:

الف. برخی معتقد بودند باید حرکات و علایم تمام حروف قرآن کریم، اعم از خوانا و ناخوانا مشخص شود. علمای مغرب از جمله ابو عمرو دانی (درگذشت ۴۴۴ه. ق) صاحب کتاب «المحکم فی نقط المصاحف»، از طرفداران این نظر هستند. وی در این باره می گوید:

«هدف از نقط مصاحف، تصحیح قرائت و ادای صحیح حروف است تا بدین طریق، قرآن همان طور منتقل شود که از سوی خداوند نازل شده و از پیامبر اکرم (ص)، صحابه و اهل فن نقل شده است. از این رو باید حق هر حرف در نقط ادا شود و حرکت، سکون، تشدید، مد، همزه و جز آن نوشته شوند و نباید تنها به برخی از این علایم اکتفا کرد.» این نظر در مشرق نیز طرفدارانی داشته است.

در زمان ما نیز ضبط کلمات در مصاحفی چون «مصحف امیری» و «مصحف مدینه» بر اساس این نظر صورت گرفته است. در این دو مصحف می توان ماحصل آرای طرفداران این نظریه را به خوبی مشاهده کرد.

در ادامه به اقوال برخی از این علما اشاره می شود:

۱. ابو حاتم سجستانی (درگذشت ۲۵۵ه. ق):

«بنای «نقط» بر اختصار است. چرا که اگر قرار باشد خطاطان آن چنان که شایسته است، نقطه گذاری کنند، خط قرآن تباه و ناخوانا می شود.»

۲. ابن مجاهد (درگذشت ۳۲۴ه. ق):

-
- ۱- «شیوه ای نو در اعراب گذاری قرآن کریم»، مرکز طبع و نشر قرآن، رشد آموزش معارف اسلامی، پاییز ۱۳۸۰ ف شماره ۴۶، ص ۳-۱۱.

«شکل» برای رفع اشکال به کار می رود و چنین نیست که روی هر حرف علامتی قرار گیرد؛ بلکه فقط بر روی حرفی علامت قرار می گیرد که اگر علامت نداشته باشد، خواندن آن مشخص نیست و اگر علامت تمام حروف کلمه ای مشخص شود، آن کلمه به راحتی خوانده نخواهد شد و این کار سودی نخواهد داشت؛ چرا که علایم برخی حروف، سایر حروف را بی نیاز از حرکت می کند. «

۳. ابن المنادی (در گذشت ۳۳۶ه. ق):

«نقط» و «شکل» تنها در موارد مشکل ساز و به منظور آسان کردن قرائت مورد استفاده قرار می گیرند و چنین نیست که علامت تمام حروف کلمه ای مشخص شود؛ خواه آن حرف ساکن باشد یا متحرک. چنانچه شخصی علامت تمام حروف را مشخص کند در این کار زیاده روی کرده است و در این کار سودی نیست. «

۴. ابن دُرستویه (در گذشت ۳۴۷ه. ق):

«بدان که کاتبان... تنها برای حرفی نقطه و علامت قرار می دهند که اگر علامت نداشته باشد، خواندن آن مشخص نمی باشد. «

اکثر این بزرگان اهل عراق هستند. مردم نیز در این منطقه تابع ایشان بودند. به طور مثال عموم اهل عراق از علایمی چون سکون و تشدید و مد استفاده نمی کردند و حروف ساکن، مشدد و ممدود را بدون علامت می نوشتند.

همان طور که گفته شد دو نظر درباره میزان به کار گیری حرکات و علایم در ضبط کلمات قرآن کریم وجود دارد. آنچه از سخنان طرفداران هریک از این دو نظر برمی آید، وجه مشترک این دو روش، آن است که هر دو به صحت قرائت و بلکه آسان کردن آن تأکید دارند و وجه اختلاف آنها این است که طرفداران روش اول، که چهره شاخص آن «ابو عمرو دانی» است، با دیدی افراطی و همراه با تعصب به ضبط نگریسته اند؛ درحالی که طرفداران روش دوم، ملاک نیاز یا عدم نیاز حرف به علامت یا حرکت را میزان تأثیر آن در قرائت دانسته اند که به نظر، منطقی می آید. البته این موضوع، تنها از راه آزمون و امتحان مشخص می شود. به این صورت که باید قرآن های مختلف با روش های ضبط گوناگون در جلسات و کلاس های آموزش قرآن، مورد امتحان قرار گیرد تا به این ترتیب میزان تأثیر هریک از حرکات و علایم مشخص شود. بنابراین، این گفته که باید علامت تمام حروف مشخص شود (نظر ابو عمرو دانی) درست نیست.

در حال حاضر شیوه های مختلفی برای ضبط کلمات قرآن کریم در جهان اسلام وجود دارد که اکثر آنها دارای مستندات مشخص و ادله محکمی نیست. به نظر می رسد، خوشنویسان در پیدایش برخی از علایم در این روش ها و ترویج و تثبیت آن، نقش داشته اند. این روش به کشورهای هند، ایران، ترکیه (دولت عثمانی)، مصر و منطقه مغرب منسوب است.

ضبط پیشنهادی: این مرکز با توجه به تجربیات ارزشمند معلمان و استادان قرآن کریم در سراسر کشور به این نتیجه رسید که یکی از معضلات نو آموزان و قاریان قرآن کریم وجود برخی از علایم زاید در قرآن های رایج است. وجود این علایم که گاه سلیقه ای و مخصوص یک قرآن خاص است، نه تنها باعث آسانی قرائت قرآن نشده است بلکه منجر به شلوغ شدن متن

قرآن کریم می شود. به این ترتیب خواندن آن را برای عامه مردم به ویژه مبتدیان مشکل ساخته است. بنابراین پس از بررسی اکثر

ص: ۷۵

شیوه های رایج در ضبط کلمات در این قرآن ها و ارزیابی نقش تمام علایم و حرکات موجود در آنها در فرایند آموزش و قرائت قرآن کریم، کارشناسان مرکز به این نتیجه رسیدند که تنها برخی از علایم با قرائت صحیح قرآن کریم ارتباط مستقیم دارد. از این رو به منظور هماهنگی ساختن کتابت قرآن کریم با قرائت آن و بر اساس نتایج و یافته های این تحقیق و بررسی، ضبط جدید پیشنهاد شد.

در این جا ذکر این نکته لازم است که در هر روشی به ناچار مواردی وجود دارد که نمی توان ضبط آنها را به خوبی نشان داد. برای مثال قرائت کلمه «لِشَایِءٍ» را که طبق قواعد رسم، دارای یک الف زاید است، نمی توان به راحتی نشان داد. ضبط کلمه «یَایَسُّسُ» نیز به همین دلیل کار دشواری است.

در ضبط جدید، تنها علایم حروفی که دارای حرکت و صورت هستند، مشخص شده و برای سایر حروف، علامت خاصی در نظر گرفته نشده است. برای مثال در کلمه «کَتِیْبٌ» علامت سه حرف «ک»، «ت» و «ب» مشخص شده است؛ اما در کلمه «فَلیکُتِبُ» تنها، علامت سه حرف «ف»، «ی» و «ت» که متحرک هستند، مشخص شده و برای سه حرف «ل»، «ک» و «ب» - که ساکن هستند - علامتی در نظر گرفته نشده است.

حرف ساکن در برخی از قرآن های موجود از جمله مصحف مدینه به خط عثمان طه گاه بدون علامت نوشته شده است که این موضوع مشکل خاصی برای قاریان، به ویژه نوآموزان ایجاد نکرده است. در کلمه «فَاکُتِبْنَا» نیز تنها، علامت دو حرف «ف» و «ت» و در کلمه «أولی» فقط علامت حرف همزه نوشته شده است. البته در برخی موارد احتمال دارد، مبتدی در آغاز با مشکلاتی مواجه شود که آن نیز با آموزش صحیح و استمرار در قرائت قرآن کریم از روی این مصحف به مرور از میان خواهد رفت.

علایم و حرکات مؤثر در قرائت قرآن کریم که در ضبط این مصحف شریف از آنها استفاده شده است، عبارتند از:

۱. حرکات کوتاه فتحه و کسره و ضمه. مانند: اُذِنَ.

۲. تنوین نصب، جر و رفع. مانند: خَبِیراً، رَحِیمٌ، غَفُورٌ.

۳. الف کوچک. مانند: هَذَا.

۴. تشدید، مانند: الرَّحْمَنُ.

۵. علامت «ء» برای همزه. مانند: دَابِ، بِسْ، هَیْ، اللُّؤْلُؤُ.

۶. «واو» و «یاء» کوچک برای نشان دادن اشباع حرکات. مانند: داوودُ، له و، الأَمِینَ، به □.

علایم و حرکات غیر مؤثر در قرائت که در ضبط برخی از قرآن ها به کار رفته اند ولی در این قرآن به کار نرفته اند نیز، عبارتند از:

۱. علایم همراه حرکات کشیده.

مانند:

اُوذینا اُوذینا □

اُوذینا اُوذینا

اُوذینا اُوذینا

اُوذینا اُوذینا

ص: ۷۶

تذکر: این علایم در نزد همزه وصل، حذف نشده است؛ مانند: إِذَا الْجِبَالُ ذُوالْعَرَشِ.

۲. علامت حرف ساکن. مانند: أَنْعَمْتَ أَنْتُمْ.

۳. علامت حرف همیشه ناخوانا. مانند: أُولُوا، يَايَسُّ، لِيَشَاءِ.

۴. علامت حرف گاه ناخوانا. مانند: انا.

۵. علامت همزه وصل. مانند: واللّه.

تذکر: حرکت همزه وصل در ابتدای آیه و جمله به صورت ریز نگاشته شده است.

مانند: فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ * الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ

۶. همزه رو یا زیر الف متحرک. مانند: أُسْرَى، إِذَا.

۷. کلیه علایم تجویدی. (به جز علامت مد)

تذکر: علاوه بر حذف علایم تجویدی مانند «م» ابدال و علایم خاص اشمام و تسهیل، علامت تنوین که در برخی از مصاحف به خاطر نشان دادن حالات سه گانه ادغام، اخفاء و ابدال به شکل خاصی نوشته شده در این مصحف به شکل طبیعی خود آمده است.

باتوجه به مطالب گفته شده، تعداد علایم به کار رفته در ضبط کلمات این مصحف شریف نسبت به قرآن های رایج در اکثر کشورهای اسلامی از جمله دو مصحف معروف «قاهره» و «مدینه» - که در حال حاضر الگوی بسیاری از خوشنویسان هستند - به میزان یک سوم کاهش یافته است.

لازم به ذکر است پس از چاپ قرآن کریم با روش ضبط جدید و استقبال عموم مردم از آن، وزارت آموزش و پرورش نیز بر آن شد تا کتاب های درسی قرآن را بر این اساس تغییر دهد. این تغییر و دگرگونی در شیوه کتابت آیات قرآن درسی همچنان ادامه دارد. آزمون ها و نظر سنجی های این وزارتخانه نشان می دهد روش جدید نسبت به روش های پیشین از موفقیت بیشتری برخوردار بوده است.

در مورد ضبط پیشنهادی باید به دو نکته زیر اشاره کرد:

۱. در تهیه ضبط جدید، درصدد تبیین نظرات نحوین - به ویژه نحوین قدیم - در اعراب کلمات و حرکات حروف نبودیم و بیش تر میزان تأثیر گذاری علایم در امر قرائت قرآن کریم به ویژه برای مبتدیان، مدنظر بوده است.

۲. سعی شده است تا ضبط پیشنهادی برپایه ادله علمی و آزمون های متعدد تهیه و ارائه شود؛ لذا برای اطمینان از میزان کارایی

روش جدید، این قرآن در جلسات و محافل قرآنی متعدد مطرح شد و شیوه ضبط آن در مجموع مورد تأیید قرار گرفت.

ص: ۷۷

از ابتدا در نگارش و کتابت برخی واژگان قرآن اختلاف بود و کمتر از دو دهه از رحلت رسول خدا(ص) می گذشت که اختلافات درباره کتابت واژه هایی از قرآن به اندازه ای رسید که ضرورت یکسان سازی و توحید مصاحف را پیش کشید و عثمان خلیفه سوم دستور داد همه قرآن ها با کتابت های مختلف جمع آوری و فقط یک قرآن مبنای امور باشد. اما در همان یک قرآن هم کلمات بعضاً دارای کتابت یکسان نداشت مثلاً رحمت به دو صورت رحمه و رحمت کتابت و ضبط شده و یکسان سازی قرآن مبحث وحدت رویه کاتبان قرآن را تثبیت ننمود.

این فصل به دیدگاه های مختلف درباره واژگان اختلافی قرآن و دسته بندی و طبقه بندی این واژگان می پردازد.

تقسیم چهارگانه کلمات اختلافی

علی ابراهیم محمد از پژوهشگران مصری درباره واژگان اختلافی قرآن می نویسد: خط خاصی که عثمان دستور داد که با آن قرآن را بنویسند و این خط مبنای همه کتابت های دولتی و امور دیوانی قرار گرفت، اما در بین نخبگان، مخالفان و موافقانی داشت. زیرا در ظاهر آن مشکلات و تهافت هایی به چشم می خورد و فرهیختگان به راحتی نمی توانستند آن را بپذیرند. بعضی این مشکلات را به چهار دسته تقسیم کرده اند که در ادامه می آورم.

اما ذکر این نکته مهم است که قرآن عثمانی به عنوان تنها قرآن در طول تاریخ تداوم یافت و امروزه هم همان قرآن مبنای است و چاپ و نشر می شود و در اختیار مردم قرار می گیرد. و همین قرآن تبدیل به خط بریل می شود. از این رو پاره ای از مشکلات در خط بریل از اصل کتابت قرآن عثمانی نشأت گرفته است. او مشکلات نگارشی قرآن عثمانی را به چهار دسته تقسیم کرده و می نویسد: حذف برخی حروف، افزون برخی حروف، تبدیل هاء تأنیث به تاء کشیده چهار دسته از کلماتی است که در رسم عثمانی مشکل دارد. آنگاه نمونه هایی می شمارد:

إِذْ وَعَدْنَا (بقره، آیه ۵۱) إِذْ وَعَدْنَا

الْعَلَمِينَ (حمد، آیه ۱) الْعَالَمِينَ

الْمِيعَادِ (انفال، آیه ۴۲) الْمِيعَادِ

لَقَمْنٍ (لقمان، آیه ۱۴) لَقَمَانِ

سَلِيمَانَ (۲۷ بار در قرآن آمده) سَلِيمَانَ

الدَّاعِي (قمر، آیه ۶) الدَّاعِي

فُنَجِّي (يوسف، آیه ۱۱۰) فَنَجِّي (۱)

يدع (اسراء، آیه ۱۱) يدعو

آیات ۱۱۷ مؤمنون و قمر همین گونه است.

لَأَذْبَحَنَّهُ (نمل، آیه ۲۱) لَأَذْبَحَنَّهُ

لَا تَقُولنَ لِشَايء (كهف، ۲۲) لَتَقُولنَ

تلقائِ نفسی (يونس، آیه ۱۵) تلقاءِ نفسی

سأوریکم (اعراف، ۱۴۵) سأوریکم

سأوریکم آیتی (انبیاء، ۳۷) سأوریکم آیتی

یتوفیکم (انعام، آیه ۶۰) یتوفاکم

یا حسرتی (زمر، آیه ۵۶) یا حسرتا

یا اسفی (يوسف، آیه ۸۴) یا أسفا

رحمه (بقره، آیه ۲۸۱) رحمت

نعمه (بقره، آیه ۲۲) نعمت

سنه (انفال، آیه ۳۸) (۲) سنت

یعنی در آیاتی سنت و در جاهایی سنه آمده است.

بعد از ذکر این موارد که گویای روبه دوگانه است به ذکر توجیحات و اقوال ادباء و مفسران قرآن می پردازد. (۳)

عدم تطابق رسم و املاء

پژوهشگر دیگری پس از بررسی ها، پنج نوع کلمه برمی شمارد که در قرآن نگارش آنها متفاوت با سبک کتابت معمول است. مطلب این پژوهشگر را عیناً می آوریم: (۴)

مراد از رسم المصحف نگارش برخی از کلمات قرآن توسط صحابه به شکل مخصوصی است که گاه با قواعد کتابت امروزی مطابقت ندارد. این تفاوت ها را در پنج مورد (۵) می توان خلاصه نمود: حذف، زیادت، ابدال، وصل (موصول)، فصل

(مقطوع) اکنون به شرح و توضیح و ذکر نمونه هایی برای هر مورد می پردازیم:

قسمت اول: حذف

در رسم عثمانی کلماتی مشاهده می گردد که حرفی از آنها حذف گردیده است. در مجموع، حروف محذوفه عبارتند از: «الف، یاء، واو، لام و نون».

ص: ۸۰

۱- . در قرآن نیریزی هم فَتَجَّى مَن نِشَاء آمده است.

۲- . «نظرات فی رسم المصحف»، ص ۴۸۰-۴۸۳.

۳- . همان، ص ۴۸۳-۴۸۵.

۴- . «مقایسه رسم المصحف و رسم الاملاء»، علی اکبر ربیع نتاج، پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی، سال دوم، ش ۴، زمستان ۸۷، ص ۱۵۶-۱۶۰.

۵- . تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، الکردی، ص ۹۴.

حذف الف: موارد حذف الف عبارتند از:

۱- حذف الف از جمع مذکر سالم:

طبق قواعد رسم المصحف، الف در جمع مذکر سالم نوشته نمی شود؛ نمونه هایی از حذف الف در اسم های جمع مذکر سالم:

الْصَّادِقِينَ [الضَّادِقِينَ] (آل عمران/۱۷) خَلْدُونَ [خَالِدُونَ] (بقره/۲۵)

سَمْعُونَ [سَمَاعُونَ] (مائده/۴۲) السَّاجِدِينَ [السَّاجِدِينَ] (اعراف/۱۱)

۲- حذف الف از جمع مؤنث سالم:

الْمُسْلِمَاتِ [الْمُسَلِمَاتِ] (احزاب/۳۵) جَنَّاتٍ [جَنَّتِ] (بقره/۲۵)

الْأَمْنَتِ [الْأَمَانَاتِ] (نشاء/۵۸) الْبَقِيَّتِ [الْبَقَايَاتِ] (كهف/۴۶)

۳- حذف الف از جمع مکسر:

الْمَسَاكِينِ [الْمَسَاكِينِ] (بقره/۱۷۷) ظُلُلٍ [ظَلَالٍ] (رعد/۱۵)

مَسْجِدٍ [مَسَاجِدٍ] (توبه/۱۷) خَلِيفَةٍ [خَلَائِفٍ] (انعام/۱۶۵)

۴- حذف الف از ضمیر «نا»:

أَنْزَلْنَاهُ [أَنْزَلْنَاهُ] (انعام/۹۲) أَعْطَيْنَاكَ [أَعْطَيْنَاكَ] (کوثر/۱)

مَكْنَهُمْ [مَكْنَاهُمْ] (انعام/۶) زَيْنَهَا [زَيْنَهَا] (حجر/۱۶)

۵- حذف الف از «ياء» نداء:

يَا أَيُّهَا [يَا أَيُّهَا] (بقره/۲۱) يَا مَرْيَمُ [يَا مَرْيَمُ] (آل عمران/۴۲)

يَسْمَاءُ [يَسْمَاءُ] (هود/۴۴) يَا مُوسَى [يَا مُوسَى] (بقره/۵۵)

۶- حذف الف از «هاء» تنبيه:

هَاتِينَ [هَاتِينَ] (قصص/۲۷) هَاتِنِمْ [هَاتِنِمْ] (نساء/۱۰۹)

أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ [أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ] (نور/۳۱)

۷- حذف الف از اسامی علم:

إِسْحَاقَ [إِسْحَاقَ] (هود/۷۱) سُلَيْمَانَ [سُلَيْمَانَ] (نمل/۱۵)

عِمْرَانَ [عِمْرَانَ] (آل عمران/۳۳) إِسْمَاعِيلَ [إِسْمَاعِيلَ] (ص/۴۸)

۸- حذف الف از سایر کلمات:

الف) کلماتی که هجای آنها تغییر نکرده (به جای الف حرف دیگری قرار نگرفته است):

خَلَقَ [خَلَقَ] (بقره/۵) سُلْطَانَ [سُلْطَانَ] (اعراف/۷۱)

سَلَّمَ [سَلَّمَ] (یس/۵۸) غُلَامًا [غُلَامًا] (آل عمران/۴۰)

حذف الف ممدوده: کلماتی که الف ممدوده آنها حذف شده و در عوض «و» و «الف» به آنها اضافه شده است. (این کلمات اختلافی است و در مصحف به هر دو شکل آمده است):

أَبْنَوْا [أَبْنَوْا] (مائده/۱۸) أَنْبِئُوا [أَنْبِئُوا] (انعام/۵)

أَلْبَسُوا [أَلْبَسُوا] (صافات/۱۰۶) نَشِئُوا [نَشِئُوا] (هود/۸۷)

ص: ۸۱

حذف الف جمع: در آخر افعال ماضی، صیغه جمع مغایب، الفی آورده می شود که به آن الف جمع می گویند. در قرآن عثمانی، افعالی هست که، الف آنها حذف شده است. اما کلماتی که «الف جمع» از آنها حذف گردیده است:

جاءُوا [جاءُوا] (آل عمران/۱۸۴) باءُ و [باءُوا] (بقره/۹۰)

فاءُ و [فاءُوا] (بقره/۲۲۶) سَعَوْ [سَعَوْا] (سبأ/۵)

حذف یاء: در قرآن کریم کلمات متعددی مشاهده می شود که بدون «یاء» نوشته شده اند. برخی از این کلمات عبارتند از:

إبراهیم [إبراهیم] (بقره/۱۲۴) الالفهم [ایلافهم] (قریش/۲)

الحواریین [الحواریین] (صف/۱۴) ربائین [ربائین] (آل عمران/۷۹)

حذف واو: طبق ضابطه باید واو آمده باشد، اما حذف شده است. این موارد عبارت اند از:

یستون [یستون] (توبه/۱۹) الغاؤون [الغاؤون] (شعراء/۹۴)

یدع [یدع] (اسراء/۱۱) سندع [سندع] (علق/۱۸)

حذف لام: کلماتی که لام آنها حذف شده عبارت اند از:

□
اللیل [اللیل] (یس/۴۰) الّتی [اللاتی] (نساء/۲۳)

□
الّتی [اللاتی] (طلاق/۴) الّذان [الّلذان] (نساء/۱۶)

حذف نون: حذف نون فقط در یک کلمه آمده است:

نُجی [نُجی] (انبیاء/۸۸)

قسمت دوم: زیادت

حروفی که معمولاً به صورت زاید، بر برخی از کلمات عارض شده اند، عبارت اند از: «الف»، «یاء» و «واو».

زیادت الف: کلماتی که با زیادت الف در قرآن آمده است اختلافی است؛ یعنی در بعضی از سوره ها با زیادت الف و در

بعضی از سوره ها بدون الف ضبط شده اند، نمونه هایی از موارد زیادت الف:

لِشَیْءٍ [لِشَیْءٍ] (کهف/۲۳) لَكُنَّا [لَكُنَّا] (کهف/۳۸)

لَاذْبَحْنَهُ [لَاذْبَحْنَهُ] (نمل/۲۱)

زیادت یاء: در چند کلمه یاء زاید است:

أَفَإِنْ [أَفَانُ] (آل عمران/۱۴۴) نَبَّأَى [نَبَّأَى] (انعام/۳۴)

بَأَيُّكُمْ [بَأَيُّكُمْ] (قلم/۶) بَأَيُّدٍ [بَأَيُّدٍ] (ذاریات/۴۷)

زیادت واو: کلمه ای که واو زائد است فقط یک مورد شناسایی شده است:

سَأُورِيكُمْ [سَأُورِيكُمْ] (اعراف/۱۴۵)

ص: ۸۲

قسمت سوم: ابدال

منظور از ابدال در اینجا تبدیل شدن یک حرف به حرف دیگر در کتابت است. هفت مورد برای ابدال شناسایی شده است:

ابدال «الف» به «واو»:

الْصَّلَاةُ [الصَّلاة] (حج/۷۸) الزَّكَاةُ [الزَّكاه] (نور/۳۷)

بِالْغَدَاةِ [بِالغداه] (انعام/۵۲) مِّنْهُ [مِنَاه] (نجم/۲۰)

ابدال «الف» به «یاء»:

بُشْرٰیكُمْ [بُشراکم] (حدید/۱۲) ضَحٰیهَا [ضحاها] (نازعات/۲۹)

دَعُوْیِهِمْ [دعواهم] (اعراف/۵)

ابدال «یاء» به «الف»: بر طبق املائی معاصر، کلمات ناقص (کلماتی که لام الفعل آنها «یاء» و یا «واو» است) که در اولین صیغه ماضی آنها در اثر اعلال، حرف ناقص به الف منقلب می شود، در رسم الخط باید به الف مقصوره «ی» نوشته شوند. اما در برخی از موارد در رسم المصحف بر خلاف این اصل عمل شده است. مانند:

طَغَا [طغی] (حاقه/۱۱) رَءَا [رآی] (هود/۷۰)

تَرٰءَا [تراءى] (شعراء/۶۱) نَنَّا [نئی] (اسراء/۸۳)

ابدال «ه» به «ت»:

رَحْمَتٍ [رحمه] (بقره/۲۱۸) نَعَمْتٍ [نعمه] (نحل/۷۲)

سُنَّتٍ [سنه] (انفال/۳۸) شَجَرَةٍ [شجره] (دخان/۴۳)

ابدال نون تأکید خفیفه به تنوین:

لِیْکُونَا [لیکونن] (یوسف/۳۲) لَنْسَفَعَا [لنسفن] (علق/۱۵)

ابدال تنوین به نون:

كَآئِنٍ [کائی] (یوسف/۱۰۵)

ابدال «س» به «ص»:

يَبْضُطُ [يَبْضُطُ] (بقره/۲۴۵) بِمُصَيِّطِرٍ [بِمُصَيِّطِرٍ] (غاشیه/۲۲)

بَضْطَه [بَشْطَه] (اعراف/۶۹)

قسمت چهارم: مقطوع

منظور از مقطوع کلماتی هستند که باید به صورت متصل (سرهم) نوشته شوند، ولی در مصحف به صورت منفصل (جدا از هم) نوشته شده اند.

کلماتی که در قرآن به صورت مقطوع ضبط گردیده اند، عبارتند از:

فَمَالِ هَؤُلَاءِ [فَمَا لَهُؤُلَاءِ] (نساء/ ۷۸) فَمَالِ هَذَا الرَّسُولِ [فَمَا لِهَذَا الرَّسُولِ] (فرقان/ ۷)

فَمَالِ هَذَا الْكِتَابِ [فَمَا لِهَذَا الْكِتَابِ] (کهف/ ۴۹) فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا [فَمَا لِلَّذِينَ كَفَرُوا] (معارج/ ۳۶)

ص: ۸۳

منظور از موصول کلماتی هستند که باید به صورت منفصل (جدا از هم) نوشته شوند، ولی در مصحف به صورت متصل (سرهم) نوشته شده اند. کلمات موصول را به دو دسته می توان تقسیم کرد:

۱- کلماتی که به علت رابطه صوتی، متصل نوشته شده اند. این نوع از اتصال معمولاً در موضوع ادغام صورت می گیرد. مانند:

مِمَّا [مِنْ مَا] (بقره/۳) فَالْم [فَأَنْ لَمْ] (هود/۱۴)

أَمَّن [أَمْ مَنْ] (نمل/۶۰) أَلَّن [أَنْ لَنْ] (قیامه/۳)

۲- کلماتی که بدون داشتن رابطه صوتی، متصل نوشته شده اند:

فِي مَا [فِي مَا] (بقره/۱۱۳) أَيْنَمَا [أَيْنَ مَا] (نحل/۷۶)

بِئْسَمَا [بِئْسَ مَا] (اعراف/۱۵۰) يَبْيِئُومُ [يَابِنَ أُمَّ] (طه/۹۴)

بر اساس نکات مزبور می توان اینگونه نتیجه گیری کرده:

یکی از عواملی که از دیرباز تا کنون باعث دشواری قرائت قرآن برای بسیاری از مسلمانان علاقه مند به تلاوت آیات هدایت بخش الهی بوده است، نگارش خاص برخی از کلمات قرآن و به عبارتی، اختلاف رسم المصحف با رسم الخط معمولی می باشد. التزام به رسم المصحف در گذشته به جهت امکان وقوع تحریف در قرآن، امری لازم و ضروری می نمود. اما با توسعه علوم و فنون حفظ و نگهداری اسناد و مکتوبات و انتفای امکان تحریف قرآن به آن گونه که بتوان قرآن محرف را به عنوان قرآن مُتَزَل از جانب خدا در اذهان و قلوب مسلمانان القا کرد، جا دارد امکان نگارش قرآن با رسم الخط معمولی زبان عربی از سوی علمای اعلام و محققان علوم قرآنی مورد بررسی مجدد قرار گیرد. (۱)

قواعد عام رسم المصحف

حدود چهل قاعده در زمینه حذف، زیادت، همزه، تبدیل و وصل و فصل مطرح است. اهل سنت به این قواعد التزام دارند. اکنون گزارشی از این قواعد تقدیم می گردد.

الف - قاعده حذف:

۱- حذف الف در مواردی از جمله:

۱-۱- حذف الف از یاء نداء؛ مانند: یا ایها الناس (بقره: ۲۱)

۱-۲- حذف الف از هاء تنبيه؛ مانند: هانتم (آل عمران: ۶۶)

۱-۳- حذف الف بعد از ضمير متصل «نا»؛ مانند: نجینکم (بقره: ۴۹)

۱-۴- حذف الف از لفظ جلاله «الله».

۱-۵- حذف الف از کلمه «اله».

۲- حذف ياء در مواردی؛ از جمله:

۲-۱- حذف ياء از کلمات منقوص که تنوین رفع و جر دارند؛ مانند: باغ (بقره: ۱۷۳)، عاد (بقره: ۱۷۳)

ص: ۸۴

۱- «مقایسه رسم المصحف و رسم الاملاء»، علی اکبر ربیع نتاج، پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی، سال دوم، ش ۴، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۶۰.

۲-۲- حذف یاء ضمیر متکلم وحده از کلماتی هما: اطیعون (آل عمران: ۵۰)، اتقون (بقره: ۱۹۷)، خافون (آل عمران: ۱۷۵)، فارهبون (بقره: ۴۰) (مگر موارد استثنایی).

۳- حذف واو هنگامی که واو مدی در کنار واو دیگری واقع شود؛ مانند: یستون (نحل: ۷۵)، داود (نساء: ۱۶۳).

۴- حذف لام هنگامی که در حرف لام دیگری ادغام شود؛ مانند: الیل (قصص: ۷۱)، الذی (بقره: ۲۲) (مگر موارد استثنایی).

ب - قاعده زیادت (اضافه شدن):

۱- زیادت الف:

۱-۱- در کلیه اسامی جمع مذکر سالم یا در ملحق به جمع مذکر سالم، در حال حذف «نون»، بعد از واو، الف اضافه می شود؛ مانند: بنوا اسرائیل (یونس: ۹۰).

۲-۱- بعد از همزه ای که بر روی واو نوشته می شود، الف اضافه می شود؛ مانند: تفتوا (یوسف: ۸۵).

۱-۳- در کلمات «مائه» (بقره: ۲۶۱)، «ماتین» (انفال: ۶۵)، «لظنوننا» (احزاب: ۱۰)، «الرسولاء» (احزاب: ۶۶)، «السییلا» (احزاب: ۶۷) الف اضافه می شود.

۲- زیادت یاء:

در کلمات «نبای» (انعام: ۳۴)، «آنای» (طه: ۱۳۰)، «تلقای» (یونس: ۱۵)، «باییکم» (قلم: ۶)، «بایید» (ذاریات: ۴۷) یاء اضافه می شود.

۳- زیادت واو:

در کلمات «اولوا» (هود: ۱۱۶)، «اولئک» (بقره: ۵)، «اولاء» (آل عمران: ۱۱۹)، «اولات» (طلاق: ۴) واو اضافه می شود.

ج - قاعده همزه:

۱- اگر همزه، ساکن باشد، بر روی حرف متجانس با حرکت قبلیش نوشته می شود؛ مانند: «ائذن» (توبه: ۴۹)، «اؤتمن» (بقره: ۲۸۳)، «البأساء» (بقره: ۱۷۷) (مگر موارد استثنایی).

۲- همزه متحرک:

۲-۱- اگر همزه متحرک در اول کلمه واقع شود، بر روی الف نوشته می شود؛ مانند: «ایوب» (انعام: ۸۴)، «ساصرف» (اعراف: ۱۴۶)، «فبای» (رحمان: ۱۳) (مگر موارد استثنایی).

۲-۲- اگر همزه متحرک در وسط کلمه قرار گیرد، و پیش از آن نیز متحرک باشد، با توجه به حرکت همزه و نیز حرکت حرف پیش از آن، روی حرف متجانس با حرکت قوی تر نوشته می شود، ترتیب حرکات از قوی به ضعیف چنین است: «کسره، ضمه، فتحه، سکون»؛ مانند: «سال» (معارج: ۱)، «سئل» (بقره: ۱۰۸)، «نقرؤه» (اسراء: ۹۳) (مگر موارد استثنایی).

۲-۳- اگر همزه متحرک در وسط کلمه قرار گیرد و پیش از آن ساکن باشد، بر خلاف قواعد املائی عربی، بدون کرسی و در کنار حرف متحرک پیش از خود نوشته می شود: مانند: «یسلونک» (بقره: ۲۱۹)، «مسولاً» (اسراء: ۳۴) (مگر در موارد استثنایی).

۲-۴- اگر همزه متحرک در آخر کلمه قرار گیرد، بر روی حرف متجانس با حرکت قبلش نوشته می شود مانند: «سبأ» (نمل: ۲۲)، «شاطئ» (قصص: ۳۰)، «اللؤلؤ» (واقعه: ۲۳) (مگر موارد استثنایی).

۲-۵- اگر همزه متحرک در آخر کلمه قرار گیرد و حرف قبل از آن ساکن باشد، پایه اش حذف می شود مانند: «ملء» (آل عمران: ۹۱)، «الخبء» (نمل: ۲۵) (مگر موارد استثنایی).

د- قاعده ابدال:

۱- تبدیل الف:

۱-۱- الف در کلمات «الصلوه» (بقره: ۳)، «الزکوه» (لقمان: ۴)، «الحيوه» (قصص: ۷۹) به واو تبدیل می شود (مگر در موارد استثنایی).

۱-۲- الف در مواردی که منقلب از یاء باشد، به یاء تبدیل می شود؛ مانند: «یتوفیکم» (نحل: ۷۰)، «یاسفی» (یوسف: ۸۴).

۱-۳- الف در کلمات «الی»، «علی»، «انی»، «متی»، «بلی»، «حتی»، «لدی» (به جز در سوره یوسف) به یاء تبدیل می شود.

۲- تبدیل نون:

نون تأکید خفیفه در کلمات «لیکونن» (یوسف: ۳۲) و «لنسفن» (علق: ۱۵) به الف تبدیل می شود؛ یعنی به صورت: «لیکونا» و «لنسفاً».

۳- تبدیل تاء تأنیث به تاء کشیده مفتوحه در کلمات زیر:

۳-۱- «رحمت» (بقره: ۲۱۸؛ اعراف: ۵۶؛ هود: ۷۳؛ مریم: ۲؛ روم: ۵۰ و زخرف: ۳۲).

۳-۲- «نعمت» (بقره: ۲۳۱؛ آل عمران: ۱۰۳؛ مائده: ۱۱؛ ابراهیم: ۲۸؛ نحل: ۷۲؛ لقمان: ۳۱؛ فاطر: ۳ و طور: ۲۹).

۳-۳- «لعنت» در عبارت: «لعنت الله» (آل عمران: ۶۱).

۳-۴- «معصیت» (مجادله: ۸ و ۹).

۳-۵- کلمات «شجرت»، «قرت»، «جنت» و «بقیت» در عبارت های: «شجرت الزقوم» (دخان: ۴۳)، «قرت عین» (قصص: ۹)، «جنت نعیم» (واقعه: ۸۹) و «بقیت الله» (هود: ۸۶).

۳-۶- کلمه «امرات» در مواردی که به زوجش اضافه شده باشد؛ مانند: «امرات نوح» (تحریم: ۱۰).

ه - قاعده وصل و فصل:

- ۱- کلمه «ان» به کلمه «لا» متصل می شود مگر در ده موضوع؛ مانند: «ان لا تعبدوا» (هود: ۲۶).
- ۲- کلمه «من» به کلمه «ما» متصل می شود مگر در عبارت «من ما ملکت» (نساء: ۲۵؛ روم: ۲۸).
- ۳- کلمه «من» به کلمه «من» همواره متصل می شود.
- ۴- کلمه «عن» به کلمه «ما» متصل می شود مگر در «عن ما نهنوا عنه» (اعراف: ۱۶۶).
- ۵- کلمه «ان» به کلمه «ما» متصل می شود مگر در «ان ما نرینک» (رعد: ۴۰).
- ۶- کلمه «ان» به کلمه «ما» همواره متصل می شود.
- ۷- کلمه «کل» به کلمه «ما» متصل می شود مگر در چند مورد.

۸- کلمات «نعماً» (بقره: ۲۷۱)، «ربما» (حجر: ۲)، «کانما» (انفال: ۶)، «ویکان» (قصص: ۸۲) متصل نوشته می شوند.

و- موارد دارای دو قرائت:

اگر کلمه ای به دو وجه خوانده شود، به گونه ای نوشته می شود که هر دو وجه را متحمل شود؛ مثل «ملک» (حمد: ۴) که هم «مالک» و هم «ملک» خوانده می شود.

از ظواهر و اقوال پیشینیان می توان چنین نتیجه گرفت که به طور اجمال رابطه ای از نوع تأثیر و تأثر بین این قرائت و کتابت موجود است.

در باب تأثیر رسم بر قرائت به بخشی از اقوال کسائی یکی از قاریان هفتگانه مشهور اشاره می کنیم.

ابن مجاهد از محمد بن یحیی از خَلَف نقل می کند:

«سمعتُ الکسائیَ یقول: السین فی الصراط اسیر فی کلام العرب، و لکنی اقرا بالصاد اتبع الکتاب؛ الکتابُ بالصاد»

«شنیدم کسائی می گفت: سین در کلمه «الصراط» مطابق کلام عرب است، ولی من آن را با صاد می خوانم و از متن مصحف که با صاد است پیروی می کنم».

این تنها نمونه ای از اقوالی بود که به تأثیر رسم بر قرائت می پردازد.

این بیان، بیانگر تأثیر رسم بر قرائت به نحو جزئی از علت محسوب می شود و نه علت تامه. به عبارت دیگر، اینکه قاری قرائت خاصی داشته، نه تنها بدین علت است که کلمه این گونه نگاشته شده است؛ بلکه نحوه نگارش در قرائت تأثیر دارد، همچنانکه شنیده ها، قواعد ادبی، لغت و موارد همانند آن نیز در قرائت تأثیر داشته اند.

حال به خلاف این تأثیر باید اشاره نمود. اگر معتقد به تأثیری از ناحیه قرائت بر رسم باشیم، یکی از دو فرض ذیل را باید پذیرفت:

الف) قرائت قرآن در زمان پیامبر اکرم (ص) دارای اختلافاتی بوده است که ایشان بدون اینکه تلاشی برای رفع آن نموده باشند، به دستور مستقیم یا با سکوت و تقریر ایشان، قرآن طوری نگاشته شده است که آن قرائت در رسم لحاظ شوند.

نتیجه گیری: بر اساس آنچه مطرح گردید، التزام به رسم المصحف در کتابت قرآن نه تنها امری مستحسن و پسندیده محسوب می شود؛ بلکه از لحاظ نظری لازم و به جهت شرایط زمان و حفظ وحدت و یکپارچگی جهان اسلام، مسئله ای حیاتی و ضروری است.

امید است با توجه به نظر علما و اندیشمندان عالم اسلامی، نظارت جدی و فراگیر بر چاپ قرآن کریم در تمام کشورهای اسلامی صورت گیرد و رعایت رسم المصحف از سوی تمام ناشران و دست اندرکاران این امر مورد عنایت قرار گیرد. (۱)

آقای کریم دوانی آراء عالمان و مفسران شیعه را جمع آوری و دسته بندی کرده است. گزارش ایشان را می آورم:

ص: ۸۷

۱- «نگرشی به رسم الخط قرآن کریم»، کریم دوانی، ص ۶۷-۶۹.

به اعتقاد شیعه، کتابت قرآن توسط امامان معصوم (ع) و چنانچه نسخه های مکتوب ایشان در اختیار ما بود، از هر دلیل و مدرک دیگری در این باره بی نیاز بودیم.

از آن رو که علما و مفسران شیعه کتاب یا اثری مستقل درباره رسم المصحف تألیف نکرده اند (یا به ما نرسیده است)، به منظور دستیابی به نظریات ایشان در این خصوص، به تحقیق و بررسی آثار و تفاسیر آنان پرداختیم. به این دلیل از میان این آثار، ۱۷ اثر مهم از قرون متفاوت انتخاب و بررسی گردید که به ترتیب زمانی عبارت اند از:

- تفسیر القمی، تألیف ابوالحسن علی بن ابراهیم قمی (درگذشت ۳۲۹ق)

- غرر الفوائد و درر القلائد، معروف به امالی المرتضی، تألیف علی بن حسین موسوی معروف به سید مرتضی (درگذشت ۴۳۶ق)

- التبیان الجامع لعلوم القرآن، معروف به التبیان فی تفسیر القرآن، تألیف ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف به شیخ طوسی (درگذشت ۴۶۰ق)

- مجمع البیان لعلوم القرآن، معروف به مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تألیف ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (درگذشت ۵۴۸ق)

- جوامع الجامع، تألیف ابو علی فضل بن حسن طبرسی (درگذشت ۵۴۸ق)

- رَوْحُ الْجَنَانِ وَ رُوحُ الْجَنَانِ، تألیف جمال الدین ابوالفتوح حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی رازی (درگذشت ۵۵۰ق)

- منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تألیف مولی فتح الله کاشانی (درگذشت ۹۷۷ق)

- الصافی فی تفسیر کلام الله، تألیف مولی محسن محمد بن مرتضی فیض کاشانی (درگذشت ۱۰۹۱ق)

- البرهان فی تفسیر القرآن، تألیف سید هاشم بن سلیمان بحرانی (درگذشت ۱۱۰۷ق)

- نورالثقلین، تألیف عبد علی بن جمعه عروسی حویزی (درگذشت ۱۱۱۲ق)

- کنز الدقائق و بحر الغرائب، تألیف میرزا محمد بن محمدرضا قمی مشهدی (درگذشت ۱۱۲۵ق)

- تفسیر القرآن الکریم، تألیف سید عبدالله شبر (درگذشت ۱۲۴۲ق)

- تفسیر القرآن الکریم، تألیف شهید سید مصطفی خمینی (درگذشت ۱۳۹۷ق)

- المیزان فی تفسیر القرآن، تألیف علامه سید محمدحسین طباطبایی (درگذشت ۱۴۰۲ق)

- اطیب البیان، تألیف سید عبدالحسین طیب (درگذشت ۱۳۷۰ق)

- تفسیر نمونه، تألیف ناصر مکارم شیرازی

در این آثار، سه بخش: مقدمه، تفسیر سوره حمد و برخی کلمات دارای رسم خاص، بررسی گردید.

نظر برخی از مفسران و علمای شیعه درباره رسم المصحف

۱- شیخ ابوالفتوح رازی می فرماید:

«ما ل هؤلاء» در مصاحف لام جدا می نویسند. علت معتمد آن است که اتباعاً للمصحف، متابعت مصحف را که به خط صحابه چنین یافته اند.»

ص: ۸۸

«جمله قراء، «اکن» خوانده اند به جزم؛ مگر ابو عمرو که او خوانده «اکون» به واو و نصب نون عطفاً علی قوله «فاصدق».

ابو عمرو را گفتند: چرا واو در مصحف ها نیست؟ گفت: از کتابت بیفتاد؛ چنانکه فی قولهم کلمن و الاصل کلمون بیفتاد» (۱).

۲- میرزا ابوالحسن شعرانی می فرماید:

«در مصاحف، کلماتی بر خلاف رسم معهود نوشته اند و از عصر اول تاکنون، غالباً بدان مقید بودند و آن را تغییر ندادند، برای آنکه توهم تحریف در قرآن نشود و به اعتقاد ما، حفظ آن واجب است برای همین غرض. و مذاهب اهل سنت را فعلاً حاضر ندارم ولیکن غالب مصاحف آنها، مراعات رسم الخط اصلی را کرده و بعضی مانند قرآن معروف حافظ عثمان، در پاره ای مواضع تخلف نموده است. هر چه موافق رسم الخط معهود آن زمان بوده، در زمان ما تغییر کرده است، باز باید همان رسم قدیم را محفوظ داشت؛ الا- آنکه الف اشباع را برای حفظ از غلط در تلفظ مراعات کرده، حفظ لفظ را مهم تر از حفظ نقش کتاب شمرد. ... بعضی پندارند چون این خصوصیات تعبدی از طرف پروردگار نیست، مراعات آن واجب نیست و به نظر من برای حفظ قرآن واجب است؛ هر چند رسم الخط دیگر به از آن باشد؛ چنانکه اگر دیوار مسجدی را کج بنا کنند، باید به همان صورت نگاه داشت. اما علامات خط، مثل همزه به صورت سر عین و تشدید و اعراب، به هر صورت مجاز است».

همچنین ایشان در پاورقی تفسیر رُوْحِ الْجِنَانِ و رُوْحِ الْجِنَانِ می فرماید:

«آنچه در قرآن برخلاف قاعده خط نوشته اند، غرض، متابعت قرآن های زمان پیامبر (ص) و صحابه است تا از تحریف و تصحیف مأموم باشد؛ از جمله «ما ل هؤلاء» که لام حرف جر را از «هؤلاء» جدا می نویسند و علت دیگر که به تکلف ابداع کنند، معتبر نیست و نظیر این در قرآن بسیار است».

«وجود کلمه «هذان» در قرآن، دلیل بزرگی است بر عدم تحریف؛ چون اگر بنای قراء بر اعمال رأی و سلیقه و مراعات قواعد بوده، حتماً این کلمه را تغییر می دادند و «هذین» می کردند؛ اما بنابر سماع بوده است» (۲).

۳- شهید سید مصطفی خمینی چنین می فرماید:

«فی حذف همزه «بسم الله»: كانوا یکتبون قبل الاسلام و بعده هکذا: «باسمک اللهم» محافظین علی الهمزه فی الکتابه: و بعد ظهور الاسلام والانقلاب فیما یکتب فی مبادئ المکاتیب، کتبوا هکذا، «بسم الله» حاذفین الهمزه فی مثله... و لا یمكن احتمال الغلط فی الکتابه فی خصوص هذه اللفظه، و إن احتملنا ذلك فی سائر الاغلاط الکتابیه الکثیره الموجوده فی القرآن، و ربّما تَبْلُغُ أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِینِ مَوْرَدًا، و أُنْهِنَاهَا فِي بَعْضِ الْمَخْطُوطَاتِ إِلَى أَكْثَرِ مِنْهَا ظَاهِرًا؛ لِأَنَّ احْتِمَالَ اشْتِبَاهِ الْكَاتِبِ أَوْ عَدَمِ اِتِّلَاعِهِ عَلَى رِسْمِ الْخَطِ فِي الْاِبْتِدَاءِ قَرِيبٌ. وَ قَدْ بُنِيَ الطَّبَقَاتُ اَلْاَلْحَقَهُ عَلَى صِيَانَةِ تِلْكَ الْاَغْلَاطِ؛ لِشِدَّةِ اِهْتِمَامِهِمْ بِحِفْظِ الْكِتَابِ الْعَزِيزِ عَنِ الْحَوَادِثِ وَ التَّغْيِيرَاتِ، وَ عَنِ مَعْرِضِيهِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ لِوَصْمِهِ اَتِّهَامِ التَّنْحْرِيفِ، فَبَادَرُوا إِلَى تِلْكَ الْكِتَابَةِ عَالِمِينَ بِأَنَّهَا خَارِجَةٌ عَنِ قَانُونِ رِسْمِ الْخَطِ».

۱- . تفسیر ابوالفتوح، سوره حمد.

۲- . روح الجنان، پاورقی های سوره حمد.

«درباره حذف همزه بسم الله: قبل از اسلام و بعد از آن می نوشتند: «باسمک اللهم»؛ در حالی که همزه نوشته می شد. بعد از ظهور اسلام و تغییر یافتن آنچه در ابتدای نوشته ها به کار می رفت، این چنین می نوشتند: «بسم الله»؛ یعنی همزه را در امثال آن حذف کردند ... و امکان اینکه در کتابت این لفظ اشتباه شده باشد، وجود ندارد؛ در حالی که در مورد سایر غلط ها در کتابت قرآن که زیاد هم هست، احتمال اشتباه می دهیم، که چه بسا بیش از ۵۰ مورد باشد و نهی می کنیم کتابت از روی برخی نوشته ها را؛ چرا که احتمال اشتباه کاتب یا عدم اطلاع او از رسم الخط در ابتدا وجود دارد و گروه های بعدی این غلط ها را حفظ کردند به خاطر شدت اهتمام در حفظ قرآن از حوادث و تغییرات و همچنین عدم اتهام مخالفین قرآن به تحریف آن. پس به این نوع کتابت مبادرت ورزیدند؛ در حالی که می دانستند این نوع کتابت، خارج از قانون رسم الخط است».

«و الذی هو التحقيق فی هذا الفرع الفقہی: لزوم المحافظه علی المکتوب الاولی؛ حذراً عن وقوع سائر التصرفات فی الکتاب من انواع التحریف و غیره، و لعل الکاتب من الاول کتب غلطاً فاستحفظ علیه؛ إرشاداً لی التزام الامه الاسلامیه علی هذه الشده من الحفظ عن التصرفات حتی التیسیره، فتبصر».

«آنچه در این فرع فقہی مسلم است، لزوم محافظت است بر آنچه در ابتدا نگارش یافته، به خاطر دوری جستن از سایر تصرفات و انواع تحریفات در قرآن. چه بسا کاتبان از همان اول غلط نوشته باشند و سپس به خاطر شدت اهتمام امت مسلمان بر حفظ قرآن از تصرفات حتی اندک، همان غلط حفظ شده باشد».^(۱)

۴- رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می فرمایند: «مسأله رسم بسیار مهم است؛ در اینجا دو مطلب مطرح است:

اول اینکه کیفیت نگارش کلماتی که مقرئین قدیمی ذکر کرده اند و معین کرده اند که این طور نوشته شود؛ مثلاً «ابرهیم» یا «ملک»، یعنی الف را محذوف می دانستند، اینها را باید رعایت کرد. در گذشته رعایت نمی کردند؛ اینها را باید رعایت کرد. آنها [اهل سنت] تحریف راعیب می دانند و درست هم هست. بر خلاف مصلحت است عوض کردن آنها؛ پس باید رعایت شود.

و دوم اینکه مثلاً در کجا الف مقصوره [برای علامت گذاری] باشد ... این ربطی به رسم الخط ندارد؛ مثلاً کجا جزم باشد؟ کجا بدون علامت؟ ...».

۵- نظر علامه حسن زاده آملی در این باره چنین است: «رسم الخط قرآن، سماعی است؛ نه قیاسی. یعنی ما حق نداریم که مطابق صرف و نحو، قرآن را تغییر دهیم؛ به نحوی که خلاف رسم الخط متعارف شود. مثلاً ما بعد از واو جمع، الف می گذاریم و در بسیاری موارد در قرآن، بعد از واو جمع، الف ندارد. ما حق نداریم الف بگذاریم. بعضی جاها، بعد از واو مفرد، الف آمده؛ حق نداریم آن را حذف کنیم. اگر جایی تاء گرد آمده یا کشیده، باید به همان صورت محفوظ بماند؛ یعنی همان طور که زمان پیامبر گرامی اسلام (ص) مکتوب شده، کسی حق ندارد تغییر و تبدیل کند. و این معنا را متأسفانه بعضی از خطاطان که قرآن نوشته اند، مراعات نکردند و خیلی غلط وارد قرآن کردند؛ مثلاً

۱- . تفسير سيد مصطفى خميني، سوره حمد.

«مالک» باید به صورت «ملک» نوشته شود و «مالک» خوانده شود و نمی توان بعد از میم، الف گذاشت و به صورت «مالک» نوشت.»

۶- نظر محمدهادی معرفت درباره رسم چنین است: «و هذا رأى جمهور المحققين ذهبوا الى جواز تبديل الرسم القديم الى الرسم الحاضر بعد أن لم يكن رسم السلف عن توقيف، و إنما هو اصطلاح منهم أو كانت الكتابه فى بداءه أمرها غير متقنه، أما مع تقدّم أساليب الكتابه و فيها من التوضيح ما يجعل امر القراءه سهلا على الجميع، فلا بدّ من تغيير ذاك الرسم الى المصطلح الحاضر الذى يعرفه كافيه الاوساط و ليكون القرآن فى متناول عامه الناس، و فى ذلك تحقيق للغرض الذى نزل لاجله هذا الكتاب الخالد ليكون هدى للناس جميعاً مع الابد.»

«نظر بیشتر محققان بر این است که رسم قدیم (رسم المصحف) مجاز است به رسم حاضر (رسم الاملاء) تبدیل شود؛ به دو دلیل: یکی اینکه رسم قدیم توقیفی نبوده؛ بلکه اصطلاح صحابه است و دیگر آنکه قواعد نگارش در بدو امر غیر متقن بوده است. باید توجه داشت که اسلوب های نگارش قدیم، قرائت را برای بسیاری از مردم آسان نمی کند و چاره ای جز تغییر رسم قدیم به رسم الاملاء نیست؛ آن رسمی که عموم مردم، که سطح اطلاعات متوسطی دارند، آن را می شناسند؛ چرا که باید قرآن مورد استفاده عامه مردم قرار گیرد و این کار باعث محقق شدن هدف نزول این کتاب جاودان که همان هدایت همه مردم تا ابد است، خواهد شد.»

بر اساس نظر دانشمندان شیعه و توجه به دلایل مطرح شده آنها، می توان چنین نتیجه گیری نمود:

اکثر علمای شیعه درباره رسم المصحف و التزام به آن سکوت کرده اند؛ به این معنا که خود به این موضوع کمتر پرداخته اند یا از آنها کمتر سؤال شده است تا پاسخ منفی یا مثبت به این سؤال بدهند. با این حال، نظر کسانی که در این باره ابراز عقیده کرده اند، به طور عمده حفظ رسم المصحف و التزام به آن در نگارش قرآن کریم است. (۱)

ولی از آنجا که رسم الخط قرآن اجتهادی بوده نه توقیفی، هیچ مانعی برای اصلاح آن وجود ندارد و انتظار می رود لجنه ای تحقیقی مرکب از کارشناسان فنّ حوزوی و دانشگاهی این مهم را به انجام رسانند.

اقوال اهل سنت

به طور کلی، علمای مذاهب گوناگون اهل سنت درباره لزوم تبعیت از رسم المصحف اختلاف نظر ندارند. از بین این علماء، امام مالک بن انس و امام احمد بن حنبل سرشناس ترین شخصیت هایی هستند که با صراحت به وجوب رعایت رسم المصحف فتوا داده اند و قبلاً به آن اشاره شد. هر چند از امام ابوحنیفه (درگذشت ۱۵۰ق) و امام شافعی (درگذشت ۲۰۴ق) فتوای صریحی در این باره نقل نشده است، اما در طول تاریخ، علمای حنفی و شافعی بسیاری به وجوب التزام به رسم المصحف فتوا داده اند. همچنین در دوران معاصر، برخی از مراکز علمی و فقهی اهل سنت نیز فتاویی در این باره

۱- . نگرشی به رسم الخط قرآن کریم، کریم دوانی، ص ۶۴-۶۶.

منتشر کرده اند. در ادامه به برخی از سایر نظریات اشاره می شود. این قسمت از نوشته آقای کریم دوانی اخذ شده است:

کمیته فتوای مصر:

فتوای این کمیته در وجوب التزام به رسم المصحف برای نخستین بار در سال ۱۳۵۵ هجری قمری بدین شرح انتشار یافت:

«و أمّا طبع المصحف الکریم علی قواعد الرّسم الکتابی العادی المتّعی الآن، فاللّجنه تری لزوم الوقف عند المأثور من کتابه المصحف و هجائه و ذلك لأنّ القرآن الکریم کتب وقت نزوله علی النّبی (ص) و مضی عهده (ص) و القرآن علی هذه الکتبه لم یُحدث فیها تغییر و لا- تبدیل و قد کتبت به مصاحف عثمان و وزعت علی الامصار لتکون اماماً للمسلمین و أقرّ أصحاب النّبی (ص) عمل عثمان عنه و لم یخالفه أحد فیما فعل و استمرّ المصحف مکتوباً بهذا الرسم فی عهده بقیه الصّحابه و التابعین و تابعی التابعین و الائمه المجتهدين فی عصورهم المختلفه».

«اما نظر کمیته فتوا درباره چاپ مصحف کریم به روشی که امروزه معمولاً پیروی می شود (یعنی کتابت بر اساس قواعد املاء عربی)، این است که قرآن باید مطابق آنچه که مأثور بوده و به ما رسیده است، نوشته شود؛ چرا که قرآن به هنگام نزولش بر پیامبر (ص) و بعد از آن، به همان صورت نگاهشده شده و هیچ تغییر و تبدیلی در آن ایجاد نگردیده و مصاحف عثمان هم به همان گونه کتابت شده و در شهرهای مختلف توزیع گردیده است تا پیشوا و راهنمای مسلمانان باشد. به علاوه، اصحاب پیامبر (ص)، عمل عثمان را پذیرفتند و هیچ یک از آنان در این عمل با او مخالفت نکردند و نگارش مصحف با این شیوه کتابت در زمان بقیه صحابه و تابعین و پیروان تابعین و علمای بزرگ در زمان های مختلف نیز ادامه داشته است».

۲- مجمع البحوث الاسلامیه (در الازهر): این مجمع در ششمین گردهمایی خود که در سال ۱۳۹۱ قمری برگزار شد، به مسلمانان سفارش کرد که برای حفظ متن قرآن از تحریف، از رسم المصحف تبعیت کنند.

۳- هیئه کبار العلماء (در عربستان سعودی): این هیئت در سال ۱۳۹۹ قمری با صدور بیانیه ای بر لزوم تبعیت از رسم المصحف تأکید کرد.

۴- المجمع الفقهی الاسلامی (وابسته به «سازمان جهان اسلام» در مکه مکرمه): این مجمع در سال ۱۳۹۹ قمری، نظر هیئت علمای بزرگ عربستان در مورد التزام به رسم المصحف را تأیید کرده است.

۵- شیخ رزق خلیل حبه (شیخ المقاری سابق مصر): «رسم المصحف العثماني توقيفی. و معنی توقيفی أنه ملزم لمن أراد أن یکتب مصحفاً أن یکتبه بالرّسم العثماني الذی فی عهد عثمان بن عفان و یاجماع الصّحابه و کان بلجنه من بینها معاویه بن سفیان و ذلك برئاسه زید بن ثابت کاتب الوحی. و الرسول (ص) یقول: «أصحابی کالتّجوم بأیهم اقتدیتم اهتدیتم» و یقول: «علیکم بسنتی و سنّه الخلفاء الرّاشیدن المهدیین من بعدی. عَضُوا عَلَیْهَا بِالنَّوْاجِدِ». أمّا الرسم الاملائی، فَعَرْضُهُ لِلتَّغْییرِ وَ التَّبدیلِ فی أیّ وقت. و هذا بالنّسبه للمصحف الکریم. و أما الاجزاء و بعض الجُمَل و الآیات، فقد أجاز العلماء کتابتها فی الالواح و غیرها للصّغار بالرسم الاملائی تسهیلاً علیهم».

«رسم مصحف عثمانی، توقیفی است و معنای توقیفی بودن، این است که هر کس می خواهد مصحفی بنویسد، باید ملزم به رسم عثمانی باشد که در زمان عثمان بن عفان و با اجماع صحابه توسط گروهی که معاویه بن سفیان در آن حضور داشت و به ریاست زید بن ثابت، کاتب وحی، نوشته شد. و پیامبر، که درود خدا بر او باد، فرمود: «اصحاب من، مانند ستارگان هستند؛ به هر کدام اقتدا کنید، هدایت می شوید» و فرمود: «از سنت من و سنت خلفای راشدین که بعد از من می آیند، تبعیت کنید و به آنها تمسک جوئید».

امّا رسم املائی؛ از آن رو که در هر زمانی در معرض تغییر و تبدیل قرار دارد، نمی توان در کتابت یک مصحف کامل از آن استفاده کرد؛ امّا در اجزاء قرآن و بعضی از جمله ها و آیات، علما نوشتن آنها با رسم املائی را به منظور آسان نمودن برای کودکان و نوآموزان اجازه داده اند.^(۱)

ضابطه مندی و توجیه

برخی مفسران و علمای علوم قرآنی، مشکلات نگارش قرآن را توجیه کرده و تلاش نموده اند آنها را ضابطه مند و مبتنی بر دانش ادبیات یا دیگر علوم جلوه دهند.

تلاش های کسانی که چنین رویه ای داشته اند از قرون نخست اسلامی تا کنون همواره رواج داشته و مطرح بوده است. اکنون به اهمّ این دیدگاه ها می پردازیم. تحلیل ذیل توسط یکی از پژوهشگران به نام محمدرضا حاجی اسماعیلی مطرح و منتشر شده است.^(۲)

بعضی از این قرائت را کسانی که نزد ابن جزری و سایر علمای اهل سنت معتبرند تخطئه کرده اند؛ برای نمونه عثمان قرائت افرادی همانند ابن مسعود را رد کرده و خلاف دانسته است یا ابن الأنباری درباره وقف بر اسم منقوص محذوف الیاء مانند «باق و قاض و...» می گوید که باید بدون یاء وقف نمود. سپس می گوید که بعضی از بصریین و نیز قراء بصره مواردی این چنین را با یاء وقف کرده اند در حالی که فراء و کسایی این گونه قرائت را باطل دانسته اند. ابوعلی فارسی چنین اظهار می دارد که کسایی و فراء این مطلب را باطل دانسته و گفته اند که وقف در اثناء کلام همانند وصل بنا شده است. بنابراین آنچه در وصل نباشد در وقف نیز ایجاد نگردد.^(۳)

باز زمخشری درباره قرائت ابن عامر در آیه ۱۳۷ سوره انعام می گوید: «اما قرائت ابن عامر یعنی «قتل أودلاهم شرکائهم...» به گونه ای است که اگر بنا بر ضرورت در جایی همانند شعر قرار داشت قطعاً مردود بود چه رسد به نثر و بالاتر از آن سخنی معجز آسا همانند قرآن با آن نظم نیکو و استواریش. تنها چیزی که وجود دارد و باعث گردیده این قرائت بر پا باشد این است که در برخی از مصاحف دیده شده که این کلمه با یاء به صورت «شرکایهم» نگاشته شده است».^(۴) شایان توجه است

ص: ۹۳

۱- . نگرشی به رسم الخط قرآن کریم، کریم دوانی، ص ۶۶-۶۷.

۲- «بررسی تعامل و تقابل بین دو حوزه قرائت قرآن از عصر نزول تا تسبیح قرائت»، محمدرضا حاجی اسماعیلی، مجله

مطالعات اسلامى، تابستان ۱۳۸۴، ص ۵۸-۶۱.

۳- . الحججه فى علل القرائات السبع، ج ۳، ص ۴۱۱.

۴- . الكشاف عن حقايق غوامض التنزيل، ج ۲، ص ۷۰.

که ابن جزری قبل از نقل این قرائت به شدت بر زمخشری حمله کرده و سخن او را مردود دانسته ولی قصد ما از ذکر این موارد این است که بیان کنیم امر این قرائات در نزد همه دانشمندان و قرآن پژوهان و مفسرین آن گونه نیست که ابن جزری ادعا کرده و گفته است: «همه باید آن را بپذیرند و این امری است واجب که هیچ کس را نرسد که آن را انکار نماید به طوری که ایمان به آن لازم است». به عبارت دیگر، باید گفت که این عقیده تنها دیدگاه ابن جزری است نه اجماع امت. شگفت این است که ابن جزری خود درباره قرائت این کلمه از ابن عامر می گوید: «سپس این قرائت را مواظبت کرده اند و به جز او آن را روایت نکرده اند» (۱). بنابراین مشخص می شود که حتی در زمان قراء سبعة یا برخی از روایات ایشان عده ای قرائت عده ای دیگر را رد و انکار می کردند همان گونه که در سخن ابن جزری به آن اشاره شده «و لا یروون غیرها». اینها نمونه هایی بود از مواردی که بعضی از قرائات را علمای پیشین قرائات که از نظر فاصله زمانی بر ابن جزری تقدم داشته اند نپذیرفته اند. به طور کلی هر چه به صدر اول بیشتر نزدیک می شویم در مورد پذیرش یا نپذیرفتن قرائات حریت بیشتری نزد علماء و قراء مشاهده می نماییم.

ملاک های معتبر نزد صحابه یا قراء: دکتر فضلی به پیروی از علمای قرائات در این باره نیز اختلاف قرائات را ناشی از اجتهاد در اختیار دانسته نه اجتهاد در وضع و اختراع و عوامل گوناگونی برای آن بر شمرده است. وی می گوید: «گاهی این اختیار به سطح وثاقت سند پیوند می خورد، و احیاناً به قوت و صحت فزون تری نسبت به آن وجهی که در قواعد زبان عربی مطرح است مربوط می گردد و گاهی در زمینه مطابقت و سازش قرائت با رسم الخط مصحف عثمانی و گاهی به عوامل دیگری ارتباط پیدا می نماید» (۲). ولی علی رغم این نوع نگرش، روایاتی در دست است حاکی از این که این قرائات صرفاً ناشی از اختیار نبوده بلکه عواملی دیگر همانند خطا و اشتباه، اجتهاد در وضع و اختراع بر اساس قواعد دستوری زبان عربی در شکل گیری آنها دخیل بوده است. به عبارت دیگر، باید گفت عواملی که دکتر فضلی از آنها یاد کرده تنها ملاک اجتهاد در وضع و اختراع بوده است نه صرفاً اجتهاد در اختیار. نمونه هایی از این نقل ها و شواهد عبارت است از: ۱- روایتی که از امام صادق (ع) در این باره نقل گردیده که ایشان فرموده اند: «اصحاب العربیه یحرفون کلام الله عن مواضعه»؛ (۳) ۲- اختیاراتی که در روایت ورش از نافع نقل گردیده که وی در آن با استاد خود نافع مدنی در خصوص قرائت پاره ای از کلمات مخالفت ورزیده است؛ (۴) ۳- قرائاتی که همگی مخالف با رسم الخط است و تأثیر قواعد نحوی در شکل گیری آنان کاملاً مشهود است، مانند قرائت «هذان لساحران» (طه/۶۳) به صورت «هذین» و قرائت «أکن من الصالحین» (منافقون/۱۰) به صورت «أکون». با تأمل در آنچه بیان گردید می توان اطمینان یافت که بر خلاف دیدگاه اهل سنت اختلاف قرائات صرفاً مبتنی بر نقل و روایت (اعم از واحد یا متواتر) نبوده بلکه عواملی از جمله رسم الخط نیز در

ص: ۹۴

۱- . النشر فی القرائات العشر، ج ۲، ص ۶۵.

۲- . القرائات القرآنیة، فضلی، ص ۱۰۵.

۳- . مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۴، ص ۲۸۰.

۴- . تاریخ القرائات العشر، عبدالفتاح القاضی، ص ۸.

پیدایش آنها دخالت داشته است، همان گونه که بعضاً قرائات نیز در شکل نگارشی پاره ای از کلمات تأثیرگذار بوده است. برای نمونه می توان به این موارد اشاره نمود:

۱- وقف بر کلمه «أَيُّهُ» بدون الف و با سکون هاء در «أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ» (نور/۲۱)، «أَيُّهُ السَّاحِرُ» (زخرف/۴۹)، «أَيُّهُ الثَّقَلَانِ» (الرحمن/۳۱) در حالی که ابوعمر و کسایی، از قراء سبعة، وقف بر این کلمه را در هر سه مورد با اثبات الف «أَيُّهَا» قرائت کرده اند. (۱)

۲- واژه «ضنين» در سوره تکویر را ابن کثیر، ابوعمر و کسایی با «ظاء» یعنی «ظنين» قرائت کرده اند. صفاقسی در خيث النفع از قول جعبری چنین نقل کرده است: «ليكن در رسم الخط كوفي ضاد را به گونه ای رفع می دهند، زیرا «خطیط يشبه خط الظاء» و این همان سخن ما در کتاب عقود است: و الضاد في كل الرسوم تصورت / و هما لدى الكوفي مشتبهان». همین مطلب جعبری را محمد سعید لحام در کتاب فیض الرحيم بدین گونه آورده است. وی در ذیل بیان اختلاف قرائت در کلمه «ضنين» می گوید: «اما در شیوه خط كوفي بالای حرف ضاد خط کوچکی شبیه الف در حرف ظاء وجود دارد و اشکال از اینجا به وجود آمده است. (۲)

۳- ابوشامه درباره عطیه بن قیس کلابی که از قراء شام و هم تراز ابن عامر بوده است می گوید: «عطیه مصاحف را بر اساس قرائت خودش برای اهل دمشق اصلاح نموده است». (۳)

۴- ابن مجاهد درباره قرائت حرف یاء از کلمه «لهادی» در آیه شریفه «و ان الله لهاد الذین...» (حج/۵۴) می گوید که حرف یاء آن را هنگام قرائت به وصل به دلیل ساکن بودن و سکون لازم «الذین» از آن حذف نمودم زیرا در هنگام وصل حرف یاء خوانده نمی شود. (۴)

با توجه به آنچه بیان گردید در می یابیم که قرائت قاریان همگی مبتنی بر روایت نبوده بلکه گاه قاری تحت تأثیر عوامل گوناگون از جمله روایت، نحو، رسم و ... قرائتی را برای خود جایز می دانسته که این قرائت در پاره ای موارد بر اساس اختیار و گزینش و از بین مرویات و در پاره ای موارد اجتهاد شخص قاری با تکیه بر قواعد زبان، رسم الخط و ... بوده است. همان گونه که مشاهده گردید گاهی نیز شکل نگارشی کلمه بر اساس قرائت قاری تغییر نموده است، مانند: «لهاد الذین» که بایستی به شکل «لهادی» نگاشته می شده ولی حرف یاء آن به پیروی از قرائت از خط حذف گردیده است. شاید این بدین دلیل باشد که در آن روزگار هنوز برای خط قواعدی به جز آنچه در رسم المصحف معمول بوده وضع نگردیده بوده است. غانم قدوری الحمد می گوید: «صحابه مصاحف را بر اساس قواعدی از هجاء و اصول رسم که در زمانشان متعارف و معمول بود می نوشتند». (۵)

ص: ۹۵

۱- کتاب السبعة القرائات، ص ۴۵۵.

۲- فیض الرحيم، ص ۵۸۶.

- ٣- . المرشد الوجيز، ص ١٦٣.
- ٤- . كتاب السبعه في القرائات، ص ٤٤١.
- ٥- . رسم المصحف، قدورى، ص ١٩٧.

مشکلات رسم الخطی و اختلافات نگارشی قرآن ناشی از عوامل مختلف است. شناسایی این عوامل لازم است تا به هنگام قرائت یا کتابت و چاپ و نشر قرآن یا تبدیل قرآن به بریل با چشم بازتر عمل کنیم. ضروری است مراکز دارای بریل به نکات و علل و عوامل نگارشی و رسم الخطی قرآن اهتمام داشته باشند. به ویژه کارشناسانی که به ترجمه و چاپ و نشر بریل مشغول هستند، مذاقه و مطالعه در این زمینه ضروری تر است. (۱)

البته نگارش کل قرآن در عهد رسالت پیامبر (ص) مورد اتفاق همه علمای اسلامی است. (۲) ولی، یکنواخت نبودن برخی قواعد نگارشی قرآن، اختلاف صورت نوشتاری بعضی کلمات با صورت قرائتی آن، تفاوت برخی قواعد دستوری زبان قرآن با زبان عربی، نگاه کمی به گسترش حوزه های تعلیم و تعلم قرآن به ویژه در جوامع غیرعربی و دور شدن تدریجی مسلمانان از نظام احسن آموزش قرآن در سیره نبوی سبب شد از همان سده اول قمری، دیدگاه های مختلفی درباره رسم المصحف به شرح زیر پدید آید:

اختلاف و تنوع در رسم الخط قرآن ناشی از اشتباه کاتبان وحی: ابن قتیبہ (در گذشت ۲۷۶ق) معتقد است که هرچه در رسم مصحف آمده، یا مطابق با دستور زبان یکی از مکاتب نحوی است یا غلطی از سوی کاتب. (۳) در این باره معمولاً به چند روایت از عایشه و عثمان بن عفان و ابن عباس به شرح ذیل استناد می شود:

ابوعبید قاسم بن سلام (در گذشت ۲۲۴ق) به اسناد خویش از عکرمه (در گذشت ۱۰۷ق) آورده است: «لَمَّا كَتَبَتِ الْمَصَاحِفَ عَرَضَتْ عَلَيَّ عُثْمَانَ فَوَجَدَ فِيهَا حُرُوفًا مِنَ اللَّحْنِ، فَقَالَ: لَا تَغْيِرُوهَا، فَإِنَّ الْعَرَبَ سَتَغْيِرُهَا وَقَالَ سَتَعْرَبُهَا بِالْسُنْتِهَا»؛ (۴)

وقتی مصاحف نگاشته شد، آنها را به عثمان (در گذشت ۳۵ق) عرضه کردند، او در آنها حروفی [کلماتی] را دید که دچار لحن شده بود؛ پس گفت: [شکل نوشتاری] آنها را تغییر ندهید، زیرا که عرب ها آنها را با زبانشان (در خواندن) تغییر می دهند یا روشن می کنند؛ یعنی مسلمانان به رغم تفاوت صورت نوشتاری قرآن با صورت گفتاری آن، قرآن را مطابق صورت گفتاری آن، درست می خوانند. (۵)

ص: ۹۶

- ۱- این مطلب از مقاله «رسم المصحف: ویژگی ها و دیدگاه ها» محسن رجبی (مجله مشکوه، ش ۱۰۴، پاییز ۱۳۸۸، ص ۲۲-۳۹) اخذ شده است.
- ۲- بنگرید به: تاریخ قرآن، رامیار، ص ۲۱۱-۲۹۵.
- ۳- تأویل مشکل القرآن، ابن قتیبہ، ص ۵۶-۵۷.
- ۴- فضائل القرآن، ابو عبید قاسم بن سلام، ص ۲۸۷. نیز بنگرید به: المصحف، ابن ابی داود، ص ۴۱-۴۲؛ تاریخ المدینه المنوره، ابن شبنه، ج ۳، ص ۱۰۱۳.
- ۵- بنگرید به: «ترجمه و شرح قصیده عقيله اتراب القصائد»، گنجینه بهارستان، ۱۵، ص ۴۹۶-۴۹۷؛ «منهل العطشان فی رسم

احرف القرآن»، ابن عرب اصفهانی، همان، ص ۲۵۸-۲۶۱.

برخی با توجه به این گونه روایات، معتقدند عثمان و کمیته توحید مصاحف در تصحیح اشتباهات، مسامحه و کوتاهی کرده اند. (۱) ولی، بر پایه گزارش های دیگر می توان دریافت که عثمان نسبت به تصحیح خطاهای نگارشی اهتمام داشت. هانی بربری می گوید: «من نزد عثمان بودم که مصاحف را عرضه و مقابله می کردند؛ عثمان مرا نزد ابی بن کعب فرستاد تا نظر او را درباره درستی این کلمات: «لم یتسن»، «لا تبدیل للخلق» و «فامهل الکافرین» جويا شوم؛ ابی آن کلمات را این گونه تصحیح کرد: لم یتسنه، لخلق الله، فمهل. (۲)

ابو عمرو دانی (در گذشت ۴۴۴ق) بر این باور است که اگر ظاهر این روایت بر خطای در رسم الخط دلالت داشته باشد، نمی توان آن را صحیح و حجت دانست. (۳)

«یوهان فک» با بررسی تاریخی معنای واژه لحن آورده است: این واژه در زبان جاهلی و صدر اسلام به معنای میل و گرایش، هوشیاری و زیرکی، بلاغت، آواز، رمز و اشاره، معما و توریه و کنایه و شیوه بیان آمده است، اما هرگز به طور مطلق به معنای اشتباه در بیان نیامده است. به عقیده وی این معنا در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم قمری برای لحن به وجود آمده است. (۴)

حسن مصطفوی اصل معنایی لحن را «خروج از میزان متعارف و متداول» می داند که از مصادیق آن می توان به خروج کلام از قواعد و ضوابط صحیح آن اشاره کرد. (۵)

بنابراین منظور از «لحن» در مصحف این است که صورت نوشتاری برخی کلمات از شکل معمول و متداول خود تغییر داده شده اند یا رسم الخط بعضی واژگان با مرسوم القرائه آن متفاوت است.

از بخش آخر روایت عثمان: «لو کان الکاتب من ثقیف و المملی من هذیل لم توجد هذه الحروف» (۶) نیز می توان این استنباط را داشت؛ یعنی اگر املاکننده و کاتب قرآن شخصی غیر از رسول خدا(ص) و شاگردان ایشان می بودند، برخی حروف (کلمات) این گونه کتابت نمی شد. (۷)

به نظر می رسد که این تغییرات، حکیمانه و با تعلیم و نظارت رسول خدا(ص) انجام گرفته است. (۸)

از این رو، رسول خدا(ص) و معلمان قرآن از قرآن آموزان می خواهند که همگام با فراگیری قرائت قرآن، موارد لحن در رسم الخط قرآن و به تعبیری دیگر «استثناهای ویژه نگارش قرآن» را نیز فراگیرند: «تعلّموا اللحن فیه کما تعلّمون حفظه». (۹)

از عمر بن خطاب نیز نقل شده است: «تعلّموا اللحن و

ص: ۹۷

۱- معرفت، تاریخ قرآن، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲- این کلمات به ترتیب در سوره های بقره/۲۵۹، روم/۳۰ و طارق/۱۷ قرار دارد؛ فضائل القرآن، ابو عبید قاسم بن سلام، ص ۲۸۶.

- ۳- . المقنع، دانی، ص ۱۱۹-۱۲۰.
- ۴- . العریبه، ص ۲۳۵-۲۴۶.
- ۵- . التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، ج ۱۰، ص ۱۷۸.
- ۶- . فضائل القرآن، ابو عبید قاسم بن سلام، ص ۲۸۷.
- ۷- . بنگرید به: المقنع، دانی، ص ۱۲۰؛ رسم الخط مصحف، قدوری، ص ۱۹۸.
- ۸- . آلوسی (درگذشت ۱۲۷۰ق) معتقد است که صحابه قواعد کتابت و رسم الخط عربی را به خوبی می دانستند؛ جز این که آنان در برخی موارد از روی حکمت و فلسفه ای برخلاف آن قواعد عمل کرده اند (علوم قرآنی، معرفت، ص ۱۶۳).
- ۹- . کنز العمال، متقی هندی، ج ۱، ص ۱۱۶، خ ۲۸۰۸.

الفرائض و السنن كما تعلمون القرآن»، (۱) یا «تعلموا اللحن فی القرآن كما تعلمونه»؛ (۲) یعنی همان طور که قرآن را فرامی گیرید. موارد لحن در (رسم الخط) قرآن را نیز بیاموزید.

از ابن عباس روایت شده که در آیه ۲۷ سوره نور: (حتى تستأنسوا و تسلموا)، آیه ۳۵ سوره نور: (مثل نوره کمشکوه)، آیه ۳۱ سوره رعد: (افلّم یأیئس الذین آمنوا) و آیه ۲۳ سوره اسراء: (و قضی ربّیک) اشتباهی از سوی کاتب رخ داده است. او این آیات را به ترتیب «حتى تستأذنون»، «مثل نور المؤمن»، «افلّم یتین» و «و وصی ربّک» قرائت کرده است؛ (۳) این روایات درست گزارش نشده اند؛ زیرا این گونه قرائات تصریفی و تفسیری از زبان صحابه و تابعین فراوان نقل شده است (۴) ولی، دیدگاه اصلی صحابه بر پایه تعالیم نبوی این بود که قرائات مختلف در مصحف ثبت نشود؛ (۵) از جمله ابن عباس به سعید بن جبیر گوید: «عند الرحمن» را از مصحف خود محو کن و به جای آن «عباد الرحمن» (زخرف/۱۹) را بنگار. (۶)

بر پایه این روایت، این سؤال پیش آمده است که چرا در آیات مورد اشاره کلمات: «هذان»، «المقیمین» و «الصائبون» مطابق قواعد مشهور نحو به صورت «هذین، المقیمون و الصابین» به کار نرفته است.

قسمت اول پاسخ؛ یعنی «این کلمات را کاتبان وحی همین گونه نوشته اند» درست است؛ چنان که زبیر ابو عبدالسلام به ابان بن عثمان گفت: چرا [در آیه ۲۶۱ سوره نساء]: «والمقیمین» نوشته شده است؟

ابان گفت: کاتب وقتی از نگارش ماقبل آن فارغ شده، گفته است: چه بنویسم؟

بنویس: «والمقیمین الصلوه»؛ (۷) ولی فراز دوم روایت، یعنی «کاتبان در نگارش آن خطا کرده اند»، نادرست است؛ زیرا اولاً در قرائت متواتر و جمهور مسلمانان این آیات به همین صورت قرائت و روایت شده است؛ (۸) پس نه تنها کاتبان اشتباه نکرده اند، بلکه مطابق قرائت نگاشته اند.

ثانیاً در این آیات، از نظر قواعد صرف و نحو زبان عربی اشکالی وارد نیست. (۹)

اختلاف به دلیل کم سواد کاتبان وحی و ضعف خط و ابتدایی بودن آن: ابن خلدون (در گذشت ۸۰۸ق) بر این باور است که خط عربی در آغاز اسلام به نهایت احکام و اتقان

ص: ۹۸

۱- فضائل القرآن، ابو عبید قاسم بن سلام، ص ۳۴۹.

۲- لسان العرب، ابن منظور، ج ۱۳، ص ۳۸۰.

۳- الاتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۵۹۰-۵۹۲؛ مناهل العرفان، زرقانی، ج ۱، ص ۳۸۸-۳۹۲.

۴- نک: المصاحف، ابن ابی داود، ذیل «باب اختلاف مصاحف الصحابه».

۵- چنان که رسول خدا می فرمود: «لا تکتبوا عنی شیئا الا القرآن، فمن کتب عنی غیر القرآن فلیمحه» (کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۰، ص ۲۲۱، خ ۲۹۱۶۸).

- ۶- . المحکم، دانی، ص ۱۲.
- ۷- . فضائل القرآن، ابو عبید قاسم بن سلام، ص ۲۸۸. نیز بنگرید به: تاریخ المدینہ المنورہ، ابن شبہ، ج ۳، ص ۱۰۱۴.
- ۸- . رسم الخط مصحف، قدّوری، ص ۲۰۱-۲۰۲.
- ۹- . برای توجیہات مختلف نحوی بنگرید به: التبیان، طوسی، ج ۷، ص ۱۸۳-۱۸۵ و ج ۳، ص ۳۹۰، ۵۹۲؛ الاتقان، سیوطی، ج ۱، ص ۵۸۸-۵۹۰.

نرسیده بود و حتی در مرحله متوسطی هم قرار نداشت و این به سبب بدوی بودن اعراب و دوری آنان از صنایع بود. صحابه با خطوطی ناستوار (از لحاظ زیبایی و اصول خط) قرآن را نوشته بودند؛ لذا بسیاری از رسم های آنان با رسم صنعت خط در پیش اهل آن مخالفت داشت،^(۱) اما این نظر به دلایل زیر مخدوش و ناپذیرفتنی است:

اولاً- خط عربی دست کم از زمان نقش «نماره» (۳۲۸م) به بعد رواج داشته است و طی چند قرن، پیش از انتقال آن به مکه و حجاز تکامل یافته و قواعد آن استقرار پیدا کرده بود و اصحاب پیامبر(ص) با آشنایی کامل، خط عربی را در برطرف ساختن نیازهای نظام فرهنگی جدید به کار گرفتند.^(۲)

ثانیاً ابن خلدون به همان خطایی رفته است که بسیاری به آن دچار شده اند و آن بررسی رسم مصحف با توجه به قواعدی است که علمای صرف و نحوه ها سال پس از نسخه برداری مصاحف و با توجه به قواعد نگارشی قرآن وضع کرده اند؛ یعنی آنان با توجه به قاعده های مختلف رسم الخط مصحف، یکی را برگزیده و بر اساس آن، آیین نگارش خط عربی را تدوین کردند.

از سوی دیگر، بررسی سیر خوشنویسی و کتابت قرآن نشان می دهد که زیباترین و شایسته ترین خطی که توان ترسیم کرامت، مجد و عظمت کلام الهی را دارد، خط کوفی است.^(۳) حسن ترکیب و اعتدال طبیعی و تناسب اجزای این خط شریف از تمامی خطوط بیشتر و بهتر است.^(۴)

رسم الخط قرآن تحت تأثیر اختلاف قرائت قاریان مشهور: در بازه زمانی سال سی تا سده چهارم قمری این اختلافات بین قاریان مشهور پدید آمده است؛ زیرا اولاً «با توجه به این که در مصادر هیچ اشاره ای به وجود اختلاف در مکتوبات قرآنی موجود در زمان پیامبر یافت نمی گردد. می توان پذیرفت که آیات و سوره در این برهه از زمان به یک صورت یا قرائت نوشته می شده، ولی مشخص نیست آن قرائت کدام بوده است».^(۵)

ثانیاً داخل شدن قرائت سبع در مصاحف امام توسط عثمان تنها یک ادعای بدون دلیل است که از سوی کسانی مطرح شده که قرائت سبع را نازل شده از سوی خدا و صحیح و متواتر می پندارند و چون برای توجیه عدم انطباق این قرائت با رسم الخط مصحف توجیهی ندارد، ادعا کرده اند که این قرائت در مصاحف امام توزیع شده است. در حالی که «در بین گزارش های موجود هیچ گزارش قابل اطمینانی وجود ندارد که در آن ادعا شده باشد کسی یا کسانی مصحف عثمانی را دیده و گزارش کرده باشند».^(۶)

همچنین گزارش های موجود درباره اختلاف مصاحف امصار «همگی مربوط به مصاحفی است که در زمان شخص گزارش کنند موجود بوده و یا حداکثر مربوط به مصاحف کهنی

- ۲- . رسم الخط مصحف، قَدّوری، ص ۶۶ و ۶۷.
- ۳- . برخورداری نو با کهن ترین خط اسلامی، شوقی حقدوست، ص ۳۱؛ هنر خط و تذهیب قرآنی، لینگر، ص ۱۶.
- ۴- . رساله احیاء الخط [الکوفی]، صفوی.
- ۵- . «بررسی تعامل و تقابل دو حوزه قرائت و کتابت قرآن...»، حاجی اسماعیلی، مطالعات اسلامی، ش ۶۸، ص ۴۷.
- ۶- . همان، ص ۵۴.

است که طبیعتاً در زمان خود قراء مشهور رایج بوده است، حال آن که هیچ کس مدعی نشده که همه مصاحف عثمانی را دیده و با هم تطبیق داده است»^(۱).

بنابراین، «کتابت قرآن کریم اعم از رسم و ضبط در فاصله سال ۳۰ ق تا قرن چهارم بر اساس قرائت قاریان مشهوری بوده که در این برهه ملجأ خاص و عام بوده اند؛ از جمله شواهد زنده ای که در تأیید این سخن می توان به استناد نمود وجود قرآن ابن بؤاب [نگاشته شده در ۳۹۱ ق می باشد] که بر اساس قرائت ابو عمرو بصری (درگذشت ۱۵۴ ق) است»^(۲).

رسم الخط قرآن بازتاب حفظ سنت های نگارشی خط عربی: یعنی از آن جا که خط عربی از خط نبطی اشتقاق یافته و تحت تأثیر زبان ها، خطوط سامی به ویژه آرامی، عبری و سریانی بوده و دوره های مختلفی را گذارنده است، ما در رسم الخط قرآن دست کم شاهد دو سنت نگارشی هستیم: یکی حفظ صورت گفتاری (تلفظ) پیشین؛ مانند کتابت واژه «صلوه» و «زکوه» با «واو» که بیانگر تلفظ قدیمی و ریشه لغوی آن هاست؛ دیگری حفظ علائم غیرآوایی برای تمایز کلمات؛ مثل نگارش «الف» در انتهای بعضی واژه ها^(۳). از این رو بایسته است با بهره گیری از علم زبان شناسی و آواشناسی و بررسی تاریخی ارتباط خط و زبان عربی با دیگر خطوط و زبان های سامی و شناخت لهجه ها و گویش های عربی عصر نزول به تبیین وجوه مختلف نگارشی رسم الخط قرآن دست یافت.

توفیقی بودن رسم الخط قرآن مجید: برخی توقیفی بودن را به این معنا می دانند که منشأ قواعد و استثناهای رسم الخط قرآن، وحی الهی است که براساس آن، رسول خدا(ص) چگونگی نوشتن شکل حروف و کلمات را تعیین می کرد و آن را بر کاتبان وحی املا می فرمود و بر کتابت آن نظارت و اشراف داشت.

شواهد و قراین ذیل را می توان مؤید توقیفیت رسم الخط قرآن دانست:

۱. وحی: راغب، اصل معنایی وحی را اشاره سریع می داند که یا با سخن گفتن است یا با صدایی مجرد یا با اشاره به برخی از اعضا و جوارح یا با کتابت انجام می گیرد^(۴). رامیار (درگذشت ۱۳۶۰ ش) نیز آورده است: «این کلمه در شعر جاهلی نیز به معنای «اشاره» و «کتاب» به کار رفته است و از حارث اعور (درگذشت ۶۵ ق) روایت شده است: «تعلمت القرآن فی سنه و الوحی فی ثلاث سنین»؛ یعنی قرائت قرآن را در عرض یک سال و وحی (رسم الخط و کتابت قرآن) را به سه سال آموختم»^(۵).

بنابراین بعید نیست در دل وحی علاوه بر اقراء و قرائت آیات، رسم الخط آنها نیز تعلیم شده باشد. در روایتی از رسول خدا(ص) تعبیر «فکأنما کتب فی قلبی کتاباً» آمده است^(۶).

ص: ۱۰۰

۱- همان، ص ۶۱ و ۶۲.

۲- همان، ص ۶۲.

۳- . پاكٲچى، احمد، Almushaf"" The Orthographic Traditions In Earli Arabic Writing As

Reflected In Rasm؛ رسم الخط مصحف، قڏورى، ص ۳۳-۸۱، ۶۸۶، ۱۹۱.

۴- . مفردات، راغب، ص ۵۱۵.

۵- . تاريخ قرآن، راميار، ص ۷۸.

۶- . السيره النبويه، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۶۹؛ القرآن المجيد، دروزه، ص ۱۲.

۲. املا و تعلیم حرف به حرف پیامبر اکرم(ص) به کاتبان وحی: تعلیم رسول خدا(ص) درباره آیین نگارش قرآن بلافاصله در کتابت قرآن اجرا می شد از این رو، صورت کتبی هر حرف و کلمه قرآن در حکم روایتی است که بازگوکننده تعلیم آن حضرت است؛ به همین علت کاتبان وحی به ذکر این تعلیم به شکل روایت نیازی نمی دیده اند.

۳. مقابله و بررسی کتابت:

زید بن ثابت می گوید: «من وحی را نزد رسول خدا(ص) کتابت می کردم و آن حضرت آن را بر من املا می کرد. هر گاه از کتابت فارغ می شدم، می فرمود: آنچه را نوشتی، بخوان و من آن را می خواندم؛ پس اگر در چیزی دچار لغزش یا فراموشی شده بودم، آن را اصلاح و تکمیل می کرد؛ سپس آن را در اختیار دیگران قرار می داد».(۱)

۴. ترغیب به نگارش قرآن و عرضه مصحف: پیامبر اکرم(ص) صحابه را تشویق می فرمودند که سواد نوشتن را همراه با فراگیری شفاهی قرآن بیاموزند،(۲) تا بتوانند آیات و سوره ها را بنویسند؛ زیرا نگارش قرآن و استفاده از نسخه مکتوب با رعایت آداب و شرایط آن، موجب انس عمیق تر با قرآن و تمرکز و تدبر در تلاوت و تثبیت و تحکیم آموخته ها در قلب قرآن آموز می گردد.

برای این منظور، پیامبر اکرم(ص) صحیفه های قرآن را که توسط کُتاب مخصوص وحی و تحت تعلیم و نظارت آن حضرت نوشته می شد، در مسجد قرار می دادند تا قرآن آموزان بتوانند از روی این صحیفه ها استنساخ کنند.

۵. غرائب قرآن: پیامبر اکرم(ص) فرموده اند: «تعلّموا القرآن و تعلّموا غرائب»،(۳) یا «تعلّموا القرآن و التمسوا غرائب»،(۴) یا «أعربوا القرآن و اتبعوا غرائب و فرائضه و حدوده»؛(۵) یعنی قرآن را فراگیرید و مصرّانه غرائب آن را پی جوئید و جست و جو کنید تا از آنها آگاه شوید.

۶. نهی از نگارش قرآن از حفظ: صحابه تأکید داشتند که برای کتابت قرآن باید از روی مصاحف الگو رونویسی کرد،(۶) تا رسم الخط قرآن، به ویژه در مواردی که با قرائت آن تفاوت دارد، به دور از هر گونه اختلاف و پریشانی، تثبیت و ترویج شود.

۷. تقریر رسول خدا و ائمه اهل بیت(ع)، و اجماع صحابه و تابعین: از آن جا که رسول خدا(ص) بر کتابت کاتبان وحی نظارت و اشراف دقیق داشتند، تقریر آن حضرت و ائمه اهل بیت که حافظان و مبینان سیره و سنّت نبوی بودند، همچنین اجماع صحابه و امت اسلام در زمان تابعین و مجتهدین دلیل توفیقی بودن رسم الخط قرآن است.(۷)

ص: ۱۰۱

۱- تاریخ توثیق نص القرآن الکریم، عک، ص ۴۷.

۲- فتوح البلدان، بلاذری، ص ۴۵۸؛ نظام الحکومه النبویه، کتّانی، ج ۱، ص ۴۸.

۳- مستدرک الوسائل، نوری، ج ۴، ص ۲۳۴، خ ۴۵۷۵/۹.

۴- نظام الحکومه النبویه، کتّانی، ج ۲، ص ۲۷۹.

٥- . التذكار فى افضل الازكار، قرطبي، ص ١٠٧.

٦- . مقدمه المباني، ص ٣٥.

٧- . همان، ج ٥، ص ٣١٨-٣٢٠ و ٤١٩-٤٢٠.

اختلاف رسم به جهت اختلاف معنا: برپایه گزارش زرکشی در البرهان، ابو العباس احمد بن محمد بن عثمان از دی معروف به ابن البنا مراکشی (درگذشت ۷۲۱ق) در کتاب خود عنوان الدلیل فی مرسوم خط التنزیل، اختلاف در رسم کلمه را مربوط به اختلاف معنای آن بر حسب سیاقی که در آن به کار رفته و موقعیتی که دارد، دانسته است. همچنین اختلاف رسم به سبب معانی باطنی ای است که متعلق به مراتب وجود و مقامات است؛ مثلاً در آیه ۴۲ سوره شوری: «یَمَحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ» حذف «واو» اشاره به سرعت از بین رفتن و اضمحلال باطل دارد و در آیه ۴۲ سوره فجر: «وَجَاءَ یَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ» حرف «ا» به فعل «جیء» افزوده شد تا نشان دهد این آمدن، آن چنان ظهوری دارد که با آمدن های شناخته شده میان مردم متفاوت است. (۱)

نقد دیدگاه رجبی

قبلاً مطلبی از محسن رجبی با عنوان «ریشه اختلافات نگارشی» نقل شد که بخشی از مقاله ایشان با عنوان «رسم المصحف: ویژگی ها و دیدگاه ها» بود. پژوهشگر دیگر یعنی جواد آسه به نقد دیدگاه آقای رجبی پرداخته و مقاله ای به نام نقدی به مقاله «رسم المصحف» نوشته است. آسه معتقد است بیشتر مشکلات نگارشی قرآن ریشه در اختلافات قرائات دارد. به دلیل اهمیت این نقد، بخشی از آن نقل می شود:

علم رسم المصحف یکی از موضوعات علوم قرآن است. در رسم المصحف سخن درباره چگونگی نگارش کلمات در کتابت قرآن در عصر نزول قرآن است. قرآن پژوهان و محققان درباره آن بحث های فراوانی کرده اند. برای نمونه در البرهان زرکشی نوع ۲۵، در الاتقان سیوطی نوع ۷۶، در مباحث فی علوم القرآن صبحی صالح ص ۲۷۵، در مناهل العرفان زرقانی ص ۲۰۴، در التمهید فی علوم القرآن علامه معرفت ج ۱، ص ۳۶۱ تحقیقاتی در چون و چند رسم الخط قرآن به ثمر رسیده است. به ویژه در کتاب رسم الخط المصحف (از غانم قدوری الحمد، ترجمه یعقوب جعفری) که در آن به تمامی جوانب این بحث، پرداخته شده است.

در کتاب های مزبور درباره رسم الخط قرآن دو دیدگاه مطرح شده است. دیدگاه اول، که صاحب التمهید فی علوم القرآن یکی از قائلان آن است، این است که رسم الخط به کار رفته در قرآن توقیفی نیست و در آن اغلاط و تناقضات زیادی به چشم می خورد که باید تصحیح و بر اساس رسم الخطی که اکنون در زبان عربی رایج است بازنگاری گردد. دیدگاه دوم، که صاحب مناهل العرفان یکی از قائلان آن است، بر این باور است که رسم الخط به کار رفته در قرآن توقیفی و بر اساس حکمت و دارای معنی است.

در مقاله «رسم المصحف، ویژگی ها و دیدگاه ها» نگارنده آن کوشیده تا اثبات کند که رسم الخط قرآن توقیفی است. در این مقاله پس از بیان مقدمه کوتاه و به دست دادن تعریف علم رسم المصحف و اشاره به نخستین کتاب هایی که درباره رسم المصحف نوشته شده، به طرح، نقد و تأیید

ص: ۱۰۲

دیدگاه‌هایی پرداخته که درباره اختلافات موجود در رسم المصحف بیان شده است. مجموعاً به شش دیدگاه، در مقاله مزبور اشارت رفته است:

۱. اختلاف و تنوع در رسم الخط قرآن ناشی از اشتباه کاتبان وحی است.

۲. اختلاف به دلیل کم سواد کاتبان وحی و ضعف خط و ابتدایی بودن آن بوده است.

۳. رسم الخط قرآن تحت تأثیر اختلاف قرائت قاریان مشهور در بازه سال سی تا سده چهارم قمری است.

۴. ویژگی‌های رسم الخط قرآن بازتاب حفظ سنت‌های نگارشی خط عربی متقدم و تغییر محیط زبانی است.

۵. رسم الخط قرآن مجید توقیفی است.

۶. اختلاف رسم الخط قرآن به سبب اختلاف معنی بوده است.

به جز دیدگاه‌های ۵ و ۶ که نگارنده مقاله مزبور آنها را پذیرفته است، بقیه دیدگاه‌ها مورد نقد و بررسی وی قرار گرفته است. او در پایان نتیجه می‌گیرد که رسم الخط قرآن توقیفی و غیرقابل تغییر است.

ادله آقای رجبی بر توقیفی بودن رسم الخط قرآن در هشت محور نقادی شده است:

نگارنده پس از نقل سخن نظام الدین حسن نیشابوری و شیخ عبد العزیز دباغ در توقیفیت رسم الخط قرآن شواهد و قراینی را در راستای تأیید توقیفی بودن رسم الخط قرآن می‌آورد که ما در ذیل هر عنوان به نقد و بررسی آنها می‌پردازیم:

۱. وحی: نگارنده پس از نقل معنای وحی از راغب اصفهانی به این حدیث «تعلمت القرآن فی سنه و الوحی فی ثلاث سنین» از حارث اعور اشاره می‌کند. نگارنده الوحی را به معنای «رسم الخط و کتابت قرآن» می‌گیرد و بنابراین معنی می‌گوید که بعید نیست در دل وحی، رسم الخط آیات نیز تعلیم داده شده باشد.

امّا رامیار در کتابش تاریخ قرآنکه نگارنده این حدیث و معنای الوحی را از آن جا نقل کرده است - وحی را کتابت و خط، معنی می‌کند. (۱) وانگهی در لسان العرب در توضیح این روایت چنین آمده که گوینده این حدیث صرفاً درصدد بیان سختی فراگیری کتابت و خط است. به همین دلیل گفته است که من قرآن را در یک سال، امّا کتابت و خط را در سه سال آموختم. (۲) پس الوحی در حدیث مزبور نمی‌تواند به معنای رسم الخط و کتابت قرآن باشد؛ آن گونه که نگارنده استفاده کرده است. برخی نیز آن را به معنای حدیث دانستند (۳) که در این صورت سخن نگارنده مقاله کاملاً نادرست خواهد شد.

ص: ۱۰۳

- ٢- . لسان العرب، ابن منظور، ج ١٥، ص ٢٤٠.
- ٣- . أعيان الشيعة، السيد محسن الامين، ج ٤، ص ٣٦٧.

۲. املا و تعلیم حرف به حرف پیامبر اکرم(ص) به کاتبان وحی: نگارنده بر این باور است که پیامبر(ص) آیین نگارش قرآن را به کاتبان وحی تعلیم می فرمودند. در این راستا به سخن زید ابن ثابت اشاره می کند.

که آن حضرت به او می فرمودند در نوشتن بسمله سین را واضح و روشن بنگار. یا این که باء بسم الله را کشیده و بلند بنویس. میم را کور و توپر بنویس.

سخن در رسم الخط قرآن، بر سر این نکات نیست که اشاره شد، بلکه سخن در این است که آیا پیامبر(ص) درباره نوشتن کلمات مثلاً جدا یا سرهم نویسی فرمایشی داشتند یا خیر؟

وی در ادامه می نویسد که زید بن ثابت گوید: «رسول خدا(ص) «فرهن مقبوضه» را بدون «الف» بر من اقرار فرمودند و من نیز آن را بدون «الف» کتابت کردم».

اولاً از این سخن فقط این نکته برمی آید که کلمه «رهن» را نباید به صورت «رهان» قرائت کرد.

۳. مقابله و بررسی کتابت: نگارنده سخنی را از زید بن ثابت نقل می کند که او گفته وقتی من از نگارش آیاتی که پیامبر(ص) بر من املا می فرمود فارغ می شدم به دستور آن حضرت آنچه را که نوشتم برای ایشان می خواندم تا احوالاً اگر دچار لغزش یا فراموشی شدم، اصلاح یا جبران گردد.

از این سخن زید بن ثابت عکس مطلبی که نگارنده استفاده کرده، استفاده می شود، بدین صورت که آن حضرت فقط به زید می فرمودند که آنچه نگاهشته برای او بخواند. پس پیامبر(ص) فقط درصدد این بودند که آنچه را زید نوشته، صحیح و بی غلط باشد. آن حضرت نسبت به رسم الخط آیات مثلاً آیا کلمات جدا نوشته شده یا سرهم حساسیتی به خرج نمی دادند. آنچه برای ایشان اهمیت داشت قرائت بی غلط آیات بود.

۴. ترغیب به نگارش قرآن و عرضه مصحف: نگارنده می نویسد پیامبر(ص) صحابه و مردم را در کنار فراگیری شفاهی قرآن بر فراگیری نوشتن نیز ترغیب می فرمودند؛ چه این که قرائت از روی مصحف، و نگارش مصحفی برای خود سبب انس و تحکیم آموخته ها در ذهن و زبان قرآن آموز خواهد شد.

آیا می توان از این بیان چنین نتیجه گرفت که رسول اکرم(ص) رهنمودهایی در چون و چند آیین نگارش آیات داشتند؟

۵- تقریر رسول خدا و ائمه اهل بیت(ع)، و اجماع صحابه و تابعین: نگارنده بر این اعتقاد است که رسول اکرم(ص) بر کتابت کاتبان وحی نظارت و اشراف دقیق داشتند. پس تقریر آن حضرت و ائمه اهل بیت(ع) و همچنین اجماع صحابه و امت اسلام در زمان تابعین و ائمه مجتهدین دلیل بر توقیفی بودن رسم الخط قرآن است.

ما هم بر این باوریم که پیامبر اکرم(ص) بر روند کتابت قرآن و عمل کاتبان اشراف و نظارت دقیقی داشتند، اما این دلیل نمی شود که در هنگام وحی آیات به آن حضرت، شیوه نگارش آنها نیز بر ایشان وحی می شد و بدین ترتیب آن حضرت رسم الخط جدیدی را رقم زده باشند؛ زیرا بر اساس این بیان به کاتبان وحی آیین نگارش آیات از سوی آن حضرت آموزش داده

می شد و آنان موظف بودند فقط بر اساس این رسم الخط قرآن را بنگارند.

تا اینجا تمامی دلیل هایی را که نگارنده بر توفیقیت رسم الخط قرآن آورده است نقد و بررسی کرده ایم. به این نقدها باید این نقد را افزود که در زمان خلافت عثمان در قرائت و رسم الخط قرآن

ص: ۱۰۴

اختلافات سخنی در گرفت. وی تصمیم گرفت با توحید مصاحف به این نزاع‌ها و بحث‌ها پایان دهد. سخنی که در اینجا قابل طرح و بررسی است این است که آیا عثمان در رسم الخط قرآن دخل و تصرفی کرده است یا خیر؟ نگارنده بر آن است که عثمان رسم الخط قرآن را تغییر نداده است و قرآن را بر اساس رسم الخط مصحفی که با اشراف پیامبر(ص) نوشته‌اند، بازنویسی کرده است. وی می‌افزاید که چون عثمان تغییری در رسم الخط نداده پس به کار بردن کلمه رسم الخط عثمانی نادرست است.

در قرآن‌هایی که به خط عثمان طه، خطاط شهیر سوری، نگارش شده و گفته می‌شود بر اساس رسم الخط عثمانی است، مواردی را می‌یابیم که اثبات می‌کند عثمان در رسم الخطی که با اشراف پیامبر(ص) نگاشته شده، تغییراتی ایجاد کرده است. بر اساس آنچه گفته‌اند هدف عثمان از توحید مصاحف پایان دادن به اختلافات در قرائت و رسم الخط قرآن بود.^(۱) به همین دلیل عثمان با حفظ رسم الخطی که با اشراف پیامبر(ص) نگاشته شده بود، برای خاموش کردن آتش اختلافات بر اساس دلایلی که برای خود او حجت آور بود از میان قرائت‌های مختلف آن زمان، چند قرائت را برگزید و برای آن که رسم الخط قرآن همه آنها را پوشش دهد کلماتی را که در آنها اختلاف قرائت وجود داشت به گونه‌ای نگاشتند که تاب خوانش همه آن قرائت‌ها داشته باشد.^(۲) و چون در زمان حیات پیامبر اکرم(ص) مردم قرآن را بر اساس یک قرائت که همان قرائت آن حضرت بود قرائت می‌کردند پس می‌توان این نتیجه را گرفت که این نوع از نگارش کلمات، در زمان عثمان به وجود آمد.

بنابراین آقای آسه دلیل‌ها و استدلال‌های آقای رجبی در مورد توقیفی بودن رسم الخط قرآن مخدوش می‌داند و نتیجه‌گیری می‌کند:

۱. رسم الخط قرآن توقیفی نیست. بنابراین می‌توان برای آسان‌سازی قرائت قرآن، آن را تغییر داد.

۲. اصطلاح رسم الخط عثمانی، بی‌اشکال است.

۳. به نظر می‌رسد همان‌طور که قرآن در به‌کارگیری ادبیات عرب شیوه جدیدی در پیش نگرفته، در رسم الخط نیز چنین کرده و آن را به آنچه در میان مردم عصر نزول قرآن رایج بوده، وانهاده است.

۴. اختلاف موجود در رسم الخط قرآن بر اساس اختلاف معنی نیست، بلکه می‌توان گفت بخشی از آن بر اساس اختلاف در قرائت‌هاست.

۵. می‌توان بخش زیادی از دلایل اختلاف در نگارش کلمات قرآن را بر اساس اختلاف قرائت‌ها روشن ساخت.

ص: ۱۰۵

۱- . مباحث فی علوم القرآن، صبحی صالح، ص ۷۸ به بعد.

۲- . مناهل العرفان، زرقانی، ص ۲۰۷. غانم قدوری الحمد بر این باور است که عثمان در توحید مصاحف، قرآن را بر اساس یک قرائت نگاشته است. (بنگرید به: رسم الخط مصحف، ص ۱۳۹).

بخش دوم: مصحف بریل در ایران

اشاره

فصل اول: ورود بریل و تاریخ نشر قرآن بریل

فصل دوم: آسیب شناسی قرآن بریل

فصل سوم: همسان سازی قرآن بریل در ایران

فصل چهارم: قرآن ملی

فصل پنجم: فعالیت های سازمان یافته ایرانیان

ص: ۱۰۷

تاریخ قرآن بریل و تحولات آن در ایران ارتباط وثیق با تاریخ ورود بریل به ایران و تحولات خط بریل در ایران دارد و برای دانستن یا تألیف درباره تاریخ قرآن بریل به ناچار باید تحولات خود بریل را در این سرزمین رصد کنیم. به همین دلیل در این فصل، تاریخ بریل در ایران با رویکرد و گرایش به قرآن بریل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

زمینه‌های آشنایی

مسلمانان در ایران از زمانی که با خط بریل آشنا شدند، و آن را راه کار مناسب برای رفع مشکلات روشندان یافتند، درصدد برآمدند از آن استفاده مطلوب داشته باشند. زیرا اصل اول و مهم برای هر مسلمان، اجرای توصیه‌ها و دستورات قرآنی و شرعی در اهتمام به امور معلولین و نابینایان است. برخی ادیان معلولین را محکوم جبر طبیعی یا اسیر نیروهای ماوراء طبیعی می‌دانند و وضعیت نامطلوب آنان را سرنوشتی محتوم تلقی می‌کنند. در اسلام اما تفاوت ماهوی بین انسان عادی و کسانی که فاقد توان شنوایی یا حس بینایی اند، نیست و این آیین برای آنان حقوق مساوی در نظر گرفته است. در دنیای قدیم یعنی پیش از آغاز عصر مدرن و صنعتی شدن، همه انسان‌ها اعم از سالم و معلول تقریباً از فرصت‌های مساوی و توانایی‌های برابر برخوردار بودند. مگر کسانی که هیچ نوع توانایی برای کارهایی مثل بیل زدن، شخم زدن، چرانیدن گوسفند و کشیدن آب از چاه نداشتند. یعنی فاقد دست و پا و قدرت بدنی بودند. فقط اینان با افراد سالم از فرصت‌های برابر برخوردار نبودند، اما تقریباً اکثریت افراد جوامع تساوی در بهره‌وری داشتند. اما با آغاز عصر صنعتی شدن و اختراع ماشین چاپ، اختلافات فاحشی بین اقشار پدید آمد. افراد دارای قدرت بینایی می‌توانستند از نعمت خواندن و نوشتن بهره‌مند باشند، به مدرسه و دانشگاه بروند، در جامعه کار و اشتغال داشته باشند؛ اما نابینایان از همه اینها محروم بودند. از این رو اختلاف فاحشی بین معلولین و سالم‌ها به وجود آمد. چند قرن این‌گونه گذشت و نخبگان همواره در فکر پیدا کردن راه حلی بودند. لویی بریل در سال ۱۸۲۹م موفق شد کار شارل باریه را تکمیل و خط بریل را اختراع کند. این اختراع انقلاب و تحولی اساسی بود. زیرا به نابینایان قدرت خواندن و نوشتن می‌داد و مجدداً فرصت‌ها بین همه بنی آدم مساوی می‌شد.

ایران از نخستین کشورهای منطقه بود که رهایی از عقب‌ماندگی و استعمار و استبداد را تجربه کرد. پروسه توسعه و پیشرفت فراگیر است و بخشی از آن مربوط به معلولین است، از این رو فراگیری علوم و مشارکت اجتماعی معلولین در ایران زودتر از بسیاری از کشورها آغاز شد. این مقاله به اجمال و خیلی فشرده سیر تحولات مربوط به معلولین نابینا در عرصه‌های فرهنگی و آموزشی را بررسی می‌کند. البته

خط بریل زودتر وارد جهان عرب شد؛ لاول(۱) در سال ۱۸۷۰ یعنی حدود ۱۴۵ سال قبل، بریل را به مصر برد. یعنی حدود چهل سال بعد از اختراع بریل توسط بریل و حدود نیم سده پیش از ایران، بریل به مصر رفته است.(۲)

ورود خط بریل به ایران و استفاده محدود (دوره نخست: ۱۲۹۹-۱۳۳۱)

در سال ۱۲۹۹ش (بنابر برخی اسناد در ۱۳۰۰ش) یک کشیش آلمانی مسیحی به نام پاستور ارنست جی. کریستوفل(۳) از ترکیه به ایران وارد شد و در تبریز اقامت گزید و سپس کار تبلیغ و خدمات رسانی را آغاز کرد. او نابینایان شهر تبریز را دعوت کرد و برای جوانان نابینا کلاس آموزش خط بریل گذاشت. در این دوره جمعاً ۵ دانش آموز شرکت داشتند. و بدین ترتیب نخستین آموزشگاه و کلاس درس نابینایان و اولین آموزش خط بریل در ایران آغاز شد.

کریستوفل در سال ۱۳۰۷ (یا ۱۳۰۵) تأسیس رسمی مدرسه نابینایان را به نام آموزشگاه نابینایان تبریز به وزارت معارف پیشنهاد کرد. او در همان سال از وزارت معارف مجوز گرفت و کار آموزش را آغاز کرد. برخی نوشته اند او در همان سال ورود یعنی ۱۲۹۹ مدرسه نابینایان تبریز را بنیان نهاد.(۴) بخش مهمی از آموزش ها مربوط به خط بریل بود. چون فراگیری این خط به مثابه یادگیری الفبای فارسی برای بینایان است و افرادی که خط بریل را فرا می گرفتند در واقع سواد خواندن و نوشتن را دارا شده بودند.

همکار کریستوفل در تبریز دبیر با سابقه ای به نام محمد علی خاموشی بود. او از فرهنگیان خوش نام و فعال بود و توانست مشاور و همکار مناسبی برای کریستوفل باشد. کریستوفل در سال ۱۳۰۵ش با خاموشی در تبریز آشنا شد و از این سال همکاری آنان آغاز گردید.(۵) ثمره این آشنایی و همکاری تدوین کتب آموزشی نابینایان به خط بریل در سال ۱۳۰۵ بود.(۶)

آموزشگاه نابینایان تبریز که تنها مرکز آموزش نابینایان در ایران محسوب می شد تا سال ۱۳۱۹ مشغول ارائه خدمات آموزشی و تربیت حرفه ای نابینایان بود و تعداد دانش آموزان نابینای تحت پوشش آن به ۴۵ نفر می رسید. با آغاز جنگ جهانی دوم دولت ایران مجبور شد همه آلمانی ها را از ایران اخراج کند. کریستوفل هم ایران را ترک کرد. اما پس از ترک مخصصات، علاقه اش به ایران، او را به تبریز بازگرداند و آموزش پسران نابینا را از سر گرفت. کریستوفل به دلایل نامعلوم، حوالی سال ۱۳۲۰ به اصفهان رفت (برخی منابع رفتن او به اصفهان را بین ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ می دانند)(۷) و دانش آموزان نابینا

ص: ۱۱۰

۱- Lovell .

۲- «تاریخ تحولات خط بریل در ایران»، محمد نوری، ص ۵.

۳- Pastor Christoffe .

۴- تأثیر خط بریل عربی بر فارسی، الدراسات الادبیه، ص ۴۲۳.

۵- نقد و بررسی نظام نوشتاری بریل، ص ۴۱.

۶- الدراسات الادبیه، ص ۴۲۴.

۷- . کودکان و نوجوانان، ص ۶۶؛ سیر تاریخی، ص ۱۰.

را هم با خود به اصفهان بُرد. در اصفهان مجوز آموزشگاه شبانه روزی پسران نابینا را گرفت و کارش را آغاز کرد. همکارش در اصفهان نیز یکی از دبیران و فرهنگیان فعال به نام علی اکبر کابلی بود. کریستوفل و همکاران فرهنگی او به ویژه مرحوم کابلی توانستند اقداماتی شایسته و درخور ستایش در عرصه خط بریل پدید آورند. بسیاری از متون درسی را تبدیل به بریل کردند. علائم فارسی بریل را در بعضی موضوعات و علوم هرچند ناقص توسعه دادند و خلاصه موجبات تحولاتی ژرف را پدید آوردند. نخستین سند بریل موجود در مرکز اسناد ملی ایران، الفبای بریل فارسی است که کریستوفل در سال ۱۳۰۵ش نوشت و توسط وزارت کشور منتشر شد.

کریستوفل در آلمان با بریل آشنا شده بود. به احتمال قوی کلیسا برای مبلغان مذهبی جلسات آموزش بریل داشته تا آنان در این زمینه کاملاً تبحر پیدا کنند و به هنگام تبلیغ در دیگر کشورها، برای نابیناها کلاس بریل برپا نمایند. بعداً در ترکیه هم تجربه آموخت و برای نابینایان کلاس بریل داشت. ولی به دلایل نامعلوم در ترکیه نتوانست موفق شود. (۱) داوری برخی درباره کریستوفل این گونه است که او بسیاری از حروف آلمانی از قبیل ب، پ، ت، که مستقیماً از بریل فرانسوی گرفته شده بود، را برای فارسی به کار برد. اما نتوانست برای برخی حروف مانند مصوت ها، همزه، تشدید علامت بریل ایجاد کند. از این رو بریل کریستوفل ناقص و با بریل امروزی اختلاف فاحش داشت (۲).

در همین دوره مبلغ مسیحی دیگر به نام خانم گوئن گستر در اصفهان، یک باب آموزشگاه شبانه روزی برای دختران نابینا تأسیس کرد. او در سال ۱۳۲۵ مجوز برای آموزشگاه نور آیین مجوز گرفت. این مدرسه بعدها به مدرسه رودابه تغییر نام یافت. نور آیین دارای امکانات خوابگاهی، نشر متون بریل و دیگر امکانات برای مهارت افزایی نابیناها بود (۳).

این اقدامات نخستین فعالیت ها در عرصه ترویج و آموزش خط بریل در ایران است.

حدود چهل سال خط بریل محدود بود به قشر خاصی از نابینایان که از مکنت و ثروت برخوردار بودند یا گرایش و علاقه به تبلیغات مذهبی مسیحی داشتند و می خواستند با خواندن متون مذهبی و تسلط بر معارف دینی در عرصه تبلیغ، کارآیی داشته باشند.

در این دوره خط بریل محدود به حروف الفبا و علائم عمومی بود و در عرصه های علوم و فنون مختلف گسترش نیافته بود. البته گزارش هایی هست که مدعی است مدرسه دارالفنون اقدام به گسترش علائم بریل در علوم مختلف نمود. ولی اسناد محکمی در این زمینه هنوز ارائه نشده است.

تا دهه چهل وضعیت خط بریل کمابیش همین طور بود و سرعت توسعه و گسترش آن کند بود اما هنگامی که در سال ۱۳۳۹ش پذیرش خط بریل و تصویب آن در مجلس شورای ملی صورت گرفت، راه برای گسترش آن هموار گردید و مرحله دوم آغاز شد.

ویژگی دیگر خط بریل در این دوره، وابستگی مراکز آموزشی خط بریل به جریان های تبلیغی مسیحیت و کلیسا است. یعنی دولت پهلوی و دیگر نهادهای مدنی نقشی در اداره این مراکز نداشتند.

- ۱- . تأثیر بریل عربی، الدراسات، ص ۴۲۳-۴۲۴.
- ۲- . سیر تاریخی آموزش و پرورش استثنایی در ایران، ص ۱۰؛ الدراسات الادبیه، ص ۴۲۴.
- ۳- . مجله نور عالم، ش ۴ و ۵ (۱۳۳۱)؛ دائره المعارف خط بریل، ظروفی، ص ۲۵.

اسناد و مدارک فقط از فعالیت های آموزشی در زمینه خط بریل در دو شهر تبریز و اصفهان گزارش می دهد؛ اما بعید می نماید در شهرهایی مثل شیراز، اهواز و غیره فعالیت هایی نبوده باشد. به هر حال فعالیت ها در این دو شهر و نیز در شهرهای دیگر نیاز به بررسی های گسترده تر دارد.

برخی اسناد گویاست که قبل از سال ۱۳۲۰ و پیش از اینکه خانم گون گستر در سال ۱۳۲۵ آموزشگاه دخترانه نابینایان را در اصفهان تأسیس کند، مرکز دیگری جهت نگهداری و آموزش دختران نابینا در اصفهان تأسیس شده بود و پس از جنگ جهانی دوم، اداره آن به عهده کشیشان و برخی مؤسسات خیریه انگلیسی واگذار گشته بود.

در همه این آموزشگاه های وابسته به کلیسا، برای پذیرش نابینایان در این مدارس محدودیت سنی وجود نداشتند و کودکان ۲ تا ۷ ساله و حتی افراد ۳۰ ساله را نیز می پذیرفتند. زیرا هدف آنان آموزش نبود بلکه تربیت مبلغ دینی مهم ترین هدفشان بود.

این آموزشگاه ها به نگهداری و نیز حرفه آموزی و آموزش نابینایان می پرداختند. آنها آموزش هایی از قبیل بافندگی، کشاورزی، آموزگاری، مترجمی، فیزیوتراپی و کارهای دستی دیگر فرا می گرفتند و پس از یاد گرفتن به آموزش آن به دیگران یا ایجاد کارگاه ها و مزارع اقدام می کردند.

این شیوه در ادامه تدبیر برای خودکفایی جریان های تبلیغی است که کلیسا ترویج می کرد. در واکنش به این اقدامات و فعالیت ها، عده ای از روحانیون، بازاریان و نیکوکاران اصفهان و کمابیش در برخی شهرهای دیگر، آموزشگاه های نابینایان با گرایش اسلامی تأسیس کردند. هدف آنان سه چیز بود: جذب مسلمانانی که به مدارس مسیحی رفته بودند و امکان مسیحی شدن آنان زیاد بود؛ دوم تربیت مبلغان اسلامی و سوم ایجاد محیطی آرام برای آموزش و مهارت آموزی شبانه روزی بود.

بریل ایرانی از ۱۲۹۹ (سال ورود به ایران) تا ۱۳۳۱ (سال تصویب و اصلاح توسط یونسکو) به نام خط کلیسا یا خط کریستوفل شناخته می شد و سایه اهداف کلیسا و میسیونری بر آن سایه افکنده بود. با توجه به تعصبات مذهبی مردم ایران، عدم همکاری و نفرستادن فرزندان نابینا به مدارس نابینایی قابل فهم و درک است. یک علت مهم ضعف بنیه های خط بریل ایرانی و پیشرفت کند آن در طی سه دهه همین نکته است. نکته مهم اینکه این دوره در اوج فراز و فرود حکومت رضا شاه پهلوی است. ایشان مدعی بود با موانع توسعه ایرانی هرچند دینی باشد، مبارزه می کند ولی هیچ گونه تلاشی در این زمینه مشاهده نمی شود. اطلاعات ما از این دوره بسیار اندک است.

تصویب رسمی و گسترش همگانی (دوره دوم: ۱۳۳۱-۱۳۶۰)

دوره دوم خط بریل در ایران با اقدام یونسکو آغاز می شود. ورود یونسکو به امور معلولین و مسائل فرهنگی آنان و به تبع خط بریل، حادثه مهم تاریخی است. یونسکو به عنوان بخش فرهنگی سازمان ملل متحد، برای ملت ها و فرهنگ های جوامع سراسر جهان و نمایندگی و پشتیبانی آنها تأسیس شد. از این رو در خط بریل «جامعه هدف» آن یک قشر خاص یا یک مکتب و پیروان یک دین ویژه نبوده و همه آحاد جوامع را در نظر دارد. به همین دلیل در ایران از دولت خواست تا مدارس، آموزش و پرورش و در ادامه خط بریل را گسترش دهد. در مقر و ساختمان یونسکو در تهران هم جلسات توجیهی و آموزشی برگزار می کرد.

اما مهم تر از همه اینها در سال ۱۹۵۰م (۱۳۳۰ش) همایش و کنفرانس در مونسکو در پاریس با هدف سامان دهی به خط بریل برگزار شد. کارشناسان یونسکو پیش از این همایش، مشکلات را بررسی کرده بودند و با دعوت مسئولین و مدیران فرهنگی کشورها، به هم اندیشی و تبیین مشکلات و ارائه راه کارها توسط کارشناسان و نیز شنیدن تحلیل های مدیران بومی پرداختند. مهم ترین راهبرد این جلسه، جهان گرایی در بریل بود. گفته شد بریل یک نیاز عمومی، برای همه نابینایان است و باید در سراسر جهان اولاً یک اراده همگانی و ثانیاً تعامل همه جانبه ایجاد شود تا این مهم به هدف مطلوب برسد. به همین دلیل نام این کنفرانس به بریل جهانی مشهور شد.

در پی کنفرانس بریل جهانی، رؤسای فرهنگی هر کشور موظف شدند در کشورهای خود به برگزاری کنفرانس درباره بریل پرداخته و به بررسی و سپس سامان دهی پردازند.

نیز در سال ۱۹۵۱م کنفرانس محلی بیروت در ۱۷-۱۲ فوریه توسط یونسکو برپا شد. علائم بریل عربی، فارسی و ترکی نهایی و مصوب گردید. یونسکو در همین سال الفبای بریل فارسی را به وزارت آموزش و پرورش ایران تحویل داد. وزارت آموزش و پرورش، تدریس و آموزش خط بریل را بر اساس مصوب و ابلاغیه جدید آغاز کرد (۱). اهمیت این مصوبه در کامل بودن آن است. یعنی غیر از الفبا، نشانه ها هم در قلمرو بود. البته با همفکری کارشناسان ایرانی، علائم اختصاصی مثل چ و ژ هم تصویب شد.

مقدمات تحولات آغاز شده بود. یعنی در دوره پهلوی ساختار اداری و قوه مجریه بازسازی و اصلاح شد. وزارت آموزش و پرورش در رأس اصطلاحات قرار داشت و بیش از جاهای دیگر به آن اهتمام می شد. از این رو وقتی یونسکو، این وزارت خانه را موظف به سامان دهی و توسعه بریل کرد، زمینه ها و مقدمات فراهم بود. البته برخی حوادث مثل جریان ملی شدن صنعت نفت و منازعات دولت مصدق و حاکمیت پادشاهی مانع بود یا موجب کند شدن پروژه بریل ایرانی می شد. تا اینکه بالاخره در ۱۳۳۹ یعنی هشت سال بعد از توصیه های یونسکو، وزارت آموزش و پرورش رسماً خط بریل را مصوب کرد و ابلاغیه ای به مدارس ارسال شد.

بریل مصوب و ابلاغی بر مبنای توصیه شده توسط یونسکو ولی با تغییراتی بود که در طول هشت سال در مراکز آموزشی به دست آمده بود.

غیر از حوادث کلان و سرنوشت ساز مزبور، در این دوره، رخدادهای دیگر جلب توجه می کند. گسترش همگانی بریل برای عموم نابینایان، نیازمند گسترش مهارت خواندن و نوشتن بریل بود. گسترش این مهارت ها منوط به سه متغیر اساسی آموزگاران باتجربه، وسایل و تجهیزات و متون آموزشی (کتب درسی) است.

برای تهیه و نشر متون آموزشی، نخست باید علائم و نمادهایی که گویای حروف و نشانه ها باشد تکمیل می شد. این کار از ۱۲۹۹ با تلاش های کریستوفل آغاز شده بود و در چند مرحله کامل تر شد و بالاخره در ۱۳۳۱ توسط یونسکو و در ۱۳۳۹ توسط وزارت آموزش و پرورش نهایی گردید.

۱- . الدراسات الادبيه، ص ۴۳۱ به نقل از www.Unesco.com

دوم نیاز به دستگاه های تحریر بود تا این حروف و نشانه ها را روی برگه ها ثبت و تایپ کنند. دستگاه های تحریر همگی در اروپا و امریکا ساخته می شد و برای بریل انگلیسی مناسب بودند. اما برای بریل فارسی باید اصلاح می شدند. دولت ایران پیشنهاد اصلاح داد و چند سالی طول کشید تا دستگاه های مناسب فارسی تولید و در اختیار نابینایان و مراکز قرار گیرند. این اقدام موجب تسهیل در نشر متون درسی بریل شد.

اما دستگاه های تحریر که به نام لوح و قلم و پرکیتز مشهورند باید به حد وفور در جامعه پخش می شد و در اختیار نابینایان قرار می گرفت. این اقدام هم با تلاش نهادهای دولتی و بعضی از نیکوکاران عملی گردید. حتی در ایران کارخانه هایی برای ساخت این وسایل تأسیس شد.

متغیر بعدی، تربیت آموزگاران بریل بود. وزارت آموزش و پرورش اقداماتی برای انتقال تجارب و تربیت آموزگاران عملی شد. بعدها وقتی دانشگاه تربیت معلم تأسیس شد، این مهم در حیطه وظایف آنجا قرار گرفت.

حادثه مهم دیگر در این دوره، تأسیس مؤسسه ها و مراکز مختلف با خط مشی های «نیکوکاری و خدمت رسانی» یا آموزشی - پژوهشی در شهرهای بزرگ و کوچک ایران تأسیس شد. برخی مراکز هم بودند که خط مشی در رسالت دینی، مذهبی، و تبلیغی برای خود قائل بودند. مثل مدرسه شوریده شیراز که توسط برخی فرهنگیان برجسته شیراز و نیکوکارانی از این شهر تأسیس شده بود.

بر اساس اسناد و مدارکی که تاکنون به دست آمده نخستین قرآن بریل، جزء سی ام بود که توسط آقای محمدحسن وجدانی در سال ۱۳۴۱ با لوح و قلم دستی در مدرسه شوریده شیراز، تبدیل به بریل شد. (۱)

سپس در اصفهان مدرسه ابابصیر در سال ۱۳۴۸ تأسیس شد و توانست ظرف حدود دو دهه کارنامه قابل قبولی از خود بر جای گذارد.

مدارس ابابصیر، چاپخانه بریل را دایر کرد و متون بسیاری را به خط بریل منتشر نمود.

ابابصیر غیر از خط مشی اصلی که همان رشد نابینایان و مهارت آموزی به آنان بود، اهداف تبلیغی دیگری هم تعقیب می کردند. یکی مقابله با مدارس نابینایان که توسط کلیسا دایر شده بود و اهداف تربیت مبلغ مسیحی داشتند؛ و دوم مقابله با تبلیغات بهائیت و باییت بود. نابینایان به دلیل استعدادهای خارق العاده در کلاس هایی توجیه شده و آموزش های لازم برای نقادی باییت و بهائیت و خنثی کردن تبلیغات آنان می دیدند. (۲)

با تبدیل خط مشی آموزش بریل از جریان مذهبی به جریان فرهنگی، اقدامات فراوانی برای گسترش خط بریل آغاز شد. در شهریور ۱۳۴۸ش، در سمینار مربیان و آموزگاران نابینایان (تهران) قرار شد علاوه بر اصلاح خط بریل، روش آموزش آن هم آسان تر گردد و بریل فارسی در همه موضوعات و در همه علوم گسترش پیدا کند.

۱- . فعالیت های قرآنی جامعه معلولان، محمد نوری، ص ۳۱۰؛ محمد حسن وجدانی، ص ۴۵.

۲- . ابابصیر مدرسه آموزشی نابینایان، ص ۱۱ به بعد.

یکی از اقدامات خوب دیگر در این دوره، تقویت زیرساخت ها و مبانی خط بریل فارسی است. آموزشگاه دکتر محمد خزائلی در ۱۳۴۸ش تأسیس شد. او خود دانشمندی نابینا و فعال در عرصه های سیاسی و فرهنگی بود. یعنی هم شخصیت علمی و دانشگاهی داشت و به عنوان مؤلف و پژوهشگر معروف بود و هم به عنوان نماینده مردم اراک در مجلس شورای ملی از حقوق نابینایان دفاع می کرد. اقدامات او و آموزشگاه او، در تقویت شالوده های بریل بسیار مؤثر بود. البته مراکز دیگر هم به تبع او مؤثر بودند. که در اینجا به چند نمونه از اقدامات آنان اشاره می شود.

دکتر خزائلی کلاس هایی با عنوان تقویت لامسه، کلاس آموزش بریل فارسی، کلاس کوتاه نویسی خط بریل، کلاس تقویت مهارت های خواندن و نوشتن در سراسر ایران برپا کرد. نابینایان با شرکت در این کلاس ها مهارت افزایی کرده و مبانی خواندن و نوشتن آنها تقویت می شد. این تلاش ها اقدام در توسعه خط بریل بسیار مؤثر افتاد.

به تبع آموزشگاه دکتر خزائلی، دیگر مراکز نابینایان نیز چنین کلاس هایی را برپا می کردند و در نتیجه نهضت گسترش بریل ظرف دو دهه سراسر کشور را فرا گرفت.

خلاصه این دوره از مهم ترین دوره های تأثیرگذار در جامعه و فرهنگ معلولین است. (۱)

افزایش نقش دولت و محدودیت مراکز مردمی (دوره سوم: ۱۳۶۱-۱۳۸۰)

این دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و به ویژه پس از سال ۱۳۶۰ آغاز شده و حوادث سال های پس از انقلاب بر آن سایه افکنده است. در این دوره اهتمام به امور دیگران افزایش یافت و ضرورت توجه بیشتر نسبت به معلولین احساس شد؛ به طوری که بر سرنوشت نابینایان مؤثر بوده است. در این زمان تشکیلاتی برای مدارس استثنایی و نیز پژوهشگاهی هم در وزارت آموزش و پرورش تأسیس شد. این تشکل ها حداقل چهار اقدام را به موازات هم پیش می بردند:

الف: توسعه کوتاه نویسی خط بریل

ب: دسترسی همگانی به وسایل و تجهیزات بریل

ج: تربیت آموزگاران و مربیان بریل و اعزام به همه مناطق ایران

د: گسترش خط بریل در همه علوم و فنون

در سال ۱۳۶۷ش کارشناسان خط بریل طرحی به نام «گردآوری، تدوین و تثبیت علائم خط بریل» را مطرح کردند و نظر مقامات آموزش و پرورش را برای اجرای آن جلب نمودند. با اجرای این طرح، متون علوم و فنون مختلف با علائم زبان بریل تدوین می شد و خط بریل گسترش جدی پیدا می کرد. در سال ۱۳۶۹ نخستین ثمره این پروژه نتیجه داد و کتابی دارای بخش های مختلف از علوم و فنون به زبان بریل عرضه و منتشر شد.

١- . دائره المعارف خط بريل، ص ٣٠-٣١؛ دكتور خزائلي، ص ١٦-١٧.

کتاب های بریل به لحاظ اینکه حروف آن به صورت مجزا به روی کاغذهای ضخیم نوشته شده، فضای بسیاری می طلبد و به صورت بسیار حجیم در می آید. برای چاپ و تهیه کتب و همچنین حمل و نقل آنها می بایست زحمات زیادی تحمل گردد. به خصوص کودکان نابینا از حمل این کتب بزرگ و سنگین ناتوانند و هر چه حجم کتاب بیشتر باشد خواندن آن هم بیشتر طول می کشد و نیروی فراوانی جهت مطالعه آن صرف می گردد.

این امر باعث شد تا مردم کشورهای مختلف برای خود روش هایی را به کار گیرند که حتی المقدور از حجم کتب بریل کم کنند و در نتیجه در وقت، مواد اولیه و نیروی انسانی صرفه جویی شود.

صرفه جویی در وقت نابینایان دارای اهمیت زیادی است زیرا آنان در اثر مطالعه طولانی که به وسیله انگشتان انجام می دهند، مقاومت انگشتانشان به علت کرخ شدن کم می گردد و نهایتاً منجر به خستگی می شود.

روش کوتاه نویسی گرچه قبلاً هم وجود داشت ولی در این دوره اهتمام گسترده تری به کوتاه نویسی شد و تحول عظیمی در تهیه کتب بریل به وجود آورد. از دیرباز در کشور ما نیز نابینایان و کارشناسان آموزش و پرورش، روش هایی را ابداع نموده اند تا برای خط بریل فارسی، روش کوتاه نویسی تدوین کنند اما نظر به محدودیت علائم بریل که فقط ۶۳ حالت دارد موفق به ارائه روش جامعی نشده اند. زیرا اکثر این علائم در حروف الفبای فارسی به کار رفته است. زیر مجموعه علائم بریل عبارت اند از:

حروف الفبا، ۳۳ علامت

علائم نقطه گذاری و علامت عدد، ۱۳ علامت

تنوین ها، ۲ علامت

اعراب، ۲ علامت

همزه ها، ۴ علامت

الف مقصوره و الف کوتاه، ۲ علامت

تشدید، ۱ علامت

با توجه به محاسبه فوق ۵۷ علامت از ۶۳ علامت استفاده شده است لذا افرادی که تاکنون خواسته اند علائم کوتاه نویسی ابداع نمایند با مشکلاتی مواجه گردیده اند. برای تهیه طرح کوتاه نویسی بریل تاکنون تلاش های فراوانی صورت پذیرفته که شاید تنها موردی که به صورت مکتوب منتشر شده طرح گروهی از متخصصین است که زیر نظر سازمان بهزیستی فعالیت

نموده و موفق به تهیه جزوه ای گردیده اند. نخستین تلاش ضابطه مند و رسمی برای تدوین قواعد کوتاه نویسی در سال ۱۳۶۲ توسط دانشجویان تربیت معلم و زیر نظر محمد حسن وجدانی شروع شد. در سال ۱۳۶۴ طرح جدیدی برای کوتاه نویسی عرضه شد و پس از اجرای آن در ۱۳۶۶ ش منتشر گردید. این طرح در قالب جزوه ای با عنوان «کوتاه نویسی بریل فارسی» تألیف عبدالله غفاری و همکارانش در سال

ص: ۱۱۶

۱۳۶۶ منتشر شد (۱). با مطالعه و بررسی کوتاه نویسی مذکور و توجه به کاستی های آن مجری طرح بر آن شد تا کوتاه نویسی کاملی را با کمک همکاران و بر اساس مطالعات دقیق و علمی تهیه نموده و آرزوی دیرینه نابینایان ایران را جامه عمل بپوشاند.

کوتاه نویسی که در کتاب دوائرالمعارف خط بریل توسط آقای محمدرضا ظروفی و همکارانش در سال ۱۳۶۷ش عرضه شده، مزایای زیادی نسبت به کوتاه نویسی سازمان بهزیستی دارد. از جمله تعداد علائم کمتر آن، قابل تشخیص تر بودن آن و درصد کوتاه کردن متون است. به طوری که این تحقیق به طور متوسط ۳/۲۷٪ متون را کوتاه تر کرده، حال آنکه کوتاه نویسی بهزیستی حدود ۶/۲۴٪ بود.

در سه دهه اخیر آثار مختلف درباره کوتاه نویسی در رشته های مختلف تألیف و منتشر شده است. اما این آثار نیازمند همسان سازی و ایجاد رویه واحد کوتاه نویسی و جمع آراء و دیدگاه های مختلف است.

دسترسی همگانی به وسایل و تجهیزات

بریل نویسی یا نویسنده بریل (بریل نگار) نیازمند وسایلی است. همان طور که مؤلف عادی برای نوشتن یک صفحه نیازمند قلم (خودکار، مداد، خودنویس و امثال اینها)، کاغذ یا هر نوع صفحه ای که روی آن بتوان نوشت، است، بریل نگار هم نیاز به وسایل و ادواتی دارد که نقطه برجسته ایجاد کند؛ به طوری که مخاطب بتواند به کمک حس لامسه این نقطه ها را بخواند.

در این دوره شاهد کارخانه ها و شرکت های تولیدکننده وسایل بریل ساز هستیم. نیز سازمان های دولتی مثل بهزیستی، گاه این تجهیزات را بین نابینایان توزیع کرده اند. در بیست سال اخیر، تجهیزات دیجیتالی و الکترونیکی برای نگارش علائم بریل یا خواندن آنها، یا انتقال و اشتراک پذیری آنها، رونق بیشتر پیدا کرد. مراکزی این وسایل را تهیه و در کتابخانه های نابینایان در دسترس آنان قرار داده اند. به هر حال همگانی کردن دسترسی و استفاده از وسایل بریل ساز، انقلاب و تحول جدیدی در خط بریل و فرهنگ نابینایان بوده است. البته در کشورهای پیشرفته دسترسی به وسایل ارزان تر و بهتر است ولی در کشورهای در حال توسعه وسایل الکترونیکی هنوز گران و دسترسی بدانها برای نابینایان هنوز مشکل است. مراکز خیریه و دولت در این گونه کشورها به ویژه جوامع اسلامی می توانند از طریق وقف این ابزارآلات و استمداد از نیکوکاران، این مشکل را مرتفع کنند. اما اقدامات چشم گیر و جدی در این زمینه به چشم نمی خورد.

تربیت آموزگاران و مربیان

در این دوره رویکرد و استقبال نابینایان از خط بریل بیشتر شد و افراد بیشتری خواهان آموختن بریل شدند. از این رو مراکز دولتی و خصوصی و غیر انتفاعی فراوان، کار آموزش را بر عهده گرفتند. ولی بدون مربیان ماهر و حاذق، آموزش امکان پذیر نمی بود. از این رو وزارت آموزش و پرورش، طرح هایی برای تربیت معلمان و مربیان را آغاز کرده است. در دانشگاه تربیت معلم و برخی از دیگر

۱- نقد و بررسی نظام نوشتاری بریل فارسی، ص ۹۲-۱۰۶.

دانشگاه‌ها، رشته تربیت معلم بریل تأسیس شد. مهم‌تر اینکه تلاش شد رویه و انسجام آموزشی و تربیتی واحد بین همه فعالیت‌ها حاکم باشد.

گسترش در همه علوم و فنون

نابینایان در گذشته فقط در مقطع تحصیلات عمومی، نهایتاً تا گرفتن گواهی دوره ابتدایی یعنی در حدی که خواندن و نوشتن بدانند، آموزش می‌دیدند. اما در دهه‌های اخیر آنان در مقاطع عالی فوق لیسانس و دکتری در رشته‌های تخصصی تحصیل کردند. از این رو نیازمند متون درسی و آموزشی تخصصی در رشته‌های مختلف فنی، مهندسی، پزشکی و داروسازی، علوم انسانی، علوم محض و علوم عملی بوده‌اند.

کارشناسان امور بریل چاره‌ای نمی‌دیدند، جز اینکه خط بریل را در همه رشته‌ها گسترش بدهند. آخرین متنی که در زبان فارسی منتشر شد، کتابی است که به مدیریت آقای محمدرضا ظروفی با عنوان *دائرة المعارف خط بریل* منتشر شد. ده‌ها کارشناس بریل در رشته‌های مختلف زبان، موسیقی، شیمی، فیزیک، ریاضیات، حقوق، علوم شرعی و اسلامی و غیره، علائم بریل را گسترش داده‌اند و در بخش‌های مختلف این کتاب آورده‌اند.

از حواشی که در این دوره در گسترش بریل مؤثر بود، راه‌اندازی مسابقات قرآنی از سال ۱۳۶۱ توسط سازمان بهزیستی بود. نابینایان علاقه بسیار به مسابقه قرآن داشتند چون یک راه برای پیشرفت و ترقی آنان بود و مجبور بودند به سراغ قرآن بریل بروند. (۱)

خلاصه اینکه از ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰، خط بریل در چهار عرصه مزبور گسترش چشمگیر در ایران یافت.

مهم این است که اقدامات مزبور تحت تأثیر شرایط و وضعیت انقلاب اسلامی قرار داشت. دولت جمهوری اسلامی با رأی اکثریت روی کار آمد، تفکر کاپیتالیسم و خصوصی بودن اقتصاد نفی و طرد شد، دولت هدایتگر و پشتیبان فرهنگ ملی و مذهبی مردم بود. از این رو اکثر شئون و بخش‌های جامعه در اختیار حاکمیت قرار داشت. به همین دلیل جایی برای فعالیت مراکز خصوصی باقی نمانده بود. سازمان بهزیستی تأسیس شد، و همه سازمان‌ها و نهادهای مربوط به معلولین از آن ادغام شدند. سپس سازمان مدارس استثنایی تأسیس شد و تمامی امور آموزشی و پژوهشی حتی پشتیبان در این سازمان متمرکز گردید. روحیه انقلابی بر این ادارات حاکم شد و این رخداد تبعاتی مثل ضدیت با غرب و کنار رفتن اندیشه مدارا و تساهل در پی داشت. همه اینها در سرنوشت جامعه معلولین و نابینایان مؤثر بوده است. بعضی از مراکز مردمی در جریان منازعات که طبیعی پس از انقلاب است، حذف شدند. ابابصیر یکی از آنها بود. قبلاً توضیحاتی درباره آن عرضه شد. انقلاب اسلامی و بلافاصله پس از آن آغاز جنگ همه‌جانبه علیه ایران، مسیر رشد و ارتقای نابینایان نسبت به برخی کشورها، با تأخر و مشکلاتی مواجه شد. چون کشورهای پیشرفته جهان به ویژه غربی‌ها نگاه منفی به ایران داشتند. این عوامل موجب گسستگی و انفصال نابینایان ایران از جریان کلی نابینایی جهانی شد و تأخر آنان را تشدید کرد. اما همه این مسائل موجب از پای نشستن نابینایان نشد آنان به دلیل

۱- . علی اکبر جمالی، ص ۶۶-۶۷.

پشتکار و علاقه‌هایی که در آنان نهادینه شده، با تلاش فراوان مسیر رشد و ترقی را هموار نمودند و به رغم همه کمبودها و موانع به مدارج عالی فرهنگی و اجتماعی رسیدند.

ورود به عرصه‌های عالی فرهنگ و جامعه (دوره چهارم: ۱۳۸۱ تاکنون)

در بررسی دوره سوم گفته شد با وجود جنگ و موانع فراوان که برای رشد و ارتقای جامعه و فرهنگ معلولین وجود داشت، اما با تلاش و مجاورت‌های سازنده توانستند از هر فرصت استفاده کرده، تحصیلات عمومی و متوسط را اغلب پشت سر گذاشتند، وارد دانشگاه شدند یا در حوزه علمیه به دروس عالی راه یافتند و مقطع‌های کارشناسی ارشد و دکتری را طی کرده و به مدارک عالی نایل آمدند. با اینکه دولت و وزارت آموزش عالی هیچ‌گونه امتیازی برای آنان منظور نمی‌کرد و در تمامی مسائل و بارم‌بندی‌ها مثل افراد عادی و سالم بودند. تصور کنید گاه یک نابینا در بین یکصد سالم در آزمونی شرکت می‌کرد؛ همه افراد به راحتی متون را مطالعه کرده و با آمادگی می‌آمدند ولی نابینا برای مطالعه یک کتاب چه زحماتی باید متحمل می‌شد؛ از چند نفر استعدا می‌کرد متن را برایش بخوانند و او باید با خواندن آنها در همان جلسه مطالب را به حافظه می‌سپرد. در رشته‌های مثل هنر و پزشکی مشکلات مضاعف بوده است. اما آنان با توکل، اخلاص و تلاش توانستند بر مشکلات و موانع غلبه کرده و در رشته‌های مختلف از حفظ و قرائت قرآن تا نقاشی، مداحی و موسیقی، و کشاورزی، حقوق، پزشکی، علوم قرآن، علوم حدیث و غیره با موفقیت جلو بروند و پس از اخذ مدرک کرسی استادی و تدریس دانشگاه، کرسی شورای شهر، تبلیغ و منبر، ورزش‌های حرفه‌ای مثل وزنه برداری برسند. این دوره از نظر، عصر درخشش استعدادها نابینایان ایران است. البته برخی از رهبران ملی و دینی هم از آنان را تشویق می‌کردند و به کمک آنان شتافتند. بعضی مراجع تقلید برای آنان گام‌های بلند برداشتند.

این دوره شاهد تأسیس ده‌ها مرکز و مؤسسه پژوهشی، آموزشی، خدمات‌رسانی و فرهنگی و انتشاراتی هستیم. در همه شهر، نیکوکاران به کمک نابینایان شتافتند و در تمامی شهرها حداقل یک مرکز مردم‌نهاد شکل گرفت. البته خود نابینایان تجربه لازم را آموخته و به دست آورده بودند و می‌توانستند به راحتی از وسایل مدرن مثل کامپیوتر، اینترنت استفاده کنند. با جهان پیشرفته ارتباط برقرار کنند و بر اثر همین ارتباطات، بعضی در مراکز آموزش عالی در اروپا و آمریکا اشتغال پیدا کردند.

وسایل مدرن برای توسعه خط بریل با کمک مطالعاتی و کارشناسی نابینایانی چون آقای حسینی در شرکت پکتوس و به دید از روی مدل‌های خارجی ساخته شد.

دی‌زی (Dayzy) به عنوان یک نیاز جدی برای نابینایان به روش‌های بومی شده در حال اجرا است. اجرای این سامانه موجب به اشتراک‌گذاری بریل و استفاده همگانی از پیام‌های بریل شده و در آینده نزدیک با اجرای طرح‌های مهم‌تر، پیشرفت‌ها چند برابر خواهد شد.

با گسترش خط بریل در زمینه‌های مختلف، مراکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری هم زیادتر شد. از سوی دیگر کنترل جدی بر روی آنها وجود نداشت. زیرا ساختار اداری پیش‌بینی شده، درست و

دقیق طراحی نشده بود. از یک طرف مراکز دولتی گسترش یافت؛ از طرف دیگر مراکز غیر انتفاعی و خصوصی فراگیر شده بود. دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه پیام نور و ده ها دانشگاه غیر دولتی فعالیت داشتند. مراکز تحقیقاتی بسیار اعم از دولتی و غیر دولتی فعال شده بودند. پژوهشگران و مؤلفان هم بیکار ننشسته و آثاری درباره بریل منتشر می کردند. سر جمع همه اینها تشتت و ناهماهنگی و چندگانگی بود. از این رو از اواخر دهه هفتاد و هشتاد ضرورت همسان سازی و ایجاد رویه واحد، ضرورت و لازم می نمود.

امروزه هنوز در زمینه ایجاد رویه و خط مشی و ضوابط واحد مشکلاتی وجود دارد ولی تفکر و ایده وحدت در خط مشی را همگان ضروری دانسته و در شرایط مختلف بر آن استدلال کرده اند.

خط بریل اگر با دانش ارتباطات تلفیق گردد و پیام ها و متون بریلی توسط اینترنت و کامپیوتر به اشتراک گذاشته شود، همه نایبها می توانند متون بریل را بخوانند و بنویسند و از پیام های بریلی دیگران هم زمان استفاده نمایند، که در این صورت در این عرصه تحول عظیمی پیدا خواهد شد. کشورهای غربی توانسته اند خط بریل را از فردیت و انزوا بیرون آورده و با طراحی و اجرای شبکه دیزی پیام ها و متون نایبایان را همگانی کنند. با این شیوه، کارآیی خط بریل چند برابر شده و نیز کارآیی نایبایان هم مضاعف گردیده است. از دهه هشتاد در ایران هم چنین اندیشه هایی مطرح شد. کسانی ضرورت پیوستن به کنسرسیوم دیزی را مطرح کردند. اما هنوز گام های جدی و اساسی برداشته نشده است؛ تا اینکه در سال های اخیر مسئله دیجیتالی کردن بریل و تبدیل خط و متن بریل به متن دیجیتالی و الکترونیک با جدیت بیشتر مطرح شده و کسانی از دولت خواستار مساعدت و کمک در این زمینه شده اند.

امروزه دفتر فرهنگ معلولین به دیزی پیوست و عضو آن است و اینک کارشناسان این دفتر در صدد اجرای طرحی هستند که بتوان متون به خط بریل را در چند مرحله سامان دهی بهینه کرد.

خلاصه و نتیجه گیری: بریل ایرانی از ۱۲۹۹ تاکنون بیش از ۹ دهه و حدود یک قرن سابقه دارد. به رغم فرودهای جزئی، تمامیت و شاکله کلی بریل ایرانی رو به صعود بوده است. اکنون دیگر صرف خط بریل نیست بلکه باید آن را فرهنگ بریل نامید. از چهار دوره عمده گذشته و در هر دوره دهه ها حادثه تلخ و شیرین را پشت سر نهاده؛ و همچون فولاد آبدیده و مستحکم تر گردیده است. هم اکنون دوره جدیدی برای فرهنگ بریل در حال آغاز شده است. در دوره پنجم بریل در خدمت فرهنگ دینی و ملی است، بریل به عنوان یک تجربه جهانی، هم اندیشی بین المللی و راه اندازی سامانه فراگیر در سطح جهان اسلام در این دوره یک ضرورت جدی است.

بعد از سال ۱۳۴۰، تاریخ بریل با قرآن به خط بریل در ایران هماهنگ شد و با هم به پیش رفته است. چون از سال ۱۳۴۱ اولین قرآن بریل در شوریده شیراز در تیراژ محدود در اختیار دانش آموزان قرار گرفت. و از سال ۱۳۶۱ مسابقات قرآن نایبایان و پیش از آن در سال ۱۳۵۰ و راه اندازی بخش قرآن بریل در ابابصیر اصفهان همه اینها در توسعه قرآن بریل مؤثر بوده است.

خانم ها هاجر شعاعی (۱) مبحث متون بریل آموزشی را پیش کشید و در این باره مقاله ای (۲) منتشر کرد. با توجه به این مقاله درصدد برآمدیم از منظر آموزشی تاریخ تحولات بریل را در ایران پیگیر باشیم.

بریل کودک، بریل مذهبی و بریل آموزشی شعبه هایی از متون بریل هستند که در تحول و گسترش بریل قرآن مؤثر بوده اند. چون در برخی مدارس قرآن به عنوان متن درسی بوده است.

معلولین با وجود تمام محدودیت ها در صورت فراهم شدن فرصت های مناسب آموزشی می توانند در حد توانمندی های خود رشد کرده و به جامعه خویش خدمت کنند و ایجاد این شرایط از وظایف آموزش و پرورش است.

یکی از گروه های افراد دارای معلولیت، افراد نابینا و کم بینا می باشند و از آنجا که حس بینایی به عنوان یکی از کانال های مهم یادگیری همواره مطرح بوده و اکثر محققین تعلیم و تربیت اذعان دارند که حداقل ۷۵ درصد یادگیری انسان از طریق بینایی صورت می گیرد، آموزش و پرورش این دسته از افراد به علت محرومیت از کانال اصلی آموزش با مشکلات فراوانی روبه رو است. اما کارشناسان امور نابینایان همواره درصدد یافتن راه کار برای جبران این نقص به ویژه در عرصه آموزشی و یافتن روش های جایگزین بوده اند.

امروزه آموزش به افراد دارای معلولیت و به تبع آن افراد دارای مشکلات بینایی با تغییرات شگرفی همراه شده و در اکثر نقاط جهان آموزش هایی ویژه برای این دسته از افراد وجود دارد. یکی از ابعاد آموزش نابینایان یعنی متون آموزشی در این مقاله بررسی می شود.

این افراد چون از خواندن متون درسی عادی ناتوان هستند، لاجرم باید متن های درسی به خط بریل یا به روش شنیداری برای آنان فراهم آورد.

تعریف مشکلات بینایی: پزشکان در تعریف نابینا (۳) گفته اند، فرد نابینا کسی است که تیزی او در چشم با استفاده از وسایل کمکی (مثلاً استفاده از عینک) ۲۰/۲۰ و یا کمتر باشد و یا کسی که میزان دیدش آن قدر کم است که وسیع ترین قطر آن نتواند فاصله زاویه ای را که بیشتر از ۲۰ درجه است فراگیرد، نابینا است. نقص بینایی چنین فردی به حدی شدید است که مجبور است خواندن را به وسیله بریل یا با استفاده از روش های سمعی یاد بگیرد. (هالاها و کافمن (۴) به نقل از جوادیان، ۱۹۹۴)

از نظر انجمن ملی جلوگیری از نابینایی (۱۹۶۶)، کم بینا فردی است که میزان بینایی وی از ۲۰/۲۰ بیشتر اما از ۷۰/۲۰ کمتر می باشد (نراقی و نادری، ۱۳۸۴). چنین فردی معمولاً قادر به خواندن متون چاپی با اندازه معمول نبوده و نیاز به وسایل درشت کننده جهت خواندن دارد.

- ۱- . کارشناس ارشد علوم تربیتی و کارشناس ارشد آموزش و پرورش استثنایی استان قم، hsh_۲۳۵۳۶@yahoo.com
- ۲- . این مقاله با عنوان «متون آموزشی به خط بریل: تاریخ تحولات و مراحل گسترش بریل آموزشی» در مجله توان نامه ش ۶-۴، ص ۲۹-۳۴ چاپ شده است.
- ۳- . Blind
- ۴- . Hallahan Kauffman

تعاریف فوق با وجود اینکه اطلاعات خوبی در اختیار معلمان قرار می دهد، اما پاسخگوی نیازهای ایشان نیست. زیرا موضوعی که معلمان باید نسبت به آن دغدغه دارند، آسیب دیدگی و یا علت به وجود آمدن آن نیست، بلکه کاهش پیامدهای ناشی از آسیب دیدگی در زندگی نابینا و یا موانعی که آنها در مسیر یادگیری ایجاد می کنند، است (روی مک کانکی و همکاران (۱)، ترجمه سعیدی همکاران، ۱۳۸۳).

تقریباً یک دهم از کودکانی که وارد مدرسه می شوند، تا اندازه ای به آسیب بینایی (۲) مبتلا می باشند. خوشبختانه، اغلب این نقایص را می توان به کمک عینک و سایر وسایل کمک بینایی یا جراحی اصلاح نمود و در بیشتر موارد این نقایص در رشد اجتماعی و یا آموزش کودک تأثیرات کمی دارند و یا بدون تأثیر می باشند، اما در هر هزار نفر، یک نفر به نقص شدید مبتلا است. بدون شک نقص بینایی در احراز تجربه و کسب دانش محدودیتی ایجاد می کند ولی این محدودیت به آن اندازه نیست که فرد نابینا از تمام فعالیت های آموزشی، فراگیری حرفه و تجربه اندوزی محروم گردد.

بنابراین جامعه معلمان همواره در پی آن است که بهترین روش های آموزش دانش آموزان نابینا را خلق نماید تا این دسته از دانش آموزان بتوانند با کمترین میزان مشکل یادگیری معنادار و عمیقی را تجربه کنند. تجربه نشان داده در جریان آموزش نیاز به متن درسی قطعی است و نمی توان از آن چشم پوشید. نابیناها در هر مقطع تحصیلی و در هر رشته علمی نیاز به متن درسی دارند. اگر متن آموزشی بریل باشد، فرآیند یادگیری بهتر اجرا می شود. البته کتب صوتی و شنیداری هم می توانند به عنوان متن آموزشی استفاده شود.

آموزش نابینایان و توسعه خط بریل

همواره افرادی که به واسطه بیماری، تصادف و توارث از قدرت بینایی محروم شده اند؛ اما به دلیل برخورداری از دیگر توانایی های خدادادی، به فراگیری پرداخته و مراحل رشد و ترقی را طی کرده اند.

آثار به دست آمده از مصر قدیم نمایانگر این حقیقت است که معلولان بینایی، مورد پذیرش جامعه بوده اند. از جمله می توان به «هومر» مؤلف ایلید و ادیسه اشاره کرد که نابینا بود.

اما درباره آموزش منظم معلولان بینایی تا قرن هجدهم تاریخچه منظمی در دست نیست. به تدریج با انسجام فعالیت های پراکنده، به آموزش معلولان بینایی توجه شد و در این راه کشورهایمانند فرانسه، آمریکا، انگلستان، ژاپن، مصر و هند وستان پیشگام بودند.

اولین آموزشگاه نابینایان را در سال ۱۷۸۴ والتین هویی آموزگار فرانسوی تأسیس کرد. وی ابتدا حروف برجسته بینایی را برای بهره مندی نابینایان ابداع نمود. کوشش های او که تحولی در امر آموزش نابینایان به وجود آورد، در سال ۱۷۸۹ هم زمان با انقلاب فرانسه متوقف ماند. راشتن در سال ۱۷۹۱ در لیورپول مدرسه ای برای کودکان نابینای تهیدست تأسیس کرد. در این مدرسه مشاغل

Roy McConkey .	-1
Visual impairment .	-2

فنی، صنعتی و خواندن آواز کر به نابینایان آموزش داده می شد. در آمریکا توجه به کودکان نابینا از سال ۱۸۲۶ آغاز شد.

اولین آموزشگاه مرکزی نابینایان در آمریکا که امروزه به مؤسسه پرکینز مشهور است، مؤسسه ساموئل گریدلی ها و به دنبال آن مؤسسه های ماساچوست و پنسیلوانیا به سال ۱۸۴۳ دایر شدند. در حال حاضر در آمریکا بیش از ۸۵۰ سازمان آموزشی و رفاهی برای نابینایان وجود دارد.

اوایل قرن ۱۸ میلادی لویی بریل یکی از شاگردان آموزشگاه والتین هویی که خود نیز نابینا بود، روش استفاده از نقطه های برجسته را ابداع کرد. این روش مشتمل بر ۶ نقطه برجسته لمسی است که برای خواندن و نوشتن افراد نابینا از آن استفاده می شود و امروزه به نام ابداع کننده آن، خط بریل نامیده می شود. روش بریل در تمام جهان کامل ترین روش خواندن و نوشتن نابینایان است.

پیش از اختراع خط بریل به وسیله وی غیر ممکن به نظر می رسید که روزی نابینایان نیز همانند سایرین قادر به خواندن و نوشتن باشند، اما لوئیس بریل که در دوره حیات خود از داشتن بینایی محروم شده دست به ابتکار عملی زد که بعدها به نام خود وی به ثبت رسید. ابتکار وی نه تنها نابینایان را قادر به خواندن و نوشتن کرد که بسیاری از ایشان را قادر به کسب مدارج بالای علمی و تحصیلی نیز ساخت.

بر اساس اعلام انجمن نابینایان آلمان، فقط یک چهارم از افراد نابینا مسلط به خط بریل و قادر به خواندن و نوشتن به این خط هستند. این تعداد کم مؤید دو نکته است، یکی، وجود نقص عضو از ناحیه دست ها در تعدادی از نابینایان و دیگری تبدیلی محض دسته ای از افراد نابینا است. البته این تبدیلی تنها مربوط به افرادی است که در طول دوران زندگی؛ بینایی خود را از دست داده اند و ترجیح می دهند نیازهای خود را از طریق تجهیزات صوتی و یا کامپیوتر مرتفع سازند در حالی که اکثر محققان و متخصصان معتقدند که خط بریل بهترین و آسان ترین امکان در یادگیری و آموزش نابینایان است.

در سال ۱۹۷۰ دانشگاه الازهر مصر، نقش تعیین کننده ای در پایه ریزی آموزش و پرورش نابینایان ایفا کرد. در هند وستان آموزش و پرورش کودکان نابینا ابتدا از سوی روحانیون مورد توجه قرار گرفت و از سال ۱۸۷۷ تا ۱۹۴۷ در آموزش و پرورش نابینایان آن کشور پیشرفت های قابل ملاحظه ای صورت گرفت. اولین مدرسه نابینایان در این کشور در سال ۱۸۷۷ تأسیس شد که امروزه آن را به نام مؤسس آن، مدرسه شارپ می نامند. تعداد مدارس نابینایان هند در سال ۱۹۴۴، ۳۲ و در سال ۱۹۶۰، ۱۱۵ و در سال ۱۹۸۸، ۲۵۰ مرکز بود. در ژاپن آموزش و پرورش کودکان معلول، با سرمایه گذاری اولیه مردم آغاز شد و سپس با کمک دولت ادامه یافت و امروزه از وضعیت مطلوبی برخوردار است.

مدارس نابینایان در قرن نوزدهم به صورت شبانه روزی بود و بیشتر به کودکان خانواده های ثروتمند اختصاص داشت. اولین کلاس های روزانه در سال ۱۸۷۲ در اسکاتلند دایر شد.

در طی این سال ها آموزش و پرورش این کشور پیشنهاد کرد که برنامه ریزی آموزشی به شیوه ای صورت بگیرد که کودکان نابینا در کنار کودکان عادی آموزش ببینند بنابراین آنچه که امروز به عنوان آموزش و پرورش تلفیقی و فراگیر مطرح است

دارای ریشه های تاریخی بوده و در سال های گذشته نیز به وسیله کشورهای مختلف مدنظر قرار گرفته است.

ص: ۱۲۳

در ایران نیز به سال ۱۲۹۹ یک کشیش آلمانی به نام پاستور ارنست کریستوفل اولین مرکز حمایتی و آموزشی نابینایان را در تبریز بنیاد نهاد. فعالیت مؤسسه مذکور تا سال ۱۳۱۹ ادامه یافت و در آن سال به علت آغاز جنگ جهانی دوم، فعالیت های آموزشگاه در تبریز متوقف ماند. در سال ۱۳۳۰ یک خانم انگلیسی به نام «گون گستر» آموزشگاه نورآیین اصفهان را برای تعلیم و تربیت دختران نابینا دایر کرد. حدود ۱۰ سال بعد، کریستوفل مجدداً فعالیت خود را از سر گرفت و بیشتر هم خود را صرف آموزش و پرورش پسران نابینا در شهر اصفهان کرد. هدف اصلی کریستوفل، شناساندن کارآیی نابینایان به جامعه ایران بود و در این زمینه به موفقیت های زیادی دست یافت.

اولین مرکز آموزش نابینایان در تهران، سال ۱۳۲۸ در خیابان ری با عنوان کانون کار و آموزش رود کی تأسیس شد. فعالیت های آموزشی و حرفه ای آموزشگاه مشتمل بر کلاس های ابتدایی و کلاس های حرفه آموزی از قبیل موسیقی، برس سازی، زیلوبافی و حصیربافی بود.

در این آموزشگاه، حدود ۱۰۰ دختر و پسر ۱۲ تا ۱۸ سال تحت آموزش و نگهداری قرار گرفتند.

(جرقه ساخت بزرگ ترین آموزشگاه نابینایان کشور به وسیله دکتر حسن علوی که یکی از چشم پزشکیان مجرب آن دوران ایران بود زده شد. او شرایط وخیم آموزش نابینایان را به خوبی لمس کرده بود و مراجعه افراد نابینا به مطب او، انگیزه وی برای تأسیس یک مدرسه بزرگ ویژه نابینایان را دوچندان کرد. بر همین اساس، دکتر علوی با کمک عده ای از دوستانش، اندیشه خود را عملی نمود. وی با همکاری برادران مهدوی، از زمین داران و ثروتمندان آن روزگار، حدود ۱۵ هزار متر زمین متعلق به این دو برادر را که از زمین های منطقه طرشت محسوب می شدند و در منطقه شهر زیبای فعلی واقع بودند، برای تأسیس این مدرسه انتخاب کرد. کلنگ اولیه ساختمان این مدرسه در سال ۱۳۴۰ زده شد و اولین ساختمان مدرسه در ۱۳۴۳ برای بهره برداری آماده گردید. زمانی که اولین ساختمان - که یک عمارت دو طبقه بود - آماده شد، نخستین مدرسه ویژه نابینایان در تاریخ ۲۶ مهر ماه ۱۳۴۳ افتتاح شد و کار خود را آغاز کرد(۱).

در سال ۱۳۴۸ یعنی یک سال پس از تشکیل دفتر آموزش استثنایی آموزشگاه نابینایان ابابصیر در اصفهان و به دنبال آن در سال ۵۶ آموزشگاه محمد خیابانی در شهر ری و سپس در سال ۵۸ آموزشگاه نابینایان پاسداران و دختران نرجس در شمال تهران ایجاد گردید و پس از آن به تدریج با شکل گیری سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور در سال ۱۳۷۰ آموزش نابینایان در کل ایران توسعه یافته و با اجرای طرح آموزش تلفیقی و فراگیر مناطق دور افتاده و روستاها را نیز در بر گرفت. و امروزه با توجه به اهمیت مسئله اشتغال و بالا رفتن تعداد افراد تحصیل کرده مبتلا به مشکلات بینایی گسترش آموزش های حرفه ای برای دانش آموزان معلول بینایی در دوره دبیرستان، مناسب سازی مشاغل، افزایش آگاهی جامعه و اصلاح نگرش مردم نسبت به توانمندی ها و محدودیت های نابینایان برای اشتغال، امری ضروری است.

ص: ۱۲۴

در سال ۱۳۴۱ در مؤسسه کیهان برای اولین بار چاپخانه بریل تأسیس گردید که کتب درسی و ماهنامه ویژه نابینایان به خط بریل از طریق آن انتشار یافت. که بعد از تأسیس سازمان ملی رفاه نابینایان در اسفندماه ۱۳۴۹ این واحد در سازمان مزبور ادغام گردید و در سال ۱۳۵۱ کتابخانه گویای نابینایان نیز تأسیس گردید. البته به موازات این اقدامات سازمان ملی رفاه نابینایان رفته رفته گسترش یافته و شعباتی در شهرستان ها یا اصفهان، شیراز، کاشان، اهواز، تبریز، همدان، باختران، کردستان و مشهد دایر نمود که هم زمان با این گونه فعالیت ها، آموزشگاه نابینایان شهید مجلسی در سال ۱۳۴۳ و مؤسسه آموزش ابابصیر نیز در اصفهان پا به عرصه فعالیت گذارد. یکی از خدمات ارزنده سازمان ملی رفاه نابینایان فراهم آوردن امکانات مقدمات ایجاد مرکز توانبخشی نابینایان در سال ۱۳۵۲ به همت مدیر عامل وقت سازمان و تعدادی از کارشناسان بین المللی توانبخشی منطقه خاور دور برای پیاده کردن برنامه توانبخشی نمونه در ایران در ۲۰ ژانویه ۱۹۴۷ رهسپار تهران شدند و تیم کارشناسان توانبخشی کلاس هایی در زمینه های ارزشیابی، جهت یابی، مشاوره و کاریابی، مهارت های روزانه، مهارت های لمسی و حسی دار نمودند تا دوره دیدگان این کلاس ها در آینده بتوانند ضمن تربیت مربیان آتی به آموزش کارآموزان نابینایان (از ۱۶ تا ۳۰) همت گمارند. مدت دوره آموزش سه ماه بود که طی آن چهار مربی ارزشیابی و مهارت های روزانه، چهار مشاور و چهار مربی جهت یابی و چهار کاریاب آموزش های لازم را فرا گرفته و آماده فعالیت گشتند. یکی از خصوصیات این دوره تعلیم مربی، توأم بودن تجربیات تئوری و عملی و داشتن فرصت تمرین عملی با یک کارآموز بود که مربیان را برای شغل آینده شان در توانبخشی آماده می ساخت. علاوه بر کلاس های تخصصی در چهار رشته ذکر شده مربیان تحت تعلیم هر هفته چند جلسه سخنرانی در زمینه هدف توانبخشی، درک صحیح نابینایان از توانبخشی، بازگرداندن و ایجاد اعتماد به نفس در فرد نابینا بخصوص برای حضور آنان در اجتماع ترتیب می دادند. در این دوره تعدادی از کارکنان دفتر کل دانش آموزان استثنایی نیز شرکت داشتند که پس از اتمام دوره به کار قبلی خود بازگشتند. پس از اتمام دوره (۲۰ ژانویه تا ۱۷ آوریل ۱۹۴۷) کادر جدید التأسيس توانبخشی که همگی جوان و پر انرژی و اغلب تحصیلات کافی داشتند مسئولیت سنگین پیاده نمودن برنامه توانبخشی در ایران را به عهده گرفتند و به این ترتیب مرکز توانبخشی نابینایان در ایران از بهار ۱۳۵۳ پی ریزی و بنیان گذارده شده است. تعدادی از نابینایان که بین آنها افراد تحصیل کرده هم وجود داشت توانبخشی را یک نمایش پر تحمل می دانستند که هرگز نمی تواند جوابگوی نیازهای رفاهی آنها باشد به همین علت این برنامه از ابتدا با عدم استقبال گروهی از نابینایان مواجه گردید. مربیان توانبخشی به علت دلسردی و مسائل استخدامی علیرغم علاقه ای که به کار توانبخشی ابراز نمودند رفته رفته جذب بخش های دیگر شده به طوری که پس از گذشت ۴ سال ۹۰٪ آن گروه به امور دیگری پرداختند. باوجود تغییر مسیری که توانبخشی ناگزیر با پراکندگی کادر تربیت شده خود با آن مواجه شد با کوشش گروه اندکی از افراد تحصیل کرده و دلسوز نابینا و بینا، توانبخشی از انهدام کامل نجات یافت. به هر صورت سازمان ملی رفاه نابینایان در سال ۱۳۵۸ بر اساس مصوبه شورای انقلاب زیر پوشش وزارت بهداری و بهزیستی قرار

گرفت و کلاً مؤسسه ای دولتی شد. از سال ۱۳۶۰ کارگاه های نابینایان از این مراکز جدا شدند ولی مرکز چاپخانه گویا کماکان زیر پوشش مرکز فعلی (مرکز توانبخشی و آموزش های فنی و حرفه ای نابینایان) باقی ماند از ۲۴ خردادماه ۱۳۵۹ با تأسیس سازمان بهزیستی کشور مرکز فوق الذکر زیر پوشش سازمان بهزیستی قرار گرفت و از آن زمان تا حال در زمینه آموزش توانبخشی نابینایان و حرفه آموزی و کلاس تربیت تلفنچی نابینایان فعالیت می نماید که دامنه این فعالیت ها به مرور زمان در سایر شهرستان ها نیز گسترش یافت، به طوری که می توان اذعان نمود که در حال حاضر در کلیه مراکز استان ها مراکز توانبخشی نابینایان و بعضاً در برخی از شهرستان کلاس های سوادآموزی ویژه نابینایان تأسیس گردیده است.

نتیجه گیری: بریل آموزشی هنوز در ایران از مشکلات فراوان برخوردار است و نتوانسته نقش مؤثر در ارتقای آموزش نابینایان داشته باشد. مهم ترین دلیل آن نداشتن متولی و متصدی است. آموزش و پرورش ابتدایی و متوسطه سازمان تدوین کتب درسی و در آموزش عالی، سازمان سمت متصدی امور تألیف، چاپ و پخش کتب درسی اند. اما هیچ سازمان دولتی یا نهاد مردمی کتب بریل را بر عهده نگرفته است.

از این رو مشکلات و آسیب های فراوان ساختاری، پژوهشی، بودجه ای و غیره گریبان گیر کتب بریل آموزشی است.

قرآن بریل اگر درست عرضه شود در فرهنگ و جامعه ناشنویان بسیار مؤثر است. اما قرآن های بریلی که در ایران عرضه شده از جهات و جنبه های مختلف دارای اشکالات و مشکلاتی است. این فصل درصدد شناسایی این مسائل و نیز راه کار برای زدودن آن مشکلات است.

بسیاری از کشورها خط بریل و متون بریل را از زوایای مختلف بررسی کرده و تلاش کرده اند، متونی تهیه کنند و حداکثر بازدهی را برای نابینایان داشته باشد. زیرا در آن کشورها، بریل متصدی و مسئول دارد. اما در ایران هنوز مشکلات بریل رصد و شناسایی نشده، چون متصدی ندارد. گویا از سال ۱۳۹۵ سازمان بهزیستی و دارالقرآن الکریم به قرآن بریل ورود پیدا کرده و درصدد اقداماتی برآمده اند. اما هنوز نمود و آثاری از آنها مشاهده نشده است.

شناخت ابعاد و جوانب

قرآن نابینایی یا قرآن بریل به قرآنی گفته می شود که با خط منقوط (نقطه ای) و برجسته ای تألیف می شود و نابینایان با انگشت و حس لامسه به قرائت آن می پردازند.

شکل حروف در الفبای عربی و فارسی، خط و نقطه مسطح است؛ مثلاً الف (ا) یک قطعه خط عمودی است و تاء (ت) شامل یک پاره خط افقی () و دو پاره خط افقی (‘) و دو نقطه است. اما شکل حروف در الفبای بریل، نقطه بُعددار و غیرمسطح است که به آن نقطه برجسته هم می گویند. شش نقطه با چینش های متفاوت، حروف را نشان می دهند. مثلاً الف این گونه است: نقطه اول از بالای سمت چپ برجسته و ۵ نقطه دیگر غیر برجسته می شوند. سپس با ترکیب حروف، کلمات ساخته می شوند.

اما قرآنی که با خط بریل در ایران تألیف شده از چند منظر نیاز به پژوهش دارد:

۱- تاریخ قرآن بریل در ایران و جهان

۲- شخصیت ها و مراکز بریل نگار

۳- قواعد و ضوابط تألیف و نشر قرآن بریل (رسم المصحف بریل)

۴- همسان سازی (توحید مصاحف بریل)

۵- کوتاه نویسی مصحف بریل

۶- قرآن مبدأ

۷- اقتصاد چاپ و نشر

۸- مدیریت

قرآن بریل در ایران در این هشت مورد مشکلاتی دارد.

ص: ۱۲۷

یکی از مشکلات زیربنایی قرآن بریل در ایران این است که هنوز تاریخی برای آن تدوین نشده است. یعنی دقیقاً نمی دانیم از چه زمانی قرآن بریل آغاز شد و چه تحولاتی داشته تا به دست ما رسیده است.

اجمالاً و بر اساس اسناد موجود می دانیم محمدحسن وجدانی نژاد در مدرسه شوریده در شیراز معلم بود و کنار آقای عبدالله معطری و چند نفر دیگر به آموزش قرآن می پرداختند و برای اولین بار آقای وجدانی جزء سی ام قرآن را به بریل منتشر کرد. آقای معطری نابینا است و بریل را در کلیسا یاد گرفت و بر پروژه آقای وجدانی نظارت داشت. (۱)

اما آقای وجدانی کجا یاد گرفت و انگیزه او چه بود؟ چند نسخه منتشر کرد؟ و آیا نسخه ای از آن قرآن در دسترس است؟

به هر حال تا زمانی که تاریخ قرآن بریل تدوین نشود، هویت این نوع از قرآن مشخص نمی شود و نمی توان اشکالات آن را به درستی رصد کرد.

«قرآن به خط بریل» یک پدیده مستحدث است که پس از ظهور خط بریل پدید آمد. این نوع خط قبلاً وجود نداشت و بر اثر ضرورت و خواستن قشر وسیعی از جامعه اسلامی یعنی نابینایان پدیدار گشت.

آمار نابینایان را در کل جهان تا ۶۰ میلیون نفر گفته اند و با توجه به پراکندگی جمعیت و دیگر واقعیت های جهان اسلام، نیمی از این جمعیت باید در مناطق مسلمان نشین حضور داشته باشند. آمار نابینایان را در ایران حداقل یک میلیون و حداکثر چهار میلیون نوشته اند.

اگر در تمامی جهان اسلام، ۵ میلیون نابینا هم حضور داشته باشند با توجه به استعدادهای خدادادی و خلاقیت و ابتکارهای آنان و خلاصه نقش بی بدیل آنان در سازندگی اجتماعی، باید به خواست ها و نیازهای آنان احترام گذاشت. در صدر اسلام، پیامبر و ائمه به شخصیت های نابینا مثل عبدالله بن ام مکتوم احترام می گذاشتند. از این رو این قشر تأثیر اساسی در حوادث و سیر قضایای مسلمانان داشتند.

همه اینها گویای این است که ارزش دارد خط بریل به عنوان روش مهم یادگیری و فراگیری آنان مورد توجه قرار گیرد. نیز قرآن به خط بریل به عنوان تنها روش خواندن و قرائت قرآن و تأمل در آیات قرآنی به صورت یک موضوع پژوهشی، بررسی گردد. خلاصه اینکه تعریف پروژه ای که بتواند به مشکلات قرآن بریل پردازد یک ضرورت است. این پروژه را می توان این گونه تعریف کرد:

بررسی علمی و تاریخی و موردی، اشکالات قرآن به خط بریل بر اساس منابع کتابخانه ای میدانی و شفاهی.

ضرورت و اهمیت: با اینکه قرآن به خط بریل چند دهه سابقه دارد و ناشران و کاتبان قرآن بریل با دلسوزی، دقت و وسواس تمام به آن پرداخته اند ولی هنوز این قرآن مشکلاتی دارد. در بررسی های

۱- . عبدالله معطری، ص ۸ به بعد، محمدحسن وجدانی نژاد، ص ۱۰ به بعد.

جدید معلوم شده مشکلات و ضعف ها ناشی از عدم اطلاع از پیش فرض ها و پیش نیازها مثل کم اطلاعی از مسائل رسم المصحف یا عدم اطلاع از مواضع و مصوبات پیشین در کشورهایی مثل مصر، ایران، لبنان و غیره است.

اگر تاریخ این نوع کتابت قرآنی ثبت و ضبط نشود معلوم نیست در آینده قرآن بریل بهتر و بی غلط تر داشته باشیم. بنابراین هدف اصلی این پروژه کمک به کتابت و نشر قرآن به خط بریل بدون اغلاط یا کم غلط تر و کم مشکل تر است. هدف های درجه دومی هم در این پروژه تعقیب می شود؛ که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱- ضبط و ثبت دستاوردها و تجارب گذشته در زمینه قرآن بریل

۲- تسهیل آموزش قرآن به نابینایان و جلوگیری از راه یابی اغلاط به فرهنگ آنان

۳- تدوین گزارشی در زمینه میراث مسلمانان در این زمینه

ضرورت این پروژه هم میرهن و واضح است زیرا نابینایان قشر وسیعی از جامعه را تشکیل می دهند و حداقل نیاز به آموزش و فراگیری قرآن کریم دارند. این ضرورت فقط از طریق خط بریل میسور است.

متأسفانه کسانی که در دهه های اخیر به عنوان مدرس و معلم خط بریل قرآنی آموزش دیده اند، ذهنشان جوان و گسترده نگر نبوده و عمیق فکر نکرده اند. این پروژه به آنان نگرش وسیع خواهد داد و آموزش های آنان را پربارتر و عمیق تر می کند.

جایگاه تاریخ نگاری قرآن: بررسی قرآن به خط بریل ابعاد تاریخی، شخصیت شناسی، مرجع پژوهشی و بررسی موردی رسم المصحف دارد. از قدیم و از دوره رسالت قرآن، یک بُعد قرائت و خوانش و یک بُعد کتابت و نگارش داشت و هنوز هم چنین است. قرائت با دانش هایی مثل تجوید و دانش قرائت پشتیبانی می شود. چون قرائت قواعد، ضوابط و اصولی دارد که در آن علوم در طی قرون تکمیل شده است. اما قرآن فقط قرائت نیست یعنی مسلمانان فقط به قرائت قرآن نمی پردازند بلکه به نگارش قرآن هم پرداخته اند. کاتبان وحی به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قرآن را کتابت می کردند. اولین قرآن ها با خط کوفی و ضوابط کوفی نویسی نوشته شد. اما با توسعه و گسترش قلمرو اسلامی، کتابت قرآن با خط های ملل دیگر مثل خط ایرانی هم رواج یافت.

دانش هایی مثل رسم المصحف، کتابت قرآن کریم را پشتیبانی کرده اند.

اینکه آیا کتب مقدس را می توان با هر خطی نوشت یا نه فقط با یک خط باید نوشت؟ در جامعه مسیحی هم اختلافی بوده است. نیز مسلمانان با طرح توقیفی بودن خط و کتابت و رسم المصحف، مشروعیت انواع خط ها و کتابت ها یا عدم مشروعیت آنها را پیش کشیده اند.

تولید قرآن بریل

جمع آوری تجارب فعالین قرآن بریل و تألیف یک جلد کتاب درباره کسانی که در زمینه آنها نیز مراکز مولد قرآن بریل

ضروری است. معرفی این افراد و مراکز به نسل های آینده، در واقع میراث بانی و پاسداری از میراث فرهنگی و علمی قرآن کریم است. از طرف دیگر بخشی از اختلافات قرآن های بریل منتسب به افراد و مراکزی است که این کار را انجام داده اند. زیرا هر فرد و هر مرکز رویکرد و سلیقه خاصی دارد، یا با مراکز خاصی در خارج مرتبط است و قرآن بریل را از او اخذ کرده است.

ص: ۱۲۹

قرآن نخست با خط نسخ یا خط حیره ای سپس با خط کوفی و پس از شش مرحله تحول، به خط موجود رسیده است. معروف و رایج ترین خط کنونی، خط عثمان طه است. معمولاً خط بریل را بر اساس خط عثمان طه می نویسند. خط عثمان طه مثل هر خط دیگر دارای قواعد و ضوابطی است که به تدریج و در طول تاریخ و ده ها قرن شکل گرفته و تدوین شده است.

مرحوم آیت الله هادی معرفت از کارشناسان کم نظیر علوم قرآن، معتقد بود خط عثمان طه هشت هزار اشکال اساسی دارد و اگر جزئیات اشکالات و مصادیق را هم استقرار کنیم، سیزده هزار اشکال دارد.

نیز کارشناس دیگر آقای محمدعلی کوشا می گفت خط عثمان طه حدود پنج هزار اشکال جدی دارد. ایشان معتقد است مسئولان فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید خط بی عیب تری را ابداع کنند و قرآن را با آن خط منتشر نمایند.

تصور کنید خط بریل بر اساس خط معیوب عثمان طه بنا شده، از این رو آن هم دچار مشکلاتی شده است. البته در سال های اخیر حداقل در دو سه جا جلساتی منعقد شده تا فکری برای رسم بریل بشود. یکی در دارالقرآن چاپ و نشر وابسته به سازمان تبلیغات، دوم در مؤسسه رودکی (ریحانه)، سوم در دفتر فرهنگ معلولین. در شهریور ۱۳۹۳ شایع شد که رودکی و دارالقرآن به نتیجه رسیده اند و درصدد انتشار قواعد و ضوابط بریل (رسم بریل) هستند ولی تاکنون چیزی منتشر نشده است.

دفتر فرهنگ معلولین بخشی از تحقیقات خود را در مجله توان نامه (شماره ۴ تا ۶) منتشر کرد و با شنیدن خبر فوق، تحقیقات در این باره را کنار گذاشت اما چند ماه است مجدداً، تحقیق راه اندازی شده و درصدد انتشار یک جلد کتاب است.

لازم است، مدیریت رودکی و مدیریت دارالقرآن کریم هم، یافته ها و جلسات و پژوهش های خود را منتشر کنند و در اختیار جامعه فرهنگی قرار دهند. تجربه نشان داده، بایگانی کردن تحقیقات و عدم انتشار آن ها، نه تنها مشکلی را رفع نمی کند بلکه بر مشکلات می افزاید.

اگر جمهوری اسلامی بتواند اولین رسم المصحف بریل را منتشر کند، افتخار پیشکسوتی در جهان اسلام را در این موضوع از آن خود خواهد کرد. چند مرکز قرآنی در ترکیه و عربستان سعودی در این زمینه تلاش بسیار کرده اند ولی تاکنون به موفقیتی دست نیافته اند.

کوتاه نویسی

کارشناسان رشته های مختلف مثل فیزیک، حقوق و پزشکی، کوتاه نویسی بریل را در رشته خودشان گسترش داده اند. زیرا کتاب بریل ذاتاً حجیم است. و حمل و نقل آن مشکل است. کل قرآن بریل حدود ده جلد است و ارتفاع آن حدود ۷۰ سانتی متر می شود. البته وزن آن کم است زیرا بین اوراق، خالی است و هوا می باشد.

حجم بودن کتب بریل سه علت مهم دارد: حروف بریل بزرگ و جا گیر است؛ دوم کاغذ آن باید مقوا باشد، سوم صفحات را نمی توان پرس کرد و باید بین صفحات هوا باشد.

کارشناسان درصدد هستند هر یک از این سه فاکتور را اصلاح کنند و تا جایی که ممکن است از حجم کتب بریل بکاهند.

اخیراً صفحات پلاستیکی که قطر کم دارند ولی خاصیت برجسته سازی بهتری دارند، آزمایش شده ولی هنوز جواب مطلوب نگرفته اند و در مرحله آزمایش است. نیز در مرحله برجسته سازی هم فکریهایی شده ولی هنوز به مرحله تولید انبوه نرسیده است. اما نسبت به کاهش ابعاد حروف و کلمات از چند دهه قبل دو کار شده است: یکی کاستن از طول و عرض فضایی که شش نقطه در آنجا گرفته است اگر بتوان فضا را از سه میلی متر به دو میلی متر کاهش داد یعنی $\frac{1}{3}$ در فضا و حجم صرفه جویی خواهد شد. البته برخی با این کار مخالف اند چون مدعی هستند، ضریب دقت کاهش می یابد و اشتباه خوانی افزایش خواهد یافت. یعنی وقتی نقطه های برجسته نزدیک هم باشد، لامسه درست نمی تواند تشخیص دهد.

اما اقدام دیگر که بسیار رواج دارد و به نام کوتاه نویسی بریل یا کوتاه سازی بریل معروف است و تاکنون خوب جواب داده، تبدیل کلمات و واژه های بسامد دار و مکرر به علامت یا مخفف سازی عبارات های ترکیبی یا واژه های مرکب است.

در واقع این راه کار خودش دو راه حل دارد و هر دو هم آزمایش شده و در علوم مختلف جواب داده است. در خط بینایی و معمولی هم بسیاری از ترکیب ها به صورت مخفف استفاده می شود و شیوه ای متداول است. به جای دانشنامه ناشنوایی و ناشنویان می گویند دانا؛ به جای دایره المعارف اسلام می گویند EI؛ نیز USA؛ پارسا و برجام به کار می رود.

در قرآن تاکنون اقدام جدی در این زمینه نشده است. برخی می گویند شاید از نظر شرعی اشکال داشته باشد، ولی چنین نیست. مثلاً اگر به جای همه «یا ایها الذین آمنوا» ها، «یا آم» استفاده شود چه اشکالی دارد؟

به هر حال با استفاده از شیوه مخفف سازی یا شیوه علامت سازی می توان حجم قرآن بریل را به $\frac{1}{5}$ رساند.

پیشنهاد دیگر این است که از علامت تصویری هم می توان استفاده کرد. مثلاً به جای شمس یا قمر، عکس آن ها برجسته شود. یک ماه کوچک را با یک و نیم میلی متر می توان برجسته کرد.

به هر حال از تجارب و دستاوردهای کوتاه سازی در دیگر علوم می توان استفاده کرد و قرآن بریل را هم با کوتاه نویسی با حداقل حجم می توان عرضه نمود.

اهمیت کوتاه کردن حجم در چند چیز است: هزینه ها بسیار کاهش می یابد؛ حمل و نقل راحت تر می شود؛ به تبع پژوهش های قرآنی گسترش پیدا می کند.

همسان سازی

برای جلوگیری از تشتت و اینکه هر کس هر کاری و هر قاعده ای خواست اعمال کند، همسان سازی و ایجاد وحدت رویه در

علوم مختلف و کتب بریل این علوم رواج یافته است.

ص: ۱۳۱

عربستان سعودی مدعی همسان سازی قرآن های جهان اسلام است. از این رو مرکزی به نام «مرکز التوحید للمصاحف البریل» تأسیس کرده و بر تولید و چاپ و نشر قرآن بریل نظارت دارد. نیز در اروپا و کشورهای مختلف، مراکز رشته های علوم انسانی یک تشکیلات جهت نظارت و همسان سازی ایجاد کرده اند.

دفتر فرهنگ معلولین از مرکز بریل کار دعوت کرد تا برای همسان سازی جلساتی داشته باشیم و یک شیوه واحد را اجرا کنیم و در پایان جلسه اطلاعیه زیر را صادر کرد. ولی ادامه این جلسه با مشکل مواجه و کمتر از آن استقبال شد.

دفتر فرهنگ معلولین به تاریخ ۲۰ خرداد ۱۳۹۳ با دعوت عده ای از کارشناسان بریل، پس از بحث و بررسی وضعیت خط بریل، از مدیران و مسئولان نهادهای دولتی و نیز مراکز مردمی خواستند، یکسان سازی خط بریل و علائم آن را مهم شمرده و پس از بررسی ها، پیشنهادات زیر را مطرح نمودند:

هم اکنون ضوابط، قواعد و نمادها و نیز شیوه آموزشی واحد و یکدست در همه مناطق اجرا نمی شود و گاه سلیقه های فردی جایگزین شیوه نامه همگانی و سراسری شده است. این وضعیت پیامدهای مخرب در فرهنگ و جامعه روشندان خواهد داشت که بعضاً در دراز مدت ظاهر می شود.

درخواست و استدعای ما از متولیان امور این است که در یکی از نهادهای کلان مثل سازمان بهزیستی یا سازمان آموزش و پرورش استثنایی، نخست یک شورای عالی ایجاد شود. این شورا باید فراگیر باشد و همه اقشار را پوشش دهد و حتماً باید نمایندگان از مراکز مردم نهاد در آن حضور داشته باشند. سپس باید مصوبات آن به همه مناطق ارسال گردد. نیز برای تخلف از مصوبات راه کارهایی تدبیر گردد.

البته شورایی که گاه فعال بوده، به دلیل عدم جامعیت قدرت و اقتدار لازم را اعمال نکرده است و نیاز به شورای گسترده، همگانی، ضابطه مند و فعال هست تا از تشتت ها و نابسامانی های موجود بکاهد.

ما به عنوان خادمان فرهنگ و جامعه روشندان، سال ها و دهه هایی در خدمت این قشر مبتکر و عزیز بوده و امیدواریم این هشدار را صرفاً نشانه دلسوزی و دغدغه خیرخواهانه ما بدانید.

برای سامان دهی به این مشکلات از ده سال قبل تلاش هایی در عربستان سعودی توسط دارالنشر البرایل وابسته به حرمین شریفین آغاز شد و مهم تر اتحادیه بین المللی خدمات قرآن های بریل **The International organization of Braille Quran Services** با نام اختصاری **IBQS** در ترکیه از سال ۲۰۱۰م تأسیس شد و مهم ترین سازمان ها و مراکز فعال قرآن بریل در جهان عضو این اتحادیه هستند. از ایران رودکی عضو است. هر سال جمع می شود و در رأس اموری که قرار بود فکری برای آن داشته باشند. عدم هماهنگی در قرآن های بریل منتشره در کشورها بوده است. اما تاکنون هیچ اقدامی عملی نه توسط عربستان و نه ترکیه و نه مالزی و اندونزی و نه هیچ کشور دیگر انجام نشده است.

پنج سال اخیر همه حرکت ها و فعالیت ها در حوزه قرآن بریل در جهان توسط دفتر فرهنگ معلولین پیگیری و رصد شده و گزارش های فعالیت ها مثل نشست ها، سمینارها و غیره تماماً در سایت دفتر و نیز در مجله توان نامه منعکس شده است. و

تلاش شده برای ایجاد اتحاد رویه و همسان سازی قرآن ها در ایران و سپس در جهان اسلام زمینه سازی گردد.

ص: ۱۳۲

مدیریت: اما معلوم نیست چه نهاد و سازمانی متصدی رسیدگی به این پنج مشکل است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان بهزیستی و سازمان دارالقرآن کریم کدام یک باید این مشکلات را رسیدگی کنند؟

معلوم نیست چه نهادی متصدی رسیدگی به امور فرهنگی معلولان است؛ چون خلأ قانونی هست. یعنی اساساً هیچ قانونی برای بریل و کتاب گویا نداریم. حتی در قانون جدید نیز که در شرف تصویب است. بریل و گویا بدون متصدی است.

اما سازمان بهزیستی که علی القاعده به مسائل معلولان نزدیک است می تواند این گونه امور را به کارشناسان خصوصی یا تشکل های مردمی معلولان به صورت پروژه واگذار نماید. (۱)

اکنون با قرآنی به خط بریل در ایران مواجه هستیم. این کتاب، تحولات بسیاری به خود دیده و مشتمل بر میراث بزرگی است ولی مشکلاتی هم دارد که قابل رفع است. ولی لازم است سازمان بهزیستی مسئولیت قرآن بریل را به یک تشکل مردمی یا نهاد دولتی بسپارد.

قرآن مبدأ: قبلاً گفته شد که به دلیل مشکلاتی که در قرآن عثمان طه هست، قرآن بریل هم دچار مشکل شده است. زیرا خط بریل، نوعی ترجمه و برگردان است. در هر ترجمه، دو متن وجود دارد، متن مبدأ و متن مقصد.

همه مراکز ایرانی که به قرآن بریل می پردازند، قرآن عثمان طه را مبدأ قرار داده و آن را تبدیل به بریل می کنند. سیاست و خط مشی دارالقرآن الکریم هم همین گونه است و بر قرآن عثمان طه اصرار می ورزند.

با نگاهی مختصر به قرآن های بریلی که در ایران یا خارج از کشور منتشر می شود، معلوم خواهد شد یک واژه را گاه با چند علامت بریل منتشر کرده و از علامت های مختلف بریلی استفاده شده است. از طرف دیگر هیچ ضابطه و آیین نامه که مقبول همگان باشد در دست نیست، مهم تر اینکه هیچ مرجع تصمیم گیر و واضح ضوابط وجود ندارد. نه تنها در ایران این وضعیت آشفته حاکم است بلکه در دیگر کشورها هم کمابیش همین طور است.

علت تشتت در قرآن بریل در چند چیز است:

۱- قرآن های مبدأ به زبان عربی دارای کتابت ها و رسم الخط های مختلف است. عثمان طه، طاهر خوشنویس، نیریزی و کامپیوتری در ایران از مشهورترین رسم الخط ها است. نیز در این یک رسم الخط خاص و ویژه خودشان هست. همچنین در سوریه، مالزی و اندونزی و غیره.

۲- عربستان سعودی در هر دو دهه اخیر تلاش کرده خط عثمان طه را به عنوان یک خط فراگیر بین المللی مطرح کند. از این رو آن را اصلاح کرده است. البته اصلاح شده خط عثمان طه هم ده ها تناقض و تهاوت دارد و رویه واحدی در سراسر آن به چشم نمی خورد. چه رسد به رسم الخط اصلی عثمان طه که به قول مرحوم محمد هادی معرفت هفت هزار مشکل دارد.

۱- . این مطلب به صورت مقاله با عنوان «بایسته ها درباره قرآن به خط بریل»، محمد نوری، توان نامه، تابستان ۹۴، ص ۲۱۰-۲۱۲، درج شده است.

لازم است در ایران از قرآن خطاطان مشهور استفاده شود و یک خط مثل نیریزی مورد توافق و اجماع قرار گیرد، سپس مشکلات آن رفع شود و به عنوان مبدأ بهره برداری شود.

اقتصاد بریل

هر پروژه ای اگر توجیه اقتصادی نداشته باشد، با مشکلات مواجه خواهد شد. چاپ متون بریل از نظر قیمت کاغذ، هزینه چاپ و نشر، هزینه صحافی، هزینه حمل و نقل و هزینه نشر همواره مشکلاتی داشته و به دلیل گرانی، قابل دفاع نیست. از این رو مسئولین امور فرهنگی و آموزشی نابینایان همواره در پی یافتن جایگزین بوده اند. برای مثال یک جلد قرآن وقتی تبدیل به بریل شود ۶ تا ده جلد می شود و حداقل سیصد هزار تومان هزینه می برد در حالی که همان قرآن به صورت کاغذی - بینایی حدود پنج هزار تومان و به صورت گویایی و روی CD حدود سه هزار تومان هزینه دارد.

برخی کشورها به روش های مختلف تلاش کرده اند هزینه های بریل را کاهش دهند و بریلی چاپ کنند ارزان تر باشد. از سوی دیگر نهادهای دولتی هم برای بریل بودجه مکفی و مستقل تصویب نکرده اند یا اگر بودجه ای مصوب وجود دارد، شفاف نیست و معلوم نیست دست کدام نهاد است و مسئول آن کیست؟ و چه کارهایی با این بودجه انجام داده اند؟

به منظور آشنایی با برخی مشکلات قرآن بریل، بخشی از مصاحبه ای آقای خوانین زاده مدیر مؤسسه رودکی را می آورم. این مؤسسه بزرگ ترین چاپخانه دستگاه بریل را در اختیار دارد و بیشترین متون بریل را منتشر کرده است.

آقای خوانین زاده می گوید: هر روز شاهد کاهش تمایل ناشران در زمینه تولید کتاب های «بریل» هستیم؛ البته هنوز مؤسساتی پیدا می شوند که در این زمینه فعالیت کنند اما همه می دانند که انتشار کتاب بدون همکاری ناشران امکان پذیر نیست.

مرکز نابینایان رودکی بزرگ ترین مرکز منابع مطالعاتی و خط بریل در کشور است که در آن انواع کتاب های منتشر شده ناشران، قرآن کریم، ادعیه مختلف، تقویم و سایر منابع به خط «بریل» تهیه می شوند و همچنین روزنامه «ایران سپید» راهم با همکاری مؤسسه روزنامه ایران منتشر می کند.

در تهیه کتاب ها به خط «بریل» به همکاری ناشران نیاز است. برخی از ناشران در این زمینه همکاری خوبی با مرکز توانبخشی نابینایان رودکی دارند که جا دارد از آنها به خاطر این همکاری، صمیمانه تشکر کنیم اما برخی از ناشران علی رغم پیگیری ما هنوز تصمیم به برقراری این ارتباط نگرفته اند. در چند سال اخیر به طور پیوسته در نمایشگاه های بین المللی کتاب تهران حضوری فعال داشته ایم و با برپایی غرفه سعی کرده ایم با ناشران حاضر در نمایشگاه ارتباط مؤثرتر و بیشتری داشته باشیم تا از این رهگذر همکاری خوبی با ناشران ایجاد کنیم.

آنچه ما از ناشران انتظار داریم این است که با ارائه فایل های حروف چینی شده، کتاب هایشان در محیط ورد (word) ما را در تبدیل این کتاب ها به خط بریل یاری کنند تا بدین وسیله منابع مطالعاتی بیشتری برای مطالعه نابینایان و کم بینایان سراسر کشور تهیه کنیم.

نابینایان و کم بینایان سراسر کشور از کتاب های بریل تهیه شده در مرکز توانبخشی نابینایان رودکی استفاده می کنند. بنابراین بی تمایلی به تبدیل کتاب های ناشران به خط بریل، محروم ساختن بخشی از جامعه از مطالعه کتاب های آنهاست و این در حالی است که نابینایان و کم بینایان علاقه وافری به مطالعه دارند و گواه این امر تعداد بالای فرهیختگان، دانش آموختگان و دانشجویان نابینا و کم بینا در کشور ماست.

هم اکنون آمار دقیقی از ناشرانی که با ما همکاری می کنند ندارم؛ اما اطلاع دارم که ناشرانی چون ثالث، مرکز، چشمه و نی که پیش از این همکاری خوبی با ما داشتند، حالا مردد شده اند.

به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پیشنهاد داده ایم که سیستم های تشویقی را به کار برد و ما هم با توجه به اینکه مرکز توانبخشی نابینایان رودکی، مرکزی غیر انتفاعی است و خدمات خود را صرفاً به کم بینایان ارائه می دهد، به ناشران اطمینان می دهیم که فایل های دریافتی از آن ها صرفاً برای فعالیت های غیر تجاری و استفاده نابینایان و کم بینایان به کار گرفته می شود.

ما همواره سعی کردیم در طول بیش از ۴ دهه سابقه فعالیت این مرکز در تولید کتاب های بریل، حقوق ناشران را محفوظ نگه داریم و در حفظ مالکیت معنوی آنها بکوشیم.

در پایان از ناشرانی که تاکنون همکاری خود را با مرکز توانبخشی نابینایان رودکی آغاز نکرده اند، تقاضا می شود ضمن بازدید از این مرکز و آشنایی با فعالیت های آن نابینایان و کم بینایان را با ارائه فایل های حروف چینی خود از مطالعه کتاب هایشان بهره مند سازند.

و اما با پیگیری ما از ناشرانی که پیش از این با مرکز توانبخشی نابینایان رودکی همکاری می کردند و هم اکنون با این مرکز قطع رابطه کرده اند مشخص شد که این ناشران به دلیل تعویض ریاست مرکز توانبخشی نابینایان رودکی و شخصی شدن این مرکز تمایلی به تداوم همکاری با این مرکز ندارند؛ زیرا تصور می کنند که معتبرترین متولی انتشار کتاب های بریل کشور با شخصی شدن، از هدف اصلی خود که ارائه خدمات به نابینایان و کم بینایان است فاصله گرفته و احتمال دارد که از نسخه اولیه کتاب ها برای کسب منافع تجاری بهره ببرد. (۱)

خلاصه و نتیجه گیری: قرآن بریل در هشت محور مزبور مشکلاتی دارد ولی همه اینها قبل پیگیری و مرتفع شدن است. هر مشکلی چاره ای دارد. اولین و مهم ترین اقدام برای چاره گشایی از مشکلات اطلاع رسانی است. به دلیل فقدان پژوهشی و فقدان اطلاع رسانی مناسب در زمینه قرآن بریل، اغلب مدیران، مردم و حتی خود نابینایان از مشکلات بی خبر هستند. در صورتی که اگر حداقل نیکوکاران جامعه نسبت به این موضوع مطلع شوند قطعاً وسط آمده و کمک می کنند.

ص: ۱۳۵

اشاره

ایجاد رویه واحد و شیوه همگانی در رسم الخط و چاپ و نشر در قرآن کریم یک ضرورت جدی است. هر کس نمی تواند قرآن را به سلیقه خود و بر اساس تجارب شخصی خودش منتشر کند. به ویژه در قرآن های خاص مثل قرآن برای نابینایان که با خط بریل آماده و در اختیار آنان قرار می گیرد. متأسفانه تاکنون نهادهای متصدی قرآن کریم مثل دارالقرآن هم ورود نکرده و هر مؤسسه با خرید یک دستگاه چاپ بریل اقدام به چاپ و نشر قرآن کریم می پردازند. اما برای ایجاد رویه واحد و به اصطلاح همسان سازی در کتابت و نشر قرآن کریم چه پیشنهاد و توصیه هایی وجود دارد؟

این فصل شامل چند مطلب در این زمینه است.

دستاوردها در زمینه رسم الخط قرآن کریم

اشاره

دستاوردها در زمینه رسم الخط قرآن کریم (۱)

چند مرکز در تهران، قم و برخی شهرهای دیگر به انتشار آثاری به خط بریل (برجسته، بسودنی، لمسی) در دهه های اخیر اقدام کرده اند. برای اینکه معلوم شود آیا این آثار تماماً از یک شیوه استفاده کرده یا از شیوه های متفاوت استفاده کرده اند، به بررسی این متون اقدام کردیم.

هدف این است که «همسان سازی» به شیوه پسینی بررسی شود. یعنی روی منابع بریل پس از انتشار، تحقیق و بررسی گردد. همسان سازی آرزوی دیرین همه کارشناسان بریل است و همگان آرزو دارند، همه متون با یک روش و با یک نوع قواعد و ضوابط عرضه شود. روش ما در بررسی این متون اولاً محدود به رسم الخط (در قرآن مشهور به رسم المصحف) است، دوم اینکه پنجاه متن را گزینش و فقط به آنها پرداخته ایم؛ سوم اینکه اکثر آثار بررسی شده، قرآن بریل است.

متون منتخب عبارت اند: از پنجاه عنوان کتاب بریل که توسط سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور تولید شده است. امید است در مراحل دیگر تمام آثار بریل تولید شده در ایران و جهان اسلام از این منظر بررسی شود. اهمیت این نوع بررسی در این است که تشتت شیوه و قواعد استفاده شده در متون بریل موجب تعارض و تضاد دیدگاه ها و نگرش های روشندان می گردد؛ در نتیجه تفاهم و تلقی واحد را در روشندان به مخاطره می افکند و تهدید می کند. از اینرو ایجاد یک رویه واحد بر مبنای رسم الخط یکسان توسط همگان و همه مراکز ضروری است.

ص: ۱۳۷

آقایان عزیزاده و یوسفی حدود سه دهه به آموزگاری و ترویج بریل مشغول بوده اند و تسلط قابل توجه بر متون بریل دارند و در پاسخ به درخواست مزبور، این مقاله را تألیف کردند. آنان دانشی که به نام نقد ادبی **Literary criticism** معروف است، به تحلیل متن و ساختار آن، نظریات مندرج در متن و نشانه شناسی آن می پردازند چون این نکات قابل تعمیم به متون بریل هم هست. اما نقد ادبی بریل، رشته ای کاملاً جدید و ابتکاری است که لزوماً باید به تدریج با همین گونه مقالات آغاز و پیشرفت نماید.

اختراع خط تحول و انقلابی در سرنوشت بشر به وجود آورد. تا پیش از این اختراع، ارتباطات شفاهی برقرار بود. خط، کتابت و قواعد نگارشی را به همراه آورد. و مردم یاد گرفتند بر اساس ضوابط متعارف بنویسند.

خط بریل هم وقتی در نیمه نخست سده ۱۹ میلادی اختراع شده، کافی نبود، و لازم بود قواعد و ضوابط کتابت بریل هم تدوین و مصوب شود. برخی از این قواعد مشترک بین همه زبان ها است مثل برجستگی نقطه ها؛ هر جدول شش نقطه دارد و برخی از قواعد منحصر به یک زبان است.

برای نمونه بریل فارسی، با بریل انگلیسی قواعد متفاوت و متمایز دارند. این ضوابط مربوط به کتابت و املا است. قرآن کریم قرائت و کتابت دارد. قرائت و خواندن قرآن ضوابط و اصولی دارد و قاریان از دوره رسالت، آغاز به تدوین کتاب هایی درباره قرائت و ضوابط آن نمودند. حضرت علی (ع) اولین کاتب و املاء کننده وحی بود و کتابی هم در اسن باره به نام رسم المصحف نوشت. ضوابط و قواعد کتابت قرآن کریم از سده نخست قمری به نام رسم المصحف مشهور شد. رسم المصحف به تدریج به صورت یکی از علوم قرآن جا افتاد و فراگیر شد.

پس از اختراع بریل قرآنی نیاز است تا رسم المصحف بریل هم تدوین گردد. هم اکنون بریل فارسی دارای ضوابط و قواعدی است که بین بریل نویسان و نابینایان متعارف و مرسوم شده است. در جاهایی هم که ایرانیان قرآن بریل استفاده می کنند، سعی در اجرای قواعد بریل عربی دارند.

اما این تحقیق درصدد مروری بر متون بریل و استخراج اهم قواعد بریل اجرا شده است به ویژه در مورد قرآن های بریل است. این ضوابط را می خواهیم استخراج، و فهرست کنیم. نیز هدف دیگر ما، کشف موارد متعارض و غیر همسان است. بلکه این کشف ها، مقدمه ای باشد برای تلاش همگانی برای اجرای ضوابط همسان و یکسان.

دستاوردها و نتایج

با بررسی حدود ۵۰ کتاب بریل تولید شده در سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور و سازمان بهزیستی کشور نتایج زیر به دست آمد.

۱- تقریباً نشانه ها در زبان و رسم الخط بریل فارسی یکی است و فقط در موارد جزئی مثل نوشتن ابیات و مصراع های شعر تفاوت اندکی دارد.

۲- در زبان عربی و رسم الخط قرآن نشانه ها یکی است.

۳- در خیلی از موارد نکات تجویدی که در رسم الخط بینایی رعایت می شود در رسم الخط بریل رعایت نشده است و آن به این دلیل است که برخی از کسانی که در چاپ و برگردان خط بریل فعالیت دارند از این علائم آگاهی نداشته اند. در شیوه

های تجوید و تلاوت قرآن خلاً نبود یک مرکز یا مؤسسه متمرکز نظارتی بر روی برگردانی خط بینایی به بریل وجود دارد.

هدف دیگر از این نوشتار، تطبیق و تلفیق رسم الخط بریل با قواعد نگارش و رسم الخط قرآن مجید و عربی و کمک به انتشار دیگر آثار اسلامی مانند نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و بحارالانوار می باشد که امیدواریم توانسته باشیم با استعانت و یاری پروردگار، گامی هرچند کوچک در این راه برداریم که

ص: ۱۳۸

مورد قبول پروردگار و نیز مورد توجه خوانندگان و روشندان عزیز قرار گیرد. انشاءالله عزیزان دیگری که در این حوزه فعالیت می کنند به تقویت و پویایی این تلاش کمک کنند.

۴- قرآن مجید در شب قدر که یکی از ایام پر ارج و از بهترین شب های ماه مبارک رمضان است از سوی پروردگار عالم بوسیله فرشته مقرب در گاهش جبرئیل بر قلب پیامبر اسلام نازل گردیده است. این کتاب،

شریفترین، کاملترین و جامع ترین کتب آسمانی است و در هدایت همه انسان ها مؤثر است.

از سوی دیگر از بدو نزول قرآن تاکنون دانشمندان مختلف کتاب های فراوان درباره هر یک از موضوعات این کتاب الهی نگاشته اند و از جمله درباره قرائت و تلاوت، تجوید قرآن و رسم الخط آن که بحث و بررسی هر یک از موضوعات فوق مفصل است و نیازمند مباحثی طولانی است. نیز در زمینه رسم الخط بریل، تلاش هایی شده است.

لازم است برای همسان سازی و ایجاد رویه واحد اقدام فراگیر و اساسی بشود.

۵- در نوشتن این جزوه علاوه بر منابع و مآخذی که در آخر به آنها اشاره می شود از نوشته ای با خبر شدیم که با همکاری و کمک مداوم برادر ارجمند آقای بنوان سیکر آلامی که از مدرسین محترم حوزه علمیه قم در سال ۱۳۶۲ بوده تهیه شده است. تحصیلات ایشان در رشته زبان و ادبیات عرب است و دارای درجه لیسانس از دانشگاه بغداد و کارشناسی ارشد از دانشگاه قاهره می باشند. آقای بنوان سیکر آلامی چون از طفولیت نابینا بوده اند با خط عربی و بریل عربی نیز با متون مختلف عربی از جمله قرآن کریم به خط بریل آشنایی کامل داشتند.

رسم الخط قرآن مجید مطابق قواعد و زبان عرب می باشد. در صدر اسلام آیات قرآن را حفظ می کردند و با خط کوفی می نگاشتند. از قرن چهارم به بعد خط نسخ به سبب آسانی و نیکویی رواج یافت و جایگزین خط کوفی گردید. در رسم الخط قرآن شریف از زمان پیامبر بزرگوار اسلام تاکنون تغییری داده نشده و دخل و تصرف در آن مجاز نمی باشد.

۶- طرز نگارش قسمت اعظم کلمات قرآنی موافق لفظ است یعنی به همان صورت که نوشته شده خوانده می شود ولی در بعضی کلمات خط موافق لفظ نیست یعنی به صورتی که نوشته شده خوانده نمی شود و به همین سبب گویند قرائت قرآن موقوف بر سماع است و به همانگونه که از پیغمبر اعظم (ص) نقل شده باید تلاوت گردد و رأی و اجتهاد در آن راه ندارد. از طرفی شناسایی کامل رسم الخط قرآن نیز برای صحت قرائت لازم و ضروری است لیکن ذکر تمام موارد گوناگون آن موجب تطویل کلام خواهد شد. نیز به سبب آنکه همکاران محترم با رسم الخط چاپی (بینایی) قرآن آشنایی دارند، اینک به تشریح رسم الخط و علائم و نشانه هایی که برای نگارش قرآن به خط بریل لازم است می پردازیم.

قواعد و ضوابط

حروف تهجی یا الفبای عربی مبنای الفبایی بریل شد. مجموع حروف از «الف» تا «باء» را حروف تهجی می نامند. که تعداد آنها را بعضی ۲۸ حرف و برخی الف را هم اضافه کرده اند و ۲۹ حرف گفته اند که عبارتند از: الف ا ب ت ث ج ح خ د ذ

رزس ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ك ل م ن و ه ی. البته در مورد همزه در ادامه توضیح داده خواهد شد.

ص: ۱۳۹

این حروف هم الفبای متعارف عربی و هم الفبای بریل عربی است؛ با این تفاوت که زبان متعارف مسطح و با سیاهه قابل دیدن، نوشته می شود؛ اما در بریل با نقطه های برجسته و قابل لمس نگاشته می شوند. غیر از حروف، نشانه ها یعنی حرکت ها و اعراب هم در خط بینایی و هم خط بریل نگاشته می شوند.

حرکات چهارگانه: چهار حرکت و علائم بریل آنها به شکل زیر است:

- علامت فتحه در بریل نقطه ۲ می باشد که بعد از حروف مفتوح قرار می گیرند.

- علامت کسره در بریل نقاط ۱ و ۵ می باشد که بعد از حروف مکسوره می آید.

- علامت ضمه در بریل نقاط ۱ و ۳ و ۶ می باشد که بعد از حروف مضموم به کار می رود.

- علامت ساکن در بریل نقاط ۲ و ۵ می باشد.

همزه و الف: تفاوت میان همزه «ه» و «الف» آنست که، همزه در اول، وسط و آخر کلمه واقع می شود و حرکت را قبول می کند مانند أَكَلٌ، سَأَلَ، بَدَأَ، ولی «الف» قبول حرکت نمی کند و همواره ماقبل مفتوح است، و به سبب آنکه ممکن نیست کلمه ای با حرف ساکن تکلم شود، هیچگاه «الف» در اول کلمه یافت نشده ولی در وسط یا آخر آن واقع می گردد و همواره به شکل «الف» نوشته می شود: مانند قَالَ، نَازَ، سَارَ، مَمَّا، دَعَا

تبصره: چون الف همیشه ساکن و ماقبلش مفتوح است، لذا در رسم الخط قرآن های چاپی کشورهای عربی، پاکستان، هندوستان و بعضی از قرآن های چاپ ایران، ماقبل «الف» ها فتحه گذارده شده است و نیز ماقبل «یاء» ساکن ماقبل مکسوره، کسره می آید مانند: رَزَقْنَا، إِيَّاكَ، كَانَ، أَبْوَابٌ، فِيهِ، قِيلَ. لیکن در اکثر قرآن های چاپ کشور ایران به جای فتحه و کسره، الف مقصوره «ا» نگاشته می شود. مانند: أَبْوَابٌ، حالا با توجه به مطالب بالا به نکات زیر توجه کنید:

صدای (ا): صدای ا در قرآن به چهار شکل آمده است ولی علامت آن در رسم الخط چاپی (بینایی) در همه جا یکسان است و آن الف کوتاهی به این شکل (ا) است که روی حرفی قرار می گیرد، و آن حروف با صدای «ا» خوانده می شود، مانند: دَعَا، يَغْشَى، يَسْعَى، تَقْوِيهَا، ذَلِكْ، حَيَوَةٌ،

- نمایش الف مقصوره در رسم الخط بریل:

وقتی که الف مقصوره بر روی یکی از حروف به غیر از حرف «ی» قرار بگیرد، نمایش آن در متون بریل نقطه ۵ است. مانند: رَحْمَنٍ ذَلِكْ

ولی اگر به صورت (ی) در وسط یا آخر کلمه باشد برای نمایش آن در بریل بدون نوشتن (ی) از نقاط ۱ و ۳ و ۵ استفاده می شود. مانند: أَدْبِكَ تَقْوَى

تنوین: اسم این سه علامت (ءٌ) تنوین است این علامتها در آخر بعضی از کلمات می آید و نشانه یک نون ساکن است که نوشته نمی شود ولی خوانده می شود و همواره به صدا و حروف ماقبل خود می چسبند. تنوین مختص به اسم است نه فعل و حروف و همیشه در آخر اسم قرار می گیرد. به علامت (ء) نصب و به علامت (ِ) جر و به علامت (ه) رفع می گویند و به کلماتی که دارای علائم فوق می باشند به

ص: ۱۴۰

ترتیب منصوب، مجرور و مرفوع می گویند و نمایش آنها در متون بریل: علامت نصب نقاط ۲ و ۳ علامت جر نقاط ۳ و ۵ و علامت رفع نقاط ۲ و ۶ می باشند. حَسَنَةٌ

تای گرد: علامت «ه» و یا «ه» که در کلمات عربی به کار میرود، به «تای گرد» هم مشهور است که در بریل برای نمایش آن از نقطه های ۱ و ۶ استفاده می شود که در مثال های بالا به کار رفته است.

تشدید «ه»: اگر در یک کلمه یک حرف دوبار پشت سرهم بیاید به طوری که اولی ساکن و دومی دارای حرکت باشد، حرف ساکن را بر می دارند و به جای آن یک تشدید روی حرف دیگر می گذارند.

یعنی تشدید به جای یک حرف ساکن می نشیند و ما را از دو بار نوشتن آن در کلمه بی نیاز می کند. حرفی را که دارای تشدید باشد، مشدد می گویند. در خط بریل برای نوشتن علامت تشدید از نقطه ۶ استفاده می شود. مانند: ذَرَّةٌ

پایه همزه: همزه در اول کلمه به صورت «أء» و در وسط و آخر کلمه به صورت «أ ؤ ء ء» می آید. همزه گاهی روی یکی از سه حرف (ا، و، ی) می نشیند که در این صورت این حروف خوانده نمی شوند و فقط همزه ای که دارای علامت است خوانده می شود.

اشکال مختلف همزه در بالا نشان داده شد در متون بریل نیز چنین نوشته می شوند:

(ء) نقطه ۳

(أ) یا الف همزه نقطه های ۳ و ۴

(ؤ) یا واو همزه نقطه های ۱ و ۲ و ۵ و ۶

(ئئ) یا یاهمزه نقطه های ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶

توجه شود که هنگام برگردان متون عربی و آیات قرآن مجید از خط بینایی به خط بریل به منظور صرفه جویی در حجم کتاب برای جلوگیری از ابهام و نیز ایجاد سهولت و سرعت در خواندن بریل، از نوشتن فتحه ماقبل (الف) و کسره ی ماقبل (یا) و ضمه ی ماقبل واو خوداری می نماییم و آنها را نمی نویسیم. البته لازم به تذکر است که در موارد فوق «الف» و «یا» و «واو» ساکن می باشند. در غیر این صورت نمی توان فتحه یا کسره یا ضمه را حذف نمود. مانند: كَانَ قَيْلٌ يَعْلَمُونَ

علامت مدّ: «مدّ» یعنی کشش و کشیدن و در اصطلاح تجویدی عبارت است از کشیدن صوت در مواردی مخصوص که به اختصار درباره آن توضیح می دهیم.

حروف مدّ: حروف مدّ سه تا هستند که عبارتند از «واو» ماقبل مضموم و «الف» ماقبل مفتوح و «یاء» ماقبل مکسور

سبب مدّ: سبب مدّ دو چیز است همزه «ء» و سکون

اقسام مدّ بر دو قسم است: واجب یا مُتَّصِل و مستحب یا مُنْفَصِل. هرگاه حروف مد هر دو در یک کلمه جمع شوند، ایجاد مد متصل می شود و اگر حروف مد در یک کلمه و سبب مد در کلمه جمع شوند، ایجاد مد منفصل می شود.

مقطعه ها: در آغاز بعضی از سوره های قرآن، یک حرف یا مجموعه ای از چند حرف قرار گرفته اند که به آن «حروف مُقَطَّعَه» می گویند و باید جدا جدا تلفظ شوند. بعضی از این حروف دارای علامت مدّ هستند که در موقع خواندن باید آنها را به صورت کشیده خواند مانند: الم که خواننده می شوند اَلِف لام میم

ص: ۱۴۱

در بریل برای نمایش مد متصل از نقاط ۲ و ۴ و ۶ استفاده می شود و برای نشان دادن علامت منفصل از نقاط ۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ۶ استفاده می کنیم که در هر دو مورد علامت مد بعد از حرفی که در بینایی مد بر روی آن قرار گرفته (حرف ممدود) نوشته می شود.

تبصره ۱: در بریل عربی برای نشان دادن «لا» از نقطه های ۱ و ۲ و ۳ و ۶ استفاده می شود که به صورت کلمه ای منفرد یا جزئی از یک کلمه می توان آنرا به کار برد.

تبصره ۲: هرگاه در خط بینایی علامت مد بر روی «ی» و یا «ی» قرار گیرد، و نیز هرگاه بر روی حرف ما قبل الفی که دارای مد است و الف مقصوره دارد قرار گیرد، در هنگام برگردان به خط بریل نوشتن علامت «الف مقصوره» یعنی نقطه ۵ ضرورت ندارد.

وقف و علائم آن: هنگام خواندن قرآن، اغلب در آخر آیه ها، یا در وسط آیات طولانی، مقداری توقف کرده، نفس تازه می کنند، این توقف و ایستادن را وقف می نامند. در قرآن مجید حروف ریزی در وسط یا آخر آیات مشاهده می شود که این حروف علائم وقف می باشند که مهمترین آنها شش علامت است. (م ل ا ط ج ز ص) که وسیله شیخ ابوجعفر سجاوندی وضع گردیده و به «علائم سجاوندی» معروف است و در همه چاپهای قدیم و جدید قرآن موجود می باشد. این رموز و علائم اختصاری برای مشخص ساختن جای مناسب برای توقف و تنفس و در نتیجه حفظ ارتباط میان الفاظ و معانی آنها می باشد.

همچنین باید توجه داشت که در خط بینایی علائم فوق بر روی کلمه ای که یکی از حالات مشروحه ذیل را داراست قرار می گیرند ولی در خط بریل، علامات وقف قبل از کلمه و چسبیده به آن نوشته می شوند.

شرح علامات وقف: «م»، علامت «وقف لازم» است و در جایی گذاشته می شود که بایستی حتماً وقف شود و رعایت نکردن آن سبب تغییر معنی می گردد. در بریل از نقاط ۲ و ۳ و ۵ استفاده می شود.

«لا-» علامت وقف ممنوع است و در جایی گذاشته می شود که اگر وقف شود ارتباط کلمات در یک جمله به هم می خورد و معنی آن تغییر می یابد، بنابراین وقف جایز نیست و به آن وقف قبیح نیز می گویند که در بریل از علامت نقطه های ۱ و ۳ و ۶ استفاده می شود.

«ط» علامت وقف مطلق است و در مواردی که عبارت، از نظر لفظ و معنی کامل باشد نهاده می شود و آنرا وقف تام نیز می گویند که در بریل از نقاط ۱ و ۲ و ۵ و ۶ استفاده می شود.

«ج» وقف جایز است و در محلی که عبارت از نظر لفظ تمام و از نظر معنی از تباط به بعد دارد قرار می گیرد و آنرا وقف کافی نیز می گویند که در بریل از نقاط ۳ و ۵ و ۶ استفاده می شود.

«ز» علامت وقف مُجاز است در جایی که وقف و وصل هر دو جایز است اما وقف نمودن بهتر می باشد قرار می گیرد و به آن وقف حَسَن نیز می گویند که در بریل از نقاط ۲ و ۵ و ۶ استفاده می شود.

«ص» علامت وقف مرخص است و آن در صورت طولانی بودن آیه و ناچاری از تنفس است که در محل مناسب نهاده می شود. و در بریل از نقاط ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ استفاده می شود.

تبصره: علامت کذالك یعنی هر حکمی برای جمله قبلی از رموز بوده برای اینجا نیز چنان است که در بریل از نقاط ۴ و ۶ استفاده می شود و به حرف اول کلمه می چسبد.

ص: ۱۴۲

ادغام: در بسیاری از قرآن‌ها روی نون یا بین دو کلمه میم کوچکی گذاشته می‌شود تا خواندن نون ساکن را قلب میم نموده و میم تلفظ نماید و آن را ادغام می‌گویند که در بریل از نقاط ۲ و ۳ و ۵ و ۶ استفاده می‌شود و همیشه بعد از نون و چسبیده به آن می‌شود.

حزب: می‌دانیم قرآن مجید دارای ۳۰ جزء است و هر جزء دارای ۴ حزب می‌باشد که در قرآن‌های با چاپ مختلف هر کدام پایان هر حزب را به نوعی مشخص کرده‌اند. همانطور که گفتیم هر جزء ۴ حزب دارد که در بریل پایان هر حزب را با یک علامت عدد یعنی نقاط ۳ و ۴ و ۵ و ۶ که از دو طرف یک خانه فاصله می‌گیرد نشان می‌دهند و بهمین ترتیب حزب دوم را با ۲ علامت عدد و حزب سوم را با ۳ علامت عدد و حزب ۴ را به ۴ علامت عدد که نشان دهنده پایان جز است و با ۴ علامت عدد بدون فاصله در نظر می‌گیرند.

دیگر نکته‌ها: غیر از موارد مزبور چند بحث دیگر هست که توضیح می‌دهم.

۱- همیشه قبل از نوشتن هر سوره مشخصات آنرا ذکر می‌کنیم از جمله نام سوره، مکی یا مدنی بودن سوره (یا اینکه مکی و چند آیه مدنی می‌باشد)، تعداد آیات، سوره، زمان نزول سوره و در آخر هر آیه شماره‌های آیه را با یک خانه فاصله می‌نویسیم.

۲- در موقع نوشتن آیات قرآن به خط بریل هرگز نمی‌توان به دلیل کمبود جا کلمه‌ای را دو قسمت کرد و مثلاً مانند لغات فارسی نصف یک کلمه را در انتهای سطر و نیم دیگر را در سطر بعد نوشت. بلکه باید تمامی حروف و صداها یک کلمه بطور کامل در انتهای سطر و یا در ابتدای سطر بعد نوشته شود.

۳- در فارسی به این حرف (آ) آ اول گفته می‌شود و معمولاً این حرف در اول کلمه می‌آید مانند آب، آش و غیره ولی در عربی به آ مدّی معروف است که در برگردان آن به بریل چه در فارسی و چه در عربی از نقاط ۳ و ۴ و ۵ استفاده می‌شود.

۴- وقتیکه «الف و لام» تعریف بر سر کلمه‌ای می‌آید برای الف، حرکت فتحه را نمی‌گذاریم.

۶- در بریل عربی علائم نقطه گذاری همانند علائم نقطه گذاری در بریل فارسی می‌باشد به جز در سه مورد:

الف) «کاما»، «نقطه ۵ ب) سمی کالن نقاط ۵ و ۶ ج) علامت دونقطه «:» که شامل دو خانه می‌باشد که از خانه اولی نقطه ۵ و از خانه دومی نقطه ۲ را تشکیل می‌دهد. (۱)

ص: ۱۴۳

۱- جزوه آموزشی نگارش قرآن مجید، سید مهدی صادقی نژاد؛ جزوه آموزشی قواعد بریل، محمد رضا نامنی؛ علائم و نشانه‌های بریل در زبانهای مختلف، انتشارات یونسکو؛ جزوه آموزشی، گردآوری، تدوین و تثبیت علائم و نشانه‌های بریل، سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور؛ کتابشناسی خط فارسی، کاظم استادی؛ «انتقادی»، عباس اقبال آشتیانی، مجموعه

مقالات عباس اقبال؛ «خط»، جمعی از نویسندگان، دانشنامه جهان اسلام.

شیوه‌شناسی برجسته‌نگاری قرآن کریم (۱)

قواعد کتابت بریل (بسودنی یا ناینایی یا لمسی) برای قرآن کریم براساس نکات مذهب شیعه و فرهنگ پارسی یک ضرورت است.

کار سترگ و سنگین برجسته‌سازی به ویژه برای بومی شدن و اسلامی شدن بریل و تعویض محتوا و صورت آن در قالب و صبغه فرهنگ اسلامی بیش از طاقت یک فرد است و لازم است نهادها یاری رسانند. تا این پروژه عظیم به سامان و پایان رسانده شود.

اما لازم است راجع به این پروژه اطلاع‌رسانی و ضرورت آن تبیین گردد. در این صورت قطعاً نیکوکاران و مراکزی به کمک می‌شتابند. از اینرو مشکل اساسی در جامعه معلولین این است که اطلاع‌رسانی به روز و جامع وجود ندارد.

از آن جا که خط بریل طبق قانون کتابت لاتین از سمت چپ به راست انجام می‌گیرد، (زیرا مخترع این خط فرانسوی بوده است) لذا تا کنون هر کتاب اسلامی و غیر اسلامی، درسی و غیر درسی که برای نایناییان نوشته شده طبق قانون فوق‌الذکر صورت گرفته است. اما بنده در مطالعات خودم همیشه برایم این سؤال ایجاد می‌شد، که چرا قرآن کریم با توجه به قانون کتابت مسلمین و همچنین عرف کتابت در کشورهای اسلامی که از راست به چپ می‌باشد، نوشته نشده است؟! چرا باید حتماً آموزش خط بریل و کتابت آن از قانون نوشتار لاتین تبعیت کند؟ شاید این کار هم نمونه‌ای از استعمار فرهنگی تلقی شود که متأسفانه مسئولان فرهنگی و آموزشی کشورهای اسلامی به آن توجه ندارند. آیا این غریب‌دگی نیست که تمام نایناییان جهان که بسیاری از آن‌ها از کشورهای اسلامی و عربی هستند باید به همین روش لاتینی از دبستان تا دانشگاه آموزش ببینند؟ بنده ضمن درس خواندن در مراکز علمی حوزه علمیه با مشقت و سختی فراوان سالیان زیادی است که توفیق کتابت قرآن کریم، مفاتیح الجنان، رجال و درایه و تفسیر قرآن کریم را به روش خط متعارف مسلمین برای نایناییان دارم. ضمناً تلاش برای گویاسازی کتاب‌ها از اهداف دیگر بنده بوده است که تا کنون حدود بیست و شش هزار جلد کتاب معتبر برای نایناییان گویا شده است. من اسم این علائم و خطوط را خط برجسته اسلامی ویژه نایناییان گذاشته‌ام، نه خط بریل چون دیگر نیازی به نوشتن و خواندن از چپ به راست نداریم.

ص: ۱۴۴

۱- این مطلب متکی بر تجاربی است که سید عبدالعلی حسینی (روحانی، روش‌شناس و پژوهشگر ساکن قم) طی چند دهه پژوهش بر روی قرآن بریل به دست آورده است. سید عبدالعلی حسینی در اسفند ماه ۱۳۵۳ش در کابل افغانستان چشم به جهان گشود و هم‌اکنون حدود چهل بهار از زندگی او می‌گذرد. در سه سالگی بر اثر حادثه‌ای کاملاً نابینا شد. او حافظ و

قاری قرآن کریم و نهج البلاغه است. در ارتقای برنامه جاز و آماده سازی آن برای روشندان، فعالیت مستمر داشت. نیز در عرصه بریل خدماتی داشته است. اقداماتش در این زمینه عبارت اند از: بومی سازی خط بریل به ویژه به هنگام نگارش قرآن کریم و ادعیه و متون دینی. مهم ترین مسأله از چپ به راست نویسی بریل است که مخالف رویه و ساختار خط عربی است. ایشان تلاش کرده خط بریل مثل خط عربی از راست به چپ نوشته شود. نیز برنامه ای برای کوتاه نویسی قرآن کریم ابداع کرد. متن قرآن کریم با ۷ روایت از قرائت های معروف را با خط بریل ولی به روش کوتاه و مختصرنگاری تدوین کرد. این متن مورد استقبال نهادها و مراکز قرآنی در جهان اسلام قرار گرفت و قرار شد دولت کویت آن را منتشر کند. تلاش دیگر آقای حسینی تدوین خط بریل و علایم اختصاری آن برای دانش های رجال و درایه بود. این متن سال ها در دانشکده الهیات دانشگاه تهران، متن درسی برای نابینایان بوده است. (نک: مشاهیر تشیع در افغانستان، ج ۲، ص ۴۳۷-۴۳۹)

از آن جا که خط بریل طبق قانون کتابت لاتین از سمت چپ به راست انجام می گیرد، (زیرا مخترع این خط فرانسوی بوده است) لذا تا کنون هر کتاب اسلامی و غیر اسلامی، درسی و غیر درسی که برای نابینایان نوشته شده طبق قانون فوق الذکر صورت گرفته است. اما بنده در مطالعات خودم همیشه برایم این سؤال ایجاد می شد، که چرا قرآن کریم با توجه به قانون کتابت مسلمین و همچنین عرف کتابت در کشورهای اسلامی که از راست به چپ می باشد، نوشته نشده است؟! چرا باید حتماً آموزش خط بریل و کتابت آن از قانون نوشتار لاتین تبعیت کند؟ شاید این کار هم نمونه ای از استعمار فرهنگی تلقی شود که متأسفانه مسئولان فرهنگی و آموزشی کشورهای اسلامی به آن توجه ندارند. آیا این غرزدگی نیست که تمام نابینایان جهان که بسیاری از آن ها از کشورهای اسلامی و عربی هستند باید به همین روش لاتینی از دبستان تا دانشگاه آموزش ببینند؟ بنده ضمن درس خواندن در مراکز علمی حوزه علمیه با مشقت و سختی فراوان سالیان زیادی است که توفیق کتابت قرآن کریم، مفاتیح الجنان، رجال و درایه و تفسیر قرآن کریم را به روش خط متعارف مسلمین برای نابینایان دارم. ضمناً تلاش برای گویاسازی کتاب ها از اهداف دیگر بنده بوده است که تا کنون حدود بیست و شش هزار جلد کتاب معتبر برای نابینایان گویا شده است. من اسم این علائم و خطوط را خط برجسته اسلامی ویژه نابینایان گذاشته ام، نه خط بریل چون دیگر نیازی به نوشتن و خواندن از چپ به راست نداریم.

علائم خط برجسته اسلامی در حرکات

علامت اَ = (فتحه)

علامت فتحه در بریل عربی نقطه ۲ می باشد که در خط برجسته اسلامی بعد از حرف مفتوح قرار می گیرد.

مانند: کَتَبَ

علامت اِ = (کسره)

علامت کسره در بریل عربی نقطه های ۱ و ۵ می باشد که در خط برجسته اسلامی بعد از حرف مکسور قرار می گیرد.

مانند: عَلِمَ

علامت اُ = (ضمه)

علامت ضمه در بریل عربی نقطه های ۱ و ۳ و ۶ می باشد که در خط برجسته اسلامی بعد از حرف مضموم قرار می گیرد.

مانند: فُتِحَ

علامت ساکن ۰

علامت ساکن در بریل عربی نقطه های ۲ و ۴ می باشد و در خط برجسته اسلامی آن را بعد از حروفی قرار می دهند که حرکت

ندارند و هر حرفی که علامت ساکن بعد از آن باشد، با کمک صدا و حرف قبل خوانده می شود.

مانند: تَمْلِكُ

علامت ا -

ص: ۱۴۵

صدای (ا) در قرآن به چهار شکل آمده است ولی علامت آن در رسم الخط چاپی (بینایی) در همه جا یکسان است و آن (الف) کوتاهی است به این شکل (ا) است که روی دو حرف قرار می گیرد. آن حرف با صدای (ا) خوانده می شود.

علامت تشدید (ا)

اگر در یک کلمه یک حرف دوبار پشت سرهم بیاید به طوری که اولی ساکن و دومی دارای حرکت باشد، حرف ساکن را بر می دارند و به جای آن یک تشدید روی حرف دیگر می گذارند. یعنی تشدید به جای یک حرف ساکن می نشیند و ما را از دوبار نوشتن آن در کلمه بی نیاز می کند حرفی را که دارای تشدید باشد (مشدد) می نامند. در خط برجسته اسلامی برای نمایش علامت تشدید از نقطه ۶ استفاده می شود که همیشه قبل از حرف مشدد باید نوشته شود.

مانند: ذَرَّةٌ

علامت مد (م)

مد یعنی کشش و کشیدن و در اصطلاح تجویدی عبارتست از کشیدن صوت در مواردی مخصوص که به اختصار توضیح می دهیم. حروف مد: حروف مد سه تا هستند، که عبارتند از (واو) ما قبل مضموم و (الف) ما قبل مفتوح و (یا) ما قبل مکسور. سبب مد: سبب مد دو چیز است: همزه (ء) و سکون (و)، اقسام مد: مد بر دو قسم است، واجب یا متصل و مستحب یا منفصل.

هرگاه حرف مد و سبب مد هر دو در یک کلمه جمع شوند، ایجاد مد متصل می کنند. مانند: حَاءٌ و اگر حرف مد در یک کلمه و سبب مد در کلمه بعدی قرار گیرند مد منفصل حاصل می شود. مانند: مَاءٌ أَنْزَلَ

در آغاز بعضی از سوره های قرآن کریم یک حرف یا مجموعه ای از چند حرف قرار گرفته که به آن (حروف مقطعه) می گویند. و باید جدا جدا تلفظ شود، بعضی از این حروف دارای علامت مد هستند که در موقع خواندن باید آن ها را کشیده بخوانیم مانند: ص که خوانده می شود. صاد.

در خط برجسته اسلامی برای نمایش علامت مد متصل از نقاط ۲ و ۴ و ۶ برای نشان دادن علامت مد منفصل از نقاط ۲ و ۴ و ۵ و ۶ استفاده می کنیم که در هر دو چیز علامت مد بعد از حرف که در بینایی مد بر روی آن قرار گرفته (حرف ممدود) نوشته می شود.

وقتی که (الف مقصوره) روی یکی از حروف، به جز حرف (ی) قرار می گیرد. در خط برجسته اسلامی برای نمایش آن از نقطه ۵ استفاده می شود. مانند: ذَلِكْ وَلِيْ اِذَا كَمْ وَلِيْ اِذَا كَمْ وَلِيْ اِذَا كَمْ [چه در وسط و یا آخر کلمه] در خط برجسته اسلامی بدون نوشتن حرف (ی) برای نمایش (ی) از نقطه های ۱ و ۳ و ۵ استفاده می شود.

مانند: تَقْوَى

علامت ایا (ی-یا)

هرگاه (الف مقصوره) در زیر حرف (ی) به صورت (ی) و (ی) نوشته شده باشد، در خط برجسته اسلامی باز هم از نقطه ۵ استفاده می شود. که البته قرائت آن به صورت (ا یا) حرف [مد] می باشد. مانند: دین

علامت تنوین (□□*)

ص: ۱۴۶

این سه علامت (◌◌◌) تنوین است. این علامت ها در آخر برخی از کلمات می آید و نشانه یک نون ساکن (ی) است که نوشته نمی شود ولی خوانده می شود. و همواره به صدا و حرف ماقبل خود می چسبند تنوین مختص به اسم است نه فعل و حرف و همیشه در آخر اسم قرار می گیرد. به علامت ◌◌◌ نصب و به علامت ◌◌◌ جر و به علامت ◌◌◌ رفیع می گویند و به کلماتی که دارای علائم فوق باشند به ترتیب: منصوب، مجرور، مرفوع گویند.

در خط برجسته اسلامی تنوین ها به این صورت نوشته می شوند. نصب (نقاط ۳ و ۲) جر (نقاط ۵ و ۳) رفیع (نقاط ۶ و ۲)

علامت (ه) و یا (ه) که در کلمات عربی به کار می رود به (تای) گرد مشهور است که در خط برجسته اسلامی برای نمایش آن از نقطه ۱ و ۶ استفاده می شود.

در خط برجسته اسلامی برای نشان دادن (لا) از ۱ و ۲ و ۳ استفاده می شود که چه به صورت کلمه ای منفرد و یا جزئی از یک کلمه می توان آن را به کار برد. هرگاه در خط بینایی علامت مد بر روی (ی) و یا (یا) قرار گیرد، و نیز هرگاه بر روی حرف ماقبل از الفی که دارای مد است، الف مقصوره قرار داشته باشد، در هنگام برگردان به خط برجسته اسلامی نوشتن علامت (الف مقصوره) یعنی نقطه ۵ ضرورت ندارد (مانند (الف مقصوره) در مثال دُعَاء)

علامت همزه

همزه به صورت (ء، ا) در اول کلمه و (أ، ا، ک، و، ؤ، ء، ئ) در وسط آخر کلمه می آید. همزه گاهی روی یکی از سه حرف (ا، و، ی) می نشیند که در این صورت این سه حروف خوانده نمی شود، و فقط همزه که دارای علامت است خوانده می شود. اشکال مختلف همزه در خط برجسته اسلامی چنین نوشته می شود. اَلْف همزه (نقاط ۴ و ۳) الفء (نقطه ۳) و واوهمزه (نقاط ۱ و ۲ و ۵ و ۶) یاء همزه (نقاط ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶)

توجه: در هنگام برگردان متون عربی و آیات قرآن مجید از خط بینایی به خط برجسته اسلامی به منظور صرفه جویی در حجم کتاب و به دلیل جلوگیری از ابهام و نیز سهولت و سرعت در خواندن خط برجسته اسلامی از نوشتن فتحه ماقبل (الف) و کسره ماقبل (یاء) که در موارد فوق (الف) و (یاء) و (واو) ساکن می باشد، خودداری می شود. در غیر این صورت نمی توان فتحه یا کسره یا ضمه را حذف نمود.

وقف و علائم آن

هنگام خواندن قرآن اغلب در آخر آیه ها با وسط آیات طولانی در پایان جمله ها مقداری توقف کرده، نفس تازه می کنند، این توقف و ایستادن را (وقف) می نامند. در قرآن مجید حروف ریزی در وسط و یا آخر آیات مشاهده می شود این حروف (علائم وقف) می باشند. که مهمترین آن ها شش علامت است. (م-لا-ط-ج-ز-ص) که به وسیله شیخ ابو جعفر سجاوندی وضع گردیده است. و به (رموز سجاوندی) معروف است و در همه چاپ های قدیم و جدید قرآن موجود می باشد. این رموز برای مشخص ساختن جای مناسب برای توقف و تنفس و در نتیجه حفظ ارتباط میان الفاظ و معانی آن ها می باشد.

توجه: در خط بینایی علائم فوق بر روی کلمه ای که یکی از حالات مشروحه ذیل را داراست قرار می گیرند. ولی در خط برجسته اسلامی، علامات وقف قبل از کلمه و چسبیده به آن نوشته می شوند.

شرح علامات وقف:

۱- م، علامت (وقف لازم) است و در جایی گذاشته می شود که بایستی حتماً وقف شود و رعایت نکردن آن سبب تغییر معنی می گردد، که در خط برجسته اسلامی از نقاط ۲ و ۳ و ۵ استفاده می شود.

۲- لا، علامت (وقف ممنوع) است و در جایی گذاشته می شود که اگر وقف شود ارتباط کلمات در یک جمله به هم می خورد و معنی آن تغییر می یابد بنابراین وقف جایز نیست و به آن وقف قبیح نیز می گویند (جز در آخر آیات که رعایت آن ضروری نمی باشد) که در خط برجسته اسلامی، از نقاط ۱ و ۳ و ۶ استفاده می شود.

۳- ط، علامت (وقف مطلق) است و در مواردی که عبارت از نظر لفظ و معنی کامل باشد نهاده می شود و آن را وقف تام می گویند که در خط برجسته اسلامی از نقاط ۱ و ۲ و ۵ و ۶ استفاده می شود.

۴- ج، علامت (وقف جایز) است و در محلی که عبارت از نظر لفظ تمام و از نظر معنی ارتباط به بعد دارد نهاده می شود و آن را وقف کافی نیز می گویند. که در خط برجسته اسلامی از نقاط ۳ و ۵ و ۶ استفاده می شود.

۵- ز، علامت (وقف مجوز) است و در حالی که وقف و وصل هر دو جایز است اما وقف نمودن بهتر می باشد نهاده می شود و به آن (وقف حسن) می گویند که در خط برجسته اسلامی از نقاط ۲ و ۵ و ۶ استفاده می شود.

۶- ص، علامت (وقف مرخص) است و آن در صورت طولانی بودن آیه و ناچاری قاری از تنفس است که در محل مناسب نهاده می شود و در خط برجسته اسلامی برای آن نقاط ۱ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ استفاده می شود.

توضیح ۱: از سایر رموز (ك) علامت كَذَلِكَ یعنی هر حکمی برای جمله قبلی از رموز بوده برای این جایز چنان است که در خط برجسته اسلامی از نقاط ۴ و ۶ استفاده می شود و به حرف اول کلمه می چسبد.

توضیح ۲: در بسیاری از قرآن ها روی نون پایین دو کلمه، میم کوچکی گذاشته شده است تا خواندن نون ساکن را قلب به میم نموده و میم تلفظ نماید. که در خط برجسته اسلامی از نقاط ۲ و ۳ و ۵ و ۶ استفاده می شود. و همیشه بعد از نون و چسبیدن به آن نوشته می شود، و وقتی هم که بین دو کلمه قرار می گیرد به آخرین حرف و یا علامت کلمه اولی می چسبد.

نکات دیگر و مهم: چند نکته دیگر در مورد قرآن کریم به خط برجسته اسلامی را تذکر می دهم:

۱- می دانیم که قرآن کریم دارای ۳۰ جزء می باشد و هر جزء ۴ حزب دارد که در چاپ های مختلف هر کدام پایان هر حزب را به نوعی مشخص نموده اند، همان طور که گفتیم هر جزء ۴ حزب دارد که در خط برجسته اسلامی پایان حزب اول از هر جزء را با یک علامت (نقاط ۳ و ۴ و ۵ و ۶) که از دو طرف یک خانه فاصله می گیرد نشان می دهد. و به همین ترتیب حزب دوم

را با ۲ علامت عدد و حزب سوم را با ۳ علامت عدد و حزب چهارم. (پایان جزء) را با ۴ علامت عدد که بدون فاصله از یکدیگر نوشته می شوند نشان داده می شود.

ص: ۱۴۸

۲- باید همیشه قبل از نوشتن هر سوره مشخصات آن را ذکر کنیم از جمله:

الف- نام سوره

ب- مکی یا مدنی بودن سوره (یا این که چند آیه مکی و چند آیه مدنی می باشد)

ج- تعداد آیات سوره

د- زمان نزول سوره

۳- در آخر هر آیه شماره همان آیه را با یک خانه فاصله می نویسیم.

توضیح، در موقع نوشتن آیات کلام الله مجید به خط برجسته اسلامی هرگز نمی توان به دلیل کم بود جا کلمه ای را به دو قسمت کرد و مثلاً مانند لغات فارسی نصف یک کلمه را در انتهای سطر و نیم دیگر را در ابتدای سطر بعد نوشت. بلکه باید تمامی حروف و صداها یک کلمه به طور کامل در انتهای سطر و یا در ابتدای سطر بعد نوشته شود.

۴- وقتی که (الف و لام) تعریف بر سر کلمه ای می آید برای الف حرکت فتحه را نمی گذاریم. مانند: الْقَمَرُ

نظام نوشتاری قرآن بریل فارسی

پایان نامه ای توسط نرجس منفرد دانشجوی کارشناسی ارشد در دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد تألیف و با عنوان نظام نوشتاری بریل فارسی عرضه شده است. استاد راهنمای او دکتر نادر جهانگیری و استادان مشاورش دکتر ابوالقاسم قوام و میرسجاد موسوی و تاریخ دفاع تابستان ۱۳۸۹ بوده است.

این پایان نامه رهیافت های سودمند برای ترجمه های فارسی قرآن کریم دارد و می توان ترجمه های فارسی قرآن به خط بریل را براساس آن سامان دهی نمود.

مؤلف در این پایان نامه به نقد و بررسی نظام نوشتاری بریل فارسی پرداخته و پیشنهادهایی برای رفع نارسایی های آن ارائه کرده است. ابتدا تاریخچه کمتر شناخته شده نظام علائم لمسی بریل فارسی مورد بررسی قرار گرفت و انواع نشانه ها و قواعد نوشتاری بریل الفبایی فارسی، علائم لمسی علوم پایه و ریاضی و طرح های کوتاه نویسی بریل فارسی معرفی شد. سپس با تکیه بر تجربه عملی به بررسی نظری پیرامون نارسایی های نظام علائم لمسی بریل الفبایی فارسی پرداخت. مطالعات نظری آن ۸ ماه طول کشیده است. سپس به روش علمی به بررسی خطاهای خواندن و نوشتن دانشجویان نابینای فارسی پرداخت؛ همچنین با استفاده از آزمون «مهارت بین المللی بریل خواندن و نوشتن بریل»، جامعه آماری ۲۰ دانشجوی - ۱۰ دختر و ۱۰ پسر نابینای فارسی زبان - مورد آزمایش قرار گرفته اند. نتایج به دست آمده با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی تحلیل شده اند. نتایج بررسی نشان می دهد که به لحاظ نظری انطباق نظام علائم لمسی بریل فارسی با بینایی باعث کاهش دانش واجی دانشجویان نابینا و بروز انواع خطاهای خواندن و نوشتن شده است. سرعت خواندن ۶۲ واژه در

دقیقه به دست آمده و میانگین سرعت نوشتن با لوح قلم ۱۴ واژه و با ماشین پرکینز ۱۶ واژه در دقیقه به دست آمد. تفاوت معناداری بین نمره خواندن و نوشتن و سرعت خواندن و نوشتن در دو جنس دانشجویان نابینا مشاهده نشد. بین دو دست خوان و یک دست خوان تفاوت معناداری به دست نیامد. در نهایت پیشنهادهایی برای رفع برخی نارسایی های بریل الفبایی فارسی و طرح های کوتاه نویسی فارسی ارائه گردید.

این پژوهش از نادر تحقیقات دقیق و علمی در کشف مشکلات و نارسایی های بریل است. مؤلف پس از طرح تحقیق (شامل تعریف مسئله، سؤالات، پیشینه، روش، مراحل و نتیجه) در چهار فصل به بررسی می پردازد. فصل اول (نظام های علائم لمسی پیش از ابداع بریل) نخست هشت نظام علائم لمسی را معرفی کرده است. نام این نظام ها عبارتند از: نظام علائم لمسی والنترین های، نظام چارلز بارییر، نظام جیمز گال، نظام فرای، نظام آلستون، نظام ساموئل هاو، نظام لوکاس و فرر و بالاخره نظام مون.

در ادامه این فصل ویژگی ها و سیر پذیرش جهانی نظام بریل گزارش شده است.

فصل دوم (نشانه ها و قواعد نوشتاری بریل الفبای فارسی)، شامل انواع نشانه های لمسی بریل فارسی، قواعد نوشتاری بریل فارسی، نشانه ها در علوم طبیعی و ریاضی، کوتاه نویسی بریل فارسی، طرح گردآوری، تدوین و تثبیت علائم بریل فارسی است.

فصل سوم (مهارت خواندن و نوشتن بریل فارسی) به انواع شیوه ها و تقویت مهارت های بریل می پردازد.

فصل چهارم به بررسی میدانی و نمونه ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از نمونه ها می پردازد.

این پایان نامه نخستین تحقیق علمی و جامع درباره بریل فارسی است. از آنجا که ترجمه فارسی قرآن کریم به توسعه و بسط و تعمیق قرآن در ایران کمک کرده است، از این رو ضروری است به ترجمه فارسی به خط بریل اهتمام ویژه مبذول شود.

نخستین فعالیت رسمی برای همسان سازی

اشاره

مرکز طبع و نشر قرآن کریم برای اولین بار به موضوع یکسان سازی رویه ها و قوانین و همسان سازی قرآن بریل ورود پیدا کرد و با دعوت برخی مراکز تولید کننده قرآن بریل جلسه ای در شهریورماه ۹۵ نشست شکل گرفت و پس از چند روز بحث و مذاکره، آیین نامه ای منتشر گردید. متن دعوت نامه این گونه بود:

همان طور که از متن این نامه پیدا است قبلاً عده ای دور هم نشستند و آیین نامه ای تدوین کرده اند فقط درصددند در یک جلسه یک روز امضاء مراکز را هم بگیرند. اکنون از این جلسه یک روزه گزارشی تقدیم می گردد.

جلسه تدوین آیین نامه برای همسان سازی

پس از چند دهه تلاش نخبگان نابینا و تشکل های آنان بالاخره در یکم مهرماه ۹۵ مهم ترین رخداد تاریخی به نتیجه رسید و برای اولین بار در ایران و حتی در جهان اسلام، آیین نامه قرآن بریل البته فقط در بخش کتابت و صرفاً ضوابط مرتبط به کتابت و املاء قرآن کریم در نشست یک روزه به شرح زیر نهایی و تصویب شد.

تصویر

بخش دوم: مصحف بریل در ایران ۱۵۱



تشتت و چندگانگی قرآن هایی که به خط بریل در نیم قرن اخیر در ایران منتشر شده موجب تکدر خاطر و ناراحتی بسیاری از علاقه مندان به قرآن از یک طرف و دلسوزان جامعه نابینایان از طرف دیگر

ص: ۱۵۱

شده است. بر اساس آمار موجود حدود سی مرکز در ایران دارای امکانات چاپ و نشر قرآن کریم به خط بریل هستند، البته پنج مرکز فعال تر بوده اند. چون نظارت و قانونی وجود ندارد و نیاز به جواز هم ندارد و مهم تر شیوه عمل و آیین نامه ای قانونی و مصوب در اختیار این مراکز نیست، هر یک از این مراکز به سلیقه، تجارب و دانش خود به چاپ و نشر قرآن کریم می پردازند. این روند در طول پنج دهه تداوم داشته و هنوز ادامه دارد. اختلافات قرآن های منتشره به خط بریل در این سال ها تأثیر مخرب بر جامعه و فرهنگ نابینایان داشته است. البته خود نابینایان با اتکا بر تجارب خود و نیز به کمک گرفتن شنوایی و شنیدن آیات و سوره ها، تلاش کرده اند فقط به قوه لامسه و قرآن های به خط بریل بسنده نکرده و قرائت و دانش قرآنی خود را اصلاح کرده و به سطح عموم مردم برسانند.

اما به هر حال، اختلاف های متون قرآنی بریل موجب کندی آموزش قرآن کریم در این جامعه و تشتت در جلسات قرائت و عدم هماهنگی بین قاریان و حتی حافظان نابینا شده است. برعکس اگر یک متن در اختیار همگان باشد و همه فعالیت های قرآنی نابینایان بر محور یک مصحف بریل شکل بگیرد، حتماً پیشرفت فرهنگی و اجتماعی این جامعه سریع تر خواهد شد.

پیشینه فعالیت ها: فرهیختگان نابینا در دو نسل اخیر بسیار کوشیده اند تا به کمک مراکز و نهادهای دولتی یا توسط خودشان به یکسان سازی قرآن بریل برسند؛ جلسات فراوان گروهی در شهرهای مختلف تشکیل شد اما متأسفانه تا امروز نتیجه عملی به دست نیامد. اما امروز (یکم مهرماه ۹۵) با تقبل یکی از نهادهای قرآنی یعنی مرکز طبع و نشر قرآن کریم و پا پیش نهادن مدیریت این مرکز، راه برای تدوین و تصویب آیین نامه یکسان سازی هموار گردید. البته نباید تلاش های بنیاد فرهنگی قرآنی روشندان اصفهان و مدیر آن سید مرتضی نیکزاد را فراموش کرد. همچنین آقایان عباسی و مشایخی از مؤسسه رودکی (ریحانه) هم به کمک آمدند و یک رخدادهای بزرگ تاریخی را رقم زدند. مسلماً یکسان سازی قرآن بریل در تاریخ به نام مرکز طبع و نشر قرآن کریم به ویژه آقایان مستفید، سید مهدی سیف و مرتضی توکلی از مدیران ارشد این مرکز؛ نیز سید مرتضی نیکزاد و مجید مشایخی و محمد عباسی یعنی این شش نفر ثبت خواهد شد. علاوه بر آن از دعا و ذکر خیر همه مؤمنان و نابینایان علاقه مند به قرآن کریم برخوردار خواهند شد. دفتر فرهنگ معلولین که در تمام سنوات گذشته طرفدار یکسان سازی قرآن بریل بوده و در این زمینه مطالب بسیار منتشر کرده به نوبه خود از همه این آقایان تشکر می نماید.

یکم مهرماه به عنوان روز تاریخی یکسان سازی

لازم است مسئولین سازمان بهزیستی به عنوان اصلی ترین نهاد متصدی امور معلولان و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان مسئول امور فرهنگی، یکم مهرماه را به عنوان یک روز تاریخی و به نام «روز یکسان سازی قرآن بریل» در تقویم ملی ایران ثبت کنند. همچنین پیشنهاد می گردد، نمایندگی یونسکو در ایران و نماینده ایرانی آن یعنی وزارت علوم این روز و این رخداد را در سازمان یونسکو به نام این شش تن ثبت نماید.

از طرف دیگر لازم است تمامی نهادهای نایبانی اعم از مردمی و دولتی تقدیرنامه ای هم برای سه مرکز رودکی، بنیاد روشندان و مرکز طبع و نشر قرآن و هم برای این شش نفر تقدیم نموده و مراتب سپاس خود را اعلام نمایند. نیز سزاوار است، جلسه ای در تهران با حضور مدیران مرکز و نهادهای نایبانی کشور از شهرهای مختلف منعقد گردد و لوح تقدیری از طرف همگان به این آقایان و این سه مرکز به عنوان پیشقراولان یکسان سازی قرآن بریل تقدیم نمایند.

البته لازم است به جای واژه بریل که اصالتاً خارجی و فرانسوی است، کلمه دیگری جایگزین گردد. در جهان عرب واژه هایی، مثل منقوط (خط بریل: خط منقوط) و ملموس (خط ملموس) چند دهه است استفاده می شود. مجله توان نامه در سال ۹۴، پیشنهاد داد به جای بریل، بسودنی یعنی برجسته و قابل لمس به کار رود. به ویژه اسناد تاریخی گویا است که قبل از اختراع خط بریل توسط لویی بریل در نیمه دوم سده نوزدهم میلادی، مسلمانان از خط برجسته استفاده می کرده اند. یک نایبنا در شهر آمد کلمات را با استفاده از مواد در دسترس، برجسته می نوشت و می خواند (نکت العمیان، صفدی، ص ۲۴۳). بنابراین لازم است با ارائه اسناد تاریخی، افتخار خط برجسته و لمسی و نایبانی به نام مسلمانان ثبت گردد، همچنین افتخار یکسان سازی قرآن لمسی و با خط برجسته برای ایرانیان این دوره ثبت شود.

نام نشست و محل آن

در تابلوها و بنرهای که در سالن نشست نصب شده بود این عبارت به چشم می خورد:

«نشست تخصصی هم اندیشی و بررسی پیش نویس آیین نامه نگارش و علامت گذاری مصحف بریل / اصفهان اول مهرماه ۱۳۹۵»

چند نکته در این عبارت هست: سخنی از تصویب نیامده ولی در بیانیه پایانی از نهایه شدن آیین نامه و تصویب آن خبر داده شده است. کارشناسان علاوه بر هم اندیشی و بررسی به تصویب چهل ماده آیین نامه اقدام کردند.

اصطلاحات خاصی را لازم است در فرهنگ معلولین به ویژه نایبانیان استفاده شود تا فرهنگ این جامعه تقویت گردد. برای چنین عملیاتی در فرهنگ عربی واژه توحید و در فارسی «یکسان سازی» کاربرد دارد. اگر این همایش به نام یکسان سازی مشهور شود، زودتر تعمیم پیدا می کند.

به جای واژه بریل، لازم است، اصطلاحات ایرانی و اسلامی به کار رود. محل این نشست، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام در شهر اصفهان بود و این مؤسسه در سال ۱۳۸۵ تأسیس شده و دارای معماری شامل گچ کاری، آینه کاری و نجاری های بسیار زیبا است. برگزاری این نشست در چنین مکانی نشانه درایت و تدبیر است.

حضار و مذاکرات

بسیاری از حوادث و عوامل دست به دست هم داد و بستر لازم برای تدوین و تصویب آیین نامه یکسان سازی قرآن بریل فراهم گردید. همه از اعماق وجود آرزو داشتند تا این بار مثل دفعات قبل شکست پیش نیاید. به عیان دیده شد همه تلاش می

کردند؛ هر سختی و مشکلی را تحمل کرده تا

ص: ۱۵۳

نتیجه نهایی به دست آید. جلسه ای سنگین از ساعت هشت صبح تا نه و نیم شب بدون وقفه (غیر از نماز و نهار) اجرا شد و همه ماندند تا نتیجه نهایی به دست آید.

این نشست با دعوت از کارشناسانی از شهرهای مختلف شکل گرفت. حضار عبارت بودند از:

آقایان: روح الله ساعی، حبیب الله زارع، جواد فتحی، مهدی احمدی، صادق عباسی، مجید مشایخی، مرتضی نیکزاد، حسن نیکزاد، خالق شعبان و حسن کبیری. خانم ها: مریم غوری، عصمت باقریان، فرزانه حدادی، منصوره ضیائی فر و اعظم قاسمی.

برخی افراد به صورت تیمی حضور داشتند و یک یا چند نفر در کنار نفر اصلی به او مشورت می دادند. مدیریت این نشست بر عهده آقایان حمیدرضا مستفید، سید مهدی سیف و مرتضی توکلی از مرکز طبع و نشر قرآن کریم بود و چند ساعت (۶ تا ۸ بعدازظهر) آقای حاج اسماعیلی از دارالقرآن الکریم اصفهان حضور داشت.

لازم به ذکر است از سازمان بهزیستی یا اداره بهزیستی اصفهان، از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ اداره ارشاد اصفهان و دارالقرآن تهران کسی حضور نداشت. اگر نمایندگان این نهادها هم می بودند، فرآیند اجرایی شدن این پروژه و به نتیجه رسیدن آن زودتر و سریع تر خواهد شد.

مؤسسه هایی که به این نشست دعوت شده بودند عبارت اند از: بنیاد فرهنگی قرآنی روشندان؛ جامعه نابینایان ثامن الائمه (ع)؛ مؤسسه بشری؛ نهاد کتابخانه های عمومی کشور و بخش نابینایان کتابخانه مرکزی تبریز؛ مؤسسه رودکی (ریحانه)؛ آموزش و پرورش استثنایی بخش تولید کتب درسی قرآنی، دفتر فرهنگ معلولین؛ مرکز نابینایان شهید محبی تهران؛ مؤسسه توانگران کارآفرین نور.

پیش نویسی توسط آقایان نیکزاد، مشایخی و عباسی به کمک کارشناسان مرکز طبع و نشر قرآن کریم طی سال ۹۴ و ۹۵ آماده شده بود. این پیش نویس شامل دو بخش رسم کلمات و ضبط کلمات و در آخر قواعد سکت و وقف و در مجموع چهل بند داشت.

پس از مباحثی درباره مبانی و کلیات، مواد پیش نویس یکی یکی مطرح و افراد نظرات خود را گفته و سپس رأی گیری می شد. تمامی مباحث و مذاکرات توسط دو گروه ضبط شد و امید است این مذاکرات پیاده و به صورت مکتوب در اختیار کارشناسان قرار گیرد. زیرا هر چند سال لازم است موادی از این آیین نامه بازنگری گردد و لزوماً باید به پیشینه مباحث بازگشت و سیر مذاکرات را مجدداً مطالعه نمود.

پیشنهادات

با تلاش های آقایان نیکزاد، مشایخی، عباسی و نیز کارشناسان مرکز طبع و نشر یعنی آقایان مستفید، توکلی و سیف تا اینجا کارها به خوبی پیش رفته و به نتیجه اولیه رسیده است. اما تا رسیدن به نتیجه نهایی فاصله بسیار است: مشهور است، بهترین قوانین مصوب اگر زمینه اجرا نداشته باشد، در عمل تأثیر و سودمندی نخواهد داشت. برای اینکه این آیین نامه به قانون و شیوه

نامه کارآمد تبدیل شود لازم است:

۱- توجه همگان و جلب مشارکت عمومی: لازم است مدیران تشکل‌ها، نخبگان نابینا، مدرسان و مربیان قرآنی نابینایان، پژوهشگران این حوزه در جلسات حضوری و نیز به واسطه مقاله و کتاب و رسانه‌ها نسبت به یکسان‌سازی قرآن بریل توجه شوند. اگر چنین نشود، بهترین شیوه نامه‌ها هم در عمل مشکل پیدا خواهد کرد.

ص: ۱۵۴

۲- تکمیل آیین نامه: یکسان سازی قواعد و ضوابط نگارشی بریل یک بخش از آیین نامه است و لازم است به تدریج بخش های حقوقی، اجتماعی و فرهنگی آن تکمیل گردد. در غیر این صورت در عمل با مشکلات عدیده مواجه خواهد شد. بندهایی مثل ضرورت جواز برای نشر قرآن بریل، نهادی مجوز دهنده، مجازات متخلفین لازم است به آن افزوده شود.

۳- مشارکت مراکز دولتی: لازم است این آیین نامه پس از تکمیل توسط دولت به رسمیت شناخته شود و در اسناد دولتی ثبت گردد.

۴- درج قانونی: مسائل حقوقی این آیین نامه لازم است در قانون معلولین و قوانین نابینایان و دیگر قوانین جمهوری اسلامی و نیز دستورالعمل های دولتی درج و ثبت گردد. به ویژه در قانون جامع حمایت از معلولین که در دست بررسی است درج شود. لازمه این اقدام ارسال یک نسخه از آیین نامه به مجلس شورای اسلامی است.

برای تکمیل ابعاد فوق لازم است اولاً نشستی با افراد مجرب از خود نابینایان برگزار گردد. و پس از اخذ دیدگاه های آنان، برای تکمیل و نهایی کردن آن، تیمی تشکیل گردد.

۵- فرهنگ سازی: برای ایجاد مفاهیم عمومی در فرهنگ و جامعه نابینایی، لازم است مباحثی که تاکنون بوده به صورت کتاب هایی تدوین و منتشر گردد و در اختیار عموم قرار گیرد. حتی به صورت گویایی در اختیار خود نابینایان هم باشد.

دفتر فرهنگ معلولین با اعزام یک تیم شش نفره به این نشست، تاکنون در جهت اطلاع رسانی و فرهنگ سازی این پروژه تلاش های مستمر داشته است و به زودی آثاری را در این زمینه منتشر می کند.

متن آیین نامه

در نهایت آیین نامه ای تصویب گردید که این گونه است. البته این آیین نامه را بدون اصلاح و به همان صورتی که عرضه گردید می آورم:

پیش نویس آیین نامه مصحف نگاری بریل

این پیش نویس توسط اساتید مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران و جمعی از کارشناسان علوم قرآنی نابینایان تدوین شده که لازم است در نشست تخصصی با استفاده از نقطه نظرات دیگر اساتید و کارشناسان علوم قرآنی نابینایان که در چاپ و نشر مصحف بریل دخیل بوده و یا در این زمینه صاحب نظر هستند به تصویب نهایی برسد.

بخش اول رسم کلمات:

رسم المصحف در مصاحف بریل در حد ضرورت ها و قواعد قرائت رعایت می شود؛ یعنی کلماتی مانند «رحمه» با تاء مربوطه و «آنا» با الف و ... نوشته می شود؛ مگر مواردی که: راه حل و توجیهی برای آن در خط بریل وجود ندارد؛

مانند الف زینت در قالوا

نگارش این مصحف بر اساس قرائت عاصم به روایت حفص از طریقه شاطیبه است.

ص: ۱۵۵

کلمات «بیسط» (بقره/۲۴۵) و «بسطه» (اعراف/۶۹) با سین نوشته می شود.

کلمات

«المصیطرون» (طور/۳۷) و «بمصیطر» (غاشیه/۲۲) با صاد نوشته می شود.

کلمه «ئاتانی» (نمل/۳۶) با یاء نوشته می شود. وجه وقف بدون یاء آموزش داده می شود.

کلمه «سلاسل» (انسان/۴) و سایر کلمات هفتگانه با الف انتهایی و فتحه قبل از آن نوشته می شود.

کلمات «لنسفعاً و لیکوناً» با تنوین نوشته می شود.

کلماتی که در رسم المصحف واو یا الف یا یاء آنها حذف شده است با توجه به قاعده الوقف علی مرسوم الخط، این کلمات نیز به همین صورت (حذف واو، الف یا یاء) در مصحف بریل نوشته می شوند. مانند: نبغ، تغن، یناد المناد، یوم یأت، لمحی الموتی، ندع

کلماتی مانند یحیی، یستحیی که در وصل با یاء خوانده، و در وقف نیز یاء تلفظ می شود، به اثبات دو یاء نوشته می شوند.

یاء و واو محذوف در وسط کلمه نوشته می شود. مانند داوود، یستوون، النبیین، الامیین

کلمات «الرحمن، هذا، ذلک، اللّٰه، اله، اولئک» مانند املائی معاصر و به صورت حذف الف و اثبات واو در اولئک نوشته می شوند.

تبصره: کلمه ذانک به اثبات الف نوشته می شود.

کلمات «فاسأل، واسأل» مانند املائی معاصر با الف بعد از واو و فاء و الف همزه بعد از سین نوشته می شوند.

کلمات اللّٰذین و اللّٰئی و ما شابه ذلک با توجه به قاعده رسم الاملاء یکسان سازی شده و با دو لام نوشته می شود.

کلمه «بسم» در بسم اللّٰه الرحمن الرحیم بدون الف و در باسم ربک و باسم اللّٰه مجریها با الف نوشته می شود.

کلماتی که همزه استفهام و همزه قطع (چه مفتوح باشد یا مکسور یا مضموم) در کنار هم قرار می گیرد به شکل دو الف همزه نوشته می شود. مانند: أنتم، إذا، ألقى

تبصره ۱: در همزه های مکسور و مضموم هر چند این وجه مرجوح است لکن به دلیل سهولت در فهم این شکل پذیرفته شد.

تبصره ۲: همزه دوم (الف همزه) در کلمه ء أعجمی در سوره فصلت به جهت رعایت قاعده تسهیل به صورت همزه مفرده نوشته می شود. (پیشنهاد)

تبصره ۳: کلمات شش گانه (آلآن، الله و آذکرین) با توجه به اینکه وجه ابدال و مد آن مقدم در اداء است به صورت آی مدی نوشته می شود.

کلمات دارای همزه به رسم الإملاء نوشته می شود.

در نگارش همزه یاء ساکن در کلمه کسره تلقی شده و لذا کلماتی مثل هیئه با کرسی یاء نوشته می شود.

کلمات دارای بدل به رسم الإملاء نوشته می شود. مانند الصلاة، الزکاه، الحیاه و...

کلمات «عُلی، قُوی، و ضُحی» با یاء الف (ال مقصوره) ولی «سجا و زکا» با الف نوشته می شود.

ص: ۱۵۶

عبارات «ام من، آن لا، إن لم، أن لن، أن لو، إن ما، إن ما، أن ما، أينما، بس ما، حيث ما، عن ما، عن من، فيما، كلما، من ما و لکی لا» طبق رسم المصحف نوشته شود بدین صورت که در مواردی که در رسم المصحف متصل نوشته شده در مصحف بریل نیز متصل و در مواردی که منفصل نوشته شده در مصحف بریل نیز منفصل نوشته شود.

تبصره: در موارد اختلافی مانند اَما و کما و فیما رسم رعایت شده در مصحف مرکز مبنا قرار گیرد.

در خصوص کلمات «فما ل هؤلاء» و عبارات مشابه دو پیشنهاد مطرح شد: قول اول اینکه به شکل رسم المصحف (ما فاصله ل- فاصله هؤلاء) نوشته شود؛ قول دوم اینکه به صورت رسم الاملاء و متصل نوشته شود. حاضران به نتیجه قطعی نرسیدند و بنا شد در جلسات با سایر نابینایان این مسئله دوباره مطرح و سپس نتیجه گیری شود.

کلمه الیاسین به صورت متصل نوشته شود چون وقف بر «ال» در قرائت الیاسین اجماعاً جایز نیست. (لطائف الاشارات، ج ۷، ص ۲۸۵؛ اتحاف فضلاء البشر، ص ۴۷۵)

بخش دوم ضبط کلمات:

فصل اول: حرکات

حرکات فتحه، کسره و ضمه و علامت تشدید در مصحف بریل مطابق قواعد متداول در این خط، استفاده می شود.

حروف مدّی به صورت «ای و» بدون علایم همراه نوشته می شود.

با توجه به اینکه هم اکنون به جای الف کوچک از فتحه استفاده می شود و باعث اشتباه در برخی کلمات خواهد شد، پیشنهاد می شود برای الف کوچک در بریل از نقطه ۴ یا ۵ استفاده شود؛ البته در خصوص این پیشنهاد از سایر مراکز یا صاحب نظران نظرخواهی شود.

در خصوص اشباع هاء ضمیر دو پیشنهاد مطرح شد:

الف) به جای کسره و ضمه فعلی علامت دیگری جایگزین شود.

ب) کسره یا ضمه فعلی، در حالت اشباع دو بار تکرار شود.

در مواردی که حروف مدّی قبل از همزه وصل قرار می گیرند حرکت کوتاه، روی حرف قبل از حرف مدّی قرار می گیرد؛ مانند: اوتینا العلم، فی الکتب، ذوالعرش

فصل دوم: سکون

حروف ساکن، بدون علامت نوشته شوند.

حذف علامت سکون به دلیل خلوتی خط و نزدیکی آن به نگارش فارسی و نهایتاً عدم نیاز به این علامت در قریب به اتفاق کلمات بوده است؛ مانند: أَنْعَمْتَ، أَمِهْلُهُمْ

اما در برخی از کلمات و اتصالات، ممکن است حرف ساکن با حروف ناخوانا - که هر دو بدون علامت اند - اشتباه شود؛ که البته با دانستن قواعد حروف ناخوانا، امکان اشتباه به حداقل می رسد؛ مثال: أُولُوا الطَّلُوعِ، أُولُوا الأَرْحَامِ، تَوَاصَوْا

فصل سوم: حروف ناخوانا

حروف ناخوانا بدون علامت نوشته می شوند.

ص: ۱۵۷

در این شیوه قواعد ساده ای برای تمیز حروف ناخوانا از حرف ساکن، به شرح زیر وجود دارد:

حروف مدی (ا، و، ی) بدون علامت، ماقبل متحرک، هنگام اتصال، ناخواناست، مانند: اَنَا، قَالَ الْحَمْدُ

حروف «و، ا، ل، ی» قبل از تشدید هنگام اتصال، ناخواناست؛ مانند: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ، اُولِي النَّهْيِ، جَابُوا الصَّخْرَ

حروف «و، ا، ی» قبل از ساکن هنگام اتصال، ناخواناست؛ مانند: ذَوِي الْقُرْبَى، اِذَا الْبِحَارُ، قَالُوا ادْخُلُوا

الف و یاء قبل از تنوین، هنگام اتصال ناخواناست؛ مانند: قَوْلًا، هُدَى

تذکر: با توجه به اینکه در بحث رسم مصاحف بریل در جلسات قبل مصوب شد که الف زینت حذف شود یکی از قواعد مربوط به حروف ناخوانا که در مصاحف بینایی وجود دارد، در اینجا حذف می شود.

فصل چهارم: همزه ها

الف - همزه قطع

همزه قطع با صداهای کوتاه و صداهای «ای» و «او» و همچنین ساکن، در مصاحف بریل به صورت الف همزه (نقطه های ۳ و ۴) نوشته می شود.

همزه الف، در کلماتی مانند: ءامنوا و بالاخره و... به صورت آی با کلاه (نقطه های ۳ و ۴ و ۵) نوشته می شود.

ب - همزه وصل

همزه وصل - در اول کلمه - به صورت الف (نقطه ۱) نوشته می شود

در واقع اگر الف، در اول کلمه باشد همزه وصل است؛ مانند: الَّذِينَ؛ اما اگر وسط کلمه باشد الف مدی است؛ مانند: قَالَ

در خصوص علامت برای ابتدا از همزه های وصلی که در اول آیه یا بعد از علامت وقت قرار دارند، نظرات مختلفی ارائه شد: آقای عباسی معتقدند که در موارد فتحه به دلیل روشن بودن موضوع، حرکتی روی همزه وصل قرار نگیرد؛ اما در عموم افعال که همزه وصل با کسره یا ضمه خوانده می شود و دانستن آن نیاز به آموزش قواعد دارد، علامت گذاشته شود؛ اما آقای نیکزاد معتقدند که در هیچ یک از موارد نیازی به علامت گذاری وجود ندارد.

نهایتاً بیشتر نظرات به سمت گذاشتن علامت در موارد کسره و ضمه بود، اما در عین حال قرار شد در این خصوص نظر سایر کارشناسان خط بریل نیز اخذ شود.

فصل پنجم: سایر علائم

تنوین در همه حالت ها - اخفاء ادغام، اقلاب و نیز التقاء ساکنین - به صورت معمولی؛ یعنی همین شکل رایج فعلی نوشته شود.

برای مد، مطابق روش رایج فعلی، علامتی قرار داده نشود.

ص: ۱۵۸

در خصوص تشدیدهای ادغام، پیشنهاد شد برای ادغام های یرملون تشدید گذاشته نشود ولی سایر موارد خاص مانند: «ارکب معنا» تشدید گذاشته شود؛ البته در این خصوص با سایر کارشناسان نیز مشورت صورت گیرد.

اگر در خصوص بند فوق، پس از مشورت با سایر کارشناسان، قرار شد در مواردی مانند: «ارکب معنا» تشدید گذاشته شود، حالت اماله در «مجریها» نیز با الف مقصوره نوشته شود تا به دلیل اماله، از سایر کلمات مشابه متمایز گردد؛ در غیر این صورت با الف نوشته شود.

در خصوص وضع علامت برای اشماد در «لا تأمنا» نیز به همین صورت عمل شود.

علایم وقف

در خصوص انواع وقف در مصاحف فعلی بریل که عبارت است از: لازم، وقف اولی، جایز، وصل اولی، ممنوع و معانقه - که در مصحف مرکز معادل علایم: «م، ط، ج، ز، لا» است - با حذف وقف معانقه، بقیه به همین صورت فعلی استفاده شود.

وقف مرخص - که در مصحف مرکز برای آن علامت «ص» در نظر گرفته شده - در مصحف بریل نیز استفاده شود و نقطه های ۳- ۵- ۶ برای آن پیشنهاد می شود.

وقف های معانقه و مجوز لوجه در مصاحف تخصصی بریل استفاده شود.

در توضیحات مصحف بریل، معادل بینایی انواع وقوف به کار رفته بیان شود.

سکت

در مواضع چهارگانه سکت: کهف/ ۱ و ۲، یس/ ۵۲، قیامه/ ۲۷، مطففین/ ۱۴ علامت موجود در مصاحف بریل (۲ تا ۳ - ۶) به همین شکل فعلی استفاده شود.

در «مالیه هلک» (حاقه/ ۲۸) علامت سکت گذاشته شود.

فعالیت دیگر کشورها

در بعضی از کشورهای اسلامی نیز فعالیت برای ایجاد وحدت رویه و همسان سازی و یکسان سازی متن قرآن بریل جریان داشت. گزارش این فعالیت در بخش سوم عرضه می گردد.

بسیاری از کشورهای اسلامی بر اساس اقتضائات فرهنگی و اجتماعی خودشان، قرآنی آماده و منتشر کرده اند. تفاوت عمده قرآن مصری و قرآن هندی و قرآن تونسسی و قرآن ایرانی در کتابت و نوع خط و دوم در آرایه های هنری و زیبایی های ظاهری آن است. اما خط و کتابت مهم ترین عنصر در شکل گیری هر قرآن ملی است. اما عربستان سعودی در صدد است یک قرآن با یک خط و یک نوع صحافی و حتی در سه قطع مشخص و رنگ جلد سبز مشخص برای همه کشورها و همه مسلمانان منتشر کند. و از طریق حجاج به همه نقاط جهان ارسال می کند. یعنی سالانه میلیون ها نسخه قرآن را در جهان پخش می نماید. اما ایران هم در صدد بوده یک قرآن با خطاطی و نگارش زیبای ایرانی منتشر کند. یکی از وظایف دارالقرآن الکریم همین است.

اکنون به معرفی خطاطان مشهور ایرانی و سپس خطاط مشهور سوری یعنی عثمان طه می پردازم.

طاهر خوشنویس، خطاط مشهور ایرانی

طاهر خوشنویس در تبریز به سال ۱۲۶۷ متولد و در سال ۱۳۵۵ ش در گذشت. نام اصلی او حاج میرزا طاهر تبریزی است. خطاط و خوشنویس ایرانی. تحصیلاتش را نزد پدر آغاز کرد. قرائت قرآن، صرف و نحو و فقه را فرا گرفت و چون علاقه وافری به خوشنویسی داشت، بر اثر تمرین و پشتکار توانست به اصول و قواعد هنر خطاطی پی ببرد. مهارت و مرتبه او در هنر خوشنویسی به درجه ای است که استادان فن به مهارت او در خط نسخ معترف اند. کتاب های درسی مدارس ایران به ویژه کتاب های فارسی و صرف و نحو سالیان دراز به خط وی کتابت شده بود. از آثار خطی وی، علاوه بر کتابت قرآن های متعدد می توان به کتابت نهج البلاغه، صحیفه سجادیه، مفاتیح الجنان، کفایه الاصول، جامع المقدمات و منتهی الآمال اشاره کرد.

در یادنامه او آمده است:

استاد فقید، حاج میرزا طاهر خوشنویس، به سال ۱۳۰۶ ق مطابق با ۱۲۶۷ ش در یکی از روستاهای آذربایجان (قراچه داغ) در خانواده ای روحانی پا به عرصه حیات نهاد. در ۱۳۰۹ ق، همراه خانواده، راهی تبریز شد. پدر بزرگوارش، که از فنون قرائت و تجوید بهره مند بود، از پنج سالگی سواد فارسی و قرآن را به فرزند آموخت. او در هفت سالگی به مکتب سپرده شد و در آنجا با گلستان سعدی، جامع عباسی و نصاب آشنا شد و به فراگیر خط نسخ پرداخت. در ۹ سالگی اولین اثر وی که نسخه ای به خط خوش نوشته عم جزو بود به چاپ رسید.

در ۱۳۲۵ ق، با شروع انقلاب مشروطه، از سوی مدارس تبریز (در ۱۹ سالگی) برای تعلیم خط دعوت به کار شد و از آن پس به مدت پنجاه سال در کسوت آموزگاری به آموزش خط و خوشنویسی

ادامه داد و در همین مدت به کتابت بیش از دویست جلد کتاب و رساله ملی، اخلاقی و دینی از قبیل مکاسب، مفاتیح الجنان، (شش جلد)، قرآن (بیست و پنج جلد) منتهی الآمال، جامع المقدمات، شرح جامی، کتاب رجال (پنج جلد)، کفایه الاصول و... پرداخت و این تلاش عظیمی است که از نظر فنی و کاربست قواعد و ظرایف و دقایق خوشنویسی، به اعتراف اکثر صاحب نظران، سرشار از دقت، زیبایی و خلاقیت است. استاد حاج میرزا طاهر خوشنویس در ۱۳۳۴ش، در هفتاد سالگی، بنا به تقاضای خود بازنشسته شد. آخرین اثر وی کتابت بیست و پنجمین جلد قرآن است که در ۱۳۵۳ش به پایان رسید. وی سرانجام، در ۱۳۵۵ دارفانی را وداع گفت و به لقای معبود شتافت.

استاد حاج میرزا طاهر خوشنویس، که هستی خود را در کالبد حروف و کلمات دمید، صاحب قریحه و نبوغ فوق العاده ای بود. او عاشقی تمام عیار بود. عاشقی با اخلاص و خوشنویسی چیره دست که چون چشمه ای گوارا از خاک مشک بیز تبریز و از سینه سوخته خاک آذربایجان جوشید تا خاک تشنه هنر را سیراب کند.

در پنجه های این پیر شوریده و عارف سالک رازی نهفته بود که تشنگان خلوت راز هنر، صریر قلم او را شیفته وار نیازمندند. آری، قلم او همان به که صفابخش دل ها و قلب ها باشد، به دل نشیند و دل و جان را صفا بخشد.

استاد می گفت: «من در برابر این خدمات ۶۵ ساله ام، به غیر از خدای بزرگ، از هیچ خلق الهی توقع پاداش و تقدیر نداشته ام و خدا را شکر که تا امروز از حال و آسایش دنیا کاملاً بهره مند بوده ام. به علاوه، خدمتی که به قصد پاداش انجام گیرد، خدمت نیست، تجارت است.»

یادواره ای برای او برگزار شد و کتاب آن به نام یادنامه جامع میرزا طاهر خوشنویس چاپ شده است.

قرآن پژوه معاصر محمدعلی کوشا قرآن پژوه مشهور معتقد است، خط عثمان طه که اغلاط فراوان دارد ولی خط طاهر خوشنویس بی غلط ترین خط است و می تواند جایگزین عثمان طه شود.

نیریزی خطاط قرآن کریم

نیریزی، میرزا احمد، یا میراحمد معروف به نیریزی که به جهت انتساب به قصبه تبریز از قصبات شیراز فارس به نیریزی شهرت یافته. از فحول خطاطان و خوشنویسان قلم نسخ در قرن دوازدهم هجری که در این خط بسیار مشهور بود. وی در جوانی از نیریز به اصفهان سفر کرد و در دربار شاه سلطان حسین به کتابت پرداخت و در اواخر عمر به زیارت عتبات عالیات شتافت. وی واضع شیوه مخصوصی در خط نسخ بود که هنوز سرمشق نسخ نویسان ایران است. از مهم ترین آثار او: قرآنی به خط او که تمامی صفحات آن با طلا مذهب شده در کتابخانه ملی مصر، قرآنی هم به خط او که در سال هزار و صد و چهارده ق در اصفهان نوشته در کتابخانه نورالدین بیگ مصطفی از فضلالی ترک مقیم مصر محفوظ است. غیر از اینها آثار قلمی دیگری نیز داشته و بعضی از قرآن ها به خط او چاپ شده و آیه الکرسی دو طرف ایوان چهل ستون اصفهان نیز که با جدول های طلای خالص تذهیب و در سال هزار و صد و بیست و هفت نوشته شده به خط او می باشد. این قرآن نویس هنرمند بزرگ در سال ۱۱۵۵ق وفات کرده است. همچنین نسخه ای از قرآن های خوش نوشته او در سال ۱۳۴۴ش به

درخواست پهلوی دوم، به بهترین وجهی به طبع رسیده است و نسخ آن در کتابخانه های ایران و جهان و مجموعه های شخصی یافت می شود. (۱)

عثمان طه (متولد حلب ۱۹۳۴م)

خوشنویس سوری. قرآن را به خط نسخ (و اندکی آمیخته به ثلث) در قطع رحلی کتابت کرد که اول بار در ۱۴۰۰ق در دمشق به چاپ رسید. هر صفحه این قرآن دارای پانزده سطر است و با ابتدای آیه آغاز می شود و به انتهای آیه ختم می شود. در مجموع این قرآن ۶۰۴ صفحه دارد و از تزئین و تذهیب های مختلف برخوردار است. کتابت این قرآن را در میان قرآن های قدیم و جدید کتابتی بی مانند بر شمرده اند. عثمان طه در خلق این اثر، مصحف مصر یا طبع ملک فؤاد را الگوی کار خویش قرار داده بود. املائی هر حرفی از حروف مصحف مصر موافق با مصحف امام یعنی طبق رسم الخط عثمانی است.

کتابت قرآن کریم: یکی از رویدادهای مهم فرهنگی- هنری دهه اخیر جهان اسلام، چاپ نفیس قرآنی است که خطاط شهیر معاصر سوری، عثمان طه، به خط معجزه آسای نسخ خویش نوشته و نخستین چاپ آن در قطع رحلی در حدود سال ۱۴۰۰ق از سوی الدار الشامیه للمعارف، با همکاری مؤسسه علوم القرآن، و با تأیید و همکاری چند کشور اسلامی در دمشق انتشار یافته است. کتابت این قرآن، طرح سنجیده و برنامه ریزی شده ای داشته است، به این معنی که هر صفحه آن پانزده سطر دارد و هر صفحه با اول یک آیه آغاز شده و به آخر یک آیه ختم می گردد و هر جزء از سی جزء قرآن در بیست صفحه نوشته شده و با احتساب دو صفحه در اول و دو صفحه در آخر که برای تذهیب و تزئین های دیگر در نظر گرفته شده، مجموعاً در ۶۰۴ صفحه تدوین شده است. باید گفت که این ویژگی ابتکار خطاطان و قرآن نویسان هنرمند عثمانی (ترکیه) است و سابقه آن به یک دو سده اخیر می رسد. چنانکه در عصر جدید قرآن معروف به قرآن سلطان عبدالحمید، مکتوب به خط مصطفی نظیف (قدرغه لی) [تجدید چاپ در تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۳ش، همراه با فهرس مرحوم دکتر محمود رامیار] و قرآن خوش نوشته استاد حامد الآمدی نیز همین ویژگی ها را دارد.

قرآن مکتوب به خط عثمان طه که به نسخ بسیار شیرین و شیوه ای آمیخته به ثلث به نگارش درآمده و به تصدیق خبرگان فن از نظر خوشنویسی و استحکام دست و قلم و چشم نوازی و یک دستی، در میان قرآن های خوش نوشته قدیم و جدید نظیر ندارد، چنان که انتظار می رفت به محض انتشار با استقبال وسیعی در سراسر جهان اسلام روبرو شد و به انواع شکل ها و قطع ها مخصوصاً قطع وزیری تجدید طبع شد.

ص: ۱۶۳

۱- . ریحانه الادب، ج ۶/۲۷۵-۲۷۶؛ فهرست مشاهیر ایران، ج ۲/۵۲۸؛ فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، ص ۸۴؛ کتاب شناسی قرآن و علوم قرآنی، ص ۴۲۳.

قرآن برتر و رسمی تر جهان اسلام، پیش از این کتابت اصیل، قرآن سلطانی - سلطان عبدالحمید که به آن اشاره شد - و از آن مهمتر و علمی تر و مضبوط تر قرآنی بود که به همت و درخواست ملک فؤاد اول پادشاه مصر به طبع رسیده (طبع اول ۱۳۴۲ق) و اعتبار و اشتهار عظیمی از نظر صحت و دقت و انطباق رسم الخط با رسم عثمانی و بررسی کلیه علامات ضبط و وقف و قراآت آن بر مبنای مصاحف عثمانی حاصل کرد. مصحف مصر یا طبع ملک فؤاد مبنای کتابت هنرمند بزرگ و سعادت مند سوری، استاد عثمان طه قرار گرفته است. تجدید چاپ فهد پادشاه عربستان نیز بر مبنای این دو نسخه بوده، یعنی همین کتابت عثمان طه را برگرفته اند و بر مبنای منابع و روشی که قرآن شناسان مصر و جهان اسلام در اصلاح قرآن طبع ملک فؤاد کوشیده بودند، به تصحیح و بازبینی مجدد آن پرداخته اند، لذا لازم است که متن اساس یعنی مصحف رسمی مصر (ملک فؤاد) را بیشتر معرفی کنیم. این قرآن خاتمه الطبعی تحت عنوان «تعریف بهذا المصحف الشريف» دارد و در آن آمده است: «این مصحف بر مبنای روایت حفص بن سلیمان... از قرائت عاصم... از ابی عبد الرحمن عبد الله سلمی از عثمان بن عفان و علی بن ابیطالب (ع) و زید بن ثابت و ابن بن کعب از نبی اکرم (ص) کتابت و ضبط (نقطه و نشان گذاری) شده است. و هجا (= املائی) آن بر مبنای روایات علمای رسم (رسم الخط) از مصاحفی است که عثمان بن عفان به بصره، کوفه، شام، مکه فرستاد و مصحفی که برای اهل مدینه تدوین کرد و مصحفی که به خود اختصاص داد [و همه یکسان بود] و از مصاحفی که از روی آنها استنساخ شده است، گرفته شده است. و چند حرف [و کلمه ای] که املائی آنها در این مصاحف اختلاف دارد، در آنها از املائی غالب [اکثریت] نسخه ها و رعایت قرائت قاری ای که آن نسخه موافق قرائت او کتابت شده، و نیز مراعات قواعدی که علمای رسم الخط [رسم الخط شناسان قرآن] از میان رسم الخط های مختلف استنباط کرده اند، بر حسب روایت و ثبت و ضبط ابو عمرو الدانی و ابو داود سلیمان بن نجاح، پیروی شده است و در موارد اختلاف دو منبع اخیر، منبع دوم ترجیح داده شده است. حاصل آنکه هر حرفی از حروف این مصحف موافق با نظیر آن در مصحفی از مصاحف شش گانه است که به آنها اشاره کردیم...» سپس منابع مهمی را که مبنا و مرجع بازبینی قرآن شناسان همکار برای این طبع و تصحیح بوده است برمی شمارد و آنگاه اصطلاحات ضبط (نقطه و نشان گذاری) و در پایان علامات وقف و سرانجام اسم و امضای چهار تن از مقریان و قرائت شناسان و قرآن پژوهان و ناظر بر تدوین این نسخه را یاد کرده است.

مقایسه و نتیجه گیری

در ایران ده ها خطاط مهم در قرون گذشته زیسته اند و از هر کدام نسخه هایی از قرآن کریم به یادگار مانده است. مصحف نگاری از چند سده قبل و به ویژه در دوره تیموریان و صفویان به بعد در ایران رواج داشت. خوشنویسی به نام عمر اقطع، مصحف زیبایی برای تیمور نوشت. در سده نهم در دوره آق قونیلو، خطاطی به نام زین العابدین بن محمد کاتب شیرازی، قرآن نفیسی برای یعقوب بیک کتابت

کرد. در دوره صفویه نهضت کتابت قرآن در ایران پدید آمد و خطاطانی مثل مشهدی و شاگردانش فعال بودند. بعداً در دوره قاجار، خطاطانی چون وصال شیرازی، علی عسکر ارسنجانی، زین العابدین اصفهانی و زنانی مثل ام سلمه و مریم بانو نائینی در عرصه مصحف نویسی فعال بودند.

در اواخر قاجار و دوره پهلوی، قرآن نویسان به نام چون کلهر (میرزا غلامرضا)، میرعماد، میرعلی هروی، سید مرتضی برغانی، حسین میرخانی، عماد الکتاب قزوینی و فضائلی ظهور کردند و قرآن های نفیس نوشتند.

بنابراین ایران مهد خط و خوشنویسی و قرآن نویسی است و نه تنها سزاوار نیست قرآن عربستان سعودی در اکثر خانه های ایرانی باشد بلکه ایران می تواند عرضه کننده قرآن به همه مناطق جهان باشد. (۱)

ص: ۱۶۵

از سال ۱۳۰۳ که خط بریل توسط کریستوفل وارد ایران شد تا امروز (۱۳۹۶)، نود و سه سال می گذرد. طی این سال ها که حدود یک قرن است، ده ها تشکیلات پژوهشی، انتشاراتی و غیره در ایران دایر شده و صدها جلد کتاب بریل تولید و عرضه شده است. همچنین قرآن کریم به خط بریل اگر از حدود سال ۱۳۴۰ در ایران شروع شده باشد یعنی پنجاه و شش سال از عمرش می گذرد و مرکز متعدد قرآنی در ایران تأسیس شد و قرآن های بسیاری منتشر کرده اند. این فصل درصدد شناسایی پژوهش و چاپ و نشر قرآن کریم و مراکزی که این کارها را انجام می داده اند است.

دوره نخست خط بریل در ایران

پاستور ارنست کریستوفل اولین کسی بود که با کمک همکاران ایرانی توانست خط بریل را وارد ایران کند، سپس آن را بومی سازی کرد و در مدرسه خودش تدریس می نمود. کریستوفل در سال ۱۹۲۵م/۱۳۰۳ش از ترکیه به تبریز آمد و فعالیت آموزشی و پرورشی نابینایان را آغاز کرد و بنیان گذاشت. (۱)

از ۱۳۰۳ تا ۱۳۲۷ که سازمان خدمات اجتماعی تأسیس شد و مسئولیت بریل را بر عهده گرفت، یک دوره ۲۴ ساله یا ربع یک قرن است. مهم ترین رخدادهای مربوط به بریل در این سال ها اتفاق افتاد: ورود خط بریل، بومی سازی و فارسی سازی خط بریل، پرکینز و مشاوره دادن به ایرانیان، تربیت شاگردان ممتاز و سخت کوش، ورود دختران نابینا به مدارس و آموختن بریل. این پنج رخداد که در این دوره به وقوع پیوست در سرنوشت خط بریل و آثار بریل ایرانی تأثیر داشت.

غیر از حوادث شمرده شده، تأسیس مدرسه برای نابینایان و آموزش متون بریل به آنها هم در این دوره آغاز شد.

کریستوفل که یک کشیش و مبلغ مذهبی آلمانی بود و در کشورهای چوون ترکیه و لبنان نیز سابقه احداث و اداره پرورشگاه ها و مؤسسات خیریه داشت، چند سالی در تبریز و پس از آن در اصفهان به امر آموزش و پرورش نابینایان پرداخت تا با این خدمت و از این طریق دین خود را به اعتقادات مذهبی اش ادا کند. به نظر می رسد تبریز و به طور کلی مناطق آذربایجان به علت تمرکز بیشتر هموطنان مسیحی و آشوری و ارمنی محل مناسبی برای فعالیت های کریستوفل بوده است. پس از آن به دلیلی مشابه اصفهان را مرکز خدمات خود قرار داده بود، هر چند که هزینه های بالای فعالیت و اسکان در پایتخت نیز در انتخاب شهر اصفهان بی تأثیر نبوده است. کریستوفل که در ابتدا همکاران خود را متناوباً به تبریز و اصفهان و حتی کشورهای مجاور همچون ترکیه، لبنان و سوریه برای انجام

خدمات خیرخواهانه می فرستاد، به تدریج فعالیت های خود را در شهر اصفهان متمرکز کرد و با اجاره دو ساختمان در دو باغ جداگانه برای آموزش پسران و دختران نابینا، آنجا را تبدیل به مهم ترین مرکز آموزش نابینایان در ایران نمود، بدیهی است که چون در آن سال ها مسائل نابینایان هنوز برای جامعه روشن و شناخته شده نبود، این دو آموزشگاه چندان با روش رسمی آموزشی مملکت همگام نبودند و در ابتدا فقط جمع آوری و جذب نابینایان به یک مرکز، اسکان دادن آنها، آموزش خط بریل و دروس رسمی کشور مورد توجه قرار می گرفت.

پاستور کریستوفل به سوادآموزی و تربیت شاگردان خود بسیار علاقه مند بود و به این امر اهمیت می داد. کم کم کریستوفل به ایجاد امکانات فنی و حرفه ای در آموزشگاه خود همت گماشت و کارگاه های حصیربافی، سبببافی و برس سازی برای پسران و نخ ریزی، قلاب دوزی و بافندگی برای دختران دایر کرد. وی همچنین تلاش نمود تا استعداد شاگردانش را در جهت آموزش موسیقی به آنان به کار گیرد و با تعلیم سرود و آواز و موسیقی در آنها انگیزه هنری به وجود آورد.

از شاگردان ممتاز آن دوره استاد ویلن، هنرمند معتبر خسرو چناریان و اسکندرآبادی آهنگ ساز و دکتر در علوم سیاسی هستند.

یکی از خدمات ارزشمندی که وی در این مسیر انجام داد تطبیق علائم و نشانه های زبان فارسی با خط بریل و برگرداندن کتاب های آموزشی به این خط - با راهنمایی مؤسسه بین المللی پرکینز - بود. بدین ترتیب او با رها کردن نابینایان از دشواری های خط قدیم که به شکل حروف عادی اما بزرگ و برجسته بود و کارایی کمتری داشت و تعلیم و تربیت بسیاری از نابینایان، تأثیر و یادگاری جاودانه از خود به جای گذاشت. (۱)

آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۱۹ شمسی (۱۹۴۱ میلادی) دشواری هایی را برای اتباع آلمانی در ایران به وجود آورد که از جمله توقف کار وی را در پی داشت پس از اینکه مجبور شد ایران را ترک کند، راهبه های انگلیسی اداره مدرسه کریستوفل را بر عهده گرفتند. چون آنان هم چند سال بعد از ورود کریستوفل به اصفهان، به این شهر آمده و در آنجا به معلولین و نیازمندان خدمت می کردند. خانمی به نام گوئن گستر (Gwen Gaster) از طرف اسقف وقت اصفهان برای مدیریت بخش دخترانه این مجموعه دعوت شد و بعداً خانم دروتی شیلکر (Dorothy Schilleker) این مسئولیت را ادامه داد. با رفتن پاستور کریستوفل آموزشگاه و خوابگاه پسرانه تقریباً منحل شد و مدرسه جدید تحت عنوان نورآیین فعالیت خود را به دختران در تمام سنین و پسران خردسال اختصاص داد.

چند سال بعد با فروکش کردن مشکلات و اختلافات ناشی از جنگ، خانم گستر به آلمان رفت و از کریستوفل تقاضا کرد که برای سر و سامان دادن پسران نابینا فکری بکند. کریستوفل دوباره به اصفهان بازگشت و خدمات گذشته خود را به صورت احداث آموزشگاه، خوابگاه و کارگاه برای پسران در تمام سنین ادامه داد. وی در سال ۱۳۳۴ شمسی در اصفهان درگذشت و در همان جا در آرامگاه آرامنه به خاک سپرده شد.

در این دو آموزشگاه شبانه روزی (نورآیین و کریستوفل) که دارای خوابگاه نیز بوده اند، نابینایان تحصیلات ابتدایی و حرفه و هنرها را فرا می گرفتند و با آموزش های اولیه جهت حضور در جامعه و شناخت توانایی های خود، به شرکت در مدارس بینایان و آموزش تلفیقی تشویق می شدند. به این ترتیب بسیاری از دانش آموزان این دو شبانه روزی با اعتماد به نفسی که آموزگاران به آنان ارزانی داشته بودند، به مدارس عادی راه یافته، مدارج تحصیلی و علمی خود را بالاتر برده و به کار و ارتباطات موفق رسیده اند.

کسانی که در آن سال ها دانش آموزان نورآیین و کریستوفل بودند خاطراتی بسیار خوش به خصوص از مدیران آن مدارس دارند. مهربانی ها و دلسوزی های مادرانه خانم گستر در نورآیین به خصوص به خردسالانی که بی سرپرست یا به نوعی از محیط گرم خانواده محروم و گاه رها شده بودند، چنان بود که او را «مادر» خطاب می کردند و جانشین وی خانم شیلکر را هم که او نیز انسانی متعالی بود، «خاله جان» می نامیدند.

این دو مدرسه افراد شایسته ای را به جامعه تحویل دادند که با تسلط به زبان های آلمانی و انگلیسی، خط بریل و حرفه های گوناگون توانستند مسیر زندگی شایسته و درخور خود را در جامعه بیابند. یاسمین پریش و فریبا وزیری از نخستین گل های دست پرورده این بوستان فرهنگی بودند. و نیز گوهر کردی، از فرزندان شایسته نخستین دوره مدرسه نورآیین اصفهان که از دامنه تاریکی به قله نور رسید و زندگی پرآموزه خود را در کتابی به نام ماهی به تحریر کشید.

پس از تغییر سیستم حکومتی در ایران، مدارس فوق زیر نظر سازمان بهزیستی و با تغییر نام نورآیین به فاطمه زهرا سلام الله علیها و کریستوفل به شهدای هفت تیر به طور محدودتری به کار آموزش نابینایان ادامه دادند.

نام آقای علی اکبر کابلی در عرصه خدمت و آموزش به نابینایان، آشنا و به یاد ماندنی ست و با آن همه تلاش در این راه به حق باید ایشان را یار فراموش نشدنی و پدر سوادآموزی به نابینایان ایران دانست. سال ها در سِمَت حسابدار کل در جلسات هیئت مدیره مدرسه رضا پهلوی سابق حضور می یافت. آقای کابلی متولد ۱۲۹۹ در نیشابور؛ در اوایل دهه بیست در بانک کشاورزی اصفهان مشغول به خدمت بود که روح خدمتگزار و دغدغه یاری به نابینایان، او را به مدرسه نورآیین و خدمت در آنجا علاقه مند کرد. بدین شکل وی اولین مدرس ایرانی آموزش خط بریل شد و به مدت بیست و پنج سال خدمت به نابینایان را وجهه همت خود قرار داد. او ابتدا در اصفهان و بعد در مراکز نابینایی تهران خدمت نمود. (۱)

دوره ورود دولت

در دوره حکومت رضاشاه ارتش قدرت بلامنازع در ایران شد و در همه شئون و بخش های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی و حتی فرهنگی سیطره داشت. از این رو سران ارتش به فکر افتادند «سازمان خدمات اجتماعی» را ایجاد و راه اندازی کند و در سال ۱۳۲۶ این سازمان تأسیس شد و امور بریل را هم از ۱۳۲۷ بر عهده گرفت.

ص: ۱۶۹

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی همان وظایفی که امروزه سازمان بهزیستی بر عهده دارند، از سال ۱۳۲۶ بر عهده گرفت، یعنی مبارزه با فقر، و تکدی و ولگردی، رسیدگی به فقراء، کمک به زندانیان و پوشش خانواده آن، حمایت از مادران و کودکان، تحت پوشش قرار دادن نابینایان و ناشنوایان، همچنین برخی اقدامات مربوط به وزارت بهداشت و درمان یا آموزش و پرورش زیر پوشش خودش گرفت مثل ایجاد مدارس پرستاری، توسعه بهداشت و توسعه آموزش.

مهم ترین اقدام «سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی»، راه اندازی کانون کار و آموزش برای نابینایان در تهران و شهرها بود. خود سازمان در سال ۱۳۲۶ تأسیس شد ولی کانون کار و آموزش برای نابینایان در سال ۱۳۲۷ بود.

این کانون کلاس سوادآموزی برای نابینایان، مهارت آموزی انواع حرفه ها به نابینایان را آغاز کرد. و بعد از مدتی «کانون کار و آموزش» گسترش یافت و راه اندازی مراکز شبانه روزی و نگهداری ناتوانان و بی بضاعت ها، سوادآموزی به پیران و سالخوردهگان، جوانان و راه اندازی شبانه روزی برای معلولین را آغاز کرد.^(۱)

نیز گروهی از نابینایان اطراف شهر، همچون سایر نیازمندان به حمایت، در قسمتی از این شبانه روزهای نگهداری می شدند. توصیه و پیشنهاد شورای جهانی حمایت از نابینایان وابسته به سازمان یونسکو به کشورهای جهان، به ویژه کشورهایی چون ایران، مبنی بر بذل توجه خاص به آموزش نابینایان - که تا آن زمان اقدامی فراگیر و منسجم در این خصوص نشده بود - ذهنیتی را در مسئولان سازمان خدمات اجتماعی ایجاد کرد که تنها به نگهداری و کمک های مالی نیندیشند و اکتفا نکنند، بلکه درصدد سوادآموزی آنان نیز برآیند. نابینایان کانون اولین گروهی بودند که مورد نظر قرار گرفتند و پس از گزینش تعدادی از جوان ترها و مستعدترها و مدت ها تشویق و ترغیب آنها به تحصیل سرانجام در اردیبهشت ۱۳۲۹ کلاس های رسمی آموزش به نابینایان و در مدارس دولتی آغاز به کار کرد.^(۲)

فعالیت ها و اقدامات «کانون کار و آموزش» به سرعت پیش رفت و فراگیر شد چون خانواده های معلولان و آسیب دیدگان به کانون مراجعه می کردند و از موقعیت عینی و عملی شاگردان بازدید می کردند و با دیدن پیشرفت های آنها، به تشویق و ترغیب می پرداختند. و تعدادی از نابینایان تحصیلات مقدماتی را در این کانون و با هدایت آقای کابلی و بعدها آموزگاران دیگری به پایان رساندند. حتی بعضی از دانش آموزان این مدرسه که استعداد و توانایی بیشتری از خود نشان می دادند موفق شدند که در یک سال دو کلاس را تحصیل کنند و دوره شش ساله ابتدایی را در چهار سال به پایان برند؛ و بدین گونه این محل، سرپناهی اقتصادی و فرهنگی برای نابینایان شد. و سکوهای ترقی و پیشرفت برای آنان مهیا گردید.

در این زمان سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی برای همسو شدن هرچه بیشتر با روش ها و دستاوردهای بین المللی از مؤسسه پرکینز دعوت کرد تا برای ارائه راه کارها و پیشنهاد پروژه هایی در

ص: ۱۷۰

۱- . آن سوی تاریکی، ص ۲۸۷.

۲- . همان، ص ۲۹۳.

این زمینه نماینده ای به ایران اعزام دارد. مؤسسه بین المللی پرکینز به این منظور آقای فارل را به ایران رهسپار کرد. وی در بازدید از فعالیت های کانون برنامه ها و ادامه آن را برای آن زمان بسیار مناسب، کارآمد و کافی تلقی کرد.

با شکل گیری رسمی کلاس ها و در حین پیشرفت های آموزشی، مسئولان درصدد آموزش موسیقی به نابینایان بااستعداد برآمدند که از این رهگذر هم قدم بزرگ دیگری در جهت پرورش روحیه و تقویت حس اعتماد به نفس آنان و نشان دادن توان نابینایان بردارند. بدین منظور از استاد هنرستان موسیقی ملی، استاد روح الله خالقی درخواست راهنمایی می کنند و از طریق ایشان استادان حسین علی وزیری تبار، جواد معروفی، منوچهر رشیدی و خیرخواه و شاگردان برجسته هنرستان خانم سیمین آقارضا، آقای هوشنگ ظریف، آقای حسن منوچهری - که امروزه از اساتید به نام هستند - آموزش علمی موسیقی را به شاگردان به عهده می گیرند و با تربیت نوازندگان و موسیقی دانانی موفق، به تشکیل ارکستر و گهگاه کنسرت نیز پرداختند.

بدین شکل نخستین کلاس های موسیقی علمی اولین مرکز سوادآموزی نابینایان به طور رسمی در کانون کار و آموزش تشکیل شد. از شاگردان نامی این دوره از آموزش موسیقی به نابینایان استاد علی جعفریان موسیقی دانی کوشاست که هنرش هم عرض درجه دکترای موسیقی در آهنگسازی ارزش گذاری شده است. استاد امیدعلی نبوی از جمله هنر آموختگان دیگر کلاس های فوق می باشد. وی از شاگردان ممتاز استاد جواد معروفی در رشته پیانو بود و آکاردئون را نیز نزد استاد منوچهری رشیدی آموخت. همچنین محمود بلوری نوازنده عود و بازنشسته رادیو؛ مطلب بختیاری آموزگار بازنشسته موسیقی و نوازنده ترومپت و ویلن؛ اسماعیل صدقی آسا (حسینی) لیسانس موسیقی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران؛ عارف ابراهیم پور نوازنده ویلن و آکاردئون.

از شاگردان این کانون که در کسب دانش، با همه مرارت ها و سختی های آغاز سوادآموزی نابینایان، به درجات علمی و فرهنگی دست یافتند، می توان از مصطفی نجفی و حیدر سلیمانی کارشناسان ادبیات فارسی، قاسم حیدریان کارشناس زبان و ادبیات عرب و عباس نفری یاد کرد.^(۱)

خلاصه اینکه در دوره دوم این پیشرفت ها و اقدامات به دست آمد: ۱. تلاش های «کانون کار و آموزش» با پشتیبانی دولت و به ویژه ارتش، شرایط و بستر مساعدی برای معلولین و به ویژه نابینایان فراهم آورد.

۲. برای اولین بار مراکز شبانه روزی تأسیس شد.

۳. برای اولین بار در آموزش های دولتی، کار و آموزش در کنار هم و توأم با هم به افراد آموزش داده شد.

۴- پرکینز با دعوت دولت ایران برای مشاوره دادن و ارتقای سطح فرهنگی معلولان به ایران دعوت شدند.

۵- سازمان فرهنگی یونسکو برای نظارت بر آموزش و پرورش معلولان دعوت شد.

۶- کانون کار و آموزش تلاش کرد پیشرفت ها و امکانات و فرصت های جهانی را شناسایی و مراکز و نهادهای جهانی را

دعوت کرد تا به ایران آمده و به معلولان آموزش دهند.

۷- از هنرمندان درجه یک کشور دعوت شده تا به افراد مستعد مهارت یاد بدهند.

ص: ۱۷۱

۱- . آن سوی تاریکی، ص ۲۹۴-۲۹۵.

همه این موارد برای اولین بار در ایران و بعد از ۱۳۲۶ اجرا شده است.

تداوم کانون کار و آموزش: سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در سال ۱۳۳۵ وظایفش تغییر کرد. مؤسسه بین المللی کمک رسانی لاینز در سال ۱۳۳۶ با تهیه آموزشگاهی به نام آموزشگاه رودکی در نزدیکی کن توانست، بعضی از دانش آموزان و معلمین را جذب کند. (۱)

مدرسه اصولی، ۱۳۳۸

شهر تبریز در تاریخچه آموزش و پرورش ناینیان نخستین پایگاه فعالیت و تجمع و سوادآموزی ناینیان به شمار می رود. همان طور که پیشتر گفته شد پاستور کریستوفل که برای مأموریت های نیکوکارانه مذهبی از طریق خاک ترکیه وارد ایران شده بود با کسب مجوز از وزارت معارف وقت و در حوالی سال ۱۳۰۷ (یا به اعتقاد برخی ۱۳۰۴) اقدام به تأسیس مدرسه خاص ناینیان کرد. وی چند سال بعد فعالیت های خود را در اصفهان نیز گسترش داد و شاگردان و همکاران او در تبریز رسیدگی به امور ناینیان به خصوص بزرگسالان را با هدایت او و ابتکار عمل خود ادامه دادند.

در سال ۱۳۳۸ فردی نیک اندیش به نام حسن اصولی مدرسه ای جهت تعلیم و تربیت کودکان نابینا و ناشنوا تأسیس کرد. این مدرسه نیز زیر نظر یک هیئت امناء اداره و هزینه آن توسط شماری از نیکوکاران شهر تبریز تأمین می شد.

در سال ۱۳۴۸ با تأسیس دفتر آموزش کودکان استثنایی در وزارت آموزش و پرورش اداره مدرسه به این وزارتخانه واگذار شد.

با افزایش تعداد دانش آموزان نابینا و نیاز این گروه به یک مدرسه مستقل، در سال ۱۳۶۳ به همت مسئولان وقت اداره آموزش و پرورش ناحیه یک تبریز، آموزشگاه مستقل ناینیان تأسیس و به پاس خدمات ارزنده رئیس آن اداره، نام یدالله مرادی، برادر شهید وی، برای مدرسه انتخاب شد. اکنون این مدرسه به صورت روزانه و شبانه روزی اداره می شود و در چهار مقطع ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی تعداد ۷۵ دانش آموز تحت آموزش و پرورش خود دارد که حدود ۲۰ تن از آنان از امکانات شبانه روزی این مدرسه بهره مند می شوند. بسیاری از دانش آموختگان این آموزشگاه پس از پایان تحصیلات خود به دانشگاه ها راه می یابند و در مقاطع عالی به دانش اندوزی و تجربه آموزی می پردازند. (۲)

دانش آموزان نابینا با فراگیری خط بریل به یادگیری متون می پرداختند. از این رو این مدرسه نخستین مدرسه ای است که توسط ایرانیان تأسیس شد که به ترویج بریل و خواندن قرآن کریم می پرداخت.

ص: ۱۷۲

۱- آن سوی تاریکی، ص ۲۹۵.

۲- آن سوی تاریکی، ص ۳۱۳-۳۱۴.

مؤسس بین المللی کمک رسانی لاینز بعد از انحلال «سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی» در سال ۱۳۳۶ تصمیم گرفت آموزشگاهی برای ناینیان دایر کند. به همین دلیل آقایان ابوالقاسم مینایی و عبدالرحیم بقایی از فرهنگیان فعال و شریف از بین آموزگاران تهران، برای سرپرستی و مدیریت اداره این آموزشگاه و شاگردان آن به انگلستان اعزام شدند تا پس از کسب دانش و تجربه های لازم در تعلیم و تربیت ناینیان، برای انجام خدمت در این آموزشگاه به ایران بازگردند. ایشان در دانشگاه بیرمنگام به تحصیل روان شناسی ناینایی، ادبیات ناینیان و خط بریل به زبان انگلیسی و فارسی پرداختند و زندگی ناینیان را از طریق ایجاد روابط اجتماعی و معاشرت با برخی از آنان و خانواده هایشان آموذند. پس از آن در سال ۱۳۴۰ آقای مینایی به آمریکا رفتند و پس از بازگشت تجربه های بیشتری را در خدمت ناینیان قرار دادند.

در سال ۱۳۴۰ اولین کلنگ مدرسه شبانه روزی مورد نظر و مجهز ناینیان ایران (رضا پهلوی سابق و شهید محبی فعلی) در زمینی به وسعت سی هزار متر زده شد. این زمین را که در غرب تهران و در ابتدای جاده کن قرار داشت، آقایان دکتر یحیی و دکتر اصغر مهدوی، فرزندان حاج امین الضرب^(۱)، به درخواست آقای دکتر علوی (چشم پزشکی) عضو فعال و نیکوکار لاینز بدین منظور به مؤسسه لاینز اهدا کردند. بنای ساختمان این آموزشگاه به مدت دو سال به طول انجامید. نظارت بر این پروژه را آقای مهندس محمدرضا مقتدر عهده دار بودند. این مجموعه دارای باغی وسیع و باغچه بندی هشت ساختمان یک تا سه طبقه شامل ساختمان های اداری و آموزشی، سالن ورزشی سرپوشیده، کارگاه های گوناگون، سفره خانه و خوابگاه های پسران و دختران بود که برخلاف ساختمان هایی که عموماً برای آسیب دیدگان در نظر گرفته می شد، آراسته و مناسب و مطلوب به نظر می رسید. هزینه اجرایی این طرح از طریق کمک های مالی اعضای مؤسسه لاینز و همت آنها در جمع آوری اعانات مردمی تأمین شد و پس از دو سال در سال ۱۳۴۲ رسماً به بهره برداری رسید و با نام نویسی از ناینیان سرتاسر ایران و تشکیل کلاس هایی همسو با مدارس عادی و برنامه های مدون درسی کار خود را آغاز کرد.

امور مدرسه توسط هیئت مدیره ای اداره می شد که عبارت بودند از آقایان دکتر حسن علوی (رئیس هیئت مدیره)، دکتر یحیی و دکتر اصغر مهدوی، محمدولی مشکاتی، دکتر مسعود ضرابی، شاهرخ فیروز، دکتر علی اصغر همایون فر، دکتر علی زاهدی، مهندس محمدرضا مقتدر، دکتر هوشنگ ظلی و آقای علی اکبر کابلی در سمت رئیس حسابداری و مشاور امور مالی و خانم ها آراسته کیهان، نفیسی، انتظام، آذر مهدوی، پری اباصلتی، سمیعی.

در ابتدای کار آقایان مینایی، بقایی، طالقانی، واحدی، علیزاده، شیرازی، نبوی، شفیعی و خانم ها روشن قیاس، فلاحی، وحیدی و پورمحسنی تنها آموزگاران مدرسه بودند که با نیک دلی و دلسوزی تمام به امر آموزش ناینیان می پرداختند و حتی با خانواده های آنان نیز رفت و آمد می کردند. همچنین دکتر باقر صاحب جم با حضور هفتگی و مستمر خود به کار معاینه و معالجه شاگردان این

شبانه روزی می پرداخت. دیگر کسانی که به گروه آموزشی پیوستند عبارت بودند از: آقای علیزاده، آقای واحدی مشاور و مدرسه فیزیوتراپی، آقایان الماس گنج، مشکل گشا، طاعت و خطیبی در حرفه آموزی، آقای مدرسی در آموزش اپراتوری تلفن، و آقای دودانگه مدرس موسیقی، دکتر حسین رضایی مدرس ادبیات و مدتی بعد آقای پردیس در سمت مربی ورزش، خانم حوری پهلوان مدیره خوابگاه ها و نیز خانم شمسی ضرابی خواهر دکتر ضرابی که به مدت ده سال در سمت ناظمه ای دلسوز فعالیت می کردند.

در آغاز این آموزشگاه برای چند ماه به طور روزانه و از مهرماه ۱۳۴۳ مدرسه به صورت شبانه روزی اداره می شد. مدرسه طبق اصول آموزش و پرورش بنا شد ولی به دلیل شرایط خاص نابینایان، در پذیرش شاگردان محدودیت سنی وجود نداشت. لیکن در کلاس ها، به نسبت، شرایط سنی رعایت می شد.

همان طور که گفته شد در آغاز چون این مدرسه سابقه ای نداشت و خانواده ها از وجود چنین مدرسه ای آگاه نبودند برای پذیرش سخت گیر نبودند و در هر شرایط سنی دانش آموزان را ثبت نام می کردند. با گذر زمان وقتی که از وجود چنین آموزشگاهی آگاه شدند مدرسه به روال عادی افتاد و از سن هفت سالگی کودکان مراجعه می کردند.

آموزگاران سال های ابتدایی درسی در آن مدرسه الزاماً بایستی خط بریل را می دانستند. اگرچه در ابتدا معلمین عادی پذیرفته می شدند ولی بعدها معلمین ملزم به یادگیری خط بریل شدند و به آموزش آن همت می گماشتند. اما در کلاس های بالاتر این الزام به جهت جذب هرچه بیشتر آموزگاران و تسهیل و تسریع و تداوم در امر آموزش وجود نداشت و با تجهیز دانش آموزان به این خط در سال های اولیه، کار تدریس با استفاده از وسایل صوتی و نیز گفت و گو به صورت شنیداری و به حافظه سپاری انجام می شد و خود دانش آموزان برای یادگیری هرچه بهتر از امکانات خط بریل استفاده می کردند. بعدها از سال ۱۳۵۲ اداره آموزش و پرورش اقدام به تأسیس سازمانی برای آموزش کودکان استثنایی کشور نمود و معلمینی متخصص برای آموزش نابینایان تعلیم داد. پس از تغییر سیستم حکومتی در ایران، آقای رجبی که از تجار بزاز در بازار بودند عهده دار اداره این مدرسه شدند. ایشان نیز از آقای کابلی درخواست همکاری کردند. حدود دو سال بعد با تفویض این مدرسه به وزارت آموزش و پرورش و دولتی شدن آن، سازمان کودکان استثنایی کشور عهده دار امور این آموزشگاه شد. (۱)

گزارش ویکی پدیا: این آموزشگاه در سال ۱۳۴۳ به ریاست فرح پهلوی به عنوان یکی از واحدهای وزارت آموزش و پرورش افتتاح شد. هدف آن گسترش آموزش جوانان نابینا و اجرای برنامه هایی در جهت پرورش شخصیت آنهاست.

ساختار آن دارای هیئت مدیره و مدیرعامل و معاونین اداری و مالی است که از طرف فرح پهلوی تعیین می شدند. در آغاز هفتاد عضو داشت که در کلاس های دبستان و اول دبیرستان پراکنده بودند و برخی در شبانه روزی آموزشگاه زندگی می کردند. بیشتر این دانش آموزان از استان های گوناگون کشور به وسیله خانواده، شهرداری ها، باشگاه ها و مردم انسان دوست معرفی شده بودند.

در سال ۱۳۴۴ پروژه ای برای گسترش فعالیت آموزشگاه و پذیرش نابینایان دختر به سازمان داده شد که با تصویب آن از تاریخ آذرماه ۱۳۴۵ اجرا شد. دختران نابینا از سرتاسر کشور در آموزشگاه نابینایان رضا پهلوی پذیرفته شدند و خوابگاه دختران و اداره سرپرستی افتتاح شد.

دانش آموزانی که دبستان و دبیرستان را به پایان رساندند می توانند در کلاس های کوتاه مدت حرفه ای شرکت کنند. کادر آموزشی آموزشگاه با وزارت آموزش و پرورش همکاری می کند. کلاس های حرفه ای عبارت اند از:

تمرین ماساژ برای دانش آموزان دوره دبیرستان؛ ماشین نویسی برای دانش آموزان دوره دبیرستان؛ حصیربافی، توربافی، جارو بافی، زنبیل بافی، کاموالبافی، پارچه بافی، برس سازی و درودگری و فلزکاری.

با گسترش سیستم آموزشی نابینایان در سال های دهه پنجاه و استفاده از خط بریل، در کلاس های مدرسه ها، دانشگاه ها، اداره ها، کارگاه ها، و هر جایی که در آن جنب و جوش زندگی است بر روی نابینایان باز است و آنها نیز مانند بینایان به سهم خود در سازندگی اجتماع سهم هستند.

آموزشگاه رضا پهلوی کوشش می کند تا زیربنای محکمی برای رشد شخصیت نابینایان فراهم ساخته و کاستی های عاطفی آنها را پر کند. (۱)

پایگاه اینترنتی ویکی پدیا. به دلیل اینکه منبع مستقلی است لذا گزارش آن با دیگران متفاوت است.

چند دهه جدید: این آموزشگاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، تغییرات اساسی پیدا کرد و نام آن به شهید محبی تغییر یافت. گزارش ساختار و فعالیت های این مدرسه در چند دهه اخیر در فرصت مناسب عرضه خواهد شد.

مؤسسه رودکی تهران

این مؤسسه پیش از پیروزی انقلاب به عنوان سازمانی ملی رفاه نابینایان فعالیت داشت. پس از پیروزی ۱۳۵۷ و تأسیس جمهوری اسلامی به مجتمع خدمات بهزیستی نابینایان رودکی تغییر نام یافت. البته به اختصار به آن رودکی یا مؤسسه رودکی گفته می شد و وابسته به سازمان بهزیستی بود.

در دهه هشتاد به بخش خصوصی واگذار به مرکز خیریه ریحانه شد و نامش به مؤسسه خیریه و نیکوکاری ریحانه (رودکی) تغییر یافت.

مؤسسه خیریه و نیکوکاری ریحانه «رودکی» پرسابقه ترین مؤسسه چاپ و نشر متون به خط بریل به ویژه قرآن کریم است. البته سابقه فعالیت های این مرکز فقط به چاپ و نشر بریل محدود نمی شود؛ بلکه به دلیل اینکه تنها مؤسسه خدمات رسانی به نابینایان بود کارهای دیگری همچون ضبط کتب گویا و خدمات توانبخشی نیز از فعالیت های مهم این نهاد بود. این مؤسسه بزرگ ترین و مؤثرترین مرکز انتشارات بریل و گویا به شمار می آید، لذا یکی از فعالیت های آن در زمینه چاپ بریل چاپ متون دینی به خصوص قرآن کریم است. این مرکز با بهره گیری از پیشرفته ترین ابزار و تکنولوژی در زمینه چاپ و نشر بریل

بزرگ ترین مرکز چاپ قرآن کریم به شمار می آید. می توان گفت که پیشینه چاپ قرآن کریم به

ص: ۱۷۵

۱- .ویکی پدیا فارسی.

خط بریل به قبل از انقلاب برمی گردد. اولین قرآن بریل مشتمل بر ۸ جلد بود که توسط فرح پهلوی در این مرکز به چاپ رسید و در اختیار نابینایان قرار گرفت؛ اما این قرآن ها دارای اغلاط زیادی بود که با توجه به نبود قرآن بریل یک غنیمت محسوب می شد ولی متأسفانه طی بررسی های انجام شده هیچ کدام از نسخه های آن در کتابخانه های نابینایان کشور موجود نیست. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۸ نیز اقدام به چاپ قرآن به خط بریل شد که به گفته برخی نابینایان نسخه چاپ شده در سال ۵۸ با اندک اصلاحات و تغییرات از روی همان نسخه اولیه منتشر شده است. و از آن پس تمام قرآن ها با همان شیوه اصلاح قدیمی چاپ می شود. این مرکز دو دوره قرآن های بدون ترجمه و با ترجمه منتشر می کند که دوره با ترجمه آن بهتر از دوره بدون ترجمه است. دوره بدون ترجمه شامل شش مجلد و دوره با ترجمه در ابتدا ۱۲ جلد و در حال حاضر ۱۱ جلد می باشد. دوره ۱۱ جلدی از روی نسخه ۱۲ جلدی منتشر می شود و تنها تفاوتش در تعداد مجلدات است. و در حال حاضر همین نسخ «۶ جلدی و ۱ جلدی» در اختیار نابینایان و مؤسسات نابینایی قرار می گیرد. اکنون ما به بیان ویژگی های این دو نسخه به طور مجزا می پردازیم.

قرآن های بدون ترجمه: همان طور که می دانید این نسخه از روی نسخه قدیمی به چاپ رسیده و با توجه به وجود ابزار پیشرفته چاپ بریل متأسفانه مرکز تاکنون به اصلاح آن نپرداخته است. این دوره در دو نوع جلد مقوایی و گالینگور عرضه می شوند. ولی این قرآن ها بسیار حجیم هستند برگه های استفاده شده برای چاپ مناسب و مرغوب اند ولی طول و عرضشان زیاد است که باعث حجیم شدن آنها می شود. صحافی آنها مناسب نیست و نمی توان صفحه را به طور کامل باز کرد. شاید به این دلیل است که حاشیه از چپ کم است. شماره صفحات بر اساس صفحات بریل می باشد و هر جلد از صفحه ۱ تا ادامه می یابد. البته صفحات مربوط به مشخصات چاپ و نشر، توضیح ناشر، تعریف علائم و اصطلاحات به عربی و فارسی و فهرست شماره ندارند و با حروف الفبا مشخص شده اند. شماره صفحات نیز در گوشه بالا سمت راست قرار دارند. قبل از شروع هر سوره ابتدا شماره و نام سوره، مکی و مدنی بودن آیات و اینکه بعد از چه سوره ای نازل شده درج گردیده است. در سر صفحه ها نیز شماره جزء، نام سوره و تعداد آیات درج شده در هر صفحه آمده است. متأسفانه این دوره از قرآن کریم به هیچ وجه استاندارد نیست و آن هم به دلیل اغلاط فراوان املائی است که به چشم می خورد. شاید بتوان اذعان کرد که در هر جزء ۶ تا ۷ غلط املائی مشاهده شده است. به علاوه اینکه شیوه علامت گذاری بسیار نامناسب است و بسیار مشاهده شده که علائم در جایگاه خود قرار نگرفته اند. آیات نیز پشت سر هم آورده شده که پیدا کردن آیات در زمان کم میسر نیست. به هر حال از مرکزی مثل رودکی با توجه به اینکه بزرگ ترین مرکز چاپ و نشر بریل است انتظار می رود نسبت به رقبای خود گامی جلوتر باشد به خصوص در عرصه چاپ قرآن کریم؛ ولی عملاً این طور نبوده و مؤسساتی که سابقه بسیار کمتری دارند به مراتب بهتر عمل کرده اند.

قرآن های با ترجمه: این قرآن ها هم در دو نوع جلد مقوایی و گالینگور ارائه می گردد. همان گونه که ذکر شد این قرآن ها نسبت به دوره بی ترجمه بسیار بهتر است. به این دلیل که گروهی از مصححین و مترجمین نسخه بینایی که بریل با آن مطابقت داده شده را تصحیح و ویرایش کرده اند؛ اما این دوره

نیز خالی از اشکال نیست و شیوه علامت گذاری ها با اشکال مواجه است. این قرآن ترجمه بهاءالدین خرمشاهی است. ویژگی های این دوره به شرح ذیل می باشد.

مشخصات چاپ و نشر بریل و بینایی در صفحه اول آورده شده است. در صفحه دوم توضیح ناشر و در ادامه همان صفحه و صفحه سوم آمده است صفحات چهارم و پنجم به فهرست اختصاص یافته و صفحه ششم خالی مانده است. از صفحه هفتم قرآن کریم آغاز می شود. نکته: صفحات اول تا ششم شماره صفحه ندارند. و در هر جلد از صفحه ۱ شروع و تا... ادامه می یابد. صحافی و کاغذ آن مناسب است؛ اما با توجه به اینکه تعداد مجلدات زیاد است بسیار قطور و حجیم اند. در سر صفحه ها ابتدا شماره جزء و سپس نام سوره درج گردیده است. در ابتدای جلد اول پس از فهرست دعای قبل از تلاوت قرآن آورده شده است. قبل از شروع هر سوره ابتدا شماره و نام سوره مکی و مدنی بودن، و نزول بعد از کدام سوره و تعداد آیات سُور به زبان عربی و فارسی مندرج شده اند. آیات و ترجمه آنها هر یک در سطوری جداگانه و هر آیه و ترجمه آن در یک پاراگراف قرار دارند. در جلد پایانی «جلد یازدهم» پس از اتمام قرآن کریم این موارد مندرج اند: دعای ختم قرآن «دعای چهل و دوم از صحیفه سجادیه» به همراه ترجمه به صورت پاراگراف به پاراگراف، فهرست سوره ها بر حسب ترتیب نزول، فهرست نام های دیگر و غیر رسمی بعضی از سوره ها، پیشگفتار چاپ دوم، و گفتار مترجم. در پایان از کلیه عوامل چاپ قرآن کریم در این مرکز تشکر می کنیم و به عنوان خواننده از مسئولین ذیربط در این مؤسسه عاجزانه می خواهیم تمام تلاش خود را در جهت بهبود کیفی این قرآن ها به کار بندند.

این مجتمع در خیابان جمهوری، خیابان ظهیر الاسلام، پلاک ۵۳ قرار دارد.

مآخذشناسی قرآن: این مرکز در چند دهه توانست با تأمین نیازهای نابینایان توانست به مؤثرترین نهاد در ترویج قرآن بریل در ایران تبدیل شود. قرآن هایی که منتشر کرده دارای این مشخصات است:

قرآن های بدون ترجمه

عنوان: قرآن کریم

جلد اول از سوره فاتحه تا آخر سوره نساء

محل نشر: تهران

ناشر: مجتمع خدمات بهزیستی نابینایان رودکی

سال چاپ: ۱۳۷۳

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۵۴

خط : بریل

برگرداننده به خط بریل: مریم باستان خواه

عنوان: قرآن کریم

جلد دوم از سوره مائده تا آخر سوره توبه

محل نشر: تهران

ناشر: مجتمع خدمات بهزیستی نابینایان رودکی

ص: ۱۷۷

سال چاپ: ۱۳۷۳

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۴۸

خط: بریل

برگرداننده به خط بریل: مریم باستان خواه

عنوان: قرآن کریم

جلد سوم از سوره یونس تا آخر سوره کهف

محل نشر: تهران

ناشر: مجتمع خدمات بهزیستی نابینایان رودکی

سال چاپ: ۱۳۷۳

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۴۵

خط: بریل

برگرداننده به خط بریل: مریم باستان خواه

عنوان: قرآن کریم

جلد چهارم از سوره مریم تا آخر سوره عنکبوت

محل نشر: تهران

ناشر: مجتمع خدمات بهزیستی نابینایان رودکی

سال چاپ: ۱۳۷۳

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۴۸

خط: بریل

برگرداننده به خط بریل: مریم باستان خواه

عنوان: قرآن کریم

جلد پنجم از سوره روم تا آخر سوره جاثیه

محل نشر: تهران

ناشر: مجتمع خدمات بهزیستی نابینایان رودکی

سال چاپ: ۱۳۷۳

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۴۸

خط: بریل

ص: ۱۷۸

برگرداننده به خط بریل: مریم باستان خواه

عنوان: قرآن کریم

جلد ششم از سوره احقاف تا آخر سوره ناس

محل نشر: تهران

ناشر: مجتمع خدمات بهزیستی نابینایان رودکی

سال چاپ: ۱۳۷۳

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۷۱

خط: بریل

برگرداننده به خط بریل: مریم باستان خواه

آدرس: تهران، خیابان جمهوری، خیابان ظهیرالاسلام، پلاک ۵۳

تلفن: ۰۲۱-۳۳۱۱۲۱۵۲، ۳۳۱۱۲۱۹۰

توضیحات ناشر: شیوه نگارش بریل بر اساس قرآن چاپ شده کشور عربستان سعودی که در تاریخ ۱۴۰۷ هجری قمری مطابق با ۱۹۸۷ میلادی منتشر شده است می باشد.

مشخصات متن بینایی: در دسترس نیست

قرآن های با ترجمه:

عنوان: قرآن کریم

جلد اول از ابتدای سوره فاتحه تا انتهای سوره بقره

پدید آورنده:

ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی

زبان ترجمه: فارسی

محل نشر: تهران

ناشر: مجتمع خدمات بهزیستی نابینایان «رودکی»

تاریخ چاپ: دی ماه ۱۳۷۷

تعداد صفحات: ۱۸۸

خط: بریل

برگرداننده به خط بریل: رادفر

مشخصات متن بینایی

عنوان: قرآن کریم

پدید آورنده:

ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی

ص: ۱۷۹

زبان ترجمه: فارسی

محل نشر:

ناشران: جامی و نیلوفر

چاپ اول:

تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۷۵

مصححین: پاکدل و پرورش

گویندگان: اعرابی و فروغی

توضیحات ناشر در کلیه مجلدات:

متن عربی این مصحف شریف عیناً از نسخه چاپ شده به خط بریل در عربستان سعودی به سال ۸-۱۴۰۷ هجری قمری، مطابق با ۱۹۸۷ میلادی تهیه گردیده است.

مجتمع خزانلی، ۱۳۴۴

مجتمع خزانلی (۱)، ۱۳۴۴

محمد خزانلی در ۱۲۹۲ در کوهرود اراک متولد شد. در هجده ماهگی بر اثر آبله نابینا شد. در آن زمان مدارس امروزی گسترش نداشت و محمد به مکتب خانه رفت و ۱۲ سالگی قرآن را کاملاً حفظ بود. (۲)

او در سال ۱۳۱۲ یعنی وقتی بیست ساله بود به آموزش خانگی نابینایان پرداخت و پس از به دست آوردن تجارب کافی آموزشگاهی در اراک دایر کرد. (۳)

وی آموزشگاه‌هایی به نام آموزشگاه خزانلی در اراک و تهران تأسیس کرد، انجمن هدایت و حمایت نابینایان ایران و آموزشگاه نابینایان بزرگسال را راه انداخت و چندین فعالیت دیگر در زمینه باسواد کردن و رشد آگاهی‌ها و تجارب فرهنگی نابینایان داشت. (۴)

بالاخره در سال ۱۳۵۳ در سن ۶۲ سالگی چشم از جهان فرو بست.

تاریخچه فعالیت مؤسسات دکتر خزانلی به سال ۱۳۱۲ برمی گردد. در سال ۱۳۴۲ منزل شخصی دکتر خزانلی با عنوان انجمن حمایت و هدایت نابینایان و با مدیریت دکتر خزانلی برای آموزش نابینایان بزرگسال شکل گرفت. در سال ۱۳۴۴ این محل به صورت آموزشگاهی مستقل از انجمن مذکور و طبق برنامه مدارس اکابر آن زمان فعالیت می کرد. خانم پری زنگنه هم مدتی

به تحصیل در رشته خیرنگاری در آن مؤسسه حضور داشت.

رفت و آمد نابینایان در کوچه خزائلی که دو ساختمان آن به فعالیت های مختلف دکتر خزائلی اختصاص داده شده بود حالتی خاص به این کوچه داده بود. به زودی نابینایان در سنین مختلف و از محله ها و طبقات گوناگون به این مکان رهسپار شدند و روی نیمکت های این کلاس ها نشستند.

ص: ۱۸۰

۱- نام کامل آن این گونه است مجتمع نابینایان دکتر خزائلی (تهران، خ ظهیرالاسلام، پلاک ۱۱۰).

۲- دکتر خزائلی قانون گذار روشندل، ص ۹.

۳- همان، ص ۱۱ و ۱۶.

۴- همان، ص ۱۶-۱۷.

استاد که خود از دردمندان و رنج کشیدگان روزگار بود، نابینایان، به خصوص بزرگسالان فراموش شده را گرد هم آوردند و با هدف سوادآموزی، کاریابی و ایجاد روابط اجتماعی برای آنها از هیچ حمایت و هدایتی فروگذار نکرد. (۱)

ریاست آن مجتمع بر عهده دکتر خزائلی و مدیریت آن بر عهده خانم برخورداری، مدیر مجله روشندل سرهنگ حسین شاه زیدی و مسئول تلفن و ارتباط پرویز جیحون بودند.

در سال های ۴۹-۱۳۴۸ این آموزشگاه توسط سازمان برنامه و بودجه بازسازی شد و مجله روشندل نیز در همان سال منتشر گردید.

در سال ۱۳۵۱، خانم پری زنگنه اولین کنسرت خود در تالار رودکی را به تهیه یک دستگاه تلفن اپراتوری زمینس مخصوص با علائم صوتی از آلمان اختصاص داد. این دستگاه می توانست زمینه را برای آموزش و به کار گماردن نابینایان در امر اپراتوری به طور جدی تر و رسمی تر فراهم کند. کلاس های آموزش تلفن و تربیت اپراتور توسط آقای مدرسی که روشندلی بسیار بانشاط و آگاه بودند و در اتریش این دوره را گذرانده بودند اداره می شد.

در همان سال ۱۳۵۱ سازمان ملی رفاه نابینایان که دو سالی از تأسیس آن می گذشت امور مالی مؤسسات خزائلی را نیز عهده دار شد.

از یاران راستین، نیک مردان و نیک زنانی نام ببرم که دکتر خزائلی را در امر آموزش و پایه گذاری فعالیت های گوناگون مؤسسات خیریه خزائلی و انجمن حمایت و هدایت نابینایان یاری می دادند و در این راه بسیار دلسوز و کوشا بودند: آقایان دکتر حسین رضایی، دکتر عبدالعزیز واحدی، حسن مدرسی، حسین شاه زیدی، خدا رحم آبادی، مصطفی شبلی، نصرالله شیرین آبادی، خلیل دادگر، میساک وارطانیان، رضا صهبان، محمدرضا نامنی، محمد احمدزاده، بهرام امیری، رحیم مختاری و مرسل صدیق و خانم ها عفت خزائلی، شایسته خزائلی، اقدس برخورداری، سیمین صحت، بدری عماری، فرشته افتخاری، نوئل حداد، اکرم افشار (سنگ)، گیتی اسدی، عصمت ایرجی، سرور بهار، فریده و سیما آبرون، ربابه صفایی، اکرم اشهمی و مریم آجرلویی.

در سال ۱۳۵۲ این مؤسسه به آموزشگاه روزانه دولتی تلفیقی نابینایان تغییر کاربری داد و در سال ۱۳۶۱ به مدرسه پسرانه تبدیل شد. از سال ۱۳۷۱ این مؤسسه به مجتمع آموزشی از مقطع دبستان تا دبیرستان تبدیل شد و در برابر مدرسه شهید محبی در غرب تهران، نیمه شرقی شهر را پوشش داد.

در حال حاضر مجتمع آموزشی پسرانه دکتر محمد خزائلی تحت پوشش آموزش و پرورش استثنایی قرار دارد که در زمینی به مساحت ۱۱۰۰ متر با ۲۴۰۰ متر زیربنا در ۴ طبقه شامل دفتر دبیران، سالن بدنسازی، آزمایشگاه با ابزار لامسه ای و نقش های برجسته، انواع کیت ها، ابزار مکانیکی، جانوران تاکسیدرمی شده، کتابخانه بریل، کارگاه های هنر (شامل سفالگری و صنایع دستی و...) و اتاق پرورشی ست.

تعداد شاگردان متمرکز در این مدرسه ۱۱۰ نفر است و ۷۵ شاگرد نیز به دلیل بینایی نسبی یا دور بودن مسیر و دلایلی از این

دست به مدارس بینایی هدایت و معرفی شده اند و با در اختیار داشتن

ص: ۱۸۱

۱- آن سوی تاریکی، ص ۳۰۳.

معلم رابط، نوار، ماشین تحریر بریل و سایر موارد و مواد کمک آموزشی به ادامه تحصیل می پردازند و به عنوان شاگردان تلفیقی با این مدرسه ارتباط دارند.

در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه با توجه به اقداماتی که در جهت برنامه های رفاهی و آموزشی برای کودکان آسیب دیده و استثنایی صورت گرفته بود و هدف ادامه این فعالیت ها و تعمیم آن به بزرگسالان نیز مطرح شده بود، سازمان ملی رفاه نابینایان به صورت نیمه دولتی تأسیس یافت و در زمینه امور رفاهی و اجتماعی نابینایان و کاریابی برای آنان به فعالیت پرداخت.

این سازمان به ریاست دکتر مسعود ضرابی، چشم پزشک خوش نام و با هیئت مدیره ای متشکل از نابینایان فرهیخته همچون آقایان مرحوم دکتر حسین رضایی معاون اداری و عبدالعزیز واحدی، مدیر برنامه و معاون فنی اداره می شد. ریاست روابط عمومی سازمان نیز به خانم زنگنه واگذار شد. وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر بهداشت، وزیر آموزش و پرورش، رئیس سازمان کودکان استثنایی و معاونان آنها اعضای ثابت هیئت امنای سازمان بودند. جلسات در محل وزارت کار و امور اجتماعی برگزار می شد و چهار نماینده نیز از سوی نابینایان در آن شرکت می کردند که عبارت بودند از آقایان دکتر ضرابی، دکتر علوی، دکتر واحدی و پری زنگنه.

از کارهای برجسته این سازمان شرکت در همایش های بین المللی و اعلام حضور نابینایان ایران در عرصه های جهانی بود. از سمینارهایی که ایران در آن حضور داشت، همایش بلگراد در سال ۱۳۵۴ بود که پری زنگنه و خانم گیتی اسدی، همسر آقای رحیم مختاری، از شخصیت های فرهنگی نابینایان، در آن حضور داشتند.

در سال ۱۳۵۵ همایشی دیگر در تونس برگزار شد که آقایان دکتر ضرابی و دکتر واحدی در آن شرکت جستند.

در همان سال شهر ریاض پایتخت عربستان سعودی میزبان همایشی دیگر بود. این همایش به ریاست شیخ عبدالغلام برگزار شد و از ایران پری زنگنه به همراه آقای عبدالعزیز واحدی و همسرشان، خانم سیمین صحت، و نیز آقای مرسل صدیق که منشی گروه بودند در آن جمع شرکت نمودند. نمایندگان شرکت کننده عموماً از نابینایان بودند که به همراهی یکی از خویشاوندان یا دوست یا منشی خود حضور به هم رسانده بودند.

قرار شد کنفرانس بعدی کمیته اجرایی سازمان جهانی امور نابینایان، در ایران و در شهر اصفهان برگزار شود که هم به لحاظ فرهنگی و هم به لحاظ فعالیت های نابینایان مرکز مهمی تلقی می شد که در جریان تغییر حکومت در ایران این کار صورت نگرفت.

در ارتباط با فعالیت های گسترده سازمان ملی رفاه نابینایان علاوه بر ایجاد هماهنگی در فعالیت های واحدهای مختلف آموزشی، حرفه ای، اجتماعی، فرهنگی و توانبخشی که در آموزشگاه خزائلی تشکیل یافته بود، به ایجاد کارگاه های مختلف حرفه ای در بخش صنایع دستی نیز می توان اشاره کرد که در مرکز خزانه فعالیت می کرد و به مرور به واحد گسترده ای تبدیل شد. همچنین تربیت مددکاران کاریاب و ایجاد مشاغل تولیدی که نابینایان بتوانند در منزل خودشان انجام دهند و از

طریق همان مددکاران به بازار عرضه کنند از دیگر فعالیت های مؤثر و سودمند سازمان بود. این کار علاوه بر کمک به نابینایان که دشواری رفت و آمد از مهم ترین مشکلات ایشان بوده است، بار تهیه وسایل نقلیه

ص: ۱۸۲

را از دوش مؤسسات تولیدی و کارگاهی کاست و این مانع بزرگ کارآمدی و درآمدزایی نابینایان را از سر راه برداشت.

در بخش فرهنگی خدمات این سازمان عبارت بود از تأسیس چاپخانه بریل مجهز به انواع وسایل و ماشین آلات چاپ و تکثیر، تهیه کتب و نشریات بریل و در کنار آن کتابخانه مجهزی برای انتشارات صوتی (گویا) و استودیوهای مجهز و مدرن با کمک گویندگان و خوانندگان ورزیده کتاب که داوطلبانه موضوعات درسی و غیر درسی را روی نوار کاست آماده می کردند و در اختیار نابینایان می گذاشتند.

در زمینه حرفه های نابینایان تشکیل کلاس های ماساژ با همکاری اساتید دانشکده فیزیوتراپی و آموزش به پسران و دختران از دستاوردهای سازمان بود.

در بخش فعالیت های اپراتوری، کلاس های آموزشی تشکل جدیدی یافت و فعالیت های آموزش پراکنده نابینایان که کمابیش در این زمینه وجود داشت به طور جدی و منسجم و مستمر به عنوان آموزش اپراتور تلفن (تلفنیچی) دنبال شد.

در بخش ورزش فعالیت های شنا، شطرنج، دوندگی، وزنه برداری و کشتی شروع شد. در مورد فعالیت شنا، استخر مجموعه ورزشی امجدیه (شیرودی فعلی) با کمک تربیت بدنی و به طور رایگان در اختیار نابینایان بود. (۱)

نابینایان از ۱۳۳۶ به بدنسازی و تربیت بدنی گرایش پیدا کردند. و در مراکز نابینایی این شیوه اجرا می شد. مجتمع شهید محبی و مجتمع خزائلی در تهران از پیشقراولان این شیوه بودند.

مجتمع خزائلی با هدف پر کردن اوقات فراغت دانش آموزان نابینا و تربیت بدنی ایشان از امکانات مرکز توانبخشی رودکی و امکانات موجود در ورزشگاه شهید شیرودی از جمله استخر شنا، کشتی و غیره استفاده می کرد. آموزش و انجام مسابقات شطرنج نیز از جمله ورزش های فکری بود که توسط افراد نابینا در این مجتمع برقرار بود.

اطلاعات ما از مراکز این چینی در دیگر استان های ایران حتی در دیگر کشورها بسیار کم است. در صورت دستیابی به اطلاعات افزون تر این مقاله کامل تر خواهد شد. (۲)

بخش توان بخشی سازمان نیز از قسمت های مشاوره، ارزش یابی، تحرک و جهت یابی و کاریابی تشکیل شده بود که تحت نظر گروهی آموزش دیده اداره می شد و نابینایان بزرگسال یا دیر نابینا در همین مرکز آموزش می دیدند. در کنار تمام این فعالیت ها آموزش خط بریل و ترغیب نابینایان به فراگیری این خط راه گشا، مدنظر سازمان قرار گرفته بود.

پس از تغییر حکومت در ایران، این سازمان مدتی زیر نظر وزارت بهداشت وقت بود. پس از چندی با تأسیس سازمان بهزیستی کشور، این مرکز اداره امور این گونه سازمان ها را به عهده گرفت و برنامه های دیگری برای ادامه فعالیت ها پی ریزی کرد. (۳)

- ۱- . آن سوی تاریکی، ص ۳۰۴-۳۱۰.
- ۲- . تاریخ ورزش ناینیان در ایران، بهرام جدیدی
- ۳- . آن سوی تاریکی، ص ۳۱۰.

پیشینه آموزش نابینایان و معلولین در اهواز به سال ۱۳۴۳ باز می‌گردد. در این سال کلاس سوادآموزی برای نابینایان اهواز در کلیسای پروتستان برگزار شد. این کلیسا توسط کشیشی به نام فرانک وودوارد اداره می‌شد.

مربی و آموزگار این کلاس‌ها، آقای علی گل کریمی از دانش‌آموختگان مدرسه کریستوفل اصفهان بود که از طرف آن مدرسه به اهواز اعزام شد. گویا اولین دانش‌آموز این کلاس‌ها منصور قنادپور بود که در شش ماهگی بر اثر مسامحه پزشکی و نابینا شده بود.

پس از به ثمر نشستن این اقدام در پاییز سال ۱۳۴۴ به همت سازمان آموزش و پرورش وقت و پشتیبانی باشگاه لاینز و مردم نیکوکار اولین کلاس رسمی برای نابینایان بزرگسال در محل مدرسه بوعلی در اهواز تشکیل شد.

اردیبهشت سال ۱۳۴۵ بهار زیبایی برای نابینایان بود، چرا که با تدبیر باشگاه لاینز و حمایت آموزش و پرورش و تعهد شهرداری برای پرداخت اجاره بها، خانه‌ای به منظور سوادآموزی نابینایان اجاره شد. این مکان که اولین آموزشگاه رسمی نابینایان در شهر اهواز به شمار می‌رود در سال تحصیلی ۴۵-۴۶ با نام رودکی و با بیست و سه دانش‌آموز و دو آموزگار به کار کرد.

به سال ۱۳۴۹ به همت مرحوم دکتر اقبال زمینی به آموزشگاه اختصاص داده شد و در همان سال ساختمان آن به نام آموزشگاه رودکی افتتاح گردید و فعالیت‌های گذشته با افزایش شاگردان و آموزگاران و استقرار در مکانی مناسب ادامه یافت.

از سال ۱۳۵۰ به بعد ناشنوایان نیز به علت نداشتن محل و امکانات در بخشی از این آموزشگاه و در نوبت‌های دیگر به تحصیل مشغول شدند. به تدریج با افزایش شمار دانش‌آموزان ناشنوا از یک سو و به نظر برخی، عدم تدبیر کارآمد در جذب و جلب همکاری خانواده‌ها - که هنوز معتقد به آموزش‌پذیری نابینایان نبودند - و به پیرو آن بازدهی اندک از سوی دیگر، تمام این ساختمان به ناشنوایان اختصاص داده شد و فعالیت نابینایان از رشد و رونق باز ماند.

چندی بعد باشگاه لاینز، زمینی در نزدیکی همین آموزشگاه را به نابینایان اختصاص داد و با بنای مدرسه‌ای به نام شوریده شیرازی و تداوم سرپرستی آموزش و پرورش مکانی دیگر بر طبق ضوابط و معیارهای آموزشی ویژه نابینایان ایجاد شد.

هم‌اکنون این آموزشگاه با همین نام و به صورت رسمی و مستقل دانش‌آموزان مقطع دبستان تا پایان سوم راهنمایی را پوشش می‌دهد و دانش‌آموزان دبیرستانی با هدایت و سرپرستی رابطین مدرسه و در اختیار داشتن امکاناتی آموزشی و کمک آموزشی به صورت تلفیقی در مدارس عادی تحصیل می‌کنند.

در حال حاضر بیش از هفتاد تن به صورت مختلط در این مدرسه و حدود چهل تن به صورت تلفیقی در مدارس دیگر به فراگیری علم و دانش مشغول هستند.

در شهرستان های اطراف مرکز استان نیز به نسبت نیاز و درخواست و تعداد نابینایان ادارات آموزش و پرورش و آموزش استثنایی فعالیت هایی در جهت ایجاد امکانات تحصیلی چه به صورت مدرسه مستقل و چه به صورت استفاده از مدارس دیگر انجام می دهند.

ص: ۱۸۴

هم اکنون با افزایش درخواست های نابینایان از اطراف اهواز و پیگیری تمام کسانی که چه از نظر وجدانی و انسانی و چه از نظر اداری و شغلی خود را مسئول می دانند شهرهای دیگر نیز همچون آبادان، بهبهان، دزفول، گچساران، مسجد سلیمان، رامهرمز و غیره دارای کلاس هایی برای نابینایان هستند. (۱)

آموزشگاه شوریده شیرازی شیراز، ۱۳۴۴

در اواخر دهه ۱۳۳۰ مدرسه کریستوفل توسط آلمانی ها در اصفهان و مدرسه نورآیین توسط آمریکایی ها در شهر اصفهان برای آموزش نابینایان تأسیس شده بود.

اتحادیه انجمن نابینایان هلند زیر نظر دکتر ویلدن در سال ۱۳۴۰ تصمیم به تأسیس مدرسه نابینایان در سه شهر شیراز، کرمان و اهواز گرفت. که در کرمان موفق نشدند. اما در شیراز مدرسه شوریده و در اهواز مدرسه رودکی تأسیس گردید.

در شیراز این مدرسه زیر نظر آقای نجفی که مسئول سازمان شاهنشاهی و خدمات اجتماعی بود در اتاقی در محله دروازه قصاب خانه در سال ۱۳۴۰ تأسیس گردید و آقای حساس که خود نیز نابینا بود آموزش دانش آموزان نابینا را به عهده گرفت، اما فقر فرهنگی مردم موجب اذیت و آزار دانش آموزان نابینا در آن محله بود و بچه های نابینا مورد حمله بچه های آن محله واقع می شدند و اغلب به آنان سنگ پرتاب می کردند. این امر موجب شد تا آقای نجفی با رایزنی ها و پیگیری های مکرر اتاقی را در کلیسای شهر شیراز که در خیابان خیام در مجاورت بیمارستان مرسلین که متعلق به مسیحیان بود ماهی ۵۰ تومان کرایه کنند که در این امر موفق شدند و دانش آموزان نابینا از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۴ در این مکان برای فراگیری و آموزش حاضر می شدند.

از سوی دیگر آقای عبدالله معطری که خود بر اثر بیماری نابینا شده بود خط بریل را از آقای میرزاده که از مبلغین دین مسیح بود فراگرفت و در کلیسا نیز به آموزش دانش آموزان نابینا مشغول شد. در اردیبهشت سال ۱۳۴۴ محمدرضا پهلوی در سفری که به شیراز داشت هنگامی که از شاهچراغ دیدن می کرد یکی از نابینایان به نام شیخ سلیمان که لباس روحانی بر تن داشت در شاهچراغ به شاه اعلام کرد که ما چقدر بدبخت شده ایم که برای آموزشمان به کلیسا پناه ببریم در آن شب از طرف مسئولین شهر به آقای معطری تماس گرفته می شود و مشکل را جویا می شود و ایشان نیز مشکلات دانش آموزان را مطرح می کند. با پیگیری های مکرر آقای معطری در مهرماه ۱۳۴۴ ساختمانی کوچک در طبقه دوم خیابان وصال متشکل از یک اتاق بزرگ جهت کلاس و یک اتاق برای انبار و دفتر به آنان اختصاص دادند. و با پیگیری های مکرر آقای معطری قرار می شود ماهی بیست تومان جهت ایاب و ذهاب دانش آموزان نابینا از طرف آقای نجفی به آنان پرداخت شود.

در اواخر دهه ۱۳۴۰ سه ساختمان برای تأسیس مدرسه شوریده ساخته می شود نخست در خیابان زند ساختمان بزرگ توسط بنیاد رضا پهلوی و باشگاه لاینز ساخته می شود که توسط دانشگاه پهلوی تصرف شد و دانشگاه مهندسی در آنجا تأسیس گردید، سپس در چهار راه ادبیات ساختمانی دیگر

۱- . آن سوی تاریکی، ص ۳۱۹ تا ۳۲۰.

ساخته شد که باز هم توسط دانشگاه تصاحب گردید و در سال ۱۳۴۹ ساختمان کنونی مجتمع ناینیان شوریده در میدان کلبه ساخته می شود که هزینه ساخت آن توسط بنیاد پهلوی و باشگاه لاینز و سیصد هزار تومان کمک توسط دکتر علویان رئیس بنیاد پرداخت شد. و در سیزده آبان ۱۳۴۹ توسط محمدرضا شاه شخصاً افتتاح می گردد.

در آن زمان مجتمع با حدود چهل دانش آموز شروع به کار کرد. مدیریت آموزشگاه در سال ۱۳۴۹ به اصغر سعادت واگذار گردید که تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. (۱)

خانم پری زنگنه به نقل از اصغر سعادت می نویسد:

«علاقه شخصی این جانب به ناینیان از روز اول دبستان خودم آغاز شد که با یک همکلاسی ناینیا روبه رو شدم. معلم، این کودک را به علت ناینیایی اش از کلاس اخراج کرد و من تحت تأثیر این اقدام همیشه به ناینیان عشق می ورزیدم. از سن پانزده یا شانزده سالگی به فکر چاره جویی افتادم تا این که با مرحوم دکتر خزائی آشنا شدم. ایشان تعلیمات مقدماتی را به من دادند و من خود را آماده خدمت به آنها کردم.

در سال ۱۳۴۰ که به خدمت وزارت فرهنگ و هنر وقت در آمده بودم به فکر تأسیس مدرسه ای برای ناینیان شیراز افتادم و با همکاری بعضی خیرین اقدام به تشکیل کلاسی برای آنها کردیم. به تدریج این فعالیت به آموزشگاهی مجزا با مساحت ۱۰۰۶۰ مترمربع انتقال یافت که آن را به نام شوریده شیرازی شاعر نامدار و ناینیای شیراز نامگذاری کردیم. در مدت دو سال چهار بلوک ساختمانی در آن احداث نمودیم که شامل کلاس درس، خوابگاه، غذاخوری و کارگاه بود و کار تدریس با هشت دانش آموز که عمدتاً بزرگسال بودند آغاز شد. در کمتر از دو سال با جذب کودکان و خردسالان تعداد به هشتاد دانش آموز رسید و در دو بخش روزانه و شبانه روزی فعالیت مدرسه ادامه یافت. لازم به یادآوری است که این آموزشگاه تنها آموزشگاهی است که از آغاز کار زیر پوشش وزارت آموزش و پرورش بوده و همه مخارج آن اعم از تأمین معلم، لباس، غذا و دیگر مخارج شبانه روزی به عهده دولت است. در حال حاضر دویست و بیست دانش آموز در آن به تحصیل می پردازند. از سال های تأسیس این مدرسه تا حال ده ها نفر از این آموزشگاه فارغ التحصیل شده اند که در مشاغل مختلف مشغول خدمت اند. بعضی از آنها در کسوت استادی دانشگاه و آموزگاری انجام وظیفه می کنند و عده ای نیز به کارهایی چون اپراتوری تلفن، فیزیوتراپی، ماساژوری و ... مشغول اند.

این آموزشگاه از کادر علمی بسیار قوی و ساختمان هایی مجهز و زیبا برخوردار است. آموزگاران اولیه این آموزشگاه سه نفر بودند: آقای عبدالله معطری که خود ناینیا و به حق عاشق ناینیان بود، خانم مهرانگیز حسن شاهی که فردی فداکار و بسیار مطلع بودند و آقای محمدحسن وجدانی که به حق از اساتید کم نظیر کشور هستند و خود این جانب سعادت نعیمی که بیش از شانزده سال مسئولیت اداره آنجا را به عهده داشتم و هنوز هم آموزشگاه را همچون خانه خود می دانم و در تمام

ص: ۱۸۶

مسائل آن احساس مسئولیت می کنم. آموزشگاه اکنون هشتاد پرسنل دارد که همگی با علاقه ای خاص در خدمت عزیزان نابینا (۱).

بعد از پیروزی انقلاب مدیریت به آقای اینجو واگذار شد. ایشان اعلام نمودند که این فضا برای آموزش نابینایان زیاد است لذا بهترین قسمت مدرسه را برای آموزش دانش آموزان عادی در نظر گرفتند و مدرسه راهنمایی شوریده را برای دانش آموزان عادی تأسیس کرد سپس عزیز میهن دوست مدیریت مجتمع را به عهده گرفت. وی تمامی آلات موسیقی موجود در انبارها را شکست و باقیمانده را در اختیار امور پرورشی استان قرار داد.

در سال ۱۳۶۰ مدیریت به آقای جمال رسولف انتقال یافت و در سال ۱۳۶۲ مدیریت به محمد کاظم محقق نیا انتقال یافت و در سال ۱۳۶۵ محمدرضا صادقی مسئولیت مدرسه را پذیرفت. در سال ۱۳۶۸ محمد صفری (کارشناس استثنایی استان کردستان) مدیریت مجتمع را تا سال ۱۳۷۳ بر عهده گرفت و در سال ۱۳۷۳ زهرا عرب زاده اولین زنی بود که مدیریت مجتمع را برای یک سال بر عهده گرفت و در سال ۱۳۷۴ کامران نیک اقبال تا سال ۱۳۷۸ مدیریت را بر عهده داشت.

در سال ۱۳۷۸ مجتمع به دو قسمت جداگانه تقسیم شد، مدیریت قسمت پسران را تا سال ۱۳۸۰ قادر گودرزی بر عهده داشت و مدیریت قسمت دختران را تا سال ۱۳۷۸-۷۹ ربابه خواجگانی و در سال ۱۳۷۹-۸۰ اشرف السادات اطهر بر عهده داشت.

از مهر ۱۳۸۰ مجدداً مدرسه به صورت مجتمع در آمد و حسین امیدی مدیریت مجتمع را گرفت و تا کنون ادامه دارد.

از سال ۱۳۵۷ تاکنون سه ساختمان دیگر در این فضا ساخته شده است.

از سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ مدرسه فقط دارای مقطع ابتدایی بود و از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ مدرسه در مقطع راهنمایی و دبیرستان به صورت تلفیقی اداره می شد. در سال ۱۳۶۱ مقطع راهنمایی نیز در شوریده تأسیس گردید و در سال ۱۳۶۹ نیز مقطع دبیرستان در شوریده تأسیس گردید که تا سال ۱۳۷۸ برای مقطع نظام قدیم ادامه داشت اما از سال ۱۳۷۴ آموزش تلفیقی در مقطع دبیرستان در نظام جدید الزامی گردید که تاکنون ادامه دارد.

از فارغ التحصیلان این مدرسه در مقطع دکترا می توان خانم مهوش مهربان پور دکترای روانشناسی در آمریکا، آقای سعید لک قشقایی دکترای ادبیات و استاد دانشگاه آزاد فسا و آقای کاظم حسن زاده دکترای جامعه شناسی و آقای داود جعفری دکترای موسیقی نام برد. این مجتمع در حال حاضر حدود سیصد دانش آموز دارد که در چهار مقطع پیش دبستانی و ابتدایی و راهنمایی و متوسطه مشغول به تحصیل می باشند. (۲)

ص: ۱۸۷

۱- آن سوی تاریکی، ص ۳۱۴-۳۱۵.

۲- www.shooridehshirazi.blogfa.com.

مدرسه ابابصیر یا سازمان آموزشی ابابصیر یا مؤسسه آموزشی ابابصیر توسط عده ای از معلمان و فرهنگی ها و روحانیون بزرگ و مشهور اصفهان در سال ۱۳۴۸ با مجوز آموزش و پرورش و دفتر کودکان استثنایی آغاز به کار کرد.

این مجتمع در نزدیکی اصفهان واقع و دارای دو ساختمان دو و سه طبقه جداگانه برای پسران و دختران با بیش از هشت هزار مترمربع زیربنا و در زمینی به مساحت تقریبی بیست هزار مترمربع است.

هزینه کلاس های عادی و روزانه این سازمان به عهده آموزش و پرورش است. افزون بر این، سازمان بهزیستی نیز هزینه های امور شبانه روزی روشندان را متقبل شده است تا این سازمان بتواند خدمتگزار نایبانی که از استان های اطراف به این مرکز مراجعه می کنند نیز باشد. سایر هزینه ها با تدبیر و همت هیئت مدیره از طریق یاری مسئولان و نیکوکاران، به صورت نقدی و غیر نقدی تأمین می گردد.

این سازمان که نخست با جذب پنج دانش آموز آغاز به فعالیت کرده است، اکنون پذیرای دویست و چهل دانش آموز دختر و پسر در مقاطع پیش دبستان، دبستان و راهنمایی است که به طور متمرکز در بخش های مجزا به صورت روزانه و شبانه روزی به تحصیل اشتغال دارند. حدود یکصد و شصت دانش آموز در مقطع متوسطه به شیوه آموزش تلفیقی و با بهره گیری امکانات مورد نیاز مشغول فراگیری هستند و هر ساله گروهی از آنان موفق به ورود به دانشگاه ها و مؤسسات عالی می شوند و با احراز مشاغل در خور و تشکیل خانواده زندگی اجتماعی خود را پایه گذاری می نمایند.

واحدهایی که در حال حاضر در این سازمان مشغول به کار هستند عبارت اند از واحدهای آموزش تحصیلی، تکنولوژی آموزش، سمعی و بصری، مشاوره و راهنمایی، مشاوره اجتماعی، مددکاری اجتماعی، شبانه روزی، توانبخشی، تحقیقات و پژوهش، خدمات، پرورشی، حرفه آموزی، رشته های ورزشی، خدماتی و رفاهی، روابط عمومی، سایت کامپیوتر، روابط بین الملل، حسابداری و مشارکت مردمی.

مدرسه نورآیین اصفهان که جزو پیشگامان فعالیت برای نایبانیان در ایران بوده است در حال حاضر زیر نظر سازمان بهزیستی و به نام مجتمع آموزشی فاطمه زهرا در همان محل سابق به خدمات خود ادامه می دهد. این مجتمع آموزشی حرفه ای بدون محدودیت سنی، امکان سوادآموزی تا پایان دوره ابتدایی را برای دختران و بانوان فراهم آورده است. پس از آن کسانی که علاقه مند به ادامه تحصیل می باشند، به مدرسه ابابصیر یا مؤسسات دیگر می روند و به روش تلفیقی یا غیر تلفیقی به کسب دانش می پردازند.

مهارت یابی و حرفه آموزی نیز یکی از اهداف مهم این مجتمع است. قالی بافی به روش مخصوص نایبانیان (پخش صوت نقشه خوان و کارتریج رنگ ها)، آشپزی، خانه داری و سایر مهارت ها نیز در این مجتمع آموزش داده می شود. (۱)

۱- . آن سوی تاریکی، ص ۳۱۴-۳۱۵؛ ابابصیر، محمد نوری.

یک جلد کتاب درباره ابعاد و جنبه های مختلف ابابصیر در دفتر فرهنگ معلولین تألیف و عرضه شده است.

مدرسه امید مشهد، ۱۳۶۳

شهر مقدس از شهرهایی است که حضور نابینایان و دیگر معلولان در آنجا زیاد است، نیز مراکز معلولیتی در آنجا بسیار است.

در مشهد نیز چون بسیاری از نقاط کشور در ابتدا تمام معلولین جسمی و حسی در یک مرکز نگهداری می شدند. در سال ۱۳۵۵ با کسب تجربه و تشخیص نیاز هر کدام از آسیب دیدگان به تدریج اندیشه جداسازی گروه نابینایان و ناشنوایان از سایر آسیب دیدگان مطرح شد و این دو گروه که همچون دیگران به لحاظ ذهنی بسیار توانمند و آموزش پذیر بودند در یک کلاس به فراگیری دانش و حرفه پرداختند. این تلفیق چه به دلیل صرفه جویی و چه به جهت ارائه یک نظریه صورت گرفته باشد، در شکل عملی تجربه چندان موفقی نبود. بنابراین اندیشه جداسازی آموزش و پرورش نابینایان و ناشنوایان نیز آرام آرام منجر به تأسیس مدارس ویژه نابینایان شد. تا این که در سال ۱۳۶۳ اولین مدرسه مستقل نابینایان به نام امید آغاز به کار کرد. سپس پیشرفت و گسترش آموزش نابینایان در مشهد به تأسیس دو مدرسه دیگر به نام های بصیرت و تقوی انجامید.

گذشته از مدارس و مراکز آموزشی وابسته به آموزش و پرورش و بهزیستی یکی از فعالیت های نخستین در شهر مشهد تشکیل انجمن عصای سفید به همت آقای عبدالحسین آموزگار بود. این انجمن بیش از آن که به آموزش مستقیم نابینایان بپردازد در جهت ایجاد انگیزه و جذب علاقه مندان و شخصیت های دارای نفوذ و امکانات برای یاری به نابینایان می کوشید.

در فروردین ماه سال ۱۳۴۶ شمسی انجمن حمایت و هدایت نابینایان با حضور دکتر خزائی و چند تن از اعضای انجمن آقایان خدارحم آبادی، مصطفی شبلی، عباس نفری و محمد داوودآبادی (اراک) و با همیاری آقایان باتمانقلیچ، شهرستانی و افتخاری و دکتر رادپور در مشهد تأسیس یافت و مبادرت به تشکیل کلاس های آموزش نابینایان بزرگسال در محل یکی از مدارس مشهد نمود. این اقدام در پی هدف و اندیشه متعالی آموزش به بزرگسالان و فراموش شدن نابینا انجام گرفت و ریاست افتخاری این مؤسسه به آقای عبدالله کوثر از خوش نامان و نیکوکاران و رئیس املاک آستان قدس رضوی سپرده شد نظیر این کلاس ها بعدها در کرمانشاه و رشت هم توسط استاد خزائی و یارانشان تأسیس گردید.

پس از ادغام این انجمن با سازمان ملی رفاه نابینایان در استان خراسان ریاست اداری و فرهنگی آن به آقایان بهادری و اسماعیل آموزگار و خانم فاطمه باشی زاده فخار واگذار شد که کماکان این افراد خوشنام و دلسوز به کار آموزش و راهنمایی نابینایان ادامه می دادند. (۱)

ص: ۱۸۹

در مهرماه سال ۱۳۵۵ مرکز کودکان استثنایی صدوق در شهر ری تأسیس گردید. این مرکز به عقب ماندگان ذهنی و ناشنوایان و نابینایان اختصاص داشت. در ابتدا تنها سه دانش آموز نابینا در این مرکز به تحصیل می پرداختند. با افزوده شدن تعداد مراجعه کنندگان نابینا در طول ده سال در سال ۱۳۶۵ مدرسه ای مستقل برای نابینایان تأسیس شد. این مدرسه هم اکنون مدرسه حضرت عبدالعظیم خوانده می شود و نابینایان در کلاس های مهد کودک و پیش دبستانی، ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تا مقطع سوم در این مرکز آموزش می بینند. این مدرسه کلاس های پیش دانشگاهی ندارد و دانش آموزان این مقطع به صورت تلفیقی با دانش آموزان بینا در مدارس عادی درس می خوانند. کلاس های پیش دبستانی و دبستانی به صورت مختلط و سایر مقاطع صرفاً برای دختران برگزار می شود. بیشتر آموزگاران این مرکز خود زمانی دانش آموخته همین مدرسه بودند. در این مدرسه در حال حاضر بالغ بر هشتاد دانش آموز به کسب دانش مشغول اند. (۱)

مجتمع نرگس و مجتمع محبی تهران، ۱۳۵۹

سابقه مجتمع شهید محبی به مجتمع رضا پهلوی برمی گردد و سابقه مجتمع دخترانه نرگس، به مجتمع آموزشی استثنایی پاسداران باز می گردد.

از مهرماه ۱۳۵۸ سومین آموزشگاه نابینایان تهران در مجتمع آموزش استثنایی پاسداران (ویژه ناشنوایان و عقب ماندگان ذهنی که در حال حاضر مجتمع شهید صیاد شیرازی نام گرفته است) تأسیس شد. این آموزشگاه فعالیت اولیه خود را با حدود پنجاه دانش آموز دختر و پسر در مقطع ابتدایی آغاز کرد. برنامه های آموزشی و پرورشی این مرکز، زیر نظر اداره کل آموزش استثنایی وزارت آموزش و پرورش و با همکاری گروهی از مربیان متخصص کودکان استثنایی انجام گرفت.

فعالیت این مرکز به شکل روزانه بوده است. از مهرماه ۱۳۵۹ دانش آموزان نابینای مرکز فوق از دانش آموزان ناشنوا و عقب مانده ذهنی جدا شدند و دانش آموزان پسر به مجتمع نابینایان شهید محبی و دختر به مجتمع نابینایان دخترانه نرگس انتقال یافتند. حدود یکصد و پنجاه دانش آموز دختر که از آموزشگاه های شهید محبی و دکتر خزائلی به این مرکز انتقال یافته بودند، در کلاس های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان به تحصیل مشغول شدند.

در حال حاضر این مجتمع تنها مرکز شبانه روزی دخترانه نابینایان در استان تهران است. این مجتمع دارای کلاس های درسی، هنری، کتابخانه و آزمایشگاه است. مقطع ابتدایی علاوه بر کلاس های درس، دارای یک کلاس آمادگی و دو کلاس ویژه کودکان چند معلولیتی است. کادر آموزشی این مقطع شامل هجده مربی متخصص است که دوره های استثنایی را گذرانده و مدارک تحصیلی کاردانی و بالاتر دارند. شایان توجه است که دانش آموزان مقطع ابتدایی این مجتمع از

ص: ۱۹۰

مربیان تحرک و جهت یابی و موسیقی نیز استفاده می کنند. در این مجتمع در دوره راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی نود دانش آموز به تحصیل مشغول اند.

دانش آموزان ساکن تهران به صورت روزانه و دانش آموزانی که در شهر، روستا یا محل اقامت آنان مراکز آموزش استثنایی وجود ندارد به صورت شبانه روزی از برنامه های آموزشی این مجتمع استفاده می کنند. دانش آموزان شهرستانی از طریق سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور به اداره استثنایی شهر تهران معرفی می شوند و پس از طی مراحل اداری برای ثبت نام به این مجتمع مراجعه می کنند. ضمناً کلیه دانش آموزان نابینا و کم بینایی که در مناطق آموزش و پرورش عادی یک، دو، سه، چهار، شش، هفت و هشت اشتغال به تحصیل دارند تحت پوشش این مجتمع از خدمات آموزشی و توانبخشی و اعزام معلم رابط متخصص استثنایی بهره مند می باشند.

از دیگر امکانات و فعالیت های آموزشی، رفاهی و توانبخشی این مرکز می توان به این موارد اشاره کرد: کلاس های آموزش و تفسیر قرآن، آموزش موسیقی، سرود و تواشیح، آموزش آشپزی، آموزش تلفن، آموزش رایانه، آموزش قالی بافی، آموزش شمع سازی، آموزش سفال، برنامه آموزش خانواده، خوابگاه، سالن ورزشی، سالن اجتماعات، کارگاه حرفه و فن، آزمایشگاه علوم، فیزیک و شیمی، کتابخانه بریل و بینایی، اتاق بهداشت، سلف سرویس و ناهارخوری، تلفنخانه، برگزاری اردوهای یک یا چند روزه و فعالیت های ورزشی داخل یا خارج از مجتمع.

مجتمع نابینایان دخترانه نرگس زیر نظر سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور و آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران اداره می شود. بخشی از هزینه های مجتمع نیز از طریق کمک های مردمی تأمین می گردد و ارائه کلیه خدمات به دانش آموزان به صورت رایگان است. ذکر این نکته لازم است که در حدود نیمی از دبیران این مجتمع نابینا هستند. (۱)

مجتمع آموزشی پویا کرج، ۱۳۶۴

خدمات سازمان یافته برای نابینایان کرج از بیش از دو دهه فراتر نمی رود. در سال ۱۳۶۴ گروهی از نیکوکاران به طور غیر رسمی در یک ساختمان قدیمی به فعالیت برای تمام گروه های کودکان استثنایی مبادرت و با خدمات خود توجه مسئولان منطقه را به این امر خطیر جلب کردند.

در همان سال گروه نابینایان آموزش و پرورش مجتمع آموزشی پویا را به طور رسمی در کرج بنا کردند و تا حد امکان به آموزش گروه های کودکان استثنایی به طور جداگانه پرداختند.

در این مدرسه دانش آموزان در مقطع ابتدایی و راهنمایی تحصیل می کنند و دانش آموزان دبیرستانی به طور تلفیقی با بینایان درس می خوانند و تعدادی از همین رهگذر به دانشگاه ها راه می یابند.

لازم به یادآوری است که در مدرسه پویا آن دسته از دانش آموزانی که شرایط درسی بهتر و خانواده های پیگیرتری دارند از همان مقاطع پایین تر تحصیلی به مدارس عادی هدایت می شوند و با

۱- . آن سوی تاریکی، ۳۲۲-۳۲۳.

کمک معلمین رابط این مجتمع که به صورت هفتگی برای رسیدگی به امور دانش آموزان به این مدارس سرکشی می کنند مدارج درسی خود را می گذرانند.

مواد درسی مدرسه پویا شامل کتاب های مدون مدارس عادی ست که توسط آموزش و پرورش تدوین شده است، هر چند که علاوه بر آن از کتاب های گویا، بریل و نیز کتاب هایی که به طور خاص مورد استفاده نابینایان است نیز بهره می جویند. دانش آموزان این مرکز هفته ای یک بار از نظر بهداشتی مورد معاینه قرار می گیرند و خانواده های آنها نیز مرتباً از مشاوره های روان شناسی برای پیشبرد اهداف مدرسه در امر آموزش و پرورش بهره مند می شوند. (۱)

بخش نابینایان کتابخانه ملی ایران تهران، ۱۳۸۲

این بخش از سال ۱۳۸۲ و با تشکیل گروه ویژه در مدیریت اطلاع رسانی همگانی با نام بخش نابینایان و معلولان راه اندازی شد. هدف از راه اندازی این بخش ارائه خدمات به نابینایان و کم بینایان و تهیه مجموعه ای از منابع مطالعاتی و تحقیقاتی آنان بود. فراهم کردن سخت افزارها و نرم افزارهای مورد نیاز مطالعه و نیز گردآوری حدود ۸۰۰ عنوان از تولیدات گویا از فعالیت های این بخش بوده است. مجموعه سازی منابع گویا دیجیتال و بریل، تحقیقات در زمینه فرمت های نوین اطلاعاتی، برنامه ریزی برای استانداردسازی کتابخانه های نابینایان در سطح کشور، حمایت معنوی و مادی از تولیدکنندگان، ایجاد محیطی مناسب و درخور نابینایان و کم بینایان برای پژوهش و مطالعه، برنامه ریزی جهت تشویق نابینایان به انس با کتاب و کتابخوانی و... از برنامه های این بخش در آینده است. (۲)

این کتابخانه دو جلد مآخذشناسی درباره بریل منتشر کرده است:

پیش از این دو بار اطلاعات کتب بریل جمع آوری و بر اساس ضوابط کتابشناسی در قالب دو کتاب منتشر شده است.

مشخصات این دو مآخذشناسی به شرح زیر است:

- شیرین تعاونی (خالقی) با همکاری مهوش بهنام و ایراندخت عزیز کی کتابی با عنوان کتابشناسی منابع گویا و بریل را تدوین کرده اند و با مشخصات زیر منتشر شده است:

کتابشناسی منابع گویا و بریل ایران (۱۳۷۳-۱۳۷۹)، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱، ۳۱۰ص.

در گذشته و تا چند دهه قبل کتاب یا مکتوب و نوشته روی کاغذ، پوست یا... و یا حفظ شده در حافظه آدمی بود و برای کسانی مثل نابینایان که از خواندن عاجز بودند؛ یا در نبود امکانات نگارشی این کتب تدوین و عرضه نمی شد. اما در دهه های اخیر سه نوع کتاب دیگر اختراع و عرضه شده است:

کتاب الکترونیک (E Book)، کتاب بریل (Touch Book) و کتاب گویا (Audio Book). اما کتاب الکترونیکی از نظر مکتوب بودن و اینکه باید با چشم خوانده شود تفاوتی با کتب سنتی ندارد، تنها تفاوت کتب الکترونیکی با کتب سنتی در جای درج کلمات است. در گذشته روی کاغذ و امثال آن

۱- آن سوی تاریکی، ص ۳۲۳-۳۲۴.

۲- سایت کتابخانه ملی ایران.

نوشته می شد ولی الآن در فایل کامپیوتری نوشته می شود و باید روی صفحه مانیتور خوانده شود. اما کتاب بریل، با کتاب سنتی از نظر محل درج کلمات مشابه اند و هر دو روی کاغذ می آیند ولی بریل با حس لامسه و سر انگشت خوانده می شود ولی در روش سنتی با حس بینایی مطالعه اجرا می شود. کتاب گویا هم روی کاست یا CD یا DVD یا دیگر حافظه های الکترونیکی درج می شد و با استفاده از حس شنوایی دریافت می شود.

تولید کتب گویا و کتب بریل در چند دهه اخیر رو به افزایش بوده است و غیر از نابینایان اقشار غیر معلول هم در فرصت هایی که چشم آنان مشغول است می توانند از طریق گوش به مطالعه پردازند. مثلاً به هنگام رانندگی می توان مطالب کتاب را با گوش دادن دریافت کرد. از این رو از پنج حس اصلی، با استفاده از سه حس می توان به مطالعه پرداخت. فقط هنوز از حس بویایی و چشایی استفاده نمی شود. اما این فهرست، کتاب های بریل و گویا که در سال های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۹ در ایران عرضه شده، به روش کتابشناسی معرفی شده است.

- اثر دیگر او؛ فهرستگان کتاب های بریل است که کتابشناسی کتب بریل در ایران تا سال ۱۳۷۵ می باشد.

شیرین تعاونی (خالقی) با همکاری ایراندخت عزیزی، کتاب های بریل را در ایران شناسایی و مشخصات کتاب شناختی آنها را ثبت نموده و این مآخذشناسی را آماده و منتشر کرده است: فهرستگان کتاب های بریل ایران، تهران، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۷، ۲۶۹ص.

این فهرست شامل آثاری است که به شیوه بریل تدوین شد و نابینایان با لمس صفحات به مطالعه آن می پردازند. قلمرو زمانی آن از ابتدای تولید کتب بریل تا پایان سال ۱۳۷۵ است. آثار به ترتیب الفبایی عنوان کتب تنظیم شده است. اطلاعات کتاب شناختی هر اثر در دو بخش فراهم آمده است:

نخست اطلاعات ظاهری چاپ بینایی مثل محل چاپ، ناشر و تاریخ نشر ثبت شده؛ آنگاه اطلاعات چاپ بریل (نابینایی) مثل تعداد صفحات، ناشر و تعداد جلد چاپ شده است.

هر کتاب یا نشریه نخست باید به صورت بینایی آماده چاپ شود، سپس فایل های آن کتاب به دستگاه بریل داده می شود؛ سپس متن مکتوب آن به روش برجسته سازی و بریل، چاپ می شود.

کتابشناسی منابع گویا و بریل اطلاعات فهرستگان را تکمیل کرد و در سال ۱۳۷۹ منتشر شد. (۱)

بنیاد قرآنی روشندان اصفهان

بنیاد فرهنگی - قرآنی روشندان اصفهان با انگیزه تأمین نیازهای مذهبی نابینایان در سال ۱۳۸۲ تأسیس شد. این مرکز با مدیریت سید مرتضی نیکزاد عمده فعالیت های خود را به امور قرآنی از جمله برگزاری مسابقات قرآن و چاپ قرآن و ادعیه به خط بریل معطوف ساخته است. این بنیاد قرآن هایی در دو دوره منتشر نموده است. قرآن های ده جلدی «بدون ترجمه» و قرآن های سی جلدی «با ترجمه». در شیوه نگارش آنها نیز از رسم الخط عثمان طه بهره گرفته شده است. به گفته خانم عصمت

باقریان مصحح این دوره ها زمان زیادی برای تصحیح صرف

ص: ۱۹۳

۱- . معرفی مأخذشناسی های خط بریل، الهه نوری، ص ۱۴۷.

شده است. ویژگی های مهم این قرآن ها عبارت است از جلد و صحافی سخت و گالینگور و برای صحافی از فنر استفاده شده است. اندازه برگه ها A۴ است.

روی تمامی جلدها برچسب خورده که شامل عنوان، شماره جلد و اجزاء مندرج می باشد. در دوره ده جلدی صفحات اول تا ششم مشتمل بر این توضیحات می باشند: مشخصات چاپ و نشر به زبان فارسی، فهرست بر اساس اجزاء، سُور و آیات به همراه شماره صفحات بریل، مشخصات چاپ و نشر به زبان عربی و انگلیسی تعریف علائم و اصطلاحات در بریل به زبان عربی و دعای قبل از تلاوت. در قرآن های با ترجمه نیز صفحات اول تا چهارم این توضیحات درج شده اند. مشخصات چاپ و نشر، فهرست بر اساس جزء، سوره و آیات، تعریف علائم و اصطلاحات کاربردی در بریل و دعای قبل از تلاوت قرآن. نکته: در هر دو دوره صفحات فوق الذکر شماره صفحه ندارند و از صفحه هفتم قرآن های بدون ترجمه و صفحه پنجم قرآن های با ترجمه شماره صفحه خورده شده است. و وجه تمایز این قرآن ها این است که در هر دو دوره هم شماره صفحات بریل و هم بینایی درج گردیده است برای صفحات بریل فقط صفحات فرد شماره دارند که در گوشه پایین سمت راست قرار گرفته اند، ولی تمامی شماره صفحات بینایی خورده شده که در بالا گوشه سمت راست قرار دارند. اگر در وسط صفحه بریل صفحه بینایی عوض شود با یک خط کشی و آوردن شماره صفحه در کنار آن تعویض صفحه نشان داده شده است. تمامی علائم وقف و ضبط و احزاب و اجزاء مطابق با رسم الخط عثمان طه رعایت شده است. قبل از شروع هر سوره ابتدا شماره جزء، شماره و نام سوره، تعداد آیات هر سوره و مکی و مدنی بودن آنها درج گردیده و پس از پایان سوره، سوره جدید با یک خط کشی از سوره قبلی مجزا می شود. در سر صفحه های بریل نیز نام سوره و آیات مندرج در هر صفحه قید گردیده است. در قرآن های بدون ترجمه هر آیه در یک پاراگراف و در قرآن های با ترجمه هر آیه و ترجمه آن در یک پاراگراف قرار گرفته اند البته آیه و ترجمه در سطور جداگانه قرار دارند. ترجمه ها نیز دارای شماره می باشند. در قرآن های ده جلدی چنان چه در وسط صفحه جزء تمام شده جزء بعدی در صفحه بعد درج شده است. (۱)

آدرس این بنیاد: اصفهان، میدان قدس، ابتدای خیابان علامه مجلسی، کوچه مرتضی صفا تاج، بن بست اول، پلاک ۵۲۸.

کارنامه: این مرکز طی چند دهه متمرکز شده در چاپ و نشر قرآن بریل و این نکته از محسنات آن است. کارنامه این بنیاد بر اساس مشخصات چاپی قرآن های تولیدی این گونه است:

قرآن بدون ترجمه

عنوان: قرآن کریم

جلد ۱: شامل اجزاء: ۱، ۲، ۳

محل نشر: اصفهان

تهیه و چاپ به خط بریل: انتشارات مؤسسه فرهنگی - قرآنی روشندان

تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۳

ص: ۱۹۴

۱- . مجله توان نامه، شماره ۲ و ۳، ص ۱۷۹.

قطع: رحلی

تعداد صفحات: ۹۶ صفحه بریل، ۶۲ صفحه بینایی

تعداد سطور در هر صفحه: ۲۸

خط: بریل

آدرس: اصفهان، میدان قدس، خیابان علامه مجلسی، کوچه ۱۲، کد پستی ۸۱۴۸۸۹۵۹۳۸ بنیاد فرهنگی - قرآنی روشندان

پایگاه اطلاع رسانی: www.braillequran.net

نشانی الکترونیک: info@braillequran.net, bq.roshandelan@yahoo.com

جلد ۲: شامل اجزاء: ۴، ۵، ۶

محل نشر: اصفهان

تهیه و چاپ به خط بریل: انتشارات مؤسسه فرهنگی - قرآنی روشندان

تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۳

موضوع: قرآن کریم

قطع: رحلی

تعداد صفحات: ۵۹ صفحه بریل، ۶۰ صفحه بینایی

تعداد سطور: در هر صفحه: ۲۸

خط: بریل

جلد ۳: شامل اجزاء: ۷، ۸، ۹

محل نشر: اصفهان

تهیه و چاپ به خط بریل: انتشارات مؤسسه فرهنگی - قرآنی روشندان

تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۳

موضوع: قرآن کریم

قطع: رحلی

تعداد صفحات: ۸۹ صفحه بریل، ۱۶ صفحه بینایی

تعداد سطور در هر صفحه: ۲۸

خط: بریل

جلد ۴، شامل اجزاء: ۱۰، ۱۱، ۱۲

محل نشر: اصفهان

تهیه و چاپ به خط بریل: انتشارات مؤسسه فرهنگی - قرآنی روشاندلان

تاریخ چاپ: بهار ۱۳۹۳

موضوع: قرآن کریم

ص: ۱۹۵

قطع: رحلی

تعداد صفحات: ۷۹ صفحه بریل، ۶۰ صفحه بینایی

تعداد سطور در هر صفحه: ۲۸

خط: بریل

جلد ۵، شامل اجزاء ۱۳، ۱۴، ۱۵

محل نشر: اصفهان

تهیه و چاپ به خط بریل: انتشارات مؤسسه فرهنگی - قرآنی روشاندلان

دیگر اجزاء این قرآن همین مشخصات را دارند.

کتابخانه آیت الله خامنه ای قم

این کتابخانه یکی از کتابخانه های عمومی استان قم و شامل بخش های مختلف است. یک بخش آن ویژه نابینایان و کم بینایان است. بخش نابینایان مورد استفاده عزیزان نابینا و کم بینا می باشد. این بخش دارای ۲۵۷ عضو اعم از مرد و زن و کودک و بزرگسال می باشد که ۵۲ عضو آن را کودکان از آمادگی تا پایان دبستان تشکیل می دهند. کتابخانه مخصوص نابینایان خود شامل ۵ بخش است:

کتابخانه الکترونیک: این قسمت شامل دو بخش سخت افزار و نرم افزار است:

الف) سخت افزار: در این بخش دستگاه بهدید و دستگاه های برجسته نگار وجود دارند. این دستگاه ها بر اساس میزان کاراکترهای خروجی و اندازه آنها نامگذاری گردیده است.

ب) نرم افزار: که شامل برنامه های کاربردی برای پشتیبانی آموزشی نابینایان می باشد.

نرم افزار جاز: این نرم افزار، کلیه آیکون های کامپیوتر و متون لاتین را به خروجی صدا تبدیل می کند و برای فرد نابینا می خواند.

نرم افزار نوید ۵: این نرم افزار شامل ۶ قسمت می باشد:

کتاب خوان، ویرایشگر که برای تایپ استفاده می شود، فرهنگ لغت، شطرنج، قرآن و سازمان دهنده که دفتر تلفن و سررسید می باشد. نرم افزار نوید ۵ دارای خروجی بریل بر روی برجسته نگار و خروجی صوتی است. دیگر نرم افزارهای بخش نابینایان عبارت است از:

نرم افزار پیک جاز ۸، نرم افزار VJ Out book، نرم افزار پارس آوا، نرم افزار کِرزویل.

کتابخانه گویا: شامل کتب گویا در موضوعات مختلف می باشد.

کتابخانه بریل: شامل ۳۰۰ نسخه، حدود ۷۰۰ عنوان می باشد. کتاب ها فهرست نویسی شده و دارای لیبل بریل می باشد، کتاب ها در کیف های مخصوص حمل کتاب بریل قرار می گیرد و امانت داده می شود، به هر عضو ۳ کتاب به صورت همزمان امانت داده می شود.

چاپخانه بریل: این قسمت از کتابخانه در واقع زیر مجموعه کتابخانه بریل است که شامل دستگاه چاپ بریل می باشد و متون word را به صورت خروجی بریل چاپ می کند.

ص: ۱۹۶

استودیو ضبط صدا: این بخش در اصل زیرمجموعه کتابخانه گویا است و شامل اتاقک آکوستیک، دستگاه پردازشگر صدا و میکروفون حرفه ای می باشد. استودیو ضبط برای گویا کردن کتاب ها توسط گویندگان کتابخانه استفاده می گردد.

دیگر فعالیت ها: کار گروه بخش نابینایان کتابخانه های عمومی نهاد در سراسر کشور، در تاریخ ۱۹ تا ۲۱ بهمن ماه سال ۱۳۸۹ کارگاه سه روزه ای با عنوان آشنایی با نرم افزارها و سخت افزارهای مخصوص نابینایان، به منظور آشنایی و آموزش هرچه بیشتر کتابداران با نحوه برخورد صحیح با معلولین به خصوص نابینایان برگزار نمود که کتابدارانی از ۴ استان تحت پوشش در این کارگاه شرکت داشتند. روز اول این کارگاه شامل همایشی با عنوان مهارت های ارتباط با معلولین به ویژه نابینایان بود.

هم اکنون مدیریت کتابخانه بخش نابینایان کتابخانه عمومی آیت الله خامنه ای بر عهده آقای حسن عبدلی است. (۱)

آخرین وضعیت: در ۳۰ آبان ۹۶، آقای جباری مدیرکل کتابخانه های عمومی استان قم در همایش بزرگداشت مقام کتابداران و تجلیل از خادمان عرصه کتابخوانی مطالبی درباره کتب بریل و کتابخانه آیت الله خامنه ای بیان کرد. خلاصه ای از این مطالب تقدیم می گردد.

به همت چند تن از نابینایان توانمند در قم تاکنون ۸ هزار جلد کتاب بریل تولید و به سراسر کشور ارسال شده است. کمبودها و کاستی های زیادی در تولید کتاب های بریل وجود داشت که با تأمین تجهیزات لازم توانستیم بخشی از نیازهای استان ها را تولید نماییم.

با حمایت های استانداری موفق به تأمین اعتبار جهت خرید یک دستگاه پرینتر بریل به قیمت ۸۷ میلیون تومان شده ایم.

با امکانات موجود مشغول تولید کتاب بریل برای نابینایان هستیم که خوشبختانه در بخش نابینایان حرکت های خوبی انجام گرفت به ویژه که در گذشته نابینایان از کمبود کتاب رنج می بردند.

در سال گذشته با مساعدت های اداره کل تبلیغات اسلامی کتابخانه الزهرا در منطقه امامزاده ابراهیم علیه السلام به بهره برداری رسید.

یکی از رویکردهای مهم این بود تا فضای فیزیکی کتابخانه ها را برای حضور مردم فراهم سازیم تا شرایط متعالی ایجاد شود در این زمینه سال گذشته سه کتابخانه بازسازی شد.

مسئولان حمایت های خوبی از توسعه کتاب و کتاب خوانی و ایجاد زیرساخت های لازم دارند، امید است فعالیت ها و حمایت ها در سال جاری با قوت بیشتری ادامه یابد تا فرمایش رهبری در مورد کتاب محقق شود.

حمایت های مالی خوبی علی رغم کمبودهای مالی و بودجه ای از احداث کتابخانه صورت گرفت و اعتبارات مناسبی در اجرای پروژه ها اختصاص یافت.

تا پایان سال ۹۶ کتابخانه شهدا در خیابان نوبهار و در سال ۹۷ نیز کتابخانه میدان امام خمینی به اتمام خواهد رسید تا بخشی از کمبودها جبران گردد.

ص: ۱۹۷

۱- «معرفی بخش نابینایان کتابخانه آیت الله خامنه ای»، ص ۶۸-۷۲.

در این همایش ۱۳ تن از خادمین عرصه کتاب و کتابداری در قم تجلیل شدند ضمن اینکه ۶ کتاب بریل نیز رونمایی شد. (۱)

دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۰

دفتر فرهنگ معلولین در مهرماه ۱۳۹۰ تأسیس شد و وابسته به دفتر آیت الله العظمی سیستانی است. این دفتر دارای فعالیت های علمی و فرهنگی برای همه معلولان است؛ از جمله در زمینه قرآن بریل چند اقدام مهم انجام داده است.

این کارها عبارت اند از:

۱- از سال ۹۲ پروژه ای به نام راه هدایت و رستگاری جهانیان (صراط الهدایه للعالمین) نام مجموعه ای شامل سه متن مقدس یعنی قرآن کریم، نهج البلاغه و صحیفه سجاده است که به خط بریل برای مراکز و کتابخانه های کشورهای مختلف ارسال شده است.

حجت الاسلام والمسلمین آقای سید جواد شهرستانی به دفتر فرهنگ معلولین مأموریت داده اند این مجموعه به روش علمی دقیق و شاکله نفیس و زیبا به کتابخانه های ملی و مهم جهان تقدیم و اهداء گردد. هدف این است که نابینایان در همه مناطق جهان، امکان دسترسی و مطالعه این آثار را داشته باشند و از طریق مطالعه متون اصلی اسلام، با معارف و آموزه های اسلام و شیعه آشنا شوند. نزدیک به دو قرن است، کلیسا و دستگاه پاپ، کتاب عهدین را به روش های مختلف از جمله خط بریل به کتابخانه های کشورهای اهداء کرده است. حتی در اتاق های هتل ها، نسخه هایی از انجیل و تورات با جلد و جعبه زیبا و شیک وجود دارد. اما جمعیت حداقل چهار میلیون نابینایان در سراسر جهان، امکان مطالعه قرآن کریم حتی در کشورهای اسلامی را ندارند زیرا قرآن به خط بریل نه تنها در کتابخانه های اروپا و غرب وجود ندارد، بلکه در کتابخانه های کشورهای اسلامی هم به ندرت یافت می شود.

دفتر فرهنگ معلولین این مجموعه ۲۵ جلدی را، با جعبه و صحافی نفیس به کتابخانه ها اهدا می کند.

امتیازات و اهمیت: قرآنی که توسط دفتر فرهنگ معلولین تهیه شده نسبت به قرآن های پیشین امتیازاتی دارد. هر چند فقط متن عربی قرآن تبدیل به بریل شده است؛ ترجمه به زبان دیگر در این پروژه مورد نظر نبوده است. البته درصدد هستیم در پروژه دیگر چند ترجمه مهم هم تبدیل به بریل شود. قرآنی که دارای رسم الخط عثمان طه بوده مبنای کار در دفتر فرهنگ معلولین قرار گرفت. هدف این است که حافظان و قاریان روشندل که تعداد آنها کم نیست، بتوانند راحت تر از این کتاب آسمانی بهره ببرند.

با توجه به احساس نیاز نابینایان به قرآن های مطمئن و صحیح که با استانداردهای بین المللی نیز مطابقت داشته باشد، به طوری که غیر از نابینایان ایران، نابینایان دیگر کشورها هم بتوانند از آن استفاده کنند، مقدمات تحقیق، پژوهش در رسم الخط قرآن به خط بریل توسط دفتر فرهنگ معلولین

از آذرماه سال ۹۲ آغاز و همه مراحل از تحقیقات اولیه چاپ و نشر آن در همین دفتر اجرا شد. پس از انتشار خبر این طرح، ناینیان از مناطق و کشورهای مختلف با خوشحالی اعلام کرده اند که منتظر دریافت آن هستیم.

در سال های متمادی انتشار قرآن کریم به خط بریل، مورد توجه علاقمندان و قرآن پژوهان قرار داشت. ثمره این علاقه و توجه در حوزه فعالیت های قرآنی، اهتمام به برگردان مصحف شریف به خط بریل در نسخه های با ترجمه یا بدون ترجمه در سال های گذشته بود. اما مدیریت این پروژه درصدد انتشار نسخه بریل قرآن کریم، با شیوه و رسم الخط بین المللی که همه مسلمانان نابینا پذیرای آن باشند؛ نیز با کمترین اشکالات و در عین حال اصلاح برخی علائم اضافی در رسم الخط عربی بریل بوده است. دفتر فرهنگ معلولین تلاش کرده نظریات انتقادی کارشناسان قرآن کریم را با رعایت احترام و ادب اخذ کرده و نکات اصلاحی آنان را اجرا نماید.

قرآن های بریل موجود از لحاظ رسم الخط، ضبط و علائم وقف دارای ایراداتی هستند، البته هر کدام از آنها در طی چندین سال به مرور کم اشکال تر شده و همه رو به کمال هستند. اما کارشناسان دفتر فرهنگ معلولین سعی کردند قرآنی را مبنا قرار دهند که بی غلط یا کم غلط تر باشد. از سوی دیگر باید رسم الخطی انتخاب می کردیم که فقط پذیرش داخلی نداشته بلکه هم مبتنی بر تجارب حدود یک قرن ایرانیان باشد و هم مبتنی بر دستاوردهای کارشناسان دیگر کشورهای اسلامی باشد. از این رو تلاش شده رسم الخط این مصحف مطابق با ضوابط و قواعد بین المللی یعنی همه کشورها تنظیم شود؛ به شکلی که قرآن پژوهان نابینا در همه مناطق جهان بتوانند به طور سلیس و روان مطالعه کنند.

ویژگی های فنی: غیر از ویژگی های مزبور، می توان به نکات زیر هم اشاره کرد:

— هر سه جزء از متن قرآن به خط بریل در یک جلد جداگانه تنظیم شده و جمعاً ده جلد شده است.

— متن مصحف شریف روی برگه های سایز A۴ و وزن ۱۶۰ گرم تبدیل به بریل شده است. این ویژگی ها هم ماندگاری و دوام آن را تا حد زیادی بالا می برد و هم سبک بودن و آسانی جابجایی آن را به همراه خواهد داشت.

— به منظور سهولت در قرائت و دسترسی آسان تر به شماره آیات، شماره آیات داخل پرانتز گذاشته شد.

— علائم وقف مورد استفاده در این مصحف بر طبق آخرین تحقیقات بین المللی مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری

اسلامی ایران است که راهنمای بریل این علائم در ابتدای هر جلد از این مصحف به دو زبان عربی و فارسی درج شده است.

— تمام حزب های این قرآن از ابتدای پاراگراف آغاز شده همچنین تقسیم بندی جزء، ثلث و ربع حزب در آن صورت گرفته است.

— در بالای هر صفحه از این مصحف شماره جزء و نام سوره درج شده که راهنمای خوبی برای کاربران است.

– ابتدای هر سوره به گونه ای تنظیم شده که در آن شماره و نام سوره، شماره جزء، حزب، تعداد آیات آن سوره و مکی، مدنی بودن آن ذکر شده است.

– در هر جلد توضیحات آن به صورت خط بینایی بر روی جلد هم آورده شده است. همچنین همان توضیحات به خط بریل در صفحه نخست آمده است.

– ده جلد این مصحف شریف درون جعبه ای با طراحی زیبا قرار گرفته تا حمل و نقل آن آسان تر شود.

رونمایی و پخش: اهمیت این پروژه موجب شده تا مراسمی برای رونمایی آن در نیمه دوم سال ۱۳۹۳ برگزار گردد. پس از رونمایی، محموله ها به مناطق تعیین شده حمل و به کتابخانه ها اهدا می گردد.

متن قرآن برای همه مناطق جهان یکسان و مشابه است ولی روی جلد و پشت جلد و توضیحات در صفحه پایانی سه گونه است:

۱- برای مناطق فارسی زبان شامل کشورهای ایران، افغانستان و تاجیکستان، روی جلد، پشت جلد و صفحه توضیح گر به زبان فارسی است.

۲- برای مناطق عرب زبان شامل کشورهای جهان عرب، روی جلد، پشت جلد و صفحه توضیح گر به زبان عربی است.

۳- برای کشورهای حوزه نفوذ زبان انگلیسی مثل هند و پاکستان و ... روی جلد، پشت جلد و صفحه توضیح گر به انگلیسی است.

تعطیلی پروژه: پس از تولید حدود پانصد دوره قرآن بریل بر اساس قرآن عثمان طه، نتایج تحقیقات که چند سال قبل شروع شده بود، واصل شده و متوجه شدیم، خط عثمان طه مشکلات جدی دارد. چند جلسه با کارشناسان داشتیم و پس از بررسی ها، تولید قرآن بریل بر اساس کتابت عثمان طه را تعطیل کردیم و تحقیقات دیگری درباره بهترین و بی غلط ترین کتابت کدام است؟ را آغاز نمودیم و هنوز به نتیجه خاصی نرسیده ایم.

۲- اقدام دوم این دفتر راه اندازی چند پژوهش درباره مشکلات قرآن های بریل. حدود چهار سال چند گروه پژوهشی قرآن های بریل موجود در ایران را از منظرهای مختلف بررسی کرده اند. این پژوهش ها به اتمام رسیده و نتایج آن در دست ما است.

لازم است ویرایش و نهایی سازی و تبدیل به کتاب شوند که هنوز فرصت کافی به دست نیامده است.

۳- اقدام دیگر تحقیق درباره خط بریل و جنبه های قرآنی آن است. این تحقیقات در ده عنوان کتاب در حال آماده شدن است. کتاب حاضر یکی از آنها است.

کانون دانشجویان ناینایی دانشگاه فردوسی مشهد (تاک) یکی از مراکز فعال ناینایان ایران است همچنین دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات از مراکز علمی در ایران است که توانسته پژوهش‌های جدید و سودمندی در قالب پایان‌نامه به نتیجه برساند. یکی از این پایان‌نامه‌ها با این مشخصات عرضه شده است و کار بسیار ابتکاری و مهم می‌باشد: نقد و بررسی نظام نوشتاری بریل فارسی و ارائه

ص: ۲۰۰

راهکارهایی برای رفع برخی ایرادهای این نظام، نجس منفرد، استادان ابوالقاسم قوام و میرسجاد موسوی، کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹.

جامعه نابینایان نامن الاثمه مشهد

این مؤسسه از بدو تأسیس به چاپ و نشر قرآن بریل پرداخت و قرآنی در شش مجلد و هر مجلد شامل ۵-۶ جزء از قرآن کریم به چاپ رسانده است. البته این مرکز یک دوره ده جلدی هم منتشر کرده که در اختیار ما قرار ندارد. این مجموعه شش جلدی بدون ترجمه است و همان گونه که در توضیحات مندرج بیان شد، در این دوره از قرآن کریم سعی شده تا با الهام از رسم الخط عثمان طه شیوه ای نو در امر چاپ و نشر قرآن به خط بریل به وجود آید. از این رو تا آنجا که مقدور و میسر بود ترکیبی از قواعد بریل و قواعد عثمان طه در این مصحف شریف پیاده سازی شد. به گفته آقای احمدی مصحح این دوره از قرآن کریم هدف از تدوین این قرآن استانداردسازی قرآن بریل با رسم الخط عثمان طه که یک رسم الخط بین المللی شناخته شده است بود. لذا ما سعی کردیم تا جایی که ممکن است به نگارش املائی و قاعده ای آن بر اساس متن بینایی دست نزنیم، و حتی صفحات بریل و بینایی را ثبت کردیم تا قاری نابینا با سهولت بیشتری به محتوای قرآن دسترسی پیدا کند. با تقدیر از زحمات ایشان و کلیه کسانی که در امر چاپ و نشر این دوره از قرآن کریم اهتمام ورزیدند، چند نکته راه عنوان مزایا و معایب این مجموعه جهت اصلاح و بهبود ضروری می دانم که به اختصار بیان می گردد.

این قرآن دارای این مزایا است:

- ۱- از لحاظ فنی از مرغوب ترین و با کیفیت ترین نوع کاغذ استفاده شده است. ۲- جلد آنها بسیار سخت و محکم است. ۳- به لحاظ نوع صحافی بسیار مناسب است و بدون پارگی می توان به راحتی صفحات را به طور کامل باز و بسته کرد. ۴- حاشیه گذاری از بالا و پایین و راست مناسب است. ۵- از نظر شیوه نگارش: توضیحات مندرج در مجلدات واضح و روشن است و یک حسن قوی به شمار می آید. ۶- پس از توضیحات مندرج توضیح علائم به خط بریل آمده است. ۷- نحوه فهرست نویسی بر اساس عنوان سوره ها، شماره صفحات، شماره اجزاء و احزاب همراه با شماره صفحات آنها می باشد که این هم یک حسن قوی است. ۸- صفحات ابتدایی که شامل مشخصات کتاب، توضیحات مندرج، توضیح علائم به خط بریل و فهرست سُور و اجزاء و احزاب است، بدون شماره صفحه و بر اساس حروف الفبا یعنی «الف ب ج و...» تنظیم شده است. ۹- شروع جلد ۱ قرآن که دعای قبل از قرائت است از صفحه ۱ بریل آغاز می شود و سوره فاتحه از صفحه ۲ بریل مطابق با صفحه ۱ بینایی. ولی در مجلدات دیگر پس از فهرست از صفحه ۱ بریل مطابق با صفحه... بینای سُور آغاز می شود. ۱۰- هنگام تغییر صفحه بینایی حتی اگر وسط صفحه بریل بود با یک خط کشی و کنار آن ثبت شماره صفحه بینایی تغییر صفحه برای قاری مشخص شده است. ۱۱- در سر صفحات سطر آغازین شماره جزء با علامت مخصوصش که در این مبحث نمی گنجد، نام سوره و شماره آیات مندرج در صفحه همراه با علامت مخصوصش قرار دارد. ۱۲- قبل از شروع سوره ها این مشخصات درج گردیده است: شماره و نام سوره، مکی و مدنی بودن سُور و آیات، تعداد آیات و اینکه از چه سوره ای و در کجا نازل شده است. همه این موارد به زبان عربی توضیح داده شده است. ۱۳- علائم احزاب شامل حزب، ربع

حزب، نصف حزب و ثلث حزب با علامت خاص خود در جایگاه خود پس از پایان آیات آورده شده است. ۱۴- علائم وقف و ضبط متناسب با رسم الخط عثمان طه پیاده سازی شده است.

اما معایب و اشکالاتی هم دارد که عبارت اند از:

۱- به لحاظ فنی: اگر چه جلد سخت این قرآن ها یک مزیت به شمار می آید اما حمل و جابجایی را با مشکل مواجه می سازد بهتر است این قرآن ها به دو صورت جلد سخت و جلد کاغذی تعبیه شوند تا افرادی که می خواهند در مسابقات یا اماکن زیارتی از آنها استفاده کنند به راحتی بتوانند حمل و نقل کنند.

۲- نحوه حاشیه گذاری از سمت چپ مناسب نیست و فاصله از نقاط ابتدایی و انتهایی صفحات بسیار کم است، حتی گاهی اصلاً قابل مشاهده نیست و زیر صحافی قرار گرفته اند.

۳- پس از پایان سُور چنان چه صفحه بریل به اتمام نرسیده بود صفحه خالی مانده و شروع سوره بعد از صفحه دیگری آغاز شده بود که این مشکل باعث اسراف در کاغذ می شود. پیشنهاد می کنیم با آوردن عبارت پایان سوره این مسئله مرتفع گردد.

۴- در صفحه مشخصات چاپ و نشر بهتر بود مشخصات متن بینایی که بریل با آن مطابقت داده شده است آورده می شد تا پژوهشگرانی که می خواهند در رابطه با گردآوری مآخذ و یا موضوعات پیرامون قرآن بریل تحقیق کنند با مشکل مواجه نشوند.

۵- اغلاط املائی نسبتاً قابل توجهی در این قرآن ها مشاهده شده است که برخی از آنها به ویژگی های رسم الخط عثمان طه برمی گردد که با خط بریل همخوانی ندارد و بخشی دیگر به تصحیح در بریل که هر دو مورد باید بررسی شوند. پرداختن به این مهم در این مبحث نمی گنجد. در پایان باید اذعان کرد که به حق امتیازات این قرآن بر معایب آن برتری دارد. به گونه ای که می شود از برخی معایب آن چشم پوشی کرد.

ناشر این قرآن درباره خصوصیت های آن چنین نوشته است:

الف: در نگارش این قرآن تا آنجا که محدودیت های خط بریل اجازه داده است، از چاپ عثمان طه تبعیت شده است.

ب: در هر مجلد از قرآن تنها علائمی توضیح داده شده است که در آن مجلد کاربرد داشته است.

ج: شماره صفحات بریل در سمت راست پایین صفحات و معادل بینایی آنها در بالای سمت راست ثبت شده است.

د: در فهرست این چاپ از قرآن کریم به خط بریل، شماره صفحات و ابتدای هر حزب و جزء هم ثبت شده است.

ه: در خط اول هر صفحه شماره جزء نام سوره و شماره آیات آغازین و پایانی آن صفحه نوشته شده است.

و: هر گاه آیات پایانی یک جزء و آغازین جزء بعدی در یک صفحه قرار گرفته است، در بالای صفحه شماره هر دو جزء

نوشته شده است.

کارنامه: این قرآن دارای ویژگی های مأخذشناسی یعنی خصوصیات چاپی زیر است:

عنوان: قرآن کریم

ص: ۲۰۲

جلد اول: از ابتدای سوره فاتحه تا انتهای سوره نساء

محل نشر: استان خراسان رضوی

ناشر: چاپخانه جامعه نابینایان ثامن الائمه علیهم السلام

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۰

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۴۷ صفحه بریل، ۱۰۶ صفحه بینایی

خط: بریل، عثمان طه

مشخصات صوری مبتنی که قرآن بریل از روی آن کار شده «متن بینایی»: در دسترس نیست.

جلد دوم

عنوان: قرآن کریم

جلد دوم: از ابتدای سوره مائده تا انتهای سوره توبه

محل نشر: استان خراسان رضوی

ناشر: چاپخانه جامعه نابینایان ثامن الائمه علیهم السلام

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۰

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۴۲ صفحه بریل، ۱۰۲ صفحه بینایی

خط: بریل، عثمان طه

مشخصات متن بینایی: در دسترس نیست

جلد سوم

عنوان: قرآن کریم

جلد سوم: از ابتدای سوره یونس تا انتهای سوره کهف

محل نشر: استان خراسان رضوی

ناشر: چاپخانه جامعه نابینایان ثامن الائمه علیهم السلام

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۰

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۴۷ صفحه بریل، ۹۸ صفحه بینایی

خط: بریل، عثمان طه

مشخصات متن بینایی: در دسترس نیست

جلد چهارم

عنوان: قرآن کریم

ص: ۲۰۳

جلد چهارم: از ابتدای سوره مریم تا انتهای سوره عنکبوت

محل نشر: استان خراسان رضوی

ناشر: چاپخانه جامعه نابینایان ثامن الائمه علیهم السلام

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۰

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۵۴ صفحه بریل، ۱۰۰ صفحه بینایی

خط: بریل، عثمان طه

مشخصات متن بینایی: در دسترس نیست

جلد پنجم

عنوان: قرآن کریم

جلد پنجم: از ابتدای سوره روم تا انتهای سوره جاثیه

محل نشر: استان خراسان رضوی

ناشر: چاپخانه جامعه نابینایان ثامن الائمه علیهم السلام

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۰

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۵۴ صفحه بریل، ۹۹ صفحه بینایی

خط: بریل، عثمان طه

مشخصات متن بینایی: در دسترس نیست

جلد ششم

عنوان: قرآن کریم

جلد ششم: از ابتدای سوره احقاف تا انتهای سوره ناس

محل نشر: استان خراسان رضوی

ناشر: چاپخانه جامعه نابینایان ثامن الائمه علیهم السلام

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۰

قطع: خشتی

تعداد صفحات: ۱۷۷ صفحه بریل، ۱۰۳ بینایی

خط: بریل، عثمان طه

مشخصات متن بینایی: در دسترس نیست

ص: ۲۰۴

فصل اول: توسعه فرهنگی با خط و متون بریل

فصل دوم: وضعیت قرآن بریل در کشورهای اسلامی

فصل سوم: تجربه آموزی

فصل چهارم: اطلاع رسانی

فصل پنجم: فناوری های قرآن بریل

ص: ۲۰۵

با اینکه آسیب‌های بسیاری از معلولان جسمی است ولی روان و روحیه، مذهب و فرهنگ تأثیر بسیار در کاهش مشکلات معلولان دارد و از درد و عذاب و مشکلات آنها می‌کاهد. از این رو کارشناسان امور فرهنگی معلولین تصریح نموده‌اند که هر آنچه موجب گسترش فرهنگ، معنویت و روحیه مثبت در جامعه هدف می‌شود باید حفظ و نگهداری شود، از جمله درباره خط بریل و قرآن بریل و نشر دیگر متون مذهبی با خط بریل نظر مثبت ابراز نموده و توصیه کرده‌اند که قرآن آموزی باید با جدیت پیگیری گردد و نابینایان با خط بریل آشنا شده تا بتوانند قرآن را به راحتی بخوانند و بهره ببرند. (۱)

به دلیل اهمیت فراگیری متون مذهبی یا بالا بردن سطح فرهنگ و دانش از قدیم و از چند قرن گذشته، مسلمانان به فکر بودند راهی برای نابینایان پیدا کنند تا بتوانند مطالعه کنند. به همین دلیل در گزارش‌های تاریخی آمده که الازهر در قاهره یا در سوریه، عراق و سعودی آموزش نابینایان آغاز شد.

این فصل درصدد، تبیین اهمیت خط و متون در جهان اسلام است.

افزایش بهره‌دهی بریل

سودمندی بریل را بعضاً زیر سؤال برده‌اند و دیدگاه‌های متفاوت و متعارضی در بین اهل فن و کارشناسان هست. برخی بر این عقیده‌اند که خط بریل را باید کلاً کنار گذاشت؛ زیرا هزینه‌ها و دشواری‌ها و ماهیت گسترش ناپذیر آن به اندازه‌ای است که با سودمندی اندک آن برابری نمی‌کند و خلاصه ضررهای آن بیش از سود آن است. اما عده‌ای دیگر معتقدند ضررهای آن را می‌توان سامان دهی کرد و به حداقل رساند، از سوی دیگر در اینکه یک امکان و شیوه از دو روش اصلی برای یادگیری و فراگیری علوم است، نباید شک کرد و اگر فقط همین یک فایده را می‌داشت، کافی بود.

نظر سومی هم هست که می‌گوید لازم است خط بریل را به امکانات مدرن مجهز کرد تا بهره‌دهی آن افزایش پیدا کند.

شیوه افزایش بهره‌دهی: بریل به عنوان یک ضرورت در زندگی روزمره همه نابینایان، اجتناب ناپذیر است. زیرا نابینا اغلب از طریق تخاطب و گفتگوی رو در رو (گفتن و شنیدن) با دیگران ارتباط برقرار می‌کند. اما همه ارتباط‌ها و تعاملات دیالوگ‌چهره به چهره نیست؛ به ویژه در دنیای مدرن ارتباطات اغلب غیر همزمان یا غیر هم مکان یا غیر هم زبان یا فرد و جمع است. یعنی A با B می‌خواهد ارتباط داشته و پیامی را به او منتقل کند ولی فاصله زمانی آنها چند ساعت یا چند روز است؛ یا A در ایران و B در چین می‌باشد؛ یا A فارسی زبان و B زبانش سوئدی است. در همه این

موارد که شامل همه متون علمی هم می شود؛ یعنی A یک مقاله برای جمعی تألیف می کند که هنوز به دنیا نیامده اند یا برای همایشی است که سال آینده برگزار می گردد. در این چهار صورت، پیام دهنده ناچار است از کتابت استفاده کند. نظام نگارشی بریل هم اکنون به رغم همه نواقص آن در جهان پذیرفته شده و نابینایان با نگارش علائم بریل، مخاطب را از نیت و مطلب خود آگاه می نمایند.

اما تا کنون این شیوه فردی اعمال و اجرا می شده و به ویژه در کشورهای در حال پیشرفت کمتر از تکنولوژی ارتباطات و روابط مدرن برای گسترش آن استفاده شده است. خلاصه اینکه اگر خط بریل مثل خط فارسی سوار امواج اینترنت شود و ارسال و دریافت آن با وسایل و تجهیزات ارزان و قابل دستیابی برای همه روشندان امکان پذیر گردد، قطعاً تحولات زیربنایی و ژرفی در فرهنگ و جامعه روشندان پدید می آید.

خلاصه تعریف این پروژه همگانی کردن و عمومیت بخشیدن به استفاده از بریل در هر وقت و هر زمان و توسط هر فرد برای ارسال و دریافت پیام ها و متون و مطالب با استفاده از تکنولوژی مدرن است.

هدف و ضرورت: آمارهایی که توسط مراکز بین المللی بیان شده گویای اینست که در کشورهای در حال توسعه ۴۰ تا چهارصد میلیون نابینا و کم بینا هستند. این اختلاف فاحش در مدارک آمده است و مربوط به شاخص های آماری است. در ایران از ۳ میلیون تا ۷ میلیون نابینا و کم بینای به شیب نابینایی وجود دارد. این قشر وسیع، در حد جمعیت یکی از استان هایی مثل فارس یا اصفهان است. اگر برای تمشیت و تدبیر امور آنان فکری نشود، سربار و کلّ جامعه و هزینه های دولتی خواهند شد. ولی اگر فرهنگ جامعه و روشندان از نظر زیر ساخت های ارتباطات، اقتصادی و غیره سازمان دهی گردد، هر فرد از آنان تبدیل به عنصری فعال، پویا و به جای هزینه بر، درآمدساز برای خودش و کشورش می شود. همان روشی که کشورهای نظیر آلمان طی کرده و با برنامه ریزی معلولین و روشندان را به گونه ای مدیریت کرده اند که از اقشار مرفه و پولدار جامعه شده اند.

یکی از کارهای اساسی که برای روشندان ضرورت جدی دارد، توسعه ارتباطات و سامان دهی به روابط آنان است. مشکل از اینجا آغاز می شود که آنان توانایی خواندن و نوشتن متون عادی و بینایی را ندارند از طریق قوه های لامسه و شنوایی باید بخوانند و پیام ها را بفهمند و نیز بنویسند یا ارسال کنند. یعنی تمامی فرایند دریافت و ارسال پیام های آنان از طریق لامسه و شنوایی است.

در جهان مدرن با استفاده از تکنولوژی ارتباطات و تجهیزات رایانه و اینترنت و ماهواره به سامان دهی ارسال و دریافت پیام روشندان پرداخته و آن را مثل خط و پیام بینایی نموده اند. یعنی یک نابینا برای هر کس در هر زمان و در هر کجا برای هر فرد با هر زبان بخواهد پیامی را می فرستد و به سرعت هم جواب آن را دریافت می کند و نابینایان پیام های خود را با خط بریل ولی با استفاده از سامانه های مدرن ارسال خواهد کرد.

گام نخست این پروژه ایجاد سایت اینترنتی و تجمیع متون بریل در آنجا است. این سایت توسط مرکزی که دیگر نهادها و مراکز را قانوناً نمایندگی می کند، متون بریل را از همگان دریافت و علاوه بر آرشیو کردن آنها چند اقدام دیگر انجام می

دهد:

۱- توصیف و گزارش هر متن آماده و روی سایت به صورت بریل و شنیداری قرار می گیرد.

ص: ۲۰۸

۲- هر متن بریل، شنیداری هم می شود و گویایی آن روی سایت قرار می گیرد.

۳- اطلاعات تمامی متون بریل از سراسر جهان جمع آوری و روی سایت می رود.

۴- مبادله اطلاعات با همه مراکز جهان جهت داد و ستد متون بریل و گویایی.

پس از شکل گیری این سامانه ظرف نهایتاً ۴ ماه، در هر شهر نماینده ای در بهترین نقطه قابل دسترسی نابیناها انتخاب می شود. بهتر است کتابخانه عمومی یا مراکز بهزیستی یا مدارس استثنایی باشد. اتاقی جهت سرویس دهی در این مکان ها تعیین می گردد و چند دستگاه نصب می شود.

نابیناها با مراجعه حضوری یا از طریق تلفن درخواست خود را مطرح می کنند. مدیر سامانه شهرستان هم اگر آماده باشد پرینت بریل را گرفته و تقدیم می کند. اگر درخواست او مضاعف یعنی گویایی و بریل باشد هر دو را تحویل می دهد. اما اگر متنی را بخواهد که در سامانه مادر نیست. سه صورت پیدا می کند:

- قابل جایگزینی هست مثلاً- ترجمه قرآن آقای مکارم را می خواهد و نداریم ولی ترجمه فولادوند را داریم و درخواست کننده آن را قبول می کند.

- قابل جایگزینی نیست ولی قابل تولید هست.

زمان مشخصی به او قول داده می شود و در زمان مقرر تحویل می شود.

- اگر قابل تولید هم نباشد، پاسخ منفی داده می شود.

مرحله دوم این پروژه اینست که هر نابینا خودش با وسایل و تجهیزاتی بتواند وصل به سامانه مادر شده و اطلاعات مورد نظرش را دریافت کند.

هزینه ها: این پروژه شامل یک سامانه مادر یعنی تعدادی تجهیزات و سایت اینترنتی کارآمد و حداقل ۳ نفر نیروی علمی و فنی است و در فاز اول در ۵۰ نقطه سامانه شهر تأسیس می شود که با دو نیرو در دو شیفت و تعدادی تجهیزات اداره می شود.

پاسخ اینکه آیا نابیناهای کاربر و ارباب رجوع مبلغی باید پرداخت کنند یا نه؟ بستگی به پیدا کردن پشتیبان مالی دارد، نیز می توان هر شهر را به یک نیکوکار یا مؤسسه دولتی واگذار کرد.

درباره همه هزینه ها کارشناسی هایی شده است و امید است با حداقل هزینه، اجرایی گردد.

با بررسی های کشورهای مثل فرانسه، سوئد، بلژیک و آلمان معلوم شد آنها در سه دهه پیش، پروژه خود را مرحله به مرحله پیش برده اند و الآن به مرحله نهایی رسیده اند به طوری که هر نابینا با وصل به سایت بریل تمامی اطلاعات مورد نظرش را به خط بریل دریافت و می تواند پیام های خود را هم به خط بریل ارسال کند. البته مبدل هایی هم دارد که می تواند به گویایی

یا خط بینایی برای خودش یا مخاطبش تبدیل کند.

پیشرفت ها و دستاوردها

خوشبختانه ما تجربه کشورهایی مثل سوئد و آلمان را پیش رو داریم. آنان با گذشت از شیب تندی توانستند، نابینایان را از بن بست دانش و ارتباطات رهانیده و دریچه ارتباط عمومی را به روی آنان بگشایند. این تجربه در قالبی در اروپا و آمریکا اجرا شده که به آن دیزی (DAISA) می گویند. این واژه مخفف این عبارت است: **Digital Accessible Information System**

یعنی سیستم اطلاعات قابل دسترس دیجیتال.

ص: ۲۰۹

این سیستم بین المللی است و توسط اتحادیه و مجمع اعضا پشتیبانی و اداره می شود. تمامی آثار شنیداری و بریل سودمند برای نابینایان در این سیستم گردآوری و تبدیل به فرمت دیجیتال می گردد. در این صورت قابلیت های آن افزایش یافته و سودمندی آن مضاعف می گردد. اما سرگذشت دیزی در غرب را باید مرور کنیم تا بتوانیم تجربه آموزی نماییم.

در طول تاریخ دسترسی به اطلاعات برای نابینایان و معلولان دیداری، امیدبخش نبود و آنان همواره محروم از خواندن و نوشتن و دسترسی به اطلاعات چاپی بودند تا اینکه در حدود سال ۱۸۳۰ مرد جوانی به نام لویس بریل سامانه ای از نقطه های برجسته را ایجاد کرد. اگر چه ماشین چاپ ۳۰۰ سال قبل اختراع شده بود اما به اندازه اختراع بریل با ارزش نبود زیرا با استفاده از بریل افراد نابینا به صورت حداقلی می توانستند هم بخوانند و هم بنویسند. توانایی حداقلی ای که شخص بتواند هم بخواند و هم بنویسد برای کسب مهارت های سواد ضروری است.

بیش از یک قرن بود که نابینایان از ترجمه های بریل کتاب های چاپی استفاده می کردند. همانطور که می دانیم کتاب های بریل، بسیاری از ویژگی های مناسب کتاب های چاپی را به اشتراک می گذارند مانند توانایی پریدن به صفحات یا بازخوانی صفحات مورد نظر. با این وجود مشکلاتی در خط بریل هست که پیامدهای منفی در پی داشته است. وزن، اندازه و صحافی آنها همراه داشتن و حمل و نقل آنها را دشوار می کند. کتاب های بریل، بزرگ و سنگین هستند زیرا کاغذ برجسته ضخیم تر از کاغذ سنتی است؛ نویسه های بریل تقریباً با اندازه یکسان به عنوان نویسه های ۳۶ نقطه ای هستند و کتاب های بریل باید آزادانه صحافی شوند، به گونه ای که نقطه های برجسته بریل را له نکنند. در بعضی کشورها مهارت استفاده از بریل به طرز قابل توجهی کاهش یافته است. برای مثال سواد بریل ایالات متحده در ۵۰ سال اخیر از ۵۰ درصد کودکان نابینای در سنین مدرسه در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۲ درصد در دهه ۱۹۹۰ کاهش یافت. علاوه بر مسائل مربوط به بریل، عوامل دیگری وجود دارند که قالبی به غیر از کتاب های نسخه چاپی کوچک سنتی ایجاد می کنند و این قالب به طور بالقوه برای بسیاری از افراد مفید است. برای مثال بسیاری خوانندگان مسن تر، خواندن کتاب های چاپی عادی را به واسطه فرایندهای سنی طبیعی و بیماری های چشمی مرتبط با سن دشوار می بینند.

از طرف دیگر کتاب های گویای ضبط شده، در حدود ۱۹۳۰ یعنی ۱۰۰ سال بعد تولید شد. کتاب های گویا به سرعت محبوبیت لازم را به دست آورد زیرا همه گروه های سنی می توانستند از آن استفاده کنند و مخصوصاً برای بزرگترین جمعیت نابینایان یعنی افرادی که بینایی شان را در سنین بزرگسالی از دست داده بودند و از مهارت های بریل برخوردار نبودند، مفید بود.

دهه ۱۹۳۰ دهه بسیار مهمی برای کتاب های گویا بود در ۱۹۳۱، کنگره آمریکا برنامه کتاب گویا را ایجاد کرد. این برنامه «کتاب برای نابینایان بزرگسال» نامیده می شد و برای کمک به افرادی که مشکلات خواندن چاپ معمولی را داشتند، ایجاد شد. در سال بعد، بنیاد آمریکایی برای نابینایان، اولین کتاب های گویا را توسعه داد. در بریتانیا، نیاز برای کتاب های گویا در سال های بعد از جنگ جهانی اول در پاسخ به هزاران سرباز که در اثر جنگ، نابینا یا دچار معلولیت دیداری شده بودند و خواندن کتاب های گویا را نسبت به یادگیری بریل آسان تر می دیدند، احساس شد. در ۱۹۳۵ مؤسسه

ملی سلطنتی نابینایان (RNIB) تولید اختصاصی کتاب های ضبط شده را با کتاب «قتل راجر آکروید آگاتا کریستی» در میان اولین کتاب های منتشره در قالب دیسک های شفاف راه اندازی کرد.

در دهه ۱۹۷۰ نوارهای کاست آنالوگ بر صنعت کتاب گویا تسلط داشتند. نوارهای کاست و پخش کننده ها به میزان وسیعی قابل دسترس و بر خلاف بریل نسبتاً ارزان بودند و برای استفاده، نیاز به آموزش خاصی نداشتند. با این وجود، در هنگام خواندن این کتاب ها، دسترسی آسان به قسمت ها یا صفحات مختلف میسر نبود. توانایی یافتن سریع مکانی در یک کتاب، برای مطالعه یا در یک کلاس درس، مهم است. به عنوان مثال ممکن است معلم در کلاس درس بگوید: «لطفاً به صفحه ۱۰۷ برگردید». همچنین به علت قالب های ناسازگار ضبط های استفاده شده، از به اشتراک گذاری کتاب ها بین سازمان ها یا اشخاص در کشورهای مختلف ممانعت می شود.

کتابخانه هایی که به افراد دچار معلولیت های چابی خدمت می کنند از جمله نابینایی، کم بینایی، نارساخوانی، معلولیت های یادگیری، معلولیت شناختی، معلولیت هوشی، معلولیت های حرکتی، معلولیت های ذهنی و غیره، کاربران مشترکی دارند که دچار نگرانی های مشابهی هستند. علاوه بر نگرانی های کاربر، کتابخانه ها مجبورند که به سمت تغییر فناوری ها از آنالوگ به دیجیتال حرکت کنند.

در کنفرانس عمومی ایفلا ۱۹۸۶ در توکیو، بخش کتابخانه ها برای نابینایان ایفلا، از برگزاری جلسه ای بین المللی پیرامون کتاب های گویای دیجیتال و کشف فناوری دیجیتالی که همه نیازمندی های کاربران همچنین ارائه دهندگان را برآورده می کند، بهره برد. نتیجه جلسه این بود که هیچ یک از فناوری های گویای دیجیتال در آن مرحله نیازمندی های توزیع کتاب های گویای دیجیتال را برآورده نکرده است.

دسترسی به اطلاعات دیجیتال در حدود سال ۱۹۹۰ امکان پذیر شد. افراد نابینا و کم بینا می توانستند از رایانه ها برای خواندن استفاده کنند. به تدریج کتاب های گویای دیجیتال، شیوه رایجی برای خواندن شد. البته این امر به این معنا نبود که از میزان بهره گیری کتاب های بریل کاسته شود زیرا کتاب های بریل تنها قالبی بود که به شخص امکان کسب مهارت های سواد را می داد.

در دهه ۱۹۹۰، سه رویداد مهم اتفاق افتاد. در ابتدا، اینترنت همگانی شد. رویداد بعدی، اختراع صوت فشرده، مخصوصاً ام پی تری (۱) روشی ماندگار برای توزیع صوت دیجیتال روی اینترنت فراهم کرد. در رویداد سوم از آنجایی که دیسک های فشرده مورد استقبال گسترده ای قرار گرفته بود کتابخانه سوئد، این قالب را به عنوان رسانه هدف برای توزیع دی زی انتخاب کرد. نمونه اولیه پخش کننده دی زی در ۱۹۹۴ ساخته شد. بعد از آن کنفرانسی بین المللی در مورد رایانه هایی که به اشخاص با نیازهای خاص کمک می کنند، برگزار شد. این کنفرانس، منجر به علاقه قابل توجهی به طرح دی زی شد.

همانطور که اشاره شد در ابتدا، دی زی به عنوان سیستم اطلاعات صوت محور دیجیتال در سوئد، کتابخانه ملی کتاب های گویا و بریل سوئد (۲)، توسعه یافت تا نیازهای کاربران کاست کتاب گویا را برآورده کند. کیفیت نامطلوب صدا، پخش طولانی و رسانه های دستی و عدم سازگاری کتاب های

١.- MP٣

٢.- The Swedish Library of Talking Books and Braille

گویای امانت گرفته شده، نگرانی های اصلی خوانندگان حرفه ای کتاب های گویا بودند. مشارکت کاربر در سراسر فرایند توسعه، یکی از ویژگی های توسعه دی زی بود.

در سال ۱۹۹۴، کتابخانه ملی کتاب های گویا و بریل سوئد و کتابخانه لیبی ریتتن (۱) نمونه اولیه ای از کتاب گویای دیجیتال پی سی (۲) محور در کنفرانس آی سی سی اچ پی (۳) در وین (۴) ارائه کردند. در اوایل دسامبر ۱۹۹۵، زوریتا، (۵) دبیر کل اتحادیه جهانی نابینایان در نشست مقدماتی، با شور و شوق، خواستار ایجاد کنسرسیوم دی زی شد. توسدو (۶) در یومگای، (۷) یاب (۸) در هلند، بیجورک (۹) و نورداستروم (۱۰) در سوئد و دیگران توسعه دی زی را بسیار مورد حمایت قرار دادند.

از چندین عضو بخش کتابخانه های نابینایان در تورنتو در سال ۱۹۹۵ بازدید شد و موافقت شد تا استانداردهای بین المللی کتاب های گویای دیجیتال توسعه یابد و قرار شد کتابخانه لیبی ریتتن در سوئد و شینانوکنسیسو (۱۱) در ژاپن آنها را به تلاش برای توسعه استاندارد کتاب گویای دیجیتال باز و غیر اختصاصی تشویق کنند. معاهده توسعه استاندارد کتاب گویای دیجیتال به طور موفقیت آمیزی در جلسه ای در کنفرانس عمومی ایفلا در ۱۹۹۵ استانبول بدست آمد. جلسه به این نتیجه رسید که یک استاندارد بین المللی را در طی دو سال ایجاد کند.

بر اساس توافق اولیه کتابخانه ملی کتاب های گویا و بریل سوئد و مؤسسه ملی سلطنتی نابینایان (۱۲) و سازمان کتابخانه های ژاپنی برای نابینایان، همچنین تولید کنندگان، لیبی ریتتن، شینانوکنسیسو، نمونه آزمایشی بین المللی دی زی با یک دستگاه پخش اولیه ایجاد شد تا نیازمندی های کارکردی افراد دچار معلولیت های چاپ شناسایی شود. دولت ژاپن این بودجه را تأمین کرد. نمونه آزمایشی جهانی با مشارکت ۱۰۰۰ نابینا و معلول دیداری در ۳۰ کشور در ۵ قاره از جمله در مناطق در حال توسعه انجام شد. نتیجه خیلی روشن بود: افراد شکایات بسیاری در مورد سیستم نمونه اولیه داشتند اما در نهایت به توسعه استانداردهای دی زی ابراز تمایل کردند (۱۳).

ص: ۲۱۲

۱. - Labyrinth AB

۲. - PC (personal Computer)

۳. - ICCHP

۴. - Vienna

۵. - Zurita

۶. - Toucedo

۷. - umguay

۸. - Yapp

۹. - Bjork

۱۰. - Nordstrom

Shinanokensico. Ltd .-۱۱

Royal National Institute of Blind People .-۱۲

۱۳- . امکان سنجی به کارگیری دی زی، زهرا آقایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، زیر نظر سعید رضایی شریف آبادی،
دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۰، ص ۱۲-۱۴.

از اینرو دیزی با حداقل امکانات کارش را آغاز کرد و طی چند دهه توانست امکاناتی برای روشندان فراهم آورد تا بتوانند به راحتی پیام خود را با دیگران به اشتراک گذاشته، بخوانند، بنویسند و با جهان، ارتباطات وسیع برقرار کنند.

در ایران و جهان اسلام هم اجرای چنین طرحی شدنی است. البته بر خلاف عقیده برخی، کپی برداری از دیزی صحیح نیست و باید شیوه ای متناسب با اقتضائات بومی و ملی و مذهبی خودمان طراحی کنیم.

هم اکنون در برخی از کشورهای اسلامی، فعالیت هایی جهت راه اندازی سیستم های دیجیتال در جریان است. برای نمونه در مالزی در ۲۷ شعبان ۱۴۳۴ (یولیه ۲۰۱۳م) مراسم جشنی با حضور شخصیت های قرآنی به منظور کامپیوتری کردن قرآن به خط بریل و راه اندازی شبکه قرآن بریل برپا کردند(۱).

لازم است مدیران این جریان ها در کنار هم تجمع و نشست داشته باشند و با تعامل و هم اندیشی شبکه دیجیتال سراسری برای جهان اسلام برای نابینایان را راه اندازی نمایند.

نتیجه: علت مهم در کُندی پیشرفت بریل اقتصادی نبودن، حجیم بودن، قابل حمل و نقل نبودن و موارد دیگر امثال اینها است. اما با هزینه اندک می توان همه این اشکالات را برطرف نمود و شبکه فعال قرآن بریل در سراسر کشور راه اندازی می شود و نابینایان از طرق مختلف مثلاً موبایل می توانند استفاده کنند. با فراگیر شدن بریل و قابل استفاده شدن آن می توان متون قرآنی شامل ترجمه ها و تفسیرها و علوم قرآنی را با این شبکه منتشر و در نتیجه فرهنگ مذهبی را گسترش داد.

ص: ۲۱۳

۱- . نشریه تلاوه (کوالالمپور مالزی)، ۲۷ شعبان ۱۴۳۴ق، ص ۲۱.

اشاره

کشورهای اسلامی غیر از ایران به ترتیب الفبای نام آنها، از نظر تولید قرآن بریل در اینجا بررسی خواهند شد و وضعیت آنان از نظر پیشرفت، و مرکز تولیدکننده قرآن بریل و دیگر مسائل و جوانب قرآن بریل تجزیه و تحلیل می شود.

آفریقای جنوبی

مدرسه نور اقدام به چاپ قرآن به خط بریل از softcopy نموده است. این قرآن در شش جلد چاپ شده، دست دوز با پوشش آبی رنگ، وزن آن هشت کیلوگرم و در یک کیسه برای حمل و نقل آسان بسته بندی شده است. قیمت (هدیه) برای این مجموعه کامل قرآن R۵۰۰.۰۰ به استثنای هزینه پستی است. تولید آن به شرکتی در خارج از کشور سپرده شده است.

درخواست کنندگان سفارش خود را به این آدرس بفرستند. Braille@mnblind.org

اردن

در این کشور، مرکزی به نام جمعیه المحافظه علی القرآن چندین سال فعال است. کار عمده این مرکز، نشر قرآن کریم به خط بریل و پخش رایگان بین افراد نابینا است. یکی از اقدامات نیک این جمعیت، پخش قرآن بریل در فلسطین اشغالی و برای آحاد نابینایان و اهداء ۱۰۰ دوره از آن به دانشگاه قدس. همچنین دوره های بسیار را در کشورهای مختلف بین روشندان مسلمان توزیع کرده است.

این قرآن پنج جلدی و قطع آن خشتی بزرگ با صحافی نفیس و زیبا است. هزینه های این طرح از طریق نیکوکاران و واقفین تأمین می شود. اما اگر غیر نابینایان نیاز به این قرآن داشته باشند به آدرس زیر تماس گرفته و با پرداخت مبلغ دویست دلار به علاوه هزینه های باربری، آن را دریافت خواهند کرد:

کارنامه: قرآن های چاپ اردن دارای این ویژگی ها است:

«أن هذا القرآن یهدی للتی هی أقوم»

القرآن الکریم

بنظام برایل

المجلد الأول

من سورة الفاتحه إلى سورة النساء

إصدار

ص: ٢١٥

جمعية المحافظه على القرآن الكريم

الزرقاء: الأردن

تليفاكس:

٩٦٢٥٣٩٣٦٤٧٧

بالتعاون مع دار حوسبه النص العربى

جبل عمان - الدوار الثانى

عمان: الأردن

طبع على الكمبيوتر

باستخدام برنامج مترجم برايل الشامل أصدار دار الحوسبه النص العربى

إننا نحن نزلنا الذكر و إننا له لحافظون

«إن هذا القرآن يهدى للتى هى أقوم»

القرآن الكريم

بنظام برايل

المجلد الثانى

١٩٩٩

من سوره المائده إلى سوره التوبه

إصدار

جمعية المحافظه على القرآن الكريم

الزرقاء: الأردن

تليفاكس:

٩٦٢٥٣٩٣٦٤٧٧

بالتعاون مع دار حوسبه النص العربى

جبل عمان - الدوار الثانى

عمان: الأردن

طبع على الكمبيوتر

باستخدام برنامج مترجم برايل العربى

أصدار: دار الحوسبه النص العربى

إنا نحن نزلنا الذكر و إنا له لحافظون

«إن هذا القرآن يهدى للتى هى أقوم»

القرآن الكرىم

بنظام برايل

المجلد الثالث

١٩٩٩

من سوره يونس إلى سوره الكهف

إصدار

جمعيت المحافظه على القرآن الكرىم

الزرقاء: الأردن

ص: ٢١٦

تليفاكس: ٩٦٢٥٣٩٣٦٤٧٧

بالتعاون مع دار حوسبه النص العربى

جبل عمان - الدوار الثانى

عمان: الأردن

طبع على الكمبيوتر

باستخدام برنامج مترجم برايل العربى

أصدار: دار الحوسبه النص العربى

إنا نحن نزلنا الذكر و إنا له لحافظون

«إن هذا القرآن يهدى للتى هى أقوم»

القرآن الكرىم

بنظام برايل

المجلد الرابع

١٩٩٩

من سوره مريم إلى سوره العنكبوت

إصدار

جمعىت المحافظه على القرآن الكرىم

الزرقاء: الأردن

تليفاكس:

٩٦٢٥٣٩٣٦٤٧٧

بالتعاون مع دار حوسبه النص العربى

جبل عمان - الدوار الثاني

عمان: الأردن

طبع على الكمبيوتر

باستخدام برنامج مترجم برايل العربى

أصدر: دار الحوسبه النص العربى

إنا نحن نزلنا الذكر و إنا له لحافظون

«إن هذا القرآن يهدى للتى هى أقوم»

القرآن الكريم

بنظام برايل

المجلد الخامس

١٩٩٩

من سوره الروم إلى سوره الجاثيه

إصدار

جمعيت المحافظه على القرآن الكريم

الزرقاء: الأردن

تليفاكس:

٩٦٢٥٣٩٣٦٤٧٧

ص: ٢١٧

بالتعاون مع دار حوسبه النص العربى

جبل عمان - الدوار الثانى

عمان: الأردن

طبع على الكمبيوتر

باستخدام برنامج مترجم برايل العربى

أصدار: دار الحوسبه النص العربى

إننا نحن نزلنا الذكر و إننا له لحافظون

«إن هذا القرآن يهدى للتى هى أقوم»

القرآن الكرىم

بنظام برايل

المجلد السادس

١٩٩٩

من سورة الأحقاف إلى سورة الناس

إصدار

جمعىت المحافظه على القرآن الكرىم

الزرقاء: الأردن

بالتعاون مع دار حوسبه النص العربى

جبل عمان - الدوار الثانى

عمان: الأردن

طبع على الكمبيوتر

باستخدام برنامج مترجم بر ایل العربی

أصدار: دار الحوسبه النص العربی

إنا نحن نزلنا الذكر و إنا له لحافظون

گزارش فعالیت های قرآنی در عرصه بریل: یکی از کشورهای پیشگام در عرصه چاپ و نشر بریل علی الخصوص متون مذهبی کشور اردن می باشد. این کشور نه تنها در زمینه چاپ و نشر بریل بلکه در دیگر موضوعات معلولین بسیار فعال است. از جمله فعالیت های این کشور می توان به تبدیل متون به زبان اشاره و ارائه مدرن ترین وسائل و لوازم توان بخشی و همچنین چاپ قرآن کریم به خط بریل اشاره کرد. از آنجا که بحث ما پیرامون قرآن کریم است، لذا ما فقط به تبیین ویژگی های قرآن های بریل چاپ این کشور می پردازیم. یکی از نهادهایی که به چاپ و نشر قرآن کریم اهتمام ورزیده جمعیت محافظه علی القرآن الکریم است. این مرکز با همکاری دار حوسبه علی النص العربی اقدام به چاپ قرآن به خط بریل نموده و قرآن های خود را به سراسر جهان به خصوص کشورهای عربی ارسال می نماید. این قرآن ها به روایت حفص از عاصم می باشند و زیر نظر اساتید مجرب قرآنی اعم از حفاظ و قراء و اساتید خط به خصوص اساتید خط بریل به دفعات تصحیح و ویرایش شده است. هدف از انتشار این دوره از قرآن کریم کمبود یک قرآن استاندارد در سطح جهانی و تقاضای فراوان نابینایان

ص: ۲۱۸

بوده است. برای روشن تر شدن ویژگی های این دوره به برخی خصوصیات آنها اشاره می کنیم. در ابتدا باید اذعان کرد که این قرآن ها نسبت به قرآن های منتشر شده در ایران در برخی موارد تفاوت هایی دارند که در این بحث به آنها خواهیم پرداخت. اول اینکه این قرآن ها در شش مجلد به طبع رسیده اند و بسیار قطور و حجیم اند. از جلد های گالینگور استفاده شده که با توجه به حجیم بودن این قرآن ها جلد های گالینگور توان نگهداری این قرآن ها را ندارند و از جلد شان جدا می شوند. به علاوه این که حمل و نقل این قرآن ها بسیار مشکل است. نوع کاغذ و نقاط برجسته بسیار مناسب و با کیفیت است و نسبت به قرآن های ایران از ماندگاری بیشتری برخوردار است. و این امتیاز بسیار مهمی به شمار می آید. شماره صفحات در هر جلد از ۱ شروع و تا... ادامه می یابد و فقط صفحه مربوط به مشخصات چاپ و نشر شماره ندارد که در اولین صفحه بریل قرار گرفته است. از صفحه بعد یعنی دومین صفحه بریل قرآن کریم شامل شماره جزء، شماره و نام سوره ها، مکی و مدنی بودن سُور و تعداد آیات مندرج در هر سوره آغاز می شود. البته این موارد در آغاز هر سوره نیز مندرج است. در سر صفحه ها نیز شماره جزء و نام سوره ها درج شده اند و چنانچه در یک صفحه دو یا سه سوره آورده شده باشد هر دو یا سه سوره در سر صفحه ها مندرج گردیده اند. در پایین صفحات هم شماره هر حزب آورده شده اند.

پس از پایان هر جزء، جزء بعدی با یک سطر از جزء قبلی فاصله می گیرد. هر آیه نیز در یک پاراگراف قرار دارد و شماره آیات پس از پایان آیات مندرج شده اند. تمامی علائم وقف، ضبط و احزاب و اجزاء در این دوره از قرآن درج گردیده است؛ اما نکته مهمی که کاملاً مشهود است و آن را از قرآن های چاپ ایران متمایز می کند این است که در تعریف برخی از علائم در بریل تفاوت هایی وجود دارد که به نظر بنده مناسب تر از علائم قرآن های ایران است. برای اطلاعات بیشتر به این علائم به اختصار اشاره می شود ۱- وقف ممنوع قرآن های ایران نقاط ۶۵۳۲ و قرآن های اردن داخل پرائنتز نقاط ۶۳۲۱. ۲- علامت وقف جائز: قرآن های ایران نقطه ۵ قرآن های اردن نقطه ۲. ۳- علامت وقف جائز با جواز وصل: قرآن های ایران نقاط ۶۵ و قرآن های اردن نقاط ۳۲. ۴- علامت وقف جائز با جواز وقف: قرآن های ایران نقاط ۶۳ و قرآن های اردن نقاط ۵۲ و نقطه ۳ در کنار هم. ۵- علامت تعانق یا وقف دو طرفه: قرآن های ایران ۶۳۶۳ و قرآن های اردن نقاط ۶۳۶۳. ۶- علامت سکت: قرآن های ایران نقاط ۵۲۵۲ و قرآن های اردن داخل پرائنتز س ۷ علامت سجده قرآن های ایران داخل پرائنتز س و قرآن های اردن السجده ۸- ربع حزب: قرآن های ایران نقاط ۶۵ و ۵۳۲۱ و ۶۵۲ در کنار هم و قرآن های اردن نقاط ۶۵۴۳. ۹- نصف حزب: قرآن های ایران نقاط ۶۵ و ۵۴۳۱ و ۶۵۲ در کنار هم و قرآن های اردن نقاط ۶۵۴۳ دو مرتبه در کنار هم. ۱۰- ثلث حزب: قرآن های ایران نقاط ۶۵ و ۶۵۴۱ و ۶۵۲ و قرآن های اردن نقاط ۶۵۴۳ سه مرتبه در کنار هم.

با توجه به این اطلاعات قرآن های ایران در سه مورد علامت جزء، حزب و وقف لازم با هم مشترکند. از دیگر تمایزات قرآن های اردن می توان به موارد دیگری هم اشاره کرد. از جمله این که در این دوره پس از پایان هر جلد فهرست بر اساس شماره و نام سُور، مکی و مدنی بودن و شماره صفحات و همچنین تعریف علائم کاربردی در بریل قید گردیده اند؛ ولی در پایان جلد ششم علاوه بر موارد فوق پیشگفتار ظ «تعریف بهذا المصحف درج شده است. این قرآن همانطور که در پیشگفتار آمده است

ترکیبی از شیوه عثمان طه و رسم الخط بریل است ولی با توجه به این که اساتید به نامی در تصحیح و ویرایش این قرآن ها نقش داشتند لذا هنوز هم اغلاطی در متن و جایگزینی علائم مشاهده می شود که امیدواریم برطرف شود.

ازبکستان

جمهوری ازبکستان به عنوان سومین کشور جهان، قرآن کریم را به خط بریل چاپ و منتشر کرد. به گزارش مرکز خبر و اطلاع رسانی جامعه المصطفی، چاپ و انتشار این نسخه از قرآن، هم اکنون، امکان و زمینه دسترسی ۰۰۰/۲۴ مسلمان نابینا به آن را فراهم آورده است. شایان ذکر است، دو مسجد ویژه ناشنوایان در تاشکند، پایتخت ازبکستان و مدارس شبانه روزی و کتابخانه هایی ویژه نابینایان و ناشنوایان این کشور وجود دارد و هم اکنون دولت این کشور در حال توزیع کتب و نسخه های قرآن به خط بریل در این مکان هاست. گفتنی است دولت ازبکستان تصمیم دارد این تجربه را در استان و مناطق دیگر این کشور نیز اجرا کند.

الجزایر

وزارت امور دینی و وقف الجزایر اقدام به چاپ و انتشار قرآن کریم به خط بریل کرد. روزنامه المجاهد چاپ الجزیره روز پنجشنبه نوشت: قرآن کریم برای نخستین بار در این کشور به خط بریل در شش جلد در اختیار نابینایان قرار می گیرد.

عبدالله تأمین مسئول ارتباطات وزارت امور دینی و وقف الجزایر در این زمینه گفت: قرآن کریم با خط بریل در ۱۰ هزار نسخه برای علاقه مندان در داخل و خارج چاپ شده است.

این وزارتخانه پیشتر نیز اقدام به انتشار لوح های فشرده از قرآن کریم و نیز ترجمه کتاب آسمانی اسلام به شش زبان زنده دنیا کرده است.

اندونزی

این کشور در جنوب شرقی قاره آسیا واقع است و از مجمع الجزایری با بیش از یک هزار و جمعیتی بیش از ۲۵۰ میلیون نفر تشکیل شده است. جمعیت آن بیشتر مسلمان می باشند. سه میلیون نابینا و کم بینای شدید در این کشور زندگی می کنند و نیازمند حمایت فرهنگی و بسته های کتاب های دینی به ویژه قرآن بریل می باشند.

در ماه رمضان ۱۴۳۴ق/ ۲۰۱۴م مؤسسه BAPA با همکاری (yaxasan Makfufin Radhatul) ymR) مدرسه شبانه روزی نابینایان مسلمان در جاکارتا)، قرآن به خط بریل بین مسلمانان نابینا در سراسر اندونزی توزیع شد. این قرآن ۳۰ جلد است و با ماشین آلات چاپ بریل پیشرفته، چاپ و صحافی شده است. این پروژه حدود ۲ میلیارد روپیه اندونزیایی یا ۰۰۰/۱۶۶ دلار برای هر دوره قرآن بریل ۱۶۶ دلار خرج و با هزینه های جنبی آن حدود ۲۰۰ دلار هزینه داشته است.

نیز در رمضان سال ۲۰۱۱م پروژه (wakaf) در اندونزی با حمایت BAPA اجرا شد و ده ها دوره از قرآن بریل بین نابینایان پخش گردید. اما هم اکنون BAPA درصدد است با تثبیت منابع مالی، هر سال ۱۰۰۰ دوره قرآن تولید و بین نابینایان اندونزی پخش کند. مسئولیت این پروژه بر عهده ymR است. مسلمانان متمول سنگاپور متعهد شده اند، بخش مهمی از هزینه های این پروژه را تأمین کنند.

مؤسسه BAPA اعلام کرده هر مسلمان سنگاپوری می تواند از این پروژه به سه صورت حمایت کند: ۳۵۰ دلار، ۱۰۰۰ دلار یا ۳۰۰۰ دلار پردازد و در ۲ یا ۶ یا ۱۸ دوره قرآن بریل سهم باشد. یعنی در ثواب آن سهم داشته و نامش هم روی این دوره ها ثبت می شود.

BAPA هم اکنون یک دستگاه چاپگر بریل دارد که در روز قادر به تولید یک دوره قرآن است ولی درصدد است سه دستگاه دیگر خریداری کند و بر سرعت تولید ۱۰۰۰ دوره قرآن بریل بیفزاید.

این چاپگرها از کشور سوئد تهیه شده و هر چاپگر را ۱۵۰۰۰ دلار خریداری کرده اند. البته BAPA اعلام کرده هر کس می تواند این چاپگر بریل را خریده و وقف تولید قرآن بریل نماید.

ymR مجتمع شبانه روزی نابینایان مسلمان در جاکارتا است که توسط مرحوم حلیم سوله و شرکت او به نام USTZ در سال ۱۹۸۳م تأسیس شد. خود حلیم سوله نابینا و معلم مذهبی بود. همکار حلیم، خلیف نور بود که در شکل گیری این مجتمع سخت فعالیت کرد.

همچنین حلیم سوله در خانه خود تلاش های قرآن برای کودکان و نوجوانان نابینا دایر کرد. وزیر امور مذهبی به نام Sagjali muna wir در سال ۱۹۹۲م از فعالیت های حلیم بازدید کرد و با تصویب پروژه و شیوه آموزشی او، یک ملک ۷۰۰ متری برای احداث بنیاد پیشرفته تری به او اختصاص داده شد. همزمان از ۱۹۹۲م قرآن بریل در باندونگ تولید و به جاکارتا حمل می شد و در آنجا بین مسلمانان پخش می گردید. اما در ۱۹۹۹ با خرید چاپگر بریل، کار تولید قرآن بریل در جاکارتا آغاز شد.

قرآن های بریل علاوه بر پخش رایگان در مدارس نابینایان و اهدا به خود روشندان، به مردم عادی هم فروخته می شود و درآمد حاصله مصرف گسترش چاپ و پخش قرآن بریل می گردد.

گزارش دیگر درباره قرآن بریل در اندونزی: به گزارش رحماء به نقل از پایگاه اطلاع رسانی «الجزیره نت»، انجمن آموزش تلاوت قرآن کریم به نابینایان که به نام «ابن أم مکتوم فویس» مشهور است، از جمله انجمن هایی است که در این کشور در زمینه آموزش قرآن به نابینایان فعالیت می کند.

این انجمن در سال ۲۰۰۷ میلادی تأسیس شده و هدف اصلی آن آموزش تلاوت قرآن کریم به روشندان، فراهم آوردن نسخه های قرآن کریم به خط بریل برای آنان و همچنین، اقدام به چاپ نسخه های قرآن به خط بریل است.

این انجمن از زمان تأسیس تا سال گذشته میلادی توانسته است که حدود ۲۷۰۰ نسخه از قرآن کریم به خط بریل را برای جمعیت ۳ میلیونی نابینایان اندونزی منتشر کند که این نسخه های قرآن به صورت رایگان در میان نابینایان ایالت «جاوه» اندونزی توزیع شد.

«دانی نور الرحمن»، مسئول بخش خدمات انجمن آموزش تلاوت قرآن کریم به نابینایان «ابن أم مكتوم فویس» اندونزی، در این باره گفت: کمبود مدرس و مربیان آموزش قرآن و همچنین، هزینه بالای نسخه های قرآن به خط بریل از مهم ترین مشکلات و چالش هایی است که روشندان این کشور برای یادگیری قرآن با آن مواجه هستند.

ص: ۲۲۱

بر اساس آمار وزارت بهداشت اندونزی، تعداد نابینایان این کشور حدود سه میلیون نفر است که در این میان تنها ۱۵۰ هزار نفر آنان قادر به خواندن به خط بریل هستند و تاکنون حدود ۱۰ هزار نسخه قرآن به خط بریل در میان آنها توزیع شده است.

بوسنی

بوسنی و هرزه گوین: دفتر نابینایان و کم بینایان (مکتب الاعميين و قلیلی البصر) از مراکزی است که توسط دولت عربستان سعودی پشتیبانی مالی می شود. این دفتر در ۵ سال اخیر نخست قرآن کریم را به زبان بوسنیایی ترجمه کرد. یکی از مترجمان مشهور به نام بسیم کورکوت **Besim Korkut** مسئولیت ترجمه را بر عهده داشت و آن دفتر این ترجمه را منتشر کرد. سپس متن قرآن کریم و نیز ترجمه بوسنیایی آن را با خط بریل در بیست جلد منتشر کرد. این اثر رایگان در اختیار مراکز و شخصیت های نابینایان در بوسنی و هرزه گوین قرار گرفت. در جشن رونمایی که در سال ۱۴۳۴ در سارایوو، مرکز فرهنگی ملک فهد برپا شد، گفته شد این پروژه ۸۰ هزار یورو هزینه داشته است. یعنی حدود چهارصد میلیون تومان.

تاجیکستان

در سال ۲۰۱۲م برای نخستین بار قرآن به خط بریل و به زبان تاجیکی توسط مرکز اسلامی در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان منتشر شد و در اختیار نابینایان قرار گرفت. سعید مکرم عبدالقادر زاده رئیس مرکز اسلامی و رئیس شورای نهاد معنوی علما این اقدام را بسیار مؤثر و مهم دانست.

این قرآن در نه جلد و توسط یک شرکت خصوصی در شهر دوشنبه تولید و عرضه شده است. غیر از قرآن برخی کتب مذهبی اسلامی مثل منابع ادعیه و مناجات ها و احادیث بریل شده است. همچنین برای دانشجویان رشته زبان عربی، قرآن بریل عربی هم تولید و به آنان اهداء شده است.

همو در گزارش خود گفت در تاجیکستان، ۹۰۰۰ نابینا و کم بینا زندگی می کنند و ۱۵ درصد آنان خط بریل را آموزش دیده و می توانند متون بریل را مطالعه کنند. البته از طریق آموزش و پرورش و نیز دانشگاه ها، آموختن بریل در حال گسترش است.

ترکیه

ترکیه: در ترکیه چند مرکز بریل قرآن فعال است. یکی از آنها بیازای است. نام انگلیسی آن چنین است: **Beyazay Association of Turkey**

این مؤسسه به نشر قرآن کریم به خط بریل اقدام کرده است. آدرس سایت آن او این گونه است:

www.beyazay.org.tr

این مؤسسه در کنفرانس بین المللی قرآن های بریل که در بهمن ۱۳۹۱ در استانبول برگزار شد، به عنوان نماینده دولت ترکیه

شرکت داشت.

ص: ۲۲۲

دکتر نجم الدین اوزون اوغلو با اصالت ترکیه ای سال ها است در دانشگاه های آمریکا تدریس می کند. او کتابی با عنوان معانی القرآن الکریم به زبان انگلیسی تألیف و منتشر کرد. این کتاب در طی یک سال با مساعدت ده نفر دستیار به اتمام رساند. سپس آن را با خط بریل هم در ۸ جلد و ده هزار صفحه منتشر کرد.

ویژگی و اهمیت این کتاب در چند چیز است:

۱- نخستین فرهنگنامه قرآنی که به سبک مدرن است که با خط بریل منتشر شده است.

۲- نخستین فرهنگنامه قرآن در زبان انگلیسی است.

۳- علائم بریل قرآن به زبان انگلیسی نخست باید تألیف و سامان دهی می شد سپس این کتاب بر اساس آن علائم شکل می گرفت و گویا چنین کرده اند.

افتتاح مرکز حفظ قرآن نابینایان در ترکیه: به گزارش خبرگزاری ایسنا، به نقل از پایگاه اینترنتی الیوم السابع، حزب عدالت و توسعه حاکم بر ترکیه اولین مرکز تخصصی حفظ قرآن کریم برای دانش آموزان نابینا را افتتاح کرد. وجود قرآن هایی با خط بریل، مخصوص نابینایان، آموزش و یادگیری و حفظ قرآن را برای معلمان و دانش آموزان این مرکز آسان می کند. در بیانیه منتشر شده در سایت رسمی حزب عدالت و توسعه آمده است: این مرکز در منطقه قیصری واقع در مرکز ترکیه تأسیس شده است و تأکید بر خط بریل در این مرکز برای تسهیل روند یادگیری کسانی است که از نعمت بینایی محروم هستند.

با شروع فصل تابستان و اوقات فراغت، صدها کودک برای یادگیری قرآن و علوم دینی در مساجد حضور یافته اند و مساجد منطقه قیصری پر از کودکانی است که مشغول یادگیری احکام قرآن و چگونگی قرائت صحیح قرآن هستند. (۱)

روسیه

چاپخانه بریل به منظور چاپ کتاب های اسلامی برای مسلمانان نابینای روسیه و کشورهای مشترک المنافع در مسجد قازان راه اندازی شد.

به گزارش خبرگزاری بین المللی قرآن (ایکنا) به نقل از پایگاه اطلاع رسانی Islam.ru، این چاپخانه بریل مجهز به مدرن ترین تجهیزات چاپ برای تولید کتاب های با کیفیت برای تأمین نیازهای مسلمانان نابینا است. این چاپخانه به صورت آزادانه به چاپ کتاب های دینی برای مسلمانان روس خواهد پرداخت.

رابرت مینولین، نائب رئیس شورای دولتی جمهوری تاتارستان اعلام کرد: تأسیس این چاپخانه یک اتفاق تاریخی است و این اقدام مسجد قازان الگویی است که باید از آن پیروی شود.

یکی از مشکلاتی که جامعه نابینایان با آن مواجه هستند، دشواری دسترسی یا عدم دسترسی آنان به کتاب های موجود در بازار است.

۱- . خبرگزاری ایسنا، ۲۳ تیر ۱۳۹۲.

تأسیس این چاپخانه می تواند تا حد زیادی مشکلات نابینایان روس برای دسترسی به منابع اسلامی را برطرف کند.

عربستان سعودی

یکی از کشورهای فعال در عرصه خط بریل و قرآن به خط بریل و خدمات دهی به معلولان، عربستان سعودی است. نهاد «خادم الحرمين الشريفین» به عنوان اصلی ترین نهاد سیاسی و فرهنگی در این کشور، متصدی و متکفل چاپ و نشر قرآن بریل و قرآن گویا است. این نهاد مرکزی برای این منظور راه اندازی کرده به نام «مطابع خادم الحرمين الشريفین لطباعه القرآن الکریم بطریقه بریل» یعنی «چاپخانه خادم حرمین برای چاپ و نشر قرآن کریم به روش بریل». دفتر مرکزی آن در ریاض مستقر است. این چاپخانه قرآن بریل را در تیراژ وسیع منتشر و رایگان در داخل عربستان و خارج این کشور منتشر و پخش می کند. هدفش این است که نابینایان مسلمان در سراسر جهان قرآن بریل داشته باشند. هر سال تعداد زیادی از قرآن بریل در حرم مکه و حرم نبوی برای استفاده نابینایان و کم بینایان استفاده می شود.

قبلاً نام این مرکز «مطابع المکتب الاقلمی لشؤون المکلفوفین لطباعه لخط بریل» بود و در سال ۱۴۱۲ق به مطابع خادم الحرمين الشريفین لطباعه القرآن الکریم تغییر یافت. و در سال ۱۴۱۶ق «مطابع خادم الحرمين الشريفین» تحت اشراف و نظارت آموزش استثنایی که در عربستان «اداره العامه لتربيه الخاصة بالوزار ق قرار گرفت.

علاوه بر چاپ و نشر قرآن کریم این نهاد، مجله الفجر به خط بریل را به صورت ماهانه در عربستان و در کشورهای دیگر هم منتشر می کند. این مجله دینی و فرهنگی است.

این مرکز در سال های اخیر به تجهیز تمامی مدارس و ادارات نابینایان پرداخته و همه وسایل آنها را کامپیوتری کرده است. انواع مبدل ها و پرینت های الکترونیکی و کامپیوتری را نصب کرده اند. (۱)

گرایش اسلام: دکتر الموسی از کارشناسان آموزش استثنایی در عربستان سعودی است که تاکنون چند اثر در این باره منتشر کرده است. او در ابتدای گزارش «جهود المملكة السعودیه فی طباعه القرآن بطریقه البریل» درباره علت توجه به معلولین و نابینایان در اسلام مطالب مهمی نوشته است. خلاصه ای از مطالب او را اینجا می آورم:

اسلام بر مساوات بین همه اقشار مردم تأکید می نماید و حسب، نسب، قدرت جسمی و توانایی های عقلی و جسمی را ملاک برتری نمی داند. بلکه فقط ارزش ها و تقوا را عامل برتری می شمارد. از این رو بین معلول و غیر معلول تمایز و تبعیض نیست.

به همین دلیل معلولان سریع جذب اسلام شدند و در پیشبرد اهداف این دین جدید فعالانه کوشیدند.

اسلام برای معلولین حقوق طبیعی قائل شده و دولت اسلامی موظف بود حقوقشان را ادا کند. به طوری که کسی حق نداشت به آنان توهین کند یا آنها را تحقیر نماید حتی در حدّ رو برگرداندن.

عمر بن عبدالعزیز از خلفای صدر اسلام دستور داد معلولین سرشماری شوند و نیازهای آنها ثبت گردد و او برای هر نابینا، همراه و برای هر زمین گیر، یک نفر مستخدم قرار داد.

فقط مسلمانان درباره وضع مطلوب معلولین در صدر اسلام، مطلب نوشته اند، بلکه پژوهشگران خارجی هم نکات مهمی گفته اند. برای نمونه (۱۹۷۵) Kirtley می نویسد: معلولان در دوره اسلامی، وضعیت زندگی مطلوبی داشتند و رفاه و معیشت آنان بسیار بهتر از اروپا بود. (۱۹۵۱) Ross می نویسد: نابینایان در زمان حاکمیت محمد در سده ۷ موفقیتهایی به سوی نور و خوشبختی داشتند. وضعی که دوره ها ندیده بودند.

(۱۹۵۶) Farrell می گوید: دانشگاه الازهر اولین مرکز آموزشی عالی بود که درهائش را از هزار سال قبل به سوی نابینایان گشود. (۱) یعنی از هزار سال قبل، نابینایان در کنار بینایان به آموختن و حتی تدریس پرداختند. (۲) این در شرایطی بود که در اروپا و دیگر مناطق جهان معلولین مجال و جایگاهی برای آموزش نداشتند.

تاریخ تحولات آموزش استثنایی: آموزش و پرورش ویژه معلولین به اسم معاهد النور للمکفوفین از ۱۳۸۰ ق در عربستان آغاز شد. وزارت تعلیم در این کشور، نظام ویژه برای معلولین پی ریزی کرد که در ۱۲ سال در مدارس ویژه، تحصیل کنند و سپس به دانشگاه بروند. ویژگی ها و شرایط این نظام در مقاله «اداره العوق البصری» آمده است.

پس از چاپ و نشر قرآن بریل و استفاده این قرآن در مراکز آموزشی و پژوهشی در عربستان و ظهور پاره ای مشکلات در کتابت و غیره، دولت عربستان در ۱۴۲۰ لجنه ای متشکل از ۱۲ نفر (شامل ۹ نفر نابینا و ۳ نفر بینا که همگی در خط بریل تبحر و تخصص داشتند تعیین کرد تا به چاپ و نشر قرآن بریل و ایجاد وحدت رویه در چاپ های مختلف این قرآن و رفع مشکلات و سپس تدوین آیین نامه جامع برای همه چاپخانه ها و مراکز قرآنی و انتشاراتی ها پردازند. (۳) این لجنه هم اکنون به اسم «لجنه اعاده طباعه القرآن الکریم بخط برایل» مشهور است. یعنی شورای بازنگری در چاپ قرآن بریل. و تاکنون چند پژوهش درباره مشکلات قرآن بریل در زمینه کتابت یا املاء انجام داده، کتاب هایی را منتشر کرده و چند همایش و نشست های هم اندیشی برگزار کرده است. (۴)

مراکز و مؤسسات: نهادهای فعال در زمینه معلولان در عربستان سعودی عبارت اند از:

- المكتبة المركزية الناطقه Exe ۲۰۰۸ slibrary

این مرکز دولتی است و در سال ۱۴۱۶ ق تأسیس شد.

- مطابع خادم الحرمين الشريفين لطباعه القرآن الکریم بخط برایل بالرياض

- المركز السعودي لتدريب الكفيفات بالاردن

- المعهد السعودي البحريني للمكفوفين بالبحرين

- ١- . جهود المملكة العربية السعودية، ص ٣-٤.
- ٢- . همان، ص ٤.
- ٣- . جهود المملكة العربية السعودية، ص ١٢-١٤.
- ٤- . همان، ص ١٥-١٨.

- جمعیه ابصار بجهده

- جمعیه العوق البصری ببریده

- جمعیه المکفوفین الخیریه بمنطقه الرياض (۱)

- معاهد النور

چاپخانه بریل: مطبعه (چاپخانه) الملك فهد للمصحف الشريف که اصلی ترین مرکز چاپ و نشر قرآن کریم در این کشور است، قرآنی با عنوان المصحف الشريف بطریقه بریل در قطع خشتی بزرگ و شش جلد در ده سال قبل عرضه کرد و در اکثر مناطق جهان منتشر نمود.

دکتر ناصر علی الموسی رئیس مطابع خادم الشریفین لطباعه المصحف الشريف (چاپخانه های ملک فهد برای چاپ قرآن کریم) در گفت و گویی با خیرگزاری شرق اوسط گفت: این قرآن شش جلدی رایگان برای همه نابینایان در داخل عربستان و خارج آن ارسال شده است. به ویژه طلاب علوم دینی، خطبا و ائمه جمعه و جماعات و مبلغین دینی در اولویت می باشند. وی متذکر شد مسئولیت چاپ و توزیع این قرآن بر عهده مجمع الملك فهد لطباعه المصحف الشريف (در مدینه منوره) گذاشته شده است.

یکسان سازی: لویس بریل در ۱۸۲۹م خط بریل را نهایی و آماده استفاده کرد. و در ۱۸۷۸ یعنی حدود پنجاه سال بعد خط بریل را یک نفر انگلیسی به نام لول Loveel به مصر برد. ولی برخی از راست و برخی از چپ می نوشتند و تشتت بسیار در نگارش و کتابت بریل وجود داشت تا اینکه یونسکو در ۱۹۵۱م مؤتمری در بیروت (لبنان) برپا کرد و برای اتحاد رویه و وحدت کتابت و استفاده از بریل دستورالعمل هایی بحث و تصویب شد. پس از آن در سال ۱۳۸۰ق با افتتاح معهد نور للمکفوفین راه برای وحدت رویه و اتخاذ یک شیوه هموار گردید. (۲)

با توجه به این اخبار، سابقه بریل و چاپ قرآن بریل در عربستان به حدود پنجاه سال باز می گردد. از این رو این خبر زیر که ایسنا منتشر کرد درست نمی باشد:

رونمایی از اولین قرآن به خط بریل در عربستان: برای اولین بار نسخه کامل قرآن به خط بریل در عربستان تألیف شد. به گزارش خیرگزاری ایسنا، هنرمندان عربستانی جهت ارائه خدمات به نابینایان، اولین قرآن به خط بریل را به طور کامل تألیف و چاپ کردند. به گزارش شبکه خبری الیوم السابع، تاکنون شش نسخه از این قرآن در عربستان توسط چاپخانه مسجدالحرام به صورت رایگان، برای کمک به نابینایان در اختیار کتابخانه ها و مؤسسه های مختلف قرار گرفته است. مرکز چاپ ملک فهد کار چاپ نسخه های بعدی این مصحف را برای نابینایان بر عهده گرفته است. (۳)

کتاب صوتی: نابینایان علاوه بر کتب بریل، به کتب گویا هم نیاز دارند و عربستان سعودی تشکیلات وسیع و به روز برای این منظور ایجاد کرده است. اسم این تشکیلات المکتبه المركزيه الناطقه است.

- ١- . اداره العوق البصرى.
- ٢- . جهود المملكة العربيه السعوديه، ص ٥-٦.
- ٣- . ايسنا، مهر ١٣٩٢.

در این اداره، استودیویی هست و کتاب های مورد نیاز نابینایان را به صوتی تبدیل می کنند. نیز برخی آثار به روش کامپیوتری گویا می شود و روی وسایلی مثل MP3 پخش می شود.

مرکز تولید وسایل آموزشی: اداره آموزش استثنایی مرکز دیگری راه اندازی کرده به اسم «مرکز انتاج الوسائل التعليمية» و تمام نیازمندی های دانش آموزان و محصلان را تهیه و رایگان در اختیار آنان قرار می دهد. (۱)

قطر

وزارت اوقاف و امور اسلامی قطر نسخه هایی از قرآن به خط بریل را در مساجد این کشور توزیع می کند.

به گزارش رحماء وزارت اوقاف و امور اسلامی قطر با همکاری اتحادیه مربوط به امور روشندان این کشور اقدام به چاپ ۱۰۰ نسخه از قرآن کریم به خط بریل کرده اند.

۶۰ نسخه از نسخه های چاپ شده برای استفاده روشندان در مساجد قطر توزیع می شود و بقیه نسخه ها فعلاً نزد وزارت اوقاف و امور اسلامی باقی می ماند.

دکتر غیث مبارک علی عمران الکواری، وزیر اوقاف و امور اسلامی قطر روز گذشته با دکتر خالد علی النعیمی، رئیس اتحادیه امور روشندان دیدار کرده و در این باره با یکدیگر گفتگو کردند.

بنابر گزارش پایگاه اطلاع رسانی گالف تایمز، در این دیدار دغدغه های این دو سازمان برای رعایت حقوق نابینایان در تمام امور که در اعلامیه ها و توافق های بین المللی نیز به آنها اشاره شده است به بحث و بررسی گذاشته شد.

اتحادیه امور روشندان در سال ۲۰۰۷ میلادی از سوی چند مؤسسه عربی در دوحه قطر تأسیس شد.

کویت

کویت سایر کشورهای دیگر را برای بزرگداشت روز جهانی خط بریل فراخواند. این کشور بزرگترین چاپخانه کتاب های بریل را در اختیار دارد.

به گزارش بحر نیوز به نقل از خبرگزاری کونا، کویت کشورهای جهان را برای بزرگداشت روز جهانی خط بریل که راه علم، معرفت و خواندن را برای هزاران نابینا هموار ساخته است و بر حروف برجسته استوار است، فراخواند.

۴ ژانویه سالروز میلاد لویی بریل مخترع فرانسوی خط بریل است که در سال ۱۸۰۹ میلادی متولد شد و انقلابی را در زندگی نابینایان و کم بینایان ایجاد کرد تا از طریق خطوط برجسته بتوانند بخوانند و بنویسند.

صنیتان المطیری رئیس انجمن نابینایان کویت تأکید کرد: امروز این انجمن همزمان با سالروز تولد لویی بریل کارگاه ها و فعالیت های متنوعی را به منظور بالا بردن آگاهی سطوح مختلف جامعه درباره حقوق نابینایان و میزان استفاده از خط بریل در آموزش آنان برگزار می کند.

وی در ادامه افزود: اختراع خط بریل در برآوردن نیازهای نابینایان برای خواندن و دانش اندوزی نه تنها سهم زیادی داشته است بلکه آنها امروز مانند سایر افراد قادر به خواندن و نوشتن هستند اما با روش متفاوت.

مطیری خاطر نشان کرد: این انجمن به آموزش توجه زیادی داشته است از این رو چاپخانه ویژه ای را مخصوص چاپ کتاب های بریل راه اندازی کرده است که در منطقه خاورمیانه بزرگترین چاپخانه به شمار می آید و نابینایان و اعضای این انجمن به ویژه محصلان و دانشجویان از آن بهره های زیادی می برند. در حال حاضر بسیاری از کتاب های فرهنگی در کویت به خط بریل چاپ شده اند و در سرتاسر این کشور منتشر شده اند. کویت نیز در چاپ قرآن و توزیع آن پیشتاز بوده است.

بنابر آمار یونسکو، ۱۲ میلیون انسان در سراسر جهان نابینا هستند که متأسفانه تنها حدود ۵ درصد آنها با خط بریل آشنایی دارند. بیش از ۱۸۰ سال از اختراع خط بریل می گذرد، ولی هنوز عده زیادی هستند که خط نابینایان را بین المللی تصور می کنند.

لیبی

چاپ قرآن کریم با خط بریل در لیبی: قرآن کریم با خط بریل به همت انجمن نابینایان منطقه «بنغازی» برای نخستین بار در لیبی چاپ و منتشر شد. گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به نقل از پایگاه اطلاع رسانی اخبار لیبی، نوشتن این قرآن جدید در فوریه سال ۲۰۰۳ میلادی آغاز شد و مسئولان اجرایی سرانجام پس از چهار سال و در اوایل ماه سپتامبر جاری موفق به اتمام این اثر ارزشمند دینی شدند. در همین راستا و همزمان با چهل و هفتمین سال تأسیس انجمن نابینایان منطقه بنغازی لیبی، جشن بزرگی با حضور شماری از مسئولان انجمن عمومی اوقاف لیبی و انجمن نابینایان منطقه بنغازی و همچنین گروهی از حافظان قرآن کریم در مقر این انجمن برگزار شد. در این مراسم پس از تلاوت آیاتی از قرآن کریم، رئیس انجمن انتشارات قرآن کریم به خط بریل در این باره گفت: گروه های مختلفی همچون وزارت اوقاف با نظارت مستقیم انتشارات این انجمن، در چاپ این نسخه قرآنی مشارکت داشته اند. یادآوری می شود در پایان این جشن، تقدیرنامه های ویژه ای به منظور قدردانی از انجمن های نظارت و بررسی چاپ و نشر قرآن کریم به مسئولان اهدا شد.

مالزی

مالزی: در این کشور چند مؤسسه در زمینه قرآن بریل فعالیت می کنند. اولین بار در سال ۱۹۵۲م خط بریل توسط انگلستان وارد سرزمین مالزی شد. در آن زمان مالزی مستعمره انگلستان بود. در سال ۱۹۹۹م جمعیه المکفوفین (انجمن نابینایان) در مالزی تشکیل شد و مسلمانان اولین قرآن به خط مالزی را در همین انجمن منتشر کردند. اما این قرآن ضوابط تجوید و رسم الخط را به درستی

رعایت نکرده بودند تا اینکه سازمان شئون اسلامی مالزی (Jakim) با همکاری دانشگاه علوم اسلامی مالزی، ابتدا مبانی و قواعد بریل عربی را سامان دهی کرد سپس قرآن بریل بدون خط بر اساس قرآن با رسم الخط عثمان طه منتشر کرد.

اخیراً یعنی در سال ۲۰۱۳م، سازمان شئون اسلامی با همکاری دانشگاه ملی مالزی (Ukm) درصدد برآمدند بریل را با اینترنت و کامپیوتر گسترش دهند و به اشتراک گذاری را در تمامی مالزی اجرا کنند.

انجمن بریل مالزی **Persatuan Braille Malaysia** یکی از فعال ترین آنها است. این انجمن در همایش قرآن بریل ترکیه (۲۰۱۳ - استانبول) شرکت داشت. اخیراً صفحه ای در فیسبوک به زبان انگلیسی به نام پروژه قرآن بریل گشوده و از اعضاء و افرادی که عضو این صفحه می شوند، خواستار ارائه دیدگاه ها و نظرات درباره این پروژه شده است. دیگر اقدامات این انجمن عبارت اند از:

۱- ایجاد جریانی به نام خدمات نشر بریل **Publishing Services Braille**؛

به منظور مدرن و فعال کردن نشر بریل در همه عرصه ها از جمله قرآن کریم؛ خواستار استفاده از تکنولوژی ارتباطات مثل اینترنت در بریل شده است.

۲- این انجمن در سال ۲۰۰۶م همه دوستداران بریل را در مالزی گرد هم آورد و اتحادیه ناشران بریل مالزی را راه انداخت. نام آن به انگلیسی چنین است: **Braille Publishing Unit (BPU)**

این اتحادیه یکی از اعضاء اتحادیه بین المللی قرآن های بریل است.

اتحادیه ناشران بریل مالزی **Braille Publishing Unit** با اسم اختصاری **BPU** در سال ۲۰۰۶ تأسیس شد. هدفش چاپ و نشر قرآن و کتب مورد نیاز نابینایان مالزی به خط بریل و نشر منابع آموزشی و مورد نیاز آنان است. یکی از خدمات مهم این مؤسسه برگردان نقشه ها، کتاب های راهنما و همگانی به بریل است.

این اتحادیه در فیسبوک صفحه ای به زبان انگلیسی به نام «پروژه قرآن بریل» ایجاد کرده و از اعضاء و افرادی که عضو این صفحه شوند، خواستار ارائه دیدگاه و نظر درباره این پروژه شده است.

مراکش

وزارت اوقاف و امور اسلامی مغرب به مناسبت ماه مبارک رمضان، نسخه هایی از قرآن کریم به خط بریل را در میان مساجد این کشور توزیع می کند.

به نقل از پایگاه اطلاع رسانی «محیط»، انجمن حمایت از نابینایان مغرب با همکاری وزارت اوقاف و امور اسلامی مغرب، ۶۲ هزار نسخه از قرآن کریم به خط بریل و با رسم الخط عثمانی چاپ کرده که توزیع این نسخه های قرآنی از نخستین روزهای ماه مبارک رمضان در مساجد مغرب آغاز شده است.

با توجه به ویژگی های نگارش قرآن به خط بریل که حجم بیشتری را نسبت به قرآن های معمولی می طلبد، هر نسخه قرآن به خط بریل در شش جلد منتشر شده که در هر جلد، ۱۰ حزب از قرآن کریم گنجانده شده است.

ص: ۲۲۹

همچنین، وزارت اوقاف و امور اسلامی مغرب شماری از مبلغان، قاریان قرآن، وعاظ و ائمه مساجد این کشور را به مناسبت ماه مبارک رمضان و با هدف ارشاد و آگاهی بخشی به اقلیت مسلمان مغرب و محافظت از آنان در برابر جریان های انحرافی به کشورهای اروپایی اعزام کرد.

مصر

مصر در زمینه کتب قرآن به ویژه قرآن بریل علاوه بر تقدم بر دیگر کشورهای اسلامی، پیشرفت های قابل توجه داشته و لازم است دستاوردهای مصر مطالعه و به عنوان الگو به دیگر کشورهای اسلامی توصیه گردد. خط بریل در جهان عرب به نام های خط بارزه، خط نافره و خط نقطیه مشهور است. اولین کتاب به خط بریل در ۱۸۲۹م منتشر شد. و در ۱۸۵۸م انتشارات آمریکایی برای نابینایان American printing house for Blind تأسیس شد.

سازمان یونسکو جمعیت جهانی برای ایجاد نظام بریل در جهان world Braille Council ایجاد کرد. و یونسکو کشورهای مختلف را وادار کرد تا برای نابینایان تشکیلاتی در چاپ و نشر آموزش بریل راه اندازی کنند.

دارالایتمامی را سوریه در قدس تأسیس کرد که نابینایان را هم اداره می کرد و جمعیه المکفوفین العرب در سال ۱۹۲۱م را تأسیس کرد و این مؤسسه برای اولین بار کتاب بریل را منتشر کرد. اما آموزش و پرورش ویژه آسیب مندان و به اصطلاح استثنایی از زمان الخدیوی اسماعیل آغاز شد. در این زمان دوریک رئیس مدارس شد و در سال ۱۸۷۴م مدرسه ویژه ناشنویان و نابینایان ایجاد کرد. سپس در سال ۱۸۸۰ مدرسه ای برای معلولین با یکصد دانش آموز پسر و دختر ایجاد کرد. اسم آن را مدرسه العمیان و الخرس نهاد. این مدارس به سرعت در مصر و دیگر کشورها گسترش یافت و زمینه ای شد برای تولید کتاب بریل به عنوان متن آموزشی و درسی برای دانش آموزان و در نیمه اول قرن بیستم میلادی و تولید کتب بریل به اوج رسید. و در ۱۹۵۲م مرکزی به نام «المركز النموذجي لرعاية و توجیه المکفوفین» به موجب معاهده بین حکومت مصر و سازمان ملل متحد در آن زمان تأسیس شد و کارش رسیدگی به نابینایان و تألیف و نشر کتب درسی برای آنان بود. از جمله باید کتب بریل را در تیراژ زیاد تولید می کردند. این مرکز هنوز فعال است و چاپخانه پیشرفته بریل دارد و سالانه حجم بسیاری کتاب بریل تولید و در مصر پخش می کند.

مهم تر اینکه دانشگاه قاهره، بخش کتابخانه و اطلاع رسانی موظف شد تا تحقیق جامعی درباره همه ابعاد کتاب بریل و کارآیی آن در مصر انجام دهد. این تحقیق انجام شد و منتشر گردید و صنف ها و قوت های این صنعت را نشان داده است و موجب تحولات بسیار در مصر گردید. (۱) چنین تحقیقی جایش در ایران و در بسیاری از کشورهای اسلامی خالی است. از ۱۹۱۸م سه مرکز در سه نقطه مهم جهان اسلام برای پیگیری امور نابینایان شکل گرفت و طی نشست هایی به فکر ایجاد همسان سازی و رویه واحد افتادند. این سه مرکز عبارت بودند از:

جمعیه المکفوفین العرب (فلسطین ۱۹۳۷)

١- . الكتب المطبوعه بطريقه - برايل فى مصر، ص ١-٥.

این سه مرکز نقش بی بدیل در توسعه بریل در جهان اسلام داشتند.

آمارها: به چند روش تعداد نابینایان و کم بینایان شدید مصر به دست آمده و آمار آنها از ۳۰۰ تا ۸۰۰ هزار نفر برآورد شده اند. (۱)

در مصر اکثر دانشگاه ها و دانشگاه های مثل جامعه القاهره، جامعه عین شمس، جامعه حلوان و جامعه اسکندریه و همچنین چند مرکز مهم مثل مرکز النموذجي لرعايه و توجيه المكفوفين، جمعیه شمس البر لرعايه الفئات الخاصه، دارالعلم جمع و شرکه کمیو بریل به آموزش و تولید کتب بریل و قرآن بریل مشغول هستند. یک گزارش مربوط به ۱۹۹۴م می گوید در مصر ۲۲۸ خیریه فعالیت دارد که ۲۵ خیریه ویژه نابینایان است که در ده استان شعبه دارند و اینان متصدی بریل هم هستند. (۲)

یکی از ویژگی ناشران بریل این است که محصولات بریل را با قیمت بسیار نازل در اختیار مشتری قرار می دهند. به ویژه قرآن بریل را بسیار با قیمت پایین می فروشند. راه کار آنان این است که هر کتاب را موظف اند به صورت معمولی و هم بریل چاپ کنند و سود خود را در بخش چاپ معمولی (بینایی) به دست می آورند.

آمار کتاب هایی که در رده کتب درسی، کتب کودکان، کتاب های علمی مثل ادبی و تاریخی در هر سال توسط ناشران مزبور چاپ و منتشره می شود به صدها عنوان می رسد. فقط دارالعلم للجمعیه که ناشری است که هم کتاب گویا و هم بریل برای نابینایان تولید می کند در سال ۲۰۰۴-۲۰۰۵، ۱۳۰ عنوان کتاب بریل کرده است.

در مصر چهل ناشر بریل در سال ۲۰۰۵ فعال بوده است که برای کشورهای اسلامی کار می کنند و آثار بریل تولید می کنند و درآمد خوبی هم دارند. نیز قرآن بریل برای همه کشورها تولید و ارسال می کنند.

فعالیت های پژوهشی: (۳) به منظور ارتقای فرهنگ و فناوری بریل، اقدامات دیگر هم در مصر انجام شده و صرفاً کتب بریل نشده است. این اقدامات شامل تحقیقات درباره بریل، نیازها، آسیب شناسی و مشکلات، راه کارشناسی برای حل مشکلات، دستاوردها و تجارب جهان پیشرفته و چگونگی انتقال آنها به مصر و بومی سازی آنها اهمیت دارد و بسیار در پیشبرد بریل و توسعه فناوری بریل تأثیر داشته است. در واقع بیشترین حجم کتاب و مقاله درباره بریل در مصر در کل جهان اسلام منتشر شده است.

چندین مأخذشناسی بریل به شیوه های مختلف انجام شده است. حداقل تأثیر این مأخذشناسی ها، راهنمایی کاربران برای اینکه چه آثاری را بریل کنند و چه آثاری را بریل نکنند.

۱- . همان، ص ۸.

۲- . همان، ص ۹-۱۱.

۳- . همان، ص ۲۰.

ارزش این گونه تحقیقات وقتی فهمیده می‌شد که بدانیم در کشوری مثل ایران هیچ آمار و تحلیل و گزارشی نسبت به وضعیت بریل وجود نداریم. نمی‌دانیم چه ناشرانی هستند و سالانه چه مقدار تولید می‌کنند و نیاز واقعی چه مقدار است؟ شیوه‌هایی که تاکنون اجرا شده، چه اندازه سودمند بوده است؟ چه مشکلات و آسیب‌هایی هست؟ برای رفع آنها چکار باید انجام داد؟

به هر حال بسیاری از کشورهای اسلامی مثل ایران، ناشرانی هستند که در عرصه بریل فعال هستند و سالانه چندین عنوان کتاب بریل منتشر می‌کنند، همچنین قرآن بریل منتشر می‌کنند، ولی هیچ اقدامی برای شناسایی بهتر کارشناسان انجام نیافته و هیچ تحقیقی در این باره منتشر نشده است. مراکزی که به چاپ و نشر کتب بریل مشغول اند فقط وظیفه خود نشر چند عنوان کتاب بریل می‌دانند و بس. به همین دلیل نتوانسته‌اند حتی در چاپ و نشر هم پیشرفت جدی داشته باشند. به عنوان نمونه یک آمار نشان می‌دهد در مصر در سال ۱۹۹۵، ۶۲۰۰ عنوان کتاب بریل منتشر شده است. (۱) بسیاری از اینها به دیگر کشورها صادر و به فروش رفته است. ولی در ایران در همین سال (یعنی سال ۱۹۹۵ م/ ۱۳۷۴ ش) بیش از دویست عنوان نداریم. در زمینه قرآن کریم بریل هم مصر قرآن‌های بسیار نفیس و زیبا و مستحکم به بریل منتشر کرده است که عناوین آن بسیار است ولی در ایران بیش از ده نوع قرآن بریل منتشر نشده است.

پیامدها: گسترش چاپ و نشر بریل موجب شده جهل و بی‌سوادی در جامعه نایبایی از بین برود یا کم شود. و نایبانیان بتوانند در زمینه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی فعال شده و مستقلاً زندگی با رفاه و مطلوب داشته باشند. از این رو بار زندگی آنها بر روی بودجه عمومی و دولت و بیت‌المال کاهش یافته است.

از طرف دیگر نایبانیان بتوانند در مشاغل مختلف فعال شده و با صدور نیروی انسانی به کشورهای مختلف، اشتغال و کسب درآمد داشته باشند. مثلاً به عنوان قاری یا معلم قرآن یا پژوهشگر قرآنی به کشورهای متمول خلیج فارس رفته و با کسب درآمدهای عالی همراه خود ارز فراوان وارد مصر می‌کنند.

تأثیر و پیامد دیگر گسترش فرهنگ بریل در مصر این است که از نظر روانی نایبانیان به سلامتی صحت نفس رسیده‌اند. به طوری که مشکلات روانی و روحی نایبانیان مصر کمتر از جاهای دیگر است.

کتابخانه اسکندریه: کتابخانه اسکندریه مصر در جریان طرحی با عنوان «کتابخانه کتاب‌های عربی برای نایبانیان» نسخه‌ای از قرآن را برای نایبانیان که همزمان قرآن را می‌خوانند، تولید کرد.

لمیاء عبدالفتاح رئیس گروه کتاب در کتابخانه اسکندریه گفت: «کتابخانه طه حسین از کتابخانه‌های زیر مجموعه کتابخانه اسکندریه توانست برای اولین بار بر اساس استانداردهای جهانی دیجیتال این محصول را تولید کند».

این محصول برای اولین بار به نایبانیان اجازه می‌دهد قرآن را بشنوند و به صورت بریل بخوانند.

این محصول هم اکنون برای بازدیدکنندگان از این کتابخانه قابل دسترسی است تا این که در آینده به خارج از این کتابخانه عرضه شود.

کتابخانه طه حسین تا کنون ۳۵ کتاب را از این طریق برای استفاده نابینایان تهیه کرده است.

قرآن بریل: نخستین قرآن بریل در ۱۳۷۲ق/ ۱۹۵۲م در مصر و اردن چاپ و منتشر شد. علمای الازهر بر چاپ قرآن اول نظارت داشتند. ولی بین علمای الازهر و مرکز النموذجی لرعایه المكفوفین که متصدی چاپ و نشر قرآن بریل بود به هنگام چاپ مرحله دوم قرآن بریل اختلاف افتاد و به مدت پانزده سال چاپ و نشر قرآن بریل در مصر متوقف ماند.

المرکز النموذجی لرعایه المكفوفین تابع وزاره الشؤون الاجتماعیه المصریه بود مسئولین این مرکز معتقد بودند اشکالات علمای الازهر بی جهت است و زیر بار اصلاح و اعمال نظریات آنها نمی رفتند بالاخره بعد از ۱۵ سال بین آنان توافق شد و قرآن دوم بریل در مصر در سال ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۵م با نظارت شش تن از علمای الازهر منتشر گردید. (۱)

در مقدمه چاپ دوم قرآن بریل مصر آمده که این چاپ مبتنی بر روش املائی قرآن است که بر فتاوی فقهای اهل سنت اتکاء دارد. فتاوی جواز کتابت قرآن کریم به روش املائی در کتب الاتقان سیوطی، المناهل زرقانی و البرهان زرکشی آمده است.

اما چاپ قرآن بریل در اردن زیر نظر المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه فی القدس انجام شد. البته عالمان مصری و اردنی ملتزم بودند که بر اساس رسم املائی انجام دهند و از رسم املاء تخلف نکنند. اما از نظر فنی بین قرآن چاپ اردن و قرآن چاپ مصر اختلافی هست که موسی آن را این گونه توضیح می دهد:

و تختلف الطبعة الأردنية عن الطبعة المصرية في طريقه الضبط و التشكيل إذ اصطلح على التشكيل في الطبعة المصرية على أن يكون الضبط في سطر فوق سطر الحروف و مواز له و لا يرجع القارئ للتشكيل إلا عند الحاجة، و مثل هذه الطريقة تناسب من لديه معرفه و خلفيه جيده بالقرآن الكريم و تلاوته، أما الطريقة الأردنية فتضع التشكيل بعد الحرف مباشرة ما عدا الشده التي تسبق الحرف، و هذه الطريقة تناسب الطلاب و المبتدئين الذين ليست لديهم خلفيه جيده بالقرآن الكريم. (۲)

قرآن بریل نیز در تونس در سال ۱۳۹۸ق/ ۱۹۷۸م با الگو گیری از قرآن بریل اردن منتشر شد. این قرآن ملتزم به رسم عثمانی نیست و متکی بر روایت قالون است. موسی از کارشناسان قرآن بریل درباره قرآن بریل تونس چنین نوشته است:

قد صدرت طبعه للقرآن الكريم بخط برایل في تونس في حدود عام ۱۳۹۸هـ- الموافق ۱۹۷۸م واتبعت هذه الطبعة في تشكيلها الطريقة الأردنية و لم تلتزم هذه الطبعة بالرسم العثماني، كما أنها كتبت وفق رواية قالون، الأمر الذي حد بوزاره المعارف أن تستفي سماحه الشيخ ابن باز عن مدى إمكان تطبيق هذا المصحف المكتوب بروايه قالون على طلبه معاهد النور بالمملكة، فأفتى سماحته

١- . جهود المملكة العربية السعودية، ص ٦.

٢- . همان، ص ٧

بأن الواجب أن يدرس معاهد النور بالمملكة بروايه حفص، و دعا إلى عدم تطبيق روايه قالون لما يترتب عليها من اختلاف. (1)

اما قرآن بریل در عربستان از وقتی فهد بن عبدالعزيز وزير معارف شد، تلاش های مهمی در زمینه قرآن بریل و کلاً امور معلولین انجام یافت. او در سال ۱۳۷۸ق مدرسه جبره وابسته به وزارت المعارف را در ریاض دایر کرد. این مدرسه پایگاه تعلیم و تربیت نابینایان بر اساس خط بریل بود. وزیر معارف برای این مدرسه امکانات و منابع مالی قابل توجه قرار داد. در این مدرسه اولین مرکز ویژه برای نابینایان را به نام «معهد النور بالریاض» را در سال ۱۳۷۹ق/۱۹۶۰م دایر شد. اولین قرآن بریل توسط وزارت معارف عربستان سعودی در ۱۴۰۶ق منتشر گردید. این وزارتخانه، دفتر ویژه امور نابینایان به نام المكتب الاقليمي لشؤون المكفوفين را راه اندازی کرد و این دفتر متصدی امور چاپ و نشر بریل گردید. بعداً این دفتر یعنی المكتب الاقليمي به مطابع خادم الحرمين تغییر یافت.

اما قرآن نخست عربستان با الگو گیری از قرآن بریل چاپ اردن، و نیز فتوای عبدالعزيز بن باز منتشر گردید. بن باز در ۱۴۰۴ق در فتوایی نوشته است:

افیکم بأن الواجب ان يعلم طلاب معاهد النور القرآن الکریم بالحروف البارزه علی قراءه حفص المستعمله فی هذه البلاد. (2)

از سال ۱۴۱۲ق وزارت معارف دستور داد چاپخانه دفتر ویژه نابینایان (مطابع المركز الاقليمي) ارتقا و توسعه یابد و به مطابع خادم الحرمين الشريفين لطباعه القرآن الکریم بطریقه البرایل تغییر نام پیدا کند. و مطابع خادم الحرمين زیر نظر الامانه العامه لتربيه الخاصه بوزاره المعارف قرار گرفت. سازمان آموزش استثنایی (الامانه العامه لتربيه الخاصه) و مطابع خادم الحرمين مسئولیت چاپ و نشر قرآن بریل را در همه جهان رایگان بر عهده گرفتند. و حکومت عربستان اموال و امکانات بسیاری در اختیار این ادارات قرار داد. (3)

هدف این بود که نابینایان در امور دینی و به ویژه قرآن رشد یافته و در مسیر تبلیغ دینی از آنها استفاده گردد. این پروژه و این خط مشی در دهه های اخیر در عربستان و دیگر کشورهای تابع عربستان اجرا می شود. (4) البته علاوه بر چاپ و نشر قرآن به خط بریل، مجله ماهانه الفجر به خط بریل راه اندازی شد. همچنین سیستم های کامپیوتری پیشرفته در استفاده بهتر و بیشتر خط بریل در مدارس، کتابخانه ها و مراکز معلولین و نابینایان مستقر نمودند. (5)

ص: ۲۳۴

۱- همان.

۲- همان، ص ۸-۹.

۳- همان، ص ۹-۱۰.

۴- همان، ص ۱۰.

۵- همان.

سازمان الامان زنان نابینا The AlAman organization for Blind woman گویا بخشی از سازمان یمنی قرآن بریل Braille Quran organization Yemeni است. این مرکز در تأمین نیازهای آثار دینی و اسلامی به ویژه قرآن بریل بسیار فعال بوده است. و دارای تشکیلات گسترده علمی، پژوهشی، آموزشی و انتشاراتی می باشد. گزارشی از این مرکز در مقاله اطلاعاتی درباره قرآن های بریل در جهان آمده است. این مقاله در کتاب مجموعه مقالات، دفتر یکم درج شده است.

نسخه هایی از قرآن کریم با خط بریل با همکاری مؤسسه «آل نهیان» امارات میان روشندان یمنی در «صنعاء»، پایتخت این کشور توزیع شد.

به گزارش مرکز خبر و اطلاع رسانی جامعه المصطفی، به نقل از روزنامه «دار الخلیج» چاپ امارات، مؤسسه «آل نهیان» امارات بیش از ۲۴۰ نسخه کتاب در یمن توزیع کرد که ۴۰ نسخه از آن قرآن کریم به خط بریل بود. این قرآن ها میان دانش آموزان روشندان مرکز دولتی «النور» وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی یمن در صنعاء توزیع شد.

جمیل الحمیری، مدیر مرکز النور در مراسم توزیع این قرآن ها ابراز امیدواری کرد که با توجه به نیاز دانش آموزان روشندان به آثار مکتوب فرهنگی و اجتماعی به خط بریل، بخش آموزشی و فرهنگی این مرکز از حمایت های مؤسسات و هیئت های مختلف خیریه و بشر دوستانه برخوردار شود. (۱)

دیگر نقاط جهان اسلام

قرآن بریل و کلاً استفاده از خط بریل برای گسترش مهارت خواندن و نوشتن نابینایان در همه کشورهای اسلامی و حتی در اروپا و آمریکا توسط مسلمانان مقیم، جریان دارد. این مجله به پژوهشگرانی مأموریت داده تا تمامی کشورها را جستجو کنند، اسناد و مدارک را گردآوری نموده و گزارش جامع و کاملی تدوین نمایند. از این رو اگر شما خواننده این نشریه اطلاعات و خبر یا عکس و سندی در این باره دارند ما را بی نصیب نگذارند و حتماً برای ما ارسال کنند.

ص: ۲۳۵

۱- . خبرگزاری ایکننا، تیرماه ۱۳۸۹؛ سایت جامعه المصطفی، چهارشنبه ۱۲ مرداد ۱۳۹۰؛ سایت کتابخانه اسکندریه؛ سایت

اشاره

مؤسسه‌هایی مثل پرکینز و بخش بریل کتابخانه کنگره آمریکا در گسترش خط بریل در جهان اسلام و به تبع آن قرآن بریل مؤثر بوده‌اند. ممکن است این تأثیر مستقیم نباشد ولی حتماً غیر مستقیم تأثیر گذاشته است. نخبگان جهان اسلام با تجربه آموزی و فراگیری فناوری و انتقال این تجارب به کشورهای اسلامی موجب پیشرفت بریل شدند. البته ارائه گزارش از همه پیشرفت‌ها و تجارب غرب کاری بس دشوار است، در این فصل فقط چند مورد به عنوان نمونه آمده است.

البته لازم است، همه فرصت‌ها و امکاناتی که در غرب وجود دارد و هر سال پیشرفته‌تر خواهد شد، باید توسط مسلمانان شناسایی و پس از بومی‌سازی مورد استفاده قرار گیرد. و نیز ضرورت دارد تحقیق مستقلی درباره پیشرفت‌ها و تجارب غرب انجام شود.

پرکینز

پرکینز نام مؤسسه و نیز نام مدرسه‌ای است این مؤسسه در زمینه اصلاح مشکلات متون بریل و ساخت دستگاه تایپ بریل فعالیت می‌کند. اما مدرسه نابینایان پرکینز، قدیمی‌ترین مدرسه ویژه نابینایان در آمریکا است. این مدرسه همچنین به عنوان «مؤسسه پرکینز» نیز شناخته می‌شود. این مدرسه در سال ۱۸۲۹ توسط دکتر جان دیکس فیشر با نام «آسایشگاه نابینایان نیوانگلند» تأسیس شد. دکتر جان فیشر پس از مدتی مدیریت آنجا را به دوست قدیمی خود ساموئل گریدلی‌هاو پیشنهاد کرد و با وجود این که هیچ دانش آموز و ساختمانی نداشت، ساموئل‌هاو پذیرفت.

از آنجا که هیچ مدرسه‌ای در آمریکا برای نابینایان وجود نداشت، ساموئل‌هاو به پیشنهاد متولیان مدرسه عازم سفر شد تا مدارس نابینایان در اروپا به ویژه مدرسه‌ای که در پاریس توسط والدین‌هاو احداث شده بود را بازدید کند و شاهد برنامه‌هایشان باشد و کمک‌های تحصیلی و اجرایی لازم را اخذ کند.

از مهم‌ترین افرادی که در این مدرسه تحت آموزش قرار گرفته‌اند هلن کلر است. او مدت زیادی را در مدرسه پرکینز، برای آموزش خط بریل گذراند. آن سالیوان نیز مدتی در این مدرسه تدریس می‌کرد. (۱)

مآخذشناسی متون بریل

اطلاعات منابع بریل و گویا در قالب کتابشناسی منتشر شده که شامل اطلاعات سودمندی است.

ص: ۲۳۷

مهم ترین آثار کتابشناسی عبارت اند از:

For younger readers, ۱۹۸۸-۱۹۸۹. Braille and Talking Books Library of congress – National Library Service for the Blind and Physically Handicapped- Washington L.C.N.L.S., ۱۹۸۹ ۲۷۳p

بخش خدمات نابینایان و معلولین جسمی در کتابخانه کنگره (LC). تمامی آثار بریل و گویا که بین ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ منتشر شده در این کتابشناسی آورده و معرفی کرده است. کتابخانه کنگره در سال ۱۸۹۷ سالن و بخش نابینایان را ایجاد کرد. این بخش تحولاتی داشته تا اینکه در سال ۱۹۷۸ به صورت کتابخانه کامل ولی وابسته به کتابخانه کنگره آمریکا تصویب شد و اسمش کتابخانه ملی خدمات نابینایان و معلولین جسمی شد. اسمش به عربی این گونه است:

المکتبه الوطنیه لخدمات المكفوفین و المعاقین بدنياً

کتابی با مشخصات زیر درباره این کتابخانه نوشته است:

خدمات المكتبات و المعلومات للمعوقین، کیث رایت وجودیث دیقی، ترجمه به عربی احمدعلی تمرآز، الریاض، جامعہ الامام محمد بن سعود الاسلامیه، ۱۹۹۷م.

این کتاب بسیار مهم است و شامل اطلاعات مهم درباره کتابخانه ها و مراکز اطلاع رسانی و پژوهشی در غرب و حتی در جهان اسلام است.

نیز برای افراد و ناشرانی که در تولید کتاب بریل مشارکت داشته اند، البته بر اساس اطلاعات کتب موجود در کتابخانه کنگره آمریکا راهنمایی تألیف شده است. مشخصات این اثر چنین است:

Sources of customprodced books: Braille, Audio Recordings and large print/library of congress, National library service for the blind and physically handicapped.- Washington: L.C.N.L.S., ۲۰۰۱. ۱۰۷p

اطلاعات این کتاب در سایت زیر هم آمده است:

<http://www.loc.gov/nls/reference/directories.html>

این کتاب درباره کتابخانه کنگره و جایگاه بخش نابینایی این کتابخانه است و به تجزیه و تحلیل اطلاعات ده هزار کتاب بریل موجود در مخزن این کتابخانه می پردازد. یعنی تا بهار ۱۹۹۵ ده هزار عنوان کتاب بریل به بخش نابینایی کتابخانه کنگره واصل شده است. (۱)

مرکزی در واشنگتن هست که ماهانه همه آثار بریل کودکان و نوجوانان را در قالب مجله اطلاع رسانی می کند: اسم این مجله این گونه است: **The National Braille Press**

درباره این اقدام مقاله ای با مشخصات زیر منتشر شده است:

Croft,– DianeL. Childrens Braille Book– of– the– month clup. Hom Book Magazine. V.۵۹,
n.۶ (Dec.۱۹۸۳).– p۷۵۲

ص: ۲۳۸

۱- . الکتب المطبوعه بطریقه برایل فی مصر، ص ۶-۸.

با درس آموزی مجله نابینایان و کم بینایان توسط آموزش استثنایی کویت منتشر می شده است. در یک شماره آن مقالات مهم بریل یا درباره بریل معرفی شده است.

ALMater, O. A.; AlQtabi, AS; Darwish, HQ; AlGharair, N.A, "Abilingnal Braille BookPrinting system in kwait" Journal of visual impairment Blindness. V.۹, n۶ (nov-Dec. ۱۹۹۷).- P ۵۶۴-۵۷۰.

بریل پژوهی

مجموعه مقالاتی درباره نقش و جایگاه کتابخانه ها در گسترش فرهنگ و کتاب بریل منتشر شده است:

NLS Publishes ۱۰.۰۰۰ Braille Book.- library of congress information bulletin. V.۵۴ (may ۱۹۹۵).- p ۱۹۷

تحقیقات درباره ابعاد خط بریل و تأثیر آن، نقش اساسی در جامعه و فرهنگ می تواند داشته باشد. متأسفانه در ایران چنین پژوهش هایی بسیار اندک است. لازم است از چنین پروژه هایی درس آموزی شود و تحقیقات جدید و مؤثر در ایران انجام گیرد.

نتیجه گیری

منابع و مراکز مزبور هر چند در گذشته در تولیدات بریل مؤثر بوده اند. اما مهم تر اخذ ایده و تجربه از آنها است برای اینکه بتوانیم تولید متون بریل به ویژه قرآن بریل را به بهترین روش ممکن اجرا کنیم.

بعضی مدیران مرکز فکر می کنند صرف تبدیل متون کاغذی به بریل کافی است در صورتی که چنین است و نیاز به تحقیقات و انواع اقدامات دیگر هست تا در رقابت ها و پیشرفت ها عقب نمانیم. اما کارهایی لازم است اجرا کنیم و روی آنها مایه گذاری گردد عبارت اند از:

۱- برگزاری همایش ها و جلسات هم اندیشی

۲- تولید و نشر نشریات تحلیلی و کتابگزار

۳- اجرای تحقیقات میدانی درباره متون بریل به ویژه قرآن بریل

۴- تأسیس مراکز با رویکرد فناوری جدید برای پویا و فعال سازی بریل

۵- ایجاد شبکه هایی مثل دیزی در مورد قرآن بریل

۶- گسترش آموزش

ص: ۲۳۹

در دهه های اخیر فعالیت هایی در جهان اسلام شکل گرفته که رویکرد آنها اشتراک مساعی همگانی و مشارکت کشورهای مختلف در پژوهش و چاپ و نشر قرآن بریل کرد. کشورهایی که سابقه فعالیت بیشتر در این حوزه دارند درصدد یادگیری اند، از این رو مواضع خود را در قالب اطلاع رسانی به دیگران منتقل می نمایند. یا با تشکیل نشست و همایش درصدد یاریگری و گسترش مواضع خود می باشند. اقداماتی که در این حوزه انجام یافته را در این فصل عرضه می کنیم.

کنفرانس بین المللی قرآن های بریل

کنفرانس بین المللی قرآن های بریل از روز یکشنبه پانزدهم بهمن ماه ۱۳۹۱ فوریه (۲۰۱۳) در شهر استانبول ترکیه آغاز و تا روز شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۹۱ (۹ فوریه) ادامه داشت.

در این کنفرانس هیئت هایی از طرف مؤسسات قرآنی نایبانیان کشورهای اندونزی، مالزی، تایلند، هندوستان، پاکستان، آفریقای جنوبی، انگلستان، عربستان سعودی، مصر، اردن، یمن، فلسطین، ترکیه و جمهوری اسلامی ایران شرکت داشتند و در مراسم افتتاحیه که با حضور مقامات و مسئولین ارشد کشور ترکیه برگزار شده بود شرکت کردند. موضوعاتی که در طول کنفرانس مورد بحث و بررسی قرار گرفت عبارتند از: حمایت از نایبانیان مسلمان کشورهای غیرمسلمان و فراهم کردن قرآن های بریل برای آنها؛ فراهم کردن امکانات چاپ قرآن و حدیث به خط بریل همراه با ترجمه به زبانهای مختلف؛ رویکرد آموزش قرآن بریل به نایبانیان به صورت حضوری و غیر حضوری؛ استفاده مؤثر و کارآمد از تکنولوژی و فن آوری اطلاعات در راستای خدمت به محصولات قرآنی بریل و ارزیابی فن آوری استفاده شده در این زمینه که در هر یک از مؤسسات ارائه شده است؛ رونویسی از یک نمونه نسخه الکترونیکی قرآن بریل و روش استفاده از نرم افزار رونویسی توسعه یافته؛ متحدالشکل کردن قرآن های بریل در تمام بلاد اسلامی؛ استاندارد کردن علامات قرآن های بریل؛ بررسی مسائل مربوط به مؤسسات.

در آخرین روز این کنفرانس قرار بر این شد که نام این سازمان بین المللی به اینگونه باشد:

سازمان بین المللی خدمات قرآن های بریل

The International Organization of Braille Quran Services

اما در جلسات نشست این نام با تغییر مختصر به صورت زیر شد:

اتحادیه بین المللی خدمات قرآن های بریل

The International Union of Braille Quran Services

و علامت اختصاری آن چنین تصویب شد: IBQS

قرار براین شده است که این سازمان به صورت غیردولتی و مستقل اداره شود. کمیته امور سازمانی دارای ۷ عضو می باشد که توسط مجمع عمومی انتخاب می شوند. وظایف این کمیته: ۱. تأسیس و

ص: ۲۴۱

راه اندازی ساختار و آموزش اینترنتی جهت آموزش قرآن به ناینیان ۲. توسعه فعالیت ها و برنامه بر حسب چشم انداز در دراز مدت ۳. اجرای مصوبات این کنفرانس ۴. راه اندازی سایت اینترنتی جهت استفاده ناینیان مسلمان به زبان های مختلف که مسائل زیر را پوشش دهد: - تحقیق و جستجو برای منابع این سایت - آموزش غیر حضوری قرآن به ناینیان - پی گیری مصوبات مسائل عمومی و تخصصی - اطلاع رسانی در زمینه فعالیت های مؤسسات تولید کننده قرآن های بریل - ایجاد یک ایمیل وب گزارش کمیته علامات و نشانه گذاری در قرآن های بریل جهت ناینیان.

قرار بر این شد که علامات و نشانه ها در قرآن های بریل به شکل متحدی در کشورهای جهان در آید. در حال حاضر تفاوت های زیادی در میان قرآن های بریل در کشورهای اسلامی وجود دارد که می تواند به نوبه خود در احکام تجوید و نحوه خواندن قرآن های بریل بروز پیدا کند. این مسأله تاکنون مشکلات متعددی را برای ناینیان کشورهای دیگر ایجاد کرده است زیرا زمانی که به کشورهای دیگر سفر می کنند با قرآن های دیگر کشورها آشنا نیستند و این مسأله در تلفظ و صحت قرائت مشکل ایجاد می کند. در حال حاضر در کشورهایی همچون پاکستان، مالزی و اندونزی از علامات و حرکات دیگری استفاده می شود تا باعث سهولت خواندن قرآن برای ناینیان این کشورها شود. در هر حال علامات و نشانه های قرآن های بریل در کشورهای عرب زبان با علاماتی که در کشورهای غیر عرب وجود دارد تفاوت دارد. از جمله مسائلی که در این کمیته مور بحث قرار گرفت نحوه علامات تجوید، تنوین و تشدید در قرآن های بریل بود در کشورهای مصر و یمن حرکات اعرابی و تنوین ها در بالای حروف قرار می گیرند تا سرعت قرائت را بهبود ببخشد ولی این امر می تواند حجم قرآن های بریل را بیشتر کند. در ادامه قرار بر این شد که در کشورهای غیر عرب حروف صدا دار در میان حروف نوشته شود. در این راستا قرار بر این شد که یک کمیته تخصصی ایجاد شود تا این امور را پی گیری کند مخصوصاً مسائلی که مربوط به ناینیان مسلمان در کشورهای غیر مسلمان است. از آنجا که این کمیته یک کمیته تخصصی می باشد ضروری است تا از هر کشور یک نماینده از مؤسسات تهیه قرآن های بریل در این کمیته حضور داشته باشد تا در نهایت مصوبات این کمیته به تصویب مجمع عمومی برسد. در نهایت قرار بر این شد که یک قرآن بریل به صورت واحد تهیه و تنظیم شود و در ابتدای آن مقدمه ای ذکر شود که مشتمل بر علامات تجوید و نشانه های بریل باشد.

قرار بر این شد تا این مؤسسه در کشور ترکیه به ثبت برسد که این مؤسسه دارای ۷ نفر هیئت مؤسس باشد که از طرف مجمع عمومی انتخاب شوند تا به نیابت از بقیه مؤسسات امور زیر را پی گیری کنند: راه اندازی ساختار و آموزش اینترنتی توسعه برنامه ها و اهداف بر حسب چشم انداز در درازمدت؛ اجرای تمام مصوبات کنفرانس.

همچنین مقرر شد که هر سه ماه یک بار مجله ای از فعالیت های سازمان بین المللی قرآن های بریل منتشر شود.

مؤسسات شرکت کننده:

۱. مؤسسه بیازای ترکیه

۲. مدرسه النور آفریقای جنوبی

۳. بنیاد رحمان هند

ص: ۲۴۲

۴. روضه المكفوفين اندونزی

۵. انجمن بریل مالزی

۶. انجمن مطبوعات بریل وابسته به حرمین شریفین عربستان سعودی

۷. بنیاد نابینایان پاکستان

۸. مرکز رودکی ایران تهران

۹. بنیاد فرهنگی قرآنی روشندان اصفهان

۱۰. مؤسسه نابینایان وابسته به دانشگاه شمس مصر قاهره

۱۱. مؤسسه الامان مخصوص زنان نابینا یمن

۱۲. جمعیت محافظت از قرآن کریم (شعبه زرقا اردن)

۱۳. انجمن متون اسلامی برای نابینایان کتابت بریتانیا

۱۴. سازمان اوقاف فلسطین

نام های مراکز مزبور به انگلیسی همراه با پرچم کشورهای آنها چنین است:

Beyazay Association of Turkey www.beyazay.org.tr –

Madrassa An Noor for the Blind (South Africa) www.mnblind.org –

Rahman Foundation (India) www.brailleindia.org –

Raudatul makfufin (Indonesia) makfufinonline.or.id –

Persatuan Braille Malaysia www.braillemalaysia.com –

(Custodian of the two Holy Mosques Braille Press (Saudi Arabia –

Pakistan Disabled Foundation www.pdf.org.pk –

(Roodaki Centre for the Blind (Iran –

(Special Needs Care Centre, Ain Shams University (Egypt –

AlAmaan Organisation for Blind Women (Yemen) www.ellaman.org –

Conservation Society of the Holy Quran (Jordan) www.hoffaz.org –

Islamic Texts for the Blind– Kitaba (UK) www.kitaba.org –

(AWQAF delegations (Palestine –

سایت: پایگاه اطلاع رسانی همایش در شبکه جهانی اینترنت ابتدا با آدرس www.IOBQS.org فعال بود. اما اکنون آدرس www.Braillequran.org نیز اضافه شده است و هر دو آدرس برای سایت همایش است.

دومین همایش: اتحادیه سال بعد یعنی در ۲۶ تا ۲۸ ژانویه ۲۰۱۴ (۴ تا ۶ مرداد ۱۳۹۳) در کوالالمپور مالزی برگزار شد و تلاش شد طرح ها و مصوبات جلسه گذشته بررسی و پی گیری شود.

همایش اول، فوریه ۲۰۱۳ (ترکیه)

ملاحظه: بدیهی است که چنین همایش هایی فرصتی تاریخی و مهم است و شرکت کنندگان باید از همه شرایط و اوقات آن بهره ببرند. اما وضعیت قرآن به خط بریل به گونه ای است که ضرورت دارد به این سرفصل ها پرداخته شود:

۱- لزوم همسان سازی و تصویب یک شیوه نامه شامل قواعد و علائم برای همه کشورها؛ ۲- تأسیس سامانه اینترنتی- کامپیوتری برای گسترش استفاده همگانی از قرآن بریل، از طریق ارسال به وسیله اینترنت و دریافت با کامپیوترهای شخصی در سراسر جهان؛ ۳- راه اندازی موزه آرشیو قرآن های بریل از ابتدا تاکنون؛ ۴- تألیف دایرهالمعارف بریل به چند زبان برای کل جهان اسلام.

از بین همه شرکت کنندگان، فقط نماینده عربستان سعودی طرح کرده و درباره آن توضیح داده است. با اینکه از ایران دو نماینده، از مرکز رودکی و بنیاد روشندان اصفهان با هزینه دولتی ارسال شده بودند ولی چندان نمود ملموسی نداشته و حداقل از آنان مطلبی ثبت و مخابره نشده است. (۱)

توسعه بریل

گسترش آموزش در جهان اسلام، افزایش نهادهای آموزشی و دانش آموزان و نیز توسعه متون آموزشی بریل به ویژه قرآن کریم، و بروز اشکالات فراوان و تشتت در کتابت خط بریل، موجب شد تا مدیران فرهنگی و نخبگان جوامع اسلامی برای رفع این مشکلات چاره اندیشی کنند. از این رو همایشی در شعبان ۱۴۲۶/ اکتبر ۲۰۰۳ در شهر ریاض پایتخت عربستان سعودی با عنوان «مؤتمر تطویر و توحید خط بریل العربی» برگزار شد. گزارش این همایش در کتابی با عنوان نظام بریل العربی المطور (ریاض، مطابع خادم الحرمین الشریفین، ۲۰۰۲م) چاپ شد.

مباحث مهمی که در این کتاب مورد بررسی قرار گرفته عبارت اند از:

ابتدا موارد و جاهایی مثل حروفی که نوشته می شود ولی خوانده نمی شود، و موجب تشتت در خط بریل شده است.

سپس به اختصارات در بریل چگونگی اجرای آن می پردازد. ریاضیات، شکل ها و رموز و اعداد و بیان آنها یا خط بریل از دشواری های این خط است که در یک فصل مستقلاً به آنها پرداخته است. در ادامه علوم طبیعی مثل فیزیک، شیمی و بیان مسائل این علوم با خط بریل صحبت و بررسی شده است.

پدیدآورندگان اثر تلاش کرده اند از آراء و نظرات کارشناسان در کشورهای مختلف استفاده کرده اند و به راه کار مطلوب در هر مورد رسیده اند. به دلیل اینکه در قرآن در تفاسیر قرآن کریم، نکات فراوان از علوم مختلف آمده، لازم است از رهیافت های مطرح شده در این کتاب استفاده شود.

سایت قرآن بریل

IBQS یا اتحادیه بین المللی خدمات قرآن های بریل نام تشکیلاتی است که برای اولین بار در ترکیه با تجمع و همایش تعدادی از مدیران مراکز نابینایی چند کشور مطرح شد.

این همایش در فوریه ۲۰۱۳ و ژانویه ۲۰۱۴ تشکیل شده و نمایندگان از ایران، یمن، عربستان، فلسطین، انگلستان، ترکیه، آفریقای جنوبی، هندوستان، اندونزی، مالزی، پاکستان، یمن، مصر و اردن حضور داشتند. نام انگلیسی این اتحادیه چنین است:

INTERNATIONAL UNION OF BRAILLE QURAN SERVICES (IBQS)

این اتحادیه سایتی با آدرس www.braillequran.org راه اندازی کرد تا بتواند خدمات بهتر و گسترده تر به نابینایان در زمینه قرآن بریل بدهد.

۱- . www.IOBQS.org؛ سیدمرتضی نیکزاد نماینده جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس بین المللی قرآن های بریل،
وب سایت بنیاد فرهنگی قرآن روشندان اصفهان.

سایتی به نام کتاب Kitaba به زبان انگلیسی روی اینترنت ایجاد شده که دارای امکانات پیشرفته برای سرویس دهی به نابینایان است. این سایت وابسته به اتحادیه بین المللی خدمات قرآن های بریل (IBQS) است و گویا هزینه های آن را مرکز نور که وابسته به عربستان سعودی است می دهد. آدرس این سایت این گونه است: www.Kitaba.org

هدفش ارتقای دانش اسلامی - قرآنی نابینایان جهان است. شامل بخش های آثار صوتی، آثار بریل، قرآن بریل و مقالات است. قرآن بریل به نام نورالقرآن روی آن در اختیار عموم است.

ویژگی های این کتاب این گونه است: (Noor UIQuran Braille Phmer (Qaaide)

متن عربی و توضیحاتی به زبان انگلیسی از طریق این برنامه در اختیار کاربران قرار می گیرد. این قرآن در سال ۲۰۱۳ آماده بهره برداری شد.

چند اثر قرآنی بریل دیگر در این سایت هست که تماماً توسط مراکز تولید عربستان آماده شده است. عجیب اینکه از ایران دو گروه از مؤسسه رودکی تهران و مؤسسه روشندان اصفهان هر سال در جلسات سالانه اتحادیه شرکت می کنند و گویا حق عضویت هم می دهند ولی هیچ تولیدی روی این سایت عرضه نکرده اند. اما ده ها اثر به صورت های مختلف بریل، گویایی، داستانی، تفسیری، آموزشی و غیره در این سایت از طریق نمایندگی عربستان سعودی روی سایت قرار گرفته است.

برایل عربی

به منظور هم اندیشی و ایجاد فهم و رویه واحد در خط بریل و همسان سازی این خط سایت اینترنتی برایل عربی با این آدرس از سال ۲۰۰۲م/۱۴۲۶ق در عربستان سعودی راه اندازی شد:

www.Arabic Braille. Org

این سایت همسان سازی رویه ها و ایجاد نظام واحد در خط قرآن کریم بریل را با جدیت پیگیری می کند.

شبکه الألوکه

چند مرکز نابینایی و اطلاع رسانی در عربستان سعودی شبکه بزرگی برای آموزش خط بریل و اطلاع رسانی و بالاخره ارتقای سطح دانش و اطلاعات نابینایان راه اندازی کرده است. اسم عربی آن «شبكة الألوکه» و آدرس آن در اینترنت این گونه است: www.alukah.net

آثار فراوانی روی این شبکه به منظور گسترش پژوهش یا آموزش هست، مثل این اثر: مبادئ طريقة برايل، عبدالرحمن بن عبدالعزيز الخليلج

اشاره

نابینایان برای اینکه پیشرفت کنند و زندگی مستقل داشته باشند به ناچار باید از وسایل استفاده کنند و مهارت کار کردن با این وسایل را فرا بگیرند. نابینایان با استفاده از فناوری می توانند قرآن را یاد بگیرند، حفظ کنند و در این زمینه به مدارج و مقامات عالی کشوری و جهانی برسند. اکنون در این فصل به فناوری های مرتبط به قرآن بریل می پردازیم.

نرم افزار کرزویل

برنامه ای است که متون چاپی انگلیسی، فرانسه، آلمانی، ایتالیایی، روسی و تعدادی زبان لاتین دیگر را برای افراد نابینا اسکن کرده، متن آنها را تشخیص داده و بنابر خواست کاربر، به صورت خط به خط، کلمه به کلمه یا حرف به حرف می خواند، همچنین می تواند به عنوان یک کارکرد اضافه، متن را خوانده و به mp3 تبدیل نماید. در این برنامه می توان از موتورهای سخنگوی دارای رابط استاندارد مانند موتورهای سخنگوی با کیفیت خیلی خوب، استفاده کرد.

این برنامه با اسکنرهای نسبتاً متفاوتی سازگار است. پایگاه اینترنتی شرکت سازنده به عنوان سازگارترین و بهترین موارد، اسکنرهای «Epson Scanner Perfection V100» و «Epson perfection 4490 with Automatic Document feeder=ADF» را معرفی کرده است که خوشبختانه هر دو مدل معرفی شده در ایران توسط گروه مادران تولید و دارای گارانتی و خدمات پس از فروش است.

نرم افزار کرزویل نرم افزار اسکن متداولی است که به کاربر با آسیب بینایی در خواندن مطالب چاپی یاری می رساند. سعی بر آن بوده که اشکال این نرم افزار رفع گردد ولی مشکل اساسی، خواندن منابعی است که از کیفیت بالایی در جداول، ستون و متن برخوردار نیستند و این موجبات دسترسی ناپذیری کاربر به متنی کاملاً قابل خواندن را افزون می کند. پیشرفت در بهبود بخشی این نرم افزار به کاربر کمک می کند تا به منابع متنی که بریل یا دیجیتال نیستند، دست یابد.

این اطمینان خاطر را به کاربران نابینا دهید که با پیشرفت های آتی و رفع نواقص این نرم افزارها، ایشان بدون نگرانی از اینکه اطلاعات شخصی و شغلی شان توسط افراد بینایی که آن را برایشان قرائت می کنند لو رود، می توانند به تنهایی از این نرم افزارها استفاده نمایند. (۱)

لوح و قلم

اگر شخصی علاقمند به آگاهی از این امر باشد که کدامین ابزار یا منبع کلیدی، سهم بزرگی در پیشرفت های مرتبط با تهیه و گسترش آن در مورد کاربران نابینا در ارتباط با رایانه و بریل داشته، باید از سهم تولید لوح و قلم در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ مطلع باشد.

این وسیله سبک که به راحتی قابل حمل در کیف است، نیاز به استفاده از همان کاغذی دارد که در دستگاه پرکینز از آن برای نوشتن استفاده می شود. همچنین سبکی آن و استفاده بی سر و صدا از آن در اماکن عمومی، دانشگاه ها و غیره نسبت به دستگاه پرکینز موجبات بیشتر پذیرفته شدن فرد نابینا را در جامعه فراهم نموده، چرا که از فاصله بین فرد نابینا با فرد بینا بسیار کاسته است و استقلال وی از کمک گرفتن از دیگران در نوشتن مطالب ضروری مانند شماره تلفن و یا نکته ای مهم را موجب گردیده است.

هنگام نوشتن با لوح و قلم، فرد برخلاف دستگاه پرکینز، از راست به چپ می نویسد. برای این امر، وی کاغذ مقوایی را در فاصله دو قسمت لوح که به واسطه لولایی به هم وصلند، قرار داده و با فشاری کوچک کاغذ را از طریق میخک های تعبیه شده در لوح، ثابت می کند.

هر خانه یا سلول لوح، جایی است که ۶ نقطه بریل با جایگشت های متفاوت، حروف، اعداد و علائم مختلف را تشکیل می دهند. از آنجا که استفاده از پرکینز آسان تر و دسترس تر است، بسیاری از استفاده کنندگان بریل تمایل دارند از آن استفاده کنند ولی باید به خاطر داشت، در مواقعی که نمی توان دستگاه پرکینز را به دلیل سنگینی آن و سر و صدای زیادش جابجا یا مورد استفاده قرار داد، لوح و قلم بهترین گزینه است.

برای باز کردن لوح و قلم و در نتیجه آزاد کردن کاغذ، کافی است که گوشه سمت راست لوح را بلند کنید تا کاغذ بی هیچ مشکلی آزاد شود.

برای نوشتن در ادامه کاغذ، کافی است لوح را در برجستگی های میخک های پایینی قرار داده و با فشار دادن مجدد آن، کاغذ را در لوح ثابت کنید. فقط مراقب باشید که به دلیل بی توجهی، خط اول سری جدید کاغذ با نوشته های خط آخر سری پیشین ادغام نشوند.

هر چند این وسیله، سرعت نوشتن دستگاه پرکینز را ندارد، استفاده از آن برای نوآموزان خط بریل پیشنهاد می گردد.

از طرفی عدم نیاز این وسیله به باتری یا برق از دیگر مزایای آن محسوب می گردد.

قابل ذکر است بیشتر کاربران لوح و قلم آن را در مواقع ضروری مورد استفاده قرار می دهند، آن هم در مواقعی که دسترسی به رایانه یا به دستگاه بریل که نیاز به باتری داشته باشد، امکان پذیر نباشد. (۱)

دستگاه تایپ پرکینز

تاریخچه ساخت وسایل تکنولوژیک برای افراد نابینا، از لوح و قلم گرفته تا دستگاه پرکینز، بسیار طولانی است، اما آنچه مهم به نظر می رسد، کمک این وسایل در دستیابی به زندگی مستقل، زندگی چند رسانه ای در دنیای مدرن که اشتغال، چند ملیتی و تکنولوژیک شده است، می باشد.

در این مسیر، دستگاه تایپ پرکینز در نظر آموزگاران، مشاوران و آموزشکاران توانبخشی جایگاهی مهم دارد. بنابراین،

کودکان و بزرگسالانی که بینایی خود را از دست داده اند و آموزش های کم و ناکافی در استفاده از آن دریافت نموده اند، مهارت های اندکی در استفاده از خط بریل کسب نموده و در نتیجه در استفاده از رایانه ها به ویژه نمایشگرهای بریل با مشکل مواجه اند.

ص: ۲۴۸

۱- . نایبایی و زندگی مستقل، ص ۸۳-۸۴.

گرچه پیشرفت‌هایی در ساخت و استفاده از نرم افزارهای گوناگون رایانه‌ای و دستگاه‌های بریل، امکان دسترسی به زندگی مستقل در جامعه را فراهم نموده‌اند، نیاز به کاربرد دستگاه‌های دستی بریل مثل لوح و قلم و پرکینز ضروری به نظر می‌رسد. دلیل روشن است، کاربرد فناوری روز رایانه‌ها و نمایشگرهای بریل نیازمند فراگیری مهارت‌های پایه است که آن هم وابسته به یادگیری از طریق وسایلی چون دستگاه بریل پرکینز می‌باشد.

این دستگاه وسیله‌ای مربع شکل، سنگین و با اندازه‌ای متوسط است که نیازی به باتری، ابزار جانبی و یا دو شاخه برق ندارد. این دستگاه برای استفاده در محیط‌های آموزشی، کاری و شخصی مناسب است.

گرچه این دستگاه سنگین است اما استفاده از آن آسان است. کافیت که کاغذ مقوایی را توسط قرقره تعبیه شده در دیواره سمت راست دستگاه به داخل دستگاه بفرستید. کلیدهایی که در جلوی دستگاه قرار گرفته‌اند برای نوشتن حروف، علائم و اعداد مورد استفاده قرار می‌گیرند. این ۷ کلید شامل کلیدهای ۶ نقطه بریل و کلید فاصله هستند. از چپ به راست به ترتیب کلیدهای ۳، ۲، ۱، کلید فاصله، ۴، ۵ و ۶ می‌باشند.

این دستگاه ویژگی و ترکیب خاص و پیچیده اضافی دیگری ندارد که دستگاه‌های پیشرفته بریل یا گویا از آن بهره‌مندند ولی بهترین وسیله یادگیری برای کسانی است که در مراحل اولیه بریل آموزی هستند.

باید ترکیب کلیدهای تولیدکننده حروف بریل محکم فشار داده شوند تا نقاطی کاملاً برجسته با کیفیت مناسب خواندن را ایجاد کنند.

بیشتر حروف شامل ترکیب‌های مختلف کلیدهای شش‌گانه هستند. به عنوان مثال، حرف «ا» با فشردن کلید ۱ که دقیقاً سمت چپ کلید فاصله قرار گرفته و حرف «ب» با فشردن کلیدهای همزمان ۱ و ۲ که در سمت چپ کلید فاصله قرار دارند، نوشته می‌شوند. (۱)

برای رفتن به خط بعدی کافی است از کلیدی که با اندکی فاصله از کلیدهای هفت‌گانه در سمت چپ دستگاه تایپ پرکینز قرار دارد، استفاده کنید و برای آمدن به ابتدای خط از مرغک استفاده نمایید. این کلید در فاصله‌ای از این کلیدها در بالای آن قرار گرفته است. مرغک نه تنها برای آمدن به ابتدای خط مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه برای ترسیم ستون‌ها، کلمات خطی و یا اعداد به آسانی نتیجه بخش است.

همانند رایانه در سمت راست دستگاه، کلیدی برای برگشت به حروف و جملات قبلی وجود دارد که این کار به آسانی با چند بار فشار دادن آن امکان‌پذیر می‌باشد. برای ایجاد ستونی از اطلاعات نیز از این کلید می‌توان کمک گرفت.

به هر حال برای فهم و یادگیری استفاده از وسایلی که ارزان بوده و به باتری یا وسیله جانبی دیگری نیاز نداشته باشد، دیدن و کار کردن حداقل مدت کمی هم که شده با دستگاه پرکینز ضروری به نظر می‌رسد.

۱- . ناینایی و زندگی مستقل، ص ۸۴-۸۵.

یادگیری و به کاربندی دستگاه بریل پرکینز برای افراد مبتدی و پیشرفته در یادگیری بریل ضروری است. این امر، فرد را در خواندن و نوشتن توانمند می سازد که خود مقدمه ای است برای یادگیری مراحل پیشرفته بریل و رایانه.

اگر شما در مسیر کمک و همراهی فرد نابینا برای یادگیری حروف بریل و دستگاه پرکینز قرار دارید، باید به فرمول اساسی بریل آگاهی داشته باشید. این فرمول شامل ۶ نقطه است و هنگام نوشتن و خواندن، می توان آنها را به راحتی حفظ و به کار برد.

آموزگاری که خط بریل را آموزش می دهد باید کاربر آن نیز باشد و بایست تجارب گسترده ای در استفاده از دستگاه های مختلف بریل داشته باشد.

اگر شما علاقمند آموزش خط بریل هستید، به کرات باید از این دستگاه ها در طی هفته های متوالی استفاده نمایید.

مشاهده فیلم هایی از یادگیری و کاربرد بریل توسط سایر آموزگاران و کاربران خط بریل در یادگیری و استفاده مهارت های مختلف وابسته به خط بریل مفید خواهد بود. هر فرد می تواند حروف و ترکیب های متنوع آن را مشاهده کند.

تکالیفی که به دانش آموز در یادگیری نوشتن حروف بریل کمک کننده است، ارائه خواهد شد.

تمرین و حفظ حروف مختلف بریل، به دانش آموز و معلم در گسترش و فهم آموزش کمک می کند و این پیشرفت در خواندن، نوشتن و پیشرفت های تکنیکی برای افراد با آسیب بینایی در کسب مهارت های زندگی مستقل ارزشمند استفاده چرا که با بهره مندی از خط بریل، فرد شخصاً اطلاعات مورد نظر را نوشته و در هنگام نیاز نیز به آنها مراجعه می نماید.

هنگام یادگیری خط بریل برای آموزش آن به فرزندان و یا دانش آموزی که با آن کار می کنید، مطمئناً از دستگاه بریل پرکینز سود خواهید جست. علت استفاده از این دستگاه آسانی آموزش با آن به جای لوح و قلم می باشد. این امر نیازمند کاربرد رایانه نیست، بنابراین دانش آموز، کودک و یا نوجوان شما که بینایی خود را به تازگی از دست داده در یادگیری خط بریل نیاز به آموختن شیوه های پیچیده ندارد.

کاغذ را در دستگاه قرار دهید و آغاز به آموزش حروف نمایید.

در اینجا حروف الفبای فارسی و نقاط تشکیل دهنده آن آموزش داده می شود. توجه داشته باشید که فشردن همزمان کلیدهای ذکر شده برای هر حرف به منظور تولید حرف قابل خواندن که به اصطلاح حروف پر رنگ نامیده می شوند، ضروری است. (۱)

اهمیت یادگیری ترکیب های گوناگون نقاط تشکیل دهنده حروف در زبان فارسی یا هر زبان دیگر، اگر کسی بخواهد آن را یاد بگیرد و در نهایت به دیگری یاد دهد، اجباری است.

اگر بتوانید به موادی که چگونگی شکل گیری هر حرف را نشان می دهد مراجعه کرده و یافته ها و مهارت هایتان را با

دروسی که به دیگران در یادگیری بریل کمک می کنند، با هم ترکیب کنید، مستقل بودن را تشویق خواهید کرد و بنابراین، اعتماد به نفس را در بسیاری از افراد با

ص: ۲۵۰

۱- . همان، ص ۸۶-۸۷.

آسیب بینایی ایجاد خواهید کرد. این امر افراد نابینا را در کسب فرصت هایی برای آینده ای پر تلاش و هدفمند آماده می سازد.

با اختراع وسایل آموزشی و کمک آموزشی وابسته به رایانه، آموزش بریل سخت تر شده، اما این امر فرد را از یادگیری آن دلسرد نمی کند. شاید به نظر آید که استفاده از رایانه کارها را آسان تر کرده، ما هم این مسئله را رد نمی کنیم، فقط تأکید می کنیم که رایانه ها در یادگیری خط بریل نقش کلیدی ندارند.

آن هنگام که به نوشتن حروف الفبای بریل تسلط پیدا کردید، به راحتی می توانید از آن برای نگارش اعداد به خط بریل استفاده نمایید. برای این کار کافی است علامت حساب و نمایانگر عدد که با فشردن کلیدهای ۳، ۴، ۵ و ۶ به دست می آید را قبل از حروفی که در ذیل به آن اشاره خواهد شد، نوشته و به این وسیله اعداد را به بریل بنویسید. به ترتیب ذیل:

با نوشتن علامت حساب قبل از حروف **a, b, c, d, f, g, h, j** به ترتیب اعداد ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ و ۰ را به بریل تولید خواهید کرد.

یادگیری نوشتن اعداد به خط بریل گام اساسی در یادگیری ریاضی برای افراد با آسیب بینایی است. این نکته را باید به خاطر بسپارید که در صورت نوشتن علامت عدد پشت حروف انگلیسی، آنها با هم اشتباه گرفته خواهند شد. همچنین نباید بین علامت عدد و حروف به منظور تولید عدد به خط بریل فاصله ای باشد.

برای نوشتن عدد ۱۰ کفایت بلافاصله پس از علامت حساب، حرف **a** و **j** را بنویسید. برای عدد ۳ رقمی مانند ۲۳۵، کافی است پس از علامت حساب حروف **b, c, e** را تایپ نمایید و الی آخر.

اگر در دوره آموزشی بریل شرکت می کنید تا پس از اخذ مدرک لازم، آن را به افراد با آسیب بینایی آموزش دهید، باید بدانید که نیاز به صرف وقت، علاقه، صبر و در نتیجه کسب آموزش دقیق و عمیق به این منظور خواهید بود. اگر اطلاعات زیادی را به یکباره فرا گیرید، نسبت به یادگیری بی میل خواهید شد که البته این خواست و هدف از آموزش نیست.

درک مفهوم عدد هنگام یادگیری نوشتن اعداد به خط بریل بسیار مهم است. اگر چنین مهارتی کسب نشده باشد، در آموزش آن به افراد نابینایی که به یادگیری آن جهت رسیدن به خودیاری و زندگی مستقل نیاز دارند، با مشکل مواجه خواهید شد. چرا که لازمه دستیابی به استقلال مالی و اعتماد به نفس ناشی از آن، مسلح بودن به مهارت های ریاضی پایه است که اساس آن برای فرد نابینا، داشتن دانش مرتبط با ریاضی به خط بریل می باشد. بنابراین، شما به عنوان والدین و یا معلم چنین کودکان و دانش آموزانی باید دل به یادگیری آن دهید تا راه را برای ایشان هموار کنید.

یادگیری کوتاه نویسی بریل نیز از دیگر مهارت هایی است که باید فرزند یا دانش آموز نابینای شما آن را فرا گیرد.

کوتاه نویسی بریل در کلمات و جملات انگلیسی بدان معنی است که با استفاده از قوانینی برخی کلمات را به نحوی بنویسیم که تعداد خانه های کمتری را اشغال نموده و ضمناً به این وسیله، سرعت خواندن را بالا ببریم.

این کوتاه نویسی برای یادگیری سخت بوده ولی می توان با تمرین، صرف وقت و ارائه راهنمایی های درست در به کارگیری کلیدهای درست خلاصه نویسی به آن دست یافت.

ص: ۲۵۱

هدف یادگیری بریل کوتاه نویسی یا خلاصه شده، ساده است. اگر علاقمند به آموزش و تشویق فرد نابینا به یادگیری آن دارید، می بایست برای فهم آن و به منظور یاد دادنش، سعی در یاد گرفتن آن نمایید.

بیشتر دروسی که برای آموزش به افراد بینا در کمک به افراد با آسیب بینایی تدوین شده اند بیش از ۲ سال طول نمی کشند. نیاز به آموزش کسانی که می خواهند روی پای خود بایستند و اعتماد به نفس خود را نیز افزایش دهند نیز روند فزاینده ای به خود گرفته است. بنابراین داشتن افرادی که صلاحیت آموزش برای رسیدن به این میل قلبی و طبیعی مستقل بودن و خود ارزشمندی را عهده دارند، مهم ترین عامل در گسترش خدمات به نفع افراد با آسیب بینایی است. (۱)

دستگاه بریل گویا

دستگاه بریل پرکینز در ساخت دستگاه رایانه ای دیگری که دستگاه بریل گویا نام دارد، نقش ویژه ای داشته است. این وسیله قابل حمل بریل اطلاعات را از بریل به نسخه چاپی تبدیل می کند. برونداد صوتی اطلاعاتی که کاربر در حافظه دستگاه نوشته است را برایش می خواند. این پیشرفت تکنولوژیک به فرد با آسیب بینایی در به کارگیری مهارت های بریلش کمک می کند. امکاناتی همچون امکان اصلاح اشتباه های دیکته ای و شمارش کلمه نیز در نسخه های جدید به آن افزوده شده است.

این دستگاه محدودیت هایی نیز دارد. نخست اینکه شخص باید درایور قابل حملی برای انتقال داده ها از دستگاه بریل گویا به سیستم دیگر، جهت چاپ آن به نسخه بینایی بخرد تا به این وسیله معلمان، دانش آموزان و سایر افراد بینا از آن استفاده نمایند. دیگر اینکه این دستگاه فاقد نمایشگر بریل است. محدود کردن دامنه توانایی کاربران در خواندن حروف یا نقاط بریل از دیگر محدودیت های آن می باشد.

این دستگاه دارای صدای ترکیبی برای خواندن اطلاعاتی است که فرد به واسطه بریل تایپ کردن وارد دستگاه می کند.

دستورهای ساده ای برای استفاده مطلوب این دستگاه باید یاد گرفته شوند. عنصر دیجیتالی یا رایانه ای به فرد، در استفاده از این وسیله بدون وابستگی به کاغذ، نوار، دیسکت و غیره کمک می کند.

هر مجموعه داده ها و مدارک، پرونده نامیده می شود که برای ایجاد آن کافی است پس از روشن نمودن دستگاه کلید فاصله را که مستطیل شکل است، فشار دهید. با فشردن نقاط ۳، ۱ و ۵ که در الفبای انگلیسی حرف «O» می باشد، می توان کلمه انتخاب شده را شنید.

برای آگاهی از دستورها می توان حرف «C» را که از نقاط ۱ و ۴ تشکیل یافته استفاده کرد. پس از نوشتن متن مورد نظر، حرف «f» و سپس «C» را جهت ایجاد پرونده تایپ کرده و اسمی را برای این پرونده انتخاب و با فشردن همزمان نقاط ۱ و ۵ که همان حرف «e» است مراحل را به پایان برسانید. با انجام این دستور شما آزادید تا از این دستگاه برای بریل کردن استفاده کنید.

کسانی که از استفاده دستگاه بریل پرکینز خوششان نمی آید، با سود بردن از ترکیب صوتی این دستگاه می توانند اطلاعات و

داده های مورد نظر را بخوانند.

ص: ۲۵۲

۱- . همان، ص ۹۰-۹۱.

همه چیز به شکل رایانه ای تنظیم گشته، بنابراین شما می توانید برای ایجاد خط خالی از کلیدهای فاصله، ۴ و ۶ استفاده کنید و برای خواندن خط قبلی کفایت از کلیدهای فاصله و کلید ۱ استفاده نمایید. برای خواندن خط بعدی نیز می توانید از کلیدهای فاصله و کلید ۴ استفاده کنید.

برای حذف حرف، کلمه و یا خطی که به اشتباه نوشته شده، از کلیدهای فاصله، ۱، ۴ و ۵ استفاده نمایید. در این هنگام ترکیب صوتی از شما می پرسد که آیا این کلمه، حرف یا خط مورد نظر را می خواهید حذف کنید و شما با اعلام بلی، حرف دلخواه را تأیید می کنید. لازم به ذکر است که بلی گفتن به حذف کلمه از این قرار است:

در ابتدا روی کلمه مدنظر قرار گرفته و سپس با فشردن نقاط ۲، ۴، ۵ و ۶ که نمایانگر حرف «W» است، فاصله و نقاط تعیین گر حرف «e» که ۱ و ۵ هستند عمل حذف را به پایان برسانید.

برای حذف یک حرف باید کلیدهای فاصله ۱، ۴ و ۵ را فشار دهید تا دستگاه از شما بپرسد که خواهان انجام چه عملیاتی هستید و شما با تایپ کردن حرف «C» که از کلیدهای ۱ و ۴ تشکیل می گردد، حذف حرف را خواهید شنید، سپس برای حذف حرف مدنظر روی آن قرار گیرید و با فشردن دومین کلید واقع در سمت چپ کلید فاصله، آن حرف را پاک کنید. در نهایت برای ذخیره کردن اطلاعات مورد نظر به راحتی با فشردن همزمان کلید فاصله و کلیدهای نماینده حرف «e» یعنی ۱ و ۵ این اطلاعات را ذخیره نمایید. پس از ذخیره کردن اطلاعات به راحتی می توانید دستگاه را بدون آنکه داده ای را از دست دهید، خاموش کنید. قابلیت چاپ اطلاعات بریل شده توسط این دستگاه به خط بینایی به طور ویژه برای آن دسته از مدرسین نابینا که به تدریس دانش آموزان بینایشان مشغول هستند، مفید است.

این وسیله موجب پیشرفت فناوری در جهتی شده که فایده آن کمک به کسانی است که علاقمند به یادگیری، اشتغال و زندگی مستقل هستند. (۱)

دستگاه نوشتاری بریل

کاربران بریل که مسافرت های زیادی دارند و در زندگی شلوغ امروزی مشغول به فعالیت هستند، می توانند از دستگاه بریل قابل حملی به نام دستگاه نوشتاری بریل استفاده کنند که نسخه پیشرفته دستگاه بریل گویا می باشد. این دستگاه علاوه بر داشتن امکانات دستگاه بریل گویا، دارای نمایشگر بریل بوده و امکان اتصال به اینترنت را هنگام خواندن بریل و یا گوش دادن به متنی که توسط صفحه خوان قرائت می شود، برای کاربر نابینا فراهم می نماید.

علاوه بر این، کاربران آن، نگرانی درباره استفاده از format های گوناگون و تبدیل پرونده های بریل به نسخه چاپی ندارند و دلیل آن اضافه شدن امکان پست الکترونیکی به این دستگاه می باشد. در ضمن این دستگاه امکان استفاده از اینترنت و پست الکترونیک را حین سفر و کار فراهم می کند.

ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که در هر حال، هنگام خرید این دستگاه و سایر امکانات تکنولوژیک، از سالم بودن و کار کردن آن اطلاع حاصل کنید، چرا که برخی از فروشندگان این وسایل، بی نقص بودن و کار کردن دستگاه را تضمین

نمی کنند.

ص: ۲۵۳

۱- . ناینایی و زندگی مستقل، ص ۹۶-۹۴.

در برخی از کشورها، امکان تهیه وسایل مورد نیاز افراد با آسیب بینایی و البته سایر معلولیت ها توسط دولت فراهم است و این امر موجب می شود که فرد معلول به دلیل گران بودن دستگاه از خرید آن صرف نظر نکند.

اگر علاقمند به خواندن کتب در سفر باشید و یا نیازمند برخی اطلاعات مرتبط با شغلتان باشید و در این مورد عجله داشته باشید و یا بخواهید بدون کمک گرفتن از دیگران به این اطلاعات دست یابید، این دستگاه بهترین گزینه است که فرد را در دستیابی به خودیاری در امر خواندن و در نتیجه بهره مندی از زندگی مستقل، یاری می کند. (۱)

چاپگر

چالش های اولیه در امر چاپ نسخه بریل، اطلاعات، کیفیت آن و طبیعت پیچیده دستگاه و نرم افزار بود. بسیاری از دستگاه های بریل، محصولات بریل با کیفیت های بهتر تولید کرده اند.

بازدهی این دستگاه ها در رونویسی از کتاب های چاپی به خط بریل توسط چاپگرهای بریل، بهترین شیوه دسترسی افراد نابینا به منابع مکتوب مورد نیاز در مدرسه، محل اشتغال و سایر اماکن در محیط زندگیشان می باشد.

با توجه به اینکه انواع مختلف دستگاه ها و چاپگرهای بریل در بازار موجود است، با توجه به نیاز و امکان مالی باید بهترین انتخاب را برای فرزند یا دانش آموز خود داشته باشید.

چاپگر بریل لیزری که بیشتر مواقع در کتابخانه ها و مراکز بزرگ برای رونویسی و چاپ کتب بریل مورد استفاده قرار می گیرد، امکان داشتن کتاب با تعداد بیشتر و با کیفیت بهتر را فراهم می نماید.

اگر افراد نابینا نحوه استفاده از این دستگاه ها را برای تولید کتاب بریل بیاموزند، می توانند به تدریج پیشرفت کرده و به راحتی و مستقلانه در هر جای دنیا که باشند، زندگی کنند.

افراد نابینا همانند کودکان و بزرگسالان بینا دوست دارند به زندگی مستقل، فعال و اهداف مترقیانه دست یابند. می دانیم که دستیابی به این هدف این افراد مشکل است، چرا که ایشان موانع مختلفی در غلبه بر جهانی که افراد با مشکل بینایی در آن زندگی می کنند را درک و تجربه کرده اند.

به خاطر همین است که افراد متخصص، معلمین، والدین و خود افراد با آسیب بینایی همواره در تلاش اند راه های بهتر و ثمر بخش تری را برای نیل به این هدف بیابند. (۲)

فناوری مدرن در خدمت قرآن بریل

بعد از ۱۳۷۰ کم کم متون بریل و از جمله قرآن بریل در معرض تحولات جدیدتر قرار گرفت. فناوری الکترونیکی مشخصاً چهار ابتکار و نوآوری جدید به وجود آورد، یکی تبدیل فایل بریل به صوت و برعکس قرآن گویا به قرآن بریل و کلاً تبدیل بریل به هرگونه امکان دلخواه و برعکس، تبدیل سامانه های موجود به بریل ابتکاری بود که توانست بریل را متحول سازد و

استفاده از آن را بیشتر و دسترس پذیری آن را گسترش دهد.

ص: ۲۵۴

۱- . همان، ص ۹۶-۹۷.

۲- . ناینایی و زندگی مستقل، مریم اصغری، ص ۷۸-۹۷.

دومین اختراع بشر تصویربرداری از متون بریل و تبدیل این تصاویر به برنامه دلخواه بود. وسایل الکترونیکی که اغلب به قلم نامیده می شود، به بازار آمد که با حرکت روی سطرهای قرآن مثل چشم انسان کلمات و آیات را به حافظه منتقل می کرد، آنگاه کاربر می تواند این بایگانی ها را هر شکلی که نیاز دارد عرضه می کند. مثلاً به صورت صوت یا به صورت نوشته پرینت کند یا اصلاً در حافظه نگهداری نماید و بعداً ترجمه کند و با ترجمه اش عرضه نماید. ابتکار سوم بهره گیری و استفاده از سامانه های انتقال دهنده الکترونیکی است. قبلاً قرآن بریل چاپ اردن را اگر می خواستیم در ایران استفاده کنیم، چاره ای نداشتیم جز اینکه متن کاغذی آن قرآن به ایران منتقل شود و در اینجا مطالعه شود بعد از چند دهه متن قرآن به صورت فایل قابل انتقال شد و قرآن بریل اردن را می توانستیم به صورت فایل و روی فلاپی یا CD منتقل کنیم اما در دوره جدیدتر و اکنون، می توان متن قرآن بریل را همزمان با تولید، در هر نقطه جهان از طریق اپلیکیشن های مخابراتی و ارتباطاتی دریافت کرد و مشاهده کرد. متن قرآن بریل در زمانی که در اردن تولید می شود، همزمان در ایران و در همه کشورها مشاهده و استفاده کرد؛ درست مثل اینکه در ایران تولید می شود.

ابتکار و اختراع چهارم کیبورد و مانیتورهای لمسی است. یعنی نقطه های برجسته برد زیر دست و جلوی تایپست نابینا ظاهر می شود و او می توان با لامسه به اصلاح و تایپ متن بریل اقدام کند بدون اینکه از صوت و برنامه ای مثل جاوز استفاده کند.

این اختراعات هر چند هنوز در ایران فراگیر نشده ولی در حال گسترش است و با فراگیر شدن آن حتماً شاهد تحولات گسترده در فرهنگ و جامعه نابینایان هستیم.

اکنون به معرفی این تحولات می پردازیم، البته درصدد هستیم این تحولات فقط در حوزه قرآن بریل باشد و به همه متون و همه علوم فعلاً کاری نداریم.

آلاء الرحمن في تفسير القرآن، محمدجواد بلاغی، قم، مؤسسه العثه، ۱۴۱۹ق/ ۱۳۷۸ش.

آن سوی تاریکی، پری زنگنه، تهران، کتابسرا، ۱۳۸۷.

«آوای هوشمند قلم»، توان نامه، تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۴۶-۲۴۷.

ابابصیر مؤسسه آموزشی نابینایان، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۶.

الابجدیه الفینیقیه و الخط العربی، الیاس البیطار، دمشق، ۱۹۹۷م.

الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، تحقیق فواز احمد زمرلی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۷ق.

اداره العوق البصری، جزوه، ۲۴ص.

«از رسم الخط پر علامت تا رسم الخط کم علامت»، سید مهدی سیف، رشد آموزش قرآن، شماره ۲۶، پاییز، ۱۳۸۸، ص ۳۷-۴۳.

استاد محمدحسن وجدانی نژاد فعال در جامعه و فرهنگ نابینایان، علی نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵.

الاصول من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱ق.

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب، تهران، کتابفروشی اسلامی.

اعجاز بیانی قرآن، عائشه عبدالرحمن بنت الشاطی، ترجمه حسین صابری، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۶ش.

أعیان الشیعه، السید محسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.

امکان سنجی: به کارگیری دی زی در کتابخانه ها و مراکز نابینایان شهر تهران، زهرا آقایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، رشته کتابداری، ۱۳۹۰.

«انتقاد ادبی»، عباس اقبال آشتیانی، مجموعه مقالات عباس اقبال، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۷۸.

ایضاح الوقف و الابتداء، ابوبکر ابن الأنبازی، دمشق، مجمع اللغه العربیه، ۱۹۷۱م.

«بایسته ها درباره قرآن به خط بریل»، محمد نوری، توان نامه.

بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمدباقر مجلسی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق؛ ۱۴۲۳ق.

برخوردی نو با کهن ترین خط اسلامی، مهرداد شوقی حق دوست، پایان نامه دوره کارشناسی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ۱۳۷۸ش.

«بررسی تعامل و تقابل بین دو حوزه قرائت و کتابت قرآن از عصر نزول تا تشیع قرائت»، محمدرضا حاجی اسماعیلی، مجله مطالعات اسلامی، ش ۴۶، تابستان ۱۳۸۴، ص ۴۵-۴۶، ش ۸۶، تابستان ۱۳۸۶.

بررسی علمی - تطبیقی رسم المصحف و ضبط المصحف (شیوه نگارش و علامت گذاری قرآن کریم)، ابراهیم پور فرزیب (مولایی) و دیگران، هران، مرکز طبع و نشر قرآن جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴ش.

بررسی مسائل و مشکلات دانش آموزان آموزشگاه نابینایان شهید محبی، محمدخسرو بیگی، پایان نامه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه، ۱۳۷۹.

البرهان فی علوم القرآن، بدرالدین محمد بن عبدالله زرکشی، تحقیق ابی الفضل الدیامتی، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۲۷ق.

ص: ۲۵۷

بگذارید روی پای خودم بایستم، ترجمه هاشمی پور، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۸.

البيان في تفسير القرآن، ابوالقاسم خویی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا.

البيان في عدّ آی القرآن، عثمان بن سعید دانی، به کوشش غانم قدوری الحمد، کویت، ۱۴۱۴ق.

پژوهشی در رسم المصحف، حسین تفکری، تهران: انتشارات پیام عدالت، چاپ اول تاریخ ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد ابن خلدون (بی تا)، بیروت: منشورات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

«پکتوس تولید کننده تجهیزات روشندان»، شرکت پکتوس، توان نامه، تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۴۳-۲۴۶.

پیروزی بر شب: سرگذشت لویی بریل، ژ. کریستان، ترجمه سیروس طاهباز، تهران، انتشارات کانون پرورش فکری، ۱۳۶۶.

«تأثیر خط بریل عربی در فارسی»، نادر جهانگیری و دیگران، الدراسات الادبیه (الجامعه اللبنانیه)، شماره های ۶۷-۶۹، ۲۰۰۹.

تاریخ الخط العربی و آدابہ، محمدطاهر کردی، قاهره، ۱۳۵۸ق.

تاریخ القراء العشره و رواتهم، عبدالفتاح قاضی، مدینه منوره، وزاره الاوقاف، بی تا.

تاریخ القرآن و غرائب رسمه و حکمه، محمدطاهر الکردی (۱۳۶۵ق)، جده: مطبعه الفتح، بی تا.

تاریخ القرآن، ابو عبدالله زنجانی (۱۴۱۰ق)، تحقیق: محمد عبدالرحیم، دمشق؛ دارالحکمه. ۱۳۸۸ق.

تاریخ المدینه المنوره، عمر ابن شبنه، تحقیق فهیم محمد شلتوت.

«تاریخ تحولات خط بریل در ایران»، محمد نوری، توان نامه، ش ۴-۶، ص ۵-۱۳.

تاریخ توثیق نصّ القرآن الکریم، خالد عبدالرحمن عک، بیروت، الشركه المتحدہ للتوزیع.

تاریخ جمع قرآن کریم، سید محمدرضا جلالی نائینی، نشر سخن، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.

تاریخ خط، آلبرتین گاور، ترجمه عباس مخبر و کوروش صفوی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۷ش.

تاریخ قرآن کریم، سید محمداقرا حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ نهم، ۱۳۷۵ش.

تاریخ قرآن، محمدهادی معرفت، تهران، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۷۵ش. ۱۳۸۳ش.

تاریخ قرآن، محمود رامیار، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ش. چاپ چهارم، ۱۳۷۹ش.

تاریخ نگارش های عربی، فؤاد سزکین، ترجمه نشر فهرستگان، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ش.

«تاریخ ورزش نابینایان در ایران»، بهرام جدیدی و زهرا شاهی، سایت اینترنتی فدراسیون ورزش های جانبازان و معلولین کشور.

تأویل مشکل القرآن، محمد بن مسلم ابن قتیبه، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۵۴م.

التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.

التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، مرکز نشر الکتب، ۱۳۹۵ق.

تحول روانی، آموزش و توانبخشی نابینایان، محمد رضا نامنی، تهران، نشر سمت.

التذکار فی افضل الاذکار، محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۸م.

«ترجمه و شرح قصیده عقیده اتراب القصائد»، تصحیح سید حسین مرعشی، گنجینه بهارستان ۱۵ (علوم قرآنی و روایی ۳)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ش.

التسهیل لعلوم التنزیل، محمد بن احمد ابن جزی الکلبی، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۳ق.

التفسیر البیان للقرآن الکریم، محمدجواد بلاغی، قاهره، دارالمعارف، ۱۳۸۸ق.

تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه، چاپ اول.

تفسیر روحانی، محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۶ش.

تفسیر نوین، محمد تقی شریعتی، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۴.

التمهید فی علوم القرآن، محمد هادی معرفت، تهران، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۵ش؛ ۱۴۱۷ق؛ چاپ چهارم، ۱۴۲۵ق.

الجامع البیان فی تأویل آی القرآن، محمّد بن جریر طبری، تحقیق احمد عبدالرزاق بکری، محمد عادل محمد، محمد عبداللطیف خلف و محمود مرسى عبدالحمید با مقابله محمود محمد شاکر و احمد محمد شاکر، قاهره، دارالسلام، چاپ چهارم، ۱۴۳۰ق.

الجامع لعلوم القرآن، عبدالله ابن وهب، بروایه سحنون بن سعید (درگذشت ۲۴۰ق)، به کوشش میکوش مورانی، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۲۰۰۳م.

جزوه آموزشی قواعد بریل، محمدرضا نامنی.

جزوه آموزشی نگارش قرآن مجید، سید مهدی صادقی نژاد.

جزوه آموزشی، گردآوری، تدوین و تثبیت علائم و نشانه های بریل، سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور.

جهود المملكة العربيه السعوديه في مجال طباعه القرآن الكريم للمكفوفين بطريقه برايل، ناصر بن علي الموسى، جزوه، ۲۰ص.

الحججه في علل القرائات السبع، ابو علي فارسي، بيروت، دارالكتاب العربي، ۱۹۶۵م.

الخط و الكتابه في الحضاره العربيه، يحيى وهيب جبوري، بيروت، ۱۹۹۴م.

«خط»، جمعی از نویسندگان، دانشنامه جهان اسلام، تهران، ۱۳۹۰، ج ۱۵، ص ۵۶۶-۶۰۹.

دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۵، مقالات خط و خطاطی.

دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، بهاءالدین خرمشاهی، تهران، انتشارات دوستان و ناهید، ۱۳۷۷.

دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ.

دائرة المعارف خط بریل، مجری محمدرضا ظروفی، ناظر مسعود گلچین، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۷۸.

دراسه فی اللغه و اللّهجات و الاسالیب، یوهان فکک، العربیّه، ترجمه عبدالحلیم نجّار، ۱۹۵۱م.

درآمدی بر تاریخ قرآن، مجید معارف، تهران، انتشارات نبأ.

درسنامه علوم قرآنی، سطح ۱، حسین جوان آراسته (۱۳۷۸ش)، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چاپ سوم.

دکتر خزائلی قانون گذار روشندان، قدرت الله عفتی، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۱.

دلیل الحیران شرح مورد الظمان، ابراهیم بن احمد التونسی مارغنی، قاهره، دارالقرآن، ۱۹۷۴م.

الذریعه، آقا بزرگ تهرانی، قم، اسماعیلیان.

«راهبردهای آموزش قرآن در سیره نبوی و مقایسه آن با شیوه های نوین آموزشی»، محمدعلی لسانی فشارکی، محسن رجبی، صحیفه مبین، ش ۲۴، ۱۳۸۷ش.

رساله احیاء الخط (الکوفی)، زین العابدین صوفی، ۱۳۲۲ق.

«رسم الخط قرآن کریم»، هادی قابل (۱۳۷۶ش)، فصلنامه بینات، ش ۳.

رسم الخط مصحف، غانم قدوری الحمد، ترجمه یعقوب جعفری، نشر اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۶ش.

رسم المصحف و الاحتجاج به فی القرائات، عبدالفتاح شلبي، قاهره، مکتبه نهضه مصریه، ۱۹۶۰م.

«رسم المصحف: ویژگی ها و دیدگاه ها»، محسن رجبی، مجله مشکوه، شماره ۱۰۴، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۸-۴۸.

رسم المصحف، غانم قدوری الحمد، بغداد، اللجنة الوطنیه، ۱۴۰۲ق.

رشد آموزش معارف اسلامی، مجله، شماره های متعدد.

روانشناسی و آموزش کودکان نابینا، پرویز شریفی درآمدی، تهران، گفتمان خلاق، ۱۳۷۹.

روزنامه ایران، ش ۵۴۸۷، ۲۳ مهر ۱۳۹۲.

«زمینه های صدور روایات احرف سبعة»، محسن رجبی، مطالعات اسلامی، ش ۲۷، ۱۳۸۵ش.

سازمان بهداشت جهانی، ترجمه گروه پژوهشی ناشنوایی و نابینایی، آموزش نابینایان و افراد دارای مشکل بینایی، ۱۳۷۸.

سیر تاریخی آموزش و پرورش استثنایی در ایران، احمد امیدوار، تهران، سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۷۸.

السیره النبویه، عبدالملک ابن هشام، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م.

سیری گذرا در آموزش و بهزیستی نابینایان، محمدرضا نامنی، تهران، بی تا، ۱۳۶۳.

صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، ریاض، دارالسلام، چاپ دوم (یک جلدی)، ۱۴۱۹ق.

«ضرورت اجرای فراگیر سازی آموزش و پرورش در ایران»، ابوالفضل سعیدی، تهران، تعلیم و تربیت استثنایی.

الطبقات الکبری، ابن سعد، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۸ق/۱۹۷۷م.

«طرح گسترش دسترسی همگانی و به اشتراک گذاری بریل»، محمد نوری، توان نامه، ش ۴-۶، ص ۲۰۰-۲۰۴.

علائم و نشانه های بریل در زبان های مختلف، انتشارات یونسکو.

علم کتابه العربیه، عبدالله ربیع محمود، ط ۱، قاهره، ۱۹۹۲م.

علوم القرآن عند المفسرین، به قلم جمعی از نویسندگان، قم، مرکز الثقافه و المعرفه القرآنیه، ۱۴۱۶ق.

علوم قرآنی، محمدهادی معرفت، قم، مؤسسه فرهنگی انتشارات التمهید، چاپ اول، ۱۳۷۸ش؛ التمهید و سمت، ۱۳۷۹.

علی اکبر جمالی اسوه جامعه روشندان با نیم قرن تلاش، علی نوری، تهران، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۶.

غایه النهایه فی طبقات القراء، محمد بن محمد ابن جزری، به کوشش برگشتراسر، قاهره، مکتبه المتنبی.

غرائب القرآن و رغایب الفرقان، حسن بن محمد نیشابوری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.

غیث النفع، علی النوری صفاقسی، دمشق، دارالفکر، ۱۳۹۸ق.

فتوح البلدان، احمد بن یحیی بلاذری، به کوشش رضوان محمد رضوان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۷۸م.

الفروغ من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۱ق.

فرهنگ و جامعه معلولان شیراز، به کوشش علی نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵.

فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمکه و ما انزل بالمدينه، محمد بن ایوب ابن ضریس، به کوشش غزوه بدیر، دارالفکر، ۱۹۸۸م.

فضائل القرآن، ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل، مصر، مطبعه المنار، ۱۳۴۷ق.

فضائل القرآن، ابو عبید قاسم بن سلّام هروی، به کوشش مروان العطیه، محسن خرابه و وفاء تقی الدین، دمشق - بیروت، دار ابن اکثیر.

فعالیت های قرآنی جامعه معلولان، محمد نوری، قم، دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۵.

الفقه حول القرآن الحکیم، سید محمد حسینی شیرازی، قم، انتشارات قرآن.

الفهرست، محمد بن اسحق ابن ندیم، تحقیق رضا تجدد، طهران، ۱۳۵۰ش.

فهرستگان کتاب های بریل ایران، ۱۳۷۷؛ کتابشناسی منابع گویا و بریل، ایران، ۱۳۸۱.

فیض الرحیم فی قراءات القرآن الکریم، محمد سعید لحام، بیروت، عالم الکتب، ۱۹۷۸م.

قراء سبعة و گزارش قرائت مشکوه ایشان، محمدعلی لسانی فشارکی، پایان نامه دکتری دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.

القراءات القرآنیه، عبدالهادی فضلی، بیروت، دار القلم، ۱۹۸۰م.

القرآن الکریم: معرفی نسخه های خطی قرآن عرضه شده در جشنواره بزرگ جهان اسلام (لندن - ۱۹۷۶م)؛ به کوشش مارتین لینگز و یاسین حامد صفدی، با همکاری کتابخانه ملی بریتانیا، ۱۹۷۶م.

القرآن المجید، محمد عزه دروزه، صیدا و بیروت، المكتبة العصریة.

قرآن در اسلام، محمدحسین طباطبایی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳ش.

قرآن نویسان و گزیده قرآن های نفیس ایرانی، محمد علیدوست، تهران، آراد، ۱۳۷۴، ۲۴۳ص.

الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.

کتاب السبعه فی القرائات، ابوبکر احمد بن موسی ابن مجاهد، به کوشش دکتر شوقی ضیف، مصر، دارالمعارف، ۱۹۷۲م.

کتاب المصاحف، عبدالله ابن ابی داود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م.

کتاب تاریخ القرآن الکریم، محمدطاهر کردی، جدّه، ۱۳۶۵ق.

کتابت و رسم الخط قرآن کریم، محمدعلی کوشا، جزوه.

کتابشناسی خط فارسی، کاظم استادی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۹۰.

الکتب المطبوعه بطریقه برایل فی مصر، سمیره خلیل محمد خلیل، جزوه.

الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر زمخشری، قاهره، المكتبه التجاریه الکبری، ۱۹۵۳م.

کشف الظنون، حاجی خلیفه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲م.

کلک قدسی، کمال حاج سید جوادی، تهران، سازمان چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹ش.

کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، علی بن حسام متقی هندی، به کوشش صفوه السقا و بکر حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م.

کودکان استثنایی، محمود پاکزاد، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۶.

کودکان و نوجوانان دارای ضایعات بینایی، زاهد حسینی و عبدالحسین تفضلی مقدم، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰.

کودکان: آسیب بینایی و آموزش تلفیقی، کریستین آرتر و دیگران، ترجمه محمد احمدپناه، تهران، نرجس، ۱۳۸۳

«گاتا پردازش متن، گفتار و تصویر»، توان نامه، تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۴۵-۲۴۹.

لسان العرب، ابن منظور، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.

لغت نامه، دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.

مباحث فی علوم القرآن، الصالح صبحی، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش.

«متون آموزشی به خط بریل: تاریخ تحولات و مراحل گسترش بریل آموزشی»، هاجر شعاعی، توان نامه، ش ۴-۶، ص ۲۹-۳۴.

مجله بصیرت، تهران، چاپ سازمان بهزیستی، شماره های مختلف.

مجله توان نامه

مجله رشد آموزش معارف اسلامی

مجله گنجینه بهارستان

مجله مشکوه

مجله مطالعات اسلامی

مجله نور عالم، ش ۴ و ۵، ۱۳۳۱.

مجموعه نرم افزاری بریل و گویا: آموزش مقدماتی نوید ۵ و پکچاز ۸، تهران، پکتوس، ۱۳۸۶.

«محرومیت نابینایان از حمایت ناشران مصاحبه با محمد خوانین زاده مدیر رودکی»، باشگاه خبرنگاران جوان، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۵.

المحکم فی نقط المصاحف، ابو عمرو دانی، به کوشش عزه حسن، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م.

المرشد الوجیز، ابوشامه مقدسی، به کوشش طیار آلتی قولاج، بیروت، دار صادر، ۱۹۷۵م.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۷ق.

ص: ۲۶۱

المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبداللہ حاکم نیشابوری، حلب، مکتب المطبوعات الاسلامیہ.

«مصاحبه با علامہ آیت اللہ حسن زادہ آملی»، بینات، ش ۲، ۱۳۷۳ ش.

المصاحف، ابن ابی اولاد سجستانی، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۹۷۱ م.

معجم القراءات القرآنیہ، مع مقدمہ فی القراءات و اشہر القراء، احمد مختار عمر؛ مکرم، عبدالعال سالم، ایران، انتشارات اسوہ، ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۱ م.

معجم متن اللغہ، احمد رضا، بیروت، دار مکتبہ الحیاء، ۱۳۷۷ق / ۱۹۵۸ م.

معرفہ القراء الکبار علی الطبقات و الاعصار، محمد بن احمد ذہبی، بہ کوشش بشار عواد معروف و دیگران، بیروت، مؤسسہ الرسالہ، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۸ م.

«معرفی بخش نابینایان کتابخانہ آیت اللہ خامنہ ای»، بنت الہدی موحدی، فصلنامہ دانش شناسی انجمن علمی دانشجویی کتابداری و اطلاع رسانی دانشگاه پیام نور، قم، ش ۸، بہار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۶۸-۷۲.

«معرفی مأخذشناسی های خط بریل»، الہہ نوری، توان نامہ، ش ۴-۶، ص ۱۴۷.

«مقایسہ رسم المصحف و رسم الاملاء»، علی اکبر ربیع نتاج، پژوهش های تعلیم و تربیت اسلامی، سال دوم، ش ۴، زمستان ۸۷، ص ۱۵۶-۱۶۰.

مقدمات زبانشناسی، مہری باقری، دانشگاه تبریز، ۱۳۶۷ ش.

مقدمہ المبانی فی نظم المبانی و مقدمہ ابن عطیہ (مقدمتان فی علوم القرآن)، بہ کوشش آرتور جفری، مصر، مکتبہ الخانجی، ۱۹۵۴ م.

مقدمہ ابن خلدون، عبدالرحمن ابن خلدون، ترجمہ محمد پروین گنابادی، تہران، بنگاہ ترجمہ و نشر کتاب، ۱۳۴۷ ش.

مقدمہ ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنایی، غلامعلی افروز، انتشارات دانشگاه تہران، ۱۳۶۴.

المقنع فی رسم مصاحف الامصار مع کتاب النقط، ابو عمرو دانی، تحقیق، محمدصادق قمحاوی، قاہرہ، مکتبہ الکلیات الازہریہ.

المقنع فی معرفہ مرسوم مصاحف اهل الامصار، عثمان بن سعید دانی، دمشق، دارالفکر، ۱۹۷۲ م.

مناہل العرفان فی علوم القرآن، محمد عبدالعظیم زرقانی، بہ کوشش احمد شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۴۲۴ق.

منهل العطشان فی رسم احرف القرآن، طاهر ابن عرب اصفهانی، تصحیح سید حسین مرعشی، گنجینه بهارستان ۵۱ (علوم قرآنی و روانی ۳)، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ش.

منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، زین الدین بن علی عاملی، شهید ثانی، به کوشش سید احمد حسینی، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۲ق.

میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، سید حسین مدرّسی طباطبایی، دفتر اول، ترجمه علی قرائی و رسول جعفریان، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۳ش.

نابینایی و زندگی مستقل، مریم اصغری، تهران، آوای نور، ۱۳۹۱.

نثر المرجان فی رسم نظم القرآن، محمد غوث نائطی ارکاتی، حیدرآباد - دکن، مطبعه عثمان پریس؛ بی جا، بی تا.

نخستین گام: راهنمای علمی آموزشی پدران، مادران و مربیان کودکان نابینا و کم بینا، محمدرضا نامنی و شهره فلاح کسمایی، تهران، سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ۱۳۷۳.

النشر فی القرائات العشر، شمس الدین محمد ابن جزری، مصر، مکتبه التجاریه الکبری، بی تا.

نشریه تلاوه، کوالامپور مالزی.

نصوص فی علوم القرآن، به کوشش سید علی موسوی دارابی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۰ش.

نظام الحکومه النبویه (التراتب الاداریه)، عبد الحی کتّانی، بیروت، دارالکتاب العربی.

ص: ۲۶۲

«نظرات فی رسم المصحف»، علی ابراهیم محمد، مجله الازهر، سنه ۶۹، ربیع الثانی ۱۴۱۷، جزء ۴، ص ۴۷۷-۴۸۵.

«نقد و بررسی روایات تحریف در کتاب فصل الخطاب»، محمدباقر بهبودی، مجله حوزه، سال ۱۱، ش ۲ (خرداد - تیر ۱۳۷۳).

نقد رسم الخط عثمان طه از قرآن، محمدعلی کوشا.

نقد و بررسی نظام نوشتاری بریل فارسی و ارائه راهکارهایی برای رفع برخی ایرادهای این نظام، نرجس منفرد، استادان ابوالقاسم قوم و میرسجاد موسوی، کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۹.

«نقدی بر مقاله رسم المصحف و ویژگی ها و دیدگاه ها»، جواد آسه، مجله مشکوه، ش ۱۰۷، تابستان ۱۳۸۹.

«نگرشی به رسم الخط قرآن کریم: رسم المصحف»، کریم دوانی، فروغ وحدت، سال سوم، ش ۱۱، ۱۳۸۷، ص ۵۶ به بعد.

وب سایت الجزیره

وب سایت ایکننا

وب سایت بنیاد اندیشه اسلامی

وب سایت پژوهشکده تعلیم و تربیت

وب سایت جامعه المصطفی

وب سایت رحماء

وب سایت فرهنگستان زبان و ادب فارسی

وب سایت کتابخانه اسکندریه

وب سایت کتابخانه ملی ایران

الوجیز فی معرفه الكتاب العزیز (مقدمه آلاء الرحمن)، محمدجواد بلاغی، تحقیق محمد مهدی نجف، مجمع تقریب مذاهب، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

هنر خط و تذهیب قرآنی، مارتین لینگز، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران، انتشارات گزوس، ۱۳۷۷ش.

مقدمه. ۹

نگاهی به این کتاب.. ۱۱

بخش نخست: کتابت قرآن کریم

فصل اول: دانش رسم المصحف... ۱۵

تعریف و ماهیت.. ۱۵

پیدایش... ۱۶

اولین آثار در رسم المصحف... ۱۷

ویژگی های خط نگارشی قرآن و جایگاه رسم. ۱۸

ابزار نگارش... ۱۸

خط رایج در عصر نبوی.. ۲۰

نتیجه گیری.. ۲۱

علت پیدایش رسم المصحف.. ۲۱

رسم عثمانی.. ۲۱

فصل دوم: تاریخ تحولات... ۲۵

دوره رسالت.. ۲۵

روایات تاریخی.. ۲۶

دیدگاه مرحوم شریعتی.. ۲۶

خط در مدینه. ۲۷

علل اختلاف نسخه ها ۲۸

رای دکتر صبحی صالح.. ۲۹

پس از رحلت تا اتمام عصر عثمانی.. ۳۰

مصحف های صحابه. ۳۰

مصحف امام علی (ع). ۳۳

مصحف زید بن ثابت... ۳۳

موضع امام علی (ع) در مورد مصاحف... ۳۴

دوره عثمانی (۲۵ تا ۳۰ ق). ۳۶

ویژگی های عصر عثمانی.. ۳۷

خط کتابتی.. ۳۸

اعجام و نقطه گذاری.. ۳۸

دیدگاه کاشفی سبزواری درباره رسم الخط مصحف عثمان.. ۳۹

ص: ۲۶۵

بررسی این دیدگاه. ۴۰

تطابق رسم و قرائت در این دوره. ۴۱

نظریه عبدالهادی فضلی.. ۴۱

نقد حاج اسماعیلی.. ۴۲

مراحل یکسان سازی.. ۴۴

دیدگاه مرحوم آیت الله معرفت... ۴۵

دیدگاه دکتر صبحی صالح.. ۴۷

دیدگاه محمدعلی کوشا ۴۸

دوره پس از مصاحف عثمانی تا پیدایش ابن مقله (۳۰ تا سده چهارم قمری) ۴۹

پیدایش مبتکران و مخترعان خط.. ۵۰

ابن مقله و خط او. ۵۰

ابن بواب و آراء او. ۵۱

دیگر فعالیت ها ۵۱

سده پنجم تا سیزدهم قمری.. ۵۲

مبتکران و فعالان این دوره. ۵۳

یاقوت مستعصمی.. ۵۳

سهروردی.. ۵۴

ارغون کاملی.. ۵۴

ابراهیم سلطان.. ۵۴

بایسنغر میرزا ۵۵

احمد نیریزی.. ۵۵

میرعلی هروی.. ۵۵

دوره جدید. ۵۶

کشورهای فعال.. ۵۶

ایران.. ۵۶

سوریه. ۵۷

مصر. ۵۸

رسم الخط عثمان طه. ۵۹

گسترش عثمان طه در ایران.. ۵۹

دیدگاه سید مهدی سیف... ۵۹

نقش ایران در گسترش عثمان طه. ۶۱

نقش عربستان در توسعه رسم الخط عثمان طه. ۶۱

زمینه های فکر و طرح رسم الخط کم علامت... ۶۲

رسم الخط کم علامت در مدارس... ۶۲

ملاحظه و بررسی.. ۶۴

مشکلات رسم الخط عثمان طه از نظر محمدعلی کوشا ۶۵

فهرست اشکالات.. ۶۵

مطالعات و ابتکارات مدرن.. ۷۳

شیوه ابداعی.. ۷۴

تاریخچه ضبط.. ۷۴

ضبط پیشنهادی.. ۷۵

ص: ۲۶۶

فصل سوم: کلمات اختلافی ... ۷۹

تقسیم چهارگانه کلمات اختلافی .. ۷۹

عدم تطابق رسم و املاء. ۸۰

قسمت اول: حذف ... ۸۰

حذف الف ... ۸۱

حذف الف ممدوده. ۸۱

حذف الف جمع .. ۸۲

حذف یاء. ۸۲

حذف واو. ۸۲

حذف لام. ۸۲

حذف نون .. ۸۲

قسمت دوم: زیادت .. ۸۲

زیادت الف ... ۸۲

زیادت یاء. ۸۲

زیادت واو. ۸۲

قسمت سوم: ابدال .. ۸۳

ابدال «الف» به «واو». ۸۳

ابدال «الف» به «یاء». ۸۳

ابدال «یاء» به «الف». ۸۳

ابدال «ه» به «ت». ۸۳

ابدال نون تأکید خفیفه به تنوین .. ۸۳

ابدال تنوین به نون .. ۸۳

ابدال «س» به «ص» .. ۸۳

قسمت چهارم: مقطوع .. ۸۳

قسمت پنجم: موصول .. ۸۴

قواعد عام رسم المصحف .. ۸۴

دیدگاه علمای شیعه .. ۸۷

اقوال اهل سنت .. ۹۱

ضابطه مندی و توجیه .. ۹۳

ملاک های معتبر

نزد صحابه یا قراء .. ۹۴

ریشه اختلافات نگارشی .. ۹۶

اختلاف و تنوع در رسم الخط قرآن ناشی از اشتباه کاتبان وحی .. ۹۶

اختلاف به دلیل کم سوادی کاتبان وحی و ضعف خط و ابتدایی بودن آن .. ۹۸

رسم الخط قرآن تحت تأثیر اختلاف قرائت قاریان مشهور .. ۹۹

رسم الخط قرآن بازتاب حفظ سنت های نگارشی خط عربی .. ۱۰۰

توفیقی بودن رسم الخط قرآن مجید .. ۱۰۰

اختلاف رسم به جهت اختلاف معنا .. ۱۰۲

نقد دیدگاه رجیبی .. ۱۰۲

بخش دوم: مصحف بریل در ایران

فصل اول: ورود بریل و تاریخ نشر قرآن بریل .. ۱۰۹

زمینه های آشنایی .. ۱۰۹

ورود خط بریل به ایران و استفاده محدود (دوره نخست: ۱۲۹۹-۱۳۳۱). ۱۱۰

تصویب رسمی و گسترش همگانی (دوره دوم: ۱۳۳۱-۱۳۶۰). ۱۱۲

افزایش نقش دولت و محدودیت مراکز مردمی (دوره سوم: ۱۳۶۱-۱۳۸۰). ۱۱۵

ضرورت کوتاه نویسی .. ۱۱۶

دسترسی همگانی به وسایل و تجهیزات .. ۱۱۷

تریت آموزگاران و مربیان .. ۱۱۷

گسترش در همه علوم و فنون .. ۱۱۸

ورود به عرصه های عالی فرهنگ و جامعه (دوره چهارم: ۱۳۸۱ تاکنون). ۱۱۹

گسترش بریل آموزشی .. ۱۲۱

تعریف مشکلات بینایی .. ۱۲۱

آموزش نابینایان و توسعه خط بریل .. ۱۲۲

چاپ و نشر متون بریل .. ۱۲۵

فصل دوم: آسیب شناسی قرآن بریل .. ۱۲۷

شناخت ابعاد و جوانب .. ۱۲۷

تاریخ نگاری .. ۱۲۸

جایگاه تاریخ نگاری قرآن .. ۱۲۹

تولید قرآن بریل .. ۱۲۹

درباره قرآن بریل.. ۱۳۰

کوتاه نویسی.. ۱۳۰

همسان سازی.. ۱۳۱

مدیریت... ۱۳۳

قرآن مبدأ ۱۳۳

اقتصاد بریل.. ۱۳۴

خلاصه و نتیجه گیری.. ۱۳۵

فصل سوم: همسان سازی قرآن بریل در ایران.. ۱۳۷

دستاوردها در زمینه رسم الخط قرآن کریم. ۱۳۷

قواعد کتابت... ۱۳۸

دستاوردها و نتایج.. ۱۳۸

قواعد و ضوابط.. ۱۳۹

حرکات چهارگانه. ۱۴۰

همزه و الف... ۱۴۰

تنوین.. ۱۴۰

تای گرد. ۱۴۱

تشدید. ۱۴۱

پایه همزه. ۱۴۱

ص: ۲۶۸

علامت مدّ. ۱۴۱

مقطعه ها ۱۴۱

وقف و علائم آن.. ۱۴۲

ادغام. ۱۴۳

حزب.. ۱۴۳

دیگر نکته ها ۱۴۳

شیوه شناسی برجسته نگاری قرآن کریم. ۱۴۴

علائم خط برجسته اسلامی در حرکات.. ۱۴۵

وقف و علائم آن.. ۱۴۷

نظام نوشتاری قرآن بریل فارسی.. ۱۴۹

نخستین فعالیت رسمی برای همسان سازی.. ۱۵۰

جلسه تدوین آیین نامه برای همسان سازی.. ۱۵۱

یکم مهرماه به عنوان روز تاریخی یکسان سازی.. ۱۵۲

نام نشست و محل آن.. ۱۵۳

حضار و مذاکرات.. ۱۵۳

پیشنهادات.. ۱۵۴

متن آیین نامه. ۱۵۵

فعالیت دیگر کشورها ۱۵۹

فصل چهارم: قرآن ملی... ۱۶۱

طاهر خوشنویس، خطاط مشهور ایرانی.. ۱۶۱

نیریزی خطاط قرآن کریم. ۱۶۲

عثمان طه. ۱۶۳

کتابت قرآن کریم. ۱۶۳

مقایسه و نتیجه گیری.. ۱۶۴

فصل پنجم: فعالیت های سازمان یافته ایرانیان.. ۱۶۷

دوره نخست خط بریل در ایران. ۱۶۷

دوره ورود دولت.. ۱۶۹

مدرسه اصولی، ۱۳۳۸. ۱۷۲

تأسیس آموزشگاه رضا پهلوی، ۱۳۴۳. ۱۷۳

گزارش ویکی پدیا ۱۷۴

چند دهه جدید. ۱۷۵

مؤسسه رودکی تهران. ۱۷۵

قرآن های بدون ترجمه. ۱۷۶

قرآن های با ترجمه. ۱۷۶

مأخذشناسی قرآن.. ۱۷۷

مجتمع خزائلی، ۱۳۴۴. ۱۸۰

آموزشگاه رودکی اهواز، ۱۳۴۵. ۱۸۴

آموزشگاه شوریده شیرازی شیراز، ۱۳۴۴. ۱۸۵

مؤسسه آموزشی ابابصیر اصفهان، ۱۳۴۸. ۱۸۸

مدرسه امید مشهد، ۱۳۶۳. ۱۸۹

مدرسه حضرت عبدالعظیم سلام الله علیه شهر ری، ۱۳۶۵. ۱۹۰

مجتمع زرگس و مجتمع محبی تهران، ۱۳۵۹. ۱۹۰

مجتمع آموزشی پویا کرج، ۱۳۶۴. ۱۹۱

بخش نابینایان کتابخانه ملی ایران تهران، ۱۳۸۲. ۱۹۲

بنیاد قرآنی روشندلان اصفهان. ۱۹۳

کارنامه. ۱۹۴

کتابخانه آیت الله خامنه ای قم. ۱۹۶

کتابخانه الکترونیک... ۱۹۶

کتابخانه گویا ۱۹۶

کتابخانه بریل.. ۱۹۶

چاپخانه بریل.. ۱۹۶

استودیو ضبط صدا ۱۹۷

دیگر فعالیت ها ۱۹۷

آخرین وضعیت... ۱۹۷

دفتر فرهنگ معلولین، ۱۳۹۰. ۱۹۸

امتیازات و اهمیت... ۱۹۸

ویژگی های فنی.. ۱۹۹

رونمایی و پخش... ۲۰۰

تعطیلی پروژه. ۲۰۰

دانشگاه فردوسی (تاک) ۲۰۰

جامعه نابینایان ثامن الائمه مشهد. ۲۰۱

کارنامه. ۲۰۲

بخش سوم: مصحف بریل در جهان

فصل اول: توسعه فرهنگی با خط و متون بریل.. ۲۰۷

افزایش بهره دهی بریل.. ۲۰۷

شیوه افزایش بهره دهی.. ۲۰۷

هدف و ضرورت.. ۲۰۸

هزینه ها ۲۰۹

پیشرفت ها و دستاوردها ۲۰۹

فصل دوم: وضعیت قرآن بریل در کشورهای اسلامی... ۲۱۵

آفریقای جنوبی.. ۲۱۵

اردن. ۲۱۵

کارنامه. ۲۱۵

گزارش فعالیت های قرآنی در عرصه بریل.. ۲۱۸

ازبکستان. ۲۲۰

الجزایر. ۲۲۰

ص: ۲۷۰

اندونزی.. ۲۲۰

بوسنی.. ۲۲۲

تاجیکستان. ۲۲۲

ترکیه. ۲۲۲

روسیه. ۲۲۳

عربستان سعودی.. ۲۲۴

قطر. ۲۲۷

کویت.. ۲۲۷

لیبی.. ۲۲۸

مالزی.. ۲۲۸

مراکش... ۲۲۹

مصر. ۲۳۰

آمارها ۲۳۱

فعالیت های پژوهشی.. ۲۳۱

پیامدها ۲۳۲

کتابخانه اسکندریه. ۲۳۲

قرآن بریل.. ۲۳۳

یمن.. ۲۳۵

دیگر نقاط جهان اسلام. ۲۳۵

فصل سوم: تجربه آموزی... ۲۳۷

پرکینز. ۲۳۷

مأخذشناسی متون بریل.. ۲۳۷

نشریات.. ۲۳۸

بریل پژوهی.. ۲۳۹

نتیجه گیری.. ۲۳۹

فصل چهارم: اطلاع رسانی... ۲۴۱

کنفرانس بین المللی قرآن های بریل.. ۲۴۱

توسعه بریل.. ۲۴۴

سایت قرآن بریل.. ۲۴۴

سایت کتاب.. ۲۴۵

برایل عربی.. ۲۴۵

شبکه الألوکه. ۲۴۵

فصل پنجم: فناوری های قرآن بریل.. ۲۴۷

نرم افزار کرزویل.. ۲۴۷

لوح و قلم. ۲۴۷

دستگاه تایپ پرکینز. ۲۴۸

دستگاه بریل گویا ۲۵۲

دستگاه نوشتاری بریل.. ۲۵۳

ص: ۲۷۱

چاپگر. ۲۵۴

فناوری مدرن در خدمت قرآن بریل.. ۲۵۴

منابع و مأخذ. ۲۵۷

فهرست تفصیلی... ۲۶۵

ص: ۲۷۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

